

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فصلنامه علمی

مطالعات راهبردی ورزش و جوانان

● شماره: ۵۶ ● تابستان ۱۴۰۱

● شاپای الکترونیکی: ۲۸۲۱-۱۲۸۶

● شاپای چاپی: ۲۸۲۱-۱۲۷۸

● صاحب امتیاز: وزارت ورزش و جوانان

● مدیر مسئول: رضا نیک بخش

● سردبیر: سید نصراله سجادی

● مدیر داخلی و ویراستار: زهرا کمالیان

● صفحه آرا: مهدیه منصوری

مرکز مطالعات و پژوهشی های راهبردی

● بزرگراه آفریقا، خیابان سایه، پلاک ۴، ساختمان شماره ۲ وزارت ورزش و جوانان

● تلفن: ۲۲۶۶۲۳۶۹، دورنگار: ۲۲۶۶۲۲۶۰

● رایانامه: strategic.studies@msy.gov.ir

● سامانه ارسال مقاله: <http://faslname.msy.gov.ir>

● اقتباس و درج مطالب با ذکر ماخذ آزاد است

۳/۱۸/۸۰۳۳

فصلنامه مطالعات راهبردی ورزش و جوانان دارای اعتبار علمی - پژوهشی از وزارت
علوم، تحقیقات و فناوری است و در پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC) نمایه می شود.
۱۳۹۳/۱/۲۵

هیئت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا)

سید عبدالحمید احمدی

دانشیار تربیت بدنی (فیزیولوژی ورزشی) جهاد دانشگاهی

محمد جوادی پور

دانشیار برنامه ریزی درسی گروه روش ها و برنامه های آموزشی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران

سید نصراله سجادی

استاد تربیت بدنی (مدیریت و برنامه ریزی) گروه مدیریت ورزشی دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه تهران

غلامرضا شعبانی بهار

استاد تربیت بدنی (مدیریت و برنامه ریزی) گروه مدیریت و برنامه ریزی در تربیت بدنی دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه علامه طباطبائی

رسول صادقی

دانشیار جامعه شناسی گروه جمعیت شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران

فرزاد غفوری

دانشیار تربیت بدنی (مدیریت و برنامه ریزی) گروه مدیریت و برنامه ریزی در تربیت بدنی دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه علامه طباطبائی

کوروش فتحی واجارگاه

استاد برنامه ریزی درسی گروه آموزش عالی دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید بهشتی

رضا قراخانلو

استاد تربیت بدنی (فیزیولوژی ورزشی) گروه تربیت بدنی دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس

شهلا کاظمی پور

دانشیار جامعه شناسی گروه جمعیت شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران

عباسعلی گائینی

استاد تربیت بدنی (فیزیولوژی ورزشی) گروه فیزیولوژی ورزشی دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه تهران

مشاوران علمی و همکاران این شماره:

امیر حسین واعظی، حسن کلاشلو، مهدی شکرانی، رضا صابونچی، زین العابدین فلاح، مظفر یکتایار، شهرام علم، اکبر آفرینش خاکی، مجید سلیمانی، حسین زارعیان، شمس الدین رضائی، فرزاد نوبخت، علی همتی عقیف، مهدی سلیمی، مهدی نادری نسب، سید مصطفی طیبی ثانی، محمد هادی توکلی، مهدی مومنی، محمد سررشته داری، فراز موسوی، علی فهیمی نژاد، محمد علی نودهی، باقر مرسل، رسول طریقی، مجید نامور، حسن عبدی، ایمان صفائی، فریبرز فتحی، مجید جاوید، احمد محمودی، امین راجی، مجید کیانی، آرام مرادی، ستار پروین، جعفر سطوتی، محمد مهدی شمسایی، حسن قراباغی، فریبا محمدیان، زهرا نوبخت رضائی، فریده شریفی فر، طیبه زرگر، ناهید طالبی، معصومه کلاته سیفری، زینب مندعلی زاده، ماهرخ دهقانی، فاطمه فاضلی دینان، افسانه روحانی، آزاده ناصریان، فهیمه میرزائی، مریم کریمی، الهام فسنتری، شهلا کاظمی پور، فهیمه نظری، آذر رشتیانی و مستوره صداقت.

اهداف فصلنامه:

۱. ارتقای دانش علمی و بررسی نقادانه سیاست ها و برنامه های موجود
۲. کمک به سیاست گذاری و برنامه ریزی در حوزه ورزش و جوانان
۳. بررسی مسائل و چالش های فراروی جوانان و ورزش کشور با ارائه راهکار های نوین و مفید در این زمینه ها
۴. انعکاس جدیدترین یافته های جوان پژوهی و ورزشی در داخل و خارج کشور

شرایط چاپ مقالات:

۱. مقالات ارسالی نباید برای هیچ نشریه داخلی یا خارجی ارسال یا در آن ها چاپ شده باشد.
۲. مقالات ارسالی، به هیچ وجه مسترد نخواهد شد و پس از طی مراحل ارزیابی و تأیید علمی داوران به چاپ خواهد رسید.
۳. در رد یا پذیرش مقالات و ویرایش مطالب و تغییر عناوین، آزاد است.
۴. مسئولیت مطالب، با نویسندگان است.

راهنمای تنظیم مقالات

فصلنامه مطالعات راهبردی ورزش و جوانان

۱. مقاله های قابل پذیرش در فصلنامه عبارت اند از گزارش های علمی از مطالعات تحقیقی که شامل چکیده فارسی و انگلیسی، مقدمه، روش، یافته ها، بحث و تفسیر، نتیجه گیری و منابع باشند.
۲. حجم مقاله ها باید بین ۱۵ تا ۲۰ صفحه (A4 هر صفحه حدود ۴۰۰ واژه) و در فرمت word 2007 به پایین با فونت 14 Blotus تایپ شده باشد.
۳. ساختار مقاله ها باید شامل اجزای زیر باشد:
 - صفحه عنوان: ضروری است که عنوان کامل مقاله در کوتاه ترین و زیباترین شکل، نام کامل نویسندگان، بالاترین مدرک، مقطع و رشته تحصیلی، دانشگاه یا سازمان متبوع و رتبه علمی یا پست سازمانی هر یک از نویسندگان (به فارسی و انگلیسی)، نشانی پستی، تلفن ثابت، تلفن همراه، نمابر و نشانی الکترونیکی نویسنده مسئول درج شود.
 - چکیده فارسی و انگلیسی: لازم است که چکیده ای سازمان یافته حداکثر در ۲۵۰ واژه، به زبان فارسی و انگلیسی در بر گیرنده بخش های هدف، روش، یافته ها و نتیجه گیری به صورت فشرده و منعکس کننده اهم مطالب مقاله به همراه ۳ تا ۶ کلمه به عنوان واژگان کلیدی (به گونه ای که مقاله بر مبنای آن نمایه سازی شود) ارائه گردد.
 - مقدمه: شامل طرح مسئله، پیشینه تحقیق، خلاصه ای از تعاریف، اصول، تئوری ها، مجهولات بجا مانده از تحقیقات قبلی، چارچوب نظری، فرضیه ها یا پرسش ها، نتایج، بحث و منابع به صورت کامل ارائه گردد.
 - روش: شامل تبیین روش تحقیق، جامعه آماری، روش نمونه گیری و ابزار های پژوهش است.
 - یافته ها: یافته های حاصل از روش های آماری می تواند به صورت متن، جدول (شماره و عنوان در بالای آن) و نمودار (شماره و عنوان در زیر آن) ارائه شود - تعداد جدول ها و نمودارها نباید بیشتر از ۶ عدد باشد.
 - بحث و نتیجه گیری: ضمن مقایسه یافته های حاصل از این تحقیق با تحقیقات قبلی از منظر شباهت ها و تفاوت ها، به درستی یا نادرستی فرضیه ها و هدف تحقیق اشاره گردد. ۱- منابع: تمامی مقاله ها باید دارای منابع مستند، صحیح و مرتبط باشند و از آنجا که بررسی صحت و سقم تمامی منابع برای اعضای هیئت تحریریه و داوران ممکن نیست، مسئولیت این امر بر عهده نویسنده مسئول می باشد.
- همچنین، لازم است که منابع مورد استفاده، جدید و از سال ۲۰۰۵ به بعد باشند.
۴. ارجاعات به منابع فارسی و انگلیسی باید به شیوه درون متنی (APA) در داخل پرانتز و به شیوه زیر باشد: (نام خانوادگی مولف، سال انتشار منبع: شماره صفحه یا صفحات) - چنانچه از نویسنده ای در یک سال، بیش از یک اثر منتشر شده باشد، با ذکر حروف الفبا پس از سال انتشار از یکدیگر متمایز شوند.
۵. معادل غیر فارسی واژه های تخصصی، اسامی افراد یا مکان ها، کوتاه نوشت ها و سر واژه ها، در پاورقی هر صفحه با شماره گذاری مستقل ذکر شود.

۶. هر گونه توضیح اضافی ضروری به ترتیب شماره، در پی نوشت انتهای مقاله، پیش از فهرست منابع بیاید.

۷. فهرست منابع (فارسی یا غیر فارسی) در انتهای مقاله به ترتیب الفبایی نام خانوادگی مولف به شکل زیر تنظیم شود:

الف. کتاب: نام خانوادگی مولف، نام. (سال انتشار). عنوان کتاب. نام و نام خانوادگی مترجم (در صورت لزوم). محل انتشار: ناشر

ب. مقاله: نام خانوادگی مولف، نام. (سال انتشار). «عنوان مقاله». نام و نام خانوادگی مترجم (در صورت لزوم). نام مجله. سال یا دوره، شماره.

ج. مجموعه مقالات: نام خانوادگی مولف، نام. (سال انتشار). «عنوان مقاله». نام و نام خانوادگی مترجم (در صورت لزوم). در (In) نام و نام خانوادگی ویراستار مجموعه. عنوان مجموعه. محل انتشار: ناشر.

د. رساله تحصیلی: نام خانوادگی مولف، نام. (سال تدوین). «عنوان مقاله». نام و نام خانوادگی مترجم (در صورت لزوم). در (In) مقطع تحصیلی، دانشکده و دانشگاه محل تحصیل.

ه. پایگاه اینترنتی: نام خانوادگی مولف، نام. (آخرین زمان به روز نمودن سایت). «عنوان مقاله». نشانی پایگاه اینترنتی (تاریخ مراجعه به پایگاه)

مرکز مطالعات و پژوهش های راهبردی

فهرست

طراحی مدل صحنه‌گذاری افراد مشهور ورزشی (آزمون مدل وانگ و اسپچن‌بوم در محصولات لبنیاتی شرکت میهن)

نرگس بخشعلی دهکردی، رضا نیک بخش، ابوالفضل فراهانی، علی محمد صفانیا ۹

شناسایی و رتبه‌بندی معیارهای مسئولیت مدنی در حقوق ورزشی

هادی کاظمی، جواد شهبلائی باقری، سعید صادقی بروجردی، حبیب هنری ۲۷

تحلیل کلان روندهای کلیدی مؤثر بر آینده ورزش حرفه‌ای بانوان با رویکرد تحلیل ساختاری

پرستو رضایی، محمد پورکیانی، سید صلاح الدین نقشبندی، محسن باقریان ۳۹

واکاوی عوامل سازمانی و محیطی پدیده سقف شیشه‌ای در مدیریت ورزش بانوان ایران

عاطفه حبیبی راد، حبیب هنری، غلامرضا شعبانی بهار، سارا کشکر ۵۷

تدوین توسعه الگوی عوامل ساختاری ورزش قهرمانی فدراسیون کاراته

محمد باتوانی، حمید فروغی پور، محمد نیکروان، نجف آقائی ۷۵

بررسی وضعیت توسعه فوتبال پایه کشور براساس برنامه فوتبال گرسروتر

رضا خجسته اقبال، مجید جلالی فراهانی، ابراهیم علیدوست قهفرخی ۹۱

نقش میانجی‌گری نگرش ورزشی در رابطه علی با جهت‌گیری ورزشی بازیکنان لیگ والیبال ایران

مژگان احمدیان، اکبر آفرینش خاکی، رضا نیک بخش ۱۱۱

الگوهای ذهنی بازیکنان لیگ یک فوتبال ایران در زمینه عملکرد تیمی با روش کيو

رمضان کریمی، سعید صادقی بروجردی، بهرام یوسفی ۱۳۳

حق بر حریم خصوصی ورزشکاران در مقررات بین‌المللی مقابله با دوپینگ از نگاه دیوان اروپایی حقوق بشر

بیثا حمزوی آزاد، محمد ستایش پور ۱۵۳

شناسایی مولفه‌های مربیگری ورزش ایران

علیرضا زمانی نوکاآبادی، شهرام عرفوف زاد، رسول نظری، احمدرضا موحدی ۱۶۹

طراحی الگوی عوامل مؤثر بر فساد اداری- مالی در سازمان‌های ورزشی

علی نقی انصاری، سید احسان امیرحسینی، مهرزاد حمیدی ۱۹۹

شناسایی و رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر مشارکت در فعالیت‌های خیریه از سوی خیرین ورزش یار

ابراهیم دلدار، قدرت الله باقری راغب، آریتا شهپرتوفیق ۲۱۳

اثرات توسعه سرمایه‌گذاری بر توانمندسازی اقتصادی صنعت ورزش ایران

ابوالفضل امامی، فرشاد امامی، مصطفی افشاری ۲۲۹

نقش دولت در توسعه بکارگیری انرژی تجدیدپذیر در اماکن ورزشی (یک مطالعه آمیخته اکتشافی با روش فراترکیب)

صمد گودرزی، قدرت الله باقری راغب، ابراهیم علیدوست قهفرخی، حمیدرضا یزدانی ۲۵۵

طراحی مدل آسیب‌شناسی برنامه ریزی اوقات فراغت با رویکرد فعالیت بدنی در استان تهران

محسن اسمعیلی، طهماسب شیروانی، شمس الدین رضائی، مصطفی افشاری ۲۷۵

تبیین مدل کسب و کار لیگ برتر فوتبال ایران بر اساس هستی‌شناسی استروالد

خیام اکبری اصل هاسونی، یعقوب بدری آذرین، محمدرسلول خدادادی ۲۹۵

شناسایی عوامل استحکام‌بخش ازدواج در فرهنگ ایران

اردشیر کیانی، شکوه نوابی نژاد، خدابخش احمدی، داود تقوایی ۳۱۳

طراحی الگوی مولفه‌های رهبری عاطفه‌بنیاد در جهت جذب جوانان به مشارکت در برنامه‌های آموزشی

داریوش حیدری، الهام کاویانی، فرانک موسوی، سوسن لایی ۳۳۵

تعیین‌کننده‌های اجتماعی و فرهنگی جرم در بین جوانان استان البرز: مرور سیستماتیک

علی‌اصغر اسماعیل‌زاده ۳۵۳

تبیین جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر نگرش به عملکرد توسعه‌ای دولتمردان در ایران (از دیدگاه دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه‌های دولتی

و غیر دولتی شهر زنجان)

پرویز ملکی، چنور ظهراهی، ذبیح‌اله صدقی، علیرضا جهانگیری ۳۶۹

طراحی مدل صحه‌گذاری افراد مشهور ورزشی (آزمون مدل وانگ و اسچین‌بوم در محصولات لبنیاتی شرکت میهن)

نرگس بخشعلی دهکردی^۱

رضا نیک بخش^۲

ابوالفضل فراهانی^۳

علی محمد صفانیا^۴



10.22034/SSYS.2022.2244.2608

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۱۲/۳

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۴/۱۲

هدف از این پژوهش، طراحی مدل صحه‌گذاری افراد مشهور ورزشی (آزمون مدل وانگ در محصولات لبنیاتی شرکت میهن) بود. پژوهش حاضر، توصیفی از نوع همبستگی و مبتنی بر مدلسازی معادلات ساختاری بود. جامعه آماری این تحقیق را مصرف‌کنندگانی تشکیل می‌دادند که محصولات لبنیاتی شرکت میهن را (محصولاتی که توسط ورزشکارانی از جمله سید مهدی رحمتی و مهدی مهدوی کیا صحه‌گذاری شده بود) خریده بودند. در این تحقیق حجم نمونه مبتنی بر نرم‌افزار برآورد حجم نمونه SPSS Sample Power ۳۶۰ نفر برآورد شد که به‌صورت در دسترس انتخاب شدند. برای اندازه‌گیری متغیرها از پرسشنامه وانگ و همکاران (۲۰۱۸) استفاده گردید. جهت اطمینان از روایی ابزارهای مورد استفاده به‌ترتیب از روایی صوری و روایی سازه و

۱- دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲- دانشیار، گروه مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

E-mail: R_nikbakhsh@azad.ac.ir

۳- استاد، مدیریت ورزشی، دانشگاه پیام نور، ایران

۴- استاد، گروه تربیت بدنی و علوم ورزشی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

● طراحی مدل صحه‌گذاری افراد مشهور ورزشی (آزمون مدل وانگ و اسپچین‌بوم در محصولات لبنیاتی شرکت میهن)

جهت اطمینان از پایا بودن آن‌ها از آلفای کرونباخ و برای آزمون فرضیه‌ها از مدل‌سازی معادلات ساختاری استفاده شد.

بر مبنای یافته‌های تحقیق، با حذف مسیرهای غیرمعیاردار الگوی نظری (تئوریک) با الگوی تجربی سازگار تشخیص داده شد. همچنین مشخص شد اعتبار منبع به صورت مستقیم بر اعتبار برند ($\beta = 0/739$, $t = 34/547$)، قصد خرید ($\beta = 0/283$, $t = 5/102$) و نگرش به برند ($\beta = 0/694$)، نگرش به برند به صورت مستقیم بر قصد خرید ($\beta = 0/572$, $t = 11/386$) تأثیر دارد. علاوه بر این، نقش میانجی نگرش به برند در ارتباط بین اعتبار منبع و قصد خرید معنادار بود ($\beta = 0/397$, $t = 10/526$). در مقابل تأثیر اعتبار برند بر قصد خرید ($\beta = 0/095$, $t = 1/463$) و نقش تعدیل‌گر درگیری در ارتباط بین اعتبار برند و قصد خرید ($\beta = 0/047$, $t = 0/762$) به لحاظ آماری معنادار نبود. بنابراین نتیجه لازم است شرکت میهن در انتخاب افراد مشهور ورزشی جهت صحه‌گذاری محصولات لبنیاتی خود اعتبار منبع را که شامل سه عامل جذابیت، قابل اعتماد بودن و تخصص است به عنوان مبنای انتخاب در نظر بگیرد.

۱۰

واژگان کلیدی: افراد مشهور، اعتبار منبع، درگیری مصرف‌کننده، صحه‌گذاری، قصد خرید و نگرش به برند.

مقدمه

ورزش با مطرح کردن ارزش‌های جدید اجتماعی، پا به عرصه دانش اقتصاد و هنر گذاشته است. جذابیت‌های پیدا و پنهان ناشی از این تحول موجب برانگیختن احساسات و به‌وجود آمدن گرایش‌های خاصی در بین تمامی جوامع نسبت به ورزش شده است، به‌طوری‌که به‌منظور دستیابی مؤثر به تجارت جهانی، شرکت‌ها از فرصت‌های بازاریابی مختلفی به طور خاص صحنه‌گذاری محصولات توسط ورزشکاران بهره می‌گیرند (نظری، محمودی، قربانی و فخری عنایت، ۱۴۰۰). صحنه‌گذاری^۱ یک استراتژی بازاریابی معتبر قلمداد می‌شود که توسط فرد مشهور با هدف متقاعد کردن مشتریان استفاده می‌شود (هاردیان‌آواتی^۲، ۲۰۲۲). و در حال حاضر بسیاری از شرکت‌ها از این سیاست جهت تبلیغ محصولات خود استفاده می‌کنند (گیورل-آتی^۳، ۲۰۲۲).

براساس ادبیات تحقیق صحنه‌گذاران را بر دو مبنای میزان اشتها و نوع فعالیت حرفه‌ای می‌توان دسته‌بندی کرد. در بعد اشتها صحنه‌گذار از بعد دامنه نفوذ و در بعد نوع فعالیت صحنه‌گذار براساس حرفه‌ای که در آن فعالیت می‌کند تعریف می‌شود، در این بین صحنه‌گذاری توسط چهره‌های مشهور ورزشی مبنی بر اینکه ۶۰ درصد صحنه‌گذاری‌ها توسط آنها انجام می‌شود غالب‌ترین نوع صحنه‌گذاری است (حسنی، گودرزی، جلالی، فراهانی و علی دوست قهفرخی، ۱۳۹۷). چرا که ورزشکاران مشهور تأثیر مثبت بیشتری بر نگرش مردم دارند، میزان وفاداری مصرف‌کنندگان را به یک برند خاص افزایش می‌دهند و اینکه با صحنه‌گذاری محصولات توسط این افراد فرایند انتقال معنا بهتر صورت می‌گیرد (به‌نوش، نیلر و دیکسون^۴، ۲۰۱۸). شایان ذکر است صحنه‌گذاری شامل سه بخش فروشندگان، صحنه‌گذاران و مشتریان هدف است. فروشنده از صحنه‌گذار می‌خواهد که محصول او را استفاده یا ارزیابی کند؛ صحنه‌گذار محصول را امتحان و استفاده می‌کند و سرانجام صحنه‌گذار مشتریان هدف را برای توجه به محصول ترغیب می‌نماید (اسپک، شومن، تامپسون^۵، ۱۹۸۸).

بر مبنای نظریه اعتبار منبع^۶ همه پیام‌های که به‌منظور نفوذ در مصرف‌کنندگان تهیه و انتشار می‌یابند به یک اندازه تأثیر می‌گذارند، در مقابل عوامل خاصی درکار هستند که اثر آنها را افزایش می‌دهند یا مانع تأثیر آنها می‌شود و یا تأثیرات آنها را کاهش می‌دهند (لی، لیو، کِلر-همیلتون، پاترسون، ویدال، وازکویز-اوترو و استیونز^۷، ۲۰۲۲). اولین اصل نظریه اعتبار منبع، تخصص^۸ است. تخصص درجه‌ای از مهارت، دانش و آگاهی است که فرد صحنه‌گذار دارد (وانگ و اسپچین‌بوم^۹، ۲۰۱۸)، همچنین نوعی صلاحیت منبع است که به‌طور مثبت بر سطح اعتماد، نگرش به برند و قصد خرید مصرف‌کننده تأثیر می‌گذارد (سیمرز، دامرون-مارتینز و هایکتو^{۱۰}، ۲۰۰۹).

1. endorsement

2. Hardianawati

3. Gurel-Atay

4. Behnoosh, Naylor & Dickson

5. Speck, Schumann, Thompson

6. source-credibility theory

7. Lee, Liu, Keller-Hamilton, Patterson, Wedel, Vázquez-Otero & Stevens

8. expertise

9. Wang & Scheinbaum

10. Simmers, Damron-Martinez & Haytko

● طراحی مدل صحه‌گذاری افراد مشهور ورزشی (آزمون مدل وانگ و اسپچین‌بوم در محصولات لبنیاتی شرکت میهن)

بر مبنای یافته‌های مطالعه آموس، هولمز و استروتون^۱ (۲۰۰۸) زمانی که مصرف‌کننده متوجه می‌شود فرد مشهور صحه‌گذار دارای سطح بالایی از تخصص است به احتمال زیاد تبلیغ انجام گرفته او را متقاعد می‌کند. دومین اصل نظریه اعتبار منبع قابل اعتماد بودن^۲ است که تحقیقات گذشته آن را فرایند انتقال معنا در تأیید افراد مشهور تعریف کرده‌اند و از آن به عنوان ویژگی‌های باورپذیر بودن و صادق بودن نام می‌برند که صحه‌گذار داراست و توسط مصرف‌کنندگان قابل مشاهده هست (روی^۳، ۲۰۱۸). بر مبنای یافته‌های مطالعه (لورد، پوتریو و کالینز^۴، ۲۰۱۹) زمانی که مصرف‌کننده به این نتیجه برسد منبع ارسال کننده پیام قابل اعتماد است به احتمال زیاد او پیام دریافت شده را باور می‌کند. سرانجام سومین اصل نظریه اعتبار منبع جذابیت^۵ است (وانگ و اسپچین‌بوم، ۲۰۱۸). جذابیت معرف ظاهر فرد، آراستگی و زیبایی فرد است و به طور مستقیم بر اثربخشی پیام ارسال شده تأثیر می‌گذارد و موجب افزایش قصد خرید دریافت‌کننده پیام می‌شود (آموس و همکاران، ۲۰۰۸).

شایان ذکر است مؤلفه‌های موصوف در مدل اعتبار منبع محتمل است باعث افزایش ارتقای نگرش مصرف‌کننده نسبت به برند صحه‌گذاری شده شوند (وانگ و اسپچین‌بوم، ۲۰۱۸). نگرش به برند^۶، یک مفهوم مهم مرتبط با رفتار مصرف‌کننده است که می‌تواند به عنوان یک ارزیابی نسبتاً پایدار از یک نام تجاری، منجر به تقویت رفتار مصرف‌کننده بشود (فلاحی و سلیمانی، ۱۳۹۸). تحقیقات گذشته نشان می‌دهد نگرش به برند از طریق صحه‌گذاری یک فرد مشهور تأثیر مثبتی بر محصول دارد (گونگ^۷، ۲۰۲۰؛ کوکو، فورودی، تورتورا، هیوساین و میلرو^۸، ۲۰۱۹؛ چاودی، ثیروثیا، ویشوانتا و واتکیری^۹، ۲۰۲۱). افزون بر این، مؤلفه‌های نامبرده در مدل اعتبار منبع، احتمالاً منجر به افزایش اعتبار برند نیز می‌شوند (وانگ و اسپچین‌بوم، ۲۰۱۸). اعتبار برند به عنوان باورپذیری اطلاعات منتقل شده توسط برند تعریف می‌شود و مستلزم آن است مصرف‌کنندگان درک کنند که برند موردنظر توانایی و تمایل به ارائه مستمر آنچه وعده داده شده را دارد (اردم، اسویت و والنزویلا^{۱۰}، ۲۰۰۶). تحقیقات گذشته نشان می‌دهند اعتبار صحه‌گذار متعاقباً به برند منتقل می‌شود و از این جهت اعتبار آن افزایش پیدا می‌کند (لی، چانگ و ژانگ^{۱۱}، ۲۰۲۱؛ هیومن‌رامیرز و مرونکا^{۱۲}، ۲۰۲۱).

علاوه بر این، شواهدی وجود دارد دال بر اینکه نگرش به برند و اعتبار برند محصولات صحه‌گذاری شده توسط فرد مشهور افزایش قصد خرید مصرف‌کننده را به همراه دارد (وانگ و

1. Amos, Holmes & Strutton
2. trustworthiness
3. Roy
4. Lord, Putrevu & Collins
5. attractiveness
6. brand attitude
7. Gong
8. Cuomo, Foroudi, Tortora, Hussain & Melewar
9. Chavadi, Sirothiya, Vishwanatha & Yatgiri
10. Erdem, Swait & Valenzuela
11. Lee, Chang & Zhang
12. Huaman-Ramirez & Merunka

اسچین بوم، ۲۰۱۸). قصد خرید^۱، قصد خرید نوعی تصمیم است که بررسی می‌کند چرا مصرف‌کننده یک برند خاص را خریداری می‌کند (ویسمولر، هاریگن، وانگ و سوتار^۲، ۲۰۲۰). تحقیقات گذشته نشان می‌دهد ارتباط مثبتی بین نگرش به برند و اعتبار برند محصولات صحنه‌گذاری شده با قصد خرید وجود دارد (للی، ال‌مامون، هایت، صلامح، یانگ و علی^۳، ۲۰۲۲، سوکی^۴، ۲۰۱۴).

سرانجام اینکه درگیر شدن مصرف‌کننده^۵، با محصول یا خدمت ارائه شده یک عامل مؤثر است، چرا که درگیری مصرف‌کننده به‌طور غیرمستقیم بر روابط اعتبار منبع و نتیجه آن که برآمده از تأیید فرد مشهور است تأثیر می‌گذارد (وانگ و اسچین بوم، ۲۰۱۸). درگیری مصرف‌کننده اشاره به اهمیت درک‌شده محصولات یا خدمات خاص براساس نیازها، ارزش‌ها و علایق مشتریان دارد (میچالیدو و دیب^۶، ۲۰۰۸). و زمانی که مشتریان با محصول درگیر شوند تمایل بیشتری از خود برای وفاداری و قصد خرید نشان می‌دهند (دیکوس و لایوکینی^۷، ۲۰۲۱؛ حسین، ادنان و خان^۸، ۲۰۲۱).

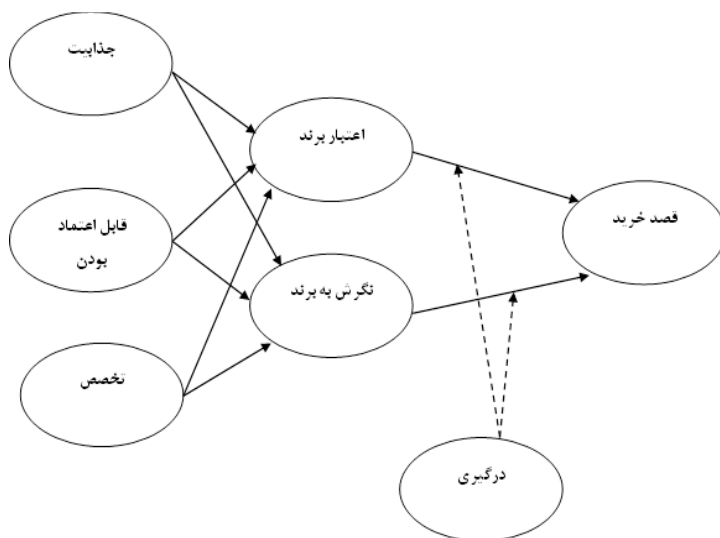
در نتیجه ممکن است درگیری مصرف‌کننده اثرات نگرش به برند و اعتبار برند بر قصد خرید محصول یا خدمات را تعدیل کند. با این حال باید بررسی شود در چه سطحی از درگیری این اتفاق رخ می‌دهد.

با اقتباس از آنچه که بیان شد و با علم به اینکه در تبلیغات به کرات گفته می‌شود «هیچ چیزی مانند سلبریتی نمی‌فروشد^۹»، اما پژوهش‌گران حوزه تبلیغات هشدار داده‌اند که صرف استفاده از افراد مشهور جهت صحنه‌گذاری محصولات «لزوماً دستورالعملی برای موفقیت نیست^{۱۰}» (تیلور^{۱۱}، ۲۰۱۶)؛ و در پنج سال گذشته تبلیغات برخی از شرکت‌ها توسط افراد مشهور ضعیف بوده است، با این حال ۲۰ درصد از تمامی تبلیغات تلویزیونی که به‌طور سنتی معادل ۱۰ درصد از تمامی هزینه‌های تبلیغاتی می‌شود به افراد مشهور اختصاص دارد (وانگ و اسچین بوم، ۲۰۱۸)، لازم است مشخص شود کدامیک از جنبه‌های منبع ارسال‌کننده پیام که همان صحنه‌گذاری است بر نتیجه صحنه‌گذاری که شامل اعتبار برند، نگرش به برند و قصد خرید است اثر می‌گذارد. شایان ذکر است پیش‌تر توسط وانگ و اسچین بوم در سال ۲۰۱۸ مدلی برای صحنه‌گذاری افراد مشهور ارائه شده است که همه جوانب مطرح شده را در برمی‌گیرد. اما مدل موصوف با محوریت فرودگاه‌های بین‌المللی، افراد مشهور هنری و ورزشی که اصلیتی آمریکایی، استرالیایی، انگلیسی، تایوانی، آرژانتینی، برزیلی، کره‌ای (جنوبی) و ساحل عاجی دارند آزمون شده است. از آنجائی که منبع

1. purchase intention
2. Weismueller, Harrigan, Wang & Soutar
3. Lili, Al Mamun, Hayat, Salamah, Yang & Ali
4. Suki
5. consumer's involvement
6. Michaelidou & Dibb
7. Dikčius & Ilciukiene
8. Adnan & Khan
9. Nothing Sells Like Celebrity
10. not necessarily a recipe for success
11. Taylor

● طراحی مدل صحه‌گذاری افراد مشهور ورزشی (آزمون مدل وانگ و اسپچین‌بوم در محصولات لبنیاتی شرکت میهن)

صحه‌گذاری بر نتیجه صحه‌گذاری تأثیر دارد، به‌نظر می‌رسد افراد مشهور هنری و ورزشی به یک اندازه بر نتیجه صحه‌گذاری تأثیر نداشته باشند. از طرفی جوامعی که مدل نامبرده در آن آزمون شده است با سایر جوامع احتمالاً دارای تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی هستند. لذا نمی‌توان نتایج برآمده از این تحقیق را به جامعه ایرانی که دارای خصوصیات خاص فرهنگی و اجتماعی است تعمیم داد. در نتیجه لازم است چنین مدلی که مبتنی بر نظریه اعتبار منبع است در سایر جوامع و به دنبال آن با محوریت سایر افراد مشهور که از پیش تفکیک شده‌اند مجدداً طراحی و آزمون شود. گفتنی است انجام چنین پژوهشی می‌تواند به مدیران بازاریابی شرکت‌ها در شناخت اینکه یک فرد صحه‌گذار مشهور ورزشی چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد تا بر مصرف‌کننده و نتیجه صحه‌گذاری تأثیر مثبت بگذارد کمک می‌کند. از طرفی با انجام آن شرکت‌ها می‌توانند به دلایل موفقیت و عدم موفقیت محصولات و خدمات صحه‌گذاری شده برحسب منبع صحه‌گذار پی ببرند و در نتیجه می‌توانند با اقدامات مقتضی نقاط ضعف احتمالی را شناسایی و مرتفع کنند. سرانجام اینکه این تحقیق به مدیران شرکت‌ها و مدیران بازاریابی کمک می‌کند تا بهتر تصمیم بگیرند که آیا در تبلیغات خود از صحه‌گذار ورزشی استفاده بکنند یا خیر و یا اینکه با وجود چنین شرایطی نیازی به تداوم یا عدم‌سرمایه‌گذاری در بخش تبلیغات با محوریت صحه‌گذاری دارند یا خیر. گفتنی است نحوه تعامل بین اجزای مدل اعتبار منبع که پیش‌تر توسط وانگ و اسپچین‌بوم در سال ۲۰۱۸ ارائه شده است به شرح جدول زیر است و در تحقیق حاضر نیز همین مدل آزمون می‌شود با این تفاوت که محتوای سنجش متغیرهای تحقیق مبتنی بر ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی مصرف‌کنندگان ایرانی مجدداً رواسنجی و اعتبارسنجی شد و صرفاً جامعه افراد مشهور ورزشی به‌عنوان صحه‌گذار در نظر گرفته شد.



شکل ۱: مدل مفهومی اعتبار منبع

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی و مبتنی بر مدل‌سازی معادلات ساختاری است و از لحاظ هدف نیز جزو تحقیقات کاربردی محسوب می‌شود. داده‌های این تحقیق به صورت میدانی و با استفاده از پرسش‌نامه گردآوری شد. جامعه آماری این تحقیق را مصرف‌کنندگانی تشکیل دادند که محصولات لبنیاتی شرکت میهن را (محصولاتی که توسط ورزشکارانی چون سید مهدی رحمتی و مهدی مهدوی کیا در سال ۱۳۹۹ صحنه‌گذاری شده بود) خریداری کرده بودند. در این تحقیق حجم نمونه مبتنی بر نرم‌افزار برآورد حجم نمونه SPSS Sample Power ۳۶۰ نفر برآورد شد که به صورت در دسترس انتخاب شدند (شایان ذکر است این برآورد مبتنی بر پارامترهای سطح اطمینان ۰/۰۵، نوع آزمون- دو دامنه، توان آزمون ۸۰ و نوع آزمون- مدل معادلات ساختاری انجام شد). جهت سنجش متغیرهای تحقیق از پرسشنامه‌های اعتبار منبع، اعتبار برند، نگرش به برند، قصد خرید و درگیری مصرف‌کننده و انگ و اسچین بوم (۲۰۱۸) که در مجموع ۳۳ گویه داشت استفاده شد. از آنجائی که در این تحقیق از مصرف‌کنندگان برند ایرانی (محصولات لبنی میهن) استفاده شد و در آن بر افراد مشهور ورزشی که محصولات موصوف را تبلیغ کرده بودند تأکید شد، ابتدا پرسشنامه‌های نامبرده با کمک مترجم زبان انگلیسی به فارسی برگردانده شد و پس از آن برای اطمینان از اینکه آنچه ترجمه شده است محتوا را به درستی نقل می‌کند به انگلیسی برگردانده شد و مجدداً متن انگلیسی به فارسی ترجمه و به عنوان ترجمه نهایی لحاظ شد. پس از آن پرسشنامه در اختیار ۱۰ نفر از اساتید مدیریت ورزشی قرار گرفت تا جهت سازگاری با اهداف تحقیق و محوریت جوامع موصوف روایی صوری آن بررسی شود. سپس نظرات کارشناسی آنها در صورت سؤالات (محتوای سؤالات) بدون اینکه ساختار پرسشنامه تغییر پیدا کند اعمال شد. در ادامه تعداد ۴۰ پرسشنامه جهت اطمینان از پایا بودن ابزار مورد استفاده بین مصرف‌کنندگان برند میهن توزیع گردید و پس از اطمینان از پایا بودن آن با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ (پایایی کل برابر با ۰/۸۴۳ بود) پرسشنامه نهایی بین ۴۰۰ نفر از مصرف‌کنندگان محصولات لبنی میهن توزیع شد (دلیل اینکه تعداد پرسشنامه بیشتری توزیع شد این بود که احتمال داده می‌شد تلفات پرسشنامه‌ای وجود داشته باشد و برای اینکه قدرت تعمیم‌پذیری کم نشود و نتایج کل نمونه در تحلیل لحاظ شده باشد این کار انجام شد). گفتنی است علاوه بر روایی صوری، روایی سازه ابزار تحقیق مجدداً محاسبه شد (نتایج گزارش شده در جداول شماره ۲ و ۳). سرانجام جهت تجزیه و تحلیل یافته‌های تحقیق از دو رویکرد آمار توصیفی و آمار استنباطی استفاده شد. در بخش آمار توصیفی از شاخص‌های گرایش به مرکز و گرایش به پراکندگی و همچنین شکل توزیع و در بخش آمار استنباطی از مدل‌سازی معادلات ساختاری استفاده شد. گفتنی است این تحلیل‌ها در سطح خطای ۵ درصد و با کمک نرم‌افزارهای SPSS و Smart PLS به ترتیب نسخه‌های ۲۳ و ۳ انجام گرفت.

● طراحی مدل صحه‌گذاری افراد مشهور ورزشی (آزمون مدل وانگ و اسپچین‌بوم در محصولات لبنیاتی شرکت میهن)

یافته‌های پژوهش

جدول ۱، توصیف ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نمونه‌های تحت بررسی مبتنی متغیرهای جنسیت، سن، میزان درآمد در ماه و سطح تحصیلات می‌باشد:

جدول ۱: توصیف ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نمونه‌های تحت بررسی

متغیر	گروه	تعداد	درصد
جنسیت	مرد	۲۲۴	۶۲/۲
	زن	۱۳۶	۳۷/۸
سن	کمتر از ۲۵ سال	۵۶	۱۵/۶
	۲۵-۳۵ سال	۱۳۲	۳۶/۷
	۳۶-۴۵ سال	۹۷	۲۶/۹
	۴۶ تا ۵۵ سال	۶۷	۱۸/۶
	بیش از ۵۵ سال	۸	۲/۲
میزان درآمد در ماه	کمتر از ۳ میلیون تومان	۱۰۷	۲۹/۷
	۳ تا ۵ میلیون تومان	۱۱۹	۳۳/۱
	۵ تا ۸ میلیون تومان	۱۰۳	۲۸/۶
	بیش از ۸ میلیون تومان	۳۱	۸/۶
	دیپلم و پایین‌تر	۱۹	۵/۳
سطح تحصیلات	کاردانی	۱۰۹	۳۰/۳
	کارشناسی	۱۸۶	۵۱/۷
	کارشناسی ارشد	۳۱	۸/۶
	دکتری	۱۵	۴/۲

در جدول ۲، توصیف متغیرهای تحقیق ارائه شده است. مطابق نتایج این جدول میانگین متغیرهای تحقیق به جز اعتبار برند بالاتر از حد وسط است. از طرفی مقادیر شاخص انحراف معیار نشان می‌دهد پراکندگی نمرات حول محور میانگین در سطح پایینی قرار دارد. سرانجام اینکه شاخص‌های شکل توزیع نشان داد میزان چولگی و کشیدگی داده‌ها در سطح پایینی قرار دارد در نتیجه می‌توان گفت توزیع داده‌ها از یک توزیع نسبتاً طبیعی (نرمال) پیروی می‌کند.

جدول ۲: توصیف متغیرها

متغیر	میانگین	انحراف معیار	کجی	کشیدگی
اعتبار منبع	۳/۲۴۶	۰/۹۱۹	-۰/۰۶۹	-۰/۶۱۸
اعتبار برند	۲/۸۸۴	۰/۹۸۶	۰/۱۶۶	-۰/۶۵۶
نگرش به برند	۳/۰۹۳	۱/۰۳۱	-۰/۰۵۴	-۰/۳۶۹
قصد خرید برند صحه‌گذاری شده	۳/۱۶۲	۱/۰۹۱	-۰/۰۸۸	-۰/۶۴۲
درگیری ذهنی	۳/۱۸۱	۱/۰۲۹	-۰/۰۳۱	-۰/۲۷۲

جهت تأیید روایی ابزار اندازه‌گیری از سه نوع روایی، روایی محتوا (روایی محتوا از طریق نظرسنجی از خبرگان مورد تأیید قرار گرفت)، روایی همگرا^۱ (که با استفاده از میانگین واریانس

استخراج شده^۱ سنجیده می شود) و روایی و اگر^۲ (با استفاده از روش فورنل و لارکر سنجیده شده است) استفاده شده است (جدول ۳).

جدول ۳: بررسی روایی سازه متغیرها

متغیر پنهان	متغیر آشکار	آماره f	بار عاملی	وضعیت
اعتبار منبع	EM_1	۱۹/۲۲۹	۰/۶۸۴	مطلوب
	EM_2	۳۱/۱۹۴	۰/۷۵۱	مطلوب
	EM_3	۲۴/۴۳۴	۰/۶۹۳	مطلوب
	EM_4	۱۶/۰۲۱	۰/۶۳۳	مطلوب
	EM_5	۱۸/۹۰۶	۰/۶۱۴	مطلوب
	EM_6	۱۹/۴۵۵	۰/۶۶۹	مطلوب
	EM_7	۲۳/۶۳۶	۰/۷۲۰	مطلوب
	EM_8	۲۹/۷۷۱	۰/۷۵۴	مطلوب
	EM_9	۳۴/۹۹۵	۰/۷۸۱	مطلوب
	EM_10	۳۵/۹۶۹	۰/۸۰۵	مطلوب
	EM_11	۳۵/۷۶۳	۰/۸۰۱	مطلوب
	EM_12	۲۵/۱۱۸	۰/۷۲۱	مطلوب
اعتبار برند	EB_1	۲۹/۵۹۵	۰/۷۸۲	مطلوب
	EB_2	۲۸/۲۰۶	۰/۷۶۴	مطلوب
	EB_3	۲۷/۱۶۵	۰/۷۲۲	مطلوب
	EB_4	۳۲/۴۱۳	۰/۷۸۸	مطلوب
	EB_5	۳۱/۳۹۶	۰/۷۷۳	مطلوب
	EB_6	۳۰/۰۵۴	۰/۷۳۴	مطلوب
	EB_7	۴۰/۶۴۲	۰/۷۸۸	مطلوب
نگرش به برند	NB_1	۵۸/۲۰۳	۰/۸۸۹	مطلوب
	NB_2	۵۰/۳۹۲	۰/۹۶۹	مطلوب
	NB_3	۲۶/۰۲۱	۰/۷۸۱	مطلوب
قصد خرید برند	GH_1	۶۹/۴۸۲	۰/۸۹۷	مطلوب
	GH_2	۸۳/۳۰۶	۰/۹۰۴	مطلوب
درگیری ذهنی	DR_1	۵۰/۰۳۱	۰/۸۴۲	مطلوب
	DR_2	۵۲/۰۹۸	۰/۸۵۳	مطلوب
	DR_3	۶۲۳۳۶	۰/۸۱۷	مطلوب
	DR_4	۶۰/۹۲۴	۰/۸۶۳	مطلوب
	DR_5	۳۱/۳۵۴	۰/۸۰۸	مطلوب
	DR_6	۴۹/۴۹۷	۰/۸۴۱	مطلوب
	DR_7	۴۵/۱۲۸	۰/۸۴۰	مطلوب
	DR_8	۱۹/۱۵۰	۰/۷۱۸	مطلوب
	DR_9	۱۷/۷۸۴	۰/۶۶۴	مطلوب

1. Average Variance Extracted (AVE)

2. Divergent Validity

● طراحی مدل صحه‌گذاری افراد مشهور ورزشی (آزمون مدل وانگ و اسپین‌بوم در محصولات لبنیاتی شرکت میهن)

و به منظور تعیین پایایی پرسشنامه نیز از دو معیار ضریب آلفای کرونباخ و ضریب پایایی مرکب استفاده شد (جدول ۴).

جدول ۴: ضرایب پایایی و روایی مدل‌های اندازه‌گیری

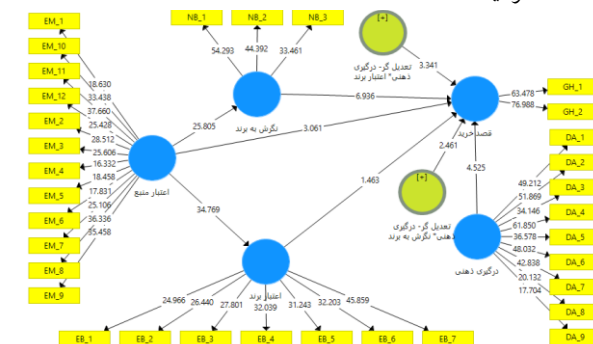
متغیرها	آلفای کرونباخ	پایایی ترکیبی	میانگین واریانس استخراج شده
اعتبار منبع	۰/۹۱۴	۰/۹۳۷	۰/۵۱۶
اعتبار برند	۰/۸۸۲	۰/۹۰۸	۰/۵۸۵
نگرش به برند	۰/۸۰۲	۰/۸۸۴	۰/۷۱۸
قصد خرید برند صحه‌گذاری شده	۰/۸۶۶	۰/۸۹۵	۰/۸۱۰
درگیری ذهنی	۰/۹۳۳	۰/۹۴۴	۰/۶۵۴

مقادیر گزارش شده در جدول فوق نشان از تأیید پایایی و روایی همگرایی متغیرهای تحقیق دارد. به دلیل اینکه مقدار آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی برای تمامی متغیرها بیشتر از ۰/۷ بود، میانگین واریانس استخراج شده برای تمامی متغیرها بالاتر از ۰/۵ بود. همچنین در جدول ۵، نتایج بررسی روایی و اگر ا ارائه شده است. مطابق این نتیجه روایی و اگرایی مناسب تأیید گردید، چرا که هر سازه در مدل بیشترین تعامل را با خود دارد تا با سازه‌های دیگر.

جدول ۵: ماتریس جدول روایی و اگرایی به روش فورنل و لارکر

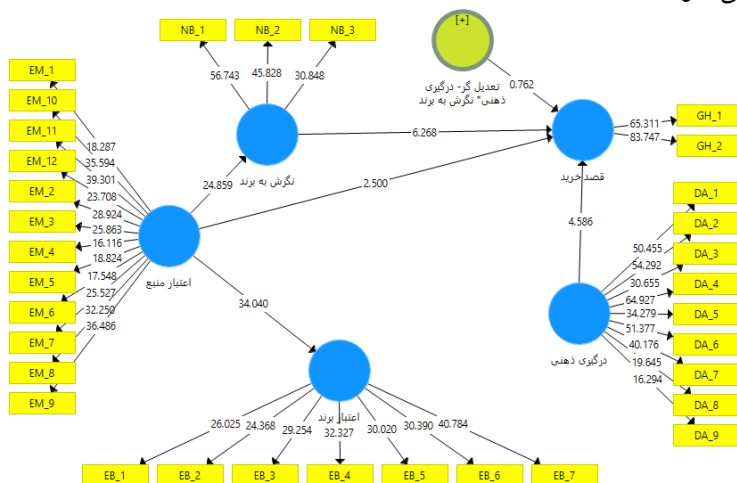
متغیرها	اعتبار منبع	اعتبار برند	نگرش به برند	قصد خرید	درگیری ذهنی
اعتبار منبع	۰/۷۶۵	—	—	—	—
اعتبار برند	۰/۷۳۰	۰/۷۱۹	—	—	—
نگرش به برند	۰/۷۹۱	۰/۷۴۲	۰/۸۰۹	—	—
قصد خرید	۰/۶۶۰	۰/۶۷۸	۰/۷۵۷	۰/۹۰۰	—
درگیری ذهنی	۰/۷۷۳	۰/۶۸۹	۰/۷۷۱	۰/۷۶۷	۰/۸۴۸

با تأیید اعتبار مدل‌های اندازه‌گیری از رویکرد مدلسازی معادلات ساختاری برای آزمون فرضیه‌های تحقیق استفاده گردید.



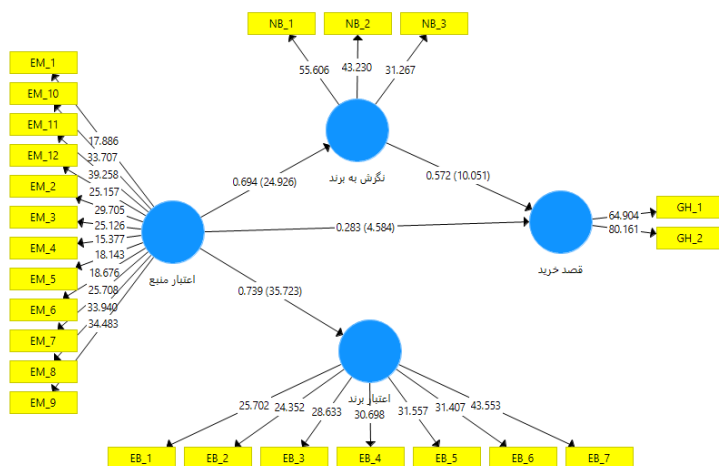
شکل ۲: مدل ساختاری صحه‌گذاری افراد مشهور ورزشی مرتبه اول

با استناد به شکل ۲، مدل صحه‌گذاری افراد مشهور ورزشی برازش مناسبی ندارد. چرا که بر مبنای مدل مربوطه مسیر اعتبار برند و قصد خرید برند صحه‌گذاری شده معنادار تشخیص داده نشد ($\beta = ۰/۰۹۵$ ، $t = ۱/۴۶۳$). در نتیجه لازم است مسیر نامبرده از مدل حذف و برای بار دوم مدل ارزیابی شود.



شکل ۳: مدل ساختاری صحه‌گذاری افراد مشهور ورزشی مرتبه دوم

از آنجا که با حذف مسیر ارتباطی اعتبار برند و قصد خرید، نقش تعدیل‌گر درگیری ذهنی غیرمعنادار تشخیص داده شد لذا در مرتبه دوم نیز مسیر موصوف حذف و برای بار سوم مدل ارزیابی شد.



شکل ۴: مدل ساختاری صحه‌گذاری افراد مشهور ورزشی مرتبه سوم

با استناد به اینکه تمامی مسیرها معنادار هستند و شاخص‌های برازش مدل در سطح قابل قبولی قرار دارند (جدول ۶) می‌توان به این نتیجه رسید که الگوی نظری (تئوریک) با الگوی تجربی

● طراحی مدل صحه‌گذاری افراد مشهور ورزشی (آزمون مدل وانگ و اسپین‌بوم در محصولات لبنیاتی شرکت میهن)
سازگاری مناسبی دارد.

جدول ۶: پرازش مدل ساختاری

متغیر	ضریب تعیین (R2)	استون گیسر (Q2)	GOF	f2
اعتبار برند	۰/۵۴۴	۰/۲۸۷		۱/۲۰۱
قصد خرید	۰/۶۳۰	۰/۴۹۱	۰/۲۰۲	۰/۱۱۳
نگرش به برند	۰/۴۸۰	۰/۳۳۳		۰/۹۶۴

با استناد به نتایج جدول ۷، اعتبار منبع به صورت مستقیم بر اعتبار برند ($\beta = ۰/۷۳۹$, $t = ۳۴/۵۴۷$)، قصد خرید ($\beta = ۰/۲۸۳$, $t = ۵/۱۰۲$) و نگرش به برند ($\beta = ۰/۶۹۴$, $t = ۲۴/۶۳۳$) تأثیر دارد. همچنین نگرش به برند به صورت مستقیم بر قصد خرید ($\beta = ۰/۵۷۲$, $t = ۱۱/۳۸۶$) تأثیر دارد.

جدول ۷: برآورد اثرات مستقیم

متغیر مستقل	متغیر وابسته	آماره t	ضریب مسیر	سطح معناداری
اعتبار منبع	اعتبار برند	۳۴/۵۴۷	۰/۸۳۹	۰/۰۰۱
اعتبار منبع	قصد خرید	۵/۱۰۲	۰/۲۸۳	۰/۰۰۱
اعتبار منبع	نگرش به برند	۲۴/۶۳۳	۰/۶۹۴	۰/۰۰۱
نگرش به برند	قصد خرید	۱۱/۳۸۶	۰/۵۷۲	۰/۰۰۱

با استناد به نتایج جدول ۸، نقش میانجی نگرش به برند در ارتباط بین اعتبار منبع و قصد خرید معنادار می‌باشد ($\beta = ۰/۳۹۷$, $t = ۱۰/۵۲۶$). و به دلیل اینکه اعتبار منبع هم به صورت مستقیم و هم به صورت غیرمستقیم بر قصد خرید تأثیر دارد نوع میانجی برآورد شده از نوع میانجی ناقص می‌باشد.

جدول ۸: برآورد اثرات غیرمستقیم

متغیر مستقل	متغیر میانجی	متغیر وابسته	آماره t	ضریب مسیر	سطح معناداری	نوع میانجی
اعتبار منبع	نگرش به برند	قصد خرید	۱۰/۵۲۶	۰/۳۹۷	۰/۰۰۱	ناقص

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از این تحقیق، طراحی مدل صحه‌گذاری افراد مشهور ورزشی (آزمون مدل وانگ و اسپین‌بوم در محصولات لبنیاتی شرکت میهن) بود. بر مبنای یافته‌های تحقیق با حذف مسیرهای غیرمعنادار الگوی نظری (تئوریک) با الگوی تجربی سازگار تشخیص داده شد. همچنین مشخص شد اعتبار منبع به صورت مستقیم بر اعتبار برند تأثیر دارد. به این معنی که با افزایش اعتبار منبع صحه‌گذار مشهور ورزشی اعتبار برند محصول صحه‌گذاری شده افزایش پیدا می‌کند. این یافته با نتایج مطالعات وانگ و اسپین‌بوم (۲۰۱۸)، لی و همکاران (۲۰۲۱) و هیومن-رامیرز و مرونکا (۲۰۲۱) مبنی بر اینکه نشان دادند بین اعتبار منبع و اعتبار برند رابطه معناداری وجود دارد و هر اندازه اعتبار منبع بیشتر شود به موازات آن اعتبار برند ارتقاء پیدا می‌کند همخوان است، در مقابل تحقیق ناهمخوانی یافت نگردید. دلیل اینکه اعتبار منبع بر اعتبار برند تأثیر دارد این است که مصرف‌کننده برند صلاحیت صحه‌گذار را مناسب می‌داند، او را فردی صادق می‌پندارد و در عین حال جذب جذابیت ظاهری فرد صحه‌گذار از جمله آراستگی و زیبایی او شده است. متعاقباً آنچه را که صحه‌گذار صحه‌گذاری کرده است باور می‌کنند در نتیجه این ذهنیت در آنها شکل می‌گیرد

که برند مورد نظر هم توانایی و هم تمایل به ارائه مستمر آنچه که وعده داده است را دارد. همچنین یافته‌ها نشان داد که اعتبار منبع تأثیر مثبت و معناداری بر قصد خرید دارد. به این معنی که با افزایش اعتبار منبع، مصرف‌کنندگان نامبرده قصد خرید خود را افزایش می‌دهند. این یافته با نتایج مطالعات وانگ و اسپچین‌بوم (۲۰۱۸)، لیلی و همکاران (۲۰۲۲) و سوکی (۲۰۱۴) مبنی بر اینکه نشان دادند بین متغیرهای موصوف ارتباط معناداری وجود دارد همخوان است، در مقابل تحقیق ناهمخوانی یافت نگردید. دلیل اینکه اعتبار منبع بر قصد خرید محصولات صحه‌گذاری شده برند میهن تأثیر دارد این است که مصرف‌کننده با بررسی محصول صحه‌گذاری شده توسط افراد مشهور ورزشی متقاعد می‌شود محصولات شرکت میهن یک محصول متفاوت است و در راستای آنچه که تعهد داده است عمل می‌کند.

علاوه بر این، مشخص شد که اعتبار منبع بر نگرش به برند تأثیر مثبت و معناداری دارد. به این معنی که با افزایش اعتبار منبع، نگرش به برند نزد مصرف‌کنندگان محصولات صحه‌گذاری شده افزایش پیدا می‌کند. این یافته با نتایج مطالعه وانگ و اسپچین‌بوم (۲۰۱۸) همخوان است، در مقابل تحقیق ناهمخوانی یافت نگردید. دلیل اینکه اعتبار منبع مؤثر بر نگرش به برند تشخیص داده شد این است که مصرف‌کننده محصولات لبنی برند میهن ارزیابی مثبتی از نام برند میهن دارند و این مهم خود متأثر از این است که برند میهن در تبلیغ محصولات مورد نظر خود از افرادی استفاده کرده است که اعتبار منبع کافی دارند. به این معنی که این افراد هم تخصص لازم را دارند، هم قابل اعتماد هستند و هم از جذابیت ظاهری لازم جهت تبلیغ محصولات برخوردار می‌باشند.

همچنین مشخص شد که نگرش به برند بر قصد خرید مصرف‌کنندگان تأثیر مثبت و معناداری دارد. به این معنی که با بهبود نگرش به برند، قصد خرید نزد مصرف‌کنندگان برند میهن بیشتر می‌شود. این یافته با نتایج مطالعات وانگ و اسپچین‌بوم (۲۰۱۸)، گونگ (۲۰۲۰)، کوکو و همکاران (۲۰۱۹) و چاودادی و همکاران (۲۰۲۱) همخوان است و در مقابل تحقیق ناهمخوانی یافت نگردید. دلیل اینکه اثر نگرش به برند بر قصد خرید محصولات صحه‌گذاری شده برند میهن مؤثر تشخیص داده شد این است که با تقویت نگرش به برند، نگرش مصرف‌کننده نسبت به برند هم تقویت می‌شود و متعاقباً حساسیت قیمتی او کمتر می‌شود، این انگیزه در او ایجاد می‌شود مجدداً محصولات این برند را خریداری کند و حتی در صورت نیاز آن را به اطرافیان خود معرفی کند.

سرانجام مشخص شد اعتبار منبع از طریق نگرش به برند بر قصد خرید محصولات صحه‌گذاری شده تأثیر می‌گذارد. این تأثیر از نوع مثبت و به لحاظ اینکه اعتبار منبع هم به صورت مستقیم و هم به صورت غیرمستقیم بر قصد خرید اثر داشت نوع اثر میانجی ناقص تشخیص داده شد. به این معنی که اعتبار برند هم به صورت مستقیم باعث افزایش قصد خرید محصولات صحه‌گذاری شده می‌شود هم اینکه از طریق تقویت نگرش به برند، قصد خرید محصولات صحه‌گذاری شده را افزایش می‌دهد. بنابراین نتیجه نگرش به برند نقش میانجی یا واسطه‌ای بین اعتبار منبع و قصد خرید ایفا می‌کند و مادامی که شرکت میهن بخواهد قصد خرید مصرف‌کنندگان‌اش را افزایش دهد لازم است برای این مسیر نیز برنامه‌ریزی کند. این یافته با نتایج مطالعه وانگ و اسپچین‌بوم (۲۰۱۸) مبنی بر اینکه چنین گزاره‌ای را تأیید کرده بودند همخوان است، در مقابل تحقیق ناهمخوانی یافت نگردید. دلیل اینکه نگرش به برند نقش میانجی معناداری بین اعتبار منبع و قصد خرید محصولات صحه‌گذاری شده دارد این است که اعتبار منبع رفتار مصرف‌کننده را در جهت مثبت تقویت می‌کند و زمانی که رفتار مصرف‌کننده و نگرش او تقویت

● طراحی مدل صحه‌گذاری افراد مشهور ورزشی (آزمون مدل وانگ و اسپچین‌بوم در محصولات لبنیاتی شرکت میهن)

شد یک باور مثبت در فرد ایجاد می‌شود در نتیجه متقاعد و مجاب می‌شود محصول مورد نظر را مجدداً خریداری کرده و نسبت به قیمت‌های که برای آن محصول ارزش‌گذاری شده از خود حساسیت قیمتی نشان ندهد، کما اینکه در این حالت محتمل است او محصولات مورد نظر را از طریق تبلیغات شفاهی در معرض تبلیغ مجدد قرار دهد.

علیرغم آنچه که بیان شد مشخص گردید که اعتبار برند بر قصد خرید برند صحه‌گذاری شده تأثیر معناداری به لحاظ آماری ندارد. و به موازات آن اعتبار منبع نمی‌تواند از طریق اعتبار برند قصد خرید محصولات صحه‌گذاری شده را کم یا زیاد بکند. این یافته با نتایج مطالعات وانگ و اسپچین‌بوم (۲۰۱۸)، لیلی و همکاران (۲۰۲۲) و سوکی (۲۰۱۴) مبنی بر اینکه نشان دادند بین متغیرهای موصوف رابطه معناداری وجود دارد ناهمخوان است، در مقابل تحقیق همخوانی یافت نگردید. غیرمعنادار بودن رابطه بین اعتبار برند و قصد خرید احتمالاً به دلیل تفاوت در بافت فرهنگی و اجتماعی مصرف‌کنندگان بررسی شده است، یا احتمالاً به دلیل این است که در تحقیقات موصوف برخلاف تحقیق حاضر صرفاً در صحه‌گذاری‌ها از افراد مشهور ورزشی استفاده نشده است. از طرفی می‌توان باورپذیری اطلاعات منتقل شده به مصرف‌کننده صرفاً محدود به صحه‌گذار نمی‌شود و خود برند نیز در آن نقش دارند، هرچند که بخشی از این باورپذیری به‌عهده صحه‌گذار است.

در نهایت مشخص شد که درگیری مصرف‌کننده در ارتباط بین اعتبار برند و نگرش به برند با قصد خرید محصولات صحه‌گذاری شده نقش تعدیل‌گر معناداری ندارد. به این معنی که درگیری مصرف‌کننده با محصول چه در سطح بالا و چه در سطح پایین نمی‌تواند رابطه موصوف را کم و زیاد کند. این یافته با نتایج مطالعات وانگ و اسپچین‌بوم (۲۰۱۸)، دیکوس و لاکویکینی (۲۰۲۱) و ادنان و خان (۲۰۲۱) مبنی بر اینکه نشان دادند زمانیکه مشتریان با محصول درگیر شوند تمایل بیشتری از خود برای وفاداری و قصد خرید نشان می‌دهند ناهمخوان است. در مقابل تحقیق همخوانی یافت نگردید. دلیل اینکه چنین نتیجه‌ای حاصل شده است این است که در مرحله اول به دلیل معنادار نشدن مسیر اعتبار برند و قصد خرید این مسیر از فرایند تحلیل کنار گذاشته شد و متعاقباً امکان محاسبه اثرات تعدیلی وجود نداشت و در مرحله دوم برازش مدل نیز مشخص شد درگیری مصرف‌کننده نقش تعدیل‌گر معناداری بین متغیرهای نگرش به برند و قصد خرید ایفا نمی‌کند چرا که احتمال داده می‌شود مصرف‌کننده محصولات لبنی شرکت مذکور را که صحه‌گذاری شده است مهم تلقی نکرده باشد و آن را سازگار با نیازها، ارزش‌ها و علایق خود ندانسته است.

بنابراین نتیجه لازم است شرکت میهن در انتخاب افراد مشهور ورزشی جهت صحه‌گذاری محصولات لبنیاتی خود اعتبار منبع را که شامل سه عامل جذابیت، قابل اعتماد بودن و تخصص است به‌عنوان مبنای انتخاب در نظر بگیرد. و در این راستا بر شاخص‌های چون مهارت، دانش و آگاهی فرد صحه‌گذار، صداقت، آراستگی ظاهری و زیبایی تأکید کند. افزون بر این به شرکت میهن پیشنهاد می‌شود در راستای افزایش فروش محصولات لبنیاتی خود همواره از صحه‌گذاران مشهور ورزشی استفاده نمایند چرا که نتایج نشان داد میزان نمره قصد خرید مصرف‌کنندگان با صحه‌گذاری این افراد بیشتر می‌شود. همچنین به شرکت موصوف پیشنهاد می‌شود در راستای تقویت نگرش مصرف‌کنندگان خود و همچنین افزایش اعتبار برند خود بخشی زیادی از هزینه تبلیغاتی خود را صرف تبلیغ به وسیله صحه‌گذار کنند، چرا که نتایج نشان داد با وجود صحه‌گذار

این متغیرها در حد مناسبی تقویت می‌شوند. با این حال نباید از یاد برد که صرف استفاده از صحنه‌گذار موفقیت فعالیت‌های تبلیغاتی را به همراه دارد. از طرفی ممکن است صحنه‌گذاران مشهور غیرورزشی نیز چنین نقشی در صحنه‌گذاری ایفا کنند اما در این تحقیق چون مورد مطالعه قرار نگرفتند نمی‌توان در این راستا اظهار نظر کرد. در نتیجه به پژوهش‌گران آتی پیشنهاد می‌گردد مدل موصوف را برای هر دو صحنه‌گذار مشهور ورزشی و غیرورزشی آزمون کنند و تفاوت اثرگذاری آنها را با هم مقایسه کنند. به دلیل اینکه این پژوهش به صورت مقطعی انجام شده است، نتیجه‌گیری درباره علیت دشوار خواهد بود. در نتیجه به پژوهشگران آتی پیشنهاد می‌شود با استفاده از مطالعات ساختاری طولی نحوه تعامل بین متغیرهای تحقیق را در گذر زمان بررسی کنند.

طراحی مدل صحه‌گذاری افراد مشهور ورزشی (آزمون مدل وانگ و اسپچین‌بوم در محصولات لبنیاتی شرکت

میهن)

منابع

- حسینی، زهره؛ گودرزی، محمود؛ جلالی فراهانی، مجید و علی دوست قهفرخی، ابراهیم. (۱۳۹۷). «اثر برند ورزشکار بر همانندسازی و اثربخشی صحه‌گذاری ورزشکار مشهور». رویکردهای نوین در مدیریت ورزشی. دوره ۶، شماره ۲۱، صص ۹-۲۰.
- فلاحی، فرزانه و سلیمانی، بهزاد. (۱۳۹۸). «ارزیابی تطبیقی تأثیر لوگو از منظر نشانه‌شناسی بر نگرش مشتریان به برند». نشریه هنرهای زیبا- هنرهای تجسمی. دوره ۲۴، شماره ۳، صص ۴۳-۵۰.
- نظری، شهرام؛ محمودی، احمد؛ قربانی، محمد حسین و فخری عنایت، زهرا. (۱۴۰۰). «بررسی ارتباط بین صحه‌گذاری ورزشکاران مشهور با وفاداری به برند در مشتریان کالاهای غیرورزشی». مدیریت ورزشی. دوره ۱۳، شماره ۲، صص ۶۱۷-۶۳۷.
- Amos, C., Holmes, G., & Strutton, D. (2008). "Exploring the relationship between celebrity endorser effects and advertising effectiveness: A quantitative synthesis of effect size". International journal of advertising, 27(2), 209-234.
- Behnoosh, S., Naylor, M., & Dickson, G. (2018). "The impact of endorsement on a sport-based social marketing campaign". International Journal of Sport Management and Marketing, 18(6), 478-500.
- Chavadi, C. A., Sirothiya, M., Vishwanatha, M. R., & Yatgiri, P. V. (2021). "Analysing the moderating effects of product involvement and endorsement type on consumer buying behaviour: An empirical study on youth perspective". IIM Kozhikode Society & Management Review, 22779752211009004.
- Cuomo, M. T., Foroudi, P., Tortora, D., Hussain, S., & Melewar, T. C. (2019). "Celebrity endorsement and the attitude towards luxury brands for sustainable consumption". Sustainability, 11(23), 6791.
- Dikcius, V., & Ilciukiene, S. (2021). "National or global? Moderated mediation impact of sports celebrity credibility on consumer's purchase intention". Organizations and markets in emerging economies, 12(1), 160-177.
- Erdem, T., Swait, J., & Valenzuela, A. (2006). "Brands as signals: A cross-country validation study". Journal of marketing, 70(1), 34-49.
- Gong, W. (2020). "Effects of parasocial interaction, brand credibility and product involvement on celebrity endorsement on microblog". Asia Pacific Journal of Marketing and Logistics.
- Gurel-Atay, E. (2022). "Celebrity endorsements". In L. R. Kahle, T. M. Lowrey, & J. Huber, APA handbook of consumer psychology (pp. 513-526). American Psychological Association.
- Hardianawati, H. (2022). "Strategic Marketing Melalui Celebrity Endorsement Dan Influencer Marketing". Journal Multidiscipline Madani, 2(2), 865-876.
- Human-Ramirez, R., & Merunka, D. (2021). "Celebrity CEOs' credibility, image of their brands and consumer materialism". Journal of Consumer Marketing. 38(6), 638-651.
- Hussain, D., Adnan, A., & Khan, M. H. (2021). "Relative effectiveness of celebrity and product match-up for two high

- consumer involvement situations**". Asia-Pacific Journal of Business Administration, 13(2), 159-188.
- Lee, D. N., Liu, J., Keller-Hamilton, B., Patterson, J. G., Wedel, A. V., Vázquez-Otero, C., & Stevens, E. M. (2022). **"Associations between perceived source credibility, e-cigarettes, and e-cigarette ad perceptions"**. Preventive Medicine Reports, 28, 101862.
 - Lee, J. S., Chang, H., & Zhang, L. (2021). **"An integrated model of congruence and credibility in celebrity endorsement"**. International Journal of Advertising, 1-24.
 - Lili, Z., Al Mamun, A., Hayat, N., Salamah, A. A., Yang, Q., & Ali, M. H. (2022). **"Celebrity Endorsement, Brand Equity, and Green Cosmetics Purchase Intention among Chinese Youth"**. Frontiers in psychology, 13, 1-15.
 - Lord, K. R., Putrevu, S., & Collins, A. F. (2019). **"Ethnic influences on attractiveness and trustworthiness perceptions of celebrity endorsers"**. International Journal of Advertising, 38(3), 489-505.
 - Michaelidou, N., & Dibb, S. (2008). **"Consumer involvement: a new perspective"**. The Marketing Review, 8(1), 83-99.
 - Roy, S. (2018). **"Meaning transfer in celebrity endorsements: an explanation using metaphors"**. Journal of Marketing Communications, 24(8), 843-862.
 - Simmers, C. S., Damron-Martinez, D., & Haytko, D. L. (2009). **"Examining the effectiveness of athlete celebrity endorser characteristics and product brand type: The endorser expertise continuum"**. Journal of Applied Sport Management, 1(1), 35.
 - Speck, P. S., Schumann, D. W., & Thompson, C. (1988). **"Celebrity endorsements-scripts, schema and roles: Theoretical framework and preliminary tests"**. Advances in consumer research, 15(1), 69-76.
 - Suki, N. M. (2014). **"Does celebrity credibility influence Muslim and non-Muslim consumers' attitudes toward brands and purchase intention?"** Journal of Islamic Marketing, 5(2), 227-240.
 - Taylor, C. R. (2016). **"Some interesting findings about super bowl advertising"**. International Journal of Advertising, 35(2), 167-170.
 - Wang, S. W., & Scheinbaum, A. C. (2018). **"Enhancing brand credibility via celebrity endorsement: Trustworthiness trumps attractiveness and expertise"**. Journal of Advertising Research, 58(1), 16-32.
 - Weismueller, J., Harrigan, P., Wang, S., & Soutar, G. N. (2020). **"Influencer endorsements: How advertising disclosure and source credibility affect consumer purchase intention on social media"**. Australasian marketing journal, 28(4), 160-170.

شناسایی و رتبه بندی معیارهای مسئولیت مدنی در حقوق ورزشی

هادی کاظمی^۱

جواد شهلایی باقری^۲

سعید صادقی بروجردی^۳

حبیب هنری^۴



10.22034/SSYS.2022.1732.2224

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۱۱/۲۲

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۱۲/۱۶

تحقیق حاضر با هدف شناسایی و رتبه بندی معیارهای مسئولیت مدنی در حقوق ورزشی انجام شد. روش تحقیق حاضر از نوع پیمایشی بود که به صورت میدانی اجرا گردید. روش تحقیق از منظر هدف، کاربردی بود و جامعه آماری تحقیق حاضر را تمامی خبرگان و افراد آگاه در حوزه حقوق ورزشی (کارشناسان ورزشی و کارشناسان حقوقی) تشکیل می دادند. نمونه های آماری به صورت در دسترس (۱۵۰ کارشناس ورزشی و ۹۹ کارشناس حقوقی) انتخاب شدند. ابزار گردآوری اطلاعات، پرسشنامه محقق ساخته بود که سوالات آن به معیارهای مسئولیت مدنی در حقوق ورزشی پرداخته است. روایی صوری این پرسشنامه با بررسی نظرات خبرگان، روایی سازه با استفاده از انجام روش تحلیل عاملی و پایایی آن با استفاده از محاسبه آلفای کرونباخ مورد تایید قرار گرفت. به منظور رتبه بندی معیارهای مسئولیت مدنی در حقوق ورزشی از روش AHP

۱- دانشجوی دکتری تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

E-mail: Hadikazemi77@yahoo.com

۲- دانشیار، گروه مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

۳- استاد، مدیریت ورزشی، گروه تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشکده کردستان، کردستان، ایران

۴- دانشیار، گروه مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

استفاده گردید. کلیه روند تجزیه و تحلیل داده های تحقیق با استفاده از نرم افزار Super Decisions انجام شد.

پس از بررسی های انجام شده، تعداد ۱۸ معیار به عنوان معیارهای مسئولیت مدنی در حقوق ورزشی مشخص گردید. با توجه به نتایج روش AHP مشخص گردید که تشکیل شعب خاص رسیدگی به دعاوی ورزش در دادگاه ها با نمره نرمال ۰/۱۶۷، توجه به نظریه تقصیر به عنوان مبانی مسئولیت ورزشی با نمره نرمال ۰/۱۴۵ و آموزش مهارت های جلوگیری از آسیب دیدگی در زمان اجرای فنون ورزشی با نمره نرمال ۰/۱۳۸ مهمترین معیارهای مسئولیت مدنی در حقوق ورزشی می باشند.

به صورت کلی تشکیل شعب خاص رسیدگی به دعاوی ورزش در دادگاه ها می تواند در پاسخگویی به حوزه مسئولیت مدنی در حقوق ورزشی منجر گردد.

واژگان کلیدی: مسئولیت مدنی، حقوق ورزشی، تقصیر و دعاوی ورزشی.

مقدمه

در عصر حاضر، ورزش یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های سالم در میان جوانان و نوجوانان است و از جمله راه‌های تربیت در میان جوانان می‌باشد که می‌تواند بودجه عظیمی را به خود اختصاص دهد که البته این فعالیت‌ها در مواردی همراه با خطراتی برای ورزشکاران می‌باشد؛ زیرا در بازی‌ها و فعالیت‌های ورزشی، آسیب دیدن امری اجتناب‌ناپذیر و طبیعی است (حسینی و اسحاقی، ۱۳۹۴: ۵۷). فعالیت‌های ورزشی یکی از پراسیب‌ترین فعالیت‌ها به واسطه بروز درگیری‌های فیزیکی در برخی رشته‌های ورزشی می‌باشد (داشکوسکا و همکاران، ۲۰۲۱: ۱۰۲). ماهیت پیچیده و گسترده ورزش سبب گردیده است تا امروزه حوادث مختلفی در ورزش ایجاد گردد. این مساله سبب گردیده است تا حقوق ورزشی به عنوان یک مساله مهم مدنظر قرار گیرد (اسپنگلر و همکاران، ۲۰۱۶: ۲۲). ظرفیت‌های حقوق ورزشی در ایجاد یک محیط ورزشی ایمن به عنوان یک مساله مهم و ضروری درک می‌گردد (لوسوردو، ۲۰۲۰: ۷۹).

حقوق ورزشی یکی از مسائل مهم در حوزه ورزش می‌باشد که توانسته است تا در برخی محیط‌ها خدمات ارزنده‌ای به حوزه ورزش بدهد. از طرفی خلا حقوق ورزشی خود منجر به بروز آسیب‌هایی در حوزه ورزش شده است (سوری و همکاران، ۲۰۲۰: ۱). حقوق ورزش از گرایش‌های علم حقوق است که در سال‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته است. این رشته از حقوق، به بررسی حوادث در ورزش می‌پردازد. به طور کلی می‌توان گفت که منظور از حوادث ورزشی، تمام جرایم، شبه جرایم و تخلفاتی است که توسط ورزشکاران، مربیان و تماشاگران و حتی سازندگان و تولیدکنندگان لوازم و تجهیزات ورزشی در رابطه با ورزش صورت می‌گیرد و به نحوی، به حقوق دیگران، لطمه وارد می‌کند (مریمان و کونن، ۱۹۸۸: ۹۸). جهانی شدن ورزش و استقبال بسیار زیاد اشخاص در تمام کشورها باعث گردیده است که مسایل جدیدی در این عرصه به وجود آید و مورد توجه حقوق‌دانان قرار گیرد که این امر منجر به تأسیس «حقوق ورزشی» گردید. به طور کلی حقوق ورزشی عبارت است از: قواعد و مقرراتی که در ورزش کاربرد دارند و روابط اشخاص فعال در این حوزه را تنظیم می‌نماید، به بیان دیگر حقوق ورزشی ناظر بر کلیه موارد حقوقی در ورزش است و مسایل مربوط به آن را مورد بررسی قرار می‌دهد (الماسی و انیسی، ۱۳۹۵: ۲۸).

شناسایی مسئول آسیب‌ها در یک حادثه ورزشی با دشواری‌های متعددی روبرو است که می‌توان آن‌ها را ناشی از شناسایی نشدن مبنای مسئولیت ورزشکاران در خصوص این حوادث دانست (رضایی نژاد و رضایی نژاد، ۱۳۹۵: ۵۱۵). از طرفی مسائل مربوط به حقوق ورزشی همواره تمرکز بر آسیب دیدگی ورزشکاران ندارد و ابعاد و حوزه‌های گسترده‌ای را مدنظر قرار می‌دهد (سینق، ۲۰۰۱: ۷۷). امروزه اهمیت ورزش و نقش آن در سالم‌سازی جامعه به ویژه جوانان باعث شده رویه قضایی نیز به رویدادهای ورزشی و خطرهای ناشی از آن توجه خاص کند و ضرورت‌های بازی‌های ورزشی را در اعمال قواعد مسئولیت مدنی در نظر بگیرند. مسئولیت مدنی به عنوان یکی از زیر مجموعه‌های علم حقوق این وظیفه بزرگ را به عهده دارد و باید کلیه مسایل مربوط به ورود ضرر، اثبات مسئولیت و روش جبران خسارت‌ها را مورد بررسی قرار دهد

(الماسی و انیسی، ۱۳۹۵: ۲۷). بدون شک حمایت حقوقی در فعالیت های ورزشی می تواند در ترویج و گسترش آن در تمامی گروه های جامعه موثر باشد (زدئونک و گوزک، ۲۰۲۰: ۱۹۵). ظرفیت های ایجاد شده در حوزه ورزش به واسطه توسعه حقوق ورزشی می تواند به عنوان یکی از مسائل مهم مشخص و درک گردد (لوسوردو، ۲۰۲۰: ۸۰). از طرفی ابهام در حوزه حقوق ورزشی توانسته است تا مشکلات و دعاوی بسیاری در این خصوص ایجاد نماید که در نهایت منجر به بروز آسیب های انسانی و مالی در ورزش شده است (داشکوسکا و همکاران، ۲۰۲۱: ۱۰۳).

در حقوق ایران، آن چه مسلم است که در خصوص فعالیت های ورزشی و تخلفات و جرایم ارتکاب یافته در این عرصه، به شدت با خلا قانونی مواجه هستیم. در قانون مسئولیت مدنی و نیز قانون مجازات اسلامی -بجز یک بند از ماده ۵۹ قانون مجازات اسلامی -هیچ نص خاصی در مورد مسئولیت های قانونی ورزشکاران وجود ندارد. آنچه در این مبحث، تحت عنوان بررسی ضمانت اجرای مختلف بابت تخلفات و جرایم ورزشکاران مورد بررسی قرار می گیرد، صرفا براساس اطلاق مواد قانونی در مسئولیت مدنی و قانونی مجازات اسلامی بیان می گردد. دامنه مسئولیت مدنی ورزشکاران در عرصه ورزش، بسیار شایع تر و عام تر از دامنه مسئولیت کیفری می باشد. چه این که در خصوص اعمال و خطاهای رخ داده در عرصه ورزش و بخصوص از ناحیه ورزشکاران، معمولا تکیه بر غیر عمدی بودن است و اینکه اصولا خطاهای ورزش را نمی تواند به عنوان جرم تلقی کند (حیدری، ۱۳۹۷: ۲۷۷).

فعالیت های ورزشی برای همه ورزشکاران اعم از مبتدی، حرفه ای، ماهر و آماتور، بالقوه متضمن خطرات بسیاری است. یکی از مهم ترین عواملی که می تواند مانع از قوه به فعل در آمدن بسیاری از این خطرات شود حضور و نظارت معلم ورزشی یا مربی در صحنه فعالیت های ورزشی است. به عبارت دیگر، آنچه موجبات مسئولیت قانونی مربیان را فراهم می آورد نتایج ناهنجار فعالیت های ورزشی نیست، بلکه عمد یا قصور آن ها در انجام وظایف مربوطه است (آقایی نیا، ۱۳۹۱: ۶۱). البته مدیران دو گروه هستند: یک عده مدیران فنی مثل مربیان، سر مربیان و معلمین ورزش که اینها مستقیم بر فعالیت های ورزشکار نظارت دارند. این افراد، موظفند قبل از شروع ورزش از سلامتی کامل ورزشکار اطلاع حاصل کنند و تناسب بین میزان فعالیت و توانایی ورزشکار را تنظیم کنند، در فعالیت های ورزشی حضور مستمر داشته باشند، کمک های اولیه را بدانند. دسته دوم مدیران، آنهایی هستند که با ورزشکار مواجه نیستند، بلکه مدیریت سخت افزاری ورزش را بر عهده دارند، مثل مدیر ورزشگاه، او مربی نیست، ولی ملزم است به ایمنی تمامی اماکن ورزشگاه و تجهیزات آن توجه کند. به طور کلی، باید گفت: مربیان و سرپرستان ورزش، برای مراقبت از ورزشکاران خود مکلف می باشند و در صورت استتکاف آنان از انجام این وظیفه، چنانچه موجب حادثه شوند پاسخگو خواهند بود، همچنین مربی تکواندو که بر انجام تمرینات دو نفر ورزشکار نظارت دارد، اگر از اجرای فنون خطا از سوی یکی از ورزشکاران جلوگیری ننموده و خطای فنی اعلام ننماید در صورت ورود خسارت ضامن است (شکری، ۱۳۸۷: ۶۷).

یکی از ارکان مهم ورزش در حوزه حقوق ورزشی، مربیان و مدیران می باشند که همواره به نقش و جایگاه آنان در بروز و یا عدم بروز حوادث ورزشی اشاره شده است (لوسوردو، ۲۰۲۰: ۳۰).

۸۰). مربیان ورزشی و مدیران ورزشی چه در دوره های ملی و یا پایینترین باشگاه یا واحد ورزشی حضورشان در فعالیت های ورزشی و مراقبت از ورزشکاران امری اجتناب ناپذیر است، حضور باید توأم با نظارت و دقت دائمی باشد (چلبی، ۱۳۹۵: ۴۲). در فقه آمده است مربی ضامن جنایت وارده بر شاگرد غیر بالغ است و میان تفریط کردن و یا نکردن مربی تفاوتی وجود ندارد، بر خلاف شخص بالغ و رشید؛ زیرا مربی شنا ضامن شخص بالغ نیست، اگر چه تفریط نموده باشد؛ زیرا اختیار بالغ به دست خودش است. البته در مواردی که غرق نوآموز به فعل یا تفریط مربی منسوب است فرض این است که مربی توان پیشگیری از وقوع حادثه را دارد و اگر اتفاقی رخ دهد ناشی از تفریط اوست، در چنین موردی تعهد حفاظت به نتیجه متوجه است. با توجه به اهمیت مسئولیت مدنی در ابعاد ورزشی، اما تحقیقات جامع و گسترده ای به شناسایی و رتبه بندی شناسایی و رتبه بندی معیارهای مسئولیت مدنی در حقوق ورزشی پرداخته است. امروزه اهمیت ورزش و نقش آن در سالم سازی جامعه به ویژه جوانان باعث شده رویه قضایی نیز به رویدادهای ورزشی و خطرهای ناشی از آن توجه خاص کند و ضرورت های بازی های ورزشی را در اعمال قواعد مسئولیت مدنی در نظر بگیرند. عدم شناخت در خصوص بهبود مسئولیت مدنی در حقوق ورزشی سبب گردیده است تا امروزه دعاوی بسیاری در محیط های ورزشی ایجاد گردد و از ظرفیت های مسئولیت مدنی در جهت پایداری سازی مشکلات و حوادث ورزشی جلوگیری به عمل آید. به عبارتی در ورزش کشور ایران از کارکردهای مطلوب مسئولیت مدنی بهره چندانی گرفته نشده است. این مساله می تواند ناشی از وجود خلاءهای تحقیقاتی در این حوزه باشد. خلا تحقیقاتی در این حوزه سبب گردیده است تا ابهامات بسیاری در خصوص بهره گیری از مسئولیت مدنی در حقوق ورزشی شکل گیرد. این خلا روند توسعه فعالیت های عملیاتی در ورزش در پاسخ به حوادث ورزشی را به شدت تحت شعاع قرار داده است. ایجاد شواهد در خصوص معیارهای مسئولیت مدنی در حقوق ورزشی می تواند بستری فنی در جهت توسعه مسئولیت مدنی در حقوق ورزشی ایجاد نماید. با این توجه تحقیق حاضر با هدف شناسایی و رتبه بندی معیارهای مسئولیت مدنی در حقوق ورزشی طراحی و اجرا گردید.

روش شناسی پژوهش

روش تحقیق حاضر از نوع پیمایشی بود که به صورت میدانی اجرا گردید. جامعه آماری تحقیق حاضر شامل تمامی خبرگان و افراد آگاه در حوزه حقوق ورزشی بودند. این افراد شامل کارشناسان ورزشی و کارشناسان حقوقی بودند. به صورت در دسترس تعداد ۱۵۰ کارشناس ورزشی و ۹۹ کارشناس حقوقی به عنوان نمونه تحقیق مشخص شدند. این افراد شامل کارشناسانی بودند که در حوزه های ورزشی و حقوقی اشراف کامل را داشتند. معیارهای انتخاب این افراد، سطح تحصیلات، تجارب علمی و شغلی و همچنین سابقه عملکردی آنان در حوزه ورزش و حقوق بود که با توجه به این معیارها به شناسایی کارشناسان در بخش ورزشی و حقوقی اقدام گردید. به صورت کلی تعداد ۲۴۹ پرسشنامه توزیع گردید که پس از پخش و جمع آوری اطلاعات تعداد ۲۰۱ پرسشنامه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

ابزار گردآوری اطلاعات در تحقیق حاضر پرسشنامه محقق ساخته ای بود که سوالات آن به معیارهای مسئولیت مدنی در حقوق ورزشی پرداخته است. بدین منظور ۱۸ معیار نهایی شناسایی

گردید. این معیارها پس از بررسی نظرات خبرگان و مطالعات تطبیقی و کتابخانه ای شناسایی گردید. بدین صورت که ضمن بررسی های تطبیقی و نظرات خبرگان در نهایت ۱۸ معیار به عنوان معیارهای مسئولیت مدنی در حقوق ورزشی شناسایی و انتخاب گردید. این پرسشنامه به صورت مقایسه زوجی دو به دو معیارها طراحی گردیده بود. روایی صوری این پرسشنامه با بررسی نظرات خبرگان، روایی سازه با استفاده از انجام روش تحلیل عاملی و پایایی آن با استفاده از محاسبه آلفای کرونباخ مورد تایید قرار گرفت. این پرسشنامه به صورت مقایسه زوجی دو به دو معیارها طراحی گردیده بود. به منظور رتبه بندی معیارهای مسئولیت مدنی در حقوق ورزشی از روش AHP استفاده گردید. کلیه روند تجزیه و تحلیل داده های تحقیق با استفاده از نرم افزار Super Decisions انجام گردید.

یافته های پژوهش

جدول ۱ نتایج توصیفی تحقیق را نشان می دهد:

جدول ۱: یافته های توصیفی پژوهش

گروه ها	ویژگی های نمونه ها	درصد
کارشناسان ورزشی	۲۰ تا ۲۷ سال	۳۷/۳
	۲۸ تا ۳۵ سال	۲۴/۷
	۳۶ تا ۴۳ سال	۲۵/۳
	۴۴ تا ۵۱ سال	۸/۰
	بالتر از ۵۱ سال	۴/۷
کارشناسان حقوقی	۲۰ تا ۲۷ سال	۲۹/۳
	۲۸ تا ۳۵ سال	۳۲/۳
	۳۶ تا ۴۳ سال	۲۴/۲
	۴۴ تا ۵۱ سال	۱۴/۱
	بالتر از ۵۱ سال	۰
کارشناسان ورزشی	مرد	۶۱/۳
	زن	۳۸/۷
	جنسیت	۳۱/۳
	زن	۶۸/۷
	کارشناسی	۵۲/۷
کارشناسان ورزشی	کارشناسی ارشد	۳۸/۷
	دکتری	۸/۷
	کارشناسی	۴۲/۴
	کارشناسی ارشد	۴۲/۴
	دکتری	۱۵/۲
کارشناسان حقوقی	تحصیلات	۴۲/۴
	دکتری	۱۵/۲

جدول ۲ معیارهای مسئولیت مدنی در حقوق ورزشی را نشان می دهد:

جدول ۲: معیارهای مسئولیت مدنی در حقوق ورزشی

ردیف	معیارها
۱	صلاحیت های فنی (کارت مربیگری) جهت آماده سازی ورزشکاران در رشته های پرخطر
۲	توجه به توانایی های فنی، روحی و روانی ورزشکاران در هنگام فعالیت
۳	بازدید از وسایل ورزشی و اجازه ندادن به ورزشکاران در استفاده از تجهیزات و ابزار غیراستاندارد
۴	آموزش حرکات و مهارت های ورزشی به ورزشکاران
۵	مورد توجه قرار دادن میزان مهارت ها، قد و وزن ورزشکاران در رقابت های ورزشی
۶	مشخص نمودن جانشین واجد شرایط در زمان های اضطراری برای ترک محل خدمت
۷	انتقال سریع ورزشکاران مصدوم به درمانگاه
۸	توجه به ورزش به عنوان یکی از عوامل پیشگیری از جرم
۹	آشنایی کافی با اصول و فنون استفاده از وسایل کمک های اولیه
۱۰	عدم کوتاهی نسبت به انجام اقدامات فوری برای نجات ورزشکاران مصدوم
۱۱	اقدام به ایمن نمودن اماکن، فضاها و تجهیزات ورزشی
۱۲	اعمال محدودیت هایی به منظور جلوگیری از وقوع حوادث در زمان مسابقات
۱۳	تنظیم استشهاد در صورت وقوع حوادثی که عواقب نامطلوب داشته باشد
۱۴	اطلاع رسانی به مسئولان باشگاه و خانواده، همزمان با انجام کمک های اولیه یا انتقال ورزشکار مصدوم به درمانگاه
۱۵	آموزش مهارت های جلوگیری از آسیب دیدگی در زمان اجرای فنون ورزشی
۱۶	توجه به نظریه تقصیر به عنوان مبانی مسئولیت ورزشی
۱۷	مبنا قرار دادن نظریه تقصیر به عنوان مبانی مسئولیت مدنی حوادث ورزشی در نظام حقوقی ایران
۱۸	تشکیل شعب خاص رسیدگی به دعاوی ورزش در دادگاه ها

به منظور رتبه بندی معیارهای مسئولیت مدنی در حقوق ورزشی، از روش AHP استفاده گردید. جدول ۳، نتایج این اولویت بندی را نشان می دهد:

جدول ۳: رتبه بندی معیارهای مسئولیت مدنی در حقوق ورزشی با استفاده از روش AHP

اولویت بندی	معیارها	ردیف
۰/۱۶۷	تشکیل شعب خاص رسیدگی به دعاوی ورزش در دادگاه ها	۱
۰/۱۴۵	توجه به نظریه تقصیر به عنوان مبانی مسئولیت ورزشی	۲
۰/۱۳۸	آموزش مهارت های جلوگیری از آسیب دیدگی در زمان اجرای فنون ورزشی	۳
۰/۱۳۲	اقدام به ایمن نمودن اماکن، فضاها و تجهیزات ورزشی	۴
۰/۱۲۹	صلاحیت های فنی (کارت مربیگری) جهت آماده سازی ورزشکاران در رشته های پرخطر	۵
۰/۱۱۸	اعمال محدودیت هایی به منظور جلوگیری از وقوع حوادث در زمان مسابقات	۶
۰/۱۱۳	مبنا قرار دادن نظریه تقصیر به عنوان مبانی مسئولیت مدنی حوادث ورزشی در نظام حقوقی ایران	۷
۰/۱۰۸	اطلاع رسانی به مسئولان باشگاه و خانواده، همزمان با انجام کمک های اولیه یا انتقال ورزشکار مصدوم به درمانگاه	۸
۰/۱۰۲	عدم کوتاهی نسبت به انجام اقدامات فوری برای نجات ورزشکاران مصدوم	۹
۰/۰۹۸	توجه به توانایی های فنی، روحی و روانی ورزشکاران در هنگام فعالیت	۱۰
۰/۰۸۳	تنظیم استشهاد در صورت وقوع حوادثی که عواقب نامطلوب داشته باشد	۱۱
۰/۰۷۱	آشنایی کافی با اصول و فنون استفاده از وسایل کمک های اولیه	۱۲
۰/۰۶۸	بازدید از وسایل ورزشی و اجازه ندادن به ورزشکاران در استفاده از تجهیزات و ابزار غیراستاندارد	۱۳
۰/۰۵۹	انتقال سریع ورزشکاران مصدوم به درمانگاه	۱۴
۰/۰۵۴	توجه به ورزش به عنوان یکی از عوامل پیشگیری از جرم	۱۵
۰/۰۴۱	آموزش حرکات و مهارت های ورزشی به ورزشکاران	۱۶
۰/۰۳۴	مورد توجه قرار دادن میزان مهارت ها، قد و وزن ورزشکاران در رقابت های ورزشی	۱۷
۰/۰۲۶	مشخص نمودن جانشین واجد شرایط در زمان های اضطراری برای ترک محل خدمت	۱۸

با توجه به نتایج روش AHP مشخص گردید که تشکیل شعب خاص رسیدگی به دعاوی ورزش در دادگاه ها با نمره نرمال ۰/۱۶۷، توجه به نظریه تقصیر به عنوان مبانی مسئولیت ورزشی با نمره نرمال ۰/۱۴۵ و آموزش مهارت های جلوگیری از آسیب دیدگی در زمان اجرای فنون ورزشی با نمره نرمال ۰/۱۳۸ مهمترین معیارهای مسئولیت مدنی در حقوق ورزشی می باشد. میزان نرخ ناسازگاری در تحقیق حاضر ۰/۰۸۵ می باشد که نشان دهنده مناسب بودن این نرخ می باشد.

بحث و نتیجه گیری

اصلی ترین بحث در حیطه حقوق ورزشی آشنایی دست اندر کاران جامعه ورزش اعم از مدیر، سرپرست داور، مربی، ورزشکار و ... از قوانین و مقررات مورد عمل می باشد که این قوانین به طور کلی در سه مولفه: الف) قوانین پیشگیری (پیشگیرانه) ب) قوانین حمایتی ج) قوانین تنبیهی قابل بررسی است. ورزش به مفهوم عام، از مهم ترین عوامل زیر بنایی است که توجه دولت ها را در تحقق آرمان های خود که معمولا در قوانین اساسی هر ملتی مذکور می باشد، جلب نموده است. محکم ترین و در عین حال، ساده ترین دلیل، این جذابیت آن است که تحقق آرمان های هر ملتی، جز در پرتو مهم ترین عامل، یعنی برومندی نسل مقدور نمی باشد (جاوید، ۱۳۷۵: ۷). به همین دلیل هم بیشتر مردم با تجربه و تمرین به معنای ورزش پی برده اند و از دیدگاه اکثر مردم، ورزش به مفهوم تفریح کردن است ولی در عین حال ممکن است نوعی کار (برای ورزشکاران حرفه ای) راهی برای استخدام شدن (تورهای ورزشی) و یا نوعی تجارت (آژانس های بازار یابی ورزشی) به شمار آید.

بر این اساس، هر چه به این اصل بها دهیم که، برومندی ملت به عنوان مبنای حرکت به سوی اهداف جز از طرق تحقق عینی اهداف تربیت بدنی راه دیگری ندارد، به همان میزان نیز بهره خواهیم برد. بنابراین اگر ورزش را تنها وسیله ی سرگرمی و یا وسیله ای برای پر کردن اوقات فراغت بدانیم، در حقیقت از هدف ورزش که نتیجه ی آن برومندی نسل است، دور افتاده ایم و طبیعی است که بدون نسلی سالم، قوی و با نشاط، نمی توان در هیچ یک از امور زندگی اجتماعی و حتی فردی، چندان امیدی به آینده ی تابناک و نزدیک شدن به اهداف نهایی هر ملتی داشت. بررسی تطبیقی نقش ورزش و تربیت بدنی در میان ملت های مختلف دقیقا و عملا تایید کننده این ادعاست (آقائی نیا، ۱۳۹۳: ۱۳)، بنابراین لازم است ورزش را در طیف گسترده و به صورت ریشه ای بررسی نمود.

تحقیق حاضر همچنین مشخص نمود که تشکیل شعب خاص رسیدگی به دعاوی ورزش در دادگاه ها به عنوان مهمترین معیار مسئولیت مدنی در حقوق ورزشی مشخص گردید. بدون شک ایجاد شعب خاص رسیدگی به دعاوی ورزش در دادگاه ها سبب می گردد تا علم اختصاصی ورزش به صورت مناسبی در دعاوی ورزش اجرایی گردد. به عبارتی، ایجاد این شعب سبب می گردد تا دعاوی ورزش با علم ورزشی تری مورد بررسی و دنبال قرار گیرد. این مساله نشان می دهد که شعب خاص رسیدگی به دعاوی ورزش در دادگاه ها به عنوان یک ضرورت می تواند بسیاری از اختلافات موجود را از منظر ارتباطات ورزشی و حقوقی مورد توجه قرار دهد. بدون شک این خود زمینه جهت بهبود عدالت محوری در این حوزه را فراهم خواهد نمود.

آریانفر (۱۳۸۸) در تحقیق خود که با هدف بررسی صلاحیت مراجع قضایی و غیر قضایی در رسیدگی به خطاهای ورزشی انجام گرفت، پس از بررسی های خود پی بردند که از لحاظ

صلاحیت و قابل تجدید نظر بودن آراء کمیته های انضباطی در صورت صراحت به قطعی بودن آرا به نظر می رسد که باز هم قابل تجدید نظر خواهی در دیوان عدالت اداری باشد ولیکن اگر به صورت اطلاق عنوان شده باشد به نظر می رسد در هیأت بخش، هیأت شهرستان، هیأت استان، فدراسیون قابل تجدید نظر باشد، به عبارت دیگر سلسله مراتب در کمیته انضباطی با توجه چند آیین نامه اجرایی مورد بحث کاملاً مشهود بوده است که البته مخالف این نظر هم ممکن با استدلالات قوی وجود دارد. مسئله مهم در آرا این کمیته تأثیر پذیری رأی کمیته بر رأی دادگاه ها و بالعکس است که به نظر می رسد در صورت رعایت شرایط دادگاه می تواند از صورت جلسات کمیته انضباطی به عنوان اماره ای بر صحت یا عدم صحت و ادعای اطراف دعوا استفاده کند ولیکن حکم دادگاه برای کمیته های انضباطی در صورت احراز تخلف لازم الاتباع است و در امور بین المللی تنها مرجع رسیدگی به اعتراضات آنهم تحت شرايطی (CAS) یا همان دیوان بین المللی کيفری ورزشی است که می تواند مرجع رسیدگی به اعتراضات به آرای صادره از سوی فدراسیون ها یا مجامع بین المللی خاص باشد. اسمیت و همکاران (۲۰۱۶) در تحقیق خود با هدف قرار دادن همگرایی حقوق رسانه ای و رقابت رسانه ها انجام دادند، رقابت در حقوق ورزشی، به نفع مصرف کنندگان، سیاست گذاران و تنظیم کنندگان ورزشی باید توجه خود را به تنظیم بازار، بازار برنامه های ورزشی متمرکز کنند. میتن (۲۰۱۴) در تحقیقی اعلام نمود که، دادگاه داورى ورزش (CAS) دارای فقه تحلیلی مجزایی می باشد. مایو جی-هیدن اوپی (۲۰۱۰) در تحقیق خود اعلام نمودند با توجه به اهمیت فرهنگی و اقتصادی ورزش در سطح جهان، قانون ورزش ممکن است بذرهایی را که به افزایش حقوق قانونی و ملی حقوق بشر جوانه می زند، بشکند با توجه به روابط اجتماعی در جهان ورزش، که یک رسانه پیچیده است و روابط مختلف اجتماعی و تجاری که در ذینفعان هست آنها می توانند حقوق خاصی را ادعا نمایند (فرودل، ۲۰۱۵). از این رو می توان چنین اعلام داشت که نتایج تحقیق حاضر با نتایج تحقیقات آریانفر (۱۳۸۸)، میتن (۲۰۱۴) و مایو جی-هیدن اوپی (۲۰۱۰) همسو می باشد.

تحقیق حاضر همچنین مشخص نمود که توجه به نظریه تقصیر به عنوان مبانی مسئولیت ورزشی از دیگر معیارهای مهم در حوزه مسئولیت مدنی در حقوق ورزشی می باشد. نظریه تقصیر یکی از مسائل مهم در حوزه مسئولیت مدنی می باشد. بر مبنای این نظریه وجه اصلی مسئولیت عامل فعل زیان بار در قبال زیان دیده، تقصیر او است. طرفداران این نظریه قصد داشتند که عامل زیان را اقناع و ارضاء وجدانی نموده و به او خاطر نشان کنند که این وجدان او است که او را مسئول جبران ضرر می داند و حکم قانون گذار به مسئولیت و لزوم جبران ضرر توسط او مطابق با حکم وجدان است؛ به عبارتی، این نظریه به انگیزه های درونی و باطنی فرد نیز اصالت می دهد. نظریه تقصیر بر اصل برائت استوار است که بر مبنای آن "اصل بر براءت است مگر این که خلاف آن ثابت شود" (چلبی، ۱۳۹۵). بر این اساس، عامل زیان از تقصیر بری است، مگر آن که زیان دیده بتواند تقصیر او را ثابت کند. بدون شک با توجه به اینکه حوادث ورزشی یکی از مسائل مهم می باشد و همواره این حوادث در محیط های ورزشی وجود داشته است، لذا مبنای این نظریه در ورزش می بایستی حمایت از فرد زیان دیده باشد تا نتوان از اعمال نفوذ قدرت های ورزشی در هنگام بروز حوادث جلوگیری به عمل آید.

تحقیق حاضر همچنین مشخص نمود که آموزش مهارت های جلوگیری از آسیب دیدگی در زمان اجرای فنون ورزشی از دیگر معیارهای مهم در حوزه مسئولیت مدنی در حقوق ورزشی می باشد. بدون شک آموزش در جهت بهبود مهارت در خصوص اجرای مهارت ها و فنون ورزشی

می تواند یکی از راهکارهای پایدار در حوزه مسئولیت مدنی در حقوق ورزشی می باشد. آقایی نیا (۱۳۹۱) مشخص نمود که آموزش در جهت کاهش بروز مشکلات و حوادث ورزشی می تواند در ایجاد ظرفیت های مطلوب در حوزه کاهش خطاهای انسانی نقش مهمی داشته باشد. شکری (۱۳۸۷) نیز مشخص نمود که ظرفیت سازی های ایجاد شده به اوسطه آموزش می تواند نقش مهم و پررنگی در کاهش خطاهای انسانی داشته باشد. از این رو می توان چنین اعلام داشت که نتایج تحقیق حاضر با نتایج تحقیقات آقایی نیا (۱۳۹۱) و شکری (۱۳۸۷) همسو می باشد. به نظر می رسد آموزش مهارت های جلوگیری از آسیب دیدگی در زمان اجرای فنون ورزشی به واسطه ایجاد خبرگی در ورزش و همچنین ایجاد شرایطی در جهت عملکرد مطلوب افراد در ورزش، می تواند ظرفیت های مطلوبی در حوزه ورزش در مسیر کاهش حوادث ورزشی ایجاد نماید.

تحقیق حاضر همچنین مشخص نمود که اقدام به ایمن نمودن اماکن، فضاها و تجهیزات ورزشی از دیگر معیارهای مهم در حوزه مسئولیت مدنی در حقوق ورزشی می باشد. این مساله چنان اهمیت دارد که تحقیقات گسترده ای از جمله: اسچوارز و همکاران (۲۰۱۵)، هیل و گرین (۲۰۱۲) و مالن و چارد (۲۰۱۲) اشاره داشتند که ایمن سازی محیط های ورزشی از جمله وظایف کلیدی مدیران ورزشی می باشد. این رو می توان چنین اعلام داشت که نتایج تحقیق حاضر با نتایج تحقیقات اسچوارز و همکاران (۲۰۱۵)، هیل و گرین (۲۰۱۲) و مالن و چارد (۲۰۱۲) همسو می باشد. به نظر می رسد اقدام به ایمن نمودن اماکن، فضاها و تجهیزات ورزشی می تواند آسیب های ناشی از حوادث ورزشی را به شدت کاهش دهد و از طرفی ظرفیت های مطلوبی در حوزه های ورزشی در جهت ایمن سازی فضاهای ورزشی فراهم نماید. به صورتی که این مساله آسیب های ناشی از اتفاقات و حوادث ورزشی را به شدت کاهش می دهد و می تواند در حفاظت از ارکان ورزش در محیط های ورزشی بسیار کمک نماید. با توجه به نتایج تحقیق حاضر پیشنهاد می گردد تا با ایجاد شعب خاص رسیدگی به دعاوی ورزش در دادگاه ها، ظرفیت های تخصصی در خصوص دعاوی ورزشی ایجاد نمود. از طرفی پیشنهاد می گردد تا با ایجاد سامانه های نظارتی بر حسن آموزش های ورزشی، از ظرفیت مهارت های ورزشی در جهت کاهش آسیب ها و حوادث ورزشی جلوگیری به عمل آورد. همچنین با توجه به نتایج تحقیق حاضر پیشنهاد می گردد تا با یکپارچه سازی امکان ورزشی در زمینه مسائل ایمنی، ظرفیت های مطلوبی در حوزه های حقوق ورزشی و کاهش آسیب ها و حوادث ورزشی داشت.

منابع

- آقایی نیا، حسین. (۱۳۹۳). حقوق ورزشی. چاپ دهم، تهران: نشر میزان
- الماسی، نجاد علی و انیسی، محمدعلی. (۱۳۹۵). «مسئولیت مدنی و بیمه ورزشی». ۹ (۳۴)، صص ۲۶-۵۲.
- چلبی، البرز. (۱۳۹۵). دیپاچه ای بر حقوق ورزشی و قواعد عمومی حقوق جزا. چاپ اول، تهران: بامداد کتاب
- حسینی، سید محمد و اسحاقی، الهام. (۱۳۹۴). «مسئولیت مدنی و کیفری ناشی از فعالیت های ورزشی». الهیات و علوم اسلامی، ۴ (۱)، صص ۵۵-۶۷.
- حیدری، مهرداد. (۱۳۹۷). «بررسی مسئولیت مدنی در جامعه ورزشی در حقوق موضوعه ایران». پژوهش های حقوق قانون یار، ۱ (۳)، صص ۲۷۷-۲۸۸.
- سوری، ابوذر؛ همتی نژاد، مهرعلی؛ بنار، نوشین و رستمی، عبدالله. (۱۳۹۸). «تعیین موانع و شیوه های توسعه ابعاد نظام حقوق ورزشی کشور». مطالعات مدیریت ورزشی. پذیرفته شده برای چاپ.
- شکری، نادر. (۱۳۸۷). حقوق ورزشی؛ بررسی نظم حاکم بر حقوق ورزشی ایران. تهران: انتشارات نقش گستران بهار
- رضایی نژاد، همایون و رضایی نژاد، امیرحسین. (۱۳۹۵). «پژوهشی تطبیقی در باب مبنای مسئولیت مدنی ورزشکاران (در مقابل یکدیگر)». فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی. ۴۶ (۴)، صص ۵۱۳-۵۳۲.
- Dashkovska, O. R., Yavor, O. A., Brovchenko, T. I., Huz, Y. V., & Barabash, O. O. (2021). "The features of the implementation of the sports law". Retos: nuevas tendencias en educación física, deporte y recreación, (39), 100-118.
- Frodl, C. (2015). "Commercialisation of sports data: rights of event owners over information and statistics generated about their sports events". Marq. Sports L. Rev., 26, 55.
- Hill, B., & Green, B. C. (2012). "Repeat participation as a function of program attractiveness, socializing opportunities, loyalty and the sportscape across three sport facility contexts". Sport Management Review, 15(4), 485-499.
- Jacobs, D. J. J. (2020). "Legal aspects of school governance and management in the security of the educator-coach: a sport law perspective". Doctoral dissertation, North-West University (South Africa).
- Lo Surdo, A. (2020). "Sports law: A guide to the new national sports tribunal". LSJ: Law Society of NSW Journal, (65), 78-79.
- Mallen, C., & Chard, C. (2012). "What could be" in Canadian sport facility environmental sustainability. Sport Management Review, 15(2), 230-243.
- Merriman, J., & Conn, J. H. (1988). "Sport law: A social perspective". Journal of Sport and Social Issues, 12(2), 97-107.
- Mitten, M. J. (2014). "The Court of Arbitration for Sport and its global jurisprudence: international legal pluralism in a world without national boundaries". Ohio St. J. on Disp. Resol., 30, 1.
- Schwarz, E. C., Hall, S. A., & Shibli, S. (2015). Sport facility operations management: A global perspective. Routledge.

- Singh, P. C. (2001). **“A review of 20th century literature related to sport law”**. South African Journal for Research in Sport, Physical Education and Recreation, 23(1), 75-83.
- Smith, P., Evens, T., & Iosifidis, P. (2016). **“The next big match: Convergence, competition and sports media rights”**. European Journal of Communication, 31(5), 536-550.
- Spengler, J. O., Anderson, P. M., Connaughton, D. P., & Baker III, T. A. (2016). **“Introduction to sport law with case studies in sport law”**. Human Kinetics.
- Zdunek, A., & Guzek, A. (2020). **“Index: Sports Law in Law Reviews and Journals”**. Marquette Sports Law Review, 31(1), 193-201.

تحلیل کلان روندهای کلیدی مؤثر بر آینده ورزش حرفه‌ای بانوان با رویکرد تحلیل ساختاری

پرستو رضایی^۱

محمد پورکیانی^۲

سید صلاح الدین نقشبندی^۳

محسن باقریان^۴



10.22034/SSYS.2022.1607.2137

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۸/۲۰

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۱۱/۲۱

ورزش حرفه‌ای زنان یکی از چالش‌های حوزه ورزش در کشور به‌شمار می‌رود. برای گذر از این موقعیت و توسعه آن در آینده لازم است یک سیستم هشدار زودهنگام در این رابطه ارائه شود و به‌منظور بررسی روندهای پیش‌روی آن نسبت به تدوین برنامه‌های استراتژیک طرح‌ریزی شود. با توجه به اهمیت این موضوع مطالعه حاضر روندهای مؤثر بر آینده ورزش حرفه‌ای بانوان ایران را شناسایی و خوشه‌بندی کرده است. این پژوهش از لحاظ راهبرد هدف‌گذاری کاربردی و روش آن توصیفی - تحلیلی می‌باشد. داده‌های نظری با روش اسنادی و داده‌های تجربی با روش پیمایشی بر اساس روش دلفی تهیه شده است. مشارکت‌کنندگان در پژوهش ۲۰ نفر از خبرگان و متخصصان صاحب‌نظر در حوزه ورزش زنان بود که به‌صورت نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شده بودند. جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات از رویکرد تحلیل ساختاری و نرم‌افزار Micmac استفاده شده است. نتایج این پژوهش نشان داد پراکندگی متغیرهای کلیدی و مؤثر بر آینده ورزش حرفه‌ای زنان در ایران،

۱- دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲- استادیار، مدیریت ورزشی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

E-mail: M_pourkiani@sbu.ac.ir

۳- استادیار، مدیریت ورزشی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۴- استادیار، مدیریت ورزشی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

● تحلیل کلان روندهای کلیدی مؤثر بر آینده ورزش حرفه‌ای بانوان با رویکرد تحلیل ساختاری

سیستمی ناپایدار دارند و از میان ۴۰ عامل بررسی‌شده در این پژوهش، ۱۲ عامل (کفایت سرمایه، مشارکت بخش خصوصی، درآمدزایی و تجاری‌سازی ورزش بانوان، سرمایه‌گذاری دولت، جذب سرمایه مالی، افزایش سطح درآمد، افزایش قدرت و حضور بانوان در فضای ورزش، افزایش تعداد باشگاه‌های ورزشی در حوزه ورزش بانوان، حمایت جامعه از توسعه ورزش زنان، افزایش زنان تحت پوشش ورزش قهرمانی، حمایت رسانه‌ها و کسب سهمیه در رقابت‌های المپیک) کلیدی‌ترین نقش را در آینده ورزش حرفه‌ای بانوان داشتند. کاربست این متغیرها به عنوان بستر ساز و راهنمای تدوین نقشه راه و سناریوهای توسعه ورزش حرفه‌ای بانوان ایران، بسیار اهمیت دارد.

واژگان کلیدی: تحلیل روند، ورزش، ورزش حرفه‌ای زنان و تحلیل ساختاری.

مقدمه

یکی از زمینه‌های منحصر به فرد فعالیت‌های اقتصادی که رشد چشم‌گیری داشته است، ورزش است (بیرز^۱، ۲۰۱۸). افزایش محبوبیت ورزش، توسعه آن، ورود حامیان مالی و بسیاری از عوامل دیگر سبب شده است امروزه این پدیده به یک صنعت اثرگذار (یاسر و همکاران^۲، ۲۰۱۶) و در عین حال به یک تجارت حرفه‌ای پرسود تبدیل شود (فورت^۳، ۲۰۰۳؛ کالازدا^۴، ۲۰۱۲).

یکی از اجزای اصلی این صنعت که سریع‌ترین رشد را در طی دهه‌های گذشته به خود اختصاص داده است، ورزش حرفه‌ای است (سروپ و دوموند^۵، ۲۰۱۸). ورزش حرفه‌ای یکی از اجزای اصلی ورزش به‌شمار می‌رود که با هدف سودآوری انجام می‌شود. بررسی‌ها نشان می‌دهد در طی سال‌های گذشته روند روبه رشد ورزش حرفه‌ای به دلیل تحولات رخ داده در سطوح مختلف اعم از فناوری، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و غیره پیچیده‌تر از قبل شده است، به این معنی که نمی‌توان به مانند گذشته روند روبه رشد آن را مبتنی بر رخدادهای اتفاق افتاده و شواهد در اختیار پیش‌بینی کرد (بیرز، ۲۰۱۸). این در حالی است که سازمان‌های ورزشی باید برای ایجاد و حفظ رقابت در این عرصه روندهای پیش‌روی آن را به‌دقت رصد کرده تا مقتضیات، نیازها و ضروریات پیش‌روی آن را پیش‌بینی نمایند (راتن^۶، ۲۰۱۱). اما مسئله این است که پیش‌بینی روندها به خودی خود کار ساده‌ای نیست، به این دلیل که روندها از ورزشی به ورزش دیگر، از قاره‌ای به قاره‌ای دیگر و از بسیاری از جهات دیگر بر یک مبنای معین قرار ندارد، کما اینکه در بسیاری از جهات نیز متفاوت است (بیرز، ۲۰۱۸). در مقابل صنعت ورزش به طور مداوم در حال تغییر بوده و این سبب شده تا توان الگوی مشخص و ثابت را برای فعالیت در آن طرح‌ریزی کرد (آندرسون و همکاران^۷، ۲۰۲۰).

روش تحلیل روند به اوایل دهه ۷۰ میلادی برمی‌گردد که از آن برای پیش‌بینی، برنامه‌ریزی احتمالی، تحلیل گزینه‌های سیاسی، برنامه‌ریزی استراتژیک و سناریونویسی استفاده شده است. رویدادهایی که در روش تحلیل تأثیر روند بررسی شده‌اند طیف وسیعی از موضوعات مختلف را از جمله تغییرات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فناورانه در بر می‌گیرد (عباسی، ساکن و بهرامی، ۱۳۹۳). این روش پرکاربرد تاکنون توسط بسیاری از سازمان‌های بزرگ از جمله اداره هوانوردی فدرال آمریکا، بنیاد ملی علوم و بسیاری از موسسات دیگر مورد استفاده قرار گرفته است (گلن^۸، ۲۰۰۳). چرا که این روش مؤلفه‌ای مهم از استراتژی، فرایند توسعه، نوآوری، طراحی و برنامه‌ریزی آینده یک سازمان را تشکیل داده و با اطمینان می‌توان گفت که در آینده نیز تحلیل آن از اهمیت

-
1. Byers
 2. Yasar et al.
 3. Fort
 4. Calzada
 5. Thorpe & Dumont
 6. Ratten
 7. Anderson et al.
 8. Glenn

زیادی برخوردار است (افارت^۱، ۲۰۱۴). از طرفی بی‌توجهی به این روندها و نادیده گرفتن آنها همواره پیامدهای ناگواری را برای حوزه‌های مختلف به همراه داشته است (اشلی و موریسون^۲، ۱۹۹۶). چرا که برنامه‌ریزی برای آینده کسب و کارها براساس نیازهای فعلی و یا کمبودهای خدمتانی، برای حضور موفق در عرصه رقابت در جهان آینده سرمایه مناسبی نیست و برای ایفا نقش کارا و اثربخش این ضرورت وجود دارد که به رویکردهای جدید برنامه‌ریزی که در آن پیشران‌های توسعه و تحولات آینده طرح‌ریزی و سناریوسازی شده است، اتکا شود (ملکی‌فر، ۱۳۹۳)؛ تا متناسب با قابلیت‌ها و توانمندی‌های جامعه، مسائل چالش برانگیز کنونی و آینده واکاوی شود. بر همین اساس، امروزه شناخت تحولات آینده با رویکرد آینده‌نگرانه یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر شده است (شوارتز^۳، ۲۰۱۹). از این‌رو مشاهده می‌شود که طی سال‌های گذشته این رویکرد در بین محققان حوزه‌های مختلف با استقبال روزافزونی همراه بوده است. به طور خاص در حوزه ورزش می‌توان به تحقیق سروپ و دوموند (۲۰۱۸)، آندرسون و همکاران (۲۰۲۰)، آرینس-جیل و همکاران^۴ (۲۰۲۰) و جوهانسون و همکاران^۵ (۲۰۲۰) اشاره کرد. اما نکته حائز اهمیت این است که تمامی این تحقیقات به جزء تحقیق سروپ و دوموند (۲۰۱۸) روندهای مؤثر بر آینده اجزاء ورزش را بررسی نکرده‌اند. یافته‌های تحقیق سروپ و دوموند (۲۰۱۸) که تاحدودی مرتبط با موضوع تحقیق حاضر نیز می‌باشد نشان می‌دهد که در ورزش رشد سریع، تجاری‌سازی، نهادینه‌سازی و استفاده از فن‌آوری نوین در حال رخ دادن است. با این حال به موازات تحولات گسترده تنها استناد به این روندها نمی‌تواند پیش‌بینی کاملی از آینده ورزش را در ابعاد مختلف در اختیار دست‌اندرکاران مربوطه قرار دهد. در تحقیقی دیگر جعفری و همکاران (۱۳۹۸) با بررسی نقش‌آفرینی زنان در مدیریت ورزش کشور با رویکرد آینده‌پژوهی نشان دادند که چارچوب کلی آینده‌پژوهی مدیریت زنان در ورزش، مشتمل بر چهار لایه فرصت‌یابی آینده، تحلیل گلوگاه‌ها، راه‌یابی آینده‌نگر و اجرا و بازنگری است که هر لایه، خروجی جدایی به‌ترتیب موضوع‌ها، عوامل کلیدی، نقشه راه و عملکرد دارد. همتی عقیف و همکاران (۱۳۹۸) با بررسی تأثیرات تغییر فرآیندهای سازمان‌دهی بر پیاده‌سازی موفق آینده‌نگاری راهبردی در سازمان‌های ورزشی به این نتیجه رسیدند که که رویه‌های سازمانی جدید حاصل از تغییرات در فرآیندهای سازمان‌دهی بر عدم موفقیت در اجرا و پیاده‌سازی آینده‌نگاری راهبردی در صنعت ورزش اثر مثبت و معنادار دارد. در تحقیقی دیگر درویشی سه تالانی و همتی (۱۳۹۷) با بررسی سناریوهای پیش روی حضور زنان ایرانی در عرصه سیاست ۱۴۰۶-۱۳۹۶ چهار سناریو ارائه دادند. سناریوی اول: حضور کم‌رنگ و کم اثر زنان؛ سناریوی دوم: تحول نهادی و شکل‌گیری الگوی سکولار مشارکت در

1. Efrat
2. Ashley& Morrison
3. Schwartz
4. Arenas-Jal et al.
5. Johnson et al.

ایران؛ سناریوی سوم: پیشتازی زنان با ایجاد فرصت‌های برابر سیاسی، اقتصادی و رفع نارسایی‌های فرهنگی اجتماعی؛ سناریوی چهارم: ارتقای وضع فعلی مشارکت زنان.

ورزش زنان یکی از این ابعاد است که سیر تحولات آن به مراتب پیچیده‌تر از ورزش مردان است چرا که رشد ورزش زنان در کشور در سطح حرفه‌ای و قهرمانی در ابتدای راه است (نیازی، ۱۳۹۵). و بی‌شک تدوین برنامه‌های کارآمد و مؤثر و صحت انطباق آن با تحولات رخ داده نیازمند آن است که روندهای پیش‌روی آن‌ها شناسایی شود. با این حال ورزش زنان همواره چالش‌های مختلفی را به خود می‌بیند؛ محدودیت‌های داخلی و خارجی و تبعیض‌های مسئولان ورزشی کشور تنها بخشی از این چالش‌هاست. لذا آشنایی با روند تاریخی ورزش زنان می‌تواند تجربه خوبی برای گذر از این چالش‌ها در اختیار بگذارد. در ایران با این‌که استعدادهای بسیار و ظرفیت‌های خوبی در حوزه ورزش زنان وجود دارد، اما چندان به ورزش زنان اهمیت داده نمی‌شود. از طرفی، موفقیت‌های به‌دست آمده نیز در مقایسه با ورزش مردان چندان دیده نشده و بهای لازم به آن داده نشده است (اسدی، ۱۳۹۷). براین اساس مطالعه حاضر روندهای مؤثر بر آینده ورزش حرفه‌ای بانوان ایران را مورد بررسی قرار داده است. بدیهی است ارائه تصویری جامع از توسعه ورزش حرفه‌ای بانوان در آینده و شناخت عدم قطعیت‌های پیش‌روی این حوزه و ارائه سناریوهایی برای پیشبرد بهتر اهداف ورزش بانوان در گرو شناخت آینده است. شناخت آینده کمک می‌کند اطلاعات مورد نیاز برای سیستم هشدار زودهنگام، روند و تحولاتی که باید مورد توجه قرار گیرد و همچنین یکپارچه سازی اطلاعات آینده پیش‌روی ورزش حرفه‌ای زنان مهیا گردد.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از لحاظ راهبرد هدف‌گذاری کاربردی و روش آن توصیفی - تحلیلی و براساس روش‌های آینده پژوهی، تبیینی می‌باشد. داده‌های نظری با روش اسنادی و داده‌های تجربی به روش پیمایشی تهیه شده است. در تهیه متغیرهای مؤثر بر وضعیت آینده ورزش بانوان در ایران از روش مطالعات اسنادی و داده‌های تجربی به‌صورت روش پیمایشی براساس روش دلفی استفاده شده است. انتخاب تیم دلفی، با روش نمونه‌گیری هدفمند بوده است. معیارهای انتخاب خبرگان شامل تسلط نظری، تجربه عملی، تمایل و توانایی مشارکت در پژوهش و دسترسی به آنان بود و در تعیین تعداد خبرگان، کسب اطمینان از جامعیت دیدگاه‌ها ملاک بوده است. تعداد خبرگان شرکت کننده در دلفی عموماً بین ۱۴ تا ۲۰ نفر تعیین شده و با توجه به معیارهای فوق، تعداد ۲۰ نفر از خبرگان و متخصصان مراکز دانشگاهی و پژوهشی، برای شرکت در پژوهش در سال ۱۳۹۹ انتخاب شده است. در پردازش اطلاعات از روش تحلیل اثرات متقابل ساختاری در نرم‌افزار MICMAC استفاده شده است. در نتیجه پایش متغیرها، ۴۰ متغیر اولیه در ۷ بعد (اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی، سیاسی، محیطی، مدیریت، پیشرفت، جمعیتی) شناسایی و خوشه‌بندی شده است. با توجه به گسترده بودن متغیرهای این پژوهش در مرحله اول پژوهش با استفاده از روش تحلیل ساختاری

● تحلیل کلان روندهای کلیدی مؤثر بر آینده ورزش حرفه‌ای بانوان با رویکرد تحلیل ساختاری

و با استفاده از نرم‌افزار میک‌مک اقدام به شناسایی متغیرهای تاثیرگذار برای متغیرهای مؤثر بر آینده ورزش حرفه‌ای بانوان در ایران استفاده شد (جدول ۱).

جدول ۱: روندهای مؤثر بر آینده ورزش حرفه‌ای بانوان

ابعاد کلی	ابعاد فرعی
روندهای اقتصادی	Var01. سرمایه‌گذاری دولت، Var02. افزایش سطح درآمد، Var03. افزایش سطح دستمزد، Var04. وجود تنگنایهای تأمین مالی، Var05. کفایت سرمایه، Var06. جذب سرمایه مالی، Var07. درآمدزایی و تجاری‌سازی ورزش بانوان، Var08. مشارکت بخش خصوصی، Var09. توازن در تخصیص منابع مالی، Var10. تأمین رفاه اقتصادی ورزشکاران زن، Var11. سرمایه اجتماعی، Var12. افزایش قدرت و حضور بانوان در فضای ورزش، Var13.
روندهای اجتماعی و فرهنگی	حمایت جامعه از توسعه ورزش زنان، Var14. رفع محدودیت‌های سنتی در توسعه ورزش بانوان، Var15. افزایش زنان تحت پوشش ورزش قهرمانی، Var16. افزایش تعداد باشگاه‌های ورزشی در حوزه ورزش بانوان، Var17. رشد ورزش باشگاهی در بین زنان، Var18. حمایت رسانه‌ها Var19. رغبت خانواده به ورزش کردن فرزندان دختر
روندهای سیاسی	Var20. اختلاف نظر در سطوح کلان حاکمیت درباره موضوع ورزش بانوان، Var21. کاهش تصدی‌گری دولت، Var22. دخالت‌های سیاسی در ابعاد ورزش، Var23. نگاه عدالت محور به ورزش زنان
روندهای محیطی	Var24. افزایش سالن‌ها و باشگاه‌های ورزشی، Var25. مجهز شدن سالن‌های ورزشی، Var26. ایجاد زیرساخت‌ها و تجهیزات، Var27. توسعه محیط حقوقی
روندهای مدیریتی	Var28. چابکی سازمان‌های ورزشی در پیشبرد فعالیت‌ها، Var29. تغییرات ساختاری در ورزش بانوان، Var30. تأکید بر شایسته‌سالاری، Var31. ساختارمند شدن تشکیلات ورزش بانوان، Var32. افزایش همکاری بین‌المللی
روندهای پیشرفت	Var33. سهمیه در رقابت‌های المپیک، Var34. جایگاه ایران در رنکینگ مدال‌ها در بازی‌های المپیک و المپیک آسیایی، Var35. اعزام ورزشکاران زنان به مسابقات بین‌المللی، Var36. تصاحب کرسی در مجمع قاره‌ای و جهانی، Var37. میزبانی رویدادهای بین‌المللی
روندهای جمعیتی	Var38. مهاجرت نخبگان ورزشی از کشور، Var39. تغییرات عمده ترکیب جمعیت، Var40. تغییرات هرم سنی

منبع: مطالعات کتابخانه‌ای و پیمایشی نگارندگان، ۱۳۹۹.

یافته‌های پژوهش

تحلیل کلی محیط سیستم

جدول ۲ برآیند اثرات متقابل ۴۰ عامل یا متغیرهای اثرگذار بر ورزش حرفه‌ای بانوان در آینده ایران را براساس تشکیل ماتریس ۴۰×۴۰ در ۷ بُعد اصلی (اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی، سیاسی، محیطی، مدیریت، پیشرفت، جمعیتی) نشان می‌دهد. نتایج این جدول بیانگر تعداد تکرار ۲ بار و درجه پرشدگی ۴۳/۶۸ درصد است که نشان می‌دهد متغیرهای انتخاب شده تأثیر زیادی بر هم داشته است. از مجموع ۱۶۰۰ رابطه قابل ارزیابی در ماتریس، ۹۰۱ رابطه عدد صفر است؛ این مقدار بدان معناست که عوامل بر همدیگر تأثیر نداشته و یا از همدیگر متأثر نشده است. ۴۶۵ رابطه با مقدار یک دارای تأثیر ضعیف نسبت به هم و ۱۳۳ رابطه با عدد ۲ دارای روابط اثرگذاری

نسبتاً قوی است. بعلاوه، ۱۰۱ رابطه عدد ۳ دارد و این به معنای آن است که روابط متغیرهای کلیدی بسیار زیاد بوده و از تاثیرگذاری و تاثیرپذیری زیادی برخوردارند.

جدول ۲: تحلیل اولیه داده‌های ماتریس و اثرات متقابل متغیرها

شاخص	اندازه	تعداد	تعداد	تعداد	تعداد	تعداد	درجه
ماتریس	تکرار	صفر	یک	دو	سه	مجموع	پرسشگری
مقدار	۴۰	۲	۹۰۱	۴۶۵	۱۳۳	۱۰۱	۱۶۰۰
							٪۴۳/۶۸

ماتریس این پژوهش بر اساس متغیرهای مورد مطالعه با ۲ بار چرخش از مطلوبیت و بهینه‌شدگی ۱۰۰ درصد برخوردار است که حاکی از روایی بالای پرسشنامه و پاسخ‌های آن دارد (جدول ۳).

جدول ۳: درجه مطلوبیت و بهینه‌شدگی ماتریس

تاثیرپذیری	تاثیرگذاری	چرخش
٪۹۶	٪۹۳	۱
٪۱۰۰	٪۱۰۰	۲

میزان اثرگذاری و تاثیرپذیری مستقیم متغیرها بر یکدیگر

با توجه به اعداد پرسشنامه که به‌صورت ماتریس تکمیل شده است. نرم‌افزار رابطه آن‌ها را محاسبه کرده و در نهایت برای هر عامل یک امتیاز عددی در نظر می‌گیرد. سپس بر اساس این امتیاز عوامل را براساس تاثیرگذاری و تاثیرپذیری به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم رتبه‌بندی می‌کند. که در این حالت عواملی که بیشترین امتیاز را کسب کنند میزان تاثیرگذاری و تاثیرپذیری آن‌ها نیز بر این اساس تغییر می‌کند. در جدول ۴، عوامل مؤثر بر وضعیت ورزش حرفه‌ای بانوان در آینده را براساس تاثیرگذاری به‌صورت مستقیم رتبه‌بندی کرده است.

جدول ۴: میزان تأثیرات مستقیم متغیرها بر یکدیگر

رابطه	علامت اختصاری	متغیر	میزان تاثیرگذاری	رتبه	علامت اختصاری	متغیر	میزان تاثیرگذاری
۱	Var05	کفایت سرمایه	۵۹۹	۲۱	Var29	تغییرات ساختاری در ورزش بانوان	۲۰۳
۲	Var08	مشارکت بخش خصوصی	۵۸۰	۲۲	Var14	سنتی در توسعه ورزش بانوان	۱۹۳
۳	Var07	درآمدزایی و تجاری‌سازی ورزش بانوان	۵۷۰	۲۳	Var37	میزبانی رویدادهای بین‌المللی	۱۹۳
۴	Var01	سرمایه‌گذاری دولت	۵۰۲	۲۴	Var32	افزایش همکاری بین‌المللی	۱۸۳
۵	Var12	افزایش قدرت و حضور بانوان در فضای ورزش	۴۹۳	۲۵	Var23	نگاه عدالت محور به ورزش زنان	۱۷۴

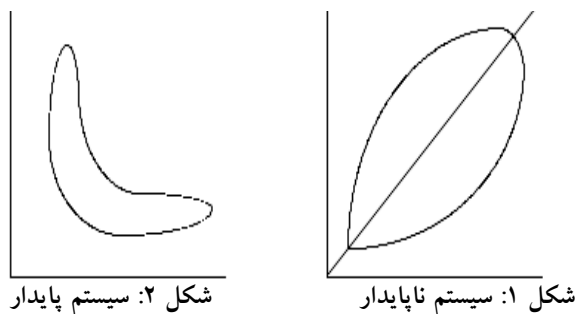
● تحلیل کلان روندهای کلیدی مؤثر بر آینده ورزش حرفه‌ای بانوان با رویکرد تحلیل ساختاری

۶	Var06	جذب سرمایه مالی	۴۸۳	۲۶	Var24	افزایش سالن‌ها و باشگاه‌های ورزشی	۱۷۴
۷	Var16	افزایش تعداد باشگاه‌های ورزشی در حوزه ورزش بانوان	۴۲۵	۲۷	Var04	وجود تنگناهای تأمین مالی	۱۶۴
۸	Var13	حمایت جامعه از توسعه ورزش زنان	۴۱۵	۲۸	Var31	ساختارمند شدن تشکیلات ورزش بانوان	۱۵۴
۹	Var33	کسب سهمیه در رقابت‌های المپیک	۳۸۶	۲۹	Var28	چابکی سازمان‌های ورزشی در پیشبرد فعالیت‌ها	۱۴۵
۱۰	Var15	افزایش زنان تحت پوشش ورزش قهرمانی	۳۴۸	۳۰	Var25	مجهز شدن سالن‌های ورزشی	۱۲۵
۱۱	Var02	افزایش سطح درآمد	۳۳۸	۳۱	Var26	ایجاد زیرساخت‌ها و تجهیزات	۱۲۵
۱۲	Var18	حمایت رسانه‌ها	۳۱۹	۳۲	Var19	رغبت خانواده به ورزش کردن فرزندان دختر	۱۱۶
۱۳	Var34	جایگاه ایران در رنکینگ مدال‌ها در بازی‌های المپیک و المپیک آسیایی	۳۱۹	۳۳	Var22	دخالت‌های سیاسی در ابعاد ورزش	۱۰۶
۱۴	Var17	رفع محدودیت‌های سنتی در توسعه ورزش بانوان	۲۹۹	۳۴	Var35	اعزام ورزشکاران زن به مسابقات بین‌المللی	۸۷
۱۵	Var27	توسعه محیط حقوقی	۲۹۰	۳۵	Var21	کاهش تصدی‌گری دولت	۷۷
۱۶	Var09	توازن در تخصیص منابع مالی	۲۷۰	۳۶	Var20	اختلاف نظر در سطوح کلان حاکمیت درباره موضوع ورزش بانوان	۵۸
۱۷	Var10	تأمین رفاه اقتصادی ورزشکاران زن	۲۶۱	۳۷	Var38	مهاجرت نخبگان ورزشی از کشور	۵۸
۱۸	Var03	افزایش سطح دستمزد	۲۵۱	۳۸	Var30	تأکید بر شایسته‌سالاری	۴۹
۱۹	Var36	تصاحب کرسی در مجمع قاره‌ای و جهانی	۲۱۲	۳۹	Var39	تغییرات عمده ترکیب جمعیت	۱۹
۲۰	Var11	سرمایه اجتماعی	۲۰۳	۴۰	Var40	تغییرات هرم سنی	۱۹

ارزیابی پلان تاثیرگذاری و تاثیرپذیری متغیرها

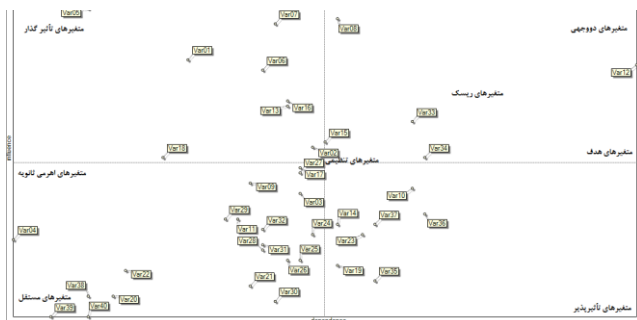
شیوه توزیع و پراکنش متغیرها در صفحه پراکنندگی حاکی از میزان پایداری و یا ناپایداری سیستم است. در حوزه روش تحلیل اثرات متقابل / ساختاری با نرم افزار MICMAC در مجموع دو نوع از پراکنش تعریف شده است که به نام سیستم‌های پایدار و سیستم‌های ناپایدار معروف است. در مدل سیستم پایدار پراکنندگی متغیرها به صورت L است؛ در این مدل برخی متغیرها دارای اثرگذاری بالا و برخی دارای اثرپذیری بالا است. اما در سیستم‌های ناپایدار وضعیت پیچیده‌تر است؛ در این سیستم نیروهای مد نظر پیرامون محور قطری صفحه پراکنده است و در بیشتر مواقع حالت بینابین از اثرگذاری و اثرپذیری دارد که شناسایی متغیرهای کلیدی را دشوار می‌سازد (گودت و همکاران، ۲۰۰۳). آنچه از وضعیت صفحه پراکنندگی متغیرها مؤثر بر وضعیت آینده ورزش حرفه‌ای بانوان در ایران می‌توان فهمید، وضعیت ناپایداری سیستم است. بیشتر متغیرها در اطراف محور قطری صفحه پراکنده‌اند. به غیر از چند مورد که نشان می‌دهند دارای تأثیرگذاری بالایی در سیستم هستند، بقیه متغیرها از وضعیت تقریباً مشابهی نسبت به یکدیگر برخوردارند (شکل‌های ۱ و ۲).

۴۷



شکل ۲: سیستم پایدار

شکل ۳، الگوی پراکنندگی متغیرهای مؤثر بر آینده ورزش حرفه‌ای بانوان در ایران برای آینده را نشان می‌دهد. این الگوی پراکنندگی به طور کلی بیانگر وضعیت یک سیستم ناپایدار است. متغیرهای مؤثر بر آینده ورزش حرفه‌ای بانوان در ایران به جز چند متغیر که دارای اثرگذاری بالا در سیستم است عموماً با وضعیت تقریباً مشابهی در اطراف محور قطری استقرار یافته‌اند (شکل ۳).



دسته‌بندی متغیرهای مؤثر بر آینده ورزش حرفه‌ای بانوان

متغیرهای «تعیین‌کننده یا تأثیرگذار»: این متغیرها بیشتر تأثیرگذار بوده و کم‌تر تأثیرپذیر می‌باشند. بنابراین سیستم بیشتر به این متغیرها بستگی دارد. این متغیرها در قسمت شمال غربی نمودار نمایش داده می‌شوند. متغیرهای تأثیرگذار بحرانی‌ترین مؤلفه‌ها می‌باشند، زیرا که تغییرات سیستم وابسته به آن‌ها است و میزان کنترل بر این متغیرها بسیار مهم است. از طرف دیگر، این متغیرها، به‌عنوان متغیرهای ورودی سیستم می‌باشند. از میان ۴۰ عامل بررسی شده در این تحقیق، چند عامل اصلی به‌عنوان عوامل کلیدی مؤثر بر وضعیت ورزش حرفه‌ای بانوان ایران در آینده تطبیق داده شده است. در این پژوهش متغیرهایی که در این قسمت هستند شامل کفایت سرمایه، سرمایه‌گذاری دولت، درآمدزایی و تجاری‌سازی ورزش بانوان، جذب سرمایه مالی، حمایت جامعه از توسعه ورزش زنان، افزایش تعداد باشگاه‌های ورزشی در حوزه ورزش بانوان و حمایت رسانه‌ها می‌باشد.

۴۸ متغیرهای «دووجهی»: این متغیرها، هم‌زمان به‌صورت بسیار تأثیرگذار و بسیار تأثیرپذیر، عمل می‌نمایند. این متغیرها در قسمت شمال شرقی نمودار قرار می‌گیرند. طبیعت این متغیرها با عدم پایداری آمیخته است، زیرا هر عمل و تغییری بر روی آن‌ها، واکنش و تغییری بر دیگر متغیرها را به دنبال دارد. متغیرهای این ناحیه شامل افزایش قدرت و حضور بانوان در فضای ورزش، مشارکت بخش خصوصی، کسب سهمیه در رقابت‌های المپیک، و جایگاه ایران در رنکینگ مدال‌ها در بازی‌های المپیک آسیایی و جهانی می‌باشد.

متغیر دووجهی از دو بخش متغیرهای ریسک و هدف تشکیل شده است:

۱. متغیرهای «ریسک»: این متغیرها چنان که در شکل نشان داده شده است در بالای خط قطری ناحیه شمال شرقی شکل قرار گرفته‌اند و ظرفیت بسیار زیادی برای تبدیل شدن به بازیگران کلیدی سیستم دارد. متغیرهای مشارکت بخش خصوصی، کسب سهمیه در رقابت‌های المپیک و افزایش زنان تحت پوشش ورزش قهرمانی در این قسمت قرار دارد.

۲. متغیرهای «هدف»: این متغیرها زیر ناحیه قطری شمال شرقی صفحه قرار می‌گیرند، این متغیرها در واقع نتایج تکاملی سیستم و نمایانگر اهداف ممکن در یک سیستم هستند. با دستکاری و ایجاد تغییر در این متغیرها می‌توان به تکامل سیستم دست پیدا کرد. در این پژوهش متغیرهای افزایش قدرت و حضور بانوان در فضای ورزش و جایگاه ایران در رنکینگ مدال‌ها در بازی‌های المپیک آسیایی و جهانی در این قسمت قرار گرفته است.

متغیرهای «نتیجه»: این متغیرها در قسمت جنوب شرقی نمودار قرار دارند. آن‌ها تأثیرگذاری پایین و تأثیرپذیری بسیار بالایی دارند. بنابراین آن‌ها نسبت به تکامل متغیرهای تأثیرگذار و دووجهی، بسیار حساس می‌باشند. آن‌ها متغیرهای خروجی می‌باشند. در این پژوهش متغیرهای تأمین رفاه اقتصادی ورزشکاران زن، رفع محدودیت‌های سنتی در توسعه ورزش بانوان، میزبانی رویدادهای بین‌المللی، تصاحب کرسی در مجامع قاره‌ای و جهانی، نگاه عدالت محور به ورزش زنان، رغبت خانواده به ورزش کردن فرزندان دختر و اعزام ورزشکاران زنان به مسابقات بین‌المللی، در ناحیه متغیرهای تأثیرپذیر قرار دارند.

متغیرهای «مستقل یا مستثنی»: این متغیرها دارای تأثیرگذاری و تأثیرپذیری پایینی هستند. آن‌ها در قسمت جنوب غربی نمودار قرار داشته و گویا اصلاً ارتباطی با سیستم ندارند. زیرا آن‌ها نه باعث توقف یک متغیر اصلی و نه باعث تکامل و پیشرفت آن در سیستم می‌شوند. متغیرهای وجود تنگناهای تأمین مالی، تغییرات عمده ترکیب جمعیت، مهاجرت نخبگان ورزشی از کشور،

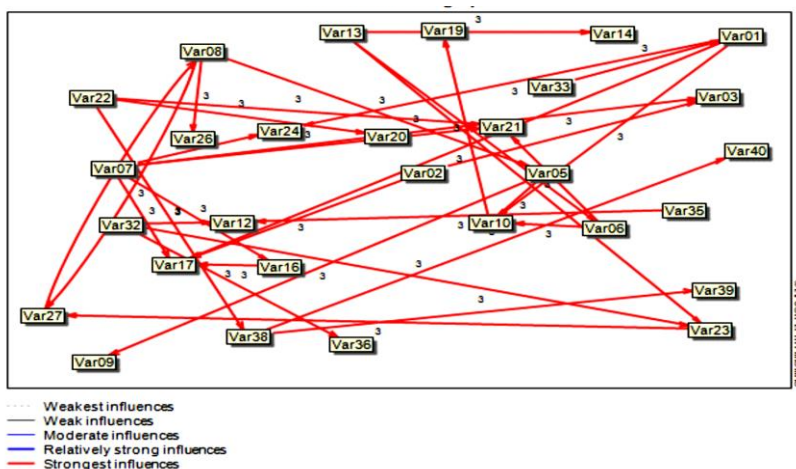
تغییرات هرم سنی، اختلاف نظر در سطوح کلان حاکمیت درباره موضوع ورزش بانوان، دخالت‌های سیاسی در ابعاد ورزش، توازن در تخصیص منابع مالی، افزایش سطح دستمزد، تغییرات ساختاری در ورزش بانوان، افزایش همکاری بین‌المللی، افزایش سالن‌ها و باشگاه‌های ورزشی، سرمایه اجتماعی، چابکی سازمان‌های ورزشی در پیشبرد فعالیت‌ها، ساختارمند شدن تشکیلات ورزش بانوان، مجهز شدن سالن‌های ورزشی، ایجاد زیرساخت‌ها و تجهیزات، کاهش تصدی‌گری دولت و تأکید بر شایسته سالاری در این قسمت قرار دارند. ولی با این حال در این دسته نیز باید به دو دسته از متغیرها توجه نمود:

متغیرهای «گسسته»: این متغیرها در نزدیکی مبدأ مختصات در نمودار قرار دارند. این گونه برداشت می‌شود که تکامل این متغیرها ارتباطی به پویایی سیستم فعلی نداشته و آن‌ها را می‌توان از سیستم خارج نمود.

متغیرهای «اهرمی ثانویه»: این متغیرها با وجود اینکه کاملاً مستقل هستند، بیش از آنکه تأثیرپذیر باشند، تأثیرگذارند. آن‌ها در قسمت جنوب غربی نمودار و بالای خط قطری قرار دارند و می‌توانند به عنوان نقاطی جهت سنجش و به عنوان معیار، به کار روند. متغیرهایی در این بخش قرار نگرفته است.

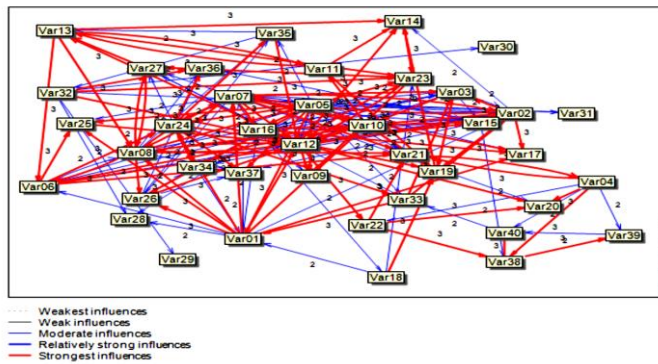
متغیرهای «تنظیم‌کننده»: این متغیرها در نزدیکی مرکز ثقل نمودار قرار دارند. آن‌ها می‌توانند به صورت پی‌درپی به عنوان «اهرمی ثانویه»، «اهداف ضعیف» و «متغیرهای ریسک ثانویه» عمل نمایند. متغیرهای ارائه افزایش زنان تحت پوشش ورزش قهرمانی، افزایش سطح درآمد، توسعه محیط حقوقی و رشد ورزش باشگاهی در بین زنان در این بخش قرار دارد.

اشکال زیر نمایش گرافیکی متغیرهای موثر بر آینده ورزش حرفه‌ای بانوان در ایران را نشان می‌دهد. در این شکل‌ها تأثیرات مستقیم و غیر مستقیم پیشران‌ها بر سایر پیشران‌های سیستم مشخص شده است. چگونگی تأثیرگذاری پیشران‌ها به صورت قوی‌ترین تأثیر، تأثیرات قوی، تأثیرات میانه، تأثیرات ضعیف و ضعیف‌ترین تأثیر است.

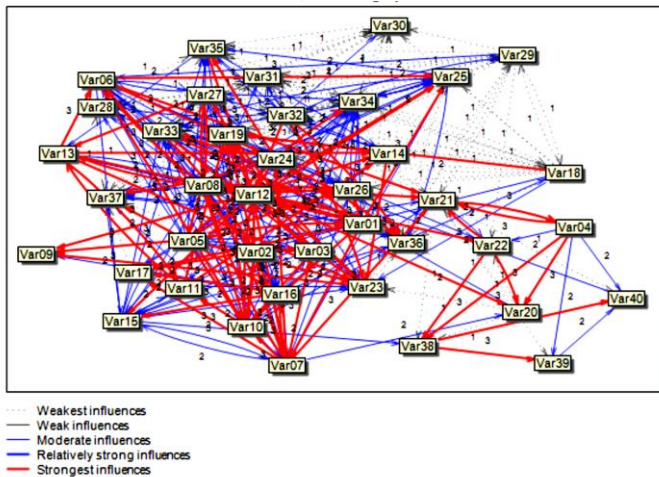


شکل ۴: دیاگرام تأثیرات مستقیم عوامل (قوی‌ترین تأثیر)

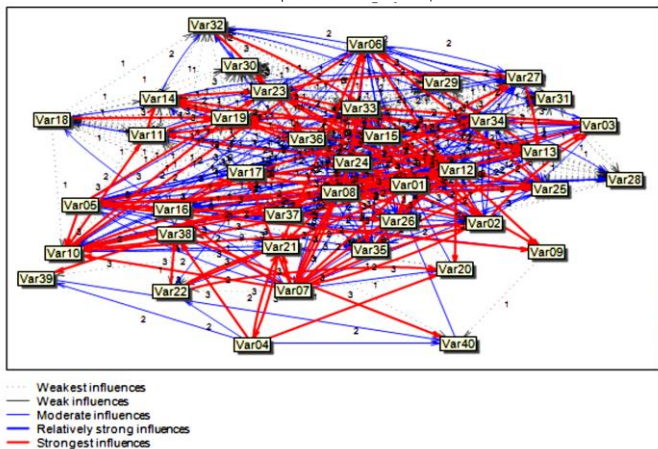
● تحلیل کلان روندهای کلیدی مؤثر بر آینده ورزش حرفه‌ای بانوان با رویکرد تحلیل ساختاری



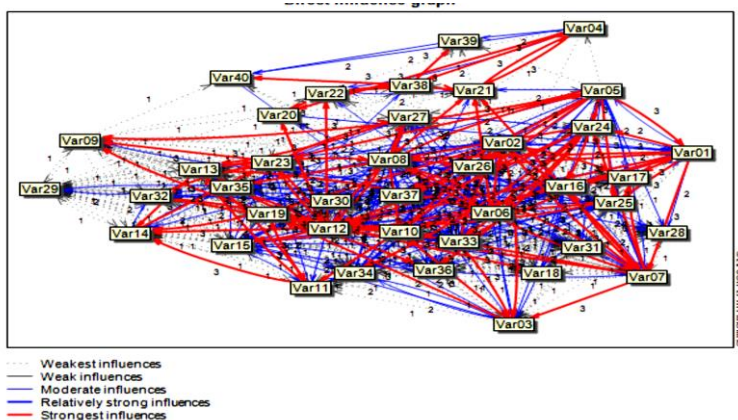
شکل ۵: دیاگرام تأثیرات مستقیم عوامل (تأثیر قوی)



شکل ۶: دیاگرام تأثیرات مستقیم عوامل (تأثیر میانه)



شکل ۷: دیاگرام تأثیرات مستقیم عوامل (تأثیرات ضعیف)



شکل ۸: دیاگرام تأثیرات مستقیم عوامل (ضعیف‌ترین تأثیر)

۵۱

از میان ۴۰ متغیر بررسی شده در این تحقیق، ۱۲ متغیر کلیدی مؤثر بر وضعیت ورزش حرفه‌ای بانوان در ایران انتخاب شده است. بیشترین متغیرهای کلیدی مؤثر شناسایی شده در رابطه با وضعیت ورزش حرفه‌ای بانوان ایران از جنس اقتصادی (۶ متغیر: کفایت سرمایه، مشارکت بخش خصوصی، درآمدزایی و تجاری‌سازی ورزش بانوان، سرمایه‌گذاری دولت، جذب سرمایه مالی، افزایش سطح درآمد) است. بعد اجتماعی- فرهنگی با ۵ متغیر کلیدی (افزایش قدرت و حضور بانوان در فضای ورزش، افزایش تعداد باشگاه‌های ورزشی در حوزه ورزش بانوان، حمایت جامعه از توسعه ورزش زنان، افزایش زنان تحت پوشش ورزش قهرمانی، حمایت رسانه‌ها) در جایگاه بعد قرار گرفته است. بعد پیشرفت با یک متغیر (کسب سهمیه در رقابت‌های المپیک) در جایگاه بعد قرار دارد. این نیروها از نظر عملکرد سیستمی نقش تأثیرگذاری بالا و تأثیرپذیری اندکی را در محیط سیستم با هدف توسعه ورزش حرفه‌ای بانوان ایفا می‌کند. در نتیجه مؤثرترین و کلیدی‌ترین متغیرها محسوب می‌شود (جدول ۵).

جدول ۵: متغیرهای کلیدی بر وضعیت آینده ورزش حرفه‌ای بانوان در ایران (مستقیم و غیرمستقیم)

علامت اختصاری	متغیر	دسته	امتیاز نهایی به دست آمده	رتبه
			تأثیرگذاری مستقیم	تأثیرگذاری غیرمستقیم
Var05	کفایت سرمایه	اقتصادی	۵۹۹	۶۱۴
Var08	مشارکت بخش خصوصی	اقتصادی	۵۸۰	۵۹۷
Var07	درآمدزایی و تجاری‌سازی ورزش بانوان	اقتصادی	۵۷۰	۵۹۲
Var01	سرمایه‌گذاری دولت	اقتصادی	۵۰۲	۵۸۰
Var12	افزایش قدرت و حضور بانوان در فضای ورزش	اجتماعی- فرهنگی	۴۹۳	۴۷۰
Var06	جذب سرمایه مالی	اقتصادی	۴۸۳	۴۶۴

Var16	افزایش تعداد باشگاه‌های ورزشی در حوزه ورزش بانوان	اجتماعی- فرهنگی	۴۲۵	۴۶۳	۷
Var13	حمایت جامعه از توسعه ورزش زنان	اجتماعی- فرهنگی	۴۱۵	۴۴۲	۸
Var33	کسب سهمیه در رقابت‌های المپیک	پیشرفت	۳۸۶	۴۲۵	۹
Var15	افزایش زنان تحت پوشش ورزش قهرمانی	اجتماعی- فرهنگی	۳۴۸	۳۸۹	۱۰
Var02	افزایش سطح درآمد	اقتصادی	۳۳۸	۳۵۶	۱۱
Var18	رشد ورزش باشگاهی در بین زنان	اجتماعی- فرهنگی	۳۱۹	۳۴۰	۱۲

بحث و نتیجه‌گیری

۵۲

امروزه ورزش به عنوان یک پدیده اجتماعی پذیرفته شده است و با استقبال خوبی روبرو گردیده و به عنوان یک ابزار چند بعدی با تأثیرات گسترده، جایگاه و نقش خود را در اقتصاد، سلامتی افراد، گذران اوقات فراغت سالم و لذت بخش، روابط اجتماعی، پیشگیری از مفاسد اجتماعی و انحرافات متجلی ساخته است. یکی از موضوعات اساسی در حیطه ورزش، ورزش حرفه‌ای زنان است. تحقیقات نشان داده است که پرداختن به ورزش و فعالیت‌های بدنی در زنان به طور حرفه‌ای، پیامدهای مطلوبی را در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و غیره به همراه دارد. با این وجود در جامعه ایران ورزش حرفه‌ای زنان در قیاس با کشورهای پیشرفته و حتی مردانی که به صورت حرفه‌ای در کشور به ورزش می‌پردازند چندان پیشرفت نداشته است. برای گذر از این موقعیت باید دست به آینده پژوهی و برنامه‌ریزی استراتژیک زد تا بتوان از این بحران گذر کرده، روند و تحولات پیش‌روی آن را شناخته و با ارائه اطلاعات مورد نیاز برای سیستم هشدار زودهنگام از رویارویی با چنین وضعیتی در آینده اجتناب شود. با توجه به اهمیت موضوع، این تحقیق روندهای مؤثر بر آینده وضعیت ورزش حرفه‌ای بانوان ایران در آینده را شناسایی و خوشه‌بندی کرده است. کاربست این متغیرها به عنوان بستر ساز و راهنمای تدوین نقشه راه و سناریوهای توسعه ورزش حرفه‌ای بانوان ایران، بسیار اهمیت دارد.

نتایج تحقیق نشان می‌دهد الگوی کلی پراکندگی متغیرها از نظر تحلیل اثرات متقابل، در مجموع بیانگر وضعیت یک سیستم محیطی ناپایدار است که در آن روندهای مؤثر بر ورزش حرفه‌ای بانوان در ایران از نظر اثرگذاری و اثرپذیری، حالت پیچیده و بینابین دارد. وضعیت خوشه‌بندی متغیرها گویای تمرکز خوشه‌ای در متغیرهای تأثیرگذار و مستقل است. از میان ۴۰ عامل، ۱۲ متغیر کلیدی و استراتژیک، تأثیرگذار بر وضعیت آینده ورزش حرفه‌ای بانوان در ایران برای آینده شناسایی گردید. این متغیرها عبارتند از: کفایت سرمایه، مشارکت بخش خصوصی، درآمدزایی و تجاری‌سازی ورزش بانوان، سرمایه‌گذاری دولت، جذب سرمایه مالی، افزایش سطح درآمد، افزایش قدرت و حضور بانوان در فضای ورزش، افزایش تعداد باشگاه‌های ورزشی در حوزه ورزش بانوان، حمایت جامعه از توسعه ورزش زنان، افزایش زنان تحت پوشش ورزش قهرمانی، حمایت رسانه‌ها و کسب سهمیه در رقابت‌های المپیک. نیروهای کلیدی از نظر عملکرد سیستمی در محیط سیستم توسعه ورزش حرفه‌ای بانوان ایران برای آینده، نقش اثرگذاری بالا و اثرپذیری اندک دارد. در نتیجه، به‌عنوان متغیرهای باثبات، وضعیت کلان سیستم و تغییرات آن را

کنترل می‌کند؛ متغیرهای کلیدی اثرگذار ورودی سیستم توسعه محسوب می‌شود و توسعه کلی ورزش حرفه‌ای بانوان در آینده به عملکرد آنها وابسته است. پیش‌برنده‌های توسعه ورزش حرفه‌ای بانوان در ایران برای آینده در ابعاد اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی و پیشرفت پراکنده است. بیشترین تعداد متغیرهای کلیدی به ترتیب در بعد اقتصادی (۶ متغیر)، اجتماعی- فرهنگی (۵ متغیر) و پیشرفت (۱ متغیر) قرار دارد. بنابراین بیشترین نیروهای تأثیرگذار در بعد اقتصادی قرار دارند. به اعتقاد جعفری و همکاران (۱۳۹۸) آینده نقش آفرینی زنان در مدیریت ورزش کشور هم‌زمان متأثر از عوامل و جریان‌های درون و برون‌سیستمی ورزش است. این چارچوب نگاهی کلی‌گرا، سیستمی و بلندمدت به مقوله مدیریت زنان در بخش ورزش دارد و می‌کوشد تا راهنمای عمل مدیران درافق‌های زمانی دورتر و حیطه‌های وسیع‌تر اجرایی باشد.

آنچه فهم آن بر پایه یافته‌های این مقاله به عنوان راهنمای گذار تدریجی کشور به ورزش حرفه‌ای بانوان برای آینده ضروری است، در موارد زیر قابل جمع‌بندی است:

در نگاه اقتصادی به توسعه ورزش حرفه‌ای بانوان، ضروری است سرمایه‌گذاری در این بخش با در نظر گرفتن روندها و نیروهای کلیدی توسعه ورزش حرفه‌ای بانوان برای آینده مورد بازنگری و بازبینی قرار گیرد و از طریق آن بایسته‌های توسعه ورزش حرفه‌ای بانوان در همه ابعاد، با الزامات اقتصادی گره خورده و به اسناد الزام‌آور تبدیل شود. در این رابطه مشارکت بخش خصوصی جهت ارتقای سرمایه‌گذاری در بخش ورزش حرفه‌ای زنان از اهمیت زیادی برخوردار است. زیرا با توجه به همپوشانی مسائل مرتبط با ورزش حرفه‌ای زنان، حل مسائل اقتصادی این حوزه از عهده تنها سرمایه‌گذاری دولت بر نمی‌آید و ترکیب توانمندی‌ها و دخالت تمامی بخش‌ها اعم از دولتی و خصوصی و نهادهای غیردولتی را می‌طلبد. در صورتی که سرمایه‌گذاری انجام شود میزان درآمدزایی و تجاری‌سازی ورزش بانوان بیشتر شده و از این طریق سرمایه‌های بیشتری جذب ورزش حرفه‌ای بانوان می‌شود. همچنین سطح درآمد زنانی که در ورزش حرفه‌ای فعالیت می‌کنند به مراتب ارتقا پیدا می‌کند. با این حال در صورتی که برنامه‌ریزی مناسبی صورت نگیرد در آینده روند جذب سرمایه، مشارکت بخش خصوصی، درآمدزایی و افزایش سطح درآمد دچار مشکل جدی خواهد شد. در بعد اقتصادی، از بین متغیرهای تأثیرگذار بر وضعیت آینده ورزش حرفه‌ای بانوان، عامل کفایت سرمایه از کلیدی و استراتژیکی‌ترین عوامل اقتصادی است که شناسایی شده است. نتایج این بخش از پژوهش با یافته‌های سروپ و دوموند (۲۰۱۸) مبنی بر اینکه تجاری‌سازی ورزش را رهیافت توسعه آن قلمداد کرده بودند همخوان است. به‌زعم همتی عقیف و همکاران (۱۳۹۸) برای پیاده‌سازی موفق آینده‌نگاری راهبردی در این حوزه لازم است رویه‌هایی مثل مشروع‌سازی از طریق توجیه، عقلانیت‌ابزاری، سرکوب آزادی اخلاق و راه‌حل‌های کلی در حل مسائل بین مدیران میانی در این سازمان‌ها مدنظر قرار گیرد.

در بعد اجتماعی- فرهنگی، چند عامل کلیدی یعنی افزایش قدرت و حضور بانوان در فضای ورزش، افزایش تعداد باشگاه‌های ورزشی در حوزه ورزش بانوان، حمایت جامعه از توسعه ورزش زنان، افزایش زنان تحت پوشش ورزش قهرمانی و رشد ورزش باشگاهی در بین زنان جزو نیروهای کلیدی برای توسعه ورزش حرفه‌ای بانوان در ایران برای آینده شناسایی شدند. نتایج این بخش از پژوهش با نتایج اسدی (۱۳۹۷) به دلیل اینکه افزایش قدرت و حضور بانوان در فضای ورزش کشور را یکی از راه‌های توسعه ورزش بانوان می‌دانست، همخوان است. در رابطه با توسعه ورزش زنان در بسیاری از کشورهای توسعه یافته در دنیا به سمت تقویت ورزش حرفه‌ای بانوان

حرکت شده است، کشور ایران نیز باید ضمن تقویت عوامل اقتصادی و ایجاد بسترهای مناسب اجتماعی- اقتصادی به این سمت و سو حرکت کند. عوامل اجتماعی- اقتصادی مختلفی می‌تواند باعث توسعه ورزش حرفه‌ای بانوان در آینده شود که افزایش قدرت و حضور بانوان در فضای ورزش، افزایش تعداد باشگاه‌های ورزشی در حوزه ورزش بانوان، حمایت جامعه از توسعه ورزش زنان، افزایش زنان تحت پوشش ورزش قهرمانی و رشد ورزش باشگاهی در بین زنان از جمله آن‌ها است.

در بعد پیشرفتی، یکی از مهم‌ترین شاخصه‌ها کسب سهمیه در رقابت‌های المپیک است. به نظر می‌رسد حضور ورزشکاران زن در مسابقات المپیک پیش زمینه کسب موفقیت را برای آن‌ها رقم بزند، از طرفی منجر به افزایش تقاضا برای پرداختن به ورزش از سوی همجنس‌های خود شود. البته این مهم محقق نخواهد شد مگر اینکه پیوند مناسبی بین ابعاد اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی که بیشترین اثرگذاری را بر توسعه ورزش حرفه‌ای زنان داشتند، برقرار شود. این یافته تاحدودی با نتایج تحقیق درویشی سه تلانی و همتی (۱۳۹۷) مبنی بر اینکه نشان دادند وضع فعلی مشارکت زنان ارتقا پیدا می‌کند، همخوان است. با این حال درویشی سه تلانی و همتی (۱۳۹۷) معتقد هستند نمی‌توان روند ده سال آینده فعالیت زنان در عرصه‌های مختلف را حضوری صرفاً کمرنگ و کم اثر دانست، بلکه رشد تدریجی مشارکت آنان محتمل خواهد بود. در نهایت، چنین به نظر می‌رسد که ارتقا وضع فعلی مشارکت زنان محتمل‌ترین سناریو باشد.

در نهایت اینکه تکامل نیروها و روندهای کلیدی اثرگذار سبب آن می‌شود که رفاه اقتصادی ورزشکاران زن تأمین شود، محدودیت‌های سنتی در توسعه ورزش بانوان مرتفع شود، رویدادهای بین‌المللی میزبانی شود، کرسی‌هایی در مجامع قاره‌ای و جهانی کسب شود، نگاه عدالت محور به ورزش زنان بیشتر شود و رغبت خانواده‌ها به ورزش کردن فرزندان دختر و اعزام ورزشکاران زن به مسابقات بین‌المللی بیشتر گردد. توجه به نقش این متغیرها به عنوان خروجی سیستم بسیار اهمیت دارد. به طور کلی می‌توان گفت که ارائه تصویری جامع از توسعه ورزش حرفه‌ای بانوان در آینده و شناخت عدم قطعیت‌های پیش‌روی این حوزه و ارائه سناریوهایی برای پیشبرد بهتر اهداف ورزش بانوان در گرو شناخت آینده است. شناخت آینده کمک می‌کند اطلاعات مورد نیاز برای سیستم هشدار زودهنگام، روند و تحولاتی که باید مورد توجه قرار گیرد و همچنین یکپارچه‌سازی اطلاعات آینده پیش‌روی ورزش حرفه‌ای زنان مهیا گردد.

منابع

- اسدی، ندا. (۱۳۹۷). «مطالعه تحلیلی مدیریت ورزش کشور با رویکرد ورزش زنان (۱۳۵۷-۱۳۹۵)». رساله دکتری تربیت بدنی و علوم ورزشی، مدیریت ورزشی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی.
- جعفری، الهام؛ شریفی فر، فریده و علم، شهرام. (۱۳۹۸). «نقش آفرینی زنان در مدیریت ورزش کشور با رویکرد آینده پژوهی». مطالعات مدیریت ورزشی. دوره ۱۱، شماره ۵۸، صص: ۱۷-۳۸.
- درویشی سه تالانی، فرهاد و همتی، زهره. (۱۳۹۷). «سناریوهای پیش روی حضور زنان ایرانی در عرصه سیاست ۱۳۹۶-۱۴۰۶؛ یک بررسی آینده پژوهانه». زن در توسعه و سیاست. دوره ۱۶، شماره ۳، صص: ۳۷۹-۳۹۶.
- عباسی، علی اصغر؛ ساکن، حسام و بهرامی، محسن. (۱۳۹۳). «تحلیل تأثیر روند در آینده-پژوهی». سومین همایش ملی آینده پژوهی. تهران.
- ملکی فر، عقیل. (۱۳۹۳). الفبای آینده پژوهی. چاپ چهارم، تهران: اندیشکده صنعت و فناوری
- نیازی، محمد. (۱۳۹۵). «مقایسه میزان سلامت عمومی زنان شرکت کننده در ورزش همگانی و زنان غیرفعال». اولین همایش ملی دستاوردهای نوین تربیت بدنی و ورزش. چابهار، دانشگاه بین المللی چابهار.
- همتی عقیف، علی؛ نیکویه، مهدی؛ مظفری، محمد مهدی و کشاورز ترک، عین الله. (۱۳۹۸). «تأثیرات تغییر فرایندهای سازمان دهی بر پیاده سازی موفق آینده نگاری راهبردی در سازمان های ورزشی». آینده پژوهی مدیریت. دوره ۳۰، شماره ۴.
- Anderson, F. L., Knudsen, M. L., Ahmad, C. S., & Popkin, C. A. (2020). "Current Trends and Impact of Early Sports Specialization in the Throwing Athlete". *Orthopedic Clinics*, 51(4), 517-525.
- Arenas-Jal, M., Suñé-Negre, J. M., Pérez-Lozano, P., & García-Montoya, E. (2020). "Trends in the food and sports nutrition industry: A review". *Critical reviews in food science and nutrition*, 60(14), 2405-2421.
- Ashley, W. C., & Morrison, J. L. (1996). "Anticipatory management tools for the 21st century". *Futures Research Quarterly*, 12, 35-50.
- Byers, T. (2018). "Trends in Professional Sport Organizations and Sport Management and Their Market Impact". In *The Palgrave Handbook on the Economics of Manipulation in Sport*, 5, 55-70.
- Calzada, E. (2012). *Show me the money! How to make money from sports marketing*. Bloomsbury Publishing Plc.
- Clutterbuck, R., & Doherty, A. (2019). "Organizational capacity for domestic sport for development". *Journal of Sport for Development*, 7(12), 16-32.
- Efrat, Z. (2014). "World's Top Global Mega Trends To 2020 and Implications to Business, Society and Cultures". Power point Slides. 20(1).

- Firminger, L. (2003). **“Trend Analysis: methods and problems”**. Strategic Planning Services, Swinburne University of Technology, TAFE Division.
- Fort, R. D. (2003). **Sports Economics**. Person Education Publishing
- Glenn, J. C. (2003). **“Participatory methods”**. Futures research methodology, 2.
- Godet, A. J., Meunier, M. F., Roubelat, F. (2003). **“Structural analysis with the MICMAC method & actors’ strategy with MACTOR method”**. Futures Research Methodology, (2), 7-10.
- Johnson, L. M., Chou, W. H. W., Mastromartino, B., & Zhang, J. J. (2020). **“Sport fan consumption: Contemporary research and emerging trends”**. In *Handbook of Research on the Impact of Fandom in Society and Consumerism* (pp. 149-170). IGI Global.
- Ratten, V. (2011). **“International sports management: Current trends and future developments”**. Thunderbird International Business Review, 53(6), 679-686.
- Schwartz, D. (2019). **“The future belongs to those who shape it”**. Journal of Dental Sleep Medicine, 6(1), 1-2.
- Sen, S., & Rajagopal, K. (2020). **“Trends in sports analytics for event management: A content analysis”**. The Marketing Review, 20(1-2), 1-16.
- Thorpe, H., & Dumont, G. (2018). **“The professionalization of action sports: Mapping trends and future directions”**. Sport in Society, 22(10), 1639-1654.
- Yasar, N. N., Isik, M., & Calisir, F. (2015). **“Intellectual capital efficiency: the case of football clubs”**. Procardia-Social and Behavioral Sciences, 207, 354-362.

واکاوی عوامل سازمانی و محیطی پدیده سقف شیشه ای در مدیریت ورزش بانوان ایران

عاطفه حبیبی راد^۱

حبیب هنری^۲

غلامرضا شعبانی بهار^۳

سارا کشکر^۴

 10.22034/SSYS.2022.1628.2139

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۸/۲۱

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۱۰/۲۰

هدف از پژوهش حاضر، واکاوی عوامل زمینه‌ای و مداخله‌گر بروز پدیده سقف شیشه‌ای در مدیریت ورزش زنان ایران بود. این پژوهش در چارچوب رویکرد کیفی و با استفاده از روش تحقیق داده بنیاد انجام گرفته است. ابزار جمع‌آوری داده‌ها، مطالعه اسناد و مصاحبه‌های نیمه ساختار یافته بود. به منظور گردآوری اطلاعات، با به کارگیری روش نمونه‌گیری هدفمند با ۱۶ نفر از افراد صاحب‌نظر، متخصص و باتجربه در زمینه مدیریت ورزش زنان مصاحبه انجام شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها در سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی در مورد عوامل محیطی (زمینه‌ای) و سازمانی (مداخله‌گر) انجام شد. براساس یافته‌های برآمده از این پژوهش مقوله محوری را موارد عدم روزآمدی بسترهای اجتماعی

-
- ۱- دانش‌آموخته دکتری، گروه مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران
 ۲- دانشیار، گروه مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران
 (نویسنده مسئول)

E-mail: Honari_h@yahoo.com

- ۳- استاد تمام، گروه مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران
 ۴- دانشیار، گروه مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

و بین فردی، ناکارآمدی سیستم‌های اقتصادی و سازمانی و مهیا نبودن زیرساخت‌های قانونی تشکیل می‌دادند. همچنین در مورد عوامل زمینه‌ای ۶۲ کد یا مفهوم اولیه از مصاحبه‌ها برآمد. در ادامه، این کدها در قالب ۱۱ مقوله فرعی و ۴ مقوله کلی شامل عدم کفایت قوانین، فرآیندهای سازمانی، رفتار فردی و بین فردی و رسانه طبقه‌بندی شدند. در مورد عوامل مداخله‌گر نیز تعداد ۱۵ کد باز، ۴ مقوله فرعی و ۲ مقوله کلی که شامل مذهب و شرایط اقتصادی بود دسته‌بندی شدند. با توجه به پتانسیل موجود در جامعه ما، شناسایی عوامل به وجودآورنده پدیده سقف شیشه‌ای در مدیریت ورزش زنان و به‌کارگیری آنان در رده‌های بالای مدیریت ورزشی بسیار مهم است، چرا که بدون تبیین ضرورت حضور زنان در پست‌های بالای مدیریت ورزشی، سایر تلاش‌ها به منظور پیشبرد ورزش زنان در جامعه بی‌نتیجه خواهد بود.

واژگان کلیدی: قوانین عمومی و سازمانی، رسانه، رفتار فردی و بین فردی، سقف شیشه‌ای و ورزش زنان.

مقدمه

صنعت ورزش سرشار از فرصت‌ها و موقعیت‌هایی برای مدیریت و رهبری است. با وجود این فرصت‌ها، زنان در سازمان‌های ورزشی نتوانسته‌اند موقعیت قابل توجهی را در سراسر دنیا به دست آورند (کوکلی^۱، ۲۰۱۴). در این چارچوب شاو^۲ (۲۰۰۷: ۷۴) اشاره می‌کند که حضور زنان در مقام تصمیم‌گیری در سازمان‌های ورزشی بسیار کمتر از اشتغال آنان در کسب و کار ورزشی است. بر همین اساس تمرکز تحقیقات مربوط به رهبری زنان در سازمان‌های ورزشی نیز بیشتر مربوط به موانع پیش‌روی زنان است (لامپکین^۳ و همکاران، ۲۰۱۴: ۳۳؛ کاتز^۴ و همکاران، ۲۰۱۸: ۱۳۵). حضور زنان در پست‌های رهبری در ورزش محدود است به کمتر از ۲۰٪ به عنوان مدیر، ۱۰٪ به عنوان عضو هیئت مدیره و فقط ۱۶٪ به عنوان مسئول اجرایی (آدریانسه^۵، ۲۰۱۶: ۱۴۹). در بیشتر موارد برای نشان دادن این موانع ملموس و در عین حال پنهانی که در راه بالا رفتن از سلسله مراتب برای زنان وجود دارد، از مفهوم سقف شیشه‌ای^۶ استفاده می‌شود که حدود بیست و پنج سال پیش توسط ژورنال وال استریت^۷ به کار گرفته شد (سیمونس^۸، ۲۰۱۱: ۴). در این نکته شکی نیست که ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی در جوامع مختلف می‌توانند متفاوت باشند، اما پژوهش‌ها نشان داده‌اند در مورد پدیده سقف شیشه‌ای در مدیریت ورزش در جوامع با فرهنگ‌های مختلف شرایط تا حدودی یکسان است و این پدیده چندان متمرکز و مختص یک کشور یا فرهنگ نیست (آکوستا و کارپنتر^۹، ۲۰۱۴: ۳۸؛ لاپچیک^{۱۰}، ۲۰۱۲: ۱). ورزش در تمامی جوامع به عنوان یک نهاد برجسته اجتماعی در نظر گرفته می‌شود و این در حالی است که زنان در ورزش توسط سنت‌ها به حاشیه رانده شده‌اند و این نهاد اجتماعی به انحصار مردان درآمده است (کاکلی، ۲۰۱۴). این انحصار را می‌توان به طور کامل در مسئولیت‌ها و موقعیت‌های سازمانی و یا حتی در رسانه‌ها نیز احساس کرد (آکوستا و کارپنتر^{۱۱}، ۲۰۱۴: ۳؛ وایت‌ساید و هاردین^{۱۲}، ۲۰۱۲: ۶۴). همچنین با مطالعه سازمان‌ها و نحوه عملکرد آنها، پژوهشگران به این نتیجه رسیده‌اند که جنسیت می‌تواند بر جریان‌های سازمانی تأثیر گذار باشد، به گونه‌ای که فرهنگ‌ها، تعامل‌ها و رفتارهای متناسب با جنسیت در شیوه‌های سازمانی با ایده‌آل‌های زنانگی و مردانگی تعریف شده در اجتماع در ارتباط هستند. این ارتباط این نکته را روشن می‌سازد که رفتارها و اقداماتی که به عنوانی رفتاری مردانه درک می‌شود به نوعی نسبت به رفتارهای زنانه دارای برتری هستند (برتون^{۱۳}، ۲۰۱۵: ۳). در پاسخ به اینکه چرا حضور زنان در موقعیت‌های رهبری سطح بالا کمتر است، دلایلی وجود دارد. نورت هاوس^{۱۴} (۲۰۱۷: ۳۲۵) بیان می‌کند که سه عامل مهم در راه پر پیچ و خم رسیدن به رهبری و

1. Coakley
2. shaw
3. Lumpkin, Dodd & McPherson
4. Katz
5. Adriaanse
6. Glass Ceiling
7. Wall Street Journal
8. Simmons
9. Acosta & Carpenter
10. Lapchick
11. Acosta & Carpenter
12. Whiteside & Hardin
13. Burton
14. Northouse

مدیریت علیه زنان وجود دارد: تفاوت‌های سرمایه انسانی، تفاوت‌های جنسیتی و تعصب. تفاوت در سرمایه انسانی به این معنی است که سرمایه‌گذاری در مقوله‌هایی همچون آموزش، تحصیلات و تجربه‌کاری در مورد جمعیت زنان بسیار کمتر از مردان است. از این شرایط در جامعه به عنوان "مشکل خط توزیع"^۱ یاد می‌شود. همچنین عدم کفایت از لحاظ سطح تحصیلی در میان زنان یکی از بزرگترین علل در نرسیدن به موقعیت‌های رهبری سطح بالا است. از طرفی وظایف خانه‌داری و تربیت فرزندان باعث تداوم شغلی مردان و در نتیجه عدم تجربه شغلی کافی زنان خواهد شد (بولز و مک‌گین^۲، ۲۰۰۵: ۹۱؛ اگلی و کارلی، ۲۰۰۷: ۴).

مطالعات نشان می‌دهد که کشور ما از نظر شاخص مشارکت زنان در مدیریت، که به نسبت درصد زنان متخصص و حرفه‌ای در مجموعه شاغلان کشور و به نسبت سهم درآمد تحقق یافته بیان می‌شود، در وضع نامساعدی قرار دارد (علیزاده، ۱۳۹۰: ۵۴). از طرفی در قانون اساسی کشور ما در موارد متعددی از جمله بند ۴ اصل ۴۳ و اصول ۳، ۱۹، ۲۰، ۲۱ و ۲۸ و در قانون مدنی ماده ۱۱۰۵، ماده ۱۱۱۷؛ قانون کار: ماده ۶ بر فرصت‌های مساوی زن و مرد در شغل و کار و برابر بودن حقوق زن و مرد تأکید شده است (قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب، ۱۳۷۹). جعفری، شریفی‌فر و علم (۱۳۹۸: ۱۷) در پژوهش خود که بر اساس آینده‌نقش‌آفرینی زنان در مدیریت ورزش کشور انجام گرفته، به این نتیجه رسیدند که این نقش‌آفرینی در مدیریت ورزش کشور به طور هم‌زمان از عوامل و جریان‌های درون و برون سیستمی تأثیر می‌پذیرد. نظری و لطیفی (۱۳۹۷: ۴۶۵)، در پژوهشی درباره اثر سقف شیشه‌ای بر ارتقای جایگاه مدیریتی بانوان در سازمان‌های ورزشی استان اصفهان، دریافتند که موانع جنسیت، موانع حمایت خانواده، موانع تضاد بین کار و خانواده و موانع حمایت رهبر، از مهمترین عوامل تأثیرگذار هستند. شیرزاد، فراهانی و اسد (۱۳۹۶: ۴۶) در پژوهشی اعتماد به نفس، اعتقادات مذهبی، سیاست، مسئولیت‌های خانوادگی و جامعه‌پذیری جنسیتی را از جمله عوامل موثر در انتصاب زنان در پست‌های مدیریتی وزارت ورزش و جوانان دانستند. اللهیاری و همکاران (۱۳۹۴: ۵۹) بیان داشتند که پدیده سقف شیشه‌ای به طور مستقیم بر افزایش توانمندی بانوان تأثیر می‌گذارد. متقی، غفوری و محمودی (۱۳۹۳: ۹)، در پژوهش خود دریافتند که تفاوت معناداری در مولفه‌های تبعیض جنسیت، تضاد بین کار و خانواده، حمایت خانواده و روابط در کار بین سازمان‌های ورزشی و غیر ورزشی وجود دارد. در رابطه با پژوهش‌های خارجی نیز سوانسون^۳ و همکاران (۲۰۲۰: ۱۴) در پژوهشی با عنوان «نظریه‌های حضور زنان و مردان در مدیریت ورزشی»، بیان می‌کند با وجود تمام تفاوت‌ها بین دو جنس، در نوع مدیریت ورزشی و میزان موفقیت تفاوتی در زن و مرد مشاهده نشده است. در برنامه استراتژیک سلامت اروپا ۲۰۲۰-۲۰۱۷ قید شده است که میزان حضور زنان در موقعیت‌های رهبری در سازمان‌های دولتی در کشورهای اروپایی به استثنای چند دولت محلی بسیار کم و با میزان متوسط ۱۰٪ برآورد شده است. پژوهش کاندیف و وسکیو^۴ (۲۰۱۶: ۱۳۰) نشان داد که اگر افراد کلیشه‌های جنسیتی را که یکی از عوامل به وجود آورنده سقف شیشه‌ای است، تایید کنند (به عنوان مثال نقش زن به عنوان پرورش‌دهنده و نقش مرد به عنوان نیروی غالب) احتمال اینکه

اختلافات جنسیتی در نیروی کار را به تبعیض مربوط بدانند بسیار کم می‌شود (به عنوان مثال تعداد کمتر زنان در پست مدیریت ورزشی). داد^۱ (۲۰۱۵: ۱۱۶) در پژوهش خود اعلام کرد که در عرصه بین‌المللی کمتر از یک درصد رای‌دهندگان در کنگره فیفا^۲ زن هستند. در فدراسیون‌ها و هیئت‌های ملی فوتبال هم فقط ۸ درصد زنان حضور دارند. کلارینگبولد و ناپرز^۳ (۲۰۰۸: ۸۲) به این نتیجه رسیدند که یک سری ارزش‌های تعریف شده مانند کلیشه‌های مربوط به نقش‌های سنتی جنسیتی از طرف سازمان‌های ورزشی مدام در حال انتشار است که قدرت و سلطه مردان را تجدید می‌کند. همانطور که شرح آن رفت چندین پژوهش در سال‌های اخیر در رابطه با موانع پیش‌روی زنان در مدیریت ورزشی در کشور به نگارش در آمده است. اما می‌توان گفت در تمامی آنها از روش تحقیقات کمی و پرسشنامه استفاده شده است. در پژوهش حاضر سعی بر این بوده تا با استفاده از روش تحقیق زمینه‌یابی و مصاحبه‌های عمیق، محقق بدون پیش‌داوری ذهنی و صرفاً با یافتن مولفه‌های مربوط از میان چندین مولفه اشاره شده، به بررسی شرایط زمینه‌ای و مداخله‌گر این پدیده بپردازد. چنانکه در مطالعات پیشین به بعضی از کدهای به دست آمده در این پژوهش به هیچ وجه اشاره نشده بود. به بیانی دیگر این پژوهش با ابزار و چشم‌اندازی متفاوت سوال اصلی پژوهش را مورد بررسی قرار داده است: موانع موجود محیطی و سازمانی در به وجود آمدن مانع اساسی در برابر زنان در رسیدن به پست‌های مدیریت ورزشی چیست؟ تجربه نشان داده که افزایش مشارکت زنان در مدیریت عمومی کشور، با فراهم بودن اطلاعات و شواهد علمی کافی در این رابطه اثرگذار خواهد بود (نجارزاده و همکاران، ۱۳۹۹). نظام اجتماعی ورزش نیز از این قاعده مستثنی نیست. اهمیت این موضوع و اهمیت رفع موانع موجود را می‌توان با بررسی آیات قرآنی در رابطه با برابری زن و مرد و همین‌طور قوانین مربوطه در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، روشنتر ساخت. بر این اساس، پژوهش حاضر سعی دارد بر پایه یک مطالعه عمیق بر اساس نظرات زنان و مردانی که در موقعیت مدیریت عالی در سازمان‌های ورزشی کشور دارای سابقه هستند، به دنبال یافتن پاسخ باشد.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش که از نوع پژوهش‌های کیفی است بر اساس نظریه زمینه‌یابی یا گراند تئوری^۴ طرح‌ریزی شد. بر اساس اصول پژوهش‌های مبتنی بر تئوری زمینه‌یابی برای شروع بر اساس منابع کتابخانه‌ای مانند کتب، مقالات و ... عوامل و موارد تاثیرگذار بر این موضوع مورد مطالعه قرار گرفت. پس از مطالعه این منابع فهرست سوالات تنظیم و تدوین شد. در ابتدا سوالات مصاحبه و راهنمایی‌های لازم برای افراد ارسال شد. ملاک انتخاب افراد برای مصاحبه در این پژوهش داشتن تجربه و صاحب‌نظر بودن در زمینه مدیریت ورزش زنان بود. تمامی این افراد از مقامات بالای ورزشی کشور و آشنا با تمام جنبه‌های موضوع پژوهش بودند و به مدت طولانی در رابطه با مدیریت ورزش زنان فعالیت داشته‌اند. نوع مصاحبه‌ای که با افراد انجام گرفت از نوع کیفی و نیمه‌ساختارمند بود. روند مصاحبه با چند نفر از افراد برجسته شروع شد. در ادامه با توجه به اینکه

1. Dodd
2. FIFA's Congress
3. Claringbould & Knoppers
4. Grounded Theory

روش نمونه‌گیری مورد استفاده در این پژوهش روش گلوله‌برفی بود، از افراد خواسته شد برای ادامه روند پژوهش، مصاحبه‌شوندگان بعدی معرفی شوند. در طی زمان مصاحبه‌ها، که به صورت حضوری انجام گرفت، به منظور رعایت اصل اخلاق در پژوهش ابتدا با اجازه و اطلاع فرد مصاحبه‌شونده جلسه مصاحبه ضبط شد. همچنین در طی گفتگو نت‌برداری نیز صورت گرفت. در مجموع تعداد ۱۶ مصاحبه انجام شد. در پژوهش کیفی زمانی فرآیند جمع‌آوری داده متوقف می‌شود که پژوهشگر به نوعی به اشباع نظری برسد، به بیانی دیگر اطلاعات جدیدی در رابطه با موضوع مورد مطالعه در پژوهش، به دست نیاید. مصاحبه‌شوندگان شامل ۴ نفر از کمیته ملی المپیک و پارالمپیک، ۵ نفر از رؤسای فدراسیون‌های ورزشی و وزارت ورزش، ۴ نفر مربیان و صاحب‌نظران، ۱ نفر از اصحاب رسانه و ۱ نفر نماینده مجلس بودند.

کوربین و استراوس^۱ (۲۰۰۸) در نظریه زمینه‌ای به جای دو مفهوم روایی و پایایی که در روش‌های پژوهشی دیگر مورد استفاده قرار می‌گیرند، از معیار مقبولیت استفاده کرده‌اند. معیار مقبولیت بدین معنی است که نتایج و یافته‌های تحقیق تا چه حدی باورپذیر، موثق و بازتاب دهنده تجارب افراد است. معیار مقبولیت دارای ده شاخص است که در پژوهش حاضر تعداد پنج شاخص به منظور افزایش دقت یافته‌ها مورد استفاده قرار گرفت. از جمله تناسب داشتن نمونه، وجود انسجام در فرآیند پژوهش، حساسیت پژوهشگر، تکراری شدن یک داده و استفاده از بازخورد صاحب‌نظران. در پژوهش حاضر سعی فراوان شد تا تمامی این موارد به دقت مورد بررسی قرار گیرند. در مورد تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش نیز بر اساس نظریه استراوس و کوربین (۱۳۹۰، ۵۵)، از شیوه کدگذاری سیستماتیک^۲ استفاده شد. این شیوه شامل سه مرحله اصلی کدگذاری باز^۳، کدگذاری محوری^۴ و کدگذاری گزینشی یا انتخابی^۵ است. در طی مرحله کدگذاری باز، پس از بررسی دقیق داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها و پیاده کردن فایل‌های صوتی، تک تک مفاهیم، کلمات، رویدادها و غیره در قالب یک کد نوشته شد. این کدگذاری تا جایی ادامه پیدا کرد که دیگر کدی در قالب مفهومی جدید جای نگرفت. در مرحله دوم به عنوان کدگذاری محوری، تمامی این کدها بر اساس اشتراکات و هم‌معنایی طبقه‌بندی شدند و کدهایی که از نظر مفهوم به هم نزدیک بودند در یک محور مشترک قرار گرفتند. شامل شش دسته مقوله کلی، شرایط علی، شرایط مداخله‌گر، شرایط زمینه‌ای، راهبردها و پیامدها بودند. در نهایت بین مفاهیم برآمده از کدگذاری باز و محوری پیوندی در مورد بروز پدیده سقف شیشه‌ای ایجاد می‌شود.

یافته‌های پژوهش

با تعداد ۱۶ نفر مصاحبه انجام شد. از این تعداد ۸ نفر آنان را مردان و ۸ نفر را زنان تشکیل می‌دادند (۵۰ درصد زنان و ۵۰ درصد مردان). رده‌های سنی مصاحبه‌شوندگان در بازه سنی ۴۵ تا ۵۰ سال ۱۲/۵ درصد (۲ نفر)، در بازه ۵۱ تا ۵۵ سال ۶/۲۵ درصد (۱ نفر)، ۵۶ تا ۶۰ سال ۳۱/۲۵ درصد (۵ نفر)، ۶۱ تا ۶۵ سال ۴۳/۷۵ درصد (۷ نفر) و در نهایت بازه سنی ۶۵ تا ۷۰ سال ۶/۲۵ درصد (۱ نفر) بودند.

1. Corbin & Strauss
2. Systematic Coding
3. Open Coding
4. Axial Coding
5. Selective Coding

درصد (۱ نفر) بودند. بیشترین فراوانی سطح تحصیلات در نمونه پژوهش نیز شامل مقطع دکترا با ۶۸/۷۵ درصد (۱۱ نفر) بود. پس از آن مقطع کارشناسی ارشد با ۱۲/۵ درصد (۲ نفر)، کارشناسی ۱۲/۵ درصد (۲ نفر) و دیپلم ۶/۲۵ درصد (۱ نفر) فراوانی سطح تحصیلات را نشان می‌دادند. از لحاظ رشته تحصیلی ۳۱/۲۵ درصد (۵ نفر) در رشته‌های به غیر از تربیت بدنی و علوم ورزشی تحصیل کرده بودند و بقیه افراد تحصیلات مربوط به علوم ورزشی داشتند. سابقه فعالیت اعضاء نیز شامل بازه‌های زیر بود: ۱۵ تا ۲۰ سال ۱۲/۵ درصد (۲ نفر)، ۲۱ تا ۲۵ سال ۱۸/۷۵ درصد (۳ نفر)، ۲۶ تا ۳۰ سال ۳۱/۲۵ درصد (۵ نفر) و ۳۱ تا ۳۵ سال ۳۷/۵ درصد (۶ نفر). که بیشترین فراوانی مربوط به سابقه فعالیت و کاری بالای ۳۰ سال بود. از لحاظ زمینه و حوزه کاری نیز از کمیته ملی المپیک و پارالمپیک ۲۵ درصد (۴ نفر)، فدراسیون‌ها و وزارت ورزش ۳۱/۲۵ درصد (۵ نفر)، مربیان و صاحب‌نظران ۲۵ درصد (۴ نفر)، اصحاب رسانه ۶/۲۵ (۱ نفر) و نماینده مجلس ۶/۲۵ (۱ نفر). با استفاده از فرآیند سه مرحله کدگذاری باز، محوری و گزینشی عوامل زمینه‌ای بروز پدیده سقف شیشه‌ای در مدیریت ورزش زنان در ایران شناسایی شدند. این سه مرحله کدگذاری به طور مشروح در جدول ۱ آمده است.

۶۳

جدول ۱: کدگذاری باز، محوری و گزینشی عوامل زمینه‌ای بروز سقف شیشه‌ای در مدیریت ورزش زنان

مقوله‌های کلی (مفاهیم)	مقوله‌های فرعی (مولفه‌ها)	ابعاد و ویژگی‌ها (گویه‌ها)
	۱- قوانین عمومی	عدم وجود اساس حقوقی و قانونی برای بعضی محدودیت‌ها/ تفسیر مردانه از قوانین / عدم به روزرسانی قوانین جنسیتی/ نبود عملگرایی نسبت به قوانین برابری جنسیتی در قانون اساسی/ عدم کفایت قوانین جلوگیری از چند شغله بودن/ نبود قوانین حمایتی در مورد زنان/ عدم کفایت قوانین برابری جنسیتی/ عدم تساوی حقوق شهروندی/ تبعیض جنسیتی در برخی از قوانین موضوعه/ عدم وجود ضمانت اجرایی در انجام راهبردها
شرایط زمینه‌ای	۱- عدم کفایت قوانین	عدم رعایت سهمیه سی درصدی در سازمان های ورزشی/ وجود قوانین عام/ عدم اصلاح قوانین نهادی بعد از ادغام/ نبود قوانین حمایتی در طرح جامع ورزش/ نبود قوانین سهمیه مدیریتی در وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های اجرایی/ عدم تصویب اساسنامه وزارت ورزش (به دلیل بحث سهمیه‌ها)/ عدم اختصاص سهمیه به زنان در هیات مدیره باشگاه‌ها/ عدم وجود قوانین اعتباراتی/ عدم وجود قوانین کافی ورزش بانوان در بخش خصوصی/ اجرای سلیقه‌ای قانون سهمیه‌ها در فدراسیون‌ها/ نبود اختیار در پست نایب رئیسی بانوان
	۲- قوانین سازمان‌های ورزشی	

نبود اعتماد به نفس در زنان مدیر/ تلاش کم زنان/ عدم وجود روحیه مطالبه گری در زنان/ پایین بودن سطح ریسک پذیری زنان/ عدم مطالبه گری زنان از مسئولین زن/ تداخل وظایف مدیریتی با وظایف همسری و مادری/ جرات مندی پایین/ عدم شایستگی های فنی بانوان/ نبود تجربه در عرصه مدیریت/ عدم خودباوری/ آرزو مندی شغلی پایین

۱- موانع فردی

۲- رفتار فردی و بین فردی

دریافت بازخور منفی بصورت شخصی و نه حرفه ای/ محدود بودن ارتباطات سیاسی/ عدم اطاعت پذیری زیردست از مدیر زن/ تاثیر گذاری پایین / حمایت گری پایین از جانب زیردست

۲- موانع بین فردی

انحصار پست نائب رئیسی بانوان تنها در ایران و بدنبال آن نبود الگوی سازمانی خوب به منظور تطبیق/ حضور تشریفاتی زنان در مجامع تصمیم گیری ورزشی/ عدم اطاعت پذیری فدراسیون ها از معاونت ورزش بانوان/ عدم ارتباط کافی ادارات کل استان ها با معاونت ورزش بانوان/ خلاصه شدن پست نائب رئیسی بانوان در امور اجرایی

۱- شغلی

عدم نظارت بر فرآیندهای مالی و استفاده از منابع مالی بخش بانوان در بخش آقایان/ عدم نظارت بر رعایت سهمیه در فدراسیون ها و سازمان های ورزشی

۲- نظارتی

۳- ناکارآمدی فرآیندهای سازمانی

وجود ارتباط در انتصاب به جای تخصص گرایی/ حضور چهره های ثابت و همیشگی در انتخابات/ وجود زنان مدیر غیر ورزشی و بی تجربه/ وجود مدیران مرد نامربوط به فعالیت

۳- انتصابی (چتر بازی در سازمان)

عدم حمایت رسانه ها از مدیران زن ورزشی/ عدم روشن گری رسانه در راستای تغییر نگرش جامعه/ خلاصه شدن مدیریت ورزش در رسانه به عنوان محیطی مردانه/ عدم حمایت رسانه در ترویج باور قابل اعتماد بودن مدیریت زنان

۱- باورها

تضاد ارزش ها/ عدم به روزرسانی ارزش های اشاعه شده توسط رسانه

۲- ارزش ها

عدم تبلیغ قوانین تسهیل کننده ارتقاء زنان به سطوح بالای مدیریتی/ تبلیغ ساختار ورزش در قالبی مردانه به منظور جذاب نشان دادن آن/ نبود قوانین اختصاص سهمیه در رسانه های ورزشی به بخش های مدیریت ورزش زنان/ عدم اختصاص تربیون به مدیران زن ورزشی به منظور دفاع از فعالیت های خود میزان زمان بسیار کم اختصاص داده شده مربوط به مدیریت ورزش زنان / قالبی بودن نوع برنامه ها عدم وجود الزام بر انعکاس اخبار مدیریت ورزش زنان

۳- زمینه سازی

۴- رسانه

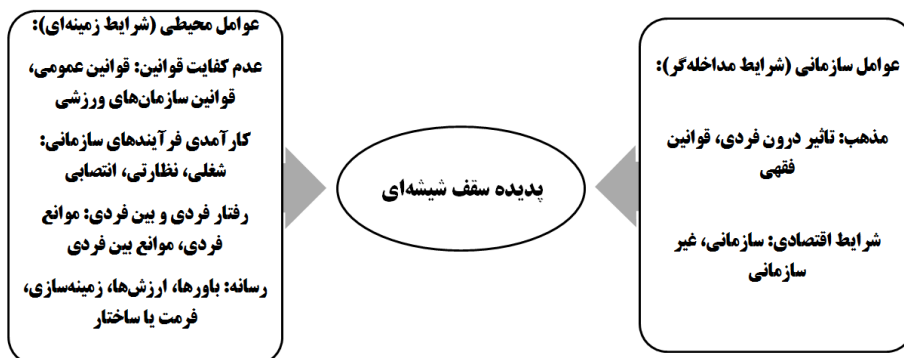
۴- فرمت یا ساختار

جدول ۲: کدگذاری باز، محوری و گزینشی عوامل مداخله‌گر بروز سقف شیشه‌ای در مدیریت ورزش زنان

مقوله‌های کلی (مفاهیم)	مقوله‌های فرعی (مؤلفه‌ها)	ابعاد و ویژگی‌ها (گویه‌ها)
۱- مذهب	۱- تأثیر درون فردی	شکل‌گیری هنجارهای خودساخته درونی بر مبنای برداشت‌های فردی از قوانین مذهب / ترجیح آگاهانه یا ناآگاهانه ذهنی در انجام کار درست در نقش جنسیتی بر مبنای برداشت فردی از مذهب
شرایط مداخله‌گر	۲- قوانین فقهی	تفسیر مردانه از قوانین فقهی / عدم به‌روزرسانی قوانین فقهی / برداشت و تحلیل نادرست قوانین اسلام / استناد به بعضی روایات غیر معتبر
	۱- غیرسازمانی	سنت‌گرایی اجتماعی در نظام اقتصادی / نگرش منفی جامعه نسبت به نقش اقتصادی زنان / ترجیح زنان به کار در بازار ثانویه به دلیل نیاز اقتصادی فوری
۲- شرایط اقتصادی	۲- سازمانی	نبود منابع درآمد در ورزش زنان / نبود سیستم قوی مالی در ورزش زنان / فقدان حامیان مالی برجسته / برتری موقعیت سازمانی / برتری سود آوری سازمانی / عدم پایداری به سیاست‌گذاری‌ها

۶۵

جدول ۲ نشان‌دهنده عوامل مداخله‌گر بروز پدیده سقف شیشه‌ای در مدیریت ورزش زنان ایران است. این عوامل نیز با استفاده از سه مرحله کدگذاری‌های باز، محوری و گزینشی شناسایی شده است.



شکل ۱: عوامل زمینه‌ای و مداخله‌گر بروز پدیده سقف شیشه‌ای در مدیریت ورزش زنان ایران

بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش عدم روزآمدی بسترهای اجتماعی و بین فردی، ناکارآمدی سیستم‌های اقتصادی و سازمانی و مهیا نبودن زیرساخت‌های قانونی به عنوان مقوله محوری شناخته شده اند، چرا که می‌توان در این دو مورد خلاصه‌ای از تمام عوامل زمینه‌ای و مداخله‌گر را دید و ردپای

تمام آنها در این دو مورد مشهود است. بر اساس نتایج این پژوهش از جمله عوامل زمینه‌ای نام برده شده عدم کفایت قوانین است. این عدم کارآمدی و کفایت در دو قسمت مورد بررسی قرار گرفت. مورد اول قوانین مربوط به سازمان‌های ورزشی است. مورد دوم مربوط به قوانین عمومی است که در تمامی واحدها و بخش‌های جامعه به چشم می‌خورد. نتایج برآمده از این پژوهش در مورد عوامل زمینه‌ای شامل عدم کفایت قوانین، ضعف در قوانین عمومی و نقصان قوانین سازمان‌های ورزشی در ایران است. در تمامی مصاحبه‌ها، افراد مصاحبه‌شونده اعلام می‌کردند که در زمان ادغام انجمن‌های ورزشی بانوان و فدراسیون‌های ورزشی دقت کافی در نوشتن قوانین صورت نگرفته و یکی از دلایل عدم وجود قدرت اجرایی برای مدیران زن همین مورد است. در مواردی هم که قوانین در اساسنامه فدراسیون‌ها قید شده است، به اجرا در نمی‌آید و در نوع خود به وجود آورنده سقف شیشه‌ای است. همچنین تعریفی که از مقام نائب رئیسی فدراسیون‌ها به عنوان مقامی تشریفاتی و بدون اختیار کافی در فدراسیون‌ها وجود دارد، به این شرایط دامن می‌زند، چرا که در تعریف، اختیار از مجموعه‌ای از قوانین در سازمان‌ها سرچشمه می‌گیرد. به دلیل اجرای سلبه‌ای قوانین سهمیه‌ای و تعریف شخصی از محدوده اختیارات نائب رئیسی فدراسیون، شرایط قلمرو اختیار نائب رئیس از فدراسیونی به فدراسیون دیگر کاملاً متفاوت است. از موارد دیگر، نقش پررنگ باشگاه‌های ورزشی در فراهم آوردن زیرساخت اصلی ورزش کشور، قوانین خاصی در حمایت از میزبانی سهمیه‌ها به اجرا در نمی‌آید. عدم وجود قوانین کافی ورزش بانوان در بخش خصوصی، مانع از رشد این بخش شده و در نهایت باعث به وجود آمدن ساختار مدیریتی فاقد قدرت و کنترل در بخش‌های کلان مدیریت ورزش می‌شود. از دیگر موارد مربوط به قوانین می‌توان به عدم وجود قوانین حمایتی در زمینه بودجه و اعتبارات خصوصاً در مورد اعتبارات معاونت ورزش بانوان اشاره کرد. چرا که این شرایط زمینه‌ساز افول قدرت و کنترل این بخش خصوصاً در فدراسیون‌های ورزشی شده است. در خصوص قوانین بین‌المللی در پی تأکیدات زیاد کمیته بین‌المللی المپیک مبنی بر رعایت سهمیه سی درصدی حضور بانوان در جایگاه مدیریت نیز می‌توان گفت به دلیل حضور کم زنان در عرصه مدیریتی داخل، شانس زیادی برای نمایندگی و کسب کرسی‌های بین‌المللی ورزشی توسط زنان وجود ندارد. نتیجه این بخش از پژوهش با نتایج پژوهش استراتژیک کمیسیون اروپا^۱ (۲۰۱۴: ۱۴) و متقی و همکاران (۱۳۹۳: ۱۷) در مورد وضع قوانین و اقدامات قانونی همراستا است. همچنین در رابطه با بازنگری و اهمیت وضع قوانین سهمیه‌ای با پژوهش‌های برتون (۲۰۱۷: ۱۵۰) و جعفری و همکاران (۱۳۹۸: ۳۲) همخوانی دارد.

عامل دیگر زیرساخت‌های قانونی مربوط به قوانین عمومی در جامعه بود. از جمله تأثیراتی که قوانین عمومی کشور می‌تواند بر شکل‌گیری پدیده سقف شیشه‌ای داشته باشد بحث قوانین موضوعه است. قوانین موضوعه در جایی که مربوط به زنان می‌شود قوانینی مانند دیه، شهادت، قیمومت فرزندان را در بر دارد. اما در برخی موارد می‌توان ارتباط تأثیرگذار این قوانین را بر زندگی زنان مدیر دید. نتایج تأثیر مستقیم قوانین عمومی کشور در مورد زنان و خصوصاً قوانین موضوعه بر شرایط به وجود آورنده پدیده سقف شیشه‌ای برای مدیران زن ورزشی کشور روشن است. یکی از قوانین موضوعه در بحث حقوق شوهر بر زن شامل حق خروج از کشور و حق اشتغال است. در گذشته در بعضی موارد شاهد مشکلات قانونی ورزشکاران زن در هنگام خروج از کشور

بوده‌ایم. بنا به اظهارات مصاحبه‌شوندگان بازنگری و ایجاد قوانین حمایتی در این موارد استثناء، ضروری به نظر می‌رسد. در موارد دیگر نقصی در قوانین برابری جنسی در قانون اساسی وجود ندارد اما عدم وجود ضمانت اجرایی وجود این نوع از قوانین را بی‌اثر کرده است. یکی از مصاحبه‌شوندگان اشاره کرد: "بینید ما همینجوری که به قانون نگاه می‌کنیم شاید مانع بزرگی نبینیم اما به محض اینکه وارد عمل می‌شیم سر و کله کلی قانون دست و پاگیر پیدا می‌شه". زندگی در دنیای امروز و تغییرات مداوم و سریع در جوامع، بازنگری اساسی در بسیاری از قوانین جنسی و به روزرسانی آنان را می‌طلبد. نتایج پژوهش‌های خورسندیان (۱۳۹۰: ۷۳) و پژوهش اسدیپور تهرانی (۱۳۸۴: ۲۴۹) در رابطه با رفع تبعیض در قوانین جنسیتی با نتایج پژوهش همخوانی دارد.

نتایج پژوهش نشان داد که از دیگر عوامل زمینه‌ساز بروز پدیده سقف شیشه‌ای شیوه فعالیت و سیاست رسانه‌های ورزشی است. باورهای نهادینه شده در رسانه‌ها توسط اجتماع باعث شده که رسانه‌ها به طور کلی ضرورتی در حمایت از مدیریت ورزشی زنان احساس نکنند. می‌توان گفت جامعه و رسانه بر یکدیگر تأثیرپذیر و اثرگذار هستند اما رسانه‌های ورزشی در هنگام ایفای نقش اثرگذار خود بر جامعه تلاشی در راستای روشنگری و تغییر نگرش افراد جامعه در مورد جایگاه زنان در مدیریت ورزش کشور ندارد. تعریف مفهوم مدیریت ورزشی به عنوان محیطی مردانه از سمت رسانه‌های ورزشی این باور را به وجود می‌آورد که اگر قرار بر برداشتن گامی مثبت در بدنه مدیریتی ورزش کشور باشد این گام صرفاً توسط مدیران مرد انجام می‌شود. عدم فعالیت رسانه‌های ورزشی در ترویج باور قابل اعتماد بودن مدیریت زنان، با وجود موفقیت‌های نسبی در مدیریت فدراسیون‌ها در مقایسه با مردان زمینه‌ساز بروز پدیده سقف شیشه‌ای است. همچنین از دیگر عوامل مهم دیگر می‌توان به ارزش‌های تعریف شده در رسانه‌های ورزشی اشاره کرد. تمجید از حضور زنان در عرصه‌های بین‌المللی ورزشی از طرفی و عدم حضور آنان به عنوان مدیر ورزشی در برنامه‌های مختلف صدا و سیما یا نشریات پر مخاطب به وجود آورنده نوعی تضاد در ارزش‌های تعریف شده توسط رسانه‌هاست. از طرفی از دیگر عواملی که نقش منفی در کارکرد رسانه‌های ورزشی در زمینه مدیریت ورزش زنان بازی می‌کند، عدم به روزرسانی این ارزش‌ها توسط رسانه‌هاست. در بخش زمینه‌سازی فعالیت رسانه‌های ورزشی می‌توان به موارد نبود قوانین اختصاص سهمیه در رسانه‌های ورزشی به بخش‌های مدیریت ورزش زنان و عدم اختصاص تریبون به مدیران زن ورزشی به منظور دفاع از فعالیت‌های خود اشاره کرد. مصاحبه‌شوندگان در این باره اظهار داشتند که در رسانه مدیران زن حتی بعد از برکناری از پست مدیریتی در ورزش فرصت حضور و دفاع از عملکرد خود پیدا نمی‌کنند. در این راستا یکی از افراد بیان نمود: "من که از پست مدیریتی خودم برکنار شدم اصلاً اجازه پیدا نکردم توی یه برنامه تلویزیونی از خودم دفاع کنم و بگم مثلاً فلان نتیجه رو در طول خدمتم کسب کردم". به نظر می‌آید عاملی مانند تبلیغ ساختار ورزش در قالبی مردانه به منظور جذاب نشان دادن آن، مختص کشوری مانند ایران نباشد. عامل زمینه‌ساز دیگر فرمت و ساختار رسانه‌های ورزشی است. قالب ساخت و تولید محتوای این رسانه‌ها به شکل اختصاص کمترین بخش به بحث مدیریت ورزش زنان است. در رسانه‌ها هیچ الزامی مبنی بر پوشش نتایج مدیریت زنان در فدراسیون‌ها یا سازمان‌های ورزشی دیده نمی‌شود. به هر سو، عامل اصلی تأثیرگذار بر جایگاه و رشد زنان نوع نگرش افراد جامعه است و بهره‌گیری از قابلیت‌های رسانه‌ها به منظور شکستن سقف شیشه‌ای و شکل‌دهی ارزش‌ها در بین عموم جامعه

می‌تواند بسیار مفید باشد. نتیجه پژوهش الهیاری و همکاران (۱۳۹۴: ۶۷) با نتیجه این بخش همخوان است. در پژوهش جعفری و همکاران (۱۳۹۸: ۲۹) و متقی و همکاران (۱۳۹۳: ۱۷) در رابطه با نقش مهم رسانه‌های گروهی در ایجاد محیط مناسب برای رشد زنان به پست‌های مدیریتی بالاتر اشاره شده است، که با این نتیجه این بخش از پژوهش همسو می‌باشد. نتایج تحقیقات آکوستا و کارپنتر (۲۰۱۴: ۴۴) وایت‌ساید و هاردین (۲۰۱۱: ۵۳) نیز با این بخش همسو است.

عامل زمینه‌ساز دیگر که در جریان مصاحبه‌ها از آن یاد شد مربوط به ناکارآمدی فرآیندهای سازمانی بود. این ناکارآمدی در نظارت، کارراهه شغلی و انتصابات سازمان به چشم می‌خورد. کارراهه، مسیر و شرح شغل مختص مدیریت زنان در ورزش با وجود عدم ارتباط کافی ادارات کل استان‌ها با معاونت ورزش بانوان، خلاصه شدن پست نائب رئیسی بانوان در امور اجرایی و حضور تشریفاتی زنان در تصمیم‌گیری باعث ناکارآمدی مهم‌ترین بخش فعال مدیریت ورزش زنان شده است. از طرفی پست نائب رئیسی بانوان تنها در ایران وجود دارد و هیچ الگوی سازمانی مناسبی در کشورهای دیگر به منظور تطبیق نمی‌توان یافت. در مورد نظارت طبق آنچه گفته شده کنترل لازم بر فرآیندهای مالی در بخش مدیریت زنان وجود ندارد تا جایی که منابع مالی ورزش زنان در بخش مردان استفاده شده اما در حساب دفتری زنان ثبت می‌شود. در این رابطه یکی از مصاحبه‌شوندگان اشاره کرد: "مثلا برای من سند می‌آوردن سی ملیون که امضا کنم من می‌گفتم مثلا من پنج ملیون خرج کردم می‌گفتن خرج آقایون رو هم زدین با همین. نائب ریسه امضا می‌کنه. نمی‌تونه نکنه. چون دو بار بگه نه برش میدارن. مشکل اینه".

با وجود الزام اجرای قانون سهمیه سی درصدی از طرف کمیته بین‌المللی المپیک، هیچ نظارتی بر اجرای آن وجود ندارد. همچنین هنگام انتخابات و انتصابات همواره افرادی خارج از سازمان بدون طی کردن سلسله مراتب و به اصطلاح توسط چتربازی سازمانی به پست مدیریت می‌رسند. اولویت ارتباط بر تخصص، حضور افراد ثابت و تعریف شده در انتخابات، وجود مدیران مرد نامربوط به فعالیت و مدیران زن غیرورزشی و بی تجربه زمینه‌ساز بروز سقف شیشه‌ای هستند. نتایج این بخش از پژوهش در مورد حضور تشریفاتی زنان در مراجع تصمیم‌گیری با نتایج پژوهش‌های بوشهری و همکاران (۱۳۸۷، ۱۸۵) الهیاری و همکاران (۱۳۹۳، ۶۶)، در بخش ناکارآمدی فرآیندهای شغلی و سیستم نظارت با پژوهش جعفری و همکاران (۱۳۹۸، ۳۴) و بحث سیستم موروثی مردان در مدیریت ورزشی با پژوهش آدریانسه و شوفیلد (۲۰۱۳، ۵۱۲) و باور و هامز^۱ (۲۰۱۳، ۹) کاملاً همسو است.

از دیگر عوامل زمینه‌ساز بروز پدیده سقف شیشه‌ای از نظر افراد مصاحبه‌شونده شامل رفتار فردی و بین فردی است. بسیاری از موانع فردی گفته شده توسط مصاحبه‌شوندگان ریشه در شرایط اجتماعی و فرهنگی جامعه دارد. عواملی نظیر عدم اعتماد به نفس و نبود روحیه مطالبه‌گری، جرات‌مندی پایین، عدم خودباوری و تلاش کم. همین موارد جرات ریسک‌پذیری آنان را کاهش می‌دهد. زنان با وجود آرزومندی شغلی پایین، تلاشی برای رسیدن به مقام بالاتر در سازمان احساس نمی‌کنند. بعضی موارد فردی نیز وابسته به شرایط شخصی مانند تداخل وظایف همسری و مادری عنوان شد. زنان به دلیل حضور و مشارکت کم در عرصه مدیریت ورزش کشور، گاهی از مهارت‌های فنی کافی نیز برخوردار نیستند. می‌توان گفت با وجود دسته‌بندی جداگانه برای عوامل

فردی و بین فردی، لاجرم این موارد به یکدیگر وابسته و زمینه ساز وجود هم هستند. محدود بودن ارتباطات سیاسی برای یک زن به عنوان یک مدیر، ناخودآگاه تاثیرگذاری پایین او در سازمان را به عنوان یک مدیر در پی دارد. از دیگر نتایج، عدم اطاعت پذیری زیر دست از مدیر زن عنوان شده است. این عدم اطاعت پذیری صرفاً مربوط به زیردستان مرد نیست ولی می تواند در مورد کارکنان مرد، خاصه در محیط ورزش، شدیدتر باشد. تصور اینکه آنان باید از یک زن دستور بگیرند و به دنبال آن عدم اطاعت پذیری، مانع از تحکیم اختیار و اتوریته مدیر زن خواهد شد. یکی از مصاحبه شوندگان بیان نمود که: "از ۱۰۰ نفر کارشناس، مسئول و معاون مرد نظرسنجی شد که اگر رئیس شما زن باشد با او همکاری می کنید؟ پاسخ ۹۰ نفرشان منفی بود." در مورد موانعی که بین یک فرد و یک زن به عنوان مدیر سازمان ورزشی پیش می آید، دریافت بازخور منفی به شکل شخصی و نه حرفه ای است. به این معنا که در صورت تضعیف عملکرد مدیر در بعضی موارد با شخص برخورد می شود و شرایط حرفه ای بازخورد در سازمان رعایت نمی شود. نتایج پژوهش های برتون (۲۰۱۵)، بولز و مک گین^۱ (۲۰۰۵: ۲) و اگلی و کارلی^۲ (۲۰۰۷: ۴)، موسوی راد و همکاران (۱۳۹۵: ۱۰۴) و شیرزاد و همکاران (۱۳۹۶: ۴۵) در رابطه با تاثیر رفتارهای فردی و بین فردی در به وجود آمدن پدیده سقف شیشه ای در برابر زنان با نتیجه این بخش همخوان است. نتیجه پژوهش جعفری و همکاران (۱۳۹۸: ۳۲) در رابطه با لزوم ارتقای مهارتی مدیران زن و همینطور ممنوعیت به کارگیری شاغلان چندپیشه و بازنشستگان در حیطه ورزش با نتیجه این بخش پژوهش همسو است. در ادامه نتایج این پژوهش نظارت بر انتصاب ها و بازنگری در سیاست های جانشینی از موارد فراهم کردن حضور زنان در تصمیم گیری گفته شده است که با نتایج این پژوهش همخوان است.

در بخش دیگر این پژوهش که به شناسایی عوامل مداخله گر بروز پدیده سقف شیشه ای در مدیریت ورزش زنان مربوط بود، چند عامل مورد بررسی قرار گرفت. مذهب همواره در طول تاریخ یکی از عواملی بوده که بعضی افراد بسته به شرایط و موقعیت خود تفسیر به رأی از قوانین آن داشته اند. خصوصاً زمانی که قرار بر حضور زنان در موقعیت رهبری یک مجموعه یا سازمانی بوده است. از آنجا که حضور و عدم حضور زنان در بسیاری از موقعیت ها بیشتر بر پایه هنجارهای اجتماعی شکل گرفته است، می توان یکی از عوامل مهم این بخش را شکل گیری هنجارهای خودساخته درونی بر مبنای برداشت های فردی از قوانین مذهب دانست. وقتی این موضوع در میان می آید، نوعی ترجیح آگاهانه یا حتی ناآگاهانه ذهنی در انجام کار درست در نقش جنسیتی بر مبنای برداشت فردی از مذهب دیده می شود، که گاهی پایه و اساس درستی بر مبنای قوانین مذهب ندارند. بخش مهم بعدی در این زمینه مربوط به قوانین فقهی است. موضوعی که اکثریت مصاحبه شوندگان به آن اشاره داشتند، مشکل عدم به روزرسانی قوانین فقهی است که تاثیری غیر مستقیم اما بسیار مهم در تعیین شرایط حضور و عدم حضور زنان در تمام پایگاه های اجتماعی و به خصوص ورزش دارد. یکی از افراد بیان داشت: ببینید ما اصلاً هیچ به روزرسانی در قوانین فقهی نداشتیم. جوامع عوض شدن و این قوانین هم باید همپای تغییر جامعه خودشان رو به روز کنن". تفسیر مردانه از قوانین فقهی، برداشت و تحلیل نادرست از قوانین دین و همینطور استناد به

1. Bowles & McGinn
2. Eagly & Carli

بعضی روایات غیرمعتبر از جمله عواملی هستند که در به وجود آوردن پدیده سقف شیشه‌ای در مدیریت زنان، خاصه مدیریت ورزش در این پژوهش، دخالت می‌کنند. نتیجه پژوهش شیرزاد و همکاران (۱۳۹۶: ۴۵)، برتون (۲۰۱۷: ۵) و شاو و فریزی^۱ (۲۰۰۶: ۴۹۱) در رابطه با تاثیر اعتقادات مذهبی بر جایگاه زنان در مدیریت با یافته پژوهش حاضر همخوانی دارد. عامل دیگر در این زمینه مربوط به شرایط اقتصادی است که خود به دو دسته شرایط سازمانی و غیرسازمانی دسته‌بندی شده است. همواره در طول تاریخ نوعی نگاهی سنتی و در عین حال منفی در اجتماع نسبت به حضور زنان در نظام‌های اقتصادی وجود داشته است. از طرفی زنان امروز در حیطه ورزش به دلیل نیاز اقتصادی فوری تمایل به کار در بازار ثانویه ورزش را دارند و از ابتدا تلاشی برای رسیدن به پست‌های بالای مدیریت در ورزش نمی‌کنند. در بخش سازمانی نیز به دلیل نبود سیستم قوی مالی، همینطور منابع محدود درآمد در ورزش زنان و نبود حامیان مالی برجسته، همگی در ناکامی در پرورش و رشد مدیران ورزشی زن دخیل هستند. بر اساس نتایج این پژوهش، دیدگاه کلیشه‌ای سودآوری و برتری سازمانی مردان و عدم پایداری به بعضی سیاست‌گذاری‌های حمایتی از جمله عوامل مداخله‌گر در بروز پدیده سقف شیشه‌ای بودند. نتیجه این بخش از پژوهش با تحقیق نوربخش، مهندس و عظیمی (۱۳۹۰: ۷۵) در رابطه با نبود سیستم حمایت مالی همسو بود. همچنین با پژوهش‌های مندعلی زاده و احسانی (۱۳۹۲: ۴۰)، موسوی راد و همکاران (۱۳۹۵: ۱۰۷) و برتون (۲۰۱۵: ۴) همخوانی داشت.

در این پژوهش عوامل زمینه‌ای و مداخله‌گر در بروز پدیده سقف شیشه‌ای مورد واکاوی قرار گرفتند. با توجه به پژوهش‌های انجام شده چه در داخل و چه خارج کشور در حیطه مدیریت زنان، می‌توان گفت که تاکنون شرایط قرارگیری زنان در مناصب مدیریتی چندان مطلوب نبوده است. از طرفی به دلیل نقش زیرساختی و مهم مناسبات اجتماعی و فرهنگی در بروز این پدیده، بعضی عوامل پدیدآورنده خاص و منحصر بفرد ایران است. از این رو می‌توان با انجام مطالعات فرهنگی و بین‌رشته‌ای بیشتر به درک بیشتری درباره این موضوع دست یافت. برنامه‌های جامع و بلندمدت جهت آموزش و آگاه‌سازی مدیران ارشد و میانی بدنه ورزش کشور در رابطه با عدم ارتباط توانایی‌های رهبری و جنسیت می‌تواند گام موثری در راه شروع افزایش مشارکت زنان در مدیریت سازمان‌های ورزشی باشد. سازمان‌های ورزشی نیز می‌توانند با توجه به آگاهی در مورد موانع ساختاری و روش‌های حمایتی، بسترهای مناسبی را برای مشارکت زنان و از بردن پدیده سقف شیشه‌ای در قالب قوانین به سازمان‌های متولی اعلام کنند. بدون تبیین ضرورت حضور و مشارکت زنان در پست‌های بالای مدیریت ورزشی در سازمان‌های مختلف، سایر تلاش‌ها به منظور پیشبرد ورزش زنان در جامعه بی‌نتیجه خواهد بود.

منابع

- اسدپور تهرانی، علیرضا. (۱۳۸۴). «بررسی حقوق و آزادی های بنیادین زنان در کنوانسیون رفع تمام اشکال تبعیض علیه زنان مرکز حقوق بشر سازمان ملل متحد». حقوق اساسی. ۵(۳)، صص ۲۴۹-۲۸۰.
- اللهیاری، فاطمه؛ بیاتی، سعید؛ سجادی، نصرالله؛ گودرزی، محمود و علیدوست قهفرخی، ابراهیم. (۱۳۹۴). «نقش سقف شیشه ای بر وضعیت توانمند سازی زنان در سازمان ورزش شهرداری تهران». پژوهش های کاربردی در مدیریت ورزشی. ۴(۱)، صص ۵۹-۶۹.
- جعفری، الهام؛ شریفی فر، فریده و علم، شهرام. (۱۳۹۸). «نقش آفرینی زنان در مدیریت ورزش کشور با رویکرد آینده پژوهی». مطالعات مدیریت ورزشی. ۱۱(۵۸)، صص ۱۷-۳۸.
- خورسندیان، محمدعلی. (۱۳۹۰). «وضعیت حقوقی اشتغال زوجین در قوانین موضوعه ایران و لایحه پیشنهادی حمایت خانواده». فقه و حقوق خانواده (ندای صادق). ۱۶(۵۴)، صص ۵۲-۷۶.
- شیرزاد ملاباشی، شیرین؛ فراهانی، ابوالفضل و اسد، محمدرضا. (۱۳۹۶). «عوامل موثر در انتصاب زنان در پست های مدیریتی وزارت ورزش و جوانان». مدیریت و توسعه ورزش. ۶(۱)، صص ۳۷-۵۱.
- علی زاده، مرجان. (۱۳۹۰). «نقش اشتغال زنان در توسعه». فصلنامه علمی پژوهشی زن و فرهنگ. ۲(۵)، صص ۴۹-۵۹.
- کوربین، جولیت ام و استراوس، آنسلم. (۱۳۹۰). اصول روش تحقیق کیفی. بیوک محمدی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- متقی شهری، محمد حسن؛ غفوری، فرزاد و محمودی، احمد. (۱۳۹۳). «مقایسه نقش و حضور زنان در پست های مدیریتی سازمان های ورزشی و غیرورزشی». رویکردهایی نوین در مدیریت ورزشی. ۲(۴)، صص ۹-۲۰.
- مندعلی زاده، زینب و احسانی، محمد. (۱۳۹۲). «شناسایی موانع محیطی و فردی زنان کارآفرین در ورزش و ارائه راهکارهای پیشنهادی». رویکردهایی نوین در مدیریت ورزشی. ۱(۳)، صص ۳۳-۴۱.
- موسوی راد، سیده طاهره؛ فراهانی، ابوالفضل و بیات، پریوش. (۱۳۹۵). «اولویت بندی موانع مدیریت زنان در ورزش به روش تحلیل سلسله مراتبی (AHP)». پژوهش های کاربردی در مدیریت ورزشی. ۵(۱)، صص ۱۱۱-۱۱۹.
- نجارزاده آرانی، سُمیرا؛ نرگسیان، عباس؛ امیری، مجتبی و سفیری، خدیجه. (۱۳۹۹). «ارائه مدل سبک رهبری زنان در پست های مدیریتی بخش عمومی با تأکید بر نقش فرهنگ ملی». مدیریت دولتی، ۱۲(۱)، صص ۱۴۱-۱۱۷.
- نظری، رسول و لطیفی، اعظم. (۱۳۹۷). «تحلیل اثر سقف شیشه ای بر ارتقای جایگاه مدیریتی بانوان در سازمان های ورزشی». نشریه مدیریت ورزشی. ۱۰(۳)، صص ۴۶۵-۴۷۷.

● نوربخش، مهوش؛ کهندل، مهدی و عظیمی شاد، سمیه. (۱۳۹۰). «بررسی مقایسه ای ورزش بانوان قبل و بعد از طرح ادغام». علوم ورزش دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج. ۳(۸)، صص ۶۳-۷۹.

- Acosta, R. V., & Carpenter, L. J. (2014). **“Woman in Intercollegiate Sport: A Longitudinal, National Study”**. Thirty-Seven Year Update, 1977-2014. Acosta-Carpenter.
- Adriaanse, J. (2016). **“Gender diversity in the governance of sport associations: The Sydney Scoreboard Global Index of Participation”**. Journal of business ethics, 137(1), 149-160.
- Adriaanse, J. A., & Schofield, T. (2013). **“Analyzing gender dynamics in sport governance: A new regimes-based approach”**. Sport Management Review, 16(4), 498-513.
- Bower, G. G., & Hums, M. A. (2013). **“Career paths of women working in leadership positions within intercollegiate athletic administration”**. Advancing Women in Leadership, 33(1), 1-14.
- Bowles, H. R., & McGinn, K. L. (2005). **“Claiming authority: Negotiating challenges for women leaders: The psychology of leadership”**. New perspectives and research, 191-208.
- Burton, L. J., Grappendorf, H., & Henderson, A. (2011). **“Perceptions of gender in athletic administration: Utilizing role congruity to examine (potential) prejudice against women”**. Journal of Sport Management, 25(1), 36-45.
- Burton, L. J. (2015). **“Underrepresentation of women in sport leadership: A review of research”**. Sport management review, 18(2), 155-165.
- Burton, L. J., & Leberman, S. (2017). **Women in Sport Leadership: Research and practice for change**. Taylor & Francis
- Claringbould, I., & Knoppers, A. (2008). **“Doing and undoing gender in sport governance”**. Sex roles, 58(1-2), 81-92.
- Coakley, J. (2014). **Sport in society: Issues and controversies**. (10th Ed.) Boston: McGraw-Hill.
- Corbin, J., & Strauss, A. (2008). **“Strategies for qualitative data analysis. Basics of Qualitative Research”**. Techniques and procedures for developing grounded theory, 3.
- Cundiff, J. L., & Vescio, T. K. (2016). **“Gender stereotypes influence how people explain gender disparities in the workplace”**. Sex Roles, 75(3-4), 126-138.
- Dodd, M. (2015). **“FIFA needs more women”**. New York Times. Retrieved from www.nytimes.com/2015/11/20/opinion/fifa-needs-more-women.html?_r=0
- Eagly, A. H., & Carli, L. L. (2007). **Through the labyrinth: The truth about how women become leaders**. Harvard Business Press.
- Evans, D. (2011). **“Room at the top: Advancement and equity for women in the business world”**. National Civic Review, 100(2), 62-64.
- European Commission. (2014). **Gender equality in sport: proposal for strategic actions 2014-2020**.
- Glass, C., & Cook, A. (2016). **“Leading at the top: Understanding women's challenges above the glass ceiling”**. The Leadership Quarterly, 27(1), 51-63.
- Hovden, J. (2010). **“Female top leaders-prisoners of gender? The gendering of leadership discourses in Norwegian sports organizations”**. International Journal of Sport Policy, 2(2), 189-203.

- Lapchick, R. (2012). **The 2012 Women's National Basketball Association Racial and Gender Report Card**. The Institute of Diversity and Ethics in Sport.
- Lumpkin, A., Dodd, R. K., & McPherson, L. (2014). **"Does a Glass Ceiling Persist in Intercollegiate Athletics?"** Journal for the Study of Sports and Athletes in Education, 8(1), 33-46.
- Northouse, P. G. (2017). **Introduction to leadership: Concepts and practice**. Sage Publications.
- Sartore, M. L., & Cunningham, G. B. (2007). **"Explaining the under-representation of women in leadership positions of sport organizations: A symbolic interactionist perspective"**. Quest, 59(2), 244-265.
- Shaw, S. (2007). **"Gender in sport management: A contemporary picture and alternative futures"**. In Sport and Gender Identities (pp. 84-100). Routledge.
- Shaw, S., & Frisby, W. (2006). **"Can gender equity be more equitable?: Promoting an alternative frame for sport management research, education, and practice"**. Journal of sport management, 20(4), 483-509.
- Katz, M., Walker, N. A., & Hindman, L. C. (2018). **"Gendered leadership networks in the NCAA: Analyzing affiliation networks of senior woman administrators and athletic directors"**. Journal of Sport Management, 32(2), 135-149.
- Simmons, K. (2011). **Women in Top Management Positions in the Sport Industry: Breaking down the Barriers and Stereotypes**.
- Swanson, S., Billsberry, J., Kent, A., Skinner, J., & Mueller, J. (2020). **"Leader prototypicality in sport: The implicit leadership theories of women and men entering sport management careers"**. Sport Management Review, 23(4), 640-656.
- Whiteside, E., & Hardin, M. (2012). **"On being a "good sport" in the workplace: Women, the glass ceiling, and negotiated resignation in sports information"**. International Journal of Sport Communication, 5(1), 51-68.

تدوین توسعه الگوی عوامل ساختاری ورزش قهرمانی فدراسیون کاراته

محمد باتوانی^۱

حمید فروغی پور^۲

محمد نیکروان^۳

نجف آقائی^۴

 10.22034/SSYS.2022.1189.1817

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۱۱/۱۲

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۷/۲۸

امروزه تشکیلات ورزشی هر کشور باید منسجم و مشخص باشد و فعالیت‌ها و اهداف در حال اجرا و پیگیری باید از استحکام و دلیل منطقی برخوردار باشند. در ساختار و برنامه‌های ورزش یک سازمان، اهمیت فعالیت‌ها، هدف‌ها، برنامه‌ریزی‌ها و تشکیلات باید واضح باشد. هدف این پژوهش تدوین توسعه الگوی عوامل ساختاری و سازمانی ورزش قهرمانی فدراسیون کاراته بود. این مطالعه به روش ترکیبی و از نوع طرح‌های تحقیقی آمیخته اکتشافی بود. مرحله اول (کیفی) به روش گراندد تئوری بود که در این راستا، افراد مرتبط با موضوع پژوهش و خبرگان ورزش کاراته کشور به صورت هدفمند و با استفاده از تکنیک گلوله برفی انتخاب و از طریق مصاحبه عمیق و نیمه ساختار یافته به جمع‌آوری اطلاعات پرداخته شد. در نهایت، داده‌های حاصل از ۲۰ مصاحبه به روش داده بنیاد و از طریق سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. مرحله دوم (فاز کمی) به روش مدل‌سازی معادلات ساختاری بود که با استفاده از پرسشنامه ۲۹ گویه برگرفته از بخش کیفی انجام گردید. آزمودنی در این فاز به صورت

۱- دانشجوی دکتری مدیریت راهبردی در ورزش، گروه تربیت بدنی، واحد بروجرد، دانشگاه آزاد اسلامی، بروجرد، ایران

۲- استادیار، گروه تربیت بدنی، واحد بروجرد، دانشگاه آزاد اسلامی، بروجرد، ایران (نویسنده مسئول)
E-mail: Foroghiborjerd@yahoo.com

۳- استادیار، گروه تربیت بدنی، واحد بروجرد، دانشگاه آزاد اسلامی، بروجرد، ایران

۴- دانشیار، گروه تربیت بدنی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

نمونه‌گیری در دسترس و شامل ورزشکاران، مربیان و دست‌اندرکاران لیگ برتر کاراته ایران که با توجه به حجم جامعه مورد نظر تعداد ۲۷۸ نفر بر اساس جدول مورگان انتخاب شدند. داده‌های به دست آمده با تحلیل عاملی تأییدی و مدل معادلات ساختاری با استفاده از نرم‌افزار لیزرل مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. نتایج نشان از اهمیت رسانه‌ها، منابع مالی و قوانین و مقررات در سطح سازمانی و نشان‌دهنده نقش ویژه این مؤلفه‌ها به‌منظور فراهم آوردن ساختاری مناسب برای توسعه ورزش قهرمانی کاراته ایران است.

واژگان کلیدی: الگو، عوامل ساختاری، ورزش قهرمانی و ورزش کاراته.

مقدمه

امروزه تشکیلات ورزشی هر کشور باید منسجم و مشخص باشد و فعالیت‌ها و اهداف در حال اجرا و پیگیری باید از استحکام و دلیل منطقی برخوردار باشند. در ساختار و سازمان برنامه‌های ورزش یک کشور، اهمیت فعالیت‌ها، هدف‌ها، برنامه‌ریزی‌ها و تشکیلات باید واضح باشد. با توجه به موارد ذکر شده برای برنامه‌ریزی منظم و اصولی، در ورزش هر کشور باید به تمامی ابعاد ورزش توجه و بر آن‌ها تمرکز شود. مدل و الگو سلسله یافته‌هایی است که محقق به تبع ادراک از موضوع و پدیده‌های مربوط به آن به‌عنوان حقیقت می‌پذیرد (شعبانی، ۱۳۸۸). داشتن یک مدل برای کار و فعالیت در بسیاری از حوزه‌ها اهمیت دارد. برای مثال در برنامه‌ریزی درسی داشتن مدل‌هایی که فرایند آموزش، یادگیری و یادداری را نشان دهند در امر آموزش بسیار کمک‌کننده است و آن را اثربخش‌تر می‌کند. مدل به‌مثابه اصول زیربنایی و ساختار عمقی است که فرایندهای پدیده‌های سطحی را پشتیبانی می‌کنند. از یک مفهوم عامیانه می‌توان برای بررسی ضرورت مدل استفاده کرد. برای مثال اگر قصد ساخت خانه‌ای را دارید به یک نقشه یا مدل یا طرح کلی نیاز دارید. به‌طور کلی انسان برای انجام دادن هر گونه کار و فعالیتی نیازمند داشتن مدل و طرح کلی است. این مدل هرچه ملموس‌تر و مشهودتر باشد، به‌کارگیری آن راحت‌تر است (غفوری، ۱۳۸۸). مدل مول^۱ و همکاران (۲۰۰۵) یکی از مدل‌های شناخته‌شده در رویکرد سلسله مراتبی به ورزش است. این پژوهشگران مدلی را برای چهار بخش (ورزش آموزشی، تفریحی، قهرمانی و حرفه‌ای) متصور شده‌اند. در مدل یادشده، میزان گستردگی هر کدام از ورزش‌ها تعیین شده است. در قاعده هرم، ورزش تعلیم و تربیتی (آموزشی) و در رأس آن ورزش حرفه‌ای قرار دارد. بیشترین سطح شرکت مربوط به قاعده هرم است و با نزدیک شدن به سمت رأس هرم، از تعداد شرکت‌کنندگان در ورزش کاسته می‌شود؛ به عبارت دیگر، در بخش ورزش آموزشی، تعداد تماشاچیان، کمترین و در ورزش حرفه‌ای، بیشترین است. این مدل ادعا می‌کند که گسترش ورزش آموزشی و پس از آن همگانی، سبب افزایش مشارکت عموم خواهد شد. در صورت گسترش ورزش حرفه‌ای، تعداد کمتری می‌توانند در آن شرکت کنند و اغلب باید به تماشای آن بپردازند. در مدل دیگر که شیپوری و همکاران (۲۰۰۹) ارائه دادند در قاعده هرم و در سطح گسترده ورزش آموزشی و مقدماتی وجود دارد و در سطح بعدی آن ورزش همگانی و قهرمانی در یک سطح قرار دارند و در سطح بالا و رأس هرم ورزش حرفه‌ای وجود دارد.

یکی از چالش‌های پیش روی توسعه حوزه ورزش قهرمانی، ایجاد فرصت‌های مطلوب ورزشی در دسترس، متنوع، ارزان و ایمن برای تمام آحاد جامعه است. ورزش به هر فردی بدون توجه به جنسیت، نژاد، مذهب، توانایی جسمانی و اقتصادی تعلق دارد. مطابق آمار موجود، میزان مشارکت در ورزش نیز وضعیت مطلوبی ندارد و آخرین آمار قابل استناد حاکی از مشارکت کمتر از ۲۰ درصد مردم است (غفوری، ۱۳۸۶). در چند دهه گذشته رقابت بین کشورها برای کسب مدال در رقابت‌های بین‌المللی شدت بالایی گرفته است. این امر منجر شده است که دولت‌ها و سازمان‌های ورزشی کشورها در سراسر جهان میزان بودجه اختصاصی به ورزش قهرمانی را افزایش دهند. گزارش گردیده است؛ نخبه شدن در ورزش به ۱۰ سال زمان و ۱۰ هزار ساعت

تمرین نیاز دارد و هزینه آن برای هر نفر ۳۷ میلیون دلار برای کسب هر مدال طلا است (دی بوسچر و همکاران^۱، ۲۰۰۶).

جوهره علم بر پایه مدل‌های فراگیر است، نه داده‌های پراکنده. داده‌ها بر پایه‌ی مدل می‌توانند کشف، تبیین و تعبیر شوند (صفاری و همکاران، ۱۳۹۱). توسعه به‌عنوان یک فرایند در حالی که لازمه بهبود و پیشرفت است، اساس بهبود وضعیت و رفع کاستی‌های اجتماعی و فرهنگی جوامع پیشرفته را فراهم می‌آورد و باید موتور محرکه پیشرفت متعادل، متناسب و هماهنگ اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تمامی جوامع و به‌ویژه کشورهای درحال توسعه باشد. توسعه سعی دارد به پنج نیاز اساسی زیر پاسخ گوید: تلفیق حفاظت و توسعه، تأمین نیازهای اولیه زیستی انسان، دستیابی به عدالت اجتماعی، خودمختاری و تنوع فرهنگی و حفظ یگانگی اکولوژیکی (ضرابی و آذران، ۱۳۸۰). در امر توسعه ورزش قهرمانی و تربیت قهرمانان ورزشی، مدل‌ها و رویکردهای مختلفی وجود دارد که توجه به آن‌ها می‌تواند راه گشای توسعه ورزش قهرمانی کشور باشد. شناخت تفاوت‌های ساختاری ورزش‌های قهرمانی و عوامل مؤثر بر آن به‌منظور رسیدن به توسعه پایدار در رشته‌های ورزشی قهرمانی اجتناب‌ناپذیر است و حرکت در این مسیر با تدوین مدل‌های توسعه ورزش‌های قهرمانی محقق خواهد شد. به‌عنوان مثال، برنامه راهبردی ورزش کانادا به دنبال آن است که محیطی پویا و عالی در ورزش ایجاد نماید و در پی افزایش تعداد افرادی است که بتوانند به‌طور مداوم و موفقیت‌آمیز، در بالاترین سطوح رقابتی ورزش شرکت نمایند. به‌طورکلی تئوری‌ها شامل سه قلمرو یا سطح رفتاری، ساختاری و محیطی می‌باشند (میرزایی اهرنجانی و امیری، ۱۳۸۱). مدیریت، خط مقدم اجرای راهبردها می‌باشد. تحقیقات انجام‌شده در این حوزه نشان می‌دهد که تحقیقات اندکی در این زمینه در داخل کشور انجام گردیده است. به‌طور خاص و ویژه، توجه به ورزش قهرمانی به‌عنوان یک نظام و با نگاه کلان و جامع در ایران به مطالعات طرح جامع تربیت‌بدنی و ورزش کشور (۱۳۸۲) برمی‌گردد که توانسته به همه عوامل و مؤلفه‌های داخلی و بیرونی ورزش قهرمانی بپردازد و با استفاده از یک مدل علمی و راهبردی، مشکلات و تنگناهای آن را شناسایی و برای اصلاح آن برنامه راهبردهای ویژه‌ای ارائه نماید که قبل از آن نبوده است. در این رابطه چند تحقیق شامل «نظام جامع ورزش قهرمانی» توسط مظفری و همکاران (۱۳۸۸)، «بخش خصوصی با رویکرد ورزش قهرمانی» توسط رضوی (۱۳۸۲) و «مقایسه دیدگاه مربیان ورزشکاران و صاحب‌نظران در مورد راهکارهای پیشرفت ورزش قهرمانی ژیمناستیک» توسط تندنویس (۱۳۸۴) انجام شده است. جلالی و همکاران (۱۳۹۷) نیز در پژوهشی با عنوان «نقش منابع انسانی در رشد اقتصادی صنعت ورزش ایران» به این نتیجه رسیدند که منابع انسانی بخش ورزش، در کوتاه‌مدت و بلند مدت اثر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی صنعت ورزش ایران دارند. «مقایسه ارزیابی عملکرد در حوزه موفقیت امور فنی ورزش قهرمانی فدراسیون‌های راکتی ایران (تنیس، تنیس روی میز، بدمینتون و اسکوآش)» (اشرف گنجوی، ۱۳۹۸)، «شناسایی عوامل مؤثر بر جذب حامیان مالی در ورزش قهرمانی استان خراسان شمالی» (مرسل و همکاران، ۱۳۹۸)؛ «رسانه و ورزش قهرمانی و حرفه‌ای» (ظهرابی، ۱۳۹۳، جلالی، ۱۳۹۲، ایرج پور، ۱۳۹۵ و عرب نرمی و همکاران، ۱۳۹۷)؛ «بررسی زیرساخت‌ها و امکانات ورزش حرفه‌ای» (قادرپور، ۱۳۹۵، محمدزاده، ۱۳۹۴ و حسامی و همکاران، ۱۳۹۷)، «حامیان و پشتیبان‌های حاضر در بخش ورزش

قهرمانی» (استورم و همکاران^۱ ۲۰۱۶)؛ «منابع درآمدی باشگاه‌های حرفه‌ای» و همچنین «مباحث سرمایه‌گذاری در ورزش قهرمانی» (کوسیک^۲، ۲۰۱۱، رامامورت^۳، ۱۹۹۹، مایک وید^۴، ۲۰۰۱ و استورم^۵، ۲۰۱۶) از دیگر پژوهش‌هایی در این حوزه می‌باشد.

با بررسی پیشینه‌های ارائه‌شده در این حوزه به این نتیجه می‌رسیم که «طرح جامع تربیت‌بدنی و ورزش» و تحقیق مظفری با نگاه کلان و راهبردی و سایر تحقیقات با نگاه خرد به وضعیت ورزش قهرمانی در ایران و جهان پرداخته‌اند و می‌توان گفت که ورزش قهرمانی ابعاد و زوایای مختلفی دارد که مدل‌های توسعه آن در تحقیقات انجام‌شده بررسی‌شده ولی توجه به رشته‌ای خاص از آن هنوز نامعلوم است. بنابراین این مسأله مطرح است که بطور خاص راهبردهای راهبردی توسعه ورزش‌های قهرمانی یکایک رشته‌ها در ورزش قهرمانی ایران چگونه است؟ از سوی دیگر، در ایران علی‌رغم وجود سازمان‌ها و بخش‌های متعددی که هر کدام خود را به نوعی در قبال ورزش قهرمانی مسئول می‌دانند؛ مثل فدراسیون ورزش‌های مختلف ورزشی، معاونت امور بانوان و توسعه ورزش قهرمانی وزارت ورزش و جوانان، وزارت علوم، تحقیقات و فن‌آوری، باشگاه‌های بزرگ ورزشی، وزارت کار و امور اجتماعی و ... متأسفانه شاهد هستیم که جایگاه ورزش قهرمانی نسبت به سایر کشورها چندان مطلوب نیست.

علاقه و شرکت در ورزش‌های رزمی مانند کاراته، تکواندو، کونگ‌فو و ووشو در سال‌های گذشته به میزان زیادی افزایش یافته است. کاراته یکی از مشهورترین هنرهای رزمی رقابتی است که در قرن ۱۶ میلادی از اوکیناوا ژاپن سرچشمه گرفت. معنی لغوی کاراته «دست خالی» است و هدف از این نام‌گذاری تمرین دفاع از خود بدون استفاده از سلاح و با استفاده از ضربات دست، ضربات پا^۶ و تکنیک‌های سد کردن نسبت به حریف و با به‌کارگیری دست‌ها، پاها، آرنج‌ها، زانوها^۷، به‌صورت هر چه قوی‌تر، سریع‌تر، دقیق‌تر و مؤثرتر انجام می‌شود (تامشینی^۸، ۲۰۰۸). امروزه این رشته در ایران به عنوان یکی از پرجمعیت‌ترین رشته‌های ورزشی بوده و از آن میان، قهرمانان بسیاری به کاراته دنیا معرفی گردیده‌اند (باتوانی و همکاران، ۱۳۹۵). کاراته، در بازی‌های آسیایی دوحه قطر در سال ۲۰۰۶، با کسب ۳ مدال طلا و ۲ مدال برنز، عنوان موفق‌ترین تیم اعزامی را در میان کاروان ورزشی ایران به خود اختصاص داده و با کسب چندین مدال طلا در بازی‌های آسیایی گوانگژو چین در سال ۲۰۱۰، اینچئون کره جنوبی در سال ۲۰۱۴ و جاکارتای اندونزی ۲۰۱۸ خود را به‌عنوان یکی از رشته‌های پر پتانسیل مطرح نموده است. در آخرین رویداد جهانی (مسابقات جهانی اسپانیا) در سال ۲۰۱۸ نیز تیم کاراته کشورمان در رتبه دوم جهان^{۱۱} قرار گرفته است. این رشته در حال حاضر در تمام استان‌های کشورمان فعال بوده و در اکثر قریب به

1. Storm et al.
2. Kosik
3. Ramamurti
4. Mike.Weed
5. Storm
6. Punches
7. Kicks
8. Elbows
9. Knees
10. Thumeshni

۱۱- از نظر تعداد مدال اخذ شده در مسابقات جهانی که در کشور اسپانیا انجام گردیده است.

اتفاق شهرستان‌های کشور، هیات‌ها و باشگاه‌های کاراته وجود دارند (فدراسیون کاراته ایران، ۲۰۱۹). با توجه به گستردگی این رشته ورزشی و آینده آن در جهان ورزش، تسهیل پیشرفت آن از ضروریات سازمان ورزش کشور محسوب می‌شود. کاراته ایران نیز از جمله رشته‌های مورد تأکید کمیته ملی المپیک برای کسب مدال در رقابت‌های جهانی و المپیک است که زمزمه پیش‌بینی ثبت نام این رشته به‌عنوان پنجمین رشته‌ی ورزشی کشور که بتواند در رقابت‌های المپیک مدال کسب کند به گوش می‌رسد. با این وجود نگاهی کوتاه نشان‌دهنده‌ی آن است که در کاراته سیستم کامل و جامعی که بتواند توسعه ورزش کاراته را تبیین نماید وجود نداشته است. لذا، با توجه به شرایط توسعه اختصاصی ورزش در ایران بررسی علمی‌ای را نیازمند است. بررسی ادبیات این حوزه نشان می‌دهد که در خصوص مدل‌سازی در حوزه ورزش قهرمانی نیز کار اندکی انجام‌شده و در پژوهش‌های صورت گرفته نیز بررسی مختص رشته کاراته وجود ندارد. بر این اساس هدف از تحقیق حاضر تدوین الگوی توسعه عوامل ساختاری ورزش قهرمانی کاراته کشور تعیین گردیده است. لذا سؤال اساسی پژوهش این بود:

عوامل تأثیرگذار مدیریتی (سطح ساختاری) به ترتیب اهمیت در ورزش قهرمانی کاراته ایران کدام اند و مدل توسعه عوامل ساختاری ورزش قهرمانی کاراته ایران چگونه است؟

روش‌شناسی پژوهش

این مطالعه به روش ترکیبی و از نوع طرح‌های تحقیقی آمیخته اکتشافی (کیفی و کمی) و به لحاظ هدف کاربردی بود که در دو مرحله متوالی انجام گردید. جامعه آماری در بخش کیفی متخصصان ورزش کاراته در دو بخشی علمی و اجرایی بودند که در ورزش کاراته حداقل سابقه ۷ سال مدیریت داشته، مربیان تیم‌های ملی؛ و یا در بخش دانشگاهی اعضای هیئت‌علمی بوده که دارای پژوهش یا کتاب در حوزه یادشده بودند. در بخش کیفی از نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد. مصاحبه‌ها به‌صورت عمیق و نیمه ساختاریافته تا مرحله اشباع نظری انجام و در مصاحبه با نفر ۲۰ به اشباع رسید. در بخش کمی نیز، جامعه آماری شامل مدیران، کارشناسان، مربیان، داوران، قهرمانان کاراته ایران و اعضای هیئت‌علمی و دانشجویان دکتری و ارشد دارای پژوهش در حوزه تخصصی کاراته ایران بودند که با توجه به تعداد تقریبی کل جامعه که برابر با ۱۰۳۴ نفر بود حجم نمونه بر اساس جدول مورگان برابر با ۲۷۸ نفر تعیین شد که به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. جهت تکمیل پرسشنامه تعداد ۳۰۰ پرسشنامه توزیع و از میان آن‌ها تعداد ۲۷۸ پرسشنامه که به‌طور کامل پاسخ داده بودند مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. ابزار جمع‌آوری داده‌ها در این پژوهش در مرحله کیفی، مصاحبه عمیق و نیمه ساختارمند بود؛ به‌طوری که ابتدا عوامل ساختاری مرتبط با ورزش کاراته در ادبیات داخلی و بین‌المللی مورد بررسی قرار گرفت و بر این اساس راهنمای مصاحبه تدوین شد. سپس با متخصصان در خصوص عوامل ساختاری مؤثر در ورزش کاراته مصاحبه گردید. در طی بیست مصاحبه تکرار در مؤلفه‌ها حاصل شد به‌طوری که نیاز به جمع‌آوری اطلاعات بیشتر وجود نداشت. در مرحله دوم، نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی برآمده از مصاحبه‌ها و ادبیات موضوع، منجر به تدوین پرسشنامه با ۲۹ گویه به شرح جدول ۱ شد. به‌منظور بررسی روایی محتوایی پرسشنامه، از نظرات ۱۴ نفر متخصصین حوزه مدیریت ورزشی و رشته کاراته (پیشکسوتان و اعضای فنی فدراسیون کاراته کشور) استفاده گردید و در نهایت با اعمال نظر متخصصان پرسشنامه‌ای با روش لیکرت و با ارزش عددی ۱ تا ۵ برای پاسخ هر سؤال امتیازبندی شد. به‌منظور بررسی پایایی، پرسشنامه در یک مطالعه راهنما بین ۴۵ نفر

^1

مؤلفه	منابع انسانی	منابع مالی	تجهیزات و زیرساخت	فناوری	قوانین و مقررات	سازمان‌های همکار	رسانه‌های سازمانی	مجموع
گویه	۳	۵	۶	۴	۳	۳	۵	۲۹

یافته‌های پژوهش

جدول ۲، اطلاعات پیوگرافی مصاحبه‌شوندگان فاز کیفی را نشان می‌دهد.

متغیر	جنسیت		بخش		تحصیلات				وضعیت تاهل			
	مرد	زن	کاتا	کومیته	زیر دیپلم	دیپلم	کاردانی	کارشناسی	کارشناسی ارشد	دکتری	مجرد	متاهل
تعداد	۲۰	۰	۶	۱۴	۱	۴	۲	۶	۵	۲	۲	۱۸
درصد	۱۰۰	۰	۳۰	۷۰	۵	۲۰	۱۰	۳۰	۲۵	۱۰	۱۰	۹۰

سطح سازمانی یا ساختاری کدهایی که به تشریح سطح اجرایی و بکارگیری سیستم‌های پشتیبانی نرم و سخت جهت تحقق بخشیدن به عمومی شدن ورزش قهرمانی کاراته در میان مردم

می‌پردازد. نتایج تجزیه و تحلیل داده بنیاد نشان داد از مقایسه‌ی کدهای به دست آمده می‌توان تمامی کدهای ساختاری حاصل را در هفت مؤلفه اصلی جای داد (جدول ۳).

جدول ۳: کدهای باز، محوری و انتخابی مستخرج از کل مصاحبه‌ها در سطح سازمانی (ساختاری)

کدهای محوری	کدهای باز
منابع انسانی	نیروهای ستادی
	نیروهای صف
	نیروهای داوطلب
	بودجه دولتی
منابع مالی	نهادهای عمومی
	حامیان مالی
	بیمه‌ها
	کمک‌های مردمی
تجهیزات و زیرساخت	مطالعه و نیازسنجی
	دسترسی به تجهیزات و زیرساخت‌ها
	کیفیت تجهیزات و زیرساخت‌ها
	توزیع عادلانه تجهیزات و زیرساخت‌ها
فناوری	ایمنی تجهیزات و زیرساخت‌ها
	طراحی زیبا تجهیزات و زیرساخت‌ها
	استفاده از سخت‌افزارها
	استفاده از نرم‌افزارها
قوانین و مقررات	شبکه‌های اجتماعی
	ارتقاء دانش فنی
	اسناد توسعه‌ای ورزش قهرمانی کاراته استانی
	اسناد توسعه‌ای ورزش قهرمانی کاراته شهری
سازمان‌های همکار	اسناد توسعه‌ای ورزش قهرمانی کاراته سازمان‌ها
	وحدت سیاست‌گذاری
	شرح وظایف روشن
	تعاملات مستمر
رسانه‌های سازمانی	آموزش همگانی
	اطلاع‌رسانی
	بازاریابی اجتماعی
	پایش و رصد تغییرات محیطی
	رصد افکار و علایق عمومی

نتایج تحلیل نشان می‌دهد که مدل فاز اول مطالعه مورد تأیید قرار می‌گیرد و داده‌ها برازش مناسبی با مدل دارد. شاخص‌های نیکویی برازش بررسی شده در این مطالعه در جدول ۴ آورده شده است:

جدول ۴: شاخص‌های نیکویی برازش بررسی شده در این مطالعه

آماره	کای اسکوئر	RMSEM	GFI	AGFI	NFI	PGFI	RMR
مقادیر	$2\chi = 280/2$	۰/۰۹۰	۰/۹	۰/۹۶	۰/۹۷	۰/۹	۰/۴۹
وضعیت	معنادار ($P < 0/01$)	نسبتاً خوب	خوب	خوب	خوب	مناسب	مناسب

یافته‌های توصیفی در بخش کمی نیز نشان می‌دهد بیشترین فراوانی افراد مورد مطالعه را مسئولان واحدهای شغلی مربوطه تشکیل داده اند که ۴۳/۴ درصد افراد مورد مطالعه را تحت پوشش قرار داد (جدول ۵).

جدول ۵: توصیف ویژگی‌های آزمودنی‌ها در بخش کمی بررسی

جنسیت		گروه‌های تحت مطالعه					سوابق شغلی				
متغیر فراوانی		اعضای هیئت علمی	مربوطه	مسئول واحد شغلی	کارشناس	دانشجویان	۷	۵	۵	۶	۷
تعداد	۲۲۹	۴۹	۹	۴۰	۱۲۱	۶۸	۴۰	۲۰	۶۳	۲۴	۱۲۲
درصد	۸۲/۴	۱۷/۶	۳/۳	۱۴/۵	۴۳/۴	۲۴/۳	۱۴/۵	۷/۳	۲۲/۶	۸/۵	۴۴

تعیین روابط بین سطوح مدل مطرح شده در فاز کیفی پژوهش، از طریق مدل‌سازی معادلات ساختاری مورد آزمون قرار گرفته‌اند. نتایج به‌دست آمده از ۲۷۸ پرسشنامه با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی لیزرل مورد بررسی قرار گرفت. شکل ۱ ضرایب مسیر پیش‌بینی عوامل تأثیرگذار و جدول ۶، تحلیل رگرسیون سلسله مراتبی با در نظر گرفتن ضرایب مسیر برای بررسی عوامل تأثیرگذار ساختاری را نشان می‌دهند. نتایج نشان می‌دهد، که ضریب رگرسیون رسانه‌های سازمانی بیشترین تأثیر بر سطح سازمانی دارد و در سطح $P \leq 0/01$ معنادار هست که ۵۷٪ از واریانس سطح سازمانی را پیش‌بینی می‌کنند. در مرتبه دوم منابع مالی بر سطح سازمانی تأثیر می‌گذارد و ۱۸ درصد بر پیش‌بینی سطح سازمانی می‌افزاید و این افزایش از نظر آماری معنادار می‌باشد ($P \leq 0/01$). در مرتبه سوم قوانین و مقررات بر سطح سازمانی تأثیر می‌گذارد که ۱۰ درصد بر پیش‌بینی کنندگی می‌افزاید. در مرتبه چهارم منابع انسانی با ۷ درصد افزایش مقدار R^2 ، و در مرتبه پنجم، تجهیزات و زیرساخت با ۵ درصد افزایش مقدار R^2 ، در مرتبه ششم عامل فناوری نیز با ۲ درصد افزایش R^2 ، در مرتبه هفتم سازمان‌های همکار با تنها ۱ درصد افزایش R^2 پیش‌بینی‌کنندگان سطح سازمانی هستند.

جدول ۶: تحلیل رگرسیون سلسله مراتبی با در نظر گرفتن ضرایب مسیر برای پیش‌بینی عوامل تأثیرگذار ساختاری به ترتیب اهمیت

مدل	متغیرهای مستقل (پیش‌بین)	B	T	P	R	R ^۲	F	Sig
۱	رسانه	۰/۷۱	۲۲/۶۴	۰/۰۰۰۱	۰/۷۶	۰/۵۷	۳۹۳/۵۳	۰/۰۰۰۱
۲	رسانه	۰/۶۵	۲۳/۲۱	۰/۰۰۰۱	۰/۸۷	۰/۷۵	۵۳۱/۳۳	۰/۰۰۰۱
	منابع مالی	۰/۴۵	۱۶/۳۲	۰/۰۰۰۰				
	رسانه	۰/۵۶	۲۸/۲۳	۰/۰۰۰۰				
۳	عوامل مالی	۰/۳۱	۱۸/۱۹	۰/۰۰۰۱	۰/۹۲	۰/۸۵	۸۷۱/۲۲	۰/۰۰۰۱
	قوانین	۰/۲۱	۱۴/۲۶	۰/۰۰۰۱				
	رسانه	۰/۴۹	۲۹/۲۳	۰/۰۰۰۰				
۴	منابع مالی	۰/۳۳	۱۸/۶۲	۰/۰۰۰۱	۰/۹۶	۰/۹۲	۱۴۲۱/۱۷۱	۰/۰۰۰۱
	قوانین	۰/۲۲	۱۶/۱۴	۰/۰۰۰۰				
	منابع انسانی	۰/۲۰	۱۴/۵۷	۰/۰۰۰۱				
	رسانه	۰/۵۱	۳۸/۴۴	۰/۰۰۰۱				
	منابع مالی	۰/۳۰	۲۷/۷۰	۰/۰۰۰۱				
۵	قوانین	۰/۲۱	۱۷/۲۱	۰/۰۰۰۰	۰/۹۸۴	۰/۹۷	۱۶۴۳/۸۷	۰/۰۰۰۰
	منابع انسانی	۰/۲۰	۱۶/۰۳	۰/۰۰۰۱				
	تجهیزات	۰/۱۹	۱۵/۱۲	۰/۰۰۰۱				
	رسانه	۰/۳۶	۴۱/۰۹	۰/۰۰۰۱				
	منابع مالی	۰/۳۱	۴۴/۰۷	۰/۰۰۰۱	۰/۹۹۴	۰/۹۹	۶۵۵۴/۴۷	۰/۰۰۰۱
	قوانین	۰/۱۶	۲۴/۲۴	۰/۰۰۰۰				
۶	منابع انسانی	۰/۱۲	۲۰/۰۶	۰/۰۰۰۰				
	تجهیزات	۰/۲۸	۲۷/۷۲	۰/۰۰۰۰				
	فناوری	۰/۲۲	۲۳/۲۴	۰/۰۰۰۰				
	رسانه	۰/۲۷	—	۰/۰۰۰۰				
	منابع مالی	۰/۲۴	—	۰/۰۰۰۱				
	قوانین	۰/۱۷	—	۰/۰۰۰۱				
۷	منابع انسانی	۰/۱۵	—	۰/۰۰۰۱	۱۰۰	۱۰۰	—	۰/۰۰۰۰
	تجهیزات	۰/۲۲	—	۰/۰۰۰۱				
	فناوری	۰/۲۴	—	۰/۰۰۰۱				
	سازمان‌های همکار	۰/۱۲	—	۰/۰۰۰۰				



شکل ۱: ضرایب مسیر پیش‌بینی عوامل تأثیرگذار در سطح سازمانی

بحث و نتیجه گیری

افزایش مشارکت عمومی در ورزش همیشه مد نظر سیاست‌گذاران بوده است. در ایران علی‌رغم موفقیت‌های کسب‌شده رشته کاراته در میادین جهانی، متأسفانه روند تعداد کاراته کای کشور عزیزمان رو به کاهش بوده؛ به‌طوری‌که این تعداد بر اساس گزارشات فدراسیون کاراته جمهوری اسلامی ایران از بیش از یک‌میلیون نفر در دهه ۸۰ به حدود ۲۰۰ هزار نفر در اواخر دهه ۹۰ نزول کرده است. هدف این بررسی تدوین توسعه الگوی عوامل ساختاری ورزش قهرمانی فدراسیون کاراته ایران بود. بر اساس نتایج حاصل، سطح ساختاری متأثر از هفت عامل بود.

مهم‌ترین مؤلفه در این سطح رسانه‌های سازمانی است. رسانه‌های سازمانی در مطالعه حاضر دارای کارکردهای متنوعی ازجمله آموزش رسانه‌ای رشته کاراته، اطلاع‌رسانی، آگاه‌سازی، کارکرد بازاریابی اجتماعی، نوگرایی و نظارتی هستند و به‌عنوان اثرگذارترین مؤلفه سطح سازمانی در سطح سازمانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند. نتایج این بخش از پژوهش با نتایج تحقیق ظهرابی^۱، ۱۳۹۳، جلالی^۲، ۱۳۹۲، ایرج پور^۳ ۱۳۹۵ و عرب نرمی و همکاران^۴ ۱۳۹۷ و رو^۵ ۲۰۰۹ همسو است. رو (۲۰۰۹) تدوین راهبردهای ملی به‌منظور ایجاد کانال‌های ارتباطی و بازاریابی اجتماعی را به‌عنوان خط‌مشی مؤثر در افزایش مشارکت مردم در ورزش اوقات فراغت می‌داند. غفوری (۱۳۸۲) در خصوص ارتباطات و رشدندل اربطانی (۱۳۸۶) نیز با ارائه مدلی به کارکردهای رسانه به‌منظور توسعه ورزش تأکید می‌کند که همسو با نتایج مطالعه حاضر می‌باشند.

منابع مالی دومین مؤلفه از نظر اهمیت در سطح سازمانی هستند؛ نتایج این تحقیق با نتایج تحقیقات منابع درآمدی باشگاه‌های حرفه‌ای و همچنین مباحث سرمایه‌گذاری در ورزش قهرمانی (کوسیک^۱ ۲۰۱۱)، رامامورت^۲ ۱۹۹۹، مایک وید^۳ ۲۰۰۱ و استورم^۴ ۲۰۱۶ و بنسون و هندرسون^۵ (۲۰۰۵) و گرین^۶ (۲۰۰۶) که به نقش منابع مالی دولتی در توسعه ورزش تأکید داشته‌اند همسو بوده و آفرینش خاکی (۱۳۸۴)، و هولیهان^۷ (۲۰۰۱) نیز به لزوم ورود سرمایه بخش خصوصی به ورزش همگانی تأکید می‌کنند. به نظر می‌رسد با توجه به گستردگی رشته ورزشی کاراته منابع مالی می‌بایست از بخش متعدد مثل بودجه دولتی، بودجه نهادهای عمومی، حامیان مالی، بیمه‌ها و کمک‌های مردمی تأمین گردد.

سومین مؤلفه از نظر اهمیت در سطح سازمانی قوانین و مقررات است. در مطالعه حاضر تدوین، تصویب و اجرای اسناد توسعه‌ای ورزش استانی، شهری و سازمانی مد نظر است. اصل سوم قانون اساسی توسعه ورزش رایگان برای همه است و تدوین قوانین و مقررات به‌عنوان یکی از حوزه‌های سیاست‌گذاری به‌منظور ایجاد تغییرات در ورزش انگلستان مدنظر بوده که بیانگر اهمیت این موضوع است (چارچوب ورزش انگلستان^۸، ۲۰۰۴).

چهارمین مؤلفه از نظر اهمیت در این سطح منابع انسانی است. جلایی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان نقش منابع انسانی در رشد اقتصادی صنعت ورزش ایران به این نتایج رسیدند که منابع انسانی بخش ورزش، در کوتاه‌مدت و بلندمدت اثر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی

1. Rowe

2. Storm

3. Benson and Henderson

4. Green

5. Houlihan

6. The Framework for Sport in England

صنعت ورزش ایران دارد. بارسلونا و رس^۱ (۲۰۰۴) به مزیت رقابتی تربیت مدیران ورزش‌های اشاره می‌کند؛ همچنین مدل توسعه ورزش هنگ‌کنگ^۲ (۲۰۰۹) به نیروهای داوطلب و نقش آموزش منابع انسانی تأکید دارد که با یافته‌های این مطالعه همسو است.

مؤلفه بعدی تجهیزات و زیرساخت می‌باشد. تأمین تجهیزات و زیرساخت‌های ورزشی با توجه به امور مطالعاتی و نیازسنجی، دسترسی عموم، ارتقای کیفیت، توزیع عادلانه و تأمین ایمنی و طراحی زیبا از یافته‌های این مطالعه است؛ که با مطالعات بررسی زیرساخت و امکانات ورزش حرفه‌ای (قادرپور ۱۳۹۵، محمدزاده ۱۳۹۴ و حسامی و همکاران ۱۳۹۷، ممتازبخش ۱۳۸۶، اتقیا ۱۳۸۶ که بر فضاها و اماکن ورزشی تأکید می‌کنند؛ همسو است. همچنین زیانگ^۳ (۲۰۰۷) توسعه فضاهای ورزشی در اماکن مسکونی و تخصصی سازی مکان‌های ورزشی، افزایش تعداد میادین و پارک‌ها با اماکن دسترسی آسان به سیستم حمل‌ونقل عمومی را تأکید می‌کند. دی لیو^۴ (۲۰۰۹) به مکان و تجهیزات مناسب در نزدیکی محل زندگی گروه‌های هدف اشاره دارد و ویکر^۵ (۲۰۰۹) نیز به در دسترس بودن اماکن و فضاهای ورزشی تأکید می‌نماید.

مؤلفه ششم از نظر اهمیت فناوری است؛ یافته‌های مطالعه حاضر نشان داد ورود فناوری‌های نوین از طریق سخت‌افزارها، نرم‌افزارها و ارتقای دانش فنی می‌تواند به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های سطح سازمانی مشارکت مردم را در ورزش اوقات فراغت افزایش دهد؛ همچنین این مؤلفه می‌تواند پشتیبان سایر مؤلفه‌های این سطح هم باشد.

و آخرین مؤلفه در این سطح سازمان‌های همکار است. پرنتا و هاروی^۶ (۲۰۰۹) ایجاد مشارکت بین دو یا تعداد بیشتری سازمان مرتبط و مدیریت مشارکتی را یکی از حلقه‌های مهم در توسعه ورزش می‌دانند. منظور از سطح سازمانی (ساختاری)، ساختار مدیریتی و به‌کارگیری سیستم‌های پشتیبانی نرم و سخت جهت تحقق بخشیدن به توسعه ورزش در میان مردم است. به‌طورکلی این سطح شامل مسیرها، کانال‌ها و ظرفی هستند که فرآیندها و عملیات ورزش کاراته ایران در آن‌ها جاری می‌شوند و در برگزیده همه عناصر، عوامل و منابع فیزیکی و غیر فیزیکی ورزش کاراته است که با نظم، قاعده و ترتیب خاصی بهم پیوسته و چارچوب و قالب ورزش کاراته را می‌سازند. به‌طورکلی می‌توان عنوان کرد سطح سازمانی به‌مثابه ظرف فعالیت‌های رزمی کاراته است. ظرفی که تمام فرایندهای ورزش قهرمانی کاراته ایران در آن جریان دارد و بر شرکت مردم در رشته رزمی کاراته اثر می‌گذارد. مدل‌های مشابه با این چارچوب را در مدل‌های مدیریتی ورزش‌های تفریحی (مول، ۲۰۰۵) چارچوب ملی ورزش انگلستان (چارچوب ورزش انگلستان، ۲۰۰۴) و مدل توسعه ورزش همگانی هنگ‌کنگ (انجمن ورزش همگانی هنگ‌کنگ، ۲۰۰۹) می‌توان مشاهده نمود.

اهمیت رسانه‌های سازمانی، منابع مالی و قوانین و مقررات در سطح سازمانی نشان‌دهنده نقش ویژه این مؤلفه به‌منظور فراهم آوردن ساختاری مناسب برای مشارکت در ورزش کاراته ایران است؛ درحالی‌که شاهد هستیم بیشترین توجه وزارت ورزش و جوانان و سایر نهادهای ورزشی از نظر رسانه‌ای، تزریق منابع مالی و حتی تدوین قوانین و مقررات به سمت ورزش‌های تویی است و

1. Barcelona and Ross

2. Community Sports Committee of the Sports Commission

3. Xiong

4. De Liu

5. Wicker

6. Parenta. Milena. M , Harvey

پرداختن به ورزش‌های انفرادی کمتر مورد توجه قرار دارد. لذا؛ با توجه به شرایط فعلی نمی‌توان انتظار داشت در میزان مشارکت مردم در ورزش‌های رزمی در ایران حرکت خاص و چشمگیری رخ دهد. در پایان به محققین آینده در این حوزه پیشنهاد می‌شود در راستای نتایج این تحقیق و بحث و نتیجه‌گیری به‌عمل‌آمده الزامات و برنامه‌ریزی عملیاتی جهت نهادینه کردن مؤلفه‌های توسعه ساختاری ورزش قهرمانی کاراته را مورد تحقیق قرار دهند و بر اساس نتایج آن اقدامات مورد نیاز در این راستا را به سازمان‌های ورزشی نشان دهند. همچنین پیشنهاد می‌گردد عوامل مؤثر بر توسعه منابع انسانی در ورزش قهرمانی مورد بررسی قرار گیرد.

منابع

- اتقیا، ناهید. (۱۳۸۶). «نیازسنجی از اقصاء مختلف زنان ایرانی در زمینه ورزش‌های همگانی». پژوهش در علوم ورزشی. ۵، (۱۷)، صص ۱۵-۳۱.
- آفرینش خاکی، اکبر؛ تندنویس، فریدون و مظفری، سیدامیراحم. (۱۳۸۴). «مقایسه دیدگاه‌های اعضای هیئت علمی، مربیان، ورزشکاران و مدیران در مورد چگونگی توسعه ورزش همگانی». نشریه علوم حرکتی و ورزش. ۳، (۵)، صص ۱-۲۲.
- ایرج پور، علیرضا؛ مجرد. ناهید و دباغ رضاییه، فرامرز. (۱۳۹۵). «بررسی نقش رسانه‌های جمعی در توسعه فرهنگی ورزش همگانی و حرفه‌ای کشور». دو فصلنامه مدیریت و توسعه ورزش. سال ۵، شماره ۲، صص ۳۵-۵۳.
- ترابی، تقی؛ قربانی، مهسا؛ باقری، میثم و طریقی، سمانه. (۱۳۹۴). «روش‌های نوین تأمین مالی باشگاه‌های فوتبال در کشورهای توسعه‌یافته و بررسی تطبیقی آن با کشورهای در حال توسعه (مورد خاص: باشگاه‌های فوتبال حرفه‌ای لیگ برتر ایران و انگلستان)». دانش سرمایه‌گذاری. سال ۴، شماره ۱۳، صص ۲۱۷-۲۳۱.
- تندنویس، ف و قاسمی، م. ه. (۱۳۸۶). «مقایسه دیدگاه ورزشکاران، مربیان و صاحب‌نظران در مورد راهکارهای پیشرفت ورزش قهرمانی ژیمناستیک کشور». المپیک. دوره ۱۵، شماره ۴ (پیاپی ۴۰)، صص ۱۷-۲۹.
- جلالی، سید عبدالمجید؛ بخشنده، حسین؛ اسمعیلی، محسن و رسولی، مهدی. (۱۳۹۷). «نقش منابع انسانی در رشد اقتصادی صنعت ورزش ایران». مطالعات مدیریت ورزشی. ۱۰، (۴۸)، صص ۶۷-۸۸.
- حسامی، لقمان؛ فریدفتحی، اکبر و موسوی نسب، فاطمه. (۱۳۹۷). «وضعیت ایمنی ساخت وسازها و تأسیسات استادیوم‌های فوتبال لیگ برتر کشور در لیگ نهم». پژوهش‌های کاربردی در مدیریت ورزشی. ۷، (۲۵)، صص ۷۷-۸۷.
- خبیری، محمد و الهی، علیرضا. (۱۳۸۴). «مقایسه وضعیت باشگاه‌های لیگ حرفه‌ای فوتبال جمهوری اسلامی با توجه به معیارهای یوفا و باشگاه‌های منتخب ژاپن، کره جنوبی، امارات و ترکیه». فصلنامه پژوهش در علوم ورزشی. شماره ۸، صص ۱۵-۳۵.
- رستم زاده، پ؛ صادقی، ح؛ عصار، ع و یآوری، ک. (۲۰۱۵). «اثر سرمایه‌گذاری دولت در بخش ورزش بر رشد اقتصادی در ایران». فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های اقتصادی (رشد و توسعه پایدار). ۱۴، (۴)، صص ۱۷۷-۲۱۰.
- رضوی، سید محمد حسین. (۱۳۸۵). «خصوصی‌سازی و اصلاح ساختار ورزش قهرمانی در کشور». نشریه حرکت. ۲۷.
- روشندل اربطانی، طاهر. (۱۳۸۶). «تبیین جایگاه رسانه‌های همگانی در نهادینه کردن ورزش همگانی در کشور». نشریه حرکت. شماره ۳۳.
- سلطانی، مصطفی؛ کارگر، غلامعلی؛ کشکر، سارا و غفوری، فرزاد. (۱۳۹۶). «الگوی تبیینی اثر منابع سازمانی و مزیت رقابتی بر سودآوری باشگاه‌های حرفه‌ای فوتبال ایران». مطالعات مدیریت ورزشی، ۹، (۴۵)، صص ۳۳-۵۴.

- سند تفصیلی نظام جامع توسعه تربیت بدنی و ورزش کشور. (۱۳۸۳). توسعه امکانات و زیرساخت‌ها. وزارت ورزش و جوانان، تهران: سیب سبز
- صفاری، م؛ احسانی، م؛ امیری، م و کوزه چیان، ه. (۱۳۹۱). «طراحی الگوی مدل ورزش همگانی ایران». رساله دکتری، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.
- صفاری، م؛ احسانی، م؛ امیری، م و کوزه چیان، ه. (۱۳۹۲). «تحلیلی بر ورزش همگانی ایران با کاربرد مدل یابی معادلات ساختاری». کنگره ملی مدیریت ورزشی. مرکز مطالعات و پژوهش‌های راهبردی، وزارت ورزش و جوانان.
- غفوری، فرزاد. (۱۳۸۲). «تعیین عوامل اصلی مؤثر بر گرایش به ورزش همگانی و قهرمانی برای تعیین راهبردهای ورزش در جمهوری اسلامی ایران». رساله دکتری، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس تهران.
- غفوری، فرزاد. (۱۳۸۶). «مطالعه انواع ورزش‌های همگانی و تفریحات مطلوب جامعه و ارائه مدل برای برنامه‌ریزی‌های آینده». دفتر ملی مدیریت و توسعه ورزش کشور، سازمان تربیت بدنی جمهوری اسلامی ایران.
- مظفری، احمد. (۱۳۹۳). «چالش‌های آینده مدیریت ورزش کشور در ارتباط با طرح نظام جامع ورزش». سومین همایش ملی ورزش برای همه. دانشگاه آزاد اسلامی زنجان، اردیبهشت ۱۳۹۳.
- ممتاز بخش، مریم و فکور، یوسف. (۱۳۸۶). «بررسی راهکارهای ارتقا و توسعه ورزش همگانی بانوان دانشگاه علوم انتظامی». فصلنامه دانش انتظامی. سال ۹، شماره ۲.
- میرزایی اهرنجان، حسن و امیری، مجتبی. (۱۳۸۱). «ارائه مدل سه بعدی تحلیل مبانی فلسفی و زیرساخت‌های بنیادین تئوری‌های مدیریت». دانش مدیریت. شماره ۵۶، صص ۳-۲۱.
- Barcelona, Bob. Graig M. Ross. (2004). "An Analysis of the Perceived Competencies of Recreational Sport Administrators". Journal of Park and Recreation Administration. Volume 22, Number 4. pp.25-42.
- Batavani, M. R. Marandi, S. M., & Zolaktaf, V. (2010). "An analysis of action and techniques applied in karate at finals in world champion competitions (Finland 2006)". M.A. Thesis, University of Isfahan, page1, [In Persian].
- Bauman, A. E., Bellew, B., Owen, N., & Vita, P. (2001). "Impact of an Australian mass media campaign targeting physical activity in 1998". American Journal of Preventive Medicine, 21 (1), 41-47.
- Benson, A. Henderson, S. (2005). "UK leisure centers under best value: a strategic analysis". International Journal of Public Sector Management. Vol.18 No. 3, pp. 196-215.
- Community Sports Committee of the Sports Commission. (2009). "Consultancy Study on Sport for All Participation Patterns of Hong Kong People in Physical Activities". Submitted by The Chinese University of Hong Kong Department of Sports Science & Physical Education.
- Cyrenne, P. (2009). "Modelling professional sports leagues: An industrial organization approach". Review of Industrial Organization, 34 (3), 193-215.

- De Bosscher, V., de Knop, P., van Bottenburg, M. and Shibli, S. (2006). **"A conceptual framework for analysing sports policy factors leading to international sporting Success"**. European Sport Management Quarterly, Vol. 6, pp. 185-215.
- De Liu, Y. Taylor, P. Shibli, S. (2009). **"Sport Equity: Benchmarking the Performance of English Public Sport Facilities"**. European Sport Management Quarterly, Vol. 9, No. 1, 3-21.
- Green, Mick. (2006). **"From 'Sport for All' to Not About 'Sport' at All?: Interrogating Sport Policy Interventions in the United Kingdom"**. European Sport Management Quarterly, Vol. 6, No. 3, 217-238.
- Hamil, S., Walters, G. (2010). **"Financial performance in English professional football: an inconvenient truth"**. Soccer & Society, 11 (4):354-372
- Houlihan, Barrie. (2001). **"Citizenship, Civil Society and the Sport and Recreation Professions"**. Managing Leisure, 1466-450 X, Volume 6, Issue1, and PP 1 –14.
- Iran karate federation. (2018). www.ikf.ir.
- Kosik, M. (2011). **"Marketing strategy in connection with sport"**. Innovative Marketing, 7(2), 92-98.
- Mike, Weed. (2001). **"Towards a model of cross-sectoral policy development in leisure: the case of sport and tourism"**. Leisure Studies, 20, 125-141.
- Mull. R, Bayless G, Jamieson, L. M. (2005). **Recreational Sport Management**. Published, Human Kinetics
- Parenta, Milena. M, Harvey, Jean. (2009). **"Towards a Management Model for Sport and Physical Activity Community-based Partnerships"**. European Sport Management Quarterly, Vol. 9, No. 1, pp 23-45.
- Ramamurti, R. (1999). **"Why Havant Developing Countries Privatized Deeper and Faster?"** World Development, 27(1), PP: 137-155.
- Rowe, N, and F. (2009) **"The Active People Survey: a Catalyst for Transforming Evidence-Based Sport Policy in England"**. International Journal of Sport Policy, Vol. 1, No. 1, pp 89-98.
- Storm, K. Thomson, F. Jakobsen, T. (2016). **"Do they make a difference? Professional team sports clubs' effects on migration and local growth: Evidence from Denmark"**. Sport Management Review.
- The Framework for Sport in England. (2004). **"Making England an Active and Successful Sporting Nation: A Vision for 2020"**. Available at: <http://www.sportengland.org>.
- Thumeshni, M. (2008). **"Exercise with a punch"**. Health & Wellbeing, 20-21.
- Wicker, P. Breuer, C. Pawlowski, T. (2009). **"Promoting Sport for All to Agespecific Target Groups: the Impact of Sport Infrastructure"**. European Sport Management Quarterly, Vol. 9, No. 2, 103-118.
- Xiong, Huan. (2007). **"The Evolution of Urban Society and Social Changes in Sports Participation at the Grassroots in China"**. INTERNATIONAL REVIEW FOR THE SOCIOLOGY OF SPORT 42/4, pp: 441-471.

بررسی وضعیت توسعه فوتبال پایه کشور براساس برنامه فوتبال گرسروتز^۱

رضا خجسته اقبال^۲

مجید جلالی فراهانی^۳

ابراهیم علیدوست قهفرخی^۴



10.22034/SSYS.2022.703.1475

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۱۲/۱۴

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۸/۴/۱۷

هدف از پژوهش حاضر، بررسی وضعیت توسعه فوتبال پایه کشور براساس برنامه فوتبال گرسروتز می‌باشد. روش این پژوهش توصیفی-پیمایشی است، و از نوع مطالعات کاربردی می‌باشد که به شکل میدانی انجام گرفته‌است. جامعه آماری پژوهش را مدیران و مسئولان فدراسیون و مرکز ملی فوتبال ایران، مدیران مدارس فوتبال برتر و مربیان برتر فوتبال پایه کشور به تعداد ۱۷۰ نفر (براساس آمار مرکز ملی فوتبال ایران) تشکیل دادند. با استفاده از جدول مورگان تعداد ۱۱۸ نفر به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. برای جمع‌آوری اطلاعات پژوهش از پرسشنامه محقق‌ساخته و چک‌لیست استاندارد گرسروتز استفاده گردید، که روایی پرسشنامه به تأیید متخصصان خبره رسید و پایایی آن نیز براساس ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۱ تعیین گردید. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش، از روش‌های آمار توصیفی و آزمون‌های آمار استنباطی کلموگروف-اسمیرنوف، t تک نمونه‌ای و فریدمن به وسیله نرم‌افزار اسپس اس اس-۲۲ استفاده شد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که در تمامی مؤلفه‌ها، شامل ساختار گرسروتز در فدراسیون فوتبال، دانش مربیان، آموزش

1. Grassroots

۲- کارشناس ارشد مدیریت ورزشی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

E-mail: Rezakhojasteh@ut.ac.ir

۳- دانشیار، مدیریت ورزشی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

۴- دانشیار، مدیریت ورزشی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

و تجربه یادگیری مربیان و مدیران، امکانات و زیرساخت‌های مدارس فوتبال، سازماندهی رویدادها، مالی و بازاریابی و دستیابی به اهداف، فوتبال پایه کشور براساس برنامه فوتبال گرسروترز از وضعیت مطلوب برخوردار نمی‌باشد. همچنین اولویت‌بندی مولفه‌های پژوهش نشان داد که بالاترین رتبه مربوط به مولفه دانش مربیان و پایین‌ترین رتبه نیز مربوط به مولفه مالی و بازاریابی بود. لذا آماده‌سازی منشور گرسروترز، راه‌اندازی فرصت‌های آموزش الکترونیک، تصویب بودجه‌ای انحصاری، سرمایه‌گذاری در طرح‌های توسعه اماکن و تجهیزات گرسروترز، استفاده از کمک‌های حامیان مالی و ترویج فلسفه و فعالیت‌های فوتبال گرسروترز، از مهمترین اقدامات کاربردی می‌باشد.

واژگان کلیدی: فوتبال، فوتبال پایه، توسعه فوتبال و برنامه گرسروترز.

مقدمه

در طی سال‌های اخیر فوتبال همواره به عنوان یکی از مهمترین پدیده‌های اجتماعی دنیا مطرح بوده و به دلیل کثرت علاقمندان به این رشته جذاب و مهیج مورد توجه اکثر کشورها قرار گرفته است. شرایط ویژه این ورزش از لحاظ فرهنگی و اقتصادی و تاثیر بر جامعه بین‌الملل باعث گردیده مهمترین قشر جامعه یعنی جوانان و نوجوانان به صورت خاص به آن علاقمند باشند. به صراحت می‌توان گفت، قدرت جذب جوانان در نقاط مختلف جهان از ویژگی‌های خاص فوتبال می‌باشد که در ذات آن نهفته است و هیچ ورزش دیگری این توانایی را ندارد. بنابراین یکی از ماموریت‌ها و مسئولیت‌های اصلی نهادهای حاکم بر فوتبال، دادن فرصت‌هایی برای مشارکت جوانان در رویدادهای سازمان یافته فوتبال می‌باشد. این سازمان‌ها بر مبنای مناطق جغرافیایی خاص خود (ملی، قاره‌ای و جهانی)، رویدادهای فوتبال جوانان را برای گروه‌های سنی و جنسیتی مختلف طراحی و برگزار می‌نمایند. همچنین توسعه فوتبال پایه و جوانان یکی از مهمترین اهداف هر فدراسیونی در سطح جهان می‌باشد. این امر علاوه بر اینکه پسران و دختران را با مهارت‌های فوتبال آشنا می‌سازد، ارزش‌هایی مانند دوستی، احترام، بازی عادلانه، رقابت و تعهد را که درون تمرینات و مسابقات فوتبال نهفته به جوانان تحویل می‌دهد (مرکانجیک^۱ و همکاران، ۲۰۱۶).

تمرکز ویژه روی آموزش کودکان و جوانان، بدلیل تاثیری که در تضمین آینده فوتبال در جهان دارد، نزد فیفا^۲ از اهمیت بالایی برخوردار است (بنزت و هاسلر^۳، ۲۰۱۶). با بررسی سرگذشت فوتبال در دوران گذشته، دست‌اندرکاران فوتبال نقاط گوناگون جهان با اعتقاد به اینکه رشته فوتبال در هر کشور، راهی جز گذر از مسیر علمی آن ندارد، سعی در قدم گذاردن در آن راه کردند. برای ایشان به خوبی آشکار شده که فوتبال زیبا باید از دوران نوجوانی در فوتبال‌یست ریشه بدواند و نحوه تربیت، تغذیه، بدنسازی و آموزش مهارت‌های فردی و گروهی تحت شرایط و عوامل مطلوب علمی و تجربه‌شده صورت پذیرد، هر کجا که این گونه اندیشه‌ها پیگیری شد، موفقیت‌های پایدار خلق گردید. مسلماً مدارس فوتبال با بهره‌گیری از امکانات و مربیان تحصیل کرده و باتجربه می‌توانند نقش مهمی را در این زمینه داشته باشند (وحدانی و رضاسلطانی، ۱۳۹۲).

فدراسیون جهانی فوتبال در راستای ارتقاء هدفمند فوتبال در رده‌های پایه و همچنین همه‌گیر نمودن آن در سرتاسر جهان اقدام به طراحی برنامه فوتبال گرسروترز نموده است. هدف بلند مدت این برنامه، اطمینان از توسعه پایدار پسران و دختران سنین ۶ تا ۱۲ سال می‌باشد. یکی از سه ستون اصلی فیفا در اجرای بیانیه ماموریت خود "توسعه بازی" می‌باشد، که این مفهوم در قلب بیانیه ماموریت برنامه فوتبال گرسروترز نیز نهفته است: "اجازه بدهید فوتبال بوسیله تعداد زیادی از مردم تا آنجا که ممکن است شناخته بشود. بهترین راه جذب بازیکنان جدید در ورزش، فراهم کردن دسترسی به فوتبال بدون توجه به سن، جنسیت، وضعیت بدنی، رنگ پوست، مذهب یا نژاد می‌باشد". فوتبال گرسروترز به معنی فوتبال برای همه می‌باشد و حامی تبادل و اشتراک‌گذاری ارزش‌های انسانی و صد البته لذت بردن از بازی شگفت‌انگیز فوتبال است. برای برخی فوتبال

1. Mrkonjic
2. FIFA
3. Benezet and Hasler

گرسروترز تنها بر روی فعالیت‌های تفریحی متمرکز است، در حالی که برای برخی دیگر تمرینی سازمان‌یافته از ورزش، به همراه تمرینات و مسابقات در چهارچوب یک باشگاه یا مدرسه است. بازی کردن بهترین روش یادگیری است. مهمتر از همه، کودکان باید تفریح داشته باشند. ارتباطات، روحیه تیمی و تفریح عناصر ضروری فوتبال گرسروترز هستند. مفهوم یادگیری از طریق بازی در حالی که بوسیله یک مربی-معلم^۱ هدایت می‌شود، رویکردی ویژه برای کمک به جوانان و ایجاد فرایندی متصل به آینده طراحی کرده است. برنامه گرسروترز فیفا به هرکس فرصت بازی فوتبال، بدون تبعیض و نیاز به زیرساخت خاصی ارائه می‌دهد. همچنین این برنامه می‌تواند تکمیل‌کننده فعالیت‌ها و ابتکارات کنفدراسیون‌ها و فدراسیون‌های ملی باشد که هم اکنون برنامه‌های گرسروترز مصوب دارند. برنامه گرسروترز به منظور تعامل نزدیک با فدراسیون‌ها و مشارکت تمام ذینفعان در آموزش (دولت‌ها، سازمان‌های غیردولتی، انجمن‌ها، مدارس و غیره) ترسیم شده است (دپارتمان توسعه فنی و آموزشی فیفا، ۲۰۱۶).

۹۴ در رابطه با اهمیت این برنامه نزد فدراسیون جهانی فوتبال می‌توان به این مورد اشاره نمود که بین سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۶، فیفا ۱۷/۲ میلیون دلار در فوتبال جوانان و فعالیت‌های گرسروترز سرمایه‌گذاری کرده است، که ۸۳ درصد از آن به آموزش گرسروترز در سراسر جهان اختصاص یافت (گزارش مالی فیفا، ۲۰۱۷). اتحادیه فوتبال انگلستان نیز در راستای مدرن شدن بخش‌های حاکم بر ورزش ملی، تمام برنامه‌ها شامل اهداف و شاخص‌های کلیدی در تحقق تغییرات را مورد توجه قرار داده است و از سال ۲۰۱۴ بودجه‌ای بالغ بر ۴۰ میلیون پوند را در اختیار برنامه فوتبال گرسروترز این کشور قرار داده است (هاوی و الیسن^۲، ۲۰۱۶). همچنین یکی از سه رکن چشم‌انداز کنفدراسیون فوتبال آسیا نیز تبدیل فوتبال به ورزش اول آسیا است که این مهم تنها با افزایش مشارکت در همه سطوح و بوسیله ترغیب موثرتر علاقمندان حاصل خواهد شد. ترغیب شرکت کنندگان، تحریک بیشتر علاقمندان به بازی فوتبال، فراهم ساختن فرصت‌های بیشمار اجتماعی شدن، حمایت از سبک زندگی سالم و توسعه افراد جوان هم از منظر آموزشی و هم ورزشی اهداف اصلی و برجسته فوتبال گرسروترز آسیا هستند (راکسبورگ و سوگیاما^۳، ۲۰۱۷). لارسن^۴ و همکاران (۲۰۱۵) در تحقیقی با عنوان «ایجاد محیط حمایتی میان بازیکنان جوان» نشان دادند که مربیان باید درک کنند که برنامه گرسروترز حامی اتخاذ و اجرای راهبردهایی است که انگیزه ذاتی، لذت و مشارکت بلندمدت بازیکنان را برمی‌انگیزد. بعلاوه مربیان شایسته تمرینات و مسابقات را به صورتی شکل می‌دهند که بازیکنان تجارب مثبت ورزشی کسب کنند و احساس حمایت و انگیزه داشته باشند.

1. Coach-educator
2. FIFA Education and Technical Development Department
3. Financial Report 2016

۲- گزارش مالی سال ۲۰۱۶ فیفا، به صورت کتابچه در شصت و هفتمین کنگره فیفا در شهر منامه بحرین، در ۱۷ می ۲۰۱۷ ارائه شده است.

4. Howie and Allison
5. Roxburgh and Sugiyama
6. Larsen

نتایج تحقیق ییونگ^۱ (۲۰۱۶) نشان داد که توسعه فوتبال گرسروترز در چین بدون مشارکت دولت بسیار مشکل می‌باشد. زیرا در این کشور هنوز فرهنگ فوتبال بر مبنای مشارکت جامعه ضعیف است و رویدادهای کمی به طور رسمی در سطح گرسروترز سازماندهی می‌شود. همچنین در این تحقیق بر توسعه پایه‌ای از فوتبال در بین انجمن‌های محلی تاکید شده است.

هاوی و الیسن (۲۰۱۶)، در تحقیقی با عنوان «توسعه فوتبال گرسروترز جوانان و نوجوانان در انگلستان» به این نتیجه رسیدند که توسعه اماکن گرسروترز برای ثبات و موفقیت فوتبال گرسروترز حیاتی است و مهمترین مسئله‌ای است که فوتبال گرسروترز انگلستان در آینده ممکن است با آن روبه‌رو باشد. به همین منظور اتحادیه فوتبال انگلستان برای برنامه‌های کاربردی جدید در حال توسعه و ارتقای اماکن جدید ورزشی مانند چمن‌های مصنوعی سازگار با همه شرایط جوی و رختکن‌های مدرن، از سال ۲۰۱۴ حدود ۴۴/۸ میلیون پوند در مجموع ۲۳۵ پروژه گرسروترز سرمایه‌گذاری کرده است.

نتایج تحقیق گورمن^۲ (۲۰۱۶) نشان داد که برنامه‌های فوتبال گرسروترز نوجوانان و جوانان جریانی حیاتی است برای فوتبال حرفه‌ای و همچنین پایه و اساس آینده را فراهم می‌نماید. بازی کردن استعدادهای جوان و اشتیاق حامیان برای حمایت نقش مهمی را در توسعه تجاری سازی و حرفه‌ای سازی فوتبال ایفا می‌کند.

سوگیاما و همکاران (۲۰۱۷)، در تحقیقی با عنوان «توسعه فوتبال گرسروترز در ژاپن»، نشان دادند که با افزایش محبوبیت فوتبال در ژاپن فوتبال گرسروترز نیز در این کشور توسعه یافته است. پس از جام جهانی ۲۰۰۲، فدراسیون فوتبال ژاپن بر روی اهمیت ترویج و توسعه فوتبال تمرکز نمود و برنامه‌های ترویج و توسعه فوتبال کودکان، بویژه کودکان ۶ تا ۱۰ ساله را آغاز کرد. همچنین نتایج تحقیقات به طور خلاصه نشان می‌دهند که فوتبال گرسروترز ژاپن توسعه موفق داشته است که این موفقیت حاصل برنامه‌های توسعه نظام‌مند بوسیله سازمان‌های اداری فوتبال می‌باشد. با این وجود فدراسیون فوتبال ژاپن و تمامی ذینفعان مرتبط با گرسروترز نیازمند همکاری بیشتر برای دستیابی به توسعه بیشتر فوتبال گرسروترز و در نهایت ارتقاء خانواده فوتبال به ۸ میلیون نفر تا سال ۲۰۳۰ می‌باشند.

در سال‌های گذشته یکی از مشکلات اصلی و اساسی فوتبال کشور، توجه وافر به فوتبال بزرگسالان و کم توجهی به فوتبال پایه بوده است (حمیدی، ۱۳۹۵). در حال حاضر مدارس فوتبال کشورمان اغلب از لحاظ امکانات در مضيقه هستند یا هدفی غیر از تربیت و پرورش استعدادهای فوتبال را ترسیم کرده‌اند که اگر غیر از این بود، هم اکنون با وجود فعالیت چند ساله این مدارس، تیم‌های پایه قدرتمندی در رده‌های باشگاهی و ملی داشتیم که در باشگاه‌های بزرگ تیم‌های بزرگسالان را نیز تغذیه کنند (عزیزی و همکاران، ۱۳۸۸). علاوه بر این، امروزه بر کمتر کسی پوشیده است که موفقیت آینده فوتبال ایران در دست جوانان و رده‌های پایه قرار دارد. توجه کامل به تیم‌های بزرگسالان فوتبال کشور به صورت مقطعی، ممکن است موفقیت‌هایی را به همراه آورد، اما در صورت نیاز به کسب موفقیت در دراز مدت می‌بایست دیدی اختصاصی به رده پایه فوتبال کشور اتخاذ نمود (عمادی و همکاران، ۱۳۹۵).

-
1. Yiyong
 2. Gorman

در کشور ایران فدراسیون فوتبال از سال ۱۳۹۲ اقدام به اجرای برنامه فوتبال گرسروتنز نموده است و در حال حاضر حدود ۱۲۰۰ مدرسه فوتبال در سراسر کشور تشکیل و مجوز خویش را از این فدراسیون اخذ نموده‌اند. فستیوال‌های فوتبال پایه در شهرستان‌ها، استان‌ها و کشور به طور منظم از سال ۱۳۹۲ برای پسران و از سال ۱۳۹۴ برای دختران برگزار می‌گردد. اما با این وجود نتایج تحقیقات صورت گرفته در داخل کشور نشان می‌دهد که در زمینه فوتبال پایه براساس برنامه فوتبال گرسروتنز مطالعات محدودی انجام شده است. لذا بررسی وضعیت توسعه فوتبال پایه کشور براساس برنامه فوتبال گرسروتنز می‌تواند دیدگاه جدیدی را در این حوزه ارائه نماید و همچنین راهکارهای مناسبی را برای بهبود وضعیت توسعه فوتبال پایه کشور پیشنهاد کند. حال محقق با انجام این تحقیق به دنبال پاسخ به این سوال است که وضعیت توسعه فوتبال پایه کشور براساس برنامه فوتبال گرسروتنز چگونه می‌باشد؟

روش‌شناسی پژوهش

روش پژوهش حاضر از نوع توصیفی-پیمایشی است که به صورت میدانی انجام شده و از نظر هدف از نوع مطالعات کاربردی می‌باشد. جامعه‌آماري این پژوهش را مدیران و مسئولان فدراسیون فوتبال و مرکز ملی فوتبال، مدیران مدارس برتر و مربیان برتر فوتبال پایه کشور به تعداد ۱۷۰ نفر (براساس آمار مرکز ملی فوتبال ایران) تشکیل دادند. تعداد نمونه‌آماري پژوهش با توجه به جدول حجم نمونه‌گیری مورگان^۱ ۱۱۸ نفر تعیین شد و روش نمونه‌گیری از نوع غیر احتمالی و در دسترس بود.

ابزار اندازه‌گیری این پژوهش پرسشنامه‌ای محقق ساخته بود که براساس اهداف پژوهش، بررسی اسناد و مدارک و بهره‌گیری از اساتید خبره در این زمینه تهیه شد. روایی صوری و محتوایی پرسشنامه به تایید ۱۲ نفر از اساتید و متخصصان خبره رسید و پایایی آن نیز با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ^۲ ۰/۹۱ تعیین شد. لازم به توضیح است که این پرسشنامه بر اساس طیف پنج ارزشی لیکرت ارزش‌گذاری شد، به این صورت که گزینه کاملاً مخالفم، کمترین ارزش (۱) و کاملاً موافقم بیشترین ارزش (۵) را به خود اختصاص دادند. همچنین برای بررسی ساختار گرسروتنز در فدراسیون فوتبال از چک لیست استاندارد گرسروتنز براساس معیارهای گرسروتنز فیفا و کنفدراسیون فوتبال آسیا که در سال ۲۰۱۷ تهیه شده است، استفاده شد.

داده‌های جمع‌آوری شده به دو شکل توصیفی و استنباطی و با استفاده از نرم افزار اسپس اس اس-۲۲^۳ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. جهت توصیف متغیرهای پژوهش و همچنین بررسی ساختار گرسروتنز در فدراسیون فوتبال از روش آمار توصیفی، جداول توزیع فراوانی و درصد فراوانی، میانگین و انحراف معیار استفاده شد. همچنین پژوهشگر در این پژوهش از آزمون کلموگروف - اسمیرنوف^۴ برای بررسی نرمال بودن توزیع داده‌ها، آزمون پارامتریک t تک^۵ نمونه‌ای برای بررسی مولفه‌های وضعیت توسعه فوتبال پایه کشور براساس برنامه فوتبال گرسروتنز و از آزمون فریدمن^۶ برای اولویت‌بندی این مولفه‌ها استفاده کرده است.

1. Morgan
2. Cronbach's alpha
3. SPSS-22
4. Kolmogorov-Smirnov test
5. One-Sample T Test
6. Friedman test

یافته‌های پژوهش

در جدول ۱ و ۲ یافته‌های حاصل از چک‌لیست بررسی ساختار گرسروترز در فدراسیون فوتبال آورده شده است. این چک‌لیست توسط کنفدراسیون فوتبال آسیا در قالب منشور گرسروترز آسیا برای بررسی وضعیت فوتبال پایه کشورهای عضو ارائه شده است.

جدول ۱: یافته‌های حاصل از چک‌لیست بررسی ساختار گرسروترز در فدراسیون فوتبال

وضعیت بله خیر	معیارها	بخش‌ها
*	۱ آیا فدراسیون مدیر فوتبال گرسروتر دارد؟	
*	۲ آیا مدیر گرسروتر تحت نظر مدیر فنی ملی کار می کند؟	مدیریت
*	۳ آیا مدیران گرسروتر محلی و منطقه ای منصوب شده‌اند؟	
*	۴ آیا در فدراسیون ساختار پایه‌ای برای فوتبال گرسروتر وجود دارد؟	
*	۵ آیا یک کمیته گرسروتر (دپارتمان گرسروتر) در فدراسیون موجود است؟	ساختار
*	۶ آیا ساختار گرسروتر محلی یا منطقه‌ای موجود است؟	
*	۷ آیا در فدراسیون یک برنامه کتبی جامع گرسروتر وجود دارد؟	
*	۸ آیا یک طرح گرسروتر به AFC ارائه شده است؟	
*	۹ آیا برنامه کتبی حفاظت از کودک/ بازیکن وجود دارد؟	برنامه‌ریزی
*	۱۰ آیا برنامه استراتژیک بلند مدت برای توسعه گرسروتر در فدراسیون موجود است؟	
*	۱۱ آیا رویدادهای منظمی برای کودکان وجود دارد؟	
*	۱۲ آیا شواهدی از رشد در تعداد شرکت کنندگان (کودکان) در برنامه‌های گرسروتر فدراسیون وجود دارد؟	رویدادهای گرسروتر
*	۱۳ آیا فستیوال‌های گرسروتر شامل مسابقات و کارگاه‌های تمرینی است؟	
*	۱۴ آیا فدراسیون یک روز یا هفته گرسروتر را سازماندهی می کند؟	
*	۱۵ آیا سیستمی وجود دارد که تعداد تیم‌های گرسروتر را ثبت کند؟	نتایج
*	۱۶ آیا بودجه‌ای برای برنامه گرسروتر در فدراسیون وجود دارد؟	
*	۱۷ آیا بودجه‌ای انحصاری برای برنامه گرسروتر در فدراسیون وجود دارد؟	مالی
*	۱۸ آیا سرمایه‌گذاری‌ها برای توسعه گرسروتر از طرف دولت، اسپانسرها و ... انجام می‌گیرد؟	
*	۱۹ آیا رهنمودهایی برای ایمنی وجود دارد؟ (تجهیزات و تمرینات و...)	توسعه
*	۲۰ آیا پروژه‌هایی وجود دارد که بهداشت (سلامتی) و سبک زندگی را ترویج می‌کند؟	اختصاصی و پروژه‌های اجتماعی
*	۲۱ آیا برنامه‌ها/ دوره‌های مقدماتی برای مدیران گرسروتر وجود دارد؟	
*	۲۲ آیا دوره‌های استاندارد مدیران گرسروتر در فدراسیون وجود دارد؟	
*	۲۳ آیا فرصت‌های آموزش مربیگری برای زنان وجود دارد؟	
*	۲۴ آیا فرصت‌های آموزش الکترونیک بوسیله فدراسیون برای مدیران گرسروتر طراحی شده است؟	آموزش
*	۲۵ آیا شواهدی از رشد در تعداد دوره‌های آموزشی برای مربیان و مدیران وجود دارد؟	
*	۲۶ آیا سفیران گرسروتر فدراسیون منصوب شده‌اند؟	
*	۲۷ آیا سفیران گرسروتر محلی و برای فوتبال زنان وجود دارند؟	سفیران
*	۲۸ آیا فوتبال گرسروتر در وبسایت فدراسیون ترویج شده است؟	
*	۲۹ آیا یک بخش گرسروتر در وبسایت فدراسیون موجود است؟	ارتباطات
*	۳۰ آیا از رسانه‌های اجتماعی برای ترویج بازی گرسروتر استفاده می‌شود؟	

جدول ۲: خلاصه یافته‌های مربوط به ساختار گرسروترز در فدراسیون فوتبال

درصد	فراوانی	
۳۰٪	۹	معیارهای موجود در فدراسیون
۷۰٪	۲۱	معیارهای ناموجود در فدراسیون
۱۰۰٪	۳۰	جمع کل

یافته‌های حاصل از جداول ۱ و ۲ نشان دادند که از ۳۰ معیاری که مورد بررسی قرار گرفته است، ساختار گرسروترز فدراسیون تنها در ۹ مورد (۳۰ درصد) از وضعیت قابل قبول و مطلوب برخوردار است و در ۲۱ مورد (۷۰ درصد) وضعیت قابل قبول و مطلوبی ندارد.

جدول ۳: نتایج آزمون کلموگروف - اسمیرنوف

سطح معناداری	مقدار t	درجه آزادی	انحراف معیار	میانگین	میانگین فرضی	
۰/۰۰۱	-۵/۷۹	۱۱۷	۰/۶۸	۲/۶۳	۳	دانش مربیان
۰/۰۰۱	-۷/۸۶	۱۱۷	۰/۵۹	۲/۵۷	۳	آموزش و تجربه
۰/۰۰۱	-۱۰/۸۶	۱۱۷	۰/۷۷	۲/۲۲	۳	یادگیری مربیان و مدیران امکانات و
۰/۰۰۱	-۷/۹۰	۱۱۷	۰/۷۶	۲/۴۴	۳	زیرساخت‌های مدارس فوتبال
۰/۰۰۱	-۱۰/۳۰	۱۱۷	۰/۸۷	۲/۱۷	۳	سازماندهی رویدادها
۰/۰۰۱	-۱۲/۵۵	۱۱۷	۰/۶۸	۲/۲۰	۳	مالی و بازاریابی
۰/۰۰۱	-۱۲/۵۵	۱۱۷	۰/۶۸	۲/۲۰	۳	دستیابی به اهداف

در جدول ۳، نتایج حاصل از آزمون کلموگروف - اسمیرنوف برای بررسی نرمال بودن توزیع داده‌های پژوهش آمده است. با توجه به اینکه سطوح معناداری در تمامی مؤلفه‌ها بیشتر از $\alpha=0/05$ است، در نتیجه فرض نرمال بودن توزیع داده‌ها در تمام مؤلفه‌ها تایید می‌شود. بنابراین برای تحلیل استنباطی مؤلفه‌های پژوهش از آزمون پارامتریک t تک نمونه‌ای استفاده شده است.

جدول ۴: نتایج آزمون t تک نمونه‌ای برای بررسی وضعیت مؤلفه‌های پژوهش

سطح معناداری	مقدار t	درجه آزادی	انحراف معیار	میانگین	میانگین فرضی	
۰/۰۰۱	-۵/۷۹	۱۱۷	۰/۶۸	۲/۶۳	۳	دانش مربیان
۰/۰۰۱	-۷/۸۶	۱۱۷	۰/۵۹	۲/۵۷	۳	آموزش و تجربه
۰/۰۰۱	-۱۰/۸۶	۱۱۷	۰/۷۷	۲/۲۲	۳	یادگیری مربیان و مدیران امکانات و
۰/۰۰۱	-۷/۹۰	۱۱۷	۰/۷۶	۲/۴۴	۳	زیرساخت‌های مدارس فوتبال
۰/۰۰۱	-۱۰/۳۰	۱۱۷	۰/۸۷	۲/۱۷	۳	سازماندهی رویدادها
۰/۰۰۱	-۱۲/۵۵	۱۱۷	۰/۶۸	۲/۲۰	۳	مالی و بازاریابی
۰/۰۰۱	-۱۲/۵۵	۱۱۷	۰/۶۸	۲/۲۰	۳	دستیابی به اهداف

در جدول ۴ نتایج حاصل از آزمون t تک نمونه‌ای برای بررسی وضعیت مؤلفه‌های توسعه فوتبال پایه کشور براساس برنامه فوتبال گرسروترز نمایش داده شده است. با توجه به سطوح معناداری به دست آمده که کمتر از $\alpha=0/01$ است و همچنین میانگین‌های حاصله که از مقدار میانگین فرضی (۳) کوچک‌تر می‌باشد، می‌توان نتیجه گرفت که در تمامی مؤلفه‌های پژوهش حاضر، فوتبال پایه کشور براساس برنامه فوتبال گرسروترز از وضعیت مطلوبی برخوردار نیست.

جدول ۵: نتایج آزمون فریدمن برای اولویت‌بندی مؤلفه‌های پژوهش

رتبه	میانگین رتبه	خی دو	درجه آزادی	سطح معناداری
۱	دانش مربیان	۴/۳۱	۵	۰/۰۰۱
۲	آموزش و تجربه یادگیری مربیان و مدیران	۴/۲۱		
۳	سازماندهی رویدادها	۳/۶۶		
۴	امکانات و زیرساخت‌های مدارس فوتبال	۳/۰۳		
۵	دستیابی به اهداف	۲/۹۵		
۶	مالی و بازاریابی	۲/۸۵		

جدول ۵ اولویت‌بندی مؤلفه‌های وضعیت توسعه فوتبال پایه کشور براساس برنامه فوتبال گرسروترز را نشان داده است. با توجه به نتایج به دست آمده، مؤلفه دانش مربیان با بیشترین میانگین رتبه (۴/۳۱) بالاترین رتبه و مؤلفه مالی و بازاریابی با کم‌ترین میانگین رتبه (۲/۸۵) پایین‌ترین رتبه را به خود اختصاص داده‌اند. این بدان معنی است که مؤلفه مالی و بازاریابی در بین تمامی مؤلفه‌ها از وضعیت ضعیف‌تر و مؤلفه دانش مربیان از وضعیت بهتری برخوردار می‌باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

مطالعات مختلف نشان داده‌اند که ورزش فوتبال یکی از پرطرفدارترین رشته‌های ورزشی در بین اقشار جامعه به ویژه نونهالان، نوجوانان و جوانان است. همچنین توسعه فوتبال پایه و جوانان یکی از مهم‌ترین اهداف هر فدراسیونی در سطح جهان می‌باشد. این امر علاوه بر اینکه پسران و دختران را با مهارت‌های فوتبال آشنا می‌سازد، ارزش‌هایی مانند دوستی، احترام، بازی عادلانه، رقابت و تعهد را که درون تمرینات و مسابقات فوتبال نهفته به جوانان تحویل می‌دهد (مرکانجیک و همکاران، ۲۰۱۶). داده‌های علمی و تجارب بین‌المللی نیز نشان می‌دهد که توسعه و ارتقای فوتبال و کسب مدارج پرافتخار قاره‌ای و جهانی در هر جامعه‌ای، از رهگذر آموزش‌های علمی و حمایت‌های مدیریتی از فوتبال نونهالان و نوجوانان و همچنین پی‌ریزی مدارس فوتبال و آکادمی‌های فوتبال پایه باشگاه‌های ورزشی کشور، طراحی و ترسیم مسیر ترقی کودکان مستعد و زمینه‌سازی برای شکوفایی آنان صورت می‌گیرد (آیین‌نامه مدارس فوتبال، ۱۳۹۴). لذا در پژوهش حاضر به بررسی وضعیت توسعه فوتبال پایه کشور براساس برنامه فوتبال گرسروترز پرداخته شده است. گفتنی است، برنامه فوتبال گرسروترز فیفا پسران و دختران رده‌سنی ۶ تا ۱۲ سال را در بر می‌گیرد و هدف اصلی آن بازی و لذت بردن از فوتبال بدون هیچگونه محدودیتی در سرتاسر جهان می‌باشد (دپارتمان توسعه فنی و آموزشی فیفا، ۲۰۱۶).

یافته‌های به دست آمده در این پژوهش نشان داد که ساختار گرسروترز در فدراسیون فوتبال تنها

در ۹ معیار (۳۰ درصد) از وضعیت مطلوب برخوردار بود در حالی که در ۲۱ معیار (۷۰ درصد) دیگر این ساختار از وضعیت مطلوبی برخوردار نبود. در بخش‌های مدیریت و ساختار گرسروتنز، فدراسیون فوتبال دارای مدیر گرسروتنز می‌باشد که با عنوان مسئول توسعه فوتبال پایه و آکادمی‌های فوتبال فعالیت می‌کند، اما فعالیت این فرد بدلیل اینکه فدراسیون فاقد مدیر فنی ملی می‌باشد، تحت نظر مدیر فنی نیست. در صورتی که براساس معیار فیفا هر فدراسیون باید یک مدیر فنی ملی داشته باشد که مسئول تمام مسائل فنی فدراسیون است و مدیر گرسروتنز نیز تحت نظر این مدیر، مسئول فعالیت‌های فوتبال گرسروتنز می‌باشد. بنابراین در فدراسیون فوتبال ایران نیز حضور یک مدیر فنی مجرب و متخصص در رأس دپارتمان فنی این فدراسیون به منظور نظارت بر امور فنی فوتبال کشور ضروری می‌باشد.

در حال حاضر ساختار پایه مطلوبی متشکل از حدود ۱۲۰۰ مدرسه فوتبال و بالغ بر ۱۲۰ هزار فوتبال آموز ثبت‌شده دختر و پسر در سطح کشور فعالیت دارند، اما فدراسیون فوتبال از نظر پزل یا کمیته گرسروتنز از ساختار نظام‌مند و قدرتمندی برخوردار نمی‌باشد. در همین رابطه باید اشاره نمود که یک کمیته یا پزل گرسروتنز باید از اعضای نظیر رئیس دپارتمان، مدیر گرسروتنز، اعضای فدراسیون، نمایندگان مراجع دولتی، مربیان، اولیا، و نمایندگان فوتبال زنان تشکیل شده باشد، در صورتی که در فدراسیون فوتبال کشور، این ساختار با اعضای محدود فعالیت می‌نماید. همچنین درباره ساختارهای منطقه‌ای و محلی نیز ساختار سازمان‌یافته‌ای در بخش گرسروتنز وجود ندارد و تنها مسئولیت فعالیت‌ها و فستیوال‌های گرسروتنز در سطح استان یا شهرستان‌ها به رئیس کمیته‌های جوانان و مسئول برگزاری فستیوال هیئت‌های مربوطه واگذار شده است. اما به نظر می‌رسد با توجه به اینکه کشور ایران کشوری پهناور می‌باشد لزوم تشکیل ساختارهای منطقه‌ای گرسروتنز با مدیران منطقه‌ای از اهمیت بالایی برخوردار است. در همین رابطه سوگیا و همکاران (۲۰۱۷) در پژوهش خود یکی از دلایل موفقیت فوتبال گرسروتنز ژاپن را فعالیت‌های ۴۷ هیئت فوتبال که در ۸ منطقه فعالیت می‌کنند، بیان کردند.

در زمینه برنامه‌ریزی فعالیت‌های گرسروتنز نیز با گذشت چند سال از اجرای این برنامه در کشور هنوز طرح گرسروتنز جامع و کاملی توسط فدراسیون به کنفدراسیون فوتبال آسیا تحویل داده نشده است در حالی که اهمیت برنامه‌ریزی استراتژیک و بلند مدت توسعه فوتبال گرسروتنز بر هیچ کس پوشیده نیست و با توجه به اقدامات صورت گرفته از طرف سایر کشورهای آسیایی در این رابطه، هرگونه کوتاهی و تاخیر در این زمینه می‌تواند عقب ماندگی‌هایی را برای فوتبال پایه کشور پدید آورد. در این راستا نتایج پژوهش‌های نصرالله زاده و همکاران (۱۳۹۰)، سان^۱ و همکاران (۲۰۰۸) و تامپسون^۲ (۲۰۱۴) همگی بر اهمیت موضوع برنامه‌ریزی و دیدگاه بلند مدت تاکید دارند. بنابراین با توجه به نتایج به دست آمده از این پژوهش پیشنهاد می‌شود که فدراسیون فوتبال به‌منظور سازماندهی ساختاری نظام‌مند و قدرتمند در زمینه فوتبال گرسروتنز، اقدام به آماده‌سازی منشور گرسروتنز خود نماید و طرح خود را برای تایید نهایی به کنفدراسیون فوتبال آسیا تحویل بدهد. بدون در نظر گرفتن سطحی که ممکن است این طرح آماده‌سازی شود، باید توجه نمود که آماده‌سازی طرحی کیفی و کارآمد بسیار حائز اهمیت می‌باشد و تصویب این طرح

پایه و معیاری هدفمند را برای فعالیت‌های فوتبال گرسروتنز در کشور ایران فراهم خواهد نمود. یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که فوتبال پایه کشور براساس برنامه فوتبال گرسروتنز از منظر دانش مربیان از وضعیت مطلوب برخوردار نیست. مربیان از ارکان اصلی موفقیت در برنامه گرسروتنز هستند و نقش مهمی در اجرای این برنامه دارند. در این برنامه از مربی با عنوان مربی - معلم^۱ یاد می‌شود، یعنی یک مربی که در حیطه فوتبال کودکان فعالیت می‌کند، علاوه بر اینکه نقش یک تمرین دهنده و مربی تکنیک و فنون فوتبال را بر عهده دارد باید بالاتر از همه وظایف یک معلم و آموزگار را در تربیت ارزش‌های اخلاقی و انسانی کودکان اجرا نماید. از اینرو بیش از هرچیزی ضروری است، فردی که به عنوان مربی کودکان فعالیت می‌کند، عاشق کار با کودکان باشد. همچنین در کنار این علاقه و اشتیاق مربی باید از دانش، آگاهی و تجربه کافی در زمینه کار با کودکان بهرمند باشد. باید به‌خاطر داشت، کودکان با بزرگسالان متفاوت هستند و کار با کودکان نیازمند دانش پایه و خاص خود می‌باشد. در همین رابطه نتایج پژوهش‌های عزیزی و نصرالهی (۱۳۹۰)، گنجویی و همکاران (۱۳۹۱) و وحدانی و رضاسلطانی (۱۳۹۲) نشان دادند، کمبود مربیان متخصص و مجرب یکی از مهم‌ترین مشکلات فوتبال پایه کشور می‌باشد.

دانش پایه و تخصصی فوتبال کودکان از سه بخش مهم، دانش کودکان (شناخت مشخصه‌های رشد عمومی کودکان، رفتار، روابط، زبان و ارتباطات)، مهارت‌های آموزشی و سازماندهی، و دانش فوتبال پایه (شناخت بازی‌های زمین کوچک، تکنیک‌های پایه، تمرینات و بازی‌های پایه) تشکیل شده است (دپارتمان توسعه فنی و آموزشی فیفا، ۲۰۱۶). لذا کسب پایه‌ای مطلوب از این دانش برای مربیان فعال در فوتبال کودکان ضروری است و ابزاری برای پیشرفت کاری آن‌ها می‌تواند باشد.

یافته‌های حاصل از پژوهش همچنین نشان داد که فوتبال پایه کشور براساس برنامه فوتبال گرسروتنز از منظر آموزش و تجربه یادگیری مربیان و مدیران از وضعیت مطلوب برخوردار نیست. بدون تردید، در زمینه فوتبال پایه کشور بدون ارتقاء سطح فنی و دانش مربیان و مدیران، موفقیتی حاصل نمی‌گردد. به بیان واضح‌تر، بدون توجه به اهمیت آموزش‌های مناسب و کسب تجربه یادگیری کافی، نمی‌توان انتظار داشت که مربیان و مدیران فوتبال پایه کشور از دانش لازم و کافی در این حیطه برخوردار باشند. برای درک اهمیت این موضوع باید گفت، فیفا و کنفدراسیون فوتبال آسیا بر روی موضوع آموزش مربیان و مدیران تاکید فراوانی دارند و جنبه‌های آموزشی برنامه گرسروتنز را پیشنیازی برای اجرای موفقیت‌آمیز این برنامه می‌دانند. فیفا در اهداف اصلی خود بر آموزش مربیان برای تبدیل به یک مربی - معلم، بهبود استانداردها و افزایش تعداد دوره‌های آموزشی تاکید دارد (دپارتمان توسعه فنی و آموزشی فیفا، ۲۰۱۶). همچنین کنفدراسیون فوتبال آسیا نیز در منشور گرسروتنز خود در سه سطح مهم بر آموزش مربیان و مدیران اشاره نموده است. در پایین‌ترین سطح فدراسیون‌ها باید کلاس‌های مربیگری درجه ابتدایی (درجه C) و دوره‌های آموزشی مقدماتی مانند کارگاه‌ها و سمینارها را برای مربیان و مدیران برگزار نمایند. در سطوح میانی بر برگزاری دوره‌های استاندارد برای مدیران گرسروتنز و فرصت‌های آموزش مربیگری برای زنان اشاره شده، و در بالاترین سطح نیز بر دوره‌های آموزشی ویژه و فرصت‌های آموزش

الکترونیک تاکید شده است (راکسبورگ و سوگیاما، ۲۰۱۷). بعلاوه پژوهش کاستیلو و همکاران (۲۰۱۵) اهمیت توانمندسازی و آموزش مربیان گرسروترز را در یک پروژه اروپایی نشان داد و نتایج پژوهش بیانگر این موضوع بود که مربیان از برنامه‌های توانمندسازی رضایت زیادی داشتند و به این نکته اشاره نموده بودند که برنامه‌های کسب شده را در تمرینات و فعالیت‌های خود در حد قابل قبولی اجرا کرده بودند.

در این رابطه، شواهد نشان می‌دهد که فدراسیون فوتبال ایران در اجرای برنامه گرسروترز خود، بیشتر بر آموزش مربیان تاکید دارد در حالی که نباید اهمیت مدیران فوتبال پایه در این زمینه فراموش شود و از آموزش آن‌ها غافل شد. در این راستا به نظر می‌رسد برقراری دوره‌های استاندارد آموزش مدیران فوتبال پایه می‌تواند راهگشا باشد. بی‌شک تمرکز یک دوره آموزشی استاندارد بر روی مسائل آموزشی بسیار بیشتر از یک همایش یا نشست یک روزه و مقطعی می‌باشد و نقش موثرتری در آموزش مدیران خواهد داشت. همچنین با توجه به دسترسی بیشتر به منابع الکترونیک و اینترنتی، راه‌اندازی فرصت‌های آموزش الکترونیک نیز می‌تواند راهکاری کاربردی برای افزایش آگاهی و ارتقاء سطح فنی مربیان و مدیران باشد.

یافته‌های به دست آمده نشان داد که فوتبال پایه کشور براساس برنامه فوتبال گرسروترز از منظر امکانات و زیرساخت‌های مدارس فوتبال از وضعیت مطلوب برخوردار نیست. با آغاز دهه ۸۰ شمسی و با افزایش جمعیت و گسترش بیشتر شهرها، نقش مدارس فوتبال در آموزش فوتبال کودکان پررنگ‌تر شد و تا به امروز نیز ادامه دارد. اما با این حال از مهمترین چالش‌هایی که همواره در طی این سال‌ها فوتبال پایه با آن رو به‌رو بوده است، امکانات و زیرساخت‌های مدارس فوتبال می‌باشد. به طوری که تعداد فوتبال آموزان کودک و مدارس فوتبال افزایش چشمگیری داشته است اما افزایش امکانات و زیرساخت‌ها به‌ویژه زمین‌های فوتبال به همین تناسب نمی‌باشد. نتایج پژوهش عزیزی و نصرالهی (۱۳۹۰) همسو با این موضوع می‌باشد، آنها در پژوهش خود عنوان کردند که از دیدگاه والدین تراکم و شلوغی بیش از حد فضای مدارس فوتبال و کمبود امکانات و تجهیزات از مشکلات و نقایص مدارس فوتبال شهر تهران می‌باشد. نتایج پژوهش، همچنین نشان داد که بسیاری از مدارس فوتبال از تجهیزات و امکانات استاندارد، ایمن و کافی برخوردار نیستند که این نتایج با نتایج پژوهش‌های ذاکریان و همکار (۱۳۹۲)، وحدانی و رضاسلطانی (۱۳۹۲) همسو می‌باشد و آن‌ها نیز کمبود امکانات و تجهیزات کافی و استاندارد را از موانع استعدادیابی و مشکلات مدارس فوتبال برشمردند.

در فوتبال گرسروترز باید اندازه زمین متناسب با سن، مهارت و تعداد بازیکنان باشد و نمی‌توان در یک زمین غیر استاندارد و با تعداد زیاد کودک انتظار پیشرفت چشمگیری برای کودکان داشت. لذا افزایش میزان سرمایه‌گذاری در امکانات و تجهیزات، و افزایش تعداد زمین‌های بازی برای فوتبال کودکان در اجرای برنامه گرسروترز ضروری می‌باشد و باید خاطر نشان کرد که استاندارد، ایمنی و به روز بودن این امکانات و تجهیزات از الزامات اصلی برنامه گرسروترز می‌باشد. در این رابطه نتایج این پژوهش با پژوهش هاوی و الیسن (۲۰۱۶) همسو می‌باشد. چرا که هاوی در پژوهش خود نشان داد که توسعه اماکن گرسروترز برای ثبات و موفقیت فوتبال گرسروترز حیاتی است و مهم ترین مسئله‌ای است که فوتبال گرسروترز انگلستان در آینده ممکن است با آن رو به‌رو

باشد. در همین رابطه اتحادیه فوتبال انگلستان سرمایه‌گذاری عظیمی در پروژه‌هایی مانند توسعه و ارتقای امکانات جدید مانند چمن‌های مصنوعی مدرن و رختکن‌های مجهز داشته است. با توجه به نتایج حاصل از پژوهش پیشنهاد می‌گردد، نظارت و بازرسی سختگیرانه‌تری در رابطه با امکانات و زیرساخت‌های مدارس فوتبال صورت گیرد و تمامی این مدارس ملزم به فراهم آوردن امکانات و تجهیزات ایمن، استاندارد، مدرن و به تعداد کافی باشند. همچنین از اهمیت سرمایه‌گذاری در امکانات و پروژه‌های مربوط به اماکن و تجهیزات گرسروتن نیز نباید غافل شد.

نتایج به دست آمده نشان داد که فوتبال پایه کشور براساس برنامه فوتبال گرسروتن از منظر سازماندهی رویدادها از وضعیت مطلوب برخوردار نیست. نتایج پژوهش حاضر در این بخش با نتایج پژوهش ییونگ (۲۰۱۶) همسو می‌باشد، ییونگ نشان داد در کشور چین هنوز فرهنگ فوتبال بر مبنای برنامه گرسروتن ضعیف است و رویدادهای کمی به طور رسمی در سطح گرسروتن سازماندهی می‌شود. در کشور ایران نیز فدراسیون فوتبال فستیوال‌هایی را هر سال یکبار در سطح ملی، استانی و شهرستانی برگزار می‌کند که این فستیوال‌ها هم برای دختران و هم در بخش پسران انجام می‌گیرد. به بیان ساده‌تر فعالیت‌های اصلی فدراسیون در بخش فوتبال ۶ تا ۱۲ سال به این فستیوال‌ها ختم می‌شود. اما با این وجود برای تبدیل یک فوتبالیست کودک به بازیکنان آینده نیاز به رویدادهای بیشتری می‌باشد تا از طریق آن‌ها کودکان لذت و طعم بازی فوتبال را بچشند و تجاربی برای آینده فوتبالی و غیر فوتبالی خود کسب نمایند. به نظر می‌رسد برگزاری رویدادهای منظم در این سنین بتواند به این نیاز پاسخ بدهد. از نظر کنفدراسیون فوتبال آسیا رویدادهای منظم برای کودکان رویدادی است که حداقل یک ماه طول بکشد. نتایج پژوهش‌های گنجویی و همکاران (۱۳۹۱)، عزیزی و همکاران (۱۳۹۱)، و شاهسون و همکاران (۱۳۹۲) بر لزوم برگزاری رویدادهای منظم لیگ کشوری در رده‌های سنی مختلف تاکید دارند. همچنین هنریکسن^۱ و همکاران (۲۰۱۰) در پژوهش خود نشان دادند که افراد مستعد برای رسیدن به اوج موفقیت و نخبه شدن نیازمند ۱۰ هزار ساعت زمان و ۱۰ سال فرصت هستند. آغاز این زمان و فرصت از بدو مشارکت کودک در بازی فوتبال و رویدادهای این دوره است که شامل جلسات تمرینی، فستیوال‌ها و تورنمنت‌ها می‌باشد. بعلاوه از نظر لارسن و همکاران (۲۰۱۵) مربیان باید درک کنند که برنامه گرسروتن حامی اتخاذ و اجرای استراتژی‌هایی است که انگیزه ذاتی، لذت و مشارکت بلندمدت بازیکنان را برمی‌انگیزد. به‌علاوه مربیان شایسته تمرینات و مسابقات را به صورتی شکل می‌دهند که بازیکنان تجارب مثبت ورزشی کسب کنند و احساس حمایت و انگیزه داشته باشند. بنابراین توصیه می‌شود فدراسیون مبادرت به برگزاری رویدادهای منظمی در این رده سنی نماید که حداقل بیش از یک ماه طول بکشد. در کنار رویدادهایی که بوسیله فدراسیون طراحی و برگزار می‌گردد، مربیان و مدیران گرسروتن نیز اقدام به برگزاری رویدادهایی غیررسمی در داخل مدارس فوتبال خود و یا بین مدارس فوتبال نمایند. البته نباید فراموش شود که این رویدادها نیز باید براساس معیارها و استانداردهای گرسروتن باشد تا از ایمنی، لذت و سلامت کودکان اطمینان حاصل شود.

یافته‌های به دست آمده نشان داد که فوتبال پایه کشور براساس برنامه فوتبال گرسروتن از منظر مالی و بازاریابی از وضعیت مطلوب برخوردار نیست. در حال حاضر می‌توان گفت که تنها منبع

مالی حامی فوتبال گرسروترز در کشور، بودجه محدود فدراسیون برای رویدادهای این برنامه می‌باشد. در صورتی که طرح توسعه فوتبال گرسروترز طرحی جامع و گسترده است و عملکرد موفق و اثربخش آن نیازمند سرمایه‌گذاری و اختصاص بودجه‌ای قابل قبول در این حیطه می‌باشد. سگوئین^۱ و همکاران (۲۰۰۵) بیان می‌دارند که بیشتر حمایت مالی از ورزش کشور را دولت و منابع دولتی بر عهده دارند که بدلیل کاهش سرمایه دولت برای سرمایه‌گذاری در ورزش، در بسیاری از موارد پاسخگوی نیازهای ورزشی نمی‌باشد. از این رو استفاده از کمک حامیان مالی، فرصت‌های بازاریابی و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در اجرای برنامه گرسروترز اهمیتی بسیار دارد. همچنین با توجه به اینکه فوتبال گرسروترز فوتبالی غیر حرفه‌ای می‌باشد، مشاهده شده که در کشور تمایل حامیان مالی و سرمایه‌داران برای حمایت و سرمایه‌گذاری در این بخش اندک می‌باشد. از دلایل مهم این عدم حمایت، می‌توان گفت که فوتبال گرسروترز در کشور ایران از پوشش رسانه‌ای و تبلیغاتی چندانی برخوردار نیست به طوری که حتی مشاهده شده در وبسایت متعلق به فدراسیون نیز پوشش اندکی به این بخش داده شده است. در همین راستا می‌توان گفت که نتایج پژوهش در این بخش با نتیجه پژوهش صادقی و همکاران (۱۳۹۲) همسو می‌باشد که نشان دادند عدم دستیابی به اهداف رسانه‌ای و تبلیغاتی در راس علل عدم حمایت مالی از فوتبال پایه قرار داشت.

از طرفی دیگر، یک موضوع مهم در سرمایه‌گذاری شرکت‌های خصوصی در صنعت فوتبال به عنوان حامی مالی، اصل انتظار سود حاصل از سرمایه‌گذاری است. معمولاً سرمایه‌گذاران وقتی متقاعد به سرمایه‌گذاری در یک صنعت می‌شوند که تا حدی اطمینان یابند در صورت قرار دادن سرمایه خود در آن بخش خاص بیشتر از سایر گزینه‌های قابل انتخاب سود خواهند برد (هودا^۲، ۲۰۰۸). نقش مربیان گرسروترز در تامین منابع مالی مورد نیاز این برنامه بسیار مهم است. یک مربی گرسروترز تنها مربی فوتبال نمی‌باشد بلکه وظایف مختلفی مانند معلمی، بازاریابی و حتی نقش تدارکات را نیز باید در مواقع مورد نیاز بر عهده بگیرد. در نتیجه آشنایی با برخی دانش‌های پایه از بازاریابی و حمایت مالی می‌تواند برای مربیان مفید باشد. همچنین مدیران نیز نقش اساسی را در بازارهای مالی ایفا می‌نمایند. مدیران مالی با قبول مسئولیت تامین مالی، باید بازارهای مالی و ابزارهای مالی موجود را بشناسند، تا با بکارگیری ابزارهای مالی مناسب در بازارهای مالی، اقتصادی‌ترین شیوه تامین مالی را مدنظر قرار دهند (ترابی و همکاران، ۱۳۹۴).

از اقدامات مهم و کاربردی در زمینه بازاریابی باید به آماده‌سازی بسته بازاریابی فوتبال گرسروترز و همچنین استفاده از بسته‌های مبادلاتی ارزش در نوع (VIK)^۳ اشاره نمود. علاوه بر این موارد باید در نظر داشت که اهداف اصلی بازاریابی به بیان ساده، جذب مشتریان جدید با دادن وعده ارزش‌های برتر و حفظ رضایت مشتریان کنونی از طریق جلب رضایت آن‌ها است (رضایی، ۱۳۹۰). بنابراین باید حامیان موجود به عنوان یک دارایی ارزشمند در نظر گرفته شوند و همکاری با آن‌ها در اولویت قرار بگیرد. همچنین تهیه گزارش عملکردی در تصمیم برای ادامه همکاری بسیار موثر می‌باشد، زیرا اگر حامیان احساس داشته باشند که در برنامه اهمیت دارند و مزایای بسیاری دریافت می‌کنند، احتمال اینکه به حمایت خود ادامه بدهند بیشتر می‌شود.

1. Seguin, Teed and Reilly
2. Huda
3. VIK (value-in-kind)

یافته‌های این پژوهش نشان داد که فوتبال پایه کشور براساس برنامه فوتبال گرسروترز از منظر دستیابی به اهداف از وضعیت مطلوب برخوردار نیست. بطور خلاصه باید گفت که از مهم‌ترین پیام‌های فلسفه فوتبال گرسروترز، "فوتبال برای همه" می‌باشد. یعنی میزان مشارکت در فوتبال در تمام سطوح باید افزایش یابد و تمامی ذینفعان این برنامه شامل بازیکنان، مربیان، اولیا، داوطلبان، مدیران، اعضای فدراسیون، سازمان‌های دولتی، سازمان‌های غیر دولتی، حامیان و شرکت‌ها باید مشارکتی فعال در حیطه فوتبال گرسروترز داشته باشند. با این وجود در حال حاضر مسئولیت توسعه فوتبال گرسروترز تنها بر دوش فدراسیون فوتبال قرار گرفته است. با این حال درست است که فدراسیون فوتبال متولی و مسئول اصلی این رشته و این برنامه در کشور می‌باشد اما نباید از نقش مشارکت تمامی ذینفعان در پیشبرد عالی این برنامه غافل شد. توسعه فوتبال گرسروترز در کشور مسئولیتی جمعی است که باید همه‌ی افراد این اهمیت را درک و در قبال آینده کودکان احساس مسئولیت نمایند. زیرا هدف گرسروترز تنها ساخت جامعه آینده فوتبال نیست بلکه در وهله اول ترویج ارزش‌های اخلاقی، اجتماعی و انسانی، و ساخت انسان‌های والا برای آینده جامعه و ورزش از اهمیت برخوردار است. در همین رابطه مرکانجیک و همکاران (۲۰۱۶) در مقاله خود عنوان داشتند که سازماندهی منظم رویدادهای فوتبال پایه تنها نباید مسئولیت فیا، کنفدراسیون‌ها، یا نهادهای فوتبالی حاکم باشد بلکه در این زمینه تمامی ذینفعان باید همکاری، درک و اذعان نمایند که در آینده کودکان و جوانان ذیحق هستند. برای دستیابی بیشتر به اهداف برنامه گرسروترز پیشنهاد می‌گردد که در بخش رسانه‌ای و تبلیغاتی فعالیت‌های فدراسیون فوتبال افزایش یابد. در این رابطه نیاز است تا به فعالیت‌های ترویجی توجه ویژه‌ای شود و فلسفه گرسروترز و فعالیت‌های آن به خوبی در رسانه‌های جمعی مانند تلویزیون و وبسایت فدراسیون ترویج گردد. می‌توان گفت از ابتدایی‌ترین اقدامات در این زمینه، اختصاص بخشی از وبسایت فدراسیون به فعالیت‌های فوتبال گرسروترز می‌باشد.

در پایان به استناد نتایج پژوهش حاضر، بطور کلی می‌توان نتیجه‌گیری نمود که فوتبال پایه کشور براساس برنامه فوتبال گرسروترز از وضعیت مطلوبی برخوردار نمی‌باشد. همانگونه که یافته‌های این پژوهش نشان داد، به ترتیب مولفه دانش مربیان رتبه اول، آموزش و تجربه یادگیری مربیان و مدیران رتبه دوم، سازماندهی رویدادها رتبه سوم، امکانات و زیرساخت‌های مدارس فوتبال رتبه چهارم، دستیابی به اهداف رتبه پنجم، و مالی و بازاریابی رتبه ششم را به خود اختصاص داده‌اند. این بدان معنی است که مولفه‌های مالی و بازاریابی، و دستیابی به اهداف از بدترین وضعیت برخوردار می‌باشند و باید ابتدا توجه و تمرکز ویژه‌ای به این دو مولفه معطوف شود. همچنین در کنار این موضوع از اهمیت دیگر مولفه‌ها نیز نباید غافل شد، زیرا موفقیت در این برنامه برآیندی از تمامی مولفه‌ها و بخش‌ها می‌باشد. بنابراین با توجه به یافته‌های این پژوهش پیشنهاد می‌شود که فدراسیون فوتبال به منظور سازماندهی ساختاری نظام‌مند و قدرتمند در زمینه فوتبال گرسروترز، اقدام به آماده‌سازی منشور گرسروترز خود نماید و طرح خود را برای تایید نهایی به کنفدراسیون فوتبال آسیا تحویل بدهد. بعلاوه پیشنهاد می‌گردد که این فدراسیون در کنار کلاس‌های دانش‌افزایی مربیان گرسروترز، دوره‌ها و کلاس‌های استاندارد را نیز برای مدیران گرسروترز (مدیران مدارس فوتبال) طراحی و برگزار نماید. همچنین راه‌اندازی فرصت‌های آموزش الکترونیک نیز می‌تواند در افزایش آگاهی و دانش مربیان و مدیران موثر واقع شود. در رابطه با امکانات و زیرساخت‌های مدارس فوتبال نیز به نظر می‌رسد باید نظارت و بازرسی دقیق‌تر و

سختگیرانه‌تری از طرف فدراسیون فوتبال صورت گیرد و تمامی مدارس فوتبال ملزم به فراهم آوردن امکانات و تجهیزات ایمن، استاندارد، مدرن و به تعداد کافی باشند. همچنین از اهمیت سرمایه‌گذاری در پروژه‌های مربوط به امکانات و تجهیزات فوتبال گرسروترز نیز نباید غافل شد. بنابراین پیشنهاد می‌گردد که فدراسیون فوتبال برای تامین مالی مطلوب این برنامه، بودجه‌ای انحصاری را فراهم نماید. در این رابطه باید به نقش حامیان مالی و سرمایه‌گذاران بخش خصوصی توجه بیشتری نمود. به همین منظور، تهیه بسته‌های بازاریابی، بسته‌های ارزش در نوع (VIK)، تمدید قرارداد حامیان موجود و جلب رضایت آن‌ها ضروری می‌باشد. از طرفی به منظور دستیابی بیشتر به اهداف گرسروترز پیشنهاد می‌شود که در بخش رسانه‌ای و تبلیغاتی فعالیت‌های فدراسیون افزایش یابد و توجه ویژه‌ای به فعالیت‌های ترویجی معطوف گردد. در نهایت در زمینه سازماندهی رویدادهای گرسروترز نیز پیشنهاد می‌شود که فدراسیون مبادرت به برگزاری رویدادهای منظمی نماید که حداقل بیش از یک ماه طول بکشد. همچنین در کنار فدراسیون فوتبال، مربیان و مدیران مدارس فوتبال نیز باید رویدادهای گرسروترز و فرصت‌های بازی و تفریح بیشتر را داخل مدارس فوتبال فراهم آورند.

منابع

- ترابی، تقی؛ قربانی، مهسا؛ باقری، میثم و طریقی، سمانه. (۱۳۹۴). «روش‌های نوین تأمین مالی باشگاه‌های فوتبال در کشورهای توسعه‌یافته و بررسی تطبیقی آن با کشورهای در حال توسعه (مورد خاص: باشگاه‌های فوتبال حرفه ای لیگ برتر ایران و انگلستان)». فصلنامه علمی پژوهشی دانش سرمایه‌گذاری. سال ۴، شماره ۱۳، صص ۲۱۷-۲۳۱.
- حمیدی، محسن. (۱۳۹۵). «تدوین برنامه استراتژیک آکادمی ملی فوتبال و طراحی نقشه استراتژیک آن با روش‌های BSC و ISM». رساله دکتری مدیریت ورزشی، پردیس بین‌المللی کیش، دانشگاه تهران.
- ذاکریان، علیرضا و ذاکریان، علی. (۱۳۹۲). «بررسی موانع استعدادیابی در مدارس فوتبال از دیدگاه کارشناسان». دومین کنگره بین‌المللی علم و فوتبال. آکادمی ملی فوتبال ایران.
- رضایی، زهره. (۱۳۹۰). «شناسایی و تعیین موانع توسعه حمایت‌های مالی در باشگاه‌های لیگ حرفه‌ای فوتبال کشور». پایان‌نامه کارشناسی ارشد مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه تهران.
- شاهسون، حسین؛ شعبانی، عباس و گمار، خدیجه. (۱۳۹۲). «بررسی چالش‌های ورزش فوتبال در ایران - یک مطالعه دلفی». دومین کنگره بین‌المللی علم و فوتبال، آکادمی ملی فوتبال ایران.
- صادقی، رضا؛ محمدیانی، روح‌الله و کشکر، سارا. (۱۳۹۲). «مقایسه و تعیین علل عدم حمایت مالی از فوتبال پایه در ایران». دومین کنگره بین‌المللی علم و فوتبال. آکادمی ملی فوتبال ایران.
- عزیزی، بیستون و نصرالهی، احمد. (۱۳۹۰). «بررسی مشکلات و نقایص مدارس فوتبال شهر تهران از دیدگاه والدین فوتبال آموز». همایش مدیریت و برنامه ریزی در فوتبال پایه. آکادمی ملی فوتبال ایران.
- عزیزی، بیستون؛ نصرالهی، احمد؛ سجادی، نصرالله و پیری، مسعود. (۱۳۸۸). «بررسی علل ناکامی تیم ملی فوتبال ایران در چهاردهمین دوره بازی‌های جام ملت‌های آسیا از دیدگاه کارشناسان». همایش بین‌المللی علم و فوتبال. تهران، پژوهشگاه نیرو.
- عزیزی، بیستون؛ نصرالهی، احمد؛ کریمی، علی و محمدی، رزگار. (۱۳۹۱). «بررسی موانع استعدادیابی در مدارس فوتبال شهر تهران از دیدگاه کارشناسان». دومین همایش ملی استعدادیابی ورزشی. تهران.
- عمادی، مهدی؛ کمالی، فاطمه و حسینی، هلن. (۱۳۹۵). «تحلیل عوامل مؤثر بر کارایی مربیان در رده‌های پایه فوتبال ایران». مطالعات مدیریت ورزشی. شماره ۳۵، صص ۱۱۹-۱۳۶.
- فدراسیون فوتبال جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۹۴). آئین‌نامه مدارس فوتبال. آکادمی ملی فوتبال ایران.
- گنجویی، فریده اشرف؛ دوستداری، سجاد و سجادی، سید حمید. (۱۳۹۱). «ارائه راهکارهایی برای استعدادیابی و پرورش استعدادها در رشته فوتبال». دومین همایش ملی استعدادیابی ورزشی. تهران.

- نصرالله زاده، ناصر؛ رستم نیا، فاضل و رحیمی فرد، جبرئیل. (۱۳۹۰). «ضرورت ایجاد آکادمی‌های فوتبال و پرورش بازیکنان با استعداد جهت شکوفایی فوتبال ایران». همایش مدیریت و برنامه ریزی در فوتبال پایه. آکادمی ملی فوتبال ایران.
- وحدانی، محسن و رضا سلطانی، نجمه. (۱۳۹۲). «تحلیل عوامل موثر بر جذب نوجوانان و نونهالان در مدارس فوتبال». فصلنامه پژوهش در مدیریت ورزشی. سال ۲، شماره ۶.
- Benezet, M., Hasler, H. (2016). **Youth football**. FIFA Education and Technical Development Department, Galledia AG, Berneck, Switzerland.
- Castillo, I., Ramis, Y., Cruz, J., Balaguer, I. (2015). **"Grassroots coaches' training in the PAPA project"**. Revista de Psicología Del Deporte 2015, 24(1), pp 131-138.
- Fédération Internationale de Football Association. (2017). **Financial Report 2016**. 67TH FIFA Congress, Manama, Bahrain.
- FIFA Education and Technical Development Department. (2016). **Grassroots**. FIFA Translations / Hurst & Freelancers, RVA Druck und Medien, Altstätten, Switzerland.
- Henriksen, K., Stambulova, N., Roessler, K. (2010). **"Holistic approach to athletic talent development environments: A successful sailing milieu"**. Psychology of Sport and Exercise, Vol 11, pp212-222.
- Howie, L., Allison, W. (2016). **"The English Football Association Charter for Quality: the development of junior and youth grassroots football in England"**. Soccer & Society, 17(6), pp800-809.
- Huda, H. (2008). **"Investors' Opinions about Sports Marketing in Bahrain"**. The Sport Journal, 4(4), pp111-123.
- Gorman, J. (2016). **"Introduction: developing the research agenda in junior and youth grassroots football culture"**. Soccer & Society, 17(6), pp793-799.
- Larsen, T., Høye, A., Tjømsland, H., Holsen, I., Wold, B., Heuzé, J., Samdal, O., Sarrazin, P. (2015). **"Creating a supportive environment among youth football players, a qualitative study of French and Norwegian youth grassroots football coaches"**. Health Education, 115(6), pp570-586.
- Mrkonjic, M., Poli, R., Boillat, C., Marston, K. (2016). **Comparing youth football worldwide: Lessons and proposals for the regular organisation of youth football competitions**. Global Football Development, Vol 1, pp1-68.
- Roxburgh, A., Sugiyama, M. (2017). **AFC grassroots charter, regulations and guidelines**. Asian Football Confederation.
- Seguin, B., Teed, K., Reilly, N. (2005). **"National sports organisations and sponsorship: an identification of best practices"**. International Journal of Sport Management and Marketing, 1(2), pp 69-92.
- Sugiyama, M., Khoo, S., Hess, R. (2017). **"Grassroots football development in Japan"**. The International Journal of the History of Sport, pp1-18.
- Sun, Y., Liang, Y., Bi, H. (2008). **"A Study on the Comparison of Young Soccer Players Training Systems in China and Japan"**. Journal of Beijing Sport University, 9, pp1173-1176.
- Thompson, Sh. (2014). **"A comparison between successful development models across the world and how the US can learn**

- from them to develop world class players”. Eight Grade Project Paper, Hilltown cooperative charter school, pp18-19.
- Yiyong, L. (2016). **“Developing a sustainable football model with the AFC Vision Asia Philosophy - two grassroots development cases in Zibo and Qingdao”**. Sport in Society, 19(10), pp1478-1488.

نقش میانجی گری نگرش ورزشی در رابطه علی با جهت گیری ورزشی بازیکنان لیگ والیبال ایران

مژگان احمدیان^۱

اکبر آفرینش خاکی^۲

رضا نیک بخش^۳



10.22034/SSYS.2022.517.1342

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۷/۲۳

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۸/۱/۳۱

هدف این مطالعه، تبیین نقش میانجی گری نگرش ورزشی در رابطه علی نظریه اسنادی با جهت گیری ورزشی بازیکنان لیگ والیبال ایران براساس پست بازیکنان و ارایه مدل بود. روش تحقیق توصیفی و کاربردی، جامعه آماری بازیکنان لیگ والیبال ایران در قالب ۲۴ تیم و ۲۸۸ نفر بودند. ابزار تحقیق شامل ۳ پرسشنامه سبک های اسنادی، نگرش ورزشی ویلیس و جهت گیری ورزشی بود. از آمار توصیفی و آزمون رگرسیون t، پیرسون، فریدمن، واریانس، واتسون و معادلات ساختاری برای مدل سازی استفاده گردید. نتایج نشان داد بین نگرش ورزشی با مولفه پیروزمندی و بین جهت گیری ورزشی با مولفه خوشبینانه رابطه معناداری وجود دارد. اولویت بندی مولفه های نگرش ورزشی شامل: موفقیت، قدرت و اجتناب از شکست، اما در پست لیبرو، اجتناب از شکست و در پست پاسور قدرت می باشد. مولفه های جهت گیری ورزشی در پست لیبرو: پاسور

۱- دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی، گروه مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، واحد تهران

جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲- استادیار، گروه مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی،

تهران، ایران (نویسنده مسئول)

E-mail: Sahmadian99@gmail.com

۳- دانشیار، گروه مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی،

تهران، ایران

● نقش میانجی‌گری نگرش ورزشی در رابطه علی با جهت‌گیری ورزشی بازیکنان لیگ والیبال ایران

و پشت خط زن هدف‌گرایی، پیروزگرایی، رقابت‌جویی، درپست اسپوکر قدرتی و دفاع: پیروزگرایی، رقابت‌جویی، هدف‌گرایی و درپست اسپوکر سرعتی: هدف‌گرایی، رقابت‌جویی، پیروزگرایی در رتبه‌های اول تا سوم قرار دارند. در سبک اسنادی درپست پاسور مولفه خوشبینانه و بدبینانه می‌باشد. و برازش مدل ساختاری به صورت متوسط به بالاست.

واژگان کلیدی: پست ورزشی بازیکنان، جهت‌گیری ورزشی، لیگ والیبال، نظریه اسنادی و نگرش ورزشی.

مقدمه

انگیزش یکی از عوامل بسیار تأثیرگذار بر موفقیت و کیفیت مطلوب عملکرد ورزشکاران است. این در حالی است که تحقیقات محدودی درباره تعیین صفات انگیزشی در ورزشکاران ایران انجام گرفته است (ابوالقاسمی و آریاپوران، ۱۳۹۶). به طور کلی، انگیزه رقابت در ورزش های انفرادی بیشتر از ورزش های تیمی بود. بالا بودن انگیزه توان در ورزش های انفرادی را می توان به دلیل متکی بودن ورزشکاران این رشته ها به عملکرد خودشان در نظر گرفت (احمدی و همکاران، ۱۳۹۵). بر این اساس به نظر می رسد که در ورزش های انفرادی ورزشکاران تأثیر بسیاری بر رفتار دیگران دارند. با اینکه به نظر می رسد انگیزش اجتناب از شکست اثر منفی بر اجراکننده دارد، مقایسه بین انگیزه در بازیکنان تیم های فوتبال برنده و بازنده نشان داد تیم های برنده ترس از شکست بیشتری دارند و درواقع اجتناب از شکست تسهیل کننده اجراست (باقرزاده و همکاران، ۱۳۹۵). یکی از احتمالات این امر که انگیزه اجتناب از شکست ورزشکاران ماهر بیشتر از مبتدی است، به سطح مهارت این ورزشکاران وابسته است. در ورزشکاران ماهر به دلیل سطوح بالاتر مهارت انتظارات از آنها به خصوص در میدین حرف های بسیار بالاست. برگزاری دوره های مرتبط با مدیریت انگیزه در ورزشکاران ماهر و مبتدی رشته های مختلف برای رشد و شکوفایی هرچه بیشتر ورزش ملی توصیه می شود (بهرام و همکاران، ۱۳۹۱). در رقابت های ورزشی، اجتناب از شکست در مقابل انگیزش موفقیت و سعی و تلاش برای دستیابی به پیروزی قرار می گیرد. این مسأله برای مربیان و بازیکنان اهمیت جدی دارد، در واقع مربیان می توانند با برقراری رابطه دوستانه با بازیکنان، بررسی مشکلات بازیکنان، همچنین حل و فصل اختلافات بین اعضای تیم، در صدد حفظ و افزایش انگیزش موفقیت و به دنبال آن کاهش انگیزش اجتناب از شکست و عملکرد بهتر تیم ها برآیند (کریمی و همکاران، ۱۳۹۴). اسناد: فرایندی است که افراد به کار می برند تا رویدادها یا رفتارها را به عوامل زیربنایی آنها پیوند می دهند. سبک اسناد: سبک خاصی است که هر فرد برای تعبیر و تفسیر رفتارها و رویدادها دارد. به عبارت دیگر، سبک تبیین به عادت های نسبتاً پایدار فرد در بیان علت رویدادهای خوب و بد اشاره دارد (وینر، ۲۰۰۶).

انگیزش موفقیت تمایلی که باعث میل به پیروزی و موفقیت در فرد می شود. فردی که انگیزش موفقیت بالایی دارد، تمایل به انجام کارهای سخت داشته، وظیفه شناس و ریسک پذیر است و به رقابت با معیارهای برتری علاقه دارد. انگیزش اجتناب از شکست، نیرویی در فرد است که به علت ترس از شکست، باعث پرهیز او از موقعیت های پیشرفت می شود. فردی که انگیزش اجتناب از شکست بالایی دارد، خلایقیت خود را از دست داده، از شرکت در فعالیت های موفقیت زا اجتناب می کند و تمایلی به انجام کارهای ماهرانه ندارد. انگیزش قدرت: توانایی یا استعداد شخص در ایجاد تأثیرات موردنظر بر هیجان های شخص دیگر (آگاهانه یا ناآگاهانه). هدف های انگیزش قدرت در یک فرد عبارتند از: نفوذ، کنترل، ترغیب، رهبری و افزودن شهرت و اعتبار خود (ویلیس، ۱۹۹۸). جهت گیری ورزشی یا سنجش انگیزه پیشرفت ورزشی شامل سه زیر مقیاس رقابت جوئی، پیروزی گرایی، و هدف گرایی می باشد (گیل و دیتر، ۱۹۸۸) بررسی انگیزه های

1. Winer
2. Wilis
3. Gil & Diter

ورزشکار از آن جهت حائز اهمیت است که نقش‌های مهمی را در رقابت‌های ورزشی ایفا می‌کند. باوجود علاقه‌مندان زیاد به ورزش و توسعه پیوسته مجموعه دانش مربوط به اجرا و عملکرد ورزشی، فرایند رقابت یا تفاوت افراد در انگیزش رقابت، کمتر مورد بررسی قرار گرفته است. بررسی مشکل ورزشکارانی که در تمرینات بسیار خوب ظاهر می‌شوند و از نظر مهارتی در سطح خوبی قرار دارند، اما در موقعیت‌هایی که باید بهترین عملکردشان را به نمایش بگذارند، با شکست روبه‌رو می‌شوند، مسأله مورد توجه محققان بوده است (ویلیس^۱، ۱۹۸۲). بازآموزی اسنادی موجب افزایش انگیزه پیشرفت در دانش آموزان با اختلال یادگیری خاص می‌شود. بازآموزی اسنادی موجب افزایش سبک اسناد خوشبینانه در افراد با اختلال یادگیری خاص می‌گردد. بازآموزی اسنادی موجب کاهش اسناد بدبینانه در افراد با اختلال یادگیری خاص می‌شود (اسلامی و همکاران، ۱۳۹۶). نتایج پژوهش نشان داد که روابط مثبت معناداری بین خودکارآمدی و خوش‌بینی با انگیزه پیشرفت ورزشی وجود دارد (جویت^۲، ۲۰۱۴). بین خودکارآمدی و ابعاد آن و انگیزه پیشرفت ورزشی زنان در فعالیت‌های بدنی رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد، به طوری که هرچه خودکارآمدی زنان بالاتر برود، انگیزه آنها در فعالیت‌های بدنی نیز بیشتر می‌شود. براری و همکاران^۳، (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «پیش‌بینی خوش‌بینی افراد با توجه به ادراک آنها از انتظارات مربی»، نحوه تعامل با خودکارآمدی گزارش کردند که خودکارآمدی می‌تواند نقش واسطه‌ای بین ابعاد و همچنین انتظارات معلم و خوش‌بینی داشته باشد. در پایان نتایج فرضیه‌های این پژوهش نشان داد که بین خودکارآمدی و خوش‌بینی با انگیزه پیشرفت ورزشی در رابطه بین خوش‌بینی و خودکارآمدی با انگیزه پیشرفت ورزشی دانشجویان رشته تربیت بدنی ارتباط معنی‌دار و مستقیمی وجود دارد و همچنین خودکارآمدی و خوش‌بینی پیش‌بینی کننده قوی برای انگیزه پیشرفت ورزشی است (فلتز^۴، ۲۰۱۵). مردها بیشتر از زنان در معرض بازخوردهای منفی قرار می‌گیرند، ولی گرایش آنها این است. که بازخوردها را به عواملی غیر از توانایی، مانند نگرش مربی یا کمبود تلاش خودشان نسبت دهند (پیرموسی و همکاران، ۱۳۹۲). اما در زنان، برعکس، بازخورد شکست بر توانایی متمرکز است. در نتیجه، دختران خیلی بیشتر از پسران تمایل دارند موفقیت‌های خود را به عوامل بیرونی نسبت دهند، درعین حال خودشان را برای شکست‌ها مقصر می‌دانند. همچنین، در برخی مواقع، مقاومت دختران پس از شکست کاهش می‌یابد. هنگامی که به شکست تهدید می‌شوند، عملکردشان مختل می‌شود و در مقایسه با پسران، انتظارات منفی تری از خود دارند. قلی‌پور (۱۳۹۱) جهت‌گیری ورزشی را میل به مسابقه یا تمایل به پیروزی تعریف کرده که براساس آن ورزشکاران اهدافی را در طول رقابت برمی‌گزینند. ابعاد جهت‌گیری ورزشی را گیل و دی‌تره^۵ بردگرایی، هدف‌چینی و رقابت تعیین کرده‌اند. باومن و همکاران^۶ (۲۰۰۱) رقابت طلبی را میل و تلاش برای موفقیت در رقابت، شرکت جدی در ورزش، دستیابی به مهارت ورزشی و تسلط در آن و همچنین میل به مسابقه می‌دانند که نشان دهنده برجسته‌ترین بعد

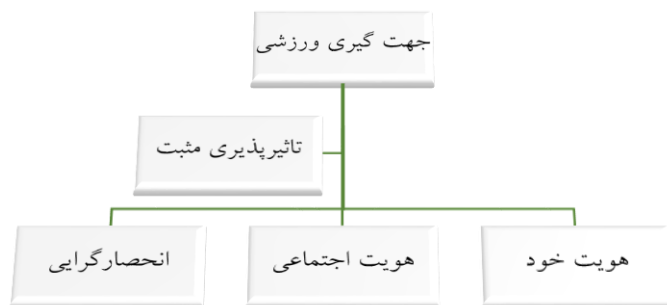
1. Wils
2. Joyt
3. Brari et al.
4. Feltz
5. Gil & Diter
6. Bavman et al.

جهت گیری ورزشی است. بردگرایی یا میل به پیروزی، بعد دیگر جهت گیری ورزشی است که در آن میل به شکست حریفان بسیار مهمتر از پیشرفت در مهارت های ورزشی است. هدف گرایی یا تدوین هدف نیز یکی دیگر از ابعاد جهت گیری ورزشی است که بر تعیین و تدوین اهداف ورزشی برای کسب موفقیت ورزشکاران دلالت دارد (اسکوردیلیز^۱، ۲۰۰۶).

نتایج تحقیقات دویک^۲ (۱۹۷۵) نشان داد که اگر به افراد آموزش داده شود که علت شکست خود را به تلاش نکردن نسبت دهند، بعد از شکست، پافشاری در رفتار افزایش خواهند یافت. نظریه های درماندگی درونی شده، انگیزش کم پیشرفت و آموزش تغییر علت های نسبت داده شده، در موقعیت های ورزشی، از کاربردهای مشخصی برخوردارند. بدیهی است که می توان از تکنیک های اسنادی برای افزایش پافشاری در رفتارهای شخص در شرایط ورزشی استفاده نمود (استیفن جی بول^۳، ۲۰۱۶). ورزشکاری که هدف اصلی اش از شرکت در ورزش، اجرای خوب مهارت، بدون درنظر گرفتن نتیجه است، فردی بهره مند از مطلوب جویی ورزشی به شمار می رود. این نوع اهداف انگیزشی، مانند اهداف مهارتی در نظریه نیکولز است. رابرتز از بین سه هدفی که مطرح کرد، هدف توانایی رقابتی را عاملی برای کناره گیری افراد در ورزش معرفی کرد. بنا بر نظر رابرتز، برای یافتن راه حل این موضوع، باید جهت گیری پیشرفت را به خود هدف معطوف کرد. از مقایسه اجتماعی اجتناب شده و استفاده از ارزیابی شخصی تشویق شود. به اعتقاد رابرتز، مطلوب ترین انگیزه برای شرکت افراد در مسابقات ورزشی، ازلحاظ شایستگی، خودکنترلی و عواطف مثبت، مطلوب جویی ورزشی است (برد^۴، ۲۰۱۷). یکی از انگیزه هایی که بر انگیزش موفقیت تاثیر مستقیم دارد انگیزش لیاقت است. تحقیقات زیادی نشان داده اند که مربی با اثر بر این انگیزش می تواند انگیزش درونی و به تبع آن انگیزش موفقیت ورزشکار را افزایش دهد اصالنو (۱۳۷۷). دسی^۵ (۱۹۷۸) در مطالعاتی پیرامون انگیزش درونی ورزشکار، اعلام کرد: عامل تأثیرگذارنده بر ادراک فرد از مسئولیت شخصی خود در قبال موفقیت و شکست، پاداش های بیرونی است. وقتی به فعالیت هایی که ازلحاظ درونی انگیزه شده اند، پاداش های بیرونی داده شود، چندین نتیجه محتمل حاصل می شود. از نظر دسی، انگیزش درونی می تواند به همان صورت باقی بماند، ارتقاء یابد یا سرکوب شود. تحلیل وی چنین بود که پاداش ها می توانند دو عملکرد متفاوت کنترلی و اطلاعاتی داشته باشند. اگر پاداش کنترلی مورد تأکید باشد، اشخاص شروع به درک همبستگی میان اجرای یک رفتار و دریافت پاداش خواهند کرد. در چنین شرایطی، انگیزش درونی (مبتنی بر شایستگی) کاهش می یابد. این افراد ممکن است با خود چنین استدلال کنند که «بدون پاداش، پاسخی در کار نیست». مثلاً ورزشکاری که به سبب شرکت در یک فعالیت از نظر درونی برایش جالب است، پاداش دریافت می کند، شاید به این تصمیم برسد که اگر در آینده پاداشی به او داده نشود، دیگر بازی نکند. او در مطالعات خود مشاهده کرد که ۷۵٪ از ورزشکارانی که به فعالیت ورزشی در دانشگاه می پرداختند، انگیزش فعالیت شان کمک هزینه دانشجویی بود نه

1. Scordeliz
2. Dweek
3. Stephen J. Bull
4. Brad
5. Desi

عوامل درونی. با توجه به بیان مطالب ارائه شده تحقیق حاضر بر آن است که به مسائلی پیرامون نقش میانجی‌گری نگرش ورزشی در رابطه علی با جهت‌گیری ورزشی بازیکنان لیگ والیبال ایران براساس پست بازیکنان و آرایه مدل دقیق بپردازد.



شکل ۱: مدل مفهومی تحقیق

روش‌شناسی پژوهش

به منظور سازمان دادن، خلاصه کردن، طبقه‌بندی نمرات خام و توصیف اندازه‌های نمونه از آمارتوصیفی (فراوانی، میانگین، درصدها، انحراف استانداردها و رسم جداول) استفاده شده است. برای پیش‌بینی سهم و نقش متغیر پیش‌بین بر متغیر ملاک از رگرسیون چندمتغیری و آزمون t تک‌نمونه‌ای و جهت بررسی رابطه از آزمون پیرسون و جهت رتبه‌بندی از آزمون فریدمن و جهت پیش‌بینی از آزمون واریانس استفاده شد و در راستای تحلیل‌های تکمیلی از حیطه معادلات ساختاری برای مدل‌سازی روابط علی با تأکید بر نرم افزار لیزرل^۱ ۹/۲، و آزمون واتسون استفاده شده است. همچنین برای روانسنجی پرسشنامه‌ها در روایی سازه، روایی بیرونی، تجانس درونی و بازآزمایی از ضریب همبستگی پیرسون استفاده گردید. علاوه بر توصیف عینی، واقعی خصوصیات موضوع مورد بررسی به تجزیه و تحلیل و تفسیر شرایط یا روابط بین متغیرهای تحقیق پرداخته شود. و از نظر هدف کاربردی که به روش میدانی اجرا شده است. جامعه آماری مورد نظر این تحقیق تمامی بازیکنان لیگ والیبال زنان و مردان ایران در غالب ۲۴ تیم و به تعداد ۲۸۸ نفر می‌باشند. کل جامعه آماری به عنوان نمونه تحقیق در نظر گرفته شده است.

ابزار تحقیق

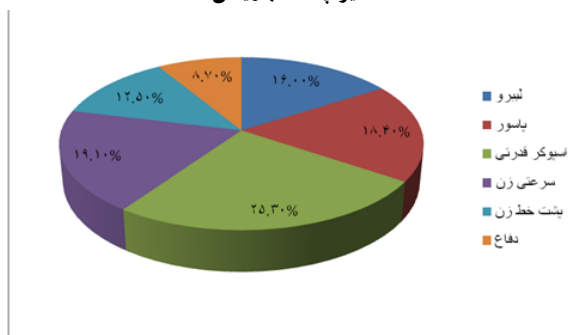
پرسشنامه شامل ۱- سبک‌های اسنادی (ASQ) یک وسیله خود گزارشی است و برای تعیین سبک اسنادی افراد یعنی منبع کنترل (درونی/ بیرونی)، میزان پایداری (بایثبات/ بی ثبات)، کلیت (عمومی/ اختصاصی) و قابلیت کنترل (کنترل‌پذیر/ کنترل‌ناپذیر) ساخته شده است. این وسیله اندازه‌گیری نمراتی را برای تفاوت‌های فردی در زمینه گرایش افراد به اسناد علل وقایع خوشایند و ناخوشایند به عوامل درونی (در برابر بیرونی)، پایدار (در برابر ناپایدار) کلی (در برابر اختصاصی)، کنترل‌پذیر (در برابر کنترل‌ناپذیر) به دست می‌دهد. ۲- نگرش ورزشی شامل خصوصیات بازیکنان از نظر سه ویژگی انگیزشی یعنی انگیزش موفقیت، انگیزش اجتناب از

شکست و انگیزش قدرت است. ویژگی‌های فوق توسط پرسشنامه ویلیس^۱ و توسط مقیاس پنج ارزشی لیکرت اندازه‌گیری شده است. - انگیزش موفقیت: انگیزش بازیکنان برای دستیابی به موفقیت است و توسط سوال‌های (۱-۱۷) اندازه‌گیری شده است. انگیزش اجتناب از شکست: انگیزش بازیکنان برای پرهیز از شکست و تبعات آن است و توسط سوال‌های (۱۸-۲۸) اندازه‌گیری شده است. انگیزش قدرت: انگیزش بازیکنان برای رهبری، کسب قدرت و تحت نفوذ قرار دادن سایر هم تیمی‌هایش است و توسط سوال‌های (۲۹-۴۰) اندازه‌گیری شده است. ۳ - پرسشنامه جهت گیری ورزشی (SOQ)، پرسشنامه ورزش گرای گیل و دیتر، این پرسشنامه توسط گیل و دیتر (۱۹۸۸) طراحی شده و برای سنجش جهت گیری ورزشی یا سنجش انگیزه پیشرفت ورزشی مورد استفاده قرار می‌گیرد و مشتمل بر ۲۵ سوال و سه زیر مقیاس رقابت جویی، پیروزی گرایی، و هدف گرایی می‌باشد. نحوه نمره گذاری این پرسشنامه به صورت مقیاس لیکرت ۵ امتیازی است.

یافته های پژوهش

۱۱۷

متغیر پست بازیکن



نمودار ۱: تعداد بر اساس پست بازیکنان

بر طبق نمودار ۱، درصدهای مربوط به لیبرو، پاسور، اسپور قدرتی، سرعتی زن، پشت خط زن و دفاع به ترتیب برابر با ۱۶، ۸، ۲۵، ۱۹، ۱۸ و ۱۲ می‌باشد. فرضیه صفر اول: بین نگرش ورزشی با مؤلفه‌های جهت گیری ورزشی رابطه معناداری وجود ندارد.

جدول ۱: نتایج آزمون پیرسون درخصوص رابطه نگرش ورزشی با مؤلفه های جهت گیری ورزشی

ردیف	متغیرها	رقابت جویی	پیروگرایی	هدف گرایی
۱	نگرش ورزشی	۰/۱۱۳	۰/۲۰۸	۰/۰۵۶
		۰/۰۵۶	۰/۰۰۱	۰/۳۴
	ضریب تعیین	٪۱	٪۴	٪۰/۳

● نقش میانجی‌گری نگرش ورزشی در رابطه علی با جهت‌گیری ورزشی بازیکنان لیگ والیبال ایران

براساس داده‌های جدول ۱، فقط بین نگرش ورزشی با مؤلفه پیروزمندی ($P < 0/05$) رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه صفر دوم: بین نگرش ورزشی با مؤلفه‌های سبک‌های اسنادی رابطه معناداری وجود ندارد.

جدول ۲: نتایج آزمون پیرسون درباره رابطه نگرش ورزشی با مؤلفه‌های سبک‌های اسنادی

ردیف	متغیرها	خوشبینانه	بدبینانه
۱	R	-۰/۰۷۱	۰/۰۱۱
	Sig	۰/۲۳	۰/۸۶
	ضریب تعیین	٪۰/۵	٪۰/۰۱

براساس داده‌های جدول ۲، بین نگرش ورزشی با مؤلفه‌های سبک‌های اسنادی ($P > 0/05$) رابطه معناداری وجود ندارد.

فرضیه صفر سوم: الویت بندی مؤلفه‌های نگرش ورزشی (به تفکیک پست بازیکن) تفاوت معناداری با هم ندارند.

جدول ۳: نتایج آزمون فریدمن درباره مؤلفه‌های نگرش ورزشی (به تفکیک پست بازیکن)

پست بازیکن	مؤلفه‌های نگرش ورزشی	میانگین رتبه	خی - دو	درجه آزادی	سطح معناداری
لیبرو	موفقیت	۱/۵۴			
	اجتناب از شکست	۲/۹۶	۱۹/۶۰	۲	۰/۰۰۱
	قدرت	۲			
پاسور	موفقیت	۲/۶۰			
	اجتناب از شکست	۱/۴۲	۳۷/۴۲	۲	۰/۰۰۱
	قدرت	۲/۹۸			
اسپوکر قدرتی	موفقیت	۱/۴۵			
	اجتناب از شکست	۱/۶۸	۱۵/۹۷	۲	۰/۰۰۱
	قدرت	۱/۹۷			
سرعتی زن	موفقیت	۲/۴۴			
	اجتناب از شکست	۱/۵۸	۲۰/۱۱	۲	۰/۰۰۱
	قدرت	۱/۹۸			
پشت خط زن	موفقیت	۲/۴۴			
	اجتناب از شکست	۱/۶۴	۱۲/۰۶	۲	۰/۰۰۲
	قدرت	۱/۹۲			
دفاع	موفقیت	۲/۴۴			
	اجتناب از شکست	۱/۴۸	۱۱/۷۶	۲	۰/۰۰۳
	قدرت	۲/۰۸			

نتایج جدول ۳، نشان دهنده آن است که اختلاف معناداری بین میانگین رتبه های مؤلفه های نگرش ورزشی (به تفکیک پست بازیکن) وجود دارد. جهت مقایسه توصیفی رتبه ها به جدول (۴) مراجعه شود.

جدول ۴: قیاس رتبه های مؤلفه های نگرش ورزشی (به تفکیک پست بازیکن)

رتبه ها		مؤلفه های نگرش ورزشی	
قدرت	اجتناب از شکست	موفقیت	پست بازیکن
دوم	اول	سوم	لیبرو
اول	سوم	دوم	پاسور
دوم	سوم	اول	اسپوکر قدرتی
دوم	سوم	اول	سرعتی زن
دوم	سوم	اول	پشت خط زن
دوم	سوم	اول	دفاع

براساس جدول ۴، رتبه اول مربوط به مؤلفه موفقیت، رتبه دوم مربوط به مؤلفه قدرت و رتبه سوم مربوط به مؤلفه اجتناب از شکست می باشد، اما فقط در پست لیبرو رتبه اول مربوط به مؤلفه اجتناب از شکست و در پست پاسور رتبه اول مربوط به مؤلفه قدرت است. فرضیه صفر چهارم: الویت بندی مؤلفه های جهت گیری ورزشی (به تفکیک پست بازیکن) تفاوت معناداری با هم ندارند.

جدول ۵: نتایج آزمون فریدمن درباره مؤلفه های جهت گیری ورزشی (به تفکیک پست بازیکن)

پست بازیکن	مؤلفه های جهت گیری ورزشی	میانگین رتبه	خی - دو	درجه آزادی	سطح معناداری
لیبرو	رقابت جویی	۱/۹۳			
	پیروزگرایی	۲	۰/۴۵۹	۲	۰/۸۰
	هدف گرایی	۲/۰۷			
پاسور	رقابت جویی	۱/۹۲			
	پیروزگرایی	۱/۹۰	۳/۰۴	۲	۰/۲۲
	هدف گرایی	۲/۱۹			
اسپوکر قدرتی	رقابت جویی	۱/۹۹			
	پیروزگرایی	۲/۰۴	۰/۲۴	۲	۰/۸۹
	هدف گرایی	۱/۹۷			
سرعتی زن	رقابت جویی	۱/۹۶			
	پیروزگرایی	۱/۸۹	۲/۰۸	۲	۰/۴۵
	هدف گرایی	۲/۱۵			
پشت خط زن	رقابت جویی	۱/۹۲			
	پیروزگرایی	۱/۹۰	۲	۲	۰/۳۷
	هدف گرایی	۲/۱۸			
دفاع	رقابت جویی	۱/۷۴			
	پیروزگرایی	۲/۱۲	۲/۸۵	۲	۰/۲۴
	هدف گرایی	۱/۱۴			

● نقش میانجی‌گری نگرش ورزشی در رابطه علی با جهت‌گیری ورزشی بازیکنان لیگ والیبال ایران

نتایج جدول ۵، نشان دهنده آن است که بین رتبه‌های مؤلفه‌های جهت‌گیری ورزشی (به تفکیک پست بازیکن) هیچگونه تفاوت معناداری وجود ندارد. اما با توجه به آمار به دست آمده از نظر الویت مؤلفه‌ها بر اساس پست بازیکنان تا حدودی متفاوت است. در پست لیبرو، پاسور و پشت خط زن هدف‌گرایی، دوم پیروزرگایی، رقابت‌جویی در پست اسپوکر قدرتی و دفاع، پیروزرگایی، رقابت‌جویی، هدف‌گرایی و در پست اسپوکر سرعتی، هدف‌گرایی، رقابت‌جویی، پیروزرگایی در رتبه‌های اول تا سوم قرار دارند.

فرضیه صفر پنجم: الویت بندی مؤلفه‌های سبک‌های اسنادی (به تفکیک پست بازیکن) تفاوت معناداری با هم ندارند.

جدول ۶: نتایج آزمون فریدمن درباره مؤلفه‌های سبک‌های اسنادی (به تفکیک پست بازیکن)

پست بازیکن	مؤلفه‌های سبک‌های اسنادی	میانگین رتبه	خی - دو	درجه آزادی	سطح معناداری
لیبرو	بدبینانه	۱/۸۰	۱۸/۶۷	۱	۰/۰۰۱
	خوش بینانه	۱/۲۰			
پاسور	بدبینانه	۱/۲۲	۲۴/۰۸	۱	۰/۰۰۱
	خوش بینانه	۱/۸۲			
	بدبینانه	۱/۸۴			
اسپوکر قدرتی	خوش بینانه	۱/۱۶	۳۳/۸۲	۱	۰/۰۰۱
سرعتی زن	بدبینانه	۱/۷۶	۱۵/۲۹	۱	۰/۰۰۱
	خوش بینانه	۱/۲۴			
پشت خط زن	بدبینانه	۱/۸۳	۱۸/۰۱	۱	۰/۰۰۱
	خوش بینانه	۱/۱۷			
دفاع	بدبینانه	۱/۷۸	۸/۱۷	۱	۰/۰۰۱
	خوش بینانه	۱/۲۲			

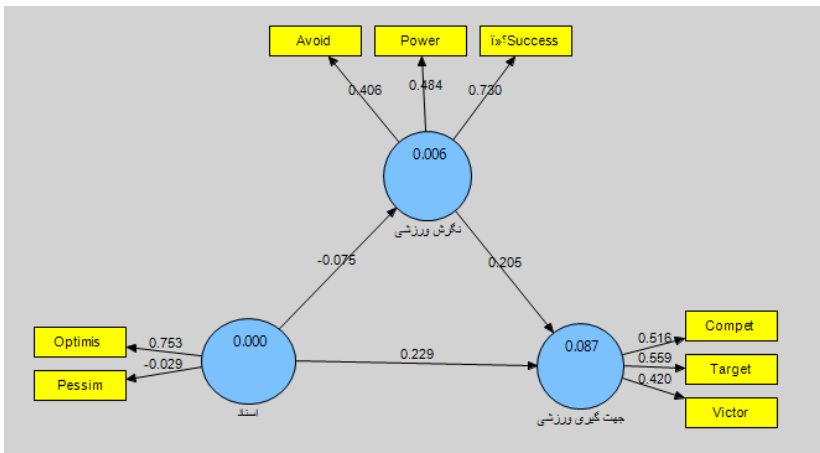
نتایج جدول ۶، نشان دهنده آن است که بین رتبه‌های مؤلفه‌های سبک‌های اسنادی (به تفکیک پست بازیکن) تفاوت معناداری وجود دارد. جهت مقایسه توصیفی رتبه‌ها به جدول بعدی مراجعه شود.

جدول ۷: قیاس رتبه‌های مؤلفه‌های سبک‌های اسنادی (به تفکیک پست بازیکن)

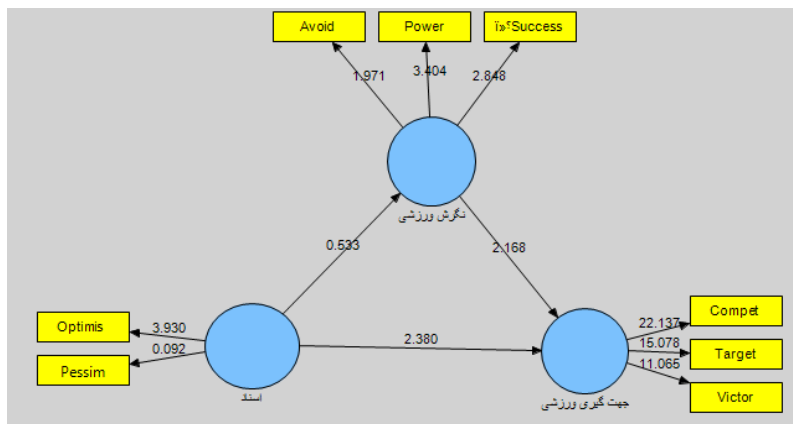
مؤلفه‌های سبک‌های اسنادی		رتبه‌ها	
پست بازیکن	بدبینانه	خوش بینانه	
لیبرو	اول	دوم	
پاسور	دوم	اول	
اسپوکر قدرتی	اول	دوم	
سرعتی زن	اول	دوم	
پشت خط زن	اول	دوم	
دفاع	اول	دوم	

بر اساس جدول بالا، رتبه اول مربوط به مؤلفه بدبینانه و رتبه دوم مربوط به مؤلفه خوشبینانه می باشد، اما در پست پاسور رتبه اول مربوط به مؤلفه خوشبینانه و رتبه دوم مربوط به مؤلفه بدبینانه است.

فرضیه ششم: مدل نقش میانجی گری نگرش ورزشی در رابطه علی سبک های اسنادی با جهت گیری ورزشی از برازش مناسب برخوردار نیست.



نمودار ۲: رابطه علی متغیرها در حالت استاندارد



نمودار ۳: رابطه علی متغیرها در حالت معناداری

جدول ۸: برازش مدل ساختاری (GOF)

نتیجه	وضعیت	ملاک	GOF
برازش مدل ساختاری به	ضعیف	۰/۰۱	۰/۲۹۵
صورت متوسط رو به	متوسط	۰/۲۵	
بالاست	قوی	۰/۳۶	

براساس جدول فوق برازش مدل ساختاری به صورت متوسط رو به بالاست. بنابراین متغیرهای برون‌زای مدل بر متغیر درون‌زای مدل اثرگذار هستند.

بر اساس نتایج به دست آمده مدل، اثر سبک‌های اسنادی بر نگرش ورزشی مثبت غیر معنادار و اثر سبک‌های اسنادی بر جهت‌گیری ورزشی و نگرش ورزشی بر جهت‌گیری ورزشی صورت مثبت و معنادار است. قدرت پیش‌بینی مدل ساختاری (پیش‌بینی متغیرهای برون‌زای سبک‌های اسنادی و نگرش ورزشی) در حد ضعیف است. به عبارتی مقدار اعتبار افزونگی برابر با $0/040$ است و چون یک عدد مثبت است، نشانگر کیفیت مناسب مدل است. به عبارتی حدود $0/06$ (6%) از اثرات متغیر سبک‌های اسنادی بر جهت‌گیری ورزشی از طریق غیر مستقیم توسط متغیر نگرش ورزشی تبیین می‌شود. همچنین افرادی که داوطلب شرکت در تمرینات سخت بودند، انگیزش موفقیت و انگیزش قدرت بالاتری نسبت به غیرداوطلبان داشتند؛ ولی از نظر انگیزش اجتناب از شکست، با یکدیگر تفاوتی را نشان ندادند.

بحث و نتیجه‌گیری

براساس نتایج بدست آمده، فقط بین نگرش ورزشی با مولفه پیروزگرایی رابطه معناداری وجود دارد. نگرش ورزشی دربرگیرنده سه محور انگیزش پیشرفت، انگیزش اجتناب از شکست و انگیزش قدرت است. ورزشکاری که از انگیزش پیشرفت بالایی بهره‌مند است، شکست را به تلاش نکردن نسبت می‌دهد و خود را مسئول اعمال خود می‌داند و باور دارد که با افزایش تلاش می‌تواند سرنوشت خود را تغییر دهد؛ بنابراین پس از شکست به تلاش بیشتری ادامه می‌دهد؛ در مقابل ورزشکاری که انگیزش اجتناب از شکست بالایی داشته باشد، به علت ترس از شکست، از شرکت در موقعیت‌های پیشرفت‌زا و رقابتی که امکان شکست در آنها وجود دارد، دوری می‌کند که به عدم ریسک‌پذیری، احساس اضطراب و درنهایت عملکرد ضعیف او منتهی می‌شود. عیدی (۱۳۹۵) در پژوهشی به بررسی رابطه انگیزه مصرف مجازی ورزشی با جهت‌گیری و هویت ورزشی، رابطه معناداری بین جهت‌گیری ورزشی و انگیزه ورزشی وجود داشت که با نتایج تحقیق همخوانی داشت. همان‌گونه که کانگ در تحقیقی در سال ۱۹۹۰ نشان داد که هر چه افراد ورزشکار، حرفه‌ای‌تر باشند، رقابت‌طلب‌تر و هدف‌گراتر خواهند بود، با توجه به اینکه آزمودنی‌های تحقیق حاضر از بهترین‌های ورزش لیگ والیبال انتخاب شده‌اند، از این رو در این تحقیق بازیکنان در پست‌های مختلف در والیبال تمایل بیشتری به پیروزی‌گرایی دارند که این تحقیق با مطالعات کازنت میهالی (۱۹۹۶) مغایرت دارد او معتقد بود که افراد با انگیزش موفقیت بالا، به رقابت به‌عنوان یک چالش می‌نگرند و از فعالیت لذت زیادی می‌برند؛ بدون توجه به اینکه در رقابت ببرند یا بازند. به اعتقاد ویلیس (۱۹۸۲) انگیزش موفقیت، به تمایل فرد به موفقیت، پرهیز از شکست و تمایل به رقابت با معیارهای برتری اطلاق می‌شود، به علاوه او معتقد است ستارگان تیم‌های ورزشی از انگیزش موفقیت بالاتری نسبت به غیرستارگان برخوردارند. این تحقیق با تحقیقات بون و بیتل (۱۹۹۷) در بررسی سبک‌های مربیگری با انسجام گروهی و موفقیت تیم‌های والیبال نتایج پژوهش حاضر نشان داد بین انسجام گروهی (انسجام تکلیف، انسجام اجتماعی) و موفقیت تیم‌ها رابطه مثبت و معنی‌داری وجود ندارد مغایرت دارد. نتایج تحقیقات دانیل آرچاک و همکاران (۲۰۰۱) نشان داد که بین جهت‌گیری ورزشی ورزشکاران زن و مرد اختلاف معنی‌داری وجود دارد. این یافته با نتایج تحقیقات امانوئل و گیل (۱۹۸۸) همخوانی دارد، اما با نتایج تحقیقات، کانگ و همکاران (۱۹۹۰)، رضانی‌نژاد و همکاران (۱۳۸۴)

که نشان دادند بین جهت گیری ورزشی مردان و زنان ورزشکار تفاوت معنی داری وجود ندارد، مغایر است. این عدم هماهنگی احتمالاً ناشی از تفاوت سطح ورزشکاران است. تحقیقات نوربخش و همکاران (۱۳۸۵) در مقایسه جهت گیری ورزشی، اگر چه در ابعاد رقابت طلبی و هدف چینی دانشجویان ورزشکار رشته های گروهی نسبت به انفرادی برتری داشتند. بین ابعاد جهت گیری ورزشی و انگیزه های رقابتی رابطه مثبت و معناداری وجود داشت. که با تحقیق حاضر همخوانی دارد. خادمی (۱۳۹۴) هدف بررسی تأثیر خوش بینی آموخته شده بر انگیزش پیشرفت و تاب آوری نوجوانان دختر انجام شد. نتایج حاصل از تحلیل نشان داد خوش بینی آموخته شده در افزایش انگیزش پیشرفت و ابعاد آن (اعتماد به نفس و پشتکار) تأثیر معنادار داشت، که با تحقیق همخوانی داشت.

با توجه به نتایج به دست آمده بین نگرش ورزشی با مولفه های سبک های اسنادی رابطه معناداری وجود ندارد. عیدی، (۱۳۹۵) در پژوهشی به بررسی رابطه انگیزه مصرف مجازی ورزشی با جهت گیری و هویت ورزشی، رابطه معناداری بین جهت گیری ورزشی و انگیزه ای ورزشی وجود داشت. که با تحقیق همخوانی داشت. و با تحقیق ابوالقاسمی و همکاران (۱۳۸۶) با عنوان ارتباط راهبردهای مقابله ای، جهت گیری هدف و اضطراب رقابتی با عملکرد ورزشی دانشجویان ورزشکار گروهی و انفرادی ورزشی دریافتند که قویترین پیش بینی کننده عملکرد ورزشی در ورزشکاران انفرادی، جهت گیری هدف و در ورزشکاران گروهی، جهت گیری هدف و اضطراب رقابتی بود همخوانی معناداری با برد گرایی ندارد و فقط با مؤلفه هدف گرایی رابطه معناداری دارد. یوسفی (۱۳۹۲) بررسی رابطه جهت گیری هدفی، فضای انگیزشی ادراک شده با شاخص های اخلاق ورزشکاری بود که نشان دهنده رابطه مثبت و معنی دار جهت گیری تکلیف گرا و همچنین فضای ادراک شده انگیزشی تکلیف مدار و رعایت قواعد اجتماعی بود. و این امر باعث درک بهتری از ورزش و اجتناب از شکست و عملکرد بهتری می شود. عیدی (۱۳۹۶) در بررسی نقش میانجی جهت گیری اهداف پیشرفت در رابطه بین کمال گرایی و عملکرد فرد، یافته ها نشان داد کمال گرایی مثبت تأثیر نیرومند معنی داری بر جهت گیری اهداف تسلط گرایی، عملکرد گرایی و عملکرد اجتناب و کمال گرایی منفی تأثیر مثبت معنی داری بر جهت گیری عملکرد گرایی و عملکرد اجتناب دارد. جمشیدی و همکاران (۱۳۹۱) هدف از پژوهش، بررسی ارتباط جهت گیری ورزشی و اضطراب رقابتی در ورزشکاران زن و مرد رشته های ورزشی تیمی و انفرادی نتایج نشان داد که جهت گیری ورزشی، اضطراب رقابتی را پیش بینی می کند. دون (۲۰۰۱) در تحقیقی پیرامون ارتباط بین درک شایستگی و ترس از شکست، نشان داد که شکست در رقابت های ورزشی می تواند منتهی به ایجاد ارزیابی منفی ورزشکار از نظر مربی، تماشاچیان و حریفان شود. ترس ورزشکار از این ارزیابی منفی، باعث افزایش انگیزش اجتناب از شکست در می شود. او در نهایت نتیجه گیری نمود که ترس از شکست و ترس از ارزیابی منفی در اجتماع، پیشگوی اضطراب حالتی و عملکرد ضعیف در ورزشکاران است. در تحقیق حاضر نگرش ورزشی که شامل سه مولفه انگیزش موفقیت، قدرت و اجتناب از شکست می باشد ارتباطی با اسناد خوشبینانه و بدبینانه ندارد و بازیکنان والیبال توجه ای به علل درونی و بیرونی ندارند. دسی و ریان (۱۹۹۹) در پژوهشی ارتباط پاداش با انگیزش ورزشکار مورد بررسی قرار می گیرد، نشان دادند که پاداش ها باعث کاهش انگیزش درونی ورزشکار می شود. برخی از محققان به بررسی اثر پاداش بر انگیزش ورزشکار پرداخته اند. در این مطالعات، انگیزش درونی مورد توجه محققان بوده است. که با

تحقیق دسی و دون همخوانی دارد. عسگری و همکاران (۱۳۹۱) در بررسی بر روی نگرش ورزشی بازیکنان گروهی اغلب موفقیت‌ها را به عوامل درونی مانند توانایی و کوشش و شکست‌هایشان را به عوامل بیرونی نسبت می‌دهند. حسینی (۱۳۹۴) یافته‌های حاصل از پژوهش رابطه سبک اسنادی و سرسختی با انگیزه پیشرفت در ورزشکاران انفرادی و گروهی بیانگر این است که متغیر کنترل پیش‌بینی‌کننده انگیزش پیشرفت در ورزشکاران است و همچنین رابطه سبک اسنادی و سرسختی با انگیزش پیشرفت در زنان بیشتر از مردان است. آنچه از این نتیجه به‌دست آمد که افراد دارای یک سیستم اسناد خودمحورانه می‌باشند که با تحقیق حاضر همخوانی ندارد.

بر طبق نتایج به دست آمده نشان‌دهنده آن است که اختلاف معناداری بین میانگین رتبه‌های مؤلفه‌های نگرش ورزشی (به تفکیک پست بازیکن) وجود دارد. رتبه اول مربوط به مؤلفه موفقیت، رتبه دوم مربوط به مؤلفه قدرت و رتبه سوم مربوط به مؤلفه اجتناب از شکست می‌باشد. اما فقط در پست لیبرو رتبه اول مربوط به مؤلفه اجتناب از شکست و در پست پاسور رتبه اول مربوط به مؤلفه قدرت می‌باشد. کهندل و همکاران (۱۳۹۰) در تحقیقات خود نشان دادند که در میزان انگیزش دستیابی به موفقیت و انگیزش توان بازیکنان والیبال جوان و بزرگسال اختلاف معنی‌داری وجود دارد؛ اما در میزان انگیزش اجتناب از شکست و انگیزش رقابت بین آنها اختلاف معنی‌داری مشاهده نشد. ارتباط معنی‌داری بین سابقه فعالیت در رشته والیبال با اجرای انگیزش در بازیکنان والیبال بزرگسال و جوان وجود نداشت. بناب، (۱۳۷۵) نیاز به کسب قدرت یعنی میل به اثرگذاری بر دیگران، میل به اعمال نفوذ و کنترل سایر افراد. کسانی که به‌شدت چنین نیازی را احساس می‌کنند، از این امر لذت خواهند برد که «مسئولیتی» را بپذیرند و در جهت اعمال نفوذ بر دیگران گام بردارند. مارشال ریو (۱۳۸۳) گرایش به اجتناب از شکست، افراد را برمی‌انگیزد تا از خود در برابر از دست دادن عزت نفس، از دست دادن احترام اجتماعی و ترس از شرمندگی دفاع کنند. باقرزاده و همکاران (۱۳۹۵) در مقایسه بین انگیزه در بازیکنان تیم‌های فوتبال برنده و بازنده نشان داد تیم‌های برنده ترس از شکست بیشتری دارند و در واقع اجتناب از شکست تسهیل‌کننده اجراست.

بین رتبه‌های مؤلفه‌های جهت‌گیری ورزشی (به تفکیک پست بازیکن) هیچگونه تفاوت معناداری وجود ندارد. اما با توجه به آمار به دست آمده از نظرات مؤلفه‌ها براساس پست بازیکنان تا حدودی متفاوت است. در پست لیبرو، پاسور و پشت خط زن هدف‌گرایی، پیروزگرایی، رقابت‌جویی در پست اسپوکر قدرتی و دفاع، پیروزگرایی، رقابت‌جویی، هدف‌گرایی و در پست اسپوکر سرعتی، هدف‌گرایی، رقابت‌جویی، پیروزگرایی در رتبه‌های اول تا سوم قرار دارند. مرادی و همکاران (۱۳۹۰) در تحقیقی با عنوان «مقایسه جهت‌گیری ورزشی دانشجویان ورزشکار دانشگاه‌های کرمان» دریافتند که بین ابعاد جهت‌گیری ورزشی دانشجویان ورزشکار اولویت و ترتیب خاصی به صورت معنی‌دار وجود دارد که ابعاد ۱. هدف‌گرایی ۲. رقابت‌طلبی ۳. میل به پیروزی بدست عوامل وابسته به آن هستند. ولی تفاوت معنی‌داری در اولویت جهت‌گیری ورزشی دانشجویان با توجه به ویژگی جنسیت، رشته ورزشی تیمی یا انفرادی و سابقه کسب مقام مشاهده نشد که با تحقیق همخوانی داشت. جمشیدی و همکاران (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان «بررسی ارتباط جهت‌گیری ورزشی و اضطراب رقابتی در ورزشکاران زن و مرد رشته‌های ورزشی تیمی و انفرادی»، دریافتند که مردان ورزشکار رقابت‌طلب‌تر بودند و تمایل به پیروزی

بیشتری نسبت به زنان ورزشکار داشتند، درحالی که زنان ورزشکار هدف گراتر از مردان ورزشکار بودند. اما بین جهت گیری ورزشی ورزشکاران رشته‌های تیمی و انفرادی تفاوت معنی داری مشاهده نشد. که با تحقیق همخوانی داشت. کانگ (۱۹۹۰) در تحقیقی نشان داد که هر چه افراد ورزشکار، حرفه ای تر باشند، رقابت طلب تر و هدف گراتر خواهند بود. کانگ و همکاران (۱۹۹۰)، رضانی نژاد و همکاران (۱۳۸۴) نتایج تحقیقات، نشان دادند بین جهت گیری ورزشی مردان و زنان ورزشکار تفاوت معنی داری وجود ندارد، مغایر است. این عدم هماهنگی احتمالاً ناشی از تفاوت سطح ورزشکاران است. کانگ و هانی، (۱۹۸۰)، ابعاد جهت گیری ورزشی را در میان ورزشکاران و غیرورزشکاران تایوانی را بررسی کرد و دریافت که ورزشکاران به طور معنی داری در رقابت طلبی، هدف گرایی و تمایل به پیروزی نمره‌های بیشتر دارند. که با تحقیق همخوانی نداشت. اسکوردیلیس و همکاران (۲۰۰۶) در پژوهش خود به مقایسه جهت گیری ورزشی در ورزشکاران رشته بسکتبال با ویلچر پرداختند. نتایج پژوهش وی حاکی از تفاوت معناداری بین ابعاد مختلف جهت گیری بود که با تحقیق فوق همخوانی نداشت.

الویت‌بندی مؤلفه های سبک های اسنادی (به تفکیک پست بازیکن)، نشان دهنده آن است که بین رتبه مؤلفه های سبک های اسنادی (به تفکیک پست بازیکن) تفاوت معناداری وجود دارد. براساس جدول، رتبه اول مربوط به مؤلفه بدبینانه و رتبه دوم مربوط به مؤلفه خوشبینانه می باشد. اما در پست پاسور رتبه اول مربوط به مؤلفه خوشبینانه و رتبه دوم مربوط به مؤلفه بدبینانه می باشد. کامرون و بانکو (۲۰۰۱) در تحقیقی فراتحلیلی باعنوان «اثرات منفی پاداش بر انگیزش درونی»، گزارش دادند که ارائه پاداش، باعث کاهش انگیزش درونی ورزشکار می شود. آنها عنوان کردند که پاداش برای وظایفی که نسبت به آنها علاقه کمی وجود دارد، باعث ایجاد انگیزش درونی می شود. در وظایفی که علاقه زیادی به انجام آنها وجود دارد، ارائه پاداش شغاهی برای ایجاد انگیزش کافی است. همچنین آنان نتیجه گرفتند که پاداش وقتی اثرات منفی دارد که به وظایف مورد علاقه و توجه فرد، پاداش محسوس ارائه شود. شهر آرای و همکاران (۲۰۰۵) در مطالعه رابطه بین سبک‌های اسنادی و انگیزه پیشرفت، نتایج نشان دادند: (۱) بین انگیزه و پیشرفت در هر دو جنس رابطه مثبت معنادار وجود دارد؛ (۲) بین سبک‌های اسنادی برای حوادث خوب و حوادث بد در ابعاد درونی، بیرونی، کلی - اختصاصی و پایدار- ناپایدار با پیشرفت تحصیلی رابطه‌ای به دست نیامد؛ (۳) بین انگیزه پیشرفت و سبک‌های اسنادی برای حوادث خوب در ابعاد درونی - بیرونی، کلی - اختصاصی و پایدار- ناپایدار رابطه مثبت معنادار و بین انگیزه پیشرفت با سبک‌های اسنادی برای حوادث بد در بعد درونی - بیرونی رابطه منفی معنادار بود؛ (۴) بین انگیزه پیشرفت با سبک‌های اسنادی برای حوادث بد در ابعاد پایدار- ناپایدار و کلی - اختصاصی رابطه‌ای مشاهده نشد.

در مورد اثر سبک های اسنادی بر نگرش ورزشی مثبت غیر معنادار و اثر سبک های اسنادی بر جهت گیری ورزشی و نگرش ورزشی بر جهت گیری ورزشی صورت مثبت و معنادار است. قدرت پیش بینی مدل ساختاری (پیش بینی متغیرهای برون زای سبک های اسنادی و نگرش ورزشی) در حد ضعیف است. به عبارتی مقدار اعتبار افزونگی برابر با ۰/۴۰ است و چون یک عدد مثبت است، نشانگر کیفیت مناسب مدل است. عبدی (۱۳۹۶) هدف در بررسی نقش میانجی جهت گیری اهداف پیشرفت در رابطه با عملکرد در کمال گرایی مثبت تأثیر نیرومند معنی داری بر جهت گیری اهداف تسلط-گرایش، عملکرد - گرایش و عملکرد اجتناب و کمال گرایی منفی تأثیر

مثبت معنی‌داری بر جهت‌گیری عملکرد - گرایش و عملکرد - اجتناب دارد؛ همچنین کمال‌گرایی مثبت تأثیر مثبتی بر عملکرد دارد. علاوه بر این جهت‌گیری هدف تسلط - اجتناب و عملکرد - اجتناب تأثیر معنی‌دار منفی بر عملکرد تحصیلی دارند. در نهایت یافته‌ها نشان داد که جهت‌گیری هدف عملکرد - اجتناب در رابطه بین کمال‌گرایی مثبت و عملکرد نقش میانجی داشته و موجب کاهش تأثیر مثبت کمال‌گرایی مثبت بر عملکرد فرد می‌شود. همچنین جهت‌گیری عملکرد اجتناب در رابطه کمال‌گرایی منفی و عملکرد نقش میانجی داشته و موجب شده است که ضریب تأثیر کل منفی باشد. ویلیس و لیان (۱۹۸۹) در تحقیقی بازیکنان فوتبال کالج را از نظر سه مقیاس انگیزشی مرتبط با رقابت، یعنی انگیزش موفقیت، انگیزش اجتناب از شکست و انگیزش قدرت بررسی کردند. نتایج نشان داد ستارگان از نظر انگیزش موفقیت و انگیزش اجتناب از شکست، نسبت به غیرستارگان، امتیاز بالاتری داشتند؛ اما این تفاوت از نظر انگیزش قدرت معنی‌دار نبود. محققان بالاتر بودن انگیزش اجتناب از شکست را در ستارگان، غیرمنتظره دانستند و علت آن را به سابقه نسبتاً ضعیف موفقیت در این تیم‌ها نسبت دادند. در مجموع، محققان میزان بالاتر انگیزش اجتناب از شکست را در این مطالعه عاملی برای دستیابی به موفقیت ذکر کردند (تا به عنوان عاملی بازدارنده). نتایج نشان داد افرادی که در تیم باقی ماندند، نسبت به آنهایی که تیم را ترک کردند، انگیزش موفقیت بالاتری دارند؛ اما از نظر انگیزش اجتناب از شکست و انگیزش قدرت، در این مورد تفاوت معنی‌داری مشاهده نشد. همچنین افرادی که داوطلب شرکت در تمرینات سخت بودند، انگیزش موفقیت و انگیزش قدرت بالاتری نسبت به غیرداوطلبان داشتند؛ ولی از نظر انگیزش اجتناب از شکست، با یکدیگر تفاوتی را نشان ندادند.

خودباوری مهمترین عامل برای توسعه گرایش به موفقیت است، زیرا که یکی از قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌های موفقیت و پیشرفت در انجام وظیفه است. تحقیقات نشان داده‌اند که تجربه‌های قبلی فرد از موفقیت، یکی از مهم‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌های خودباوری است. بنابراین مربی برای افزایش خودباوری، باید فرصت‌ها را برای موفقیت به حداکثر برساند و وظایف کاری را به اجزاء قابل کنترل و کوچک‌تر تقسیم کند. در این صورت، فرد می‌تواند تجربه‌های موفق کوچک‌تری را از این راه کسب کند و که این خود باعث ایجاد اعتماد به نفس و انگیزش درونی در او می‌شود؛ همچنین برای افزایش خودباوری، مربیان باید ابعاد رفتاری و شناختی رفتار فرد را مورد توجه قرار دهند و با به کارگیری اصول درمانی در زمینه‌های شناختی و رفتاری و آموختن مهارت‌های لازم، فرد را برای چالش و مبارزه با افکار منفی تجهیز کند. بومن (۲۰۰۱) در مطالعاتی که دانشمندان به دنبال یافتن عامل یا عوامل برانگیزاننده بوده‌اند، با عنوان نظریه‌های محتوایی مطرح شده‌اند. نظریه سلسله مراتب نیازهای مازلو، نظریه دوجنبه‌ای مک‌گریگور، نظریه انگیزش موفقیت اتکینسون، نظریه مک‌کللند، نظریه انگیزش بهداشت هرزبرگ و نظریه سه‌گانه آلدرفر، از نظریه‌های محتوایی هستند. نظریه اسنادی به نگرش‌ها و باورهای ایجاد کننده انگیزش پیشرفت توجه کرده است. براساس این نظریه نسبت دادن علت شکست و پیروزی به عوامل درونی و بیرونی و با ثبات و بی‌ثبات بر انگیزش موفقیت و انگیزش اجتناب از شکست ورزشکار موثر است. نظریه اهداف پیشرفت رویکردی شناختی به انگیزش پیشرفت است که بر روی هدف‌هایی تمرکز دارد که افراد در موقعیت‌های پیشرفت اختیار می‌کنند. بر اساس این نظریه افراد با یکی از دو برداشت مربوط به توانایی، به انجام تکلیف می‌پردازند و این برداشت بر ادراک و باورهای آنها در مورد فعالیت اثر می‌گذارد. در افراد تکلیف‌گرا نمایش توانایی بر مبنای حداکثر تلاش فرد نسبت به خود است. در

افراد خودگرا نحوه نمایش توانایی او در مقایسه با دیگران اهمیت دارد و فرد ترغیب می‌شود برای رسیدن به هدف کمتر تلاش می‌کند. جهت گیری هدفی، الگوی یکپارچه ای از باورهاست که فرد براساس آن در باره شایستگی خود قضاوت میکند. نتایج نشان داد که بین خوش بینی و نگرش به زندگی با جهت گیری هدفی، رابطه معنی دار و مثبتی وجود دارد. اما بین متغیرهای دیگر ارتباط وجود نداشت. غزیلی و همکاران (۱۳۹۶) طبق مبانی نظری و پژوهشی افراد دلبسته ناایمن توانایی تنظیم هیجاناتشان را به طور درونی و با استفاده از راهبردهایی که برای کاهش و مدیریت فشارهای تجربه نشده، رشد یافته اند را ندارند. انطباق ویژگی های صفتی شاگردان با شیوه های آموزش و تمرین مهارت های ورزشی مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. یافته ها به وضوح بیان می کنند فراگیران مهارت سرویس والیبال با داشتن خودپنداره بدنی بالا و انجام تمرین به روش خودتنظیم بیشترین میزان اکتساب و یادگیری مهارت را خواهند داشت صفوی و همکاران (۱۳۹۵). افرادی که مسئولیت اتفاق هایی که در زندگی برای آنها می افتد به قدرت های دیگر مثل سرنوشت - شانس - فرصت نسبت می دهند و احساس می کنند که پاداش و یا مجازات تحت کنترل این قدرتها می باشد. این افراد برون گرا هستند. سوکانی (۲۰۱۶) مطالعه رابطه بین سبک های اسنادی و انگیزه پیشرفت با پیشرفت نتایج نشان دادند: (۱) بین انگیزه پیشرفت و اسناد در هر دو جنس رابطه مثبت معنادار وجود دارد؛ (۲) بین سبک های اسنادی برای حوادث خوب و حوادث بد در ابعاد درونی، بیرونی، کلی - اختصاصی و پایدار- ناپایدار با پیشرفت تحصیلی رابطه ای به دست نیامد؛ (۳) بین انگیزه پیشرفت و سبک های اسنادی برای حوادث خوب در ابعاد درونی - بیرونی، کلی - اختصاصی و پایدار- ناپایدار رابطه مثبت معنادار و بین انگیزه پیشرفت با سبک های اسنادی برای حوادث بد در بعد درونی - بیرونی رابطه منفی معنادار بود؛ (۴) بین انگیزه پیشرفت با سبک های اسنادی برای حوادث بد در ابعاد پایدار- ناپایدار و کلی - اختصاصی رابطه ای مشاهده نشد شهر آرای (۲۰۰۵). در تحقیقات گذشته بر روی پست ورزشی بازیکنان بررسی های محدودی انجام گرفته است و در این تحقیق بازیکنان والیبال را بر اساس پست آنها مورد بررسی قرار دادیم.

منابع

- ابوالقاسمی، عباس و آریاپوران، سعید. (۱۳۹۶). «ارتباط راهبردهای مقابله‌ای، جهت‌گیری هدف و اضطراب، رقابتی با عملکرد ورزشی دانشجویان ورزشکار گروهی و انفرادی». پژوهش در علوم ورزشی. شماره ۱۳، صص ۱۵-۱۴۱.
- احمدی، طاهر؛ غباری بناب، باقر و آذرنییاد، آرش. (۱۳۹۵). «اثر بخشی بازآموزی اسنادی بر انگیزه پیشرفت و سبک اسنادی دانش آموزان با اختلال یادگیری». مجله روانشناسی و روان پزشکی شناخت. سال ۳، شماره ۴، صص ۹۷-۱۱۰.
- اسلامی، موسی؛ یارمحمدزاده، پیمان و صادقی، ولی‌اله. (۱۳۹۶). «رابطه جهت‌گیری هدف و راهبرد خودنظارتی با سبک‌های اسنادی دانش آموزان سوم متوسطه ناحیه (۲) شهر اصفهان». پایان‌نامه دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی.
- باقرزاده، فضل‌الله؛ هادیان، معصومه؛ غفوری یزدی، مهدی و آزادی، آرزو. (۱۳۹۵). «مقایسه صفات انگیزشی ورزشکاران ماهر و مبتدی ورزش‌های انفرادی و تیمی در چند رشته ورزشی منتخب». رشد و یادگیری حرکتی _ ورزشی. دوره ۸، شماره ۴، صص ۵۶۳-۵۷۴.
- بهرام، عباس؛ شفیع زاده، محسن؛ خلجی، حسن و صنعتکاران، افسانه. (۱۳۹۱). «تعیین اعتبار و پایایی پرسشنامه ورزش گرای». پژوهشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی.
- پیرموسی، اکبر؛ عرب عامری، الهه؛ علیزاده، نرجس و سلمانیان، افشین. (۱۳۹۲). «ارتباط جهت‌گیری ورزشی و اضطراب رقابتی در ورزشکاران شرکت‌کننده در دهمین المپیاد ورزشی دانشجویی». دوره ۴، شماره ۱، صص ۳۷-۵۵. DOI: 10.22059/jmlm.2012.25074
- قلی‌پور، نورالله. (۱۳۹۱). «مبانی نظری انگیزش در یادگیری». دومین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روانشناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگی. تحقیقات آموزشی از دانشگاه تهران.
- کریمی، مریم؛ حیدری نژاد، صدیقه؛ شفیع نیا، پروانه و نوروزی، علی محمد. (۱۳۹۴). «بررسی ارتباط بین رفتار رهبری مربیان با انگیزش موفقیت و اجتناب از شکست در بازیکنان زن تیم‌های والیبال». پژوهش‌های کاربردی در مدیریت ورزشی. سال ۳، شماره ۴ (۱۲ پیاپی)، صص ۲۱-۳۳.
- Abdi, H. (1396). "The Mediator of the Orientation of Progress in the Relationship between Perfectionism and Performance". Article 3, Volume 10, Issue 39, winter 2013, Page 53-68. (Parsian).
- Abdoli, Behrouz. (1388). "Psychosocial basics of physical education and sports". Tehran: morning. (Parsian).
- Abolqasemi, Abbas. Aryapuran, Saeed. (1386). "The relationship between coping strategies, goal orientation and anxiety, competitive with the athletic performance of individual and group athlete students". Journal of Research in Sport Sciences, No. 13.141- P. 15. (Parsian).
- Allen, G. G., Tressure, D. C., & Balague, G. (2017). "Achievement goals in sport: the development and validation of the perception of success Questionnaire". Journal of sports science, 16, 337-347.
- Asari Asra, Fallah Zain al-Abedin, Askari, Bobby San, (1391). "Comparison of Ali's attributes of instructors and athletes of

- Islamic Azad universities in the 11th District after success and failure".** Academic degree. (Persian).
- Bagherzadeh, Fazlollah, Hadian, Masoomah, Ghafouri Yazdi, Mehdi, Azadi, Azeroo. (1395). **"Comparison of motivational traits of skilled and athletic athletes of individual and team sports in selected sporty sports"**. Growth and learning-motor-exercise, Period 8, Number 4, pp. 574-563. (Persian).
 - Barari, Mohammad Esmaeili, Hassan, Kesari, Zahra. (1396). **"The Relationship between Self-efficacy and Exercise-Driven Exercise"**. Women's Studies, 2 (7), 45-61. (Persian).
 - Bonab, Mahilyodin. (1375). **Psychology of Motivation and Emotion**. Tehran: Dana. (Persian).
 - Bowman, M, Flower, N, Machuga, J. and et al. (2001). **"Motivations differences between group and individual athletic teams' participation in intercollegiate and intramural sport"**. Journal sport and exercise psychology, 23, p: 26.
 - Cameron, J., & Banko, K. M. (2001). **"Pervasive Negative effect of rewards on intrinsic motivation"**. The Behavior Analyst, 24, 1-4.
 - Carron, A. V. (2000). **"Cohesion in sport teams and exercise groups: An overview of 15 years of research"**. Paper presented at the congress International de la SFPS, Paris.
 - Daniel R. Czech, et al. (2002). **"An exploratory investigation of optimism, pessimism and sport orientation among NCAA division I college athletes"**. International Sports Journal / summer. (Persian).
 - Deci, E. L., & Ryan, R. M. (1999). **"A Meta analytic review of experiments examining the effect of extrinsic reward on intrinsic motivation"**. Psychology Bulletin, 125, 627-668.
 - Edi Hossein, Abbasi Homayoun, Jalvand, Elham. (1395). **"A study on the relationship between the motivation of sport virtual consumption and the orientation and sport identity of secondary school students in the city of Nahavand"**. State dissertation: Ministry of Science, Research and Technology, Razi University, Faculty of Physical Education and Sport Sciences.
 - Edmonds, W. (2015). **"The Role of Collective Efficacy in Adventure Racing Teams, Small Group Research"**. Thousand Oaks, 40(2), 163-175.
 - Emmanuel, K. (2001). **"Sport orientation and goal perspective of wheelchair athletes"**. Human Kinetics Publishers, Inc, 19; PP: 304-315.
 - Feltz, D. L., Short, S. E., & Sullivan, P. J. (2015). **"Effects of self-efficacy on physical activity enjoyment in college-aged women"**. International Journal of Behavioral Medicine, 14(2), 92-96.
 - Ghazili, Beautiful, Makvandi, Behnam, Naderi, Farah. (1396). **"The Relationship between Attachment Styles, Emotional Intelligence and Attitude towards Life; A Purpose Orientation in Ahwaz Man Athletes"**. Summer 1396 - Issue 18 (20 pages - from 239 to 258). (Persian).
 - Gholipour, Abbas, Khajavi, Dariush. (2012). **"Evaluation of documentary styles and its role in motivating elite athletes of elite sportsmen from athletes and coaches"**. Master's Degree in Physical Education Faculty, University of Tehran, p. 71. (Persian).
 - Gill, D. L., & Deeter, T. E. (1988). **"Development of the sport orientation questionnaire"**. Research Quarterly for Exercise and Sport, 59(3), 191-202

- Hanin, Y. L. (1980). **"A study of anxiety in sport"**. Sport psychology an analysis of athlete behavior. PP: 236-249.
- Horn, T. S. (1992). **Leadership effectiveness in the sport domain. Advances in sport psychology**. Champaign, IL: Human Kinetics.
- Sharif, F. B. (1394). **"Relationship Structure and Progressive Stiffness in Individual and Group Athletes"**. Article published in the first National Conference on Sport Sciences and Physical Education of Iran. Psychology Quarterly, 4th Edition. (Persian).
- Islam Mohammad Ali, Freedom Yadullah, Gharreza Zandi Hassan, Emadeddin, Zainabsadat. (2013). **"The Relationship between Optimism of Self-efficacy with the Motivation of Athletic Development in Physical Education Students"**. Article 6, Volume 8, Issue 32, Page 111-132. (Persian).
- Jamshidi Akbar, Arab Ameri Elahe, Alizadeh Narjes, Salmanian, Afshin. (2012). **"Relationship between sport orientation and competitive anxiety of athletes participating in the 10th Olympic sporting Olympiad"**. Exercise and motor-sport learning (movement), from p.37- p. 55. (Persian).
- Jowett, S., & Ntoumanis, N. (2014). **"The Coach-Athlete Relationship Questionnaire (CART – Q): Development and initial validation Scandinavian"**. Journal of Medicine and Science in Sports, 14, 245-257.
- Kang, L., Gill, D., et al. (1990). **"Competitive orientations among athlete and non athlete in Taiwan"**. International Journal of Sport Psychology, 21; PP: 146-157.
- Karimi, Maryam, Sedigheh Heydarinezhad, Parvaneh Shafiinia, Nowroozi, Ali Mohammad. (1394). **"The Relationship between Leadership Behavior Behaviors with Succeeding Motivation and Avoiding Bargaining in Female Players of Volleyball Teams"**. Applied Research in Sport Management (3rd Year, 4th Edition) Continuing, spring 1394, pp. 21-33. (Persian).
- Khademi, Moluk, Zahdahi, Mohammad. (1394). **"The Effect of Optimism Learned on the Achievement Motivation and Academic Resilience of Girl's"**. Adolescents. Article 6, Volume 1, Issue 2, summer 1394, pp. 80-65. (Persian).
- Kohandal, Mehdi, Noorbakhsh, Mahvash, Mohammadi, Parviz. (2011). **"Comparison of Motivating Competition of Young Elite Volleyball Competitors"**. Journal of Sport Sciences / Third Year, Seventh. (Persian).
- Moradi Fili, Amir Hossein, Sheikh Mahmud, Sajjadi Seyyed Ahmad, Perazar, Morteza. (2011). **"Comparison of sports orientation of athlete students of Kerman universities, the first national conference on new achievements in the development of sports and physical education, Gorgan, Islamic Azad University, Gorgan, Iran"**. Journal of Psychological Studies Sports Sports. Issue 14. (Persian).
- Noorbakhsh, Parivash, Zarghami, Mehdi, Hasani, Saeed. (2006). **"Comparison of sport orientation of male and female students of individual and group disciplines participating in the 7th Olympiad of Sport and its relationship with competitive motivation"**. Journal title: Movement -, Serial number 30; from page 103 to page 121. (Persian).

- Ramezani, Khosrow. (2015). **"The Impact of Documentary Tutorial on Student Attitudes"**. Applied Research in Psychology: No. 2, pp. 74-78.
- Ramezani, Khosrow, Shahn Yaylagh, Manjeh. (1393). **"The Effect of Documentary Retraining on Optimism, Learned Helplessness, Academic Performance and Documentary Styles of Elementary Students in Ahwaz"**. Ph.D. in Educational Psychology, Shahid Chamran University of Ahvaz. (Persian).
- Ramezani Nejad Rahim, Horni Nader, Khaleghi Arani Hussein, Sadeghi Abbas (2005). **"Comparison of Sports Orientation of Athlete Students of Guilan University"**. Article 7, Volume 24, Number 24 - Successive Number 416. (Persian).
- Safavi Hemami, Shila, Nazakat Al-Husseini, Maryam, Abedi, Elham. (1395). **"Physical self-concept interaction with self-regulated instructor training in acquisition, retention and transfer of an athletic skill in girls aged university"**. Exercise-learning and motor-exercise learning, 4th, pp: 716-699. (Persian).
- Samadi, Masoumeh. (2012). **"The Relationship between Motivational Orientation and Learning Strategies in Explaining Academic Achievement"**. Quarterly Journal of Educational Strategies Volume 5, Issue 2, summer 2012- Pages: 111-105. (Persian).
- SUCAN1, Serdar, Mehmet, Behzat TURAN1, Osman, PEPE1, Barış KARA OGLU1, Doğan, DOĞAN2. (2016). **"The Relationship of Assertiveness and Locus of Control with Learning Styles of the Physical Education and Sports School Students"**. International Journal of Science Culture and Sport: 4 (Special Issue 1 ISSN: 2148-1148. (Persian).
- Skordilis, E. K., Skafida, F. A., Chrysagis, N., and Nikitaras, N. (2006). **"Comparison of sport achievement orientation of male wheelchair basketball athletes with congenital and acquired disabilities"**. Perceptual and Motor Skills, 103. pp: 726-732.
- Willis, J. D. (1998). **"Three scales to measure competition-related motives in sport"**. Journal of Sport, 237-250.
- Willis, Joe. D. (1982). **"Three scales to measure competition-related motives in sport"**. Journal of Sport Psychology, 4, 338-353.
- Yousefi, Bahram, Hosni, Zohreh, Bahrami, Farid. (2012). **"Relationship between goal orientation, perceived motivational atmosphere and athletic ethics in young athletes"**. Sports Journal of Economics and Marketing, Volume 1, Issue 1, Page 107-118. (Persian).

الگوهای ذهنی بازیکنان لیگ فوتبال ایران در زمینه عملکرد تیمی با روش کیو

رمضان کریمی^۱

سعید صادقی بروجردی^۲

بهرام یوسفی^۳



10.22034/SSYS.2022.744.1506

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۱/۲۹

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۸/۴/۱۵

پژوهش حاضر با هدف شناسایی الگوهای ذهنی فرآیند عملکرد تیمی در بازیکنان لیگ دسته اول فوتبال ایران انجام گرفت. این پژوهش با دیدمان تلفیقی (کیفی-کمی) و با استفاده از روش شناسی کیو انجام شد. تالار گفتمان پژوهش را ۱۸ نفر (۶ نفر از اساتید صاحب نظر رشته مدیریت ورزشی، ۶ نفر از مربیان با سابقه و ۶ نفر از بازیکنان موفق و با تحصیلات لیسانس و بالاتر) تشکیل دادند که به صورت هدفمند انتخاب شدند. جامعه آماری پژوهش شامل بازیکنان تیم های لیگ دسته اول فوتبال کشور بودند که تعداد ۲۱ نفر به صورت قضاوتی هدفمند و بر اساس سابقه بازی آن ها انتخاب گردیدند. بر اساس مصاحبه های انجام شده و مرور ادبیات تحقیق، ۳۶ گزاره کیو استخراج و در قالب یک پرسشنامه متشکل از ۳۶ کارت و یک نمودار کیو در اختیار بازیکنان مورد مطالعه قرار گرفت که میزان موافقت یا مخالفت خود را با آن ها مشخص نمایند. براساس نتایج حاصل از تحلیل عاملی اکتشافی نوع کیو ذهنیت مشارکت کنندگان در ۵ عامل: انگیزش تیمی، کیفیت تیمی، یادگیری تیمی، مهارت تیمی و تصمیم گیری تیمی به عنوان شاخصه های ارزیابی فرآیند عملکرد

۱- دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران

۲- استاد، گروه تربیت بدنی، دانشگاه کردستان، کردستان، ایران (نویسنده مسئول)

E-mail: Sboroujerdi@gmail.com

۳- دانشیار، گروه تربیت بدنی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران

● الگو های ذهنی بازیکنان لیگ یک فوتبال ایران در زمینه عملکرد تیمی با روش کیو

تیمی دسته‌بندی گردید که این الگوها در مجموع ۶۲/۲۸ درصد واریانس کل را تبیین می کنند. براساس نتایج پژوهش حاضر به مدیران سیستم ورزش کشور پیشنهاد می شود جهت ارزیابی عملکرد مربیان و تیم های ورزشی علاوه بر رده بندی پایان فصل و اهداف نتیجه ای دیگر شاخصه های فرآیند عملکردی مانند الگوهای شناسایی شده این پژوهش را نیز در نظر داشته باشند.

واژگان کلیدی: نگرش ذهنی، فرآیند عملکرد تیمی، لیگ فوتبال ایران و روش کیو.

مقدمه

ارزیابی و بررسی عملکرد در قسمت های مختلف صنعت ورزش از جمله مسائل مهمی است که امروزه توجه بسیاری از محققان را به خود جلب کرده است (روحانی، ۱۳۹۹: ۲). با این وجود یکی از نکات قابل توجه و مهم در ارزیابی و اندازه گیری عملکرد تیم ها توسط مدیران باشگاه ها و سازمان های برگزار کننده، توجه یک جانبه به عملکرد ورزشی تنها بر مبنای نتایج مسابقات و عدم توجه کافی به سایر عوامل و شاخصه های فرآیند عملکرد تیمی می باشد (کریمی، ۱۳۹۷: ۱۶۸).

ارزیابی عملکرد اغلب در سه سطح فردی، تیمی و سازمانی مورد بررسی قرار می گیرد. سنجش عملکرد در سطح تیم سازوکار لازم را برای بهره مندی از توان تیم در دست یابی به اهداف سازمان و هم سویی اهداف فردی، تیمی و سازمانی را فراهم می کند. با این حال ارزیابی عملکرد تیم متفاوت از ارزیابی عملکرد فردی می باشد و ارزیابی عملکرد تیم مشکل تر از ارزیابی عملکرد افراد است (آرمسترانگ^۱، ۱۳۹۷: ۱۵۶). اندازه گیری عملکرد تیم، اولین گام برای ارزیابی اعتبار الگوهای پیش بینی عملکرد و بهبود آن هاست که این الگوها درصدد گسترش درک و فهم فعلی از تیم ها و تئوری کار تیمی می باشند (معايير حقیقی فرد و همکاران، ۱۳۸۷: ۳۴). در زمینه اهمیت اندازه گیری عملکرد بعضی از محققان تاثیر مثبت ارزیابی عملکرد را در جهت ارائه عملکرد بهتر کارکنان از طریق ایجاد انگیزش در آن ها مورد تایید قرار داده اند (ایدویو^۲، ۲۰۱۷). مهم ترین دلایل اهمیت اندازه گیری عملکرد برای تیم ها عبارتند از: ۱- معیارهای اندازه گیری عملکرد، یک اثر متمرکز کنندگی و برانگیزانندگی بر فرآیندهای تیمی دارند. ۲- اندازه گیری عملکرد، بازخورد لازم را برای تصمیم گیری، تشخیص مشکل و اصلاحات را فراهم می کند. ۳- اندازه گیری عملکرد، مبنای یادگیری تیمی و بهبود مستمر است (هانت^۳، ۲۰۰۱).

سنجش عملکرد تیم، روش های عملی را برای یک تیم فراهم می کند تا عملکرد، پویایی و اثربخشی خود را ارزیابی کند (معايير حقیقی فرد و همکاران، ۱۳۸۷: ۳۴). در ایران مانند سایر کشورها، آماده سازی تیم ها برای هر فصل همواره مقادیر زیادی از منابع مادی و غیرمادی را طلب می کند. اما بسیاری از باشگاه ها با وجود صرف هزینه های هنگفت در پایان فصل نتایج لازم را بدست نمی آورند و عملکرد مطلوبی ندارند، و از طرفی دیگر مدیران باشگاه ها جهت سنجش عملکرد تیم ها فقط رتبه بندی پایان فصل مسابقات را در نظر می گیرند (سلیمانی دامنه، ۱۳۹۳: ۱۰۸) و دیگر عوامل مرتبط مانند کیفیت، کارایی، اثربخشی و سایر ابعاد و اهداف فرآیندی عملکرد تیمی آن ها نادیده گرفته می شود (سلیمانی دامنه، ۱۳۹۳: ۱۰۸). این در حالی است که در طرح جامع ارزیابی عملکرد، منظور از سنجش عملکرد توجه به هردو بعد نتایج و فرآیندهای عملکرد تیمی می باشد (سلطانی، ۱۳۹۰: ۲). تلول و همکاران^۴ (۲۰۰۶) معتقدند که برای بررسی دقیق عملکرد ورزشی تنها ارزیابی اهداف نتیجه ای کافی نیست و باید به اهداف فرآیندی نیز توجه کرد. عملکرد تیمی، بیانگر سنجه هایی از موفقیت یا اقدام مورد نیاز، برای دست یابی به نتایج مطلوب

1. Armstrong
2. Idowu
3. Hunt
4. Thelwell et al.

تیم و سازمان می‌باشد (کلبو^۱، ۲۰۰۳). عملکرد می‌تواند به عنوان مجموعه‌ای از پارامترها یا شاخص‌ها تعریف شود که به صورت مکمل هستند و گاهی وقت‌ها متباین و بیانگر فرآیندی است که از طریق آن انواع مختلف پیامدها و نتایج به دست می‌آید (نلی^۲، ۲۰۰۷).

تبیین ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های عملکردی برای درک چگونگی ارزیابی عملکرد در سطح تیم ضروری است (رضائیان و گنجعلی، ۱۳۹۶: ۲۹۳). با وجود رویکرد های مختلف موجود در زمینه های الگوسازی و پیش بینی عملکرد تیمی، اهمیت اندازه گیری عملکرد و ابعاد آن انکارناپذیر است. یکی از چالش های محققان همواره آن بوده است که منظور خود را از عملکرد تیم روشن سازند (سلطانی، ۱۳۹۰: ۵). ادبیات وسیع موجود در زمینه ارزیابی عملکرد تیم ها در برگیرنده ابعاد متعددی از عملکرد می باشد. حتی تصمیم گیری تیم ها نیز به عنوان نوعی عملکرد در نظر گرفته می شود (معايير حقیقی فرد و همکاران، ۱۳۸۷: ۳۳). پژوهشگران مختلف، ابعاد متعددی برای عملکرد تیمی در نظر گرفته اند. تامپسون معیارهای ارزیابی سنجش عملکرد مؤثر تیم‌های کاری را به چهار شکل: ۱- بهره وری تیم ۲- رضایت تیم ۳- رشد فردی اعضای تیم و ۴- عواید سازمانی ارائه داد (تامپسون^۳، ۲۰۰۲). چانگ^۴ (۱۳۸۵) راهنمای عملی بسیار مفیدی در زمینه‌های سنجش عملکرد تیم و ابزار کمی و کیفی آن ارائه می دهد. وی اشاره می کند که برای سنجش مؤثر، آنچه را که اهمیت دارد بسنجید و از دو بعد از نیازهای تیم آگاه شوید، اول: اهداف تیم و شاخص های ارزیابی موفقیت تیمی، دوم: پویایی و ارتباط تیمی. وست^۵ (۲۰۰۴) جهت ارزیابی عملکرد تیمی ۶ مؤلفه: انگیزه تیم، ترکیب تیم، روابط بین فردی، کوشش، استراتژی مناسب و اثر بخشی را مورد ارزیابی قرار داده است (کوپر و ساتر^۶، ۲۰۱۱ به نقل از مایکل وست). لی^۷ (۲۰۰۹) در مطالعه ای به ارزیابی عملکرد در لیگ های حرفه ای ورزش کره پرداخت. در این پژوهش میانگین تماشاگر و درصد برد به عنوان خروجی یا عملکرد در نظر گرفته شده است. جاردین^۸ (۲۰۱۰) در پژوهشی به ارزیابی عملکرد باشگاه های فوتبال فرانسه پرداخته است. در این پژوهش از امتیازات کسب شده و گردش مالی فصل برای محاسبه ارزیابی عملکرد استفاده شده است. هوئگل و پاربوتیه^۹ (۲۰۰۷) برای بررسی کیفیت کار تیمی، شش بعد ارتباط، هماهنگی، تعادل، کمک های اعضا، حمایت متقابل و انسجام را مطرح کرده اند. آرمسترانگ و بارون^{۱۰} (۲۰۰۵) سنجه‌های مربوط به فرآیند در تیم را عواملی چون مشارکت و ایفای نقش، ارتباط های شفاهی، تلاش جمعی و همکاری، حل تعارض، برنامه ریزی و هدفگذاری و سنجه های مربوط به نتایج را عواملی چون رضایت مشتری، کمیت و کیفیت کارها، دانش فرآیند و دستیابی به هدف دانسته است. لوی و ویلیامز^{۱۱} (۲۰۰۴) نیز متغیرهای تعهد سازمانی، انسجام و همبستگی، رابطه رئیس و مرئوس و رهبری را به عنوان عوامل فرآیندی ذکر کرده اند. در حوزه پژوهش های داخلی، خلیلی و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان شناسایی مؤلفه ها و شاخص های عملکرد تیمی در

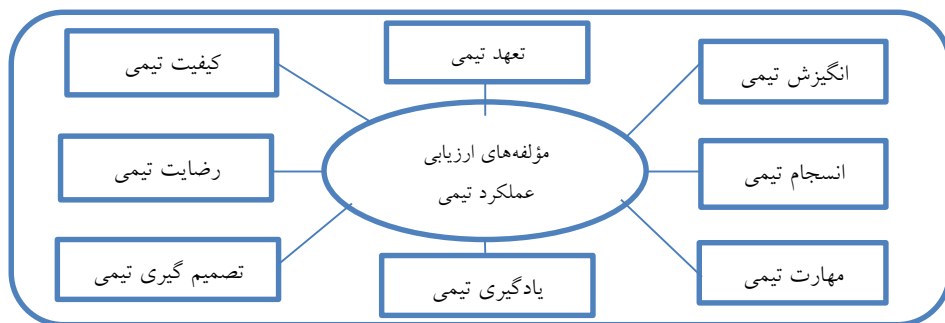
1. Kelbaugh
2. Neely
3. Thompson
4. Chang
5. west
6. Cooper & Sutter
7. Lee
8. Jardin
9. Hoegle & Parboteeah
10. Armstrong & Baron
11. Levy & Williams

سازمان‌های دولتی ایران ۴ مؤلفه رهبری و هدفگذاری، همکاری و مشارکت، تحقیق و توسعه و اخلاق تیمی را شناسایی نمودند. همچنین شاخص‌های عملکرد تیمی را در دو دسته، شاخص‌های فرآیند تیمی (رهبری اثر بخش، هماهنگی، پژوهش تیمی، کیفیت تیمی، تصمیم‌گیری تیمی، یادگیری تیمی) و شاخص‌های نتایج تیمی (رضایت تیمی، تعهد تیمی، بهره‌وری، کارایی) قرار دادند (خلیلی و همکاران، ۱۳۹۴: ۶۲). سرایی و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی تحت عنوان ارزیابی عملکرد تیم‌های حرفه‌ای فوتبال در لیگ برتر ایران چهار معیار تعداد تماشاگران، میانگین امتیازات پنج فصل قبل، تعداد برد خارج از خانه و امتیازات فصل در حال برگزاری (پانزدهم) را جهت ارزیابی عملکرد مورد بررسی قرار دادند. قانع‌نیا و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان تأثیر آموزش رفتارهای رهبری اصیل بر افزایش عملکرد کارکنان شاخص‌های کمیت، کیفیت و اثر بخشی را جهت سنجش عملکرد کارکنان مورد بررسی قرار دادند. ندیمی و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهش خود برای ارزیابی عملکرد تیمی کارکنان، مؤلفه‌های کیفیت، دست‌یابی به اهداف، کارایی و رضایت مشتریان را مورد سنجش و بررسی قرار دادند. بعضی از محققین عملکرد تیم و اثر بخشی تیم را به جای یکدیگر به کار برده‌اند (معايير حقیقی و همکاران، ۱۳۸۷: ۳۳). ساندستورم و مک‌آینتیر^۱ (۲۰۰۰) به چهار بُعد از اثر بخشی تیم اعتقاد دارند: عملکرد، رضایت اعضا، یادگیری تیم و رضایت خارجی (رضایت هواداران، سهامداران، مدیریت). بتمن و همکاران^۲ (۲۰۰۲) جهت سنجش اثر بخشی تیم‌های کاری از یک الگوی شش بعدی شامل هم‌افزایی، اهداف عملکردی، مهارت‌ها، استفاده از منابع، نوآوری و کیفیت استفاده نمودند.

از آنجایی که ورزشکاران به عنوان یکی از عوامل اصلی تأثیرگذار بر عملکرد تیمی محسوب می‌شوند؛ در نتیجه، با شناسایی ادراکات، ویژگی‌های رفتاری و عملکردی آنها می‌توان نقش این عوامل را در ایجاد اتحاد، انسجام، پویایی، کیفیت و بهبود عملکرد مشخص کرد (فیلیپ و همکاران^۳، ۲۰۱۱). همچنین، این بررسی‌ها اطلاعات تازه‌ای را در اختیار مربیان، ورزشکاران، مدیران ورزش و سایر دست‌اندرکاران ورزشی در داخل کشور قرار می‌دهد تا در صورت به کارگیری صحیح عناصر مورد نیاز، قادر باشند سریع‌تر و بهتر به اهداف ورزشی که همانا رسیدن به موفقیت و عملکرد بهتر است، دست یابند (زردشتیان و خزایی، ۱۳۹۶: ۲۱۸). تحقیقات زیادی در زمینه ارزیابی عملکرد و شناسایی مؤلفه‌های آن صورت گرفته با این وجود تا کنون مطالعه‌ای در خصوص شناسایی الگوهای ذهنی بازیکنان در زمینه فرآیند عملکرد تیمی با روش کیو انجام نگرفته است. لذا در این پژوهش محققان به دنبال شناسایی ابعاد و شاخصه‌های دیگری غیر از نتایج تیمی یعنی فرآیند تیمی و آن هم بر مبنای شناسایی نگرش ذهنی بازیکنان و استفاده از روش‌شناسی کیو بودند. روش کیو ابزاری مناسب برای شناسایی الگوهای ذهنی جهت انجام هرچه بهتر این پژوهش به نظر می‌رسد (تایلن و همکاران^۴، ۲۰۰۸). در این تحقیق تلاش می‌شود که نگرش و ذهنیت ورزشکاران تیم‌های فوتبال لیگ دسته اول ایران در زمینه فرآیند عملکرد تیمی مطالعه شود (خوشگویان فرد، ۱۳۹۲: ۲۱). به همین دلیل، از روش کیو که ابزاری توانمند در آشکارسازی ذهنیت افراد نسبت به یک پدیده است (خوشگویان فرد، ۱۳۹۲: ۲۱)، برای بررسی

1. Sundstrom & McIntyre
2. Bateman et al.
3. Philippe et al.
4. Tielen

نگاه ورزشکاران به فرآیند عملکرد تیمی استفاده می شود. با توجه به موارد مذکور، پژوهشگران در پژوهش حاضر در پی شناسایی الگوی ذهنی غالب بازیکنان فوتبال لیگ دسته اول ایران در زمینه مؤلفه های فرآیندی عملکرد تیمی می باشند. با توجه به مطالعات صورت گرفته سایر پژوهش ها و ادبیات تحقیق، مدل مفهومی پژوهش به شکل زیر ارائه می گردد (شکل ۱).



شکل ۱: مدل مفهومی تحقیق

روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر که با دیدمان تلفیقی (کیفی-کمی) انجام شد از نظر هدف کاربردی، به لحاظ ماهیت از نوع تحقیقات اکتشافی، از نظر افق زمانی، مقطعی و از نظر روش گردآوری داده ها کیفی از نوع کیو می باشد. اگر هدف محقق در یک مطالعه سنجش افکار، نگرش ها، اعتقادات و ادراکات فردی باشد، مناسب ترین راهکار، مطالعه نظام مند ترکیبی، مانند روش کیو می باشد (تایلن و همکاران، ۲۰۰۸). روش کیو بدنبال یافتن دیدگاه های ذهنی افراد مانند احساسات، عقاید و باورهای ذهنی می باشد (لی^۱، ۲۰۱۷؛ واس و همکاران^۲، ۲۰۱۹) و روشی منحصر به فرد برای کشف دیدگاه های انسانی است (زابالا و همکاران^۳، ۲۰۱۸) منحصر به فرد بودن این روش به دلیل (الف) شناسایی طیف وسیعی از دیدگاه های ذهنی در مورد یک موضوع خاص و (ب) فراهم نمودن هر دو اطلاعات کمی و کیفی در دیدگاه های فردی و گروهی می باشد (لیبن و همکاران^۴، ۲۰۱۸). هدف اصلی این روش شناخت الگوهای ذهنی است، نه شمارش تعداد افرادی که تفکرات مختلفی دارند. از این نظر، می توان گفت روش یادشده روشی کیفی است، اما از آنجا که برای تجزیه و تحلیل داده ها از تحلیل عاملی و تحلیل مؤلفه های اصلی استفاده می شود، این روش به نوعی روش کمی نیز محسوب می شود به همین دلیل روش کیو را روش ترکیبی (کمی-کیفی) می نامند (خوشگویان فرد، ۱۳۹۲: ۱۰). تالارگفتمان پژوهش حاضر شامل ۱۸ نفر (۶ نفر از اساتید صاحب نظر دانشگاهی رشته مدیریت ورزشی دارای پیشینه مطالعات در زمینه موضوع پژوهش حاضر، ۶ نفر از مربیان دارای سابقه مربیگری بالای ۱۵ سال و با کسب عملکرد خوب و ۶ نفر از بازیکنان موفق با تحصیلات لیسانس و بالاتر، معرفی شده توسط مربیان تیم ها) بودند، که به روش نمونه گیری

1. Lee
2. Vaas et al.
3. Zabala et al.
4. Lien et al.

هدفمند (روش نمونه برداری غیر احتمالی) به عنوان نمونه انتخاب شدند. برای تحلیل داده های آماری از روش شناسی کیو و تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شده است. در این مطالعه جهت آشکارسازی الگوهای ذهنی، ۵ مرحله مختلف روش کیو طی شده است (واست و استنر^۱، ۲۰۱۲). ۱- ایجاد فضای گفتمان و مجموعه کیو. در این مرحله، گزینه های مجموعه کیو از طریق انجام مصاحبه نیمه ساختارمند با اعضای تالار گفتمان (۱۸ نفر) تدوین شدند. و از بین مجموعه ای بزرگ از گزینه های بالقوه، تعداد مناسبی از عبارات، از کل دیدگاه ها، در زمینه فرآیند عملکرد تیمی انتخاب شد و با ارزیابی، ویرایش و حذف عبارات مشابه و تکراری، کاهش ابهام معانی، جمله بندی ها اصلاح گردید. در این مرحله یعنی انتخاب عبارت نمونه کیو، ابتدا ۴۸ عبارت برگزیده حاصل شد که با همکاری گروه تحقیق و افراد شرکت کننده در تالار گفتمان و حذف گویه های تکراری و همسان به ۳۶ عبارت کاهش یافتند. سپس هریک از گویه ها به طور جداگانه بر روی کارت هایی هم شکل و هم اندازه، نوشته شد و به این ترتیب طراحی نهایی کارت ها کیو، صورت گرفت. برای کسب اطمینان از روایی محتوایی، علاوه بر طی فضای گفتمان و انجام اصلاحات مورد نظر، از روش آزمون روایی نسبی محتوا با استفاده از شاخص CVR^۲ استفاده گردید (حاجی زاده و اصغری، ۱۳۹۷: ۳۹۹). برای تعیین CVR از ۱۲ نفر از اعضای هیات علمی گرایش مدیریت ورزشی درخواست گردید گویه هایی نهایی کیو (۳۶ گویه) را براساس طیف سه قسمتی «ضروری است»، «مفید ولی غیر ضروری» و «غیر ضروری» بررسی نمایند، سپس پاسخ ها براساس فرمول (۱) محاسبه گردید.

$$(1) \text{CVR} = \frac{n_E - \frac{N}{2}}{\frac{N}{2}}$$

با توجه به این که تعداد پاسخ دهندگان ۱۲ نفر بود، بر اساس جدول CVR، ضریب CVR باید بیش از ۰/۵۶ باشد. چون ضریب CVR محاسبه شده ۰/۶۳ به دست آمد می توان گفت که ابزار گردآوری داده ها در این پژوهش از روایی مناسبی برخوردار است. ۲- انتخاب مشارکت کنندگان. برای انتخاب افراد مشارکت کننده سعی گردید که از مرتبط ترین افراد با موضوع مورد مطالعه، استفاده شود بدین منظور افراد شرکت کننده بر اساس سابقه بازی و داشتن عملکرد مطلوب توسط مربیان تیم ها معرفی گردیدند. در خصوص تعداد افراد شرکت کننده، پیشنهاد های متفاوتی در منابع مختلف ذکر شده است. برخی منابع تعداد بین ۲۰ تا ۸۰ شرکت کننده، و برخی دیگر حداکثر نصف تعداد عبارات کیو را ذکر نموده اند. لذا معیار قطعی جهت تعیین تعداد مشارکت کنندگان وجود ندارد (دانایی فرد و همکاران، ۱۳۹۲: ۶۲). در این مطالعه پس از مشورت با صاحب نظران در روش شناسی کیو، تعداد ۲۱ نفر از بازیکنان لیگ دسته اول فوتبال کشور (فصل ۹۵-۹۶) به صورت هدفمند در نظر گرفته شدند. ۳- مرتب سازی کیو. در این مرحله برای جدول رتبه بندی عبارات کیو از توزیع شبه نرمال که شکل استاندارد جدول رتبه بندی در روش شناسی کیو می باشد، در قالب توزیع اجباری، استفاده شد. به این معنا که شکل و توزیع کارت ها از قبل مشخص شده بود و شرکت کنندگان را ملزم می نمود که مشخص نمایند که هر یک از عبارات کیو طبق طیف (خیلی موافقم یا خیلی مخالفم) تا چه حد در مورد آنها صدق می کند (نمودار ۱).

1. Watts & Stenner

2. Content Validity Ratio

نمودار ۱: ارزش گذاری متوازن نظر سنجی در روش کیو

نمودار کیو پژوهش حاضر (نمودار ۱) حاوی ۳۶ خانه می باشد و بازه رتبه بندی از «-۵» برای خیلی مخالف تا «+۵» برای خیلی موافق انتخاب شده و عدد صفر (مبین بی نظر) در میانه بازه قرار گرفته است. از شرکت کنندگان خواسته شد که ۳۶ عبارتی که برای انجام پژوهش تدوین شدند را بخوانند و آنها را در سه دسته تقسیم کنند در دسته اول ۱۵ عبارتی که با آنها موافق هستند و در دسته دوم ۱۵ عبارتی که با آنها مخالف هستند. در دسته سوم نیز ۶ عبارتی که نه با آنها موافق هستند و نه مخالف قرار دهند. در ادامه از شرکت کنندگان خواسته شد ۱۵ عبارتی که با آن موافق هستند را بر اساس شدت موافقت از +۵ تا +۱ مرتب کنند به گونه ای که شماره عبارتی که با آن بیشترین میزان موافقت را داشتند در خانه زیر +۵ و دو عبارتی بعدی که موافقت بیشتری با آن دارند را در زیر خانه های +۴ و بقیه عبارات را بر همین اساس قرار دهند و همین عمل را برای ۱۵ عبارتی که با آن مخالف هستند انجام دهند و ۶ عبارتی را که با آن نه موافق و نه مخالف هستند در ۶ خانه زیر عدد صفر ثبت کنند. پس از تکمیل کارت های کیو پایایی ابزار پژوهش با روش آلفای کرونباخ میزان ۰/۸۶ محاسبه شد که این مقدار نشان دهنده اعتماد بالای عبارات کیو و نتایج مرتب سازی آنها در نمودار کیو است. ۴- در گام چهارم، یعنی تحلیل آماری داده ها به منظور شناسایی ذهنیت های مشابه بین مشارکت کنندگان، از روش تحلیل عاملی کیو که اصلی ترین روش برای تحلیل ماتریس داده های کیو است، استفاده گردید. مبنای این روش همبستگی میان افراد است (خوشگویان فرد، ۱۳۹۲: ۶۷). ۵- در گام پنجم نیز تفسیر عامل ها (ذهنیت ها) صورت گرفت به این معنا که به کمک نرم افزار آماری SPSS نسخه ۱۹ و بر پایه ماتریس عاملی چرخش یافته و محاسبه امتیازهای عاملی، تفسیر عامل های استخراج شده، انجام گردید.

یافته های پژوهش

در جدول ۱، خلاصه ویژگی های توصیفی مشارکت کنندگان در مرتب سازی کیو بیان شده است:

جدول ۱: ویژگی های جمعیت شناختی مشارکت کنندگان پژوهش

متغیر	سطح	فراوانی	درصد
سن	زیر ۲۲ سال	۲	۹/۵
	۲۲ تا ۲۵ سال	۳	۱۴/۳
	۲۶ تا ۲۹ سال	۸	۳۸/۱
	۳۰ سال به بالا	۸	۳۸/۱
	دیپلم	۳	۱۴/۳
تحصیلات	کاردانی	۷	۳۳/۳
	کارشناسی	۹	۴۲/۹
	ارشد و بالاتر	۲	۹/۵
	۵ تا ۱۰ سال	۶	۲۸/۶
سابقه ورزشی	۱۱ تا ۱۶ سال	۸	۳۸/۱
	۱۷ سال به بالا	۷	۳۳/۳

بر اساس داده‌ها، میانگین سن بازیکنان نمونه پژوهش ۲۶/۷۱ سال و در دامنه سنی ۲۰ تا ۳۵ سال قرار داشتند که دارای میانگین سابقه ورزشی ۱۴/۰۹ بودند. ۹/۵ درصد از آن‌ها نیز دارای تحصیلات ارشد و بالاتر بودند.

پس از این که تمامی نمودار کيوها تکمیل شدند، داده‌ها به صورت مناسب به نرم افزار SPSS نسخه ۱۹ وارد شده و مورد تحلیل عاملی قرار گرفتند. در ادامه جدول همگنی هر نمودار کيو ذکر شده است (جدول ۲).

جدول ۲: جدول همگنی نمودارهای کيو

مشارکت کنندگان	مقدار همگنی	مشارکت کنندگان	مقدار همگنی	مشارکت کنندگان	مقدار همگنی
۱	۰/۶۸	۸	۰/۵۰	۱۵	۰/۷۲
۲	۰/۷۶	۹	۰/۷۰	۱۶	۰/۷۲
۳	۰/۶۳	۱۰	۰/۵۷	۱۷	۰/۴۵
۴	۰/۷۶	۱۱	۰/۵۹	۱۸	۰/۵۵
۵	۰/۵۶	۱۲	۰/۷۱	۱۹	۰/۵۸
۶	۰/۴۰	۱۳	۰/۶۸	۲۰	۰/۶۰
۷	۰/۶۶	۱۴	۰/۵۹	۲۱	۰/۵۸

جدول همگنی (۲) نشان می‌دهد که عامل‌های شناسایی شده تا چه میزان قادر به بیان دیدگاه مشارکت کنندگان هستند. یعنی اینکه هر چه میزان همگنی بالاتر باشد، شرکت‌کننده مورد نظر ذهنیت عام‌تری نسبت به موضوع دارد و نقش دیدگاه‌های او در عامل‌های شناسایی شده بیشتر است (دانایی فرد و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۰۳). در این مطالعه جهت شناسایی نگرش‌های ذهنی بازیکنان لیگ یک فوتبال ایران نسبت به ابعاد فرآیند عملکرد تیمی از تحلیل عاملی اکتشافی نوع کيو به روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی استفاده شد (جدول ۳).

جدول ۳: مقدار ویژه و درصد واریانس انباشته عامل‌های چرخیده

عامل	مقدار ویژه	درصد واریانس مقدار ویژه	درصد تجمعی واریانس
۱	۴/۲۷	۲۰/۳۵	۲۰/۳۵
۲	۲/۵۴	۱۲/۱۳	۳۲/۴۸
۳	۲/۵۰	۱۱/۹۳	۴۴/۴۲
۴	۲/۲۸	۱۰/۸۶	۵۵/۲۸
۵	۱/۴۷	۷/۰۰	۶۲/۲۸

نتایج ارائه شده در جدول ۳ نشان می‌دهد که نگرش‌های بازیکنان لیگ دسته اول فوتبال ایران در مطالعه حاضر در ۵ عامل با مقدار ویژه بالاتر از یک طبقه‌بندی شده است. براساس روش تحلیلی شاخص‌های اصلی و چرخش به شیوه واریمکس و با توجه به ماتریس عاملی و درصد واریانس تبیین شده از مجموع ۳۶ سوال، ۵ عامل استخراج گردید و به دلیل عقاید مشابه و اشتراک نظرات، در دسته بندی‌های مجزا قرار گرفتند. این ۵ عامل روی هم ۶۲/۲۸ درصد کل واریانس‌های متغیرها (دیدگاه‌های مشترک شرکت کنندگان) را پوشش می‌دهد. نتایج جدول ۳ بیانگر آن است که ذهنیت ۲۰/۳۵ درصد از مشارکت‌کنندگان در چارچوب عامل اول و ۷ درصد

● الگو های ذهنی بازیکنان لیگ یک فوتبال ایران در زمینه عملکرد تیمی با روش کیو

ذهنیت شرکت‌کنندگان به عامل ششم، اختصاص داشته است. همان طوری که مشاهده می‌شود عامل اول با مقدار ویژه ۴/۲۷ بیشترین سهم در تبیین واریانس های کل نگرش ها و عامل آخر با مقدار ویژه ۱/۴۷ کمترین سهم در تبیین واریانس های کل نگرش ها ی بازیکنان فوتبال لیگ دسته اول در زمینه فرآیند عملکرد تیمی پژوهش مورد مطالعه را دارد. در جدول ۴، تعداد ۳۶ گزاره و امتیازهای عاملی بدست آمده برای هر ۵ الگوی ذهنی نمایش داده شده است.

جدول ۴: امتیاز عاملی گزاره‌ها در ذهنیت‌های شناسایی شده

ردیف	گزاره	ذهنیت ۱	ذهنیت ۲	ذهنیت ۳	ذهنیت ۴	ذهنیت ۵
۱	تلاش مضاعف اعضای تیم جهت رسیدن به هدف تیمی	۱/۸۸	۰/۸۰	۱/۳۲	۱/۳۵	۰/۵۳
۲	حس مشترک تیمی درباره هدف	۰/۲۰	-۰/۵۷	-۱/۸۴	۰/۶۲	۰/۲۰
۳	ارتباط اثربخش مدیریت باشگاه و کادر فنی در جهت تلاش بیشتر اعضا تیم	-۱/۱۲	۰/۸۱	۰/۹۰	۱/۳۰	-۰/۱۰
۴	استفاده اعضا از بهترین توانایی‌شان برای رسیدن به موفقیت	۰/۲۰	۱/۶۷	-۱/۰۷	-۱/۲۹	۱/۰۴
۵	آموزش کافی به اعضا تیم	-۰/۸۹	-۰/۶۷	-۰/۶۵	۱/۷۹	-۱/۰۷
۶	اعمال تاکتیک‌های مورد نیاز در جهت بهبود مهارت‌های تیمی	۰/۳۵	-۱/۶۳	-۰/۹۵	۱/۲۵	۰/۶۴
۷	فرآیند منظم جهت تعیین و شناسایی نیازهای آموزشی و توسعه‌ای تیم	-۱/۲۲	۰/۳۰	-۱/۸۴	۰/۷۸	-۰/۶۴
۸	اهمیت آموزش منظم و علمی برای اعضای تیم	-۰/۷۶	۱/۲۹	۰/۷۷	۰/۵۷	۰/۹۲
۹	اشتیاق اعضای تیم نسبت به روش‌های جدید تمرینی	۱/۱۱	۰/۳۹	۰/۵۹	۰/۹۳	۰/۲۱
۱۰	تشویق حرکات خلاقانه تیم از سوی باشگاه و کادر فنی	۰/۳۴	-۰/۹۵	۰/۵۴	-۰/۴۵	-۱/۶۹
۱۱	استفاده از تکنولوژی جدید جهت رسیدن به هدف تیمی	-۰/۸۷	۰/۱۰	۱/۵۷	-۱/۸۵	-۰/۶۰
۱۲	اهمیت استفاده از فرآیند حل مسئله به منظور یادگیری و رشد تیمی	-۱/۰۸	۰/۲۳	۰/۰۶	-۰/۳۴	-۰/۰۴
۱۳	ارائه ایده‌های جدید به منظور بهبود عملکرد تیمی	-۰/۸۸	۰/۱۴	۱/۱۵	۰/۲۳	۱/۴۸
۱۴	استفاده از استانداردهای روشن و تعریف شده جهت فعالیت‌های درون	-۰/۵۸	۱/۷۳	-۲/۰۲	-۰/۲۳	-۰/۱۹
۱۵	بازخورد منظم نتیجه نظارت و استانداردها به اعضای تیم	۰/۰۶	-۱/۱۲	-۰/۴۴	-۰/۸۶	-۱/۵۰
۱۶	بررسی و کنکاش منظم علل ناکامی	۰/۶۷	-۱/۱۸	-۰/۲۴	۰/۵۵	-۰/۸۱

۱۷	احساس رضایت کافی اعضا از کار تیمی	۰/۲۴	۰/۱۵	۰/۷۳	-۱/۹۸	۰/۴۸
۱۸	ایجاد انگیزه ناشی از مهم بودن هدف تیمی	۱/۹۹	۱/۴۱	۰/۰۵	-۰/۶۱	-۰/۷۲
۱۹	اهداف تیم چالش برانگیز و قابل دست یابی	-۱/۱۹	-۰/۱۰	-۰/۰۶	۰/۰۶	-۰/۵۷
۲۰	دریافت بازخورد روشن از عملکرد تیمی	-۱/۰۴	-۲/۱۱	۱/۱۷	۰/۴۲	۰/۴۰
۲۱	انگیزه رسیدن به اهداف با اعطای پاداش های مادی	۱/۳۷	۰/۷۳	۰/۱۴	۰/۲۶	-۱/۰۸
۲۲	آگاهی اعضای تیم از نقش مؤثرشان در مجموعه ی تیم	-۰/۸۶	۰/۲۷	-۱/۴۹	۰/۶۹	-۱/۱۷
۲۳	اهمیت اهداف بلند مدت نسبت به نتایج مقطعی	۰/۳۹	-۱/۲۰	۰/۶۶	۰/۳۰	-۱/۰۲
۲۴	ارائه بازخورد ناشی از کیفیت کار تیمی به اعضا تیم	۰/۵۲	۱/۷۶	-۰/۳۶	-۰/۱۵	۰/۶۲
۲۵	تقدم اهداف تیمی بر اهداف فردی	۰/۶۹	-۱/۳۵	-۰/۴۸	-۱/۰۲	۰/۳۰
۲۶	ضرورت برنامه های جدید جهت نیل به اهداف بلند مدت تیم	-۰/۲۳	۰/۱۸	۰/۷۳	۱/۵۳	-۰/۴۱
۲۷	اهمیت پیوسته به یادگیری و آموزش در تیم	-۰/۱۹	-۱/۱۲	۱/۶۱	۰/۶۴	۰/۷۳
۲۸	آگاهی اعضای تیم به اهمیت یادگیری	-۱/۱۲	۰/۶۱	۰/۷۲	-۰/۵۵	-۰/۳۳
۲۹	اعطای مزایا و پاداش برای افراد یاد دهنده و یاد گیرنده	-۰/۶۷	-۰/۰۲	-۱/۱۶	۰/۱۳	-۰/۵۴
۳۰	یادگیری و تغییر واکنش اعضای تیم نسبت به بازخوردها	-۱/۰۳	-۱/۰۵	-۰/۹۷	۰/۴۸	۰/۵۴
۳۱	داشتن احترام و پذیرش نسبت به تصمیمات تیمی	۰/۰۳	-۱/۱۶	-۰/۰۰۴	-۰/۸۰	۱/۵۷
۳۲	همراهی اعضا تیم با تصمیم گیری اکثریت	-۰/۹۰	۰/۶۹	۰/۳۰	-۰/۷۱	۰/۷۹
۳۳	مشارکت اعضا تیم در تصمیم گیری	-۱/۱۷	۰/۳۰	-۱/۰۱	-۰/۱۰	-۱/۹۶
۳۴	تشویق اعضا تیم در جهت مشارکت در تصمیم گیری	۰/۰۹	-۰/۹۳	-۰/۴۴	-۱/۰۵	-۱/۴۶
۳۵	بیان نظرات به بازیکنان به صورت روشن و دقیق	۰/۷۸	-۰/۹۶	-۰/۷۶	-۰/۷۷	۱/۸۸
۳۶	ابراز هیجانات و احساسات مثبت مربی به تیم	۱/۸۰	-۰/۲۵	-۰/۸۹	-۰/۹۸	۰/۵۷

درگام بعدی جهت تفسیرعاملی، گزاره‌های دارای امتیازات عاملی بالای ۰/۷، مبنای مقایسه و تفسیر دیدگاه‌ها قرار گرفتند. در عمده مطالعات روش شناسی کیو، امتیاز عاملی بالای ۰/۷ مهم و معنادار در نظر گرفته شده است (میرک زاده و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۵). با توجه به تحلیل داده‌ها در نرم افزار SPSS و نتیجه حاصل از آن، در نهایت ۵ الگوی ذهنی (انگیزش تیمی، کیفیت تیمی، یادگیری تیمی، مهارت تیمی و تصمیم گیری تیمی) شناسایی و با توجه به ماهیت گزاره‌ها نام‌گذاری شدند (جدول ۵).

جدول ۵: گزاره‌های دارای امتیاز عاملی

ردیف	گزاره	امتیاز عاملی	عنوان عامل
۱	ایجاد انگیزه ناشی از مهم بودن هدف تیمی	۱/۹۹	انگیزش تیمی
۲	تلاش مضاعف اعضای تیم جهت رسیدن به هدف تیمی	۱/۸۸	
۳	ابراز هیجانات و احساسات مثبت مربی به تیم	۱/۸۰	
۴	انگیزه رسیدن به اهداف با اعطای پاداش‌های مادی	۱/۳۷	
۵	اشتیاق اعضای تیم نسبت به روش های جدید تمرینی	۱/۱۱	
۶	ارائه بازخورد ناشی از کیفیت کار تیمی به اعضا تیم	۱/۷۶	
۷	استفاده از استاندارد های روشن و تعریف شده جهت فعالیت‌های درون تیمی	۱/۷۳	
۸	استفاده اعضا از بهترین توانایی شان برای رسیدن به موفقیت	۱/۶۷	کیفیت تیمی
۹	اهمیت آموزش منظم و علمی برای اعضای تیم	۱/۲۹	
۱۰	احساس رضایت کافی اعضا از کار تیمی	۰/۷۳	
۱۱	اهمیت پیوسته به یادگیری و آموزش در تیم	۱/۶۱	
۱۲	استفاده از تکنولوژی جدید جهت رسیدن به هدف تیمی	۱/۵۷	
۱۳	دریافت بازخورد روشن از عملکرد تیمی	۱/۱۷	
۱۴	آگاهی اعضای تیم به اهمیت یادگیری	۰/۷۲	
۱۵	آموزش کافی به اعضا تیم	۱/۷۹	یادگیری تیمی
۱۶	ضرورت برنامه‌های جدید جهت نیل به اهداف بلند مدت تیم	۱/۵۳	
۱۷	ارتباط اثربخش مدیریت باشگاه و کادر فنی در جهت تلاش بیشتر اعضا تیم	۱/۳۰	
۱۸	اعمال تاکتیک‌های مورد نیاز در جهت بهبود مهارت‌های تیمی	۱/۲۵	
۱۹	فرآیند منظم جهت تعیین و شناسایی نیازهای آموزشی و توسعه‌ای تیم	۰/۷۸	
۲۰	بیان نظرات به بازیکنان به صورت روشن و دقیق	۱/۸۸	
۲۱	داشتن احترام و پذیرش نسبت به تصمیمات تیمی	۱/۵۷	تصمیم گیری تیمی
۲۲	ارائه ایده‌های جدید به منظور بهبود عملکرد تیمی	۱/۴۸	
۲۳	همراهی اعضا تیم با تصمیم گیری اکثریت	۰/۷۹	

براساس نتایج ارائه شده در جدول ۵ در ادامه به توصیف پنج نگرش فرآیند عملکرد تیمی بازیکنان مورد مطالعه که در نتیجه انجام تحلیل عاملی اکتشافی نوع کیو به دست آمده، پرداخته می‌شود.

عامل اول: انگیزش تیمی

افراد قرار گرفته در این الگو، «ایجاد انگیزه ناشی از مهم بودن هدف تیمی»، «تلاش مضاعف اعضای تیم جهت رسیدن به هدف تیمی»، «ابراز هیجانات و احساسات مثبت مربی به تیم»، «انگیزه رسیدن به اهداف با اعطای پاداش‌های مادی» و «اشتقاق اعضای تیم نسبت به روش‌های جدید تمرینی»، را مهم‌ترین دیدگاه‌ها و معنادارترین نظرات درباره فرآیند عملکرد تیمی معرفی نمودند، چرا که این الگو (۵ گزاره) بیشترین مقدار ویژه (۴/۲۷ درصد) و بالاترین مقدار واریانس تبیین شده (۲۰/۳۵ درصد) را از مجموع واریانس ۶۲/۲۸ به خود اختصاص داده است.

عامل دوم: کیفیت تیمی

اعضای تشکیل دهنده این الگو (عامل) ذهنی، با انتخاب گزاره‌های «ارائه بازخورد ناشی از کیفیت کار تیمی به اعضای تیم»، «استفاده از استاندارد‌های روشن و تعریف شده جهت فعالیت‌های درون تیمی»، «استفاده اعضا از بهترین توانایی‌شان برای رسیدن به موفقیت»، «اهمیت آموزش منظم و علمی برای اعضای تیم» و «احساس رضایت کافی اعضا از کار تیمی» معتقد به توجه به کیفیت کار تیمی به عنوان یکی از ابعاد فرآیند عملکرد تیمی می‌باشند. در این الگوی ذهنی ۵ گزاره قرار گرفته است که توانسته اند با دارا بودن مقدار ویژه (۲/۵۰)، ۱۱/۹۳ درصد واریانس فرآیند عملکرد تیمی را به خود اختصاص دهد.

عامل سوم: یادگیری تیمی

کسانی که نمودار کیو آن‌ها، عامل سوم را تشکیل داده است. به دلیل وجود صفات و ویژگی‌های مشترک میان آن‌ها در شمار گروه ذهنی یادگیری تیمی قرار گرفته اند. از دید این افراد، «اهمیت پیوسته به یادگیری و آموزش در تیم»، «استفاده از فناوری جدید جهت رسیدن به هدف تیمی»، «دریافت بازخورد روشن از عملکرد تیمی»، «آگاهی اعضای تیم به اهمیت یادگیری» از مهم‌ترین عواملی هستند که باید در بعد یادگیری تیمی مربوط به فرآیند عملکرد تیمی باید مدنظر قرار گیرد. در این الگوی ذهنی ۴ گزاره قرار گرفته است که توانسته اند با دارا بودن مقدار ویژه (۲/۵۴)، ۱۲/۱۳ درصد واریانس فرآیند عملکرد تیمی را به خود اختصاص دهد.

عامل چهارم: مهارت تیمی

«آموزش کافی به اعضا تیم»، «ضرورت برنامه‌های جدید جهت نیل به اهداف بلند مدت تیم»، «ارتباط اثربخش مدیریت باشگاه و کادر فنی در جهت تلاش بیشتر اعضای تیم»، «اعمال تاکتیک‌های مورد نیاز در جهت بهبود مهارت‌های تیمی» و «فرآیند منظم جهت تعیین و شناسایی نیازهای آموزشی و توسعه‌ای تیم» از مهم‌ترین وجوه مشترک معتقدان به این الگوی ذهنی در بین مشارکت‌کنندگان هستند. در این الگوی ذهنی ۵ گزاره قرار گرفته است که توانسته اند با دارا بودن مقدار ویژه (۲/۲۸)، ۱۰/۸۶ درصد واریانس فرآیند عملکرد تیمی را به خود اختصاص دهد.

عامل پنجم: تصمیم‌گیری تیمی

طرفداران به این الگو در مطالعه حاضر معتقد به نقش عامل تصمیم‌گیری تیمی در زمینه فرآیند عملکرد تیمی می‌باشند. «بیان نظرات به بازیکنان به صورت روشن و دقیق»، «داشتن احترام و پذیرش نسبت به تصمیمات تیمی»، «ارائه ایده‌های جدید به منظور بهبود عملکرد تیمی» و

«همراهی اعضای تیم با تصمیم گیری اکثریت» مهم ترین گزاره های ذهنی مشترک معتقدان این الگوی ذهنی است. در این الگو (۵گزاره) کم اهمیت ترین دیدگاه ها و نظرات در زمینه ابعاد فرآیند عملکرد تیمی وجود دارد چرا که کمترین مقدار ویژه (۱/۴۷ درصد) و کمترین واریانس تبیین شده (۷درصد) را از مجموع واریانس ۶۲/۲۸ به خود اختصاص داده است.

بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف شناسایی الگوهای ذهنی بازیکنان فوتبال لیگ دسته اول ایران در زمینه شاخص های فرآیند عملکرد تیمی و با استفاده از روش شناسی کیو انجام شد. توجه یک جانبه به عملکرد ورزشی تنها بر مبنای نتایج مسابقات و عدم توجه کافی به سایر عوامل و شاخصه های فرآیند عملکرد در ارزیابی عملکرد تیمی (کریمی، ۱۳۹۷: ۱۶۸)، پژوهشگران تحقیق پیش رو را برآن داشت تا صرف نظر از اهداف نتیجه ای به شناسایی ابعاد فرآیندی عملکرد، جهت ارزیابی عملکرد تیمی و آن هم بر مبنای نگرش ذهنی بازیکنان و با استفاده از روش شناسی کیو بپردازند. در این راستا، با استفاده از روش کیو و در تالار گفتمان پژوهش، بر اساس مصاحبه های انجام شده ۳۶ گویه نهایی شناسایی شده و در اختیار ۲۱ مشارکت کننده ارزش گذاری کیو قرار گرفت. پس از مرتب سازی عبارات کیو پاسخ داده شده، تحلیل آماری داده ها با انجام تحلیل عاملی کیو به منظور شناسایی ذهنیت های مشابه صورت گرفت. نتایج پژوهش بیانگر این است که مشارکت کننده گان در این پژوهش، از ذهنیت های گوناگونی در زمینه شاخص های فرآیند عملکرد تیمی برخوردارند و به بیان دیگر ذهنیت های متفاوتی دارند. ذهنیت مشارکت کنندگان در این پژوهش در پنج گروه جداگانه طبقه بندی گردید که به طور خلاصه به ترتیب شامل انگیزش تیمی (۲۰/۳۵)، کیفیت تیمی (۱۲/۱۳)، یادگیری تیمی (۱۱/۹۳)، مهارت تیمی (۱۰/۸۶) و تصمیم گیری تیمی (۷/۰۰) هستند که در مجموع ۶۲/۲۸ واریانس شاخص های فرآیند عملکرد تیمی (دیدگاه مشارکت کنندگان) را پوشش می دهند. بتمن و همکاران (۲۰۰۲) جهت سنجش عملکرد و اثربخشی تیمی از یک الگوی شش بعدی شامل: هم افزایی، اهداف عملکردی، مهارت، استفاده از منابع، نوآوری و کیفیت تیمی استفاده نمودند که از میان مؤلفه های سنجش عملکرد تنها دو بعد مهارت و کیفیت تیمی با یافته های این تحقیق مطابقت دارد. خلیلی و همکاران (۱۳۹۴) نیز در مطالعات خویش مؤلفه های هماهنگی، رهبری اثربخش، پژوهش تیمی، کیفیت تیمی، تصمیم گیری تیمی و یادگیری تیمی را به عنوان شاخصه های فرآیند تیمی شناسایی نمودند که در این تحقیق مؤلفه های کیفیت، تصمیم گیری و یادگیری تیمی با یافته های این پژوهش مطابقت دارد. آرمسترانگ و بارون (۲۰۰۵)، در پژوهشی جهت ارزیابی عملکرد تیمی مؤلفه های متفاوتی (مشارکت، ارتباطات شفاهی، همکاری و تلاش جمعی، حل تعارض و هدفگذاری) با تحقیق حاضر را برای ارزیابی فرآیند عملکرد تیمی بکار برده اند. این احتمال وجود دارد که نگرش ها در موقعیت های مختلف تیمی، کاری و اجتماعی با هم تفاوت داشته باشند و یا اینکه در تحقیقات پیشین برای سنجش عملکرد از ابزارهای استاندارد جهت سنجش و شناسایی مؤلفه های عملکرد استفاده شده در حالی که محققان در این پژوهش، شناسایی مؤلفه ها را با استفاده از روش شناسی کیو و بر مبنای نگرش ذهنی مشارکت کنندگان مورد مطالعه انجام داده اند. براساس نتایج به دست آمده از پژوهش حاضر، در ادامه پنج الگوی فرآیند عملکرد تیمی بازیکنان فوتبال که در نتیجه تحلیل عامل اکتشافی نوع کیو به دست آمده مورد بحث و بررسی قرار می گیرد:

نتایج بیانگر آن است که از میان پنج الگوی ذهنی بدست آمده، الگوی ذهنی اول (انگیزش تیمی) بیشترین امتیاز عاملی را به خود اختصاص داده است. افراد گروه اول بر این باورند که ایجاد انگیزه ناشی از مهم بودن هدف تیمی، تلاش مضاعف اعضای تیم جهت رسیدن به هدف تیمی، ابراز هیجانات و احساسات مثبت مربی به تیم، انگیزه رسیدن به اهداف با اعطای پاداش های مادی و اشتیاق اعضای تیم نسبت به روش های جدید تمرینی شروط اساسی برای ایجاد انگیزه تیمی هستند که به عنوان شاخص انگیزشی فرآیند عملکرد تیمی جهت ارزیابی عملکرد تیمی معرفی گردید. بنابراین شاخص انگیزش تیمی به عنوان اولین عامل از دیدگاه نمونه پژوهش در زمینه فرآیند عملکرد تیمی انتخاب گردید. الگوی مذکور (عامل اول: انگیزش تیمی) با شاخصه انگیزه تیمی پرسشنامه وست (کوپر و ساتر، ۲۰۱۱ به نقل از کوپر و ساتر) جهت سنجش ارزیابی عملکرد و اثربخشی تیمی همسویی دارد.

بازیکنان فوتبال با ذهنیت کیفیت گرایی تیمی (عامل دوم) به ارائه بازخورد ناشی از کیفیت کار تیمی به اعضا تیم، استفاده از استاندارد های روشن و تعریف شده جهت فعالیت های درون تیمی، استفاده اعضا از بهترین توانایی شان برای رسیدن به موفقیت، اهمیت آموزش منظم و علمی برای اعضای تیم و احساس رضایت کافی اعضا از کار تیمی معتقد هستند که در پژوهش حاضر به عنوان شاخص کیفیت تیمی در فرآیند عملکرد تیمی و به عنوان دومین الگوی ذهنی مد نظر قرار گرفت. پژوهشگران متعددی عامل کیفیت تیمی را جهت ارزیابی عملکرد تیمی معرفی و بکار برده اند که از آن جمله می توان به پژوهش های هوئگل و پاربوت (۲۰۰۷)، آرمسترانگ (۲۰۰۵)، خلیلی و همکاران (۱۳۹۴) اشاره نمود.

افراد تشکیل دهنده الگوی یادگیری تیمی (عامل سوم)، اهمیت پیوسته به یادگیری و آموزش در تیم، استفاده از تکنولوژی جدید جهت رسیدن به هدف تیمی، دریافت بازخورد روشن از عملکرد تیمی و آگاهی اعضای تیم به اهمیت یادگیری را به عنوان مهم ترین گزاره های تشکیل دهنده این الگوی ذهنی انتخاب نمودند. این شاخص عملکرد تیمی (یادگیری تیمی) در پژوهش های خلیلی و همکاران (۱۳۹۴)، ساندروم و مک اینتیر (۲۰۰۰) و بتمن و همکاران (۲۰۰۲) معرفی و به عنوان شاخص ارزیابی عملکرد تیمی مورد استفاده قرار گرفته است.

بازیکنان تشکیل دهنده الگوی مهارت تیمی (عامل چهارم) معتقدند که ریشه اصلی کسب مهارت تیمی در فرآیند منظم آموزش و ضرورت توسعه برنامه های جدید تمرینی نهفته است. آموزش کافی به اعضای تیم، ضرورت برنامه های جدید جهت نیل به اهداف بلند مدت تیم، ارتباط اثربخش مدیریت باشگاه و کادر فنی در جهت تلاش بیشتر اعضای تیم، اعمال تاکتیک های مورد نیاز در جهت بهبود مهارت های تیمی و فرآیند منظم جهت تعیین و شناسایی نیازهای آموزشی و توسعه ای تیم از مهم ترین عواملی هستند که باید به عنوان شاخص مهارت تیمی در زمینه ارزیابی فرآیند عملکرد تیمی مد نظر قرار گیرد. بتمن و همکاران (۲۰۰۲) این شاخص را برای ارزیابی عملکرد تیمی معرفی و بکار برده اند.

مشارکت کنندگان قرار گرفته در الگوی ذهنی پنجم (تصمیم گیری تیمی) با تاکید بر گزاره های بیان نظرات به بازیکنان به صورت روشن و دقیق، داشتن احترام و پذیرش نسبت به تصمیمات تیمی، ارائه ایده های جدید به منظور بهبود عملکرد تیمی و همراهی اعضای تیم با تصمیم گیری اکثریت شاخص دیگری از فرآیند عملکرد تیمی به نام تصمیم گیری تیمی را ارائه نمودند که در پژوهش حاضر کمترین امتیاز عاملی را به خود اختصاص داده است. شاخصه تصمیم گیری تیمی در تحقیقات معایر حقیقی (۱۳۸۷)، خلیلی و همکاران (۱۳۹۴) جهت ارزیابی عملکرد تیمی معرفی و مورد استفاده قرار گرفته است.

پیشنهادهای

با توجه به نتایج پژوهش و شناسایی پنج الگوی ذهنی در بررسی فرآیند عملکرد تیمی، پیشنهادهای زیر به مدیران باشگاه ها و تیم های ورزشی، ارائه می گردد:

- با توجه به ذهنیت انگیزش تیمی ضروری است مدیران باشگاه ها انگیزه های لازم را از طریق تشویق و اعطای پاداش های مادی به بازیکنان جهت ارائه عملکرد بهتر فراهم آورند.
- پیشنهاد می شود با توجه به ذهنیت کیفیت گرایی تیمی، با ارائه روش های تمرینی، آموزش علمی و استفاده از مربیان آشنا به متد های تمرینی نوین شرایط مناسبی را برای ارائه بازی های با کیفیت ایجاد نمایند.
- نظر به وجود الگوی ذهنی یادگیری تیمی پیشنهاد می گردد نسبت به برگزاری دوره های آموزشی و تقویت خلاقیت، شرایط لازم را برای یادگیری هرچه بهتر بازیکنان در زمینه تکنیک و تاکتیک های تیمی فراهم کنند.
- با توجه به الگوی مهارت تیمی، پیشنهاد می شود با شناسایی نیاز های آموزشی و فنی بازیکنان و آموزش کافی شرایط لازم را برای ارائه بازی های تماشاگر پسند و بهبود مهارت های تیمی فراهم آورند.
- نظر به وجود الگوی ذهنی تصمیم گیری تیمی، پیشنهاد می گردد با هم فکری و مشارکت بازیکنان و ایجاد فضای مشارکتی، از نقطه نظرات بازیکنان در جهت حل مشکلات تیمی و ارائه عملکرد بهتر استفاده گردد.

با توجه به نتایج می توان گفت که نوآوری این پژوهش آن است که برای بررسی عملکرد تیم های ورزشی صرفنظر از نتایج تیمی به شناسایی و معرفی مؤلفه های فرآیندی عملکرد (اهداف فرآیندی: انگیزش تیمی، کیفیت تیمی، یادگیری تیمی، مهارت تیمی و تصمیم گیری تیمی) پرداخته شده همچنین تا پیش از انجام این پژوهش، پژوهشی دیگر در راستای شناسایی الگو های ذهنی ورزشکاران در زمینه مؤلفه های فرآیندی عملکرد و با استفاده از روش شناسی کیو انجام نگرفته است. بنابراین این مطالعه طبقه بندی جدیدی به ادبیات موضوع در رابطه با مؤلفه های ارزیابی عملکرد تیمی اضافه می نماید.

به دیگر پژوهشگران پیشنهاد می شود با استفاده از روش های داده بنیاد (گرنند تئوری) یا روش دلفی به شناسایی مؤلفه های فرآیند عملکرد تیمی بپردازند.

از آنجا که نمی توان نتایج پژوهش حاضر را به دیگر رشته های ورزشی تعمیم داد، لذا پیشنهاد می شود نظیر چنین پژوهشی در سایر رشته ها ورزشی نیز انجام گیرد و نتایج آن ها با نتایج تحقیق حاضر مقایسه شود.

پیشنهاد می شود تحقیقات مشابهی در رشته های انفرادی و تیمی بصورت مجزا انجام و الگوهای شناسایی شده با هم مقایسه گردد.

پیشنهاد می گردد بر اساس متغیر جنسیت به شناسایی الگوهای ذهنی بازیکنان مرد و زن در یک رشته ورزشی مشابه پرداخته شود و نتایج با هم مقایسه شود.

درباره محدودیت های پژوهش باید به محدودیت ذاتی پژوهش های مبتنی بر روش کیو اشاره نمود که چون مبنای تحلیل در این روش حقایق نیست و فقط به ذهنیت افراد توجه می کند، از قابلیت تعمیم پذیری کم برخوردار است. عدم آشنایی مشارکت کنندگان با روش کیو، عدم همکاری برخی مشارکت کنندگان در وارد کردن کارت های کیو در نمودار فلش کیو و زمان بر بودن مصاحبه ها از دیگر مشکلات اجرای پژوهش بود.

منابع

- آرسترانگ، مایکل. (۱۳۹۷). مدیریت عملکرد (فرد، تیم و سازمان). بهروز قلیچلی و داریوش غلامزاده. تهران: نشر صفار
- چانگ، ریچارد. (۱۳۸۵). راز موفقیت کار تیمی. سید امین ا... علوی و محمد هاشم غرقی. تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی
- حاجی زاده، ابراهیم و اصغری، محمد. (۱۳۹۷). روش ها و تحلیل های آماری با نگاه به روش تحقیق در علوم زیستی و بهداشتی. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی
- خلیلی، کرم؛ سلطانی، ایرج و نفر، مهدی. (۱۳۹۴). «شناسایی مؤلفه ها و شاخص های عملکرد تیمی در سازمان های دولتی ایران». فصلنامه مدیریت دولتی. دوره ۷، شماره ۱، صص ۵۵-۷۰.
- خوشگویان فر، علیرضا. (۱۳۹۲). روش شناسی کیو. تهران: انتشارات مرکز سازمان صدا و سیما
- دانایی فرد، حسن؛ حسینی، یعقوب و شیخها، روزبه. (۱۳۹۲). روش شناسی کیو: شالوده های نظری و چارچوب انجام پژوهش. تهران: انتشارات صفار
- رضائیان، علی و گنجعلی، اسدالله. (۱۳۹۶). مدیریت عملکرد (چیستی، چرایی و چگونگی). تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق
- روحانی، میثم. (۱۳۹۰). «بررسی شاخص های ارزیابی عملکرد مربیان لیگ برتر باشگاه های فوتبال ایران». پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه گیلان.
- زردشتیان، شیرین و خزایی، شهرزاد. (۱۳۹۶). «رابطه رفتار مربیگری با انسجام تیمی و کارایی مشارکتی بازیکنان زن لیگ برتر هاکی ایران». مطالعات مدیریت ورزشی. شماره ۴۱، صص ۲۱۱-۲۳۲.
- سربابی، ایرج؛ شجاعی مهر، محمدتقی و برزگری نژاد، عباس. (۱۳۹۶). «ارزیابی عملکرد تیم های حرفه ای فوتبال در لیگ برتر ایران». دومین کنفرانس بین المللی پژوهش های کاربردی در تربیت بدنی، علوم ورزشی و قهرمانی. تهران: دانشگاه صالحان
- سلطانی، ایرج. (۱۳۹۰). مدیریت عملکرد بستر ساز پرورش منابع انسانی. اصفهان: انتشارات اردکان
- سلیمانی دامنه، جهانگیر؛ حمیدی، مهرزاد و سجادی، سید نصرالله. (۱۳۹۳). «ارزیابی عملکرد تیم های لیگ برتر فوتبال ایران با استفاده از مدل تلفیقی APA و DEA». مطالعات مدیریت ورزشی. شماره ۲۲، صص ۱۰۵-۱۲۶.
- قانع نیا، مریم؛ ارشدی، نسرين؛ سلطانیان، نسیم و فروهر، محمد. (۱۳۹۴). «تأثیر آموزش رفتارهای رهبری اصیل بر افزایش عملکرد کارکنان پتروشیمی». فصلنامه آموزش و توسعه منابع انسانی. سال ۲، شماره ۶، صص ۱۴۱-۱۲۵.
- کریمی، رمضان. (۱۳۹۷). «تأثیر سبک رهبری اصیل مربیان بر عملکرد تیمی با نقش میانجی اعتماد به مربی در لیگ دسته اول فوتبال ایران». پایان نامه دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرمانشاه.

- معایر حقیقی فرد، علی؛ مرادی، مرتضی؛ خلیلزاده، مهدی و نوبخت ساهرودکلانی، جواد. (۱۳۸۷). «بررسی عملکرد تیم‌های کاری در سازمان و عوامل مؤثر بر آن». دو ماهنامه توسعه انسانی پلیس. سال ۵، شماره ۲۰، صص ۲۳-۴۴.
- میرک‌زاده، علی‌اصغر؛ خسروی، سمیه؛ شهبازی، سمیه؛ غلامی، مصیب و مهدی‌زاده، حسین. (۱۳۹۵). «نگرش دانشجویان تحصیلات تکمیلی ترویج و آموزش کشاورزی و توسعه روستایی دانشگاه رازی کرمانشاه نسبت به آینده شغلی خود». پژوهش مدیریت آموزش کشاورزی. شماره ۳۸، صص ۱۸-۲۹.
- ندیمی، بنفشه؛ قلی‌پور، آرین و ابن یامینی، شیوا. (۱۳۹۲). «بررسی تاثیر انعکاس‌گری تیمی بر عملکرد تیمی در تیم پروژه‌ای». مدیریت فرهنگ سازمانی. دوره ۱۱، شماره ۴، صص ۸۴-۶۳.

- Armstrong, M., & Baron, A. (2005). **Managing performance: Performance management in Action**. London: Institute of Personnel and Development.
- Bateman, B., Wilson, F. C., & Bingham, D. (2002). "Team effectiveness development of an audit questionnaire". *Journal of Management Development*, 21(3), p p: 215-226.
- Cooper, D.J., & Sutter, M. (2011). **Role Selection and Team Performance**. Forschungsinstitut zur Zukunft der ArbeitInstitute for the Study of Labor. IZA DP No. 5892.
- Hoegle, M., & Parboteeah, K. P. (2007). "Creativity in innovative project: How teamwork matters". *Journal of Engineering Technology Management*, 24, pp: 148-166.
- Hunt, D. (2001). **A System Approach to Team Performance Management**. John Williams, MIT press.
- Idowu, A. (2017). "Effectiveness of Performance Appraisal System and its Effect on Employee Motivation". *Nile Journal of Business and Economics*. 5, pp: 15-39.
- Jardin, M. (2010). **Efficiency of French football clubs and its dynamics**. University of Rennes, MPRA; (13): 19828.
- Kelbaugh, B. M. (2003). "Exploration of Teamwork in Extension: Identifying Indicators of Success Using a Modified Delphi Study". Phd dissertation, The Ohio State University, USA.
- Lee, B. (2017). "The fundamentals of Q methodology". *Journal of Research Methodology*, 2(2), PP: 57-95.
- Lee, Y.H. (2009). "Evaluating Management Efficiency of Korean Professional Teams Using Data Envelopment Analysis". *International Journal of Applied Sports Sciences*, 21(2), pp: 93-112.
- Levy, P.E., & Williams, J.R. (2004). "The Social Context of Performance Appraisal: A Review and Framework for the Future". *Journal of Management*, 30(6), pp: 881-905.
- Lien, A.M., Ruyle, G.B., & López-Hoffman, L. (2018). "Q Methodology: A method for understanding complex viewpoints in communities served by extension". *Journal of Extension*, 56(2), [# 2IAW4].
- Neely, A. (2007). **Business Performance Measurement: Unifying Theory and Integrating Practice**. 2th edn. Cambridge University Press
- Philippe, R., Sagar, S., Huguet, S., Paquet, Y., & Jowett, S. (2011). "From teacher to friend: The evolving nature of the coach-athlete relationship". *Int. J. Sport Psychol*. 42, pp: 1-23.

- Sundstrom, E., & McIntyre, M. (2000). **Measuring WorkGroup Effectiveness**. Uni. of Tennessee, Knoxville.
- Thelwell, R., Greenless, I. A., & Weston, J. V. (2006). **“Using psychological training Thompson, enhancing employee engagement”**. Journal of applied sport psychology, 18(6), pp: 254-270.
- Thompson, L. (2002). **Making the Team**. Northwestern University, Upper saddleriver.
- Tielen, M., Vaan staa, A. L., Jedeloo, S., Van Exel, N.J.A, & Weimar, w. (2008). **“Q-Methodology to Identify Young Adult Renal Trans plant Recipients at Risk for Nonadherence”**. Transplantation, 85(5), pp: 700-706.
- Vass, J., Driessen, P.J., Giezen, M., Laerhoven, F.V., & Wassen, M.J. (2019). **“Let me tell you your problems. Using Q methodology to elicit latent problem perceptions about invasive alien species”**. Geoforum. 99, PP: 120–131.
- Watts, S., & Stenner, p. (2012). **“Doing Methodology: Theory, Method and Interpretation”**. Qualitative Research in Psychology, 2, pp: 67-91.
- West, M. A. (2004). **Effective teamwork: Practical lessons from organizational research**. Malden, MA: BPS Blackwell.
- Zabala, A., Sandbrook, Ch., & Mukherjee, N. (2018). **“When and how to use Q methodology to understand perspectives in conservation research”**. Conservation Biology, 32(5), PP: 1185–1194.

حق بر حریم خصوصی ورزشکاران در مقررات بین‌المللی مقابله با دوپینگ از نگاه دیوان اروپایی حقوق بشر

بیتا حمزوی آزاد^۱
محمد ستایش پور^۲

 10.22034/SSYS.2022.1390.1963

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۳/۱۹

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۶/۱

در دنیای کنونی، حق بر حریم خصوصی به‌عنوان یک قاعده بنیادین، افزون بر اهمیت اخلاقی، از جایگاه حقوقی ویژه‌ای در هر دو گستره‌ی داخلی و بین‌المللی برخوردار است. به فراخور بین‌المللی شدن حقوق بشر، حقوق بین‌الملل کوشیده است تا حق بر حریم خصوصی افراد (تعهدات ایجابی) حفظ شود. در منابع حقوق بین‌المللی، از جمله و به‌ویژه اسناد حقوقی الزام‌آور بین‌المللی، نظیر کنوانسیون اروپایی حقوق بشر این اصل به عنوان یک حق، به رسمیت شناخته شده است. کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، به حق بر حریم خصوصی ورزشکاران تصریح داشته و متضمن مقرره‌ای جداگانه در مورد آن است. یافته‌ها و نتایج بدست آمده از رهگذر تدقیق در عملکرد دیوان اروپایی حقوق بشر در برخورد با ادعاهای نقض ماده ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر پیرامون حق بر حریم خصوصی، به روش مطالعه تحلیلی-اسنادی و بررسی تطبیقی پرونده‌ها نشان داده است که دیوان یاد شده به عنوان یکی از پیشرفته‌ترین محاکم حقوقی که از صلاحیت بین‌المللی برخوردار است، ضمن صیانت و اعمال مفاد ماده مذکور در پرتو رویه خود با هدف حمایت از سلامت ورزشکاران، توانسته است مضاف بر تحکیم این حق برای ورزشکاران، بر گستره‌ی آن بیافزاید. نتیجه اینکه عملکرد دیوان اروپایی حقوق بشر منطبق بر اصول و اهداف کنوانسیون اروپایی بوده و در مواجهه با ادعاهای نقض حریم خصوصی، رویکردی ثابت و منصفانه در انطباق با اصول و موازین حقوق بشری داشته است.

واژگان کلیدی: حق بر حریم خصوصی، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، ورزشکاران و کنوانسیون مبارزه با دوپینگ.

۱- دانشجوی حقوق بین‌الملل، دانشگاه قم، قم، ایران

۲- استادیار، حقوق بین‌الملل، دانشگاه قم، قم، ایران (نویسنده مسئول)

مقدمه

حق بر حریم خصوصی به عنوان حقی از حقوق مدنی و سیاسی در نسل‌بندی حقوق بشر مطرح است (مقتدایی، ۱۳۹۰: ۱۱۵). کنوانسیون اروپایی حقوق بشر بر آن شده است تا با لزوم رعایت حق بر حریم خصوصی ورزشکاران نیز به فراخور موضوع خود نظر اعمال نظر نموده و بر آن تاکید ورزد (Gonzalez, 2014: 5). حق بر حریم خصوصی مندرج در بند اول ماده ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، که حکایت از استقلال فردی و شخصیتی دارد را میتوان چنین تعریف کرد: «حریم خصوصی، قلمروی از زندگی هر فرد است که آن فرد، نوعاً و عرفاً یا با اعلان قبلی، انتظار دارد دیگران بدون رضایت وی به اطلاعات راجع به آن قلمرو، دسترسی نداشته باشند یا به آن قلمرو وارد نشوند یا نگاه یا نظارت نکنند یا به‌هرصورت، دیگری وی را در آن قلمرو مورد تعرض قرار ندهد» (انصاری، ۱۳۹۳: ۳۸).

دیوان اروپایی حقوق بشر^۱ و کمیسیون اروپایی حقوق بشر^۲ به همه اختلافات ناشی از اجرا و تفسیر آن کنوانسیون رسیدگی و نظارت می‌نمایند. و در پرونده‌های متعددی به بررسی ادعاهای نقض حقوق مندرج در ماده ۸ کنوانسیون رسیدگی می‌نماید. عملکرد دیوان اروپایی حقوق بشر هرچند در رابطه با ماده ۸ به سمت حق بشری سنگینی می‌کند، ولی رویکردی با هدف حفظ ارزش‌های ذاتی ورزش و جلوگیری از ترویج رفتارهای خلاف قانون در پرونده‌های مطروحه داشته است (Mowbray, 2004: 1).

اگرچه قوانین مصوب آژانس جهانی مبارزه با دوپینگ^۳ و کنوانسیون بین‌المللی مبارزه با دوپینگ یونسکو^۴ در راستای حفاظت از حقوق واقعی ورزشکاران منطبق با کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مطرح می‌باشد و سلامت و تربیت بدنی از مفاد این کنوانسیون می‌باشد و اگرچه دولت‌ها با قبول قوانین بین‌المللی مبارزه با دوپینگ به دنبال بازی جوانمردانه، فرصت‌های برابر، رقابت‌های سالم و فعالیت‌های ورزشی برای سلامت می‌باشند (زاهدی، دادگر، زمانی، شهبازی ۱۳۹۷: ۱۷۳)، اما بایستی چالش‌هایی را که دیوان در برخورد با ادعاهای نقض ماده ۸ کنوانسیون حقوق بشری در هنگام صدور رای به عنوان مرجع ناظر و مقتدر در رویارویی با حاکمیت‌ها، پیش رو دارد را مورد تحلیل قرارداد.

بدین منظور در این مقاله به بررسی رویه دیوان در برخورد با ادعاهای نقض ماده ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر پرداخته و در نهایت به این سوال پاسخ داده می‌شود که آیا الزامات محل استقرار ورزشکاران در قوانین مبارزه با دوپینگ، نقض تعهدات ایجابی ماده ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر می‌باشد؟

بسیاری با بیان این استدلال که ماده ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر تمثیلی است، سعی در گسترش موارد مجاز دخالت در حریم خصوصی داشتند؛ اما بیشتر حقوق‌دانان و همچنین کمیته حقوق بشر بر این عقیده‌اند که موارد مذکور در بند دوم ماده ۸، کاملاً حصری بوده و خارج از این مقوله‌ها نمی‌توان به حریم خصوصی افراد وارد شد (Mowbray, 2004, Chamber, 2012: 63).

1. European Court of Human Rights (ECtHR)
2. European Commission of Human Rights (ECmHR)
3. World Anti-Doping Agency (WADA)
4. UNESCO International Convention against Doping in Sport

لذا ماده ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، یکی از گسترده‌ترین حقوق مذکور در این کنوانسیون است که شمار متعددی از موضوعات را دربرگرفته و به حمایت گسترده‌ای از منافع تعمیم می‌یابد.

روش‌شناسی پژوهش

برای بررسی میزان ثبات رویکرد دیوان اروپایی حقوق بشر در پرونده‌ها از روش‌های مختلفی استفاده شده است. به منظور دستیابی به رویه دیوان اروپایی حقوق بشر و انطباق آن با اهداف کنوانسیون اروپایی و اصول و موازین حقوق بشری در مواجهه با ادعاهای نقض حریم خصوصی، از روش مطالعه تحلیلی-اسنادی استفاده گردیده که به بررسی سوابق و اسناد موجود، مرور تحقیقات انجام شده، مطالعه اسناد بالادستی، بررسی تطبیقی پرونده‌ها، مطالعه نظرات علمای حقوق و نیز عقاید قضات پرداخته شده است.

یافته‌های پژوهش

۱. گستره مفهوم حق بر حریم خصوصی ورزشکاران در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر
عنوان ماده ۸ کنوانسیون حقوق بشر، «حق بر احترام به زندگی خصوصی و خانوادگی»^۱ است. این ماده از دو بخش مجزا تشکیل شده است که در بند نخست به تصریح و بیان حق پرداخته شده و در بند دوم آن، موارد دخالت و تحدید این حقوق و به عبارتی، میزان دخالت و نحوه دخالت‌های حکومت‌ها بیان شده است. بر اساس این ماده: «۱. هر شخصی از حق احترام به زندگی خصوصی و خانوادگی، خانه و مکاتبات خود برخوردار است؛ ۲. مقامات دولتی هیچ‌گونه مداخله در اعمال حق مذکور نخواهند داشت، مگر اینکه مطابق با قوانین بوده و مداخله آنها در چارچوب جامعه مردم سالار برای امنیت ملی، سلامت عمومی یا رفاه اقتصادی کشور، پیشگیری از بی‌نظمی یا جرم، حمایت از بهداشت و اخلاق یا برای حمایت از حقوق و آزادی‌های دیگران ضروری باشد» (European Court of Human Rights, 2019).

دیوان اروپایی حقوق بشر، که به موجب بخش دوم کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و به منظور تضمین رعایت تعهدات ناشی از کنوانسیون توسط اعضاء تاسیس شد؛ در راستای وظیفه‌ای که به موجب کنوانسیون داشته است، به موضوع نقض حق بر حریم خصوصی پرداخته است. صلاحیت دیوان، تمام امور ناشی از اعمال و تفسیر کنوانسیون را شامل می‌شود که هم می‌تواند به دعاوی میان‌دولتی در خصوص نقض موادی از کنوانسیون رسیدگی نماید و هم به دعاوی مطروحه از جانب اشخاص که مدعی نقض حقوق مندرج در کنوانسیون از جانب یکی از دول متعاقد هستند؛ بپردازد. همانطور که ماده ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، یکی از گسترده‌ترین حقوق مذکور در این کنوانسیون است که شمار متعددی از موضوعات را دربرگرفته و به حمایت از گستره‌ای از منافع تعمیم می‌یابد که در دیگر کنوانسیون‌های نظیر دیده نمی‌شود؛ سند بین‌المللی منشور تربیت بدنی و ورزش یونسکو (۱۹۷۸) که در آن انجام ورزش به منظور ترویج ارزش‌های معنوی و اخلاقی نیز از عناصر کلیدی به‌شمار می‌آید. در واقع کنوانسیون اروپایی حقوق بشر چالش‌های جدیدی را برای دنیای ورزش به ارمغان آورده است.

در کنوانسیون یونسکو با موضوع مبارزه با دوپینگ در ورزش (۲۰۰۵ م)، از نمایندگان ۱۳۹ کشور درخواست شد که در قوانین خود ضوابط ضد دوپینگ را وضع کرده و از قوانین آژانس بین‌المللی مبارزه با دوپینگ پیروی نمایند. رابطه ورزشکاران با قانون الزام محل استقرار همیشه درگیر تنش‌های بسیار بوده و یکی از مهمترین دلایل این تنش‌ها، مسئله حریم خصوصی در زندگی خانوادگی مندرج در ماده ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر می‌باشد.

در نگاه اول: هرچند تعهدات مندرج در ماده ۸، از نوع تعهدات سلبی (دولت‌ها بر اساس تعهد سلبی این کنوانسیون، نمی‌توانند در حریم خصوصی افراد داخل شوند) به نظر می‌رسد، ولی با تعمق بیشتر مشخص می‌شود که تعهدات مندرج در این ماده، از هر دو نوع تعهدات ایجابی و سلبی است. تعهد ایجابی برای دولت‌ها مبنی بر انجام اقداماتی جهت جلوگیری از دخالت در امور خصوصی افراد تصور می‌شود. در بند دوم، برخورد دیوان نیز در این باره دیده می‌شود. «وستین» تأکید می‌کند که در جامعه آزاد با رعایت استثناهایی برای منافع عمومی، اختیار تصمیم‌گیری در مورد اینکه اطلاعات شخصی افراد چه زمانی و در چه شرایطی برای عموم مردم قابل افشا باشد، باید با خود آنها باشد (Westin, 1976:7). برای تعیین اینکه چه چیزی مشمول حریم خصوصی است، دو ضابطه شخصی و نوعی وجود دارد. ضابطه نوعی، قائل به وجود خط قرمز عرضی است؛ اما ضابطه شخصی که مبتنی بر رضایت و تمایل شخص نسبت به انتشار یا عدم انتشار اطلاعات شخصی است، مورد حمایت قرار گرفته است (انصاری، ۱۳۹۳: ۱۲۸). دیوان اروپایی حقوق بشر نیز اظهار داشته است: «به نظر بیش از حد محدود کننده است که مفهوم زندگی خصوصی را به دایره‌ای از حریم خصوصی محدود کنیم که در آن فرد می‌تواند زندگی خصوصی خود را به میل خود انجام دهد و جهان خارج را کاملاً از آن استثناء نماید. احترام به زندگی خصوصی افراد باید همچنین مشتمل بر حق افراد در ایجاد و ارتقای روابط با هموعان خویش نیز باشد» (ECHR, 1993: para 29).

از نظر دیوان اروپایی حقوق بشر، ارائه تعریفی منجز و منحصر از حریم خصوصی کار درستی نیست. چون لازم است تعریف حریم خصوصی به لحاظ انطباق با نیازهای مختلف زمان و مکان انعطاف‌پذیر باشد (رحمدل، ۱۳۸۴: ۱۲۸-۱۲۹).

موضوع دیگر، مسئله حصری یا تمثیلی بودن مواردی است که کنوانسیون بنابر آن، اجازه دخالت در حریم خصوصی را به دولت‌ها داده است (بند ۲) هرچند بسیاری با این استدلال که موارد مذکور در بند ۲ تمثیلی است، سعی در گسترش موارد مجاز دخالت در حریم خصوصی داشتند، اما بیشتر حقوقدانان و همچنین کمیته حقوق بشر بر این عقیده‌اند که موارد مذکور در بند دوم ماده ۸، کاملاً حصری بوده و خارج از این مقوله‌ها نمی‌توان به حریم خصوصی افراد وارد شد (رحیم خویی، رستم‌زاده ۱۳۹۶: ۲۶۳-۲۸۹). بر این اساس نمی‌توان به علل واهی به حریم خصوصی افراد، دست‌درازی کرده و حرمت فردی آنها را زیر سؤال برد. دیوان اروپایی حقوق بشر نیز برای پرهیز از این گرافه خواهی‌ها، در آرای خود به بیان و تبیین معانی اصطلاحات و عبارات بند دوم ماده ۸ نظیر «ضروری بودن» پرداخته است (Case of Buckland v. The United Kingdom, 2012:63).

حق بر زندگی خصوصی مندرج در بند اول ماده ۸، که حکایت از استقلال فردی و شخصیتی دارد عبارت از حق اتخاذ تصمیم در خصوص زندگی خصوصی فردی به دور از دخالت حکومت یا دولت است. جوانب این حق، شامل همه جوانب زندگی فیزیکی و روحی فرد، زندگی جنسی، اطلاعات، اسامی، عکس و اعتبار شخصی می‌شود.

مفهوم «زندگی خانوادگی» نیز به علقه‌های قانونی میان افراد اطلاق می‌شود که به نسبت یا

سبب ایجاد شده باشد. هسته مرکزی روابط خانوادگی، روابط میان زن و شوهر و والدین و فرزندان است و البته فراتر از این، روابط میان برادرها و خواهرها، اجداد، اعمام و خالات و فرزندان آنها می‌تواند در دایره ماده ۸ قرار گیرد.

«خانه»؛ مندرج در بند اول ماده ۸، به مکان فیزیکی شناخته شده‌ای اطلاق می‌شود که زندگی خصوصی و زندگی خانوادگی در آن جریان دارد، فارغ از اینکه مکان مزبور، جزء اموال فرد زیان‌دیده باشد یا به طور قانونی در آن سکونت داشته باشد. همچنین این مفهوم، شامل اجاره‌های تجاری و محل سکونت موقت نیز می‌شود.

«حق بر احترام به مکاتبات»؛ که آخرین حق شناخته شده به عنوان حریم خصوصی در بند اول ماده ۸ کنوانسیون است، دلالت بر حق بر عدم سانسور و عدم مداخله در مکاتبات و وسایل ارتباطی دارد. هرچند ممکن است عبارت «مکاتبات»، حمایت‌نامه‌ها را تداعی می‌کند، تردیدی نیست که ماده ۸، علاوه بر آن، از ارتباطات از طریق تلفن، نمابر، تلکس و رادیوی خصوصی نیز حمایت می‌کند.

در نگاه دوم: طبق ماده ۱۳ اعلامیه ۱۹۴۹ درباره حقوق و وظایف دولت‌ها، مقرر شده است که هر دولتی مکلف است تعهدات ناشی از معاهدات و سایر منابع حقوق بین‌الملل را با حسن‌نیت انجام دهد و نمی‌تواند به مقررات اساسی و یا دیگر قوانین داخلی خویش استناد جوید و آنها را به‌عنوان عذری جهت استنکاف از انجام این وظیفه قلمداد نماید. (زمانی، ۱۳۹۶: ۲) بنابراین لازم است که کشورهای پذیرنده قوانین مبارزه با دوپینگ، از آن پیروی کرده و امکانات آموزشی لازم برای ورزشکاران و تجهیزات مورد نیاز را فراهم سازند. کنفرانس جهانی کپنهاک در سال ۲۰۰۳ قوانین جهانی مبارزه با دوپینگ را تصویب کرد و حقوق اساسی ورزشکاران در زمینه زورافزایی توسط مسئولان ورزشی مورد بحث قرار گرفت. از همان ابتدا این ترس وجود داشت که به‌کارگیری استانداردهای حقوق بشر، قوانین مبارزه با دوپینگ را به مخاطره می‌اندازد. طبق نظریه‌ی پی.کی. کورگات و ا.جی. کورگات^۱: «در واقع باید پذیرفت که حقوق بشر چالش‌های جدیدی را برای دنیای ورزش به ارمغان آورده است». چنین تصور می‌شود که مبارزه با دوپینگ مستلزم تهاجم به حق یک ورزشکار برای آزادی شخصی و حفظ حریم شخصی ورزشکار است. و از آنجا که حق حریم خصوصی نیز با اعلامیه جهانی حقوق بشر به رسمیت شناخته شده است؛ دیوان اروپایی حقوق بشر در مواجهه با مواردی از مداخله که صورت می‌گرفت، بیان داشته است که در ابتدا یک هنجار نمی‌تواند قانون محسوب شود تا زمانی که تحت عباراتی صریح تنظیم شود تا ورزشکاران بتوانند رفتار خود را مطابق با آن تنظیم نمایند. همچنین دیوان بر این نظر است که برای مشروع تلقی شدن مداخله در حقوق مندرج در ماده ۸، وجود تنها چند مبنای در حقوق داخلی برای دخالت کافی نیست و سعی در توسعه شرایط متعددی را که یک قانون باید داشته باشد تا بتواند مبنای دخالت در این حقوق محسوب گردد؛ داشته است. لذا دیوان از این طریق، هم جنبه حمایتی حق مزبور را تقویت کرده و هم دست دولت‌ها را در مداخله در آنها تا حدی بسته‌تر کرده است. دیوان اروپایی حقوق بشر شرایطی همچون قابل دسترس بودن، به حد کفایت بودن و واضح بودن را از جمله شرایطی دانسته است که به قانون توان دخالت و تحدید حق بر حریم خصوصی

را می‌دهد. لذا در رویه دیوان اولین شرط برای قانونی که قابلیت مداخله در حقوق مندرج در ماده ۸ داشته باشد؛ در دسترس عموم بودن قانون می‌باشد تا ورزشکاران از شرایطی که ممکن است حقوق آن‌ها را تحت الشعاع قرار دهد، مطلع باشند. شرط دیگر، وضوح قوانین و قابلیت پیش‌بینی آنان است. اگر متن قانون به طور کافی آشکار، روشن و خالی از ابهام باشد، ورزشکاران می‌توانند احتمال مداخله قانون در اعمال حق خود را حدس بزنند.

دیوان در رویه‌ی خود بر این عقیده است که در مقرراتی که مبنای دخالت در حق بر حریم خصوصی، زندگی خانوادگی و مکاتبات خواهد بود؛ باید به صراحت به بیان این مداخله پرداخته باشد. دیوان اروپایی حقوق بشر در زمان حفظ تعادل میان منافع اشخاص متأثر و منافع جامعه، به دول عضو کنوانسیون توجه خاصی می‌نماید، و دولت‌ها نیز از طرق مختلف تلاش می‌کنند که در جامعه بین‌المللی دارای جایگاه و منزلت بالایی بوده و به آنها به عنوان کشوری قابل احترام نگریسته شود. یکی از انگیزه‌های دولت‌ها برای حمایت از ورزش و به نوعی دخالت و راهبری آن را باید در این موضوع دید که موفقیت یک کشور در عرصه‌ی ورزش می‌تواند برای آن کشور در عرصه بین‌المللی اعتبار و حیثیت ایجاد نماید (باری، ۱۳۸۵). لذا دخالت در هر یک از حقوق مندرج در ماده ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، در صورتی که این مداخله برای جامعه ضروری باشد، مشروع خواهد بود. به عبارت دیگر، دخالت مزبور باید در پاسخ به نیاز مبرم اجتماعی باشد. از طرفی دیوان همواره در خصوص تشخیص این موضوع به مقامات داخلی نظر داشته و بر این باور است که آنان به نسبت یک دادگاه بین‌المللی برای تشخیص و ارزیابی توسعه‌های اجتماعی و ارزش جامعه در موقعیت مناسب‌تری قرار دارند و دیوان خود همواره ناظر این امر می‌باشد که مداخله‌ی آنها در چارچوب جامعه برای امنیت ملی، سلامت عمومی یا رفاه اقتصادی کشور، پیشگیری از بی‌نظمی یا جرم، حمایت از بهداشت و اخلاق یا برای حمایت از حقوق و آزادی‌های دیگران ضروری باشد (Sloot, Paum and Leenes, 2020).

کنوانسیون مبارزه با دوپینگ در راستای حفاظت از حقوق واقعی ورزشکاران منطبق با کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مطرح می‌باشد و هدف این کنوانسیون این است که کشورها را در داخل و در سطح بین‌الملل متعهد به مبارزه با دوپینگ در ورزش نماید و دولت‌ها را ملزم به «اتخاذ تدابیر مناسب» کند که ممکن است شامل قانون، مقررات، سیاست‌ها یا شیوه‌های اداری باشند. روابط بین دولت-ملت‌ها، و دیگر بازیگران تاثیرگذار بین‌المللی موجبات همگرایی قوانین و مقررات موجود در کشورها در زمینه‌ی ورزش شده و با پذیرش واگرایی قوانین ملی که در نوع خود نمود تکثیر موضوعی حقوق بین‌الملل محسوب می‌شود، با خلق اصول و قالب‌هایی مشترک میان موضوعات و حوزه‌های مختلف، زمینه‌ی همگرایی و وحدت حوزه‌ی ورزش را فراهم می‌سازد (شهبازی و برلیان، ۱۳۹۷). ایجاد این تعهد و پیمان به درستی دلالت بر این دارد که کار قانونی و نظارتی مهمی برای مبارزه با دوپینگ در ورزش ضروری است. این کنوانسیون اوج یک تلاش عظیم به رهبری کمیته ملی المپیک، مقام عالی المپیک است. «جنبش» برای ایجاد مجموعه‌ای از قوانین هماهنگ در سراسر جهان علیه دوپینگ در ورزش» (Mitten and Opie, 2010).

مهم‌ترین اسناد بین‌المللی در زمینه حق حریم خصوصی در زندگی خانوادگی به عنوان جزئی خاص از حق بر حریم خصوصی عبارتند از ماده ۱۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (ماده

شماره ۱۷)^۱ و ماده ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر. این دو اگرچه تعبیر متفاوتی را به کار برده‌اند، ولی مشترکاً حاوی دو نوع تعهد برای دولت‌ها هستند. نخست تعهدات مقامات به اینکه در زمینه حریم خصوصی اقدامات ایجابی انجام دهند و دیگری تعهدات مقامات به اینکه اقدامات سلبی لازم را در خصوص عدم مداخله در حریم خصوصی ایجاد نمایند (مقامی و عطاران، ۱۳۹۸: ۳۱۱-۳۳۱).

۲. تعهدات سلبی در زمینه حق بر حریم خصوصی ورزشکاران

بند اول ماده ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق، حاوی تعهداتی سلبی برای دول عضو است که درحقیقت، پیدایش حق‌هایی برای اشخاص، منجر به تبلور تکلیفی سلبی برای دول عضو شده است. تعهد دولت‌ها به حمایت و تضمین حقوق بنیادین اشخاص از جمله اساسی‌ترین تکالیف آنها در عرصه‌ی حقوق بین‌الملل به شمار می‌رود. (جاوید، ۱۳۹۶) دولت‌ها متعهدند در صورت نقض قواعد، واکنش مناسبی نسبت بدان بروز دهند تا هم در مظان اتهام در پیش گرفتن سیاست سکوت و همدستی با عوامل نقض واقع نشوند و هم زمینه‌ی تشویق سایرین را به عدم رعایت قواعد پذیرفته شده، از میان بردارند. بنابراین رویکرد فعالان حقوق بشر چنین متمرکز شده است که امور و نکاتی که به رعایت حقوق بشر و یا نقض قواعد آن مربوط می‌شود، مسئولیت بیشتر آن متوجه دولت‌ها است. زیرا که این دولت‌ها هستند که بیشترین ابزار و امکانات مالی و معنوی را برای جلوگیری از نقض حقوق بشر و همچنین حمایت و مسئولیت‌پذیری حقوق بشری را در اختیار دارند.

مهم‌ترین چالش امروزین جهان مسئله‌ی توجه به مسائل حقوق بشر و مشکلات ناشی از نقض این حقوق بنیادین توسط دولت‌ها است (پروین، ۱۳۸۷: ۱۳۶-۱۱۱)، لذا دیوان در پرونده‌های متعددی تعهد سلبی دول عضو مندرج در بند اول ماده ۸ را خاطرنشان شده و اذعان می‌کند که هدف اساسی ماده ۸، حمایت افراد در مقابل مداخله‌های خودسرانه مقامات عمومی است. دیوان تعهدات ایجابی را همواره، فرع بر تعهد سلبی مزبور می‌داند و وقتی از تعهد سلبی عدم دخالت سخن می‌راند، از تعهد ایجابی به عنوان تعهدی افزون بر تعهد سلبی که صورتی ثانوی دارد یاد می‌کند (Case of Glaser v, 2000: 63). از عبارات آرای دیوان، اینگونه برمی‌آید که شاکله اصلی تعهدات مقرر در ماده ۸، تعهداتی سلبی و منفی است که دولت‌ها را به عدم مداخله در حق افراد به موجب این ماده متعهد می‌کند.

دیوان در ماده ۸، ضمن اینکه نظارت کلی خود را حفظ می‌کند، همیشه ارزیابی را به عهده خود دول می‌گذارد و معتقد است که دولت‌ها شایسته‌تر به تشخیص هستند و آنها را موظف می‌سازد تا بر اساس ضوابط مشخصی عمل نمایند تا حقوق انسانی و آزادی‌های اساسی افراد و گروه‌ها، ترویج و حفظ گردد (فلسفی، ۱۳۷۵: ۲۱۳).

دیوان همچنین با اشاره به ماده ۲۲ نظام نامه جهانی مبارزه با دوپینگ؛ مشارکت دولت‌ها را در راستای ایفای نقش خود و مبارزه با دوپینگ بسیار مهم دانسته است. امضاء اعلامیه مبارزه با

1. The International Covenant on Civil and Political Rights of the United Nations (Art. 17)

دوپینگ مورخ سوم ماه مارس ۲۰۰۳ کپنهاک^۱ و تأثیر پذیرش، تصویب یا الحاق به کنوانسیون از سوی دولت‌ها؛ موید تعهد آنها در قبال نظام‌نامه بوده و آن را مستند و مدلل می‌سازد. بندهای مختلف ماده ۲۲، «انتظارات» دول عضو را بیان می‌دارد: (نظام‌نامه جهانی مبارزه با دوپینگ ۲۰۱۵) ۲۲-۱: هر یک از دولت‌ها به منظور تبعیت از کنوانسیون و یونسکو و انطباق با آن، باید کلیه اقدامات و تمهیدات لازم را بکار گیرند.

۲۲-۲: هر یک از دولت‌ها قانون‌گذاری، مقررات، خط مشی‌ها و یا رفتارهای اداری را به جهت همکاری و به اشتراک گذاشتن اطلاعات با سازمان‌های مبارزه با دوپینگ و به اشتراک گذاری داده‌ها در بین سازمان‌های مبارزه با دوپینگ طبق آنچه در این نظام‌نامه آمده است، به مرحله اجرا خواهند گذاشت.

۲۲-۳: هر یک از دولت‌ها باید آژانس‌ها یا نهادهای خدمات عمومی و سازمان‌های مبارزه با دوپینگ متبوعه خود را به همکاری، تبادل و مشارکت اطلاعات به موقع با سازمان‌های مبارزه با دوپینگ، که در امر مبارزه با دوپینگ مفید و موثرند، تشویق نمایند و به آنها اطمینان دهند که آنچه را که انجام می‌دهند، مانع قانونی برای فعالیت‌های مبارزه با دوپینگ آنها ایجاد نمی‌کند. (۱)

۲۲-۴: هر یک از دولت‌ها باید داوری و حکمیت را بعنوان مرجع اصلی در حل و فصل دعاوی و معضلات در ارتباط با حقوق اساسی و حقوق بشر و قانون ملی لازم الاجرا محترم بشمارند. (۲)

بنابراین، تعهدات سلبی دول عضو کنوانسیون در خصوص احترام به حریم خصوصی ورزشکاران، غیرقابل انکار، روشن، خالی از ابهام و تردید، صریح و قاطع است و کشورهای عضو کنوانسیون مبارزه با دوپینگ متعهد به صیانت از ورزشکاران در چارچوب حوزه اختیارات خود می‌باشند. با نگاهی بر ضوابط جهانی مبارزه با دوپینگ موارد ذیل تخلف و نقض قوانین مبارزه با دوپینگ در الزامات محل استقرار ورزشکاران محسوب می‌گردد: (World Anti-Doping Program, 2015)

● عدم همکاری یا غیبت غیرموجه در انجام آزمایشات تشخیص دوپینگ پس از ابلاغ

مراجع ذی‌صلاح و یا ایجاد هرگونه اختلال دیگر در روند نمونه‌گیری؛

● تخطی از ارائه اطلاعات برای دسترسی به بازیکن جهت انجام آزمایشات دوپینگ در خارج از زمان رقابت‌ها (مثلاً اطلاعات مربوط به موقعیت زمانی، مکانی، استقرار بازیکن و یا عدم حضور در زمان و مکان مقرر که قبلاً از سوی مراجع ذی‌ربط اعلام گردیده است؛ (۳)

● هر گونه ترکیبی از سه تست ناموفق یا نقض در اطلاعات ظریف یک دوره ۱۸ ماهه؛ (۴)

● در کنار اطلاعات مربوط به اقامت و فعالیت‌های منظم که باید مرتب توسط ورزشکاران ارائه شود؛ تعیین یک فرصت ۶۰ دقیقه‌ای بین ساعات ۶ الی ۲۳ برای هر روز که در آن دوره زمانی مورد نظر، ورزشکاران در آن ساعت در محلی مشخص برای انجام نمونه‌گیری در دسترس باشند نیز ضروری می‌باشد. (۵)

در اول ژوئن ۲۰۱۰ برخی از ورزشکاران رشته‌های هندبال، فوتبال، راگبی و بسکتبال با استناد بر ماده ۸ که بیانگر تعهدات سلبی دولت‌ها مبنی بر عدم مداخله در حق احترام به زندگی خصوصی و خانوادگی ورزشکاران ذی‌نفع می‌باشد؛ از وجود مقرراتی مبنی بر الزام محل استقرار

ورزشکاران به منظور انجام تست‌های بدون اطلاع تعیین شده توسط آژانس مبارزه با دوپینگ فرانسه شکایت کرده و انجام تست به طور جداگانه بعد از مسابقات ورزشی را نقض حریم خصوصی خود اعلام نمودند. (Federation Nationale des Syndicats Sportifs (FNASS) and others v. France, 2010, Application No. 48151/11)

در پرونده‌ای دیگر، دوچرخه سوار فرانسوی «جانی لانگو»^۱، که ۱۴ مارس ۲۰۰۸ به عنوان عضو گروه هدف منصوب شده بود، در ۲۷ سپتامبر ۲۰۱۲ و مارس ۲۰۱۳ با تاکید بر تعهدات سلبی دولتها، قانون الزامات محل استقرار را به چالش کشید. او با بیان اینکه آیا قانون محل استقرار ورزشکار با قانون اساسی و قوانین حقوق بشری از جمله ماده ۸ کنوانسیون حقوق بشر سازگار است یا خیر؟ دادگاه را به چالش وا داشت. (Federation Nationale des Syndicats Sportifs (FNASS) and others v. France, 2013, Application No. 77769/13)

با تکیه بر ماده ۸، متقاضیان ادعا کردند که الزاماتی که از آنها خواسته می‌شود تا اطلاعات مربوط به سه ماهه محل سکونت خود را اعلام نموده و برای هر روز، یک بازه زمانی شصت دقیقه‌ای را مشخص نمایند، که طی آن می‌توانند برای انجام آزمایشات در دسترس باشند، دخالت غیرقانونی با حق آنها برای احترام به زندگی شخصی و خانوادگی و خانه آنها می‌باشد. لانگو دوچرخه سوار فرانسوی ادعا کرد که ورود وی به گروه هدف از سال ۲۰۰۸ به منزله نقض جدی و مکرر حریم خصوصی وی است.

ورزشکاران همچنین اظهار داشتند که شرایط محل استقرار با حق آزادی جابجایی آنها ناسازگار است. این دو درخواست به ترتیب در ۲۳ ژوئیه ۲۰۱۱ و ۶ دسامبر ۲۰۱۳ به دیوان اروپایی حقوق بشر ارائه شد.

۱. تعهدات ایجابی در زمینه حق بر حریم خصوصی ورزشکاران

حریم خصوصی، قلمروی از زندگی هر فرد است که آن فرد، نوعاً و عرفاً یا با اعلان قبلی، انتظار دارد دیگران بدون رضایت وی به اطلاعات راجع به آن قلمرو، دسترسی نداشته باشند یا به آن قلمرو وارد نشوند، یا نگاه یا نظارت نکنند یا به هر صورت، دیگری وی را در آن قلمرو مورد تعرض قرار ندهد. کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق و آزادی‌های اساسی نیز فراخور رسالت خود در ماده ۸ این حق را شناسایی کرده است. از طرف دیگر، دیوان اروپایی حقوق بشر و کمیسیون اروپایی حقوق بشر به مناسبت وظایف مقرر، صلاحیت دارند به همه اختلافات ناشی از اجرا و تفسیر آن کنوانسیون رسیدگی نمایند. این موضوع، همواره محمل طرح ادعاهای فراوانی در خصوص نقض ماده ۸ کنوانسیون مزبور، یعنی حق بر حریم خصوصی بوده است. لذا دیوان تعهدات ماده ۸ را که عموماً چهره‌ای سلبی دارد، توسعه داده و چهره‌ای از تعهدات ایجابی را بر مبنای فحوی این ماده پدیدار ساخته است. در بادی امر، عبارت پردازی ماده ۸ این را به ذهن متبادر می‌کند که کلیه تعهدات مندرج در این ماده، شکل سلبی داشته و این ماده، حاوی تعهدات ایجابی نیست. اما با نگاهی به رویه دیوان، مشاهده می‌شود که تعهدات ایجابی مبتنی بر مقررات این ماده، امری بدیهی در آرای این نهاد بوده و می‌توان گفت که هر چند کنوانسیون در این ماده، حاوی مقرراتی صریح نیست که دربردارنده تعهدات ایجابی باشد، دیوان در رویه خود، دامنه تعهدات این ماده را گسترش داده و تعهدات ایجابی را نیز از این ماده برداشت کرده که توانسته در رویه خود

1. Jeannie Longo, a French Cyclist

● حق بر حریم خصوصی ورزشکاران در مقررات بین‌المللی مقابله با دوپینگ از نگاه دیوان اروپایی حقوق بشر

تثبیت کند (رحیم‌خویی، رستم‌زاده ۱۳۹۶: ۲۶۳-۲۸۹).

در رویه دیوان، می‌توان مبنای پذیرش، شناسایی و توسعه تعهدات ایجابی را از این ماده در دو استدلال خلاصه کرد:

اولاً، دیوان بر این عقیده است که اصطلاح «احترام» که در ماده ۸ آمد است، به طور ذاتی «احترام» اولاً، تعهدی ایجابی در خود دارد که بر دوش دول عضو، بار می‌شود (Case of Frisancho Perea v. Slovakia, 2015: 55). یعنی به نظر دیوان، نفس «احترام» نمی‌تواند امری سلبی و منفی باشد و بدون شک، متضمن اقدامی ایجابی و به عبارتی «احترام» فعل است نه ترک فعل است. ثانیاً، دیوان با تمسک به ماده اول کنوانسیون، شناسایی و اعمال تعهدات ایجابی را در این ماده توجیه می‌کند. رویه قضایی دیوان توانسته است در کنار این تعهدات ایجابی برای دولتهای عضو، حق استناد به این تعهدات را برای افراد نیز در نظر بگیرد. در این جهت میتوان به ماده ۴ کنوانسیون استناد کرد و از مقررات آن بهره جست. این ماده، حقوق و آزادی‌های مطروحه در کنوانسیون را برای تمامی افراد تحت صلاحیت دول عضو به رسمیت شناخته است. از سوی دیگر، دولت عضو متعهد است که تمام نهادهایشان حقوق را رعایت کنند. در نتیجه، دیوان، امکان تسری نظریه تعهدات ایجابی به هر حق مطرح شده در کنوانسیون را در گستره وسیعی به رسمیت شناخته است (ویژه، ۱۳۸۳: ۱۱۵).

تعهد ایجابی در رویه دیوان اروپایی حقوق بشر، اقداماتی است که دولت‌ها موظف‌اند در جهت مقابله با نقض حریم خصوصی شهروندان انجام دهند، نظیر اقداماتی در جهت مجازات و جریمه ناقضان این حق یا جبران خسارت زیان‌دیدگان (Case of X. and Y. v The Netherlands, 1985:27; Case of Hokkanen v. Finland, 1994: 56-58)

بنابراین، هرچند در بند دوم ماده ۸ کنوانسیون، دولت‌ها تعهدی جز عدم مداخله در این حق ندارند، دیوان توانسته است در پرتو رویه خود، یک سری اقدامات و تعهدات ایجابی را در جهت حمایت هرچه بهتر حق بر حریم خصوصی افراد به رسمیت شناخته و نهادینه نماید. (Case of Stubbings and Others v. The United Kingdom, 1996; Case of X. And Y. v. The Netherland, 1985) حال با توجه به مطالب فوق و با توجه به بررسی‌های به عمل آمده در پرونده‌های مختلف ارجاع داده شده به دیوان اروپایی حقوق بشر در خصوص مبارزه با دوپینگ؛ (Federation Nationale des Syndicats Sportfits (FNASS) and others v. France , 2013) اعلام نموده است: «الزامات محل استقرار نقض قوانین حقوق بشر نمی‌باشد». (European Court of Human Rights, 2018)

نظریه و رای دیوان در پرونده دوچرخه‌سوار فرانسوی (Federation Nationale des Syndicats Sportfits (FNASS) and others v. France, 2013, Application No. 77769/13) بر این مبنا بود که مداخله در حق احترام به زندگی خصوصی و خانوادگی ورزشکاران ذینفع، و مقررات مربوط به محل استقرار ورزشکار فقط مستلزم دخالت‌های لازم و متناسب با اهدافی است که توسط آژانس مبارزه با دوپینگ دنبال می‌شود. یعنی برای حفظ سلامتی ورزشکاران و پاسداری و صیانت از انصاف و اخلاق ورزشی رعایت قوانین لازم می‌باشد.

رای صادره دیوان بر این اساس بود که محافظت از سلامت ورزشکاران از اهداف قانون مبارزه با دوپینگ بوده است و در اسناد بین‌المللی نیز به ثبت رسیده است. در نتیجه الزامات محل استقرار نه تنها برای ورزشکاران حرفه‌ای بلکه برای سلامت آماتورها و به ویژه جوانان در نظر گرفته شده است و دیوان ترجیح می‌دهد که این موضوع را بیشتر در جهت «حمایت از حقوق و آزادی‌های

دیگران» مرتبط نماید. استفاده از مواد ممنوعه به طور ناعادلانه، رقبا را در همان سطح از بین می‌برد که به آنها متوسل نشدند، و در این صورت آماتورها و به ویژه جوانان را تشویق به انجام این عمل خطرناک کرده و تماشاگران را از مشاهده‌ی یک رقابت سالم و منصفانه محروم می‌نماید. در وهله اول، دیوان اظهار داشت که به دلیل مقابله با خطرات ناشی از دوپینگ برای سلامت ورزشکاران، اجماع گسترده‌ای در بین مقامات پزشکی، دولتی و بین‌المللی وجود دارد. و هدف از قوانین ضد دوپینگ را حفظ سلامت ورزشکاران دانست و تأثیر پیامدهای دوپینگ بر ورزش حرفه‌ای و به ویژه جوانان را بسیار مهم دانست و از متخصصان ورزشی به عنوان الگویی برای جوانان در ورزش یاد کرد.

همچنین دادگاه اظهار داشت که قوانین ضد دوپینگ در نهایت منجر به ایجاد یک چارچوب حقوقی بین‌المللی شده است و به عنوان یک ابزار جهانی برای مبارزه با دوپینگ و سلامت در ورزش می‌باشد.

همچنین خاطر نشان کرد که همکاری بین شورای اروپا و آژانس جهانی مبارزه با دوپینگ همچنان به سمت هماهنگی بیشتر در داخل و خارج از اتحادیه اروپا پیش می‌رود. دیوان همچنین بر این عقیده بود که دیدگاه‌های مشترک اروپایی و بین‌المللی در مورد لزوم انجام آزمایش بدون اعلام وجود دارد و بر همین اساس بود که دولت‌های متعاقد برای ایجاد یک نظم حقوقی تصمیم بگیرند که مشکلات ناشی از دوپینگ را برطرف نمایند و تأکید نمود که کشورهای عضو کنوانسیون یونسکو نسبت به رعایت اصول مندرج در قانون مبارزه با دوپینگ اقدامات مناسبی را اتخاذ نمایند.

دیوان در نظریه خود الزامات محل استقرار را برای ایجاد یک چارچوب قانونی برای مبارزه با دوپینگ ضروری دانست. بنابراین دادگاه اظهار داشت که هیچ نقض ماده ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر صورت نگرفته است (Sloot, Paum and Leenes; 2020).

در خصوص مواد ۱-۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر (احترام به زندگی خصوصی و خانوادگی افراد)، و ماده ۲ پروتکل شماره ۴ (حق آزادی جابجایی) مصادیق بیان شده در خصوص حریم خصوصی بیانگر اصل و قاعده احترام به حقوق مربوط به حریم خصوصی می‌باشد و پر واضح است که قواعد مربوط به حقوق امری مطلق و غیر قابل عدول نبوده (European Court of Human Rights, 2019) و دولت‌ها بنابر شرایط و ملاحظات خاص می‌توانند قوانین محدود کننده‌ای بر این اصل و قاعده وضع نمایند.

بنابراین قوانین مصوب آژانس جهانی مبارزه با دوپینگ و کنوانسیون یونسکو، که از جمله قوانین محدود کننده حقوق مربوط به حریم خصوصی می‌باشد، از استثنائات وارد بر اصل و قاعده مزبور بوده و آن را تخصیص می‌زند. و به هیچ وجه منافی حریم خصوصی افراد نبوده بلکه در راستای نظم و با هدف حمایت از سلامت ورزشکاران وضع گردیده است. چه بسا، در همین راستا دولت‌ها در قوانین داخلی خود نیز قواعد مربوط به حریم خصوصی موضوع ماده ۱-۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر را به موجب قوانین وضعی محدود می‌نماید. (P.K. Kurgat, A.J. Kurgat, 2014: 276)

شایان ذکر است که دولت‌ها در خصوص موضوع قوانین مربوط به مبارزه با دوپینگ، حق مداخله مستقیم نداشته و این قوانین از طریق نهادهای عمومی غیر دولتی اعمال می‌گردد. افزایش حجم شکایات واصله به دادگاه حقوق بشر، الزاماً نمایانگر نقض حقوق بشر نیست،

بلکه می‌تواند نشانگر افزایش اقبال شهروندان به مقوله حقوق بشر و همچنین توسعه آگاهی‌های آنها بر امکان احقاق حق از طریق یک مرجع فراملی باشد (Nafziger, 1999).

روجک^۱ نیز افراد مشهور را شامل سه دسته می‌داند که دسته دوم مربوط به دستیابی به شهرت از طریق رقابت و قابلیت‌های فرد است که شامل ورزشکاران، قهرمانان، نویسندگان و هنرمندان می‌شود. لذا با توجه به آرایه‌ای که در پرونده‌ها صادر شده است، به این نتیجه می‌رسیم که ورزشکاران باید متوجه باشند که با توجه به جایگاهی که در جامعه دارند و در بسیاری موارد به انتخاب خودشان در آن جایگاه قرار گرفته‌اند، به طور خودکار فشارها بر حریم خصوصی آنها افزایش خواهد یافت، اما همچنان حق حریم خصوصی آنها به رسمیت شناخته می‌شود. در واقع پابندی خود شخص به مقررات در حفظ حریم شخصی فرد بسیار موثر می‌باشد. (Callender, 2014:18)

بحث و نتیجه‌گیری

حق بر حریم خصوصی که در ماده ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر شناسایی شده است در پرونده‌های ارجاع داده شده در مورد قوانین مبارزه با دوپینگ و نقض حریم خصوصی ورزشکاران، در معرض انتقاداتی بوده است که در این پژوهش به آن پرداخته شد.

با نگاهی بر رویه دیوان اروپایی حقوق بشر؛ ملاحظه شد که عملکرد دیوان در زمینه مواد ۱-۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر (احترام به زندگی خصوصی و خانوادگی افراد) بیانگر اصل و قاعده احترام به حقوق مربوط به حریم خصوصی می‌باشد و عملکرد دیوان در مورد تحقق اجرای ماده ۸ یکسان، قاطع و حق محور بوده است. عملکرد دیوان بر این مسیر پایدار مانده که سعی در گسترش دامنه ماده ۸ در جهت حمایت هرچه تمام‌تر از حقوق افراد داشته و در این راه، یکی از تلاش‌هایی که انجام داده است، پیش گرفتن رویه‌شناسی و توجه به جنبه ایجابی تعهدات مندرج در این ماده بوده است. دیوان در این مسیر بدون اینکه مقرراتی صریح را به عنوان مبنای استدلالات خود داشته باشد، با تکیه بر عبارت پردازی‌های تلویحی کنوانسیون، تعهداتی از نوع ایجابی را شناسایی کرده و توسعه داده است. لذا دیوان در رویه‌ی خود در مورد بند ۱ ماده ۸ در زمینه قوانین مبارزه با دوپینگ و ادعاهای مبنی بر نقض حریم خصوصی ورزشکاران نظر بر توسعه مصادیق داشته و دامنه شمول حقوق مندرج در این بند را گسترش داده است و به فراخور حساسیت موضوع، با دقت به بررسی ادعاهای خواندگان بر مبنای این بند می‌پردازد. دیوان در رویه‌ی خود بر این عقیده است که انگیزه مداخله در امور خصوصی ورزشکاران، حفاظت از ارزش‌های ذاتی ورزش به منظور جلوگیری از ترویج رفتارهای خلاف قانون می‌باشد. دیوان براین باور است که ورزش یک تقویت‌کننده جامعه است نه فعالیتی که جامعه را به خطر بیندازد. لذا طرح آزمایش اتفاقی در غیر موارد رقابت و آزمایشات خون، خود به معنای توسعه قدرت مسئولان ورزش از محدوده ورزش به حریم زندگی خصوصی ورزشکار است و پاسپانی از ارزش‌های اساسی جامعه و توجه به نیاز مبرم اجتماعی ضروری می‌باشد. همچنین اهمیت ورزش که ناشی از تلاش انسان برای پیشرفت است، ورزشکار را قادر می‌سازد تا با عزمی راسخ بر بدن طبیعی و بدون آرایش خود مسلط باشد.

دیوان در پرونده‌های ارجاع داده شده به صراحت اعلام نموده است که "قوانین مبارزه با دوپینگ در مورد الزامات محل استقرار ورزشکاران، نقض قوانین حقوق بشر نمی‌باشد و در راستای نظم و هدف از حمایت از سلامت ورزشکاران وضع گردیده است." دیوان برای شناسایی

این ضرورت، همواره تاکید بر این موضوع دارد که دخالت در حق ورزشکاران باید در پی «نیاز اجتماعی مبرم» انجام شده باشد و بایستی اقدامات انجام شده با هدف مشروع مورد نظر نیز تناسب داشته باشد.

بنابراین؛ هرچند دولت‌ها تعهدی جز عدم مداخله در حق احترام به حریم خصوصی و خانوادگی افراد مندرج در ماده ۱-۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر ندارند؛ ولی دیوان توانسته است در پرتو رویه‌ی خود، یک سری اقدامات و تعهدات ایجابی را در جهت حمایت هرچه بهتر حق بر حریم خصوصی افراد به رسمیت شناخته و نهادینه نماید.

واضح است که حق احترام به زندگی خصوصی و خانوادگی افراد، در زمره حقوق مطلق و غیرقابل عدول در نظام حقوق بشری نیست و این حق جزو حقوق غیرقابل تعلیق بوده و در شرایط استثنائی می‌توان برای آن قیودی وضع کرد.

پی‌نوشت

۱۶۵

۱. همانطور که در ماده ۲۲ توضیح داده شده است "دولت نمی‌تواند با ابزارهای غیردولتی خصوصی، قانون را متعهد کند؛ به همین دلیل از دولت‌ها خواسته نمی‌شود که امضاء کنندگان آیین‌نامه باشند، بلکه امضای اعلامیه کپنهاگ و تصویب، پذیرش، یا پیوستن به کنوانسیون یونسکو را برعهده دارند. اگرچه سازوکارهای پذیرش ممکن است متفاوت باشد، تلاش برای مبارزه با دوپینگ از طریق برنامه هماهنگ شده در آیین‌نامه، تلاشی مشترک بین جنبش ورزشی و دولت‌ها است. " قانون ۲۰۱۵ می‌افزاید: ماده ۲۲ "انتظارات" را به سادگی بیان می‌کند، زیرا دولت‌ها فقط "موظفند" از الزامات کنوانسیون یونسکو پیروی کنند. "
۲. این ماده در نسخه ۲۰۱۵ از بین رفته است.
۳. از جمله اطلاعات مورد نیاز می‌توان به آدرس کامل محل زندگی ورزشکار (خانه، اقامتگاه‌های موقت، هتل و غیره)، نام و آدرس هر مکانی که ورزشکار در آن آموزش، کار یا فعالیت‌های منظم دیگری را انجام دهد، اشاره کرد. و همچنین بازه‌های زمانی معمول برای چنین فعالیت‌های منظم. این اطلاعات باید در تاریخ مشخص شده توسط سازمان مبارزه با دوپینگ مسئول (ADO) ارائه شود، که قبل از روز اول هر سه ماه و برای هر روز در سه ماهه بعدی باشد.
۴. در قانون ۲۰۱۵ قسمتی که یک ورزشکار در آن می‌تواند سه فیلترینگ محل را جمع کند (عدم موفقیت در پرونده‌ها یا آزمایش‌های از دست رفته) که باعث نقض قانون مبارزه با دوپینگ می‌شود، از ۱۸ ماه به ۱۲ ماه کاهش یافته است: به سند مربوط به تغییرات مهم بین قانون ۲۰۰۹ و قانون ۲۰۱۵ "موجود در: <https://www.wada-ama.org/fa/res/the-code/significant-changes-between-the-2009code-and-the-2015-code> مراجعه شود. با توجه به این سند، اجماع این تغییر این بود که دوازده ماه زمان کافی برای سازمان مبارزه با دوپینگ برای جمع آوری سه ناکامی در محل سکونت بر روی یک ورزشکار است که می‌خواهد از آزمایش جلوگیری کند.
۵. البته شرایط می‌تواند تغییر کند تا ورزشکار در آن زمان، دیگر در آن مکان نباشد. در این حالت، او باید محل زندگی جدید خود را اطلاع دهد.

● حق بر حریم خصوصی ورزشکاران در مقررات بین‌المللی مقابله با دوپینگ از نگاه دیوان اروپایی حقوق بشر

منابع

- انصاری، باقر. (۱۳۹۳). حقوق حریم خصوصی. چاپ چهارم، تهران: انتشارات سمت
- باری، هولی هان. (۱۳۸۵). «دخالت سیاست در ورزش، تربیت بدنی و تفریحات». مجله رشدآموزی علوم اجتماعی. دوره ۱۰، شماره ۲.
- پروین، خیرالله. (۱۳۹۳). مبنا و منشاء نظام بین‌المللی حقوق بشر و نظام حقوق بشر اسلامی. انتشارات خرسندی
- پروین، خیرالله. (۱۳۸۷). «حقوق بشر و تاثیر آن بر حاکمیت ملی دولت‌ها». مجله علمی پژوهشی وزارت علوم. سال ۳۸، شماره ۴.
- جاوید، رحمان علی. (۱۳۹۶). رساله آموزشی اساسات حقوق بشر. انتشارات کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، بخش آموزش حقوق بشر.
- رحمدل، منصور. (۱۳۸۴). «حق انسال بر حریم خصوصی». مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۷۰.
- رحیم خویی، الناز و رستم زاده، حسین. (۱۳۹۶). «تحلیل و نقد عملکرد دیوان اروپایی حقوق بشر در برخورد با ادعاهای نقض ماده ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر». مجله حقوقی بین‌المللی. شماره ۵۶.
- زاهدی، مهدی؛ دادگر، علی؛ زمانی، سیدقاسم و شهبازی، آرامش. (۱۳۹۷)، «دوپینگ و واکاوی رویه دیوان دآوری ورزش در مقابله با آن». فصلنامه حقوق پزشکی. سال ۱۲، شماره ۴۵.
- زمانی، سیدقاسم و بهراملو، مهناز. (۱۳۹۶). حقوق بین‌الملل. انتشارات موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهردانش
- شهبازی، آرامش و برلیان، پویان. (۱۳۹۷)، «دوپینگ در حقوق بین‌الملل ورزشی و جایگاه دیوان دآوری ورزش در تنسيق رویه بین‌المللی در این زمینه». فصلنامه مطالعات راهبردی ورزش و جوانان. شماره ۳۹.
- فلسفی، هدایت الله. (۱۳۷۵). «جایگاه حقوق بشر در حقوق بین‌الملل معاصر». مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۱۸.
- مقامی، امیر و عطاران، نادیا. (۱۳۹۸). «موازنه افشای حریم خصوصی خانوادگی چهره‌های مشهور در رسانه‌ها و آزادی بیان در رویه‌ی نهادهای قضایی». فصلنامه مطالعات حقوق عمومی. دوره ۴۹، شماره ۲.
- مقتدایی، عباس. (۱۳۹۰). «بررسی مقایسه‌ای نسل اول حقوق بشر جامعه مدنی غرب با مبانی اسلامی». مجله علمی پژوهشی جامعه شناسی کاربردی دانشگاه اصفهان، دوره ۲۲، شماره ۳.
- ویژه، محمد رضا. (۱۳۸۳). «مفهوم تعهدات مثبت در رویه دیوان اروپایی حقوق بشر». مجله تخصصی الهیات و حقوق. شماره ۴۹.
- هاشمی، سید محمد. (۱۳۸۵). حقوق بشر و آزادی‌های اساسی. تهران: انتشارات میزان

- Callender, Smith. (2014). **“Celebrity Privacy and the Development of the Judicial Concept of Proportionality: How English Law has balanced the Rights to Protection and Interference”**. Queen Mary University of London center for Commercial Law Studies.
- European Court of Human Rights. (2017-2018). **“Doping Control: Whereabouts requirement does not breach Convention”**. Press Release, issued by the Registrar of Court.
- European Courts of Human Rights. (2019). **“Guide on Article 8 of the European Convention on Human Rights”**. last update 31.08. 2019.
- Gonzalez, Carmen Perez. (2014). **“International Sports Law and the Fight against Doping: An Analysis from an International Human Rights Law Perspective”**. European Society of International Law, 10th Anniversary Conference, Vienna, 4-6 September.
- Kurgat, P.K., Kurgat, A.J. (2014). **“Doping in Sport: The Spirit of Sports, Human Rights and Human Resource Development Dilemma”**. No. 3.
- Mitten, Matthew J. and Opie, Hayden. (2010). **“Sports Law’: Implications for the Development of International, Comparative, and National Law and Global Dispute Resolution”**. Tulane Law Review, Forthcoming; Marquette Law School Legal Studies Paper No. 10-31; U of Melbourne Legal Studies Research Paper No. 483. Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=1625919>.
- Mowbray, Alastair. (2004). **“The Development of Positive Obligations under the European Convention on Human Rights by the European Court of Human Rights”**. Oxford and Portland, Oregon.
- Nafziger, James. (1999). **“Globalizing Sports Law”**. Marquette Sports Law Review. Vol. 9, Iss2.
- Sloot, Van Der Bart, Paum, Mara and Leenes Ronald. (2020). **“Athletes’ Human Rights and the Fight against Doping”**. A study of European legal Framework, T.M.C. ASSER PRESS.
- Westin, Alan F. (1967). **“Privacy and Freedom”**. New York Athenaeum.
<http://ukhumanrightsblog.com/incorporated-rights/articles-index/article-8-of-the-echr/> (last visited on 11/09/2019).
- **“An official Interpretation of Article 8”**. Available at ECHR-online website as follow: <http://echr-online.info/article-8-echr/> (last visited on 15/09/2019).
- <https://hudoc.echr.coe.int>
- <https://www.wada-ama.org/en/resources/world-anti-doping-program/copenhagen-declaration>.
- **“Case of Buckland v. The United Kingdom”**. (Application no. 40060/08), ECtHR, 2012.
- **“Case of Glaser v. The Unite Kingdom”**. Application no. 3234/96. ECtHR, 2000.
- **“Case of Frisancho Perea v. Slovakia”**. Application no. 383/13, ECtHR, 2015.

● حق بر حریم خصوصی ورزشکاران در مقررات بین‌المللی مقابله با دوپینگ از نگاه دیوان اروپایی حقوق بشر

- **“Case of X. and Y. v The Netherlands”**. Application no. 8978/80, ECtHR, 1985 and **“Case of Hokkanen v. Finland”**, Application no. 19823/92, ECtHR, 1994.
- **“Case of Stubbings and Others v. The United Kingdom”**. Application no. 22083/93; 22095/93, ECtHR, 1996; and **“Case of X. And Y. v. The Netherlands”**, Application no. 8978/80, ECtHR, 1985.
- **“Case of Federation Nationale des Syndicats Sportifs (FNASS) and others v. France”**. Application No. 48151/11 and 77769/13, the case was communicated to the parties in June 2013, European Court of Human Rights.

شناسایی مؤلفه‌های مربیگری ورزش ایران

علیرضا زمانی نوکاآبادی^۱

شهرام عروف زاد^۲

رسول نظری^۳

احمدرضا موحدی^۴



10.22034/SSYS.2022.1344.192810.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۲/۲۲

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۵/۷

هدف از پژوهش حاضر، شناسایی مضامین مربیگری ورزش بود که به روش آمیخته و با طرح تحقیق اکتشافی انجام گرفت. جامعه آماری تحقیق در بخش کیفی مربیان و ورزشکارانی بودند که دارای حداقل ده سال سابقه مداوم در سطوح بالای ورزش و تحصیلات تربیت بدنی و علوم ورزشی داشتند. در این بخش، با ۲۰ مربی و ورزشکار مصاحبه عمیق انجام گرفت. اشباع نظری در مصاحبه ۱۷ به دست آمد، ولی سه مصاحبه دیگر هم انجام گرفت. مصاحبه‌ها با استفاده از روش تحلیل مضمون تجزیه و تحلیل شد و سه مضمون فراگیر، ۱۲ مضمون سازمان‌دهنده و ۴۱ مضمون پایه به دست آمد. سه مضمون فراگیر شامل مضامین بین‌فردی، درون‌فردی و محیطی (بافتی) مشخص شد. مضامین بین‌فردی شامل مدیریت، مهارت‌های مربیگری، رفتار مربیگری و روابط اجتماعی بود. مضامین درون‌فردی شامل ویژگی‌های فردی، فلسفه، دانش مربیگری و تمایل به رشد و تعالی بود. مضمون محیطی شامل ایفای نقش، موقعیت مسابقه، موقعیت تمرین و شرایط

۱- دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی، دانشکده علوم ورزشی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران

۲- استادیار، مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت بدنی، دانشگاه فرهنگیان اصفهان، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول)
E-mail: Aroufzad@gmail.com

۳- دانشیار، مدیریت ورزشی، دانشکده علوم ورزشی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران

۴- استاد رفتار حرکتی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

محیطی بود. جامعه آماری بخش کمی شامل مربیان و رزشکاران کشور و نمونه آماری شامل مربیان و ورزشکارانی بود که در رشته‌ها و حوزه‌های مختلف حداقل ۱۰ سال سابقه داشتند و در سطح استانی و ملی فعالیت می‌کردند. برای جمع‌آوری داده‌ها در بخش کمی، پرسشنامه‌ای مشتمل بر ۵۰ سؤال شامل ۹ سؤال جمعیت‌شناختی و ۴۱ سؤال متناظر با مضامین شناسایی شده در بخش کیفی آماده و پس از تایید روایی صوری توسط متخصصان و اخذ پایایی مناسب ($\alpha = 0/97$) توسط ۳۸۰ پاسخگو کامل شد.

نتایج مدل‌سازی معادلات ساختاری کلیه مضامین را تایید کرد. مضمون فراگیر بین‌فردی بیشترین بار عاملی، و مضمون فراگیر محیطی کمترین بار عاملی را داشتند. یافته‌ها نشان داد لازم است مربیان ورزش به مؤلفه‌های بین‌فردی مربیگری توجه بیشتری داشته باشند و همراه با آن به رشد و توسعه مؤلفه‌های درون‌فردی و محیطی مربیگری بپردازند.

واژگان کلیدی: روش آمیخته، مربیگری، مضمون بین‌فردی، مضمون درون‌فردی، مضمون محیطی و ورزش.

مقدمه

در سه دهه گذشته چشم‌انداز ورزش در بسیاری از کشورهای دنیا تغییر برجسته‌ای کرده است. تنوع فرهنگی زیاد شده و ورزش در دسترس افراد بیشتری قرار گرفته است. این امر باعث شده مربیان که قلب عملکرد و مشارکت در هر ورزشی هستند بیشتر مورد توجه قرار گیرند (پایک^۱، ۲۰۱۳: ۶۴).

هنوز تعریفی برای مربیگری ارائه نشده که مورد تایید همه متخصصان باشد. در اکثر مواقع، تعریف مربیگری در ورزش اغلب تا حد یک فرد خبره در تکنیک‌های تمرین بدنی ساده‌سازی شده است در حالی که تعریف مربی باید جامع و شامل متغیرهایی باشد که به مهارت‌های مربی و کاربرد دانش مربی برای تعیین مولفه‌های مورد نیاز در هر موقعیتی نیاز دارد (نورث، پیگوت، لارا-برکیال، آبراهام و مویر^۲، ۲۰۱۹: ۱۳). پژوهش‌های اولیه در حوزه مربیگری این ایده را بارز کرد که مربیگری یک فعالیت علمی یا هنری و یا ترکیبی از هر دو است؛ گرچه هم برخی به مربیگری به عنوان علم و برخی هم به عنوان هنر نظر دارند اما در هر دو دیدگاه، کسب و کاربرد علم و دانش مهم است که در تعدادی از مدل‌های قبلی هم این مولفه مورد استفاده قرار گرفته است (کارلس و دوگلاس^۳، ۲۰۱۱: ۷).

در مدل مربیگری^۴ که یکی از اولین مدل‌های مربیگری است ملاحظات سازمانی، تمرین و مسابقه سه مؤلفه اصلی مربیگری ذکر شده‌اند و در تحقیقات دیگری هم که از این مدل استفاده کردند به نتایج تقریباً مشابهی رسیدند به جز این که مؤلفه بین‌فردی را برجسته کردند که ویژگی‌های مربی و ورزشکار را با مؤلفه قوی اجتماعی-فرهنگی به عنوان عوامل موثر بر مربیگری ترکیب کردند (کوت و گیلبرت^۵، ۲۰۰۹: ۳۱۸). بنی و اوکونور^۶ (۲۰۱۱) مهارت‌های مربیگری محیط^۷ (بافت) و مربی را سه مضمون کلی مربیگری معرفی کردند. مضمون مهارت‌های مربیگری شامل چهار طبقه رهبری، ارتباطات، مدیریت افراد و برنامه‌ریزی است. محیط تیم عبارت است از ویژگی‌هایی که با توسعه محیط تیمی مثبت و فرهنگ تیم مشخص می‌شود. مضمون مربی شامل دو طبقه فلسفه مربیگری و ویژگی‌ها و دانش شخصی مربی است. ویژگی‌های شخصی مربی، دانش تکنیکی/تاکتیکی و فلسفه یک پیش‌زمینه از باورهای آنها را فراهم، و پایه‌ای را برای رهبری ارتباطات، مدیریت بازیکن، و مهارت‌های برنامه‌ریزی فراهم می‌کند. موئن، گیسکی و هویگارد^۸ (۲۰۱۵) اظهار داشتند شایستگی ساخت شخصیت، شایستگی راهبرد بازی، شایستگی انگیزه و شایستگی فنی برای مربیان ضروری می‌باشد و نتایج آنها نشان داد مربیان پیشرفته و موفق، ویژگی‌های شخصیتی ذاتی و پرورش‌یافته‌شان را ترکیب می‌کنند تا رویکردی را در کار مربیگری

1. Pyke
2. North, Piggott, Lara-Bercial, Abraham & Muir
3. Carless & Douglas
4. Coaching model
5. Cote & Gilbert
6. Bennie & O'Connor
7. Context
8. Moen, Giske & Hoigaard

بسازند که برای هر موقعیتی بهترین تناسب را داشته باشد. کاسیدی، جونز و پوتراک^۱ (۲۰۰۹) ویژگی‌های مربیان را به دو دسته ابزاری و درونی تقسیم کردند. ویژگی‌های ابزاری را می‌توان به عنوان ویژگی‌هایی در نظر گرفت که بر جنبه‌های عملی و تکنیکی مربیگری تمرکز دارد (مثل داشتن صدای رسا، وقت‌شناسی، سازماندهی و داشتن ارتباطات قوی با ورزشکاران). ویژگی‌های درونی (ذاتی) می‌تواند به عنوان جنبه‌های ذهنی (اجتماعی، عاطفی و شناختی) مربیگری در نظر گرفته شوند و شامل حس شوخ‌طبعی، گشودگی ذهنی، شکیبایی و توانایی ایجاد انگیزه است.

مربیگری اثربخش دارای سه مؤلفه دانش مربیگری، بروندادهای ورزشکاران و محیط مربیگری است و مربیگری ورزش عبارت از کاربرد دانش حرفه‌ای، بین‌فردی و درون‌فردی برای بهبود شایستگی، اعتماد به نفس، شخصیت و ارتباط در محیط‌های مربیگری ویژه است (کوته و گیلبرت، ۲۰۰۹: ۳۱۹). محیط یا بافت مربیگری عبارت از محیطی است که در آن مربیگری اجرا می‌شود و یک محیط نامشهود اجتماعی و شناختی عمل‌کننده بر کار مربیگری است. از نگاه جمعیت‌شناختی، محیط ممکن است بر حسب نوع ورزش، سطح رقابت و سن، جنسیت و وضعیت حرفه‌ای/آماتور بودن ورزشکاران توصیف شود. از یک منظر عملکردی، یک محیط منحصر به فرد با تعدادی زیادی از عوامل مقایسه می‌شود که بر هر فرد درگیر در مربیگری تأثیر دارد. برای مثال، ویژگی‌های محیط فیزیکی (مثل شرایط آب و هوا)، دیگر متغیرهای غیرقابل پیش‌بینی (برای نمونه، عملکرد حریف در مسابقه) و همین‌طور عوامل تاریخی و فرهنگی (برای نمونه، سوابق تیم در رقابت‌ها، سنت‌های تیمی) ممکن است بر کار مربیگری تأثیر داشته باشد. شاید دلیل این که هنوز مربیگری به طور واضح مورد اجماع قرار نگرفته، گستردگی حوزه عمل آن در بافت‌های مختلف است (هال، گرای، کلی، مارتیندال و اسپرول^۲، ۲۰۱۶: ۹۴). در این حوزه، سه نوع مربیگری ورزش مشخص شده است: مربیگری شرکت‌کنندگان در ورزش (که با شروع فعالیت در ورزش و ارائه مهارت‌های پایه مشخص می‌شود و مختص شرکت‌کنندگان تفریحی است)، مربیگری توسعه‌ای یا رشدی (که با یادگیری سریع مهارت‌ها و درگیر شدن با مسابقات ویژه ورزش مشخص می‌شود) و مربیگری عملکرد (که با آمادگی نسبتاً شدید و درگیر شدن در مسابقات ورزشی به طور خاص همراه است). مربیان علاوه بر این که باید تقاضاهای عملکرد محیط ورزش را بشناسند لازم است تغییر نیازهای ورزشکاران در طول رشدشان از کودکی تا بزرگسالی را هم بدانند (کوته و گیلبرت، ۲۰۰۹: ۳۱۱). سوکیتو، چولیک موتوهر و سوجیدانداکو^۳ (۲۰۱۷) پنج بعد شایستگی مربیان یعنی ارتباطات، رهبری، مربیگری، تخصص در ورزش، و شخصیت را مهم می‌دانند. چيو، ماهات، هووا و رادزوان^۴ (۲۰۱۳) نشان دادند مربی شایسته در هشت حوزه استاندارد فلسفه و اخلاق، ایمنی و آسیب، آماده‌سازی بدنی، رشد و توسعه، یاد دادن و ارتباطات، مهارت‌ها و تاکتیک‌های ورزشی، سازماندهی و اداره کردن، و ارزیابی شایستگی دارند. یافته‌های سانتوز، جونز و مسکوئیتا^۵ (۲۰۱۳) در بررسی شایستگی و دانش تمرین مرتبط با شایستگی حرفه‌ای، سه نوع شایستگی مرتبط با برنامه‌ریزی

1. Cassidy, Jones & Potrac
2. Hall, Gray, Kelly, Martindale & Sproule
3. Sucipto, Cholikh Mutohir & Sudijandoko
4. Chiu, Mahat, Hua & Radzuwan
5. Santos, Jones & Mesquita

سالیانه و چندساله، شایستگی‌های مرتبط با جهت تمرین و رقابت، و شایستگی‌های شخصی و آموزش مربی را مهم تلقی می‌کند.

در مطالعه دیگری محیط مربیگری، عوامل فردی مربوط به مربی و عوامل اجتماعی به عنوان مضامین بنیادین مربیگری معرفی شده و علاوه بر رابطه با بازیکنان، بر رابطه با همکاران، پزشکان، مقامات و دیگران و همین‌طور بر نقش مربی تاکید شده است (هال^۱، ۲۰۱۵: ۹۴). با توجه به نقش‌هایی که مربی ایفا می‌کند تعریف مربیگری خیلی جامع‌تر از آن است که فقط او را به عنوان آموزش‌دهنده یا معلم در نظر بگیریم، زیرا مربیان باید مهارت‌ها را به صورت عملی نمایش دهند، برنامه‌ریزی کنند، انگیزه بازیکنان را بالا ببرند، توصیه‌هایی به بازیکنان می‌کنند، رهبر هستند، تصمیم‌گیری می‌کنند و یک دانش متناسبی دارند (ژابو^۲، ۲۰۱۴: ۲۳). نقش‌های دیگری از جمله: مرشد^۳، مشاور، آموزش‌دهنده، معلم، تمرین‌دهنده یا رهبر ارکستر^۴ برای مربیگری ورزش معرفی شده‌اند (مارتینز^۵، ۲۰۱۲: ۲۴۵).

دوچیف و گردیس^۶ (۲۰۱۵) با در نظر گرفتن کلیه تحقیقات فیزیکی، شناختی و آموزشی برای مربیان اظهار داشتند به نظر می‌رسد چیزهایی در مربیگری ورزش امروز نادیده گرفته شده است. این مؤلفان بعد از چند سال مشاهده، یاددادن و مربیگری به این نتیجه رسیدند مربیان نیاز دارند مطمئن شوند ورزشکاران یک تجربه متعادل ورزشی را دریافت می‌کنند. آنها تواضع، تشویق، اصالت، سرسختی و روابط را پنج مولفه ضروری برای مربیگری معرفی کردند. مربیگری ورزش یک فعالیت اجتماعی است و به تبع آن شامل تعاملات افراد زیادی مثل مربیان، ورزشکاران، والدین، نهادهای اجتماعی، دولتی و سایر موارد درگیر است (کلی، تول، بارکر و هاروود^۷، ۲۰۱۸: ۱۸۵۶). در مربیگری، رابطه مربی- ورزشکار بسیار مورد توجه بوده و به عنوان یک وضعیت اجتماعی تعریف می‌شود که به طور مداوم به وسیله تفکرات، احساسات و رفتارهای بین‌فردی مربی و ورزشکار شکل می‌گیرد. یک مربی و یک ورزشکار به طور دوجانبه و علی به هم وابسته هستند و چگونگی احساسات، تفکرات و عواطف یک طرف تحت تاثیر احساسات، تفکرات و رفتارهای طرف مقابل است و می‌تواند شامل قربات، تعهد، مکمل‌بودن، و هم‌جهت‌بودن باشد. علاوه بر ورزشکار، روابط مربی با سایر افراد از جمله همکاران، دستیاران، رسانه‌ها، والدین، مدیران و ... که برقراری رابطه با آنها برای مربیگری ضروری است هم بررسی شده است (همپسون و ژاویت^۸، ۲۰۱۴: ۴۵۷). علاوه بر روابط، رفتار مربیگری هم در مربیگری بسایر موثر بوده و مشخص شده رفتارهای مربیگری مثبت بر خودکارآمدی و عملکرد تیمی تأثیر دارد (چپری، یوسفی و زردشتیان، ۱۳۹۹: ۳۰).

-
1. Hall
 2. Zsabo
 3. Mentor
 4. Orchestration
 5. Martinez
 6. Docheff & Gerdes
 7. Kelly, Thelwell, Barker & Harwood
 8. Hampson, & Jowett

کوپر و آلن^۱ (۲۰۱۷) هفت اصل زیربنایی مربیگری شامل یادگیری شراکتی، انفرادی‌سازی، ساختار روشن با فرآیند تحولی، رویکرد تنظیم ارکستر، محیط مربیگری، فرآیند کل‌گرا و منعطف، و قابلیت سازگاری و پویایی، و شش مؤلفه بخش‌ها شامل محدودیت‌های محیطی، محیط یادگیری، آمادگی، اجرا، بازبینی و ارزش‌ها، دانش و مهارت‌ها را به عنوان مضامین مربیگری ورزش مشخص کردند. بلومنستین، اورباخ، بار-الی، درشمن و وینستین^۲ (۲۰۱۲) مهارت‌های شایع بین دو گروه مربی ورزش‌های تیمی و انفرادی را در پنج حوزه طراحی تمرین و مهارت‌های رقابت از قبیل دوره‌های کوتاه و بلند مدت، تدوین یک برنامه برای مسابقه، و تدوین یک برنامه تمرینی برای ارتقا عملکرد ورزشی؛ یاددادن و تبیین حرکت و تکنیک در یک ورزش ویژه از قبیل ارائه دانش در مورد حرکت و اصلاح خطاهای تکنیکی؛ به‌کار بردن دانش و ایده‌های جدید از حوزه‌های چندرشته‌ای مثل بیومکانیک، فیزیولوژی، طب و تغذیه؛ فراهم کردن حمایت روانشناختی برای ورزشکاران جهت بهبود مهارت‌های‌شان در حوزه‌هایی مثل انگیزه، هدف‌گزینی، اعتماد به نفس و کنار آمدن با استرس؛ رشد مهارت‌های تعلیم و تربیتی^۳ در تمرین ورزش از قبیل توانایی یاددادن به ورزشکار، توانایی گوش‌دادن، توانایی درک‌کردن، توانایی ارائه بازخورد، و توانایی استفاده از زبان تحسین و تقدیر طبقه‌بندی کردند.

در تحقیقات داخل کشور هم مؤلفه‌هایی از جمله: ویژگی‌های شخصیتی (کاظمی‌پور، مهدی‌پور و ازمشا، ۱۳۹۴)، ویژگی‌های فردی (محمدی، مشکاتی، ژیان‌پور، ۱۳۹۷؛ رودباری و آقایی، ۱۳۹۹)، ویژگی‌های اجتماعی (خلیفه، قربانی و هنری، ۱۳۹۷)، مهارت‌ها و دانش فنی (منتظری، طالب‌پور و فیضی، ۱۳۹۶؛ اسمعیلی و رضایی، ۱۳۹۷)، مهارت‌های ارتباطاتی (رودباری و آقایی، ۱۳۹۹)، مهارت‌های مدیریتی (کاظمی‌پور، مهدی‌پور و ازمشا، ۱۳۹۴؛ اسمعیلی و رضایی، ۱۳۹۷؛ رودباری و آقایی، ۱۳۹۹)، برنامه‌ریزی (خلیفه، قربانی و هنری، ۱۳۹۷)، نظارت (بابازاده پهلوانلو، اصلانخانی، صفانیا، درودیان و گودرزی، ۱۳۹۸)، به کارگیری نیروهای جدید (اسمعیلی و رضایی، ۱۳۹۷)، عوامل آموزشی (اسمعیلی و رضایی، ۱۳۹۷؛ بابازاده پهلوانلو، اصلانخانی، صفانیا، درودیان و گودرزی، ۱۳۹۸) و مدل نقش (اسمعیلی و رضایی، ۱۳۹۷) به عنوان معیارهای مربیگری ذکر شده‌اند.

با وجود تمرکز تحقیق که بر روی جنبه‌های عملکرد (مؤلفه‌های تکنیکی و تاکتیکی) در اجرای ورزشی و کار مربیگری وجود دارد ادبیات خیلی کمی وجود دارد که پیش‌فرض‌های عملی زیربنایی مربیگری را عرضه می‌کند. از طرفی، حوزه‌های متنوع مربیگری و تقسیم‌بندی‌های مختلف از شرکت در ورزش (از جمله مربیگری در ورزش قهرمانی، همگانی، معلولان، تندرستی و ...) باعث شده پراکندگی‌هایی در مدل‌های ارائه شده قبلی به چشم بیاید. همچنین این مدل‌ها از چشم‌اندازهای تئوریک مختلفی شامل رهبری، خبرگی، رابطه مربی-ورزشکار، انگیزه، و آموزش ظهور کرده‌اند. روشن است این خطوط تحقیق برای درک پیچیدگی کار مربی مهم هستند اما تمرکز چارچوب‌های مفهومی بر روی یک جنبه خاص از مربیگری، درک کلی ما از مربیگری را با باریک‌کردن دیدمان محدود می‌کند. نگاه کل‌نگر به ما کمک می‌کند به غیر از موضوعاتی که به

1. Cooper & Allen

2. Blumensteyn, Orbach, Bar-eli., Dreshman & Weinstein

3. Pedagical

خود مربی مربوط است سایر مولفه‌های مرتبط با مربیگری ورزش را هم در نظر بگیریم. این نگاه می‌تواند رشد و آموزش مربیان را شکل داده، از علاقه مربیان به بهبود حمایت کند و به مربیان کمک کند تجارب کیفی برای شرکت‌کنندگان فراهم کنند و شغل مربیگری را ارتقا دهد (هادسون، بات و مایراند، ۲۰۱۷: ۴۴۹). در این راه استفاده از رویکرد بومی و دانش موجود مربیان و دیدگاه ورزشکاران و شرکت‌کنندگان در ورزش می‌تواند مضامینی را مشخص کند که شاید در مدل‌های دیگر مربیگری که همگی در خارج از کشور تدوین شده‌اند به آنها اشاره نشده است. بر این اساس، محققان قصد دارند به این سؤال پاسخ دهند که مضامین و مولفه‌های مربیگری ورزش ایران شامل چه مواردی است.

روش‌شناسی پژوهش

روش تحقیق از نوع روش تحقیق آمیخته و از نوع طرح تحقیق اکتشافی بود. مشارکت‌کنندگان بخش کیفی پژوهش شامل کلیه مربیان ورزش و ورزشکاران مرد و زن کشور در سال ۱۳۹۷ بودند که در حوزه‌های مختلف مثل ورزش قهرمانی، همگانی، معلولین، تناسب اندام، آمادگی جسمانی، و ورزش‌های ماجراجویانه فعالیت دارند. برای انتخاب شرکت‌کنندگان در بخش کیفی از روش هدفمند استفاده شد. برای مربیان مشمول در این بخش از تحقیق داشتن حداقل ۱۰ سال سابقه مربیگری، کارت مربیگری در سطح بین‌المللی، سطح فعالیت (استانی، ملی، بین‌المللی)، تحصیلات مرتبط با تربیت بدنی و پیشنهادات سایر مربیان خبره، و برای ورزشکاران هم حداقل ۱۰ سال سابقه ورزش کردن به طور مداوم و/یا تجربه ورزش در سطوح بالا در نظر گرفته شد که در تعدادی از مطالعات هم از همین معیارها استفاده شده است (کوته و گیلبرت، ۲۰۰۹؛ موثن، گیسکی و هوینگارد، ۲۰۱۵؛ سوکیپتو، چولیک موتوهریر و سوجیدانداکو، ۲۰۱۷). فرآیند نمونه‌برداری نظری تا مرز تحقق کفایت نظری ادامه یافت. اشباع نظری در مصاحبه ۱۷ به دست آمد اما ۳ مصاحبه دیگر هم انجام شد و در مجموع ۲۰ مصاحبه عمیق صورت گرفت که مشخصات آنها در جدول ۱ ارائه شده است. مصاحبه‌ها بین ۴۵ تا ۷۰ دقیقه زمان برد و با مرور چندباره گفتگوها، تحلیل و بررسی دقیق‌تری نسبت به دیدگاه‌های طرح‌شده مشارکت‌کنندگان انجام شد.

جدول ۱: مشخصات خبرگان در بخش کیفی

ردیف	مشخصات دموگرافیک			دلیل انتخاب به عنوان خبره
	مدرک تحصیلی	سن	سابقه	
P۱	کارشناس ارشد فیزیولوژی ورزش	۳۹	۲۲	دونده سرعت باشگاهی و ملی، مربی سرعت تیم ملی در المپیک ۲۰۱۲ لندن و ۲۰۱۶ ریو
P۲	دکترای مدیریت ورزش	۴۰	۲۲	ورزشکار جهتیابی، مربی تیم ملی جهتیابی بانوان، مربی برتر جهتیابی کشور در دو سال پیایی، مربی کوهنوردی
P۳	کارشناس ارشد تربیت بدنی	۴۵	۲۷	بازیکن تیم‌های ملی والیبال، مربی تیم ملی والیبال نوجوانان ایران به مدت ۸ سال و کسب چند عنوان قهرمانی در آسیا و یک عنوان قهرمانی جهان

ردیف	مشخصات دموگرافیک	سن	سابقه	دلیل انتخاب به عنوان خبره
P۴	کارشناس ارشد آسیب‌شناسی ورزشی و حرکات اصلاحی	۲۷	۱۱	رکورددار دو ۶۰ متر داخل سالن بانوان ایران، نقره بازی‌های آسیایی در ماده ۴ در ۴۰۰ متر، طلا و نقره بازی‌های غرب آسیا
P۵	دکترای مدیریت ورزش	۴۰	۲۴	کوهنورد، مربی بازی‌های سنتی و محلی، مربی کوهنوردی، دره نوردی و صعود
P۶	کارشناس ارشد مدیریت ورزشی	۳۷	۲۰	بازیکن تیم‌های ملی والیبال و مربی تیم‌های باشگاهی و ملی در رده‌های مختلف
P۷	دکترای فیزیولوژی ورزش	۳۸	۲۵	بازیکن فوتسال باشگاهی، سرمربی فوتسال در لیگ برتر، مربی تیم ملی فوتسال دانشجویان و قهرمان آسیا، مدرس کنفدراسیون فوتبال آسیا در رشته فوتسال
P۸	کارشناس ارشد فیزیولوژی ورزش	۳۸	۲۰	ورزشکار باشگاهی دوومیدانی، مربی آمادگی جسمانی، تناسب اندام و توان‌افزایی افراد دارای بیماری و قهرمانان رشته‌های مختلف
P۹	دکترای مدیریت ورزشی	۴۰	۲۶	ژیمناست، مربی درجه ۱ ژیمناستیک و مربیگری نونهالان و نوجوانان طی سال‌های متمادی و مدرس دانشگاه به مدت ۱۵ سال
P۱۰	کارشناس ارشد آسیب‌شناسی ورزشی و حرکات اصلاحی	۳۰	۱۷	قهرمان چندین دوره بازی‌های ملی، آسیایی و جهانی میل بازی در ورزش باستانی
P۱۱	کارشناس تربیت بدنی	۳۱	۱۶	بازیکن تیم ملی والیبال و حضور در لیگ جهانی والیبال
P۱۲	کارشناسی ارشد مدیریت ورزشی	۵۰	۳۸	بازیکن باشگاهی هندبال و کسب چندین قهرمانی در ایران، مربی تیم باشگاه ذوب آهن، مربی تیم ملی هندبال از سطح جوانان تا بزرگسالان
P۱۳	دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت ورزشی	۳۸	۲۴	نایب قهرمان و قهرمان بادی کلاسیک جهان در سال ۰۱۲ و ۲۰۱۳، داور و مربی درجه ۱ فدراسیون پرورش اندام
P۱۴	دکترای یادگیری حرکتی	۴۰	۲۶	مربی و بازیکن باشگاهی بدمیتون و کسب چند عنوان کشوری و لیگ ایران، سابقه مربیگری در مقاطع و سطوح مختلف بدمیتون، مربی تیم ملی آذربایجان
P۱۵	کارشناس ارشد مدیریت ورزشی	۳۶	۲۲	کاراته‌کا حاضر در قهرمانی باشگاه‌های جهان، مربی تیم ملی امید و جوانان ویتنام و چندین مقام با این تیم‌ها، دارای بالاترین مدرک مربیگری کاراته بین‌المللی
P۱۶	دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی	۳۳	۱۷	قهرمان پرتاب در ورزش معلولین، چندین عنوان آسیایی و جهانی در مسابقات پارا
P۱۷	کارشناس ارشد فیزیولوژی ورزش	۳۵	۲۲	بازیکن فوتبال باشگاهی، مربی تیم‌های فوتبال نوجوانان و جوانان سپاهان و قهرمانی با این تیم‌ها در لیگ ایران
P۱۸	کارشناس ارشد تربیت بدنی	۴۰	۱۸	ورزشکار و مربی ایروبیک، مربی سالمندان، مربی تی‌آرایکس، زومبا
P۱۹	کارشناس ارشد مدیریت ورزش	۳۵	۲۵	شناگر، و مربی آموزشی و قهرمانی شنا و واترپلو
P۲۰	کارشناس ارشد آسیب‌شناسی ورزشی و حرکات اصلاحی	۳۳	۱۸	بازیکن و مربی کبدی، دارای چندین مقام کشوری باشگاهی، مربی تیم ملی جوانان به مدت دو سال

جهت تحلیل داده‌ها در بخش کیفی از روش تحلیل مضمون استفاده شد. این روش به صورت‌های گوناگونی قابل اجرا است که از میان آنها، روش شبکه مضامین^۱ مورد استفاده قرار گرفت. شبکه مضامین براساس روندی مشخص، پایین‌ترین سطح قضایای پدیده را از متن بیرون می‌کشد (مضامین پایه)، سپس با دسته‌بندی این مضامین و تلخیص آنها به اصول مجردتر و انتزاعی‌تر دست پیدا می‌کند (مضامین سازمان‌دهنده) و در نهایت این مضامین عالی در قالب استعاره‌های اساسی گنجانده شده و به صورت مضامین حاکم بر کل متن با عنوان مضامین فراگیر درمی‌آیند (آتراید-استرلینگ^۲، ۲۰۰۱: ۳۸۵-۳۸۷).

جهت ممیزی بخش کیفی پژوهش از چند راهبرد استفاده شد. باورپذیری^۳ به این معنی است که آیا یافته‌های تحقیق برای محقق باورپذیر است (معادل روایی درونی است) که به این منظور محقق یکی از مصاحبه‌ها را بعد از یک ماه دوباره کدگذاری نمود، نتایج با ضریب اسکات^۴ مقایسه شد که ضریب بدست آمده ۰/۸۴ بود که نشان از نتایج قابل اتکا و باور می‌باشد. انتقال‌پذیری^۵ یعنی این که آیا انتقال استنباط از یک بستر به بستر دیگر وجود دارد (معادل روایی بیرونی)؛ جهت افزایش قابلیت انتقال داده‌ها از حضور هر دو جنس استفاده و سعی شد که حتی‌الامکان از لحاظ سن، رشته و تحصیلات متفاوت باشند. برای اعتمادپذیری از روش تحلیل اعضای پژوهش^۶ استفاده شد، در این روش گزارش محقق از نظر صحت و کامل بودن مطالعه و بررسی قرار گرفت، چرا که خواندن گزارش موجب می‌گردد که مشارکت‌کنندگان حقایق تازه‌ای به‌خاطر آورند یا درک جدیدی از موقعیت به‌دست آورند، ضمن این‌که تحلیل افراد بیرون از محدوده یک فرد، خارج از محدوده فرد یا موقعیتی است که درگیر تحقیق نیست تا نقاط کور تحقیق مشخص شود. در نهایت تاییدپذیری^۷ میزانی است که یافته‌های پژوهش تاییدپذیر است؛ آیا واقعاً یافته‌ها از دل داده‌ها بدست آمده است که برای تاییدپذیری^۳ نفر صاحب‌نظر مضامین، یافته‌ها را بررسی کردند و تمامی مراحل به صورت جز به جز ارائه شد تا متخصصان خبره نظرشان را در مورد مدل ارائه نمایند که مورد تایید آنها قرار گرفت.

جامعه در بخش کمی شامل مربیان و ورزشکارانی بود که در رشته‌ها و حوزه‌های مختلف حداقل ۱۰ سال سابقه داشتند و در سطح استانی و ملی فعالیت می‌کردند. از تعداد افراد جامعه اطلاعاتی در دسترس نیست به همین خاطر جامعه نامحدود در نظر گرفته شد. نمونه در بخش کمی از بین مربیان و ورزشکارانی بود که در رشته‌ها و حوزه‌های مختلف حداقل ۱۰ سال سابقه داشتند و در سطح استانی و ملی فعالیت می‌کردند، انتخاب شدند. باتوجه به نامحدود بودن تعداد افراد جامعه، تعداد ۳۸۰ نفر با استفاده از روش نمونه‌گیری کاکران^۸ و به روش تصادفی (مجید^۹، ۲۰۱۸) با استفاده از پرسشنامه نسبت به جمع‌آوری اطلاعات انتخاب شدند.

1. Thematic network
2. Attride-Stirling
3. Ceredibility
4. Scott
5. Transferability
6. Member Checking
7. Confirmability
8. Cochran
9. Majid

در این مرحله از یک پرسشنامه محقق ساخته شامل ۹ سوال جمعیت‌شناختی و ۴۱ سوال متناظر با مضامین مشخص شده در مرحله کیفی و در مقیاس ۵ ارزشی لیکرت (از بسیار کم=۱ تا بسیار زیاد=۵) استفاده شد. روایی صوری ابزار از طریق نظر خبرگان (۱۰ عضو هیات علمی و ۵ مربی ورزش خبره) ارزیابی و تایید، و پایایی آن ($\alpha = 0.97$) گزارش شد. تعداد ۵۰۰ پرسشنامه برای واجدین شرایط به صورت حضوری یا مجازی (لینک الکترونیک) ارسال، و در مجموع ۳۸۰ پرسشنامه عودت داده شد. داده‌ها با استفاده از شاخص‌های آمار توصیفی (فراوانی، میانگین و ...) و همچنین آزمون t تک‌نمونه‌ای و مدلسازی معادلات ساختاری تجزیه و تحلیل شد و روایی سازه از طریق مراحل مدلسازی معادلات ساختاری در نرم‌افزار اسمارت پی ال اس^۱ بررسی و تایید شد.

یافته‌های پژوهش

سوالات پژوهش در بخش کیفی این بود که مربیگری ورزش چیست و شامل چه مضامین، مولفه‌ها، فعالیت‌ها، و اقداماتی است. با انجام مصاحبه‌ها و پیاده‌سازی متن به مرحله استخراج مضامین (کدهای معنایی) حاصل شده در سه سطح مضامین پایه (نشانه‌ها)، مضامین سازمان‌دهنده (ملاک‌ها) و مضامین فراگیر (عوامل) منتهی گردید. برای این منظور در ابتدای امر، تمامی مصاحبه‌ها خط به خط توسط پژوهشگر یادداشت شد و کدهای اولیه مرتبط با مضامین مربیگری مشخص شدند. محقق با خواندن چندباره مصاحبه‌های پیاده شده و توجه به کل مباحث مطرح شده سعی کرد به فهمی کلی از مصاحبه‌ها دست یابد؛ سپس با خواندن بخش‌های مختلف هر مصاحبه و تحلیل تک تک کلمات، عبارات، جملات و پاراگراف‌ها تولید گردید. کدگذاری مصاحبه‌های اجرا شده به همراه یادداشت‌های محقق، انبوهی از کدها را تولید کرد که با بررسی مشابهت‌ها و دسته‌بندی آنها، ۴۱ مضمون پایه و ۱۲ مضمون سازمان‌دهنده شناسایی گردید. سپس شروع به دریافتن روابط بین مضامین کردیم تا بتوانیم درکی جامع از مضامین مربیگری ورزش ایران داشته باشیم. مضامین به دست آمده در سه مضمون فراگیر ظهور کردند. مضمون پایه اول شامل مواردی است که به خود فرد مربی مربوط است (مضامین درون فردی)، مضمون فراگیر بعدی شامل مواردی است که در کار با سایر افراد مهم هستند (مضمون بین فردی) و مضمون فراگیر سوم شامل مواردی است که در موقعیت‌های مختلف مربیگری می‌توانند متفاوت باشند (مضمون محیطی یا بافتی). در جدول ۲ فرآیند روش تعیین مضامین پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر به طور نمونه ارائه شده است.

جدول ۲: نمونه فرآیند روش تعیین مضامین پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر

فراگیر	سازمان‌دهنده	پایه	کدهای نمونه
درون‌فردی	دانش مربیگری	دانش تئوریک	مربی باید علوم مختلفی از جمله فیزیولوژی ورزش، تغذیه ورزش، علم تمرین، بازگشت به حالت اولیه، آسیب شناسی و روانشناسی ورزش رو بدونه (P12). هرچه مربیان دانش آکادمیک بیشتری در مورد آموزش مهارت‌های پایه رشته ورزشی شون داشته باشن (P5). دانش مربی خیلی مهمه چه از لحاظ تئوری و چه عملی (P3). مربی باید بتونه علمشو در زمین پیاده کنه. هم باید دانش داشته باشه و هم بتونه اونو به شاگرداش منتقل کنه (P2).
		دانش عملی	
		قابلیت انتقال	
		دانش به بازیکنان	

باید صبور، منظم، متعهد و خلاق باشد. از نظر شخصیتی هم بالا باشد (P4). مربی ورزش باید انسانی دلسوز، صبور، قابل اعتماد و رازنگهدار باشد (P7). متانت و وقار باید ویژگی رفتاری مربی باشد و باید خیلی خویشتن دار باشن (P12). از لحاظ روانی هم باید آدم متعادلی باشد (P14). مربی باید هوش هیجانی بالایی داشته باشد (P3). از لحاظ روانی باید اعتماد به نفس بالایی داشته باشد و بتونه هیجانانگیز کنترول کنه (P4). مربی باید انگیزه داشته باشد و شور و حرارت داشته باشد (P10). ویژگی‌های اخلاقی و منش ورزشی مربی مهمه و رو بازیکنانش هم تأثیرداره (P7). رفتار و اخلاق حسنه تو هر جایی مورد قبوله (P16). مربی باید عاشق باشد چون مربیگری کار سختیه (P4). مربیای شایسته عاشقن عاشق کارشون و شاگرداشون هستن (P15). مربیگری علم و هنر کارکردن با افراد (P2). مربی باید هنر کار مربیگری رو داشته باشد (P5). ارتقا عملکرد شاگردا یه هنر (P9). ارزش‌های اصلی مربی در کارش خیلی موثرن و می‌تونن نشون بدن چه درکی از مربیگری داره (P7).

شخصی
روانی
اخلاقی

ویژگی‌های
فردی

عشق به کار
تفکر هنرمندانه
ارزش‌های
محوری

فلسفه
مربیگری

اهل مطالعه باشد و تحصیلات عالیه داشته باشد (P15). باید در دوره‌های ارتقا مربیگری و دانش‌افزایی شرکت کنه (P7). مربی باید سعی کنه خودشو رشد بده و دوره‌هایی را به عنوان کارآموز در کنار مربیان باتجربه کار کنه (P3). چند سال به عنوان دستیار کنار مربیای دیگه کار کنن (P15). باید سراغ کارای پژوهشی و نوشتن کتاب و مقاله هم برن (P10). مربیان باید از منابع پژوهشی در کارشون استفاده کنن (P19). مربی باید روابط مناسبی با ورزشکارا، مدیران و هواداران داشته باشد (P3). رابطه با ورزشکارا و همکاراش داشته باشد (P15). در کار با بچه‌ها رابطه با والدین خیلی تأثیرگذاره (P10). مربی باید بتونه با پدر و مادرای بازیکنانش روابط خوبی برقرار کنه (P8). مربی باید با رسانه‌ها تعامل خوبی داشته باشد و سواد رسانه‌ای داشته باشد (P1). نحوه برخورد مربی با رسانه‌ها هم خیلی مهمه (P17). مربی علاوه بر رابطه دوستانه با شاگرداش باید با افرادی که به نحوی با ورزش درگیر هستنم رابطه خوبی داشته باشد (P16).

یادگیری مداوم
کارآموزی
داشتن روحیه
پژوهشگری

تمایل به رشد
و تعالی

رابطه با
ورزشکاران
همکاران
رسانه‌ها
ذینفعان

روابط
اجتماعی

مربی باید بتونه از روش‌های مختلف برای آموزش دادن به آدمای مختلف استفاده کنه (P3). یه مهارت دیگه مربی آموزش مهارت‌های پایه ورزش و مهارت‌های فنی و اصلاح آنهاست (P7). چون مربیا اکثر وقتشونو در حال آموزش دادن حسن باید مهارت آموزش دادنو خوب بدونن (P14). مربی باید بتونه علاوه بر ارتباطات کلامی، با ارتباطات غیرکلامی و بدنی هم با بازیکنانش ارتباط برقرار کنه (P2). مربیگری به تعبیری یه نوع رهبری (P5). باید بتونه رهبر خوبی باشد و رفتارهای متناسب با رهبری داشته باشد (P7). مربی باید سیاست داشته باشد تا بتونه همه رو دور خودش نگه داره (P12). سیاسیون نقش مهمی امروز تو همه جا دارن و مربی هم باید هم با سیاسیون رابطه داشته باشد تا پیشرفتش بیشتر بشه (P4).

مهارت
فنی-آموزشی
انسانی-ارتباطی
ادراکی-رهبری
سیاسی

مهارت‌های
مربیگری

بین فردی

همچنین مدیریت مربی خیلی مهمه. مربی باید برای هر جلسه برنامه داشته باشه، تمرینو و چیدمان کارو مشخص کنه و به همه اطلاع بده و بر کار تیم یا گروه نظارت داشته باشه (P9).

برنامه‌ریزی و سازماندهی مربی تو تمرین خیلی همه (P14). یکی دیگه از کارهای مربی انتخاب بازیکن و دستیارانشه (P4). انتخاب بازیکن خیلی مهمه چون لبه موفقیت یا شکسته (P14). مربی باید هادی باشه یعنی شاگرداشو هدایت کنه به سمت هدف و اجازه نده از این مدار خارج بشن (P12). نقش هدایتگری مربی در اصلاح سبک زندگی ورزشکار کاملاً مشهوده (P16).

مربی برای ارزیابی شاگردا باید استاندارد تعیین کنه (P4). تو ورزش ما یه سری استاندارد وجود دارد که ورزشکار باید به اونا دست پیدا کنه (P13).

مثلاً وقتی بازیکنو وظایفشونو درست انجام می‌دن یا به دیگران کمک می‌کنن اونا رو تشویق کنن (P12). رفتاری که من تو تمرین دارم بیشتر همراه با احترام به شاگردامه (P18). مربی باید مشوق باشه مخصوصاً کارای خوب ورزشکارا رو بولد کنه (P4). تو مواقعی که ببینم ورزشکاری رفتار پرخاشگرانه یا بی‌ادبانه‌ای داره حتماً بهش تذکر می‌دم (P9). رفتار انسانی مربی خیلی اهمیت داره (P20). رفتار شخص مربی هم تو تمرین و هم تو مسابقه خیلی رو بازیکنان تأثیر داره (P11). نباید پرخاشگر باشه و باید بتونه خودشو کنترل کنه (P4).

تمرین علاوه بر تکنیک باید شامل مولفه‌های تاکتیکی هم باشه (P4). مربیای بزرگسالا و قهرمانی بیشتر وقتشونو صرف تاکتیکها می‌کنن (P7). مربی باید روش‌های مختلف توسعه آمادگی جسمانی متناسب با شرایط شاگرداشو بدونه (P5). آمادگی بدنی هم تقریباً جزء لاینفک همه تمرینات ورزشیه (P8).

یکی از مهم‌ترین نقشیایی که یه مربی می‌تونه داشته باشه معلمیه (P7). مربیگری با معلمی شباهت زیادی داره و مثه اونا باید مهارتای پایه رو یاد بده و شاگرداشو از هر نظر رشد بده (P13). مربی باید تو بدنسازی هم متخصص باشه (P10). مربی باید برای بازیکنانش از هر نظر الگو باشه (P2).

مربی باید ویژگی‌های سنی شاگرداشو در نظر داشته باشه (P8). مربی باید استعدادهای شاگرداشو بشناسه (P9). چه هدف مسابقه باشه چه سلامتی (P10). هدف ورزش میتونه متفاوت باشه مثلاً قهرمانی یا تندرستی باشه (P11). مربیگری در سطوح ملی و حرفه‌ای فرق داره با آموزش (P15). محیط ورزش ممکنه انفرادی یا تیمی باشه (P11). کیفیت محل برگزاری مسابقه و تجهیزات هم می‌تونه روی کار مربی تأثیر بذاره (P3).

شایستگی هر مربی بر اساس نتایجی که مربی در مسابقات به دست میاره مشخص میشه (P5).

مربی باید همه شرایط حضور در مسابقه رو مد نظر داشته بشه و تجهیزات و امکاناتی که نیاز داره رو پیش‌بینی کنه (P12). مربی باید بتونه تاکتیک‌های ورزشو هم تاکتیک‌های ساده و هم پیچیده رو یاد بده و تمرین بده (P6). باید متناسب با تیم حریف تاکتیک تیمشو بچینه (P6). مربی باید تاکتیک یا استراتژی برای هر مسابقه را مشخص کنه (P7).

برنامه‌ریزی
سازماندهی
به کارگیری
هدایت
ارزیابی

مدیریت

رفتار
هدایتی-اجتماعی
حمایتی-فرهنگی
ویژه مربی

رفتار
مربیگری

آموزش تکنیک
آموزش تاکتیک
آفرایش آمادگی
جسمانی

موقعیت
تمرین

معلمی
تخصص‌گرایی
الگو

ایفای نقش

شاگردان
هدف ورزش
محیط ورزش

شرایط
محیطی

نتیجه‌گرایی
آمادگی لجستیک
برای مسابقه
راهبرد
تاکتیک

موقعیت
مسابقه

مضمون فراگیر درون فردی شامل چهار مضمون سازمان دهنده دانش مربیگری، ویژگی های مربی، فلسفه مربیگری و تمایل به رشد و تعالی قرار گرفت. دانش مربیگری شامل دانش تئوریک، دانش عملی و قابلیت انتقال دانش بود. دانش تئوریک شامل مجموعه ای از علوم ورزشی و تربیت بدنی، دانش ویژه ورزش از جمله: قوانین و مقررات رشته های ورزشی، دانش عمومی مربیگری و دانش مرتبط با هدف شرکت کنندگان در ورزش و نیازهای آنها بود. دانش عملی شامل به کاربردن دانش تئوریک در تمرین و میدان رقابت بود. قابلیت انتقال دانش به بیان تئوریک مبانی اجرای صحیح تکنیک ها و پیشگیری از آسیب ها به بازیکنان و همکاران، و موارد روانی - حرکتی مربوط به عملکرد در تمرین و مسابقه مرتبط بود.

ویژگی های مربیان در سه مضمون پایه شخصی، روانی و اخلاقی قرار گرفتند. ویژگی های شخصی شامل صبور بودن، داشتن خلاقیت، متعهد بودن، داشتن انصاف و عدالت، تصمیم گیری خوب و منظم بودن بود. ویژگی های روانی شامل ثبات هیجانی و هوش هیجانی بالا، داشتن اعتماد به نفس بالا و اضطراب کم بود و ویژگی های اخلاقی شامل اخلاق مداری، تبادل اخلاقیات و شایستگی اخلاقی بود.

فلسفه مربیگری شامل عشق به کار مربیگری، تفکر هنرمندانه و ارزش ها و اصول مرکزی بود. تعدادی از شرکت کنندگان، هنر مربیگری و تفکر هنرمندانه را بخشی از فلسفه مربیگری ذکر کردند و برخی فلسفه مربیگری را هم ردیف با باورها و ارزش های محوری تلقی کردند. آنها ذکر کردند فلسفه مربیگری زیربنای همه کارهایی است که مربی انجام می دهد و نه تنها شامل اهداف، اقدامات و ارزش هاست بلکه یک رویکرد مربیگری است که زیربنای کیفیت ها و مهارت های شخصی را توصیف می کند.

رشد و تعالی در مربیگری شامل سه مضمون پایه یادگیری مداوم، کارآموزی و داشتن روحیه پژوهشگری بود. مشارکت کنندگان بیان کردند که رشد مداوم مربیان ورزش، کلید بقا و بهبود کیفیت مربیگری و حرفه ای گری است که یادگیری در مرکز آن قرار دارد و یادگیری مداوم از طریق شرکت در کلاس های مربیگری، کارگاه ها، کنفرانس ها و جلسات با سایر مربیان به دست می آید. کارآموزی به کاروزی پیش مربیان باتجربه، شرکت در تمرینات سایر مربیان و به ویژه مربیان خبره به عنوان مشاهده کننده، و دستیار مربیان سطح بالا بودن اشاره داشت. داشتن روحیه پژوهشگری شامل آشنایی با زبان انگلیسی، مطالعه مقالات روز مرتبط با حوزه مربیگری، استفاده از نتایج مقالات در کار مربیگری چه از لحاظ فنی و چه از لحاظ موارد غیرفنی مثل روانشناسی و موارد مرتبط با ویژگی های ورزشکاران در یک نوع ورزش خاص بود.

مضمون فراگیر بین فردی شامل چهار مضمون سازمان دهنده روابط اجتماعی، مهارت های مربیگری، مدیریت و رفتار مربیگری بود. مضمون روابط اجتماعی شامل مضامین پایه رابطه با ورزشکاران، رابطه با همکاران، رابطه با رسانه ها و رابطه با ذی نفعان بود. رابطه مربی-بازیکن شامل توانایی برقراری رابطه با بازیکنان، تعامل با بازیکنان، دوست بودن با بازیکنان، گذاشتن وقت بیرون از زمین بازی برای ورزشکاران بود. علاوه بر ورزشکار، افراد دیگری هم هستند (اعضای خانواده بازیکنان، رسانه ها و ذینفعان شامل دستیاران، مدیران و ...) که برقراری رابطه با آنها برای مربیگری ضروری است. رابطه با همکاران شامل توانایی برقراری رابطه با دستیاران، سرمربی، مربیان سایر

تیم‌ها، و مربیان باتجربه بود. رابطه با رسانه‌ها شامل توانایی برقراری رابطه با خبرنگاران، گزارشگران، شبکه‌های مجازی، و داشتن سواد رسانه‌ای بود. رابطه با ذی‌نفعان شامل رابطه با اعضای خانواده بازیکنان، مدیران، هواداران، حامیان مالی و افرادی بود که پتانسیل حمایت مادی و معنوی را دارند.

مضمون مهارت‌های مربیگری شامل مضامین پایه مهارت‌های فنی-آموزشی، انسانی-ارتباطاتی، ادراکی-رهبری و سیاسی بود. مهارت‌های فنی-آموزشی شامل توانایی اجرای مهارت‌های حرکتی، آشنایی با شیوه‌های مختلف آموزش مهارت‌های حرکتی و آموزش متناسب با شرایط ورزشکاران بود. مهارت‌های انسانی-ارتباطاتی شامل ارتباطات متناسب با ویژگی‌ها و موقعیت ورزشکاران، فن بیان خوب، زبان غیرکلامی و بدنی و داشتن روابط عمومی بالا بود. مهارت‌های رهبری-ادراکی شامل نفوذ در ورزشکاران، داشتن ویژگی‌های رهبری، رفتارهای متناسب با رهبر، تصمیم‌گیری‌های صحیح و مقبولیت نزد ورزشکاران بود. مضمون مهارت سیاسی شامل داشتن شبکه‌های ارتباطی، رابطه با مدیران، افراد صاحب نفوذ و تاثیرگذاری و نفوذ بر دیگران بود.

مضمون مدیریت شامل مضامین پایه برنامه‌ریزی، به‌کارگیری، سازماندهی، هدایت و ارزیابی بود. برنامه‌ریزی می‌تواند برای یک جلسه، هفته، ماه، فصل، سال یا چند سال باشد. به‌کارگیری توسط مربیان رقابتی تیمی بیان شد و شامل انتخاب ورزشکاران، دستیاران و کادر پشتیبانی تیم بود. سازماندهی شامل مشخص کردن وظایف و مسئولیت‌های بازیکنان و همکاران، آرایش بازیکنان در تمرین، وسایل و تجهیزات مورد استفاده در تمرین بود. هدایت شامل نظارت و بازیابی مداوم عملکرد ورزشکاران، استفاده از قدرت در هدایت ورزشکاران و تدوین و ارائه مقررات به ورزشکاران بود. ارزیابی شامل تعیین استاندارد برای عملکرد ورزشکاران، تعیین استانداردهای اخلاقی و رفتاری برای ورزشکاران، تعیین میزان دستیابی به استانداردهای مشخص‌شده، مشخص کردن نقاط قوت و ضعف و اصلاح نقاط ضعف بود.

رفتار مربیان شامل رفتارهای هدایتی-اجتماعی، حمایتی-فرهنگی و رفتارهای ویژه بود. رفتارهای هدایتی-اجتماعی شامل برخورد در مواقعی که ورزشکاران وظایف خود را به درستی انجام نمی‌دهند، قوانین را نقض می‌کنند یا رفتار مناسبی با بقیه ورزشکاران یا کادر تیم یا سایر افراد مرتبط با ورزش ندارند بود. رفتارهای حمایتی-فرهنگی شامل تشویق و حمایت مناسب از رفتارهای خوب بازیکنان با سایر بازیکنان در تمرین، مسابقه، در برخورد با سایر افراد حاضر در ورزش، انجام صحیح وظایف محوله و کمک به سایر افراد بود. رفتارهای ویژه مربی شامل رفتارهای معمول مربی با بازیکنان و سایر افراد حاضر در تمرین، رفتار مربی در لحظات حساس مسابقه، رفتار مربی مطابق با سن و شرایط ورزشکاران، و کنترل مربی بر رفتار خودش بود.

مضمون فراگیر محیطی شامل مضامین سازماندهنده موقعیت تمرین، ایفای نقش، شرایط محیطی و موقعیت مسابقه بود. موقعیت تمرین شامل آموزش تکنیک‌ها و تاکتیک‌های هر ورزش و افزایش آمادگی جسمانی بود. مضمون آموزش تکنیک شامل آموزش مهارت‌های حرکتی پایه، آموزش تکنیک‌های تخصصی، اصلاح تکنیک، و ارائه بازخورد بود. آموزش تاکتیک شامل آموزش تاکتیک‌های پایه ویژه ورزش، تاکتیک‌های پیشرفته ویژه ورزش، تاکتیک‌های جایگزین برای موارد خاص و تاکتیک‌های موقعیتی بود. مضمون افزایش آمادگی جسمانی شامل رشد متناسب کلیه

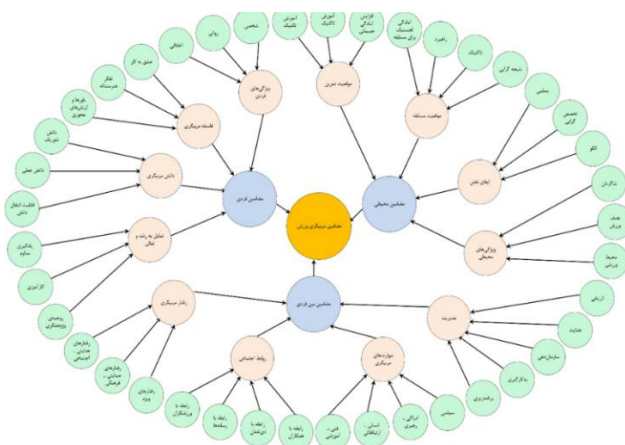
مولفه‌های آمادگی جسمانی ورزشکار، تقویت مولفه‌های آمادگی جسمانی که نیاز است بیشتر تقویت شوند، استفاده از روش‌های متناسب با ورزشکاران جهت افزایش آمادگی جسمانی ورزشکاران، و متنوع و مفرح کردن برنامه‌های افزایش آمادگی جسمانی بود.

مضمون سازمان‌دهنده ایفای نقش شامل مضامین پایه نقش معلمی، نقش تخصص‌گرایی و نقش الگو بود. مضمون معلمی شامل مضامین رشد کل‌گرایانه ورزشکار یا تیم از جنبه‌های شناختی، عاطفی و روانی، و شناسایی و برآورده کردن نیازهای ورزشکار یا تیم بود. مضمون تخصص‌گرایی شامل مضامین فراگیر بدنسازی، فنی، مشاور و متخصص تندرستی بود. این مضمون شامل فعالیت‌هایی بود که مربیان به عنوان یک فرد متخصص در افزایش مولفه‌های بدنی و تکنیکی و تاکتیکی انجام می‌دهند. نقش مدل اشاره بر این امر داشت که مربی برای ورزشکاران به عنوان یک مدل یا الگو عمل می‌کند. این الگو می‌تواند اخلاقی، اجتماعی، تحصیلی، بدنی و ... باشد. مضمون الگو شامل داشتن سیما و تیپ بدنی مناسب، رفتار و اخلاق مناسب در محیط ورزش و اجتماع، عدم اشتها به موارد منفی در جامعه، شهروند خوب بودن و الگو بودن از هر نظر برای ورزشکاران بود.

مضمون شرایط محیطی شامل مضامین پایه شاگردان، هدف ورزش و محیط ورزش بود. مضمون شاگردان شامل ویژگی‌های سنی، ویژگی‌های فرهنگی، پتانسیل، اهداف و استعدادها هر کدام از شاگردان بود. مضمون هدف ورزش بر این امر اشاره داشت که هدف ورزش می‌تواند قهرمانی، تفریحی، درمانگری، ماجراجویی، تناسب اندام یا سلامتی باشد. محیط ورزش شامل نوع ورزش مثلاً تیمی یا انفرادی بودن ورزش، سطح رقابت، میزان تاثیرگذاری شرایط آب و هوایی بر ورزش، فرهنگ ورزش و میزان تاثیرگذاری افراد مثلاً داوران یا برگزارکنندگان ورزش بر نتایج بود.

مضمون موقعیت مسابقه شامل مضامین پایه آمادگی لجستیک برای مسابقه، راهبرد، تاکتیک و نتیجه‌گرایی بود. آمادگی لجستیک برای مسابقه شامل آمادگی بدنی برای مسابقه، آمادگی روحی و روانی برای مسابقه، تنظیم فهرست بازیکنان برای مسابقه، مهیا کردن محل مسابقه در شرایط میزبانی، و مهیا کردن مقدمات و ملزومات سفر برای مسابقات خارج از خانه بود. تاکتیک شامل انتخاب بازیکنان متناسب با مسابقه، استفاده از تعویض‌های مناسب، استفاده از زمان استراحت به موقع و استفاده از تاکتیک مناسب در برابر هر یک از حریفان بود. مضمون راهبرد شامل تجزیه و تحلیل ورزشکار یا تیم حریف، انتخاب راهبرد مناسب برای هر مسابقه، و داشتن راهبردهای جایگزین برای شرایطی که تاکتیک اول توسط حریف خنثی می‌شود بود. نتیجه‌گرایی شامل رسیدن به هدف مد نظر ورزشکار یا تیم و پیروزی در مسابقه بود.

در شکل ۱، مدل شماییک تحقیق ارائه شده است.



شکل ۱: مضامین مربیگری ورزش
جدول ۳ ویژگی‌های جمعیت‌شناختی شرکت‌کنندگان در بخش کمی را نشان می‌دهد.

جدول ۳: ویژگی‌های جمعیت‌شناختی پاسخگویان بخش کمی

متغیرها	فراوانی	درصد
جنسیت	زن	۳۴/۵
	مرد	۶۵/۵
مدرک تحصیلی	دانشجوی دکتری یا دکتری	۱۳/۷
	کارشناسی ارشد	۳۸/۷
	کارشناسی	۳۴/۵
	کاردانی	۹/۲
	دیپلم	۳/۹
سوابق مربیگری	حدود ۱۰ سال یا کمتر	۴۸/۴
	۱۱ تا ۱۵ سال	۲۲/۹
	بین ۱۶ تا ۲۰ سال	۱۳/۴
	بیش از ۲۰ سال	۱۵/۳
	کمتر از ۳۵ سال	۴۷/۶
سن	بین ۳۶ تا ۴۰ سال	۲۴/۲
	بین ۴۱ تا ۴۵ سال	۱۴/۵
	بین ۴۶ تا ۵۰ سال	۶/۳
	بیش از ۵۰ سال	۷/۴
	آموزشی	۲۲/۱
حوزه مربیگری	تفریحی - آماتور	۱۲/۸
	سلامتی و تندرستی	۸/۷
	قهرمانی	۵۸/۲
رشته تحصیلی	غیرمرتبط با تربیت بدنی و علوم ورزشی	۳۰/۵
	مرتبط با تربیت بدنی و علوم ورزشی	۶۹/۵

مطابق جدول ۳ بیشترین جمعیت نمونه مرد با گروه سنی کمتر از ۳۵ سال، درحوزه قهرمانی با تحصیلات ارشد و مرتبط با تربیت بدنی هستند که سابقه کار کمتر از ۱۰ سال داشته‌اند. به منظور تایید مؤلفه‌ها از آزمون t استفاده شده است. جدول ۴ نشان می‌دهد آزمون t مربوط به مضامین پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر معنی‌دار هستند و باتوجه به مقدار معنی‌داری کلیه مؤلفه‌ها و زیرمؤلفه‌ها برای حضور در مدل اثرگذار هستند و باتوجه به این‌که مقدار t مثبت است نشان می‌دهد که کلیه مؤلفه‌ها و زیرمؤلفه‌ها به نظر مشارکت‌کنندگان دارای اثر زیاد بر مدل هستند.

جدول ۴: برآورد آزمون t تک نمونه‌ای جهت مقایسه معنی‌داری هریک از مضامین

مقدار آزمون = ۳						
مضامین	T	درجه آزادی	معنی داری	اختلاف میانگین	فاصله اطمینان ۹۵٪ کران بالا کران پایین	
۱- درون فردی	۵۷/۱۷	۳۷۹	۰۰/۰	۵۸/۱	۵۳/۱ ۶۴/۱	
فلسفه مربیگری	۵۱/۲۲	۳۷۹	۰۰/۰	۶۰/۱	۵۴/۱ ۶۷/۱	
ویژگی های فردی	۴۸/۹۰	۳۷۹	۰۰/۰	۶۱/۱	۵۴/۱ ۶۷/۱	
دانش مربیگری	۵۳/۱۳	۳۷۹	۰۰/۰	۶۵/۱	۵۹/۱ ۷۱/۱	۱
تمایل به رشد و تعالی	۶۲/۴۵	۳۷۹	۰۰/۰	۴۷/۱	۴۱/۱ ۵۴/۱	
۲- بین فردی	۶۸/۴۷	۳۷۹	۰۰/۰	۴۰/۱	۳۴/۱ ۴۵/۱	
رفتار مربیگری	۴۴/۳۴	۳۷۹	۰۰/۰	۳۲/۱	۲۵/۱ ۴۰/۱	
روابط اجتماعی	۴۶/۳۴	۳۷۹	۰۰/۰	۲۰/۱	۱۳/۱ ۲۷/۱	
مهارت‌های مربیگری	۳۸/۷۴	۳۷۹	۰۰/۰	۳۰/۱	۲۳/۱ ۳۶/۱	۲
مدیریت	۵۳/۱۹	۳۷۹	۰۰/۰	۶۴/۱	۵۷/۱ ۷۰/۱	
۳- محیطی	۵۰/۸۱	۳۷۹	۰۰/۰	۴۷/۱	۴۲/۱ ۵۳/۱	
موقعیت تمرین	۴۸/۰۴	۳۷۹	۰۰/۰	۶۵/۱	۵۸/۱ ۷۲/۱	
موقعیت مسابقه	۴۱/۸۱	۳۷۹	۰۰/۰	۴۳/۱	۳۶/۱ ۴۹/۱	۳
ایفای نقش	۴۴/۶۱	۳۷۹	۰۰/۰	۴۹/۱	۴۲/۱ ۵۵/۱	
شرایط محیطی	۳۸/۹۳	۳۷۹	۰۰/۰	۳۴/۱	۲۷/۱ ۴۱/۱	

به منظور محاسبه شاخص‌های اعتبار و پایایی از رویکرد مدل‌سازی معادله ساختاری واریانس محور و نرم‌افزار PLS استفاده شد. مدل عاملی با استفاده از تحلیل عاملی مرتبه دوم، شاخص اعتبار همگرا مطلوبیت اعتبار مناسبی برای مضامین درون فردی، بین فردی و محیطی را نشان می‌دهد. مقادیر پایایی ترکیبی و آلفای کرونباخ نشان‌دهنده دقت اندازه‌گیری بالای ابزار سنجش آنها و به عبارتی پایابودن ابزار مربوط به آنها است (جدول ۵).

جدول ۵: شاخص‌های ارزیابی روایی و پایایی ابزار سنجش مضامین مربیگری ورزش

مضمون	آلفای کرونباخ	پایایی ترکیبی	اعتبار همگرا (AVE)
مضمون بین‌فردی	۰/۹۴۱	۰/۹۴۹	۰/۵۲۹
مدیریت	۰/۹۱۳	۰/۹۳۵	۰/۷۴۳
رفتار مربیگری	۰/۸۶۵	۰/۹۱۷	۰/۷۸۷
مهارت مربیگری	۰/۷۷۲	۰/۸۵۶	۰/۶۰۸
روابط اجتماعی	۰/۷۳۳	۰/۸۳۳	۰/۵۵۶
مضمون درون‌فردی	۰/۹۲۲	۰/۹۳۴	۰/۵۴۵
ویژگی‌های فردی	۰/۸۴۷	۰/۹۰۸	۰/۷۶۶
دانش مربیگری	۰/۸۰۶	۰/۸۸۵	۰/۷۲۰
فلسفه مربیگری	۰/۷۷۶	۰/۸۷۱	۰/۶۹۲
تمایل به رشد و تعالی	۰/۷۲۱	۰/۸۴۱	۰/۶۳۹
مضمون محیطی	۰/۹۱۷	۰/۹۲۹	۰/۵۰۷
موقعیت تمرین	۰/۸۶۶	۰/۹۱۸	۰/۷۸۹
موقعیت مسابقه	۰/۸۱۵	۰/۸۸۰	۰/۶۵۰
نقش مربی	۰/۷۶۹	۰/۸۶۶	۰/۶۸۴
شرایط بافتی	۰/۷۳۶	۰/۸۴۹	۰/۶۵۳

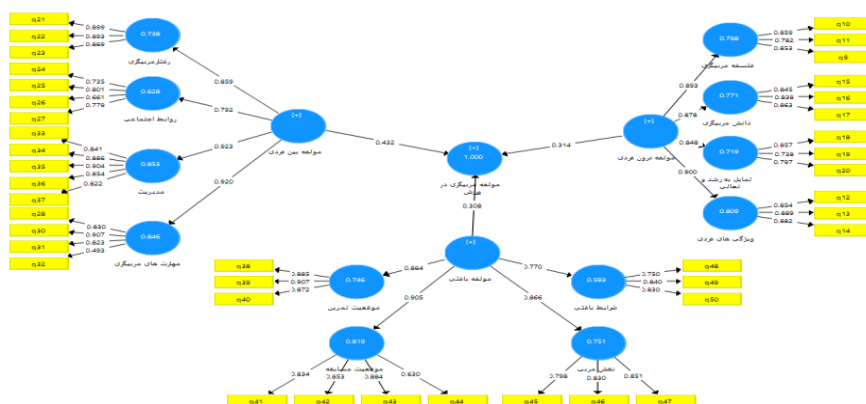
مضامین سازماندهنده در مضمون فراگیر بین‌فردی به ترتیب بار عاملی عبارت از مدیریت (۰/۹۲۳)، مضامین مهارت‌های مربیگری (۰/۹۲۰)، رفتار مربیگری (۰/۸۵۹) و روابط اجتماعی (۰/۷۹۲)، مضامین سازماندهنده در مضمون فراگیر درون‌فردی به ترتیب بار عاملی عبارت از ویژگی‌های مربی (۰/۹)، فلسفه مربیگری (۰/۸۹۳)، دانش مربیگری (۰/۸۷۸) و تمایل به رشد و تعالی (۰/۸۴۸) و مضامین سازماندهنده در مضمون فراگیر محیطی به ترتیب بار عاملی شامل ایفای نقش (۰/۹۰۵)، موقعیت مسابقه (۰/۸۶۶)، موقعیت تمرین (۰/۸۶۴) و شرایط محیطی (۰/۷۷۰) بود (جدول ۶).

جدول ۶: مقادیر بارهای عاملی معرف‌های مضامین درون‌فردی، بین‌فردی و محیطی

مضمون فراگیر	مضمون سازمان‌دهنده	مضمون پایه	بار عاملی	مقدار بحرانی	معنی‌داری
مدیریت					
		سازماندهی	۰/۹۲۳	۶۶/۲۷۸	۰/۰۰۰
		به کارگیری	۰/۹۰۴	۶۱/۱۳۹	۰/۰۰۰
		هدایت	۰/۸۸۶	۳۸/۰۳۲	۰/۰۰۰
		برنامه‌ریزی	۰/۸۵۴	۳۱/۲۰۳	۰/۰۰۰
		ارزیابی	۰/۸۴۱	۲۴/۵۱۴	۰/۰۰۰
بین‌فردی					
	مهارت‌های مربیگری		۰/۸۳۰	۲۸/۸۷۰	۰/۰۰۰
			۰/۹۲۰	۶۶/۵۶۱	۰/۰۰۰
		انسانی-ارتباطاتی	۰/۹۰۷	۷۱/۴۴۶	۰/۰۰۰
		فنی-آموزشی	۰/۸۳۰	۲۸/۷۸۰	۰/۰۰۰
		ادراکی-رهبری	۰/۸۲۳	۲۵/۴۱۶	۰/۰۰۰
		سیاسی	۰/۴۹۳	۸/۲۳۴	۰/۰۰۰
رفتار مربیگری					
			۰/۸۵۹	۳۹/۴۲۹	۰/۰۰۰
		هدایتی-اجتماعی	۰/۸۹۹	۵۴/۵۰۶	۰/۰۰۰

۰/۰۰۰	۵۳/۱۳۰	۰/۸۹۳	حمایتی-فرهنگی		
۰/۰۰۰	۴۷/۵۲۳	۰/۸۶۹	رفتار ویژه		
۰/۰۰۰	۲۶/۵۹۰	۰/۷۹۲		روابط اجتماعی	
۰/۰۰۰	۳۷/۴۲۶	۰/۸۰۱	همکاران		
۰/۰۰۰	۲۷/۵۷۵	۰/۷۷۹	ذی‌نفعان		
۰/۰۰۰	۱۹/۲۰۲	۰/۷۳۵	بازیکنان		
۰/۰۰۰	۱۷/۳۹۹	۰/۶۶۱	رسانه‌ها		
۰/۰۰۰	۳۹/۶۶۳	۰/۹۰۰		ویژگی‌های فردی	
۰/۰۰۰	۴۲/۳۹۴	۰/۸۸۹	روانی		
۰/۰۰۰	۳۲/۲۰۷	۰/۸۸۲	اخلاقی		
۰/۰۰۰	۳۲/۲۳۸	۰/۸۵۴	شخصی		
۰/۰۰۰	۳۲/۳۴۴	۰/۸۹۳		فلسفه مربیگری	
۰/۰۰۰	۳۱/۴۹۳	۰/۸۵۹	تفکر هنرمندانه		
۰/۰۰۰	۲۲/۷۸۸	۰/۸۵۳	عشق به کار		
۰/۰۰۰	۲۵/۰۹۶	۰/۷۸۲	اصول و ارزش‌های مرکزی		
۰/۰۰۰	۲۶/۷۸۴	۰/۸۷۸		دانش مربیگری	درون فردی
۰/۰۰۰	۳۳/۰۷۶	۰/۸۶۳	قابلیت انتقال دانش		
۰/۰۰۰	۳۰/۳۶۳	۰/۸۴۵	دانش تئوریک		
۰/۰۰۰	۲۱/۳۹۸	۰/۸۳۸	دانش عملی		
۰/۰۰۰	۲۹/۳۰۱	۰/۸۴۸		تمایل به رشد و تعالی	
۰/۰۰۰	۴۷/۸۳۵	۰/۸۵۷	یادگیری مداوم		
۰/۰۰۰	۲۷/۹۶۹	۰/۷۹۷	داشتن روحیه پژوهشگری		
۰/۰۰۰	۱۷/۵۵۷	۰/۷۳۸	کارآموزی		
۰/۰۰۰	۴۷/۶۱۳	۰/۹۰۵		ایفای نقش	
۰/۰۰۰	۴۸/۳۹۸	۰/۸۵۱	الگو		
۰/۰۰۰	۳۱/۲۳۱	۰/۸۳۰	تخصص‌گرایی		
۰/۰۰۰	۲۳/۰۱۳	۰/۷۹۸	معلمی		
۰/۰۰۰	۳۷/۲۳۳	۰/۸۶۶		موقعیت مسابقه	
۰/۰۰۰	۴۴/۲۴۰	۰/۸۸۴	تاکتیک		
۰/۰۰۰	۳۰/۴۶۲	۰/۸۵۳	راهبرد		
۰/۰۰۰	۲۸/۰۲۴	۰/۸۳۴	آمادگی لجستیک برای مسابقه		
۰/۰۰۰	۱۲/۸۵۹	۰/۶۳۰	نتیجه‌گرایی		محیطی
۰/۰۰۰	۳۰/۹۱۷	۰/۸۶۴		موقعیت تمرین	
۰/۰۰۰	۴۹/۳۵۹	۰/۹۰۷	آموزش تاکتیک		
۰/۰۰۰	۳۲/۲۸۰	۰/۸۸۵	آموزش تکنیک		
۰/۰۰۰	۲۹/۷۱۴	۰/۸۷۲	آفرایش آمادگی جسمانی		
۰/۰۰۰	۳۳/۸۳۳	۰/۷۷۰		شرایط محیطی	
۰/۰۰۰	۳۳/۸۴۴	۰/۸۴۰	هدف ورزش		
۰/۰۰۰	۳۴/۸۱۶	۰/۸۳۰	محیط ورزش		
۰/۰۰۰	۲۵/۰۲۷	۰/۷۵۰	شاگردان		

بر اساس مواردی که ذکر شد مدل معادله ساختاری تحقیق به صورت زیر درمی‌آید (شکل ۲).



شکل ۲: مدل معادله ساختاری مضامین مربیگری

شاخص‌های ارزیابی کلیت مدل معادله ساختاری بیانگر این است که مدل مفروض تدوین شده توسط داده‌های پژوهش حمایت می‌شوند، به عبارت دیگر برازش داده‌ها به مدل برقرار و شاخص‌های برازش دلالت بر مطلوبیت مدل معادله ساختاری دارند (جدول ۷).

جدول ۷: برآورد مقادیر شاخص‌های ارزیابی کلیت مدل معادله ساختاری

مقدار	شاخص
۰/۰۸۴	SRMR
۹۲۱۶/۶۰۳	Chi-Square
۰/۳۹۰	NFI

مطابق جدول ۸، برآورد اثرات مستقیم مربوط به مضامین فراگیر معنی‌دار هستند به این معنی که اثر آنها در تحلیل مسیر حائز اهمیت است و اثرات غیرمستقیم به این دلیل که معنی‌دار نبودند در این قسمت ارائه نشده است. بیشترین میانگین نمونه‌ای مربوط به مضمون بین‌فردی بود و به دنبال آن مضامین فردی و محیطی قرار دارند.

جدول ۸: برآورد اثرات مستقیم مضامین مدل نسبت به مضامین مربیگری در ورزش

مضمون	میانگین نمونه‌ای	آماره t	مقدار احتمال
مضمون بین‌فردی	۰/۴۳۲	۱۹/۷۸	۰/۰۰۰
مضمون درون‌فردی	۰/۳۱۴	۲۳/۷۰	۰/۰۰۰
مضمون محیطی	۰/۳۰۸	۳۰/۷۴	۰/۰۰۰

بحث و نتیجه گیری

با علم به این که مربیان در محیط‌های پیچیده و پویا کار می‌کنند و همین طور به ارزیابی، دستکاری و پاسخ به بافت‌های در حال تغییر و منحصر به فرد نیاز دارند می‌توان نتیجه گرفت که برای چنین کار دشواری لازم است نگاه کل‌گرایانه‌ای به مربیگری دارد (گراهام، ویلیامز و مک‌نامارا، ۲۰۲۱: ۱۴۶). این مطالعه قصد داشت با چنین نگاهی به شناسایی مضامین، مولفه‌ها و فعالیت‌های مربیگری بپردازد. یافته‌ها نشان داد مربیگری ورزش شامل سه مضمون فراگیر است که از میان آنها، مضمون بین‌فردی بیشترین بار عاملی را داشت. این مضمون شامل مضامین سازمان‌دهنده مدیریت، مهارت‌های مربیگری، رفتار مربیگری و روابط اجتماعی بود. مربیگری ورزش الزاماً یک فعالیت اجتماعی است که به مهارت‌های خاصی بین فردی نیاز دارد (کوته و گیلبرت، ۲۰۰۹: ۳۱۵). ویلیام، فالکائو، بلوم و سابستون^۲ (۲۰۲۰) اظهار داشته‌اند مربیگری انسان‌گرایانه ممکن است بروندهای رشدی مثبت را در شرکت‌کنندگان توسعه دهد و روابط مربی - ورزشکار را بسازد و آگاهی برای استفاده از ورزش به عنوان ابزاری برای رشد و تکامل شخصی را بالا ببرد. وظایف مدیریتی و اداره کردن از وظایف ذاتی مربیگری معرفی ارائه شده (نورمن^۳، ۲۰۱۵: ۲۴) که در این مطالعه هم تایید شد و با یافته‌های کاظمی‌پور، مهدی‌پور و ازمشا (۱۳۹۴)، خلیفه، قربانی و هنری (۱۳۹۷)، اسمعیلی و رضایی (۱۳۹۷)، بابازاده پهلوانلو، اصلانخانی، صفانیا، درودیان و گودرزی (۱۳۹۸)، چیو، ماهات، هووا و رادزوان (۲۰۱۳) و سانتوز، جونز و مسکوئیتا (۲۰۱۳) همسو می‌باشد. مربیان احتمالاً در مورد سازماندهی رقابت کار می‌کنند، برنامه‌ریزی می‌کنند، اهداف کوتاه مدت و بلندمدت انتخاب می‌کنند در نتیجه، کار مربیان برنامه‌ریزی، ثبت کردن، نظارت و تجزیه و تحلیل و ارزیابی است (کریسفیلد^۴، ۲۰۰۷: ۱۵).

مهارت‌های مربیگری مشخص شده در این مطالعه شامل مهارت‌های انسانی-ارتباطاتی، فنی-آموزشی، ادراکی-رهبری و سیاسی با مهارت‌های پیشنهادی بنی و اوکونور^۵ (۲۰۱۱) شامل رهبری، ارتباطات، مدیریت افراد و برنامه‌ریزی تقریباً همپوشانی دارد و همسو با یافته‌های کاظمی‌پور، مهدی‌پور و ازمشا (۱۳۹۴)، اسمعیلی و رضایی (۱۳۹۷) و رودباری و آقایی (۱۳۹۹) است. مهارت‌های فنی-آموزشی مربیان و معلمان با هم مشابه هستند و یاد دادن مهارت‌های مرتبط با ورزش، ویژگی همه مربیان است که در راستای یافته‌های اسمعیلی و رضایی (۱۳۹۷) و بابازاده پهلوانلو، اصلانخانی، صفانیا، درودیان و گودرزی (۱۳۹۸) می‌باشد. برای این که مربیان ورزش بتوانند آموزش مناسبی ارائه دهند به مهارت‌های انسانی-ارتباطاتی نیاز دارند چون حتی اگر یک متخصص تکنیک و تاکتیک سطح بالا باشند اما نتوانند ارتباطات موثری با بازیکنان برقرار کنند، نمی‌توانند آموزش خوبی ارائه دهند. ارتباطات کلامی و استفاده از زبان بدنی و بیان چهره‌ای (ارتباطات غیرکلامی) می‌تواند اطلاعات مکفی به ورزشکاران ارائه دهد (موتن، گیسکی و هووارد، ۲۰۱۵: ۱۸۷) و همسو با یافته‌های خلیفه، قربانی و هنری (۱۳۹۷)، محمدی، مشکاتی و ژیان‌پور

1. Graham, Williams & McNanara
2. William, Falcao, Bloom & Sabiston
3. Norman
4. Crisfield
5. Bennie & O'Connor

(۱۳۹۷)، اسمعیلی و رضایی (۱۳۹۷) و رودباری و آقایی (۱۳۹۹) است. مهارت ادراکی-رهبری به مربی کمک می‌کند دو مهارت قبلی را به بهترین نحو اجرا کند و مربیانی که در ورزش‌های رقابتی سطح بالا کار می‌کردند اذعان داشتند که در مطالعات قبلی هم این امر تایید شده است (کریسفیلد، ۲۰۰۷؛ سوکیپتو، چولیک موتوهیر و سوجیدانداکو، ۲۰۱۷؛ کلی، تلول، بارکر و هاروود، ۲۰۱۸). تحقیق اخیر در مربیگری، نقش عمل سیاست خرد^۱ در مربیگری را خاطر نشان کرد (راینی، مالیت و رابجونز^۲، ۲۰۱۷: ۱۵۴).

رفتار مربیگری را می‌توان به عنوان پاسخ‌های رفتاری که مربی در پاسخ به رفتار اجراکنندگان از خود بروز می‌دهد تعریف کرد (موئن، گیسکی و هویگارد، ۲۰۱۵: ۱۹۱). مربیان از برخی رفتارها برای افزایش یا کاهش رفتارهای ورزشکاران استفاده می‌کنند. استراتژی‌های مدیریت رفتار باید در مرکز مربیگری موفق قرار گیرد تا تضمین شود ورزشکاران مربیگری با کیفیت بالا و فرصت رسیدن به پتانسیل کامل خود را دریافت می‌کنند. رفتار نامناسب ورزشکاران دلایل زیادی دارد و مهم است مربیان این رفتارها را به حداقل برسانند و محیط مربیگری با استفاده از طیفی از استراتژی‌ها مدیریت کنند (دیو، فارین و فارین^۳، ۲۰۱۷: ۱۰۸). همچنین لازم است رفتار خوب مورد تشویق قرار گیرد تا احتمال تکرار آنها بیشتر شود. از طرفی مربی باید مراقب رفتارهای خود به‌ویژه در لحظات پرفشار و تنش باشد تا رفتار نامناسبی از آنها سر نزنند. نتایج نقش بحرانی هوش هیجانی مربیان در رشد رفتاری مربیان در آگاهی هیجانی و مدیریت هیجانات مربیان تایید شده است (راینی، مالیت و رابجونز، ۲۰۱۷: ۱۱۹).

دوچیف و گردیس (۲۰۱۵) رابطه اجتماعی را قلب مربیگری بیان کردند. مربیان در محیط ورزش با افرادی زیادی تعامل دارند. بیشترین رابطه مربی با ورزشکاران است و مربی باید به عنوان یک محرک مفید برای رشد و پیشرفت ورزشکار عمل کند و این امر در سایه داشتن رابطه خوب با ورزشکاران محقق می‌شود. یک رابطه مثبت بین مربی-ورزشکار می‌تواند تا حد زیادی سطح رضایت ورزشکار، سطوح انگیزش، حالات خلقی مثبت، ایجاد حس حمایت و کاهش اضطراب را بهبود بخشد (ژاویت و شانموگان^۴، ۲۰۱۶: ۱۳۳). علاوه بر ورزشکار، افراد دیگری هم هستند که برقراری رابطه با آنها برای مربیگری ضروری است (خانواده بازیکنان، رسانه‌ها و دستیاران، مدیران و ...) و از آن به عنوان مربیگری رابطه‌ای یاد شده است که یافته‌های کاظمی‌پور، مهدی‌پور و ازمشا (۱۳۹۴)، منتظری، طالب‌پور و فیضی (۱۳۹۶)، خلیفه، قربانی و هنری (۱۳۹۷)، هال (۲۰۱۵)، دوچیف و گردیس (۲۰۱۵)، نورمن (۲۰۱۵) و کلی، تلول، بارکر و هاروود (۲۰۱۸) هم این موضوع را تایید می‌کنند.

مربیگری را می‌توان به عنوان یک مجموعه اهداف، فعالیت‌ها و مداخله‌های هدفمند در نظر گرفت که برای بهبود عملکرد تیم‌ها و ورزشکاران طراحی می‌شوند. با این حال، موارد فوق، کل مربیگری را شامل نمی‌شود و شخص مربی و مشخصات او هم در مربیگری او دخیل هستند. مضمون فراگیر درون‌فردی مربیگری اشاره به مواردی دارد که نیاز است مربیان بر روی آنها بازتاب

1. Micropolitics
2. Rynne, Mallett & Rabjohns
3. Dave, Farin & Farin
4. Jowett & Shanmugam

کنند. بازتاب شامل داشتن یک قابلیت خودتوسعه‌ای حرفه‌ای خودکار از طریق خودآموزی سیستماتیک دارد (کاسیدی، جونز و پوتراک، ۲۰۰۹: ۸۷). این مضمون شامل مضامین ویژگی‌های فردی، فلسفه مربیگری، دانش مربیگری و تمایل به رشد و تعالی بود. بنی و اوکونور (۲۰۱۱) دو طبقه ویژگی‌ها و دانش شخصی مربی، و فلسفه مربی را از جمله مضامین مربوط به مربی ذکر کردند. ویژگی‌های شخصی شامل مواردی است که مربی برای کار متعهدانه و دشوار مربیگری باید این ویژگی‌ها را داشته باشد که معادل ویژگی‌های ابزاری کاسیدی، جونز و پوتراک (۲۰۰۹) است. ویژگی‌های روانی شامل مولفه‌های روانی بود که مربیان باید در تمرین و مسابقه آنها را مدیریت و حفظ کنند چرا که شرایط روانی مربی تأثیر مستقیمی بر ورزشکاران دارد. ویژگی‌های اخلاقی در همه عرصه‌هایی که انسان‌ها با هم مراوده دارند یا کار می‌کنند و مربیگری ورزش هم از جمله آنها است، یک مولفه اجتناب‌ناپذیر است و شامل شنونده خوب بودن، تعامل و برقراری رابطه مثبت با دیگران می‌باشد. ویژگی‌های مربیان موفق شباهت زیادی به گروهی از ویژگی‌های آموزش‌دهندگان خوب به علاوه مهارت‌های روانی مثل انگیزه کاری زیاد، انعطاف‌پذیری، خلاقیت، مهارت‌های سازمانی، موثق‌بودن، مهارت‌های اجتماعی، استدلال و اعتماد به نفس دارد که این دو ویژگی با ویژگی‌های درونی کاسیدی، جونز و پوتراک (۲۰۰۹) معادل هستند و همسو با مطالعات قبلی است (هادسون، بات و مایراند، ۲۰۱۷: ۴۴۸).

فلسفه مربیگری بنیاد برنامه مربی است؛ نه تنها خطوط راهنمای مربی را مشخص می‌کند، بلکه برای بازیکنان تیم، سکو (مرحله) مشخص می‌کند. این کار باعث می‌شود آنها مسئولیت اقدامات و تصمیمات‌شان را قبول کنند و تشویق می‌شوند به عنوان یک فرد ورزشکار و عضوی از تیم، انتظاراتی که از آنها می‌رود را برآورده کنند؛ از این رو، رفتار و فعالیت کاری هر مربی به وسیله فلسفه مربیگری‌اش شکل می‌گیرد (کارلس و دوگلاس، ۲۰۱۱؛ چپو، ماهات، هووا و رادزوان، ۲۰۱۳؛ کلی، تلول، بارکر و هاروود، ۲۰۱۸: ۱۸۵۰). کوپر و آلن (۲۰۱۷) هم از ارزش‌ها به عنوان یکی موضوعات اصلی مربیگری نام برده‌اند.

دانش مربیگری به مثابه خبرگی مربی در کار مربیگری است که مربیان از آن، جهت تمرین دادن ورزشکاران برای رشد آنها و رهنمون کردن آنها به موفقیت استفاده می‌کنند (کوته و گیلبرت، ۲۰۰۹). قابلیت انتقال دانش به بیان تئوریک مبانی اجرای صحیح تکنیک‌ها و پیشگیری از آسیب‌ها به بازیکنان و همکاران، و موارد روانی مربوط به عملکرد در تمرین و مسابقه مربوط است و پیشنهاد می‌کند مربیان در مورد مبانی تئوریک رشته ورزشی خود از جمله علوم تربیت بدنی و قوانین و مقررات اطلاعات مکفی به دست آورند و از آنها در زمین ورزش در عمل استفاده کند و آنها را هم به صورت تئوریک و هم عملی به شاگردان خود منتقل کند تا آنها تمرینات خوب و منطبق با نیازهایشان داشته باشند. دانش می‌توان از طریق تحصیلات آکادمیکی و هم از طریق انجام کار مربیگری به دست آید که با یافته‌های کوته و گیلبرت (۲۰۰۹) و محمدی، مشکاتی و ژیان‌پور (۱۳۹۷) همسو می‌باشد.

تغییر در ورزشکاران و ماهیت تحولی عملکرد ورزشی نیازمند آن است که مربیان در جستجوی رشد و تغییر کارشان باشند. رشد مداوم مربیان ورزش، کلید بقا و بهبود کیفیت مربیگری و حرفه‌ای‌گری است که یادگیری در مرکز آن قرار دارد و یادگیری مداوم از طریق شرکت در کلاس‌های مربیگری، کارگاه‌ها، کنفرانس‌ها و جلسات با سایر مربیان به دست می‌آید و اشاره به سه روش یادگیری رسمی، غیررسمی و اختیاری دارد (هادسون، بات و مایراند، ۲۰۱۷: ۴۴۴).

کلاس‌های مربیگری فرصت خوبی برای رشد و تعالی در مربیگری است البته به شرطی که در مورد نیازسنجی، برنامه‌ریزی آموزشی، اجرای آموزش و استانداردسازی فعالیت‌های آموزشی تجدیدنظر شود و کیفیت این کلاس‌ها ارتقا یابد (دهقان قهفرخی، طیبی و جسمانی، ۱۳۹۹: ۵۹۷). یکی از راه‌های رشد مربیان، کارآموزی نزد مربیان باتجربه و خبره است که می‌تواند روند رشد و تعالی مربی را تسریع کند (بلومنستین، اورباخ، بار-الی، درشمن و وینستین، ۲۰۱۲؛ نورمن، ۲۰۱۵؛ کلی، تلول، بارکر و هاروود، ۲۰۱۸).

چون شرکت‌کنندگان در حوزه‌های مختلفی مربیگری می‌کردند نگاه متفاوتی به مربیگری داشتند. هر کدام به جنبه‌ای از مربیگری نظر داشتند که تفاوت‌هایی با سایرین داشت. در حوزه مربیگری ورزش، این تفاوت در دیدگاه‌ها به محیط (بافت) مربیگری اشاره دارد (کوته و گیلبرت، ۲۰۰۹: ۳۲۱). محیط مربیگری به عنوان درک مربی از شرایط منحصر به فردی که بر عملکرد ورزشکار تأثیر می‌گذارد و منعکس‌کننده شرایط منحصر به فرد برای بهبود عملکرد ورزشکار تعریف، و به عنوان یک مجموعه شرایط احاطه‌کننده مربیگری توصیف می‌شود (هال، ۲۰۱۵: ۵۸). در پیوستار مفهومی شرکت در ورزش-عملکرد نیاز است بافت با سطح رشدی ورزشکاران مرتبط باشد. ورزشکاران در طیف رشدشان و بر اساس سطح تعهدشان نیازهای مختلفی دارند. در هر مرحله رشدی چندین عامل از جمله طراحی تمرین (تعداد فعالیت‌ها و ورزشکاران، موقعیت، زمان و طول تمرین)، درگیربودن دیگران (مثل دستیاران، مربیان، والدین) و تأثیر والدین تأثیرگذار هستند و هر کدام از این ابعاد یک تأکید متفاوتی بر نقش مربی دارد. به طور مثال، بافت مربیگری نخبگان محیطی است که در آن عوامل زیادی با هم رابطه درونی پیچیده دارند و به طور همزمان عمل می‌کنند و تمرین و رقابت هسته اصلی کار مربیگری را تشکیل می‌دهد. اما در بافت مربیگری آموزشی و تندرستی بر رقابت تأکید نمی‌شود بلکه بر تمرین تأکید می‌شود (نورث، پیگوت، لارا-برکیال، آبراهام و مویر، ۲۰۱۹: ۱۱۵).

مضمون محیطی شامل چهار مضمون ایفای نقش، موقعیت مسابقه، موقعیت تمرین و شرایط محیطی بود. یکی از فعالیت‌های مربیان ایفای نقش مربیگری است (اسمعیلی و رضایی، ۱۳۹۷). مضمون ایفای نقش شامل نقش تخصص‌گرایی، الگو و معلمی بود. هرچند به نظر می‌رسد مشهودترین نقش مربیان، نقش معلمی است اما شرکت‌کنندگان در این تحقیق به نقش تخصص‌گرایی و الگو بیشتر از معلمی تأکید داشتند. تخصص‌گرایی این امر را به ذهن متبادر می‌سازد که معمولاً به مربیان به افرادی نگاه می‌شود که در کار خود متخصص هستند و آنها هم باید این نقش را به خوبی در حوزه‌های مختلف ایفا کنند و به نوعی حرفه‌ای محسوب می‌شوند. الگو به یک شخص واقعی اشاره دارد که رفتار او محرکی برای پاسخ‌های مشاهده‌کننده است. الگوها نمونه‌هایی از رفتارها برای مشاهده و تقلید هستند. به طور مشابه، ورزشکاران همیشه در حال مشاهده مربی‌شان، هم‌تیمی‌ها، حریف یا ورزشکار مورد نظرشان هستند و آماده‌اند رفتارهای مشاهده‌شده آنها را تقلید کنند (کوپر و آلن، ۲۰۱۷: ۱۱). مربی به عنوان مدل را می‌توان به صورت مثبت (خوب، رفتارهای بیش‌اجتماعی، منش ورزشی، بازی جوانمردانه) و منفی (ضعیف، رفتارهای ضداجتماعی، نداشتن منش ورزشی) تصویر کرد که با یافته‌های ژابو (۲۰۱۴) همسو است. نقش معلم هم مشخص است. مربی به ورزشکاران جنبه‌های تکنیکی، تاکتیکی یا دانش در مورد جنبه‌ی خاص از آن ورزش را آموزش می‌دهد و در کنار آن، مهارت‌های زندگی را نیز به شاگردان یاد می‌دهند (کوپر و آلن، ۲۰۱۷: ۸).

در ورزش، مسئولیت مربی این است که عملکرد ورزشکاران را با در نظر گرفتن یک طیفی از عوامل با تمرینات حساب شده به حد بیشینه برساند و می تواند مشتمل بر آموزش تکنیک ها و تاکتیک های هر ورزش و افزایش آمادگی جسمانی باشد (سانتوز، جونز و مسکوئیتا، ۲۰۱۳: ۷). شاید بتوان گفت موقعیت تمرین با موقعیت مسابقه ارتباط نزدیکی دارد چرا که معمولاً آن چه در تمرین انجام می شود می تواند مسابقه را پیش بینی کند. موقعیت مسابقه شامل تاکتیک، راهبرد، آمادگی لجستیک برای مسابقه و نتیجه گرایی بود. موقعیت مسابقه شامل کلیه فعالیت ها و اقداماتی است که مربی باید، قبل، حین و بعد از مسابقه در مورد آنها فکر و تلاش کند. قبل از مسابقه لازم است مربی کلیه تمهیدات را آماده کند و ورزشکاران را از هر لحاظ آماده نماید. همچنین لازم است رقیب را بشناسد و آنها را تجزیه و تحلیل نماید و بر اساس این شناخت، تاکتیک و استراتژی مناسب را در سناریوهای مختلف در نظر بگیرد که در نهایت منجر به نتیجه گیری مطلوب می شود. این اقدامات در مطالعات قبلی و مدل های پیشنهادی هم در نظر گرفته شده اند (پایک، ۲۰۱۳؛ سانتوز و جونز و مسکوئیتا، ۲۰۱۳؛ نورمن، ۲۰۱۵: ۲۵).

از یک منظر عملکردی، یک محیط منحصر به فرد با تعدادی زیادی از عوامل مقایسه می شود که بر هر فرد درگیر در مربیگری تاثیر دارد. از طرفی آن چه بر کار مربی تاثیرگذار است شرایط و افرادی است که می توانند بر ورزش تاثیرگذار باشند. آنها می توانند خارج از کنترل (مثل شرایط آب و هوایی، یا داوران) و یا قابل کنترل باشند (ایجاد محیط تیمی مثبت در برابر منفی) باشند که مربی باید آنها را هم در نظر بگیرد. مضمون شرایط محیطی شامل هدف ورزش، محیط ورزش و شاگردان بود. هدف ورزش می تواند قهرمانی، تفریحی، درمانگری، ماجراجویی، تناسب اندام یا سلامتی باشد. از نگاه جمعیت شناختی، محیط ورزش ممکن است بر حسب نوع ورزش، گروه سنی، سطح رقابت و سن، جنسیت و وضعیت حرفه ای/آماتور بودن ورزشکاران توصیف شود که مترادف با تمایز بین محیط های مربیگری است. شاگردان شامل ویژگی های سنی، ویژگی های فرهنگی، اهداف و استعداد های هر کدام از شاگردان است. هر گروه خواسته ها و نیاز های خود را دارند و هدف خاصی را دنبال می کنند که مربیان باید آنها را برآورده سازند. مربیان به طور مداوم به این کار نیاز دارد که محیط تمرین را با نیاز های شاگردانش تطبیق دهند (پاپایلو، استریگاس، تراولویس و کیپروس^۱، ۲۰۱۵: ۱۱۱۷).

تاریخ مربیگری ورزش، نگاهی را در مورد پیچیدگی بافت مربیگری و عوامل موثر بر فرایند مربیگری ارائه می دهد. بافت مربیگری یک محیط پیچیده و چندوجهی همراه با عواملی است که به هم مرتبط هستند و همزمان بر هم عمل می کنند (هال، ۲۰۱۵: ۷۰). در یک نگاه کلی، تحقیق تحقیق حاضر نشان می دهد مربیان باید خودشان را برای کار مربیگری آماده کنند. این آمادگی باید جامع و همه جانبه باشد. دید کل نگر در این مطالعه کمک می کند تا از جنبه فردی، مربیان به زوایایی توجه کنند (مثل فلسفه مربیگری) که زیاد به چشم نمی آیند یا کمتر مورد توجه قرار می گیرند. همچنین به رشد و تعالی در طول عمر کاری خود برای پیشرفت و توسعه شغلی و توسعه دانش غافل نشوند و در رشد ویژگی های شخصی کوشا باشند. جنبه بین فردی پیشنهاد کرد مربیان از اصول بدیهی مدیریت در کارشان سود ببرند، رفتار های سنجیده و به موقع برای ایجاد انگیزه و کنترل رفتار های نامناسب ورزشکاران داشته باشند و خودشان هم مطابق رفتار های جامعه

رفتار کنند و در توسعه روابط با طرف‌های درگیر در ورزش کوشا باشند. مضمون محیطی نشان داد تمرین یک مؤلفه مهم در کار مربی است و شاید بتوان گفت نتیجه مسابقه را مشخص می‌کند. در این راستا مربیان باید همانند یک متخصص عمل کنند و در عین حال یک الگو و یک معلم باشند. از طرفی باید شناخت کافی از شاگردان و عوامل موثر بر کار آنها داشته باشند تا بتوانند شاگردان را به هدف نزدیک کنند. درنهایت آن چه در مربیگری ورزش مشهود است برونداد مطلوب شاگردان یا ورزشکاران چه در میدان رقابت و چه در فضای ورزش تفریحی و سلامتی است. برای دستیابی به این مهم، مربیان نیاز دارند همانند یک رهبر ارکستر، همه احتمالات را به طور متعادل کنترل و بر آرایش تکالیف مرتبط نظارت کنند و خودشان را ارتقا دهند تا بتوانند بیشتر به ورزشکاران خدمت کنند. براساس آن چه بیان شد می‌توان پیشنهاد کرد راه‌اندازی رشته مربیگری ورزش تا سطح دکتری یک نیاز جامعه ورزش است تا مربیانی با دانش تخصصی مربیگری این وظیفه خطیر را انجام دهند. همچنین پیشنهاد می‌شود مطالعات دیگری با نمونه‌های دیگری در سطح کشور در گروه‌های ورزشی مختلف مردان و زنان (مثلاً ورزش‌های تیمی و انفرادی) و یا یک رشته ورزشی خاصی اجرا شود.

منابع

- اسمعیلی، محسن و رضایی، شمس‌الدین. (۱۳۹۷). «شناسایی و ارزیابی مؤلفه‌های عملکردی مربیان ورزش دانشگاهی ایران (مطالعه موردی: المپیاد دانشجویی)». پژوهش در ورزش تربیتی. ۱۵، صص ۳۱-۵۱.
- بابازاده پهلوانلو، علی‌اکبر؛ اصلانخانی، محمدعلی؛ صفانی، علی محمد؛ درودیان، علی اصغر و گودرزی، مهدی. (۱۳۹۸). «تدوین چارچوب توسعه ویژگی‌های رفتاری برای سطوح مربیگری». مطالعات مدیریت رفتار سازمانی در ورزش. ۲۳(۱۶)، صص ۱۲۶-۱۳۵.
- چپری، لورا؛ یوسفی، بهرام و زردشتیان شیرین. (۱۳۹۹). «تاثیر رفتارهای مربیگری بر خودکارآمدی و عملکرد تیمی در بازیکنان لیگ برتر فوتبال زنان ایران». مدیریت ورزش. ۱۲(۱)، صص ۱۹-۳۳.
- خلیفه، سید نعمت؛ هنری، حبیب و قربانی، محمدحسین. (۱۳۹۷). «تحلیل عاملی شایستگی‌های شغلی مربیان ملی و بین‌المللی تکواندو». رویکردهای نوین در مدیریت ورزش. ۲۱(۶)، صص ۶۹-۷۹.
- دهقان قهفرخی، امین؛ طیبی، بهمن و جسمانی، مرجان. (۱۳۹۹). «تدوین راه‌کارهای توسعه کیفی آموزش مربیان ورزشی استان گلستان». مدیریت ورزشی. ۱۲(۲)، صص ۵۸۱-۶۰۰.
- رودباری، حمید و آقای نجف. (۱۳۹۹). «تدوین شاخص‌های انتخاب مربیان و ورزشکاران تیم ملی وزنه‌برداری با رویکرد ۳۶۰ درجه». مطالعات مدیریت ورزشی. ۶۱: صص ۳۳-۵۸.
- کاظمی‌پور، احمد؛ عبدالرحمن، مهدی‌پور و ازمشا، طاهره. (۱۳۹۴). «طراحی و تدوین شاخص‌های انتخاب سرمربی تیم ملی فوتبال ایران». مطالعات مدیریت ورزشی. ۳۷، صص ۷۲-۵۱.
- محمدی، زهرا؛ مشکاتی، زهره و ژیان‌پور، مهدی. (۱۳۹۷). «شناسایی ویژگی‌های مربی از تجارب ورزشکاران تیم ملی والیبال». دوفصلنامه روان‌شناسی ورزشی. ۳(۱)، صص ۳۷-۵۶.
- منتظری، امیر؛ طالب‌پور، مهدی و فیضی، سمیرا. (۱۳۹۶). «ساخت و اعتباریابی پرسشنامه شایستگی‌های مربیان ورزشی». مطالعات مدیریت ورزشی. ۱، صص ۱۴۷-۱۷۰.
- Attride-Stirling, J. (2001). "Thematic Networks: An Analytic Tool for Qualitative Research". *Qualitative Research*, 1(3), 385-387.
- Bennie, A., & O'Connor, A. (2011). "An effective coaching model: The perceptions and strategies of professional team sport coaches and players in Australia". *International Journal of Sport and Health Science*, 9, 98-104.
- Blumenstyein, B., Orbach, I., Bar-eli., Dreshman, R., & Weinstein Y. (2012). "High-level Coaches' Perceptions of their Professional Knowledge, Skills, and Characteristics". *Sport Science Review*, 5-6L, 5-27.
- Carless, D., & Douglas, K. (2011). "Stories as personal coaching philosophy". *International Journal of Sports Science & Coaching*, 6, 1-12.
- Cassidy, T., Jones, R.L., & Potrac, P. (2009). "Understanding sports coaching: The social, cultural and pedagogical foundations of coaching practice". (2nd edn). London: Routledge.
- Chiu, LK., Mahat, N.D., Hua, K.P., & Radzuwan, R.B. (2013). "Student-athletes' perceptions of coaches' coaching competency

at the Malaysian Public Institution of higher learning". World Journal of Education, 3(1),13-22.

- Cooper, D., & Allen, JB. (2017). **"The coaching process of the expert coach: a coach led approach"**. Sports Coaching Review, 17, 1-29.
- Côté, J., & Gilbert, W.D. (2009). **"An integrative definition of coaching effectiveness and expertise"**. International Journal of Sports Science & Coaching, 3, 307-323.
- Crisfield, P (2007). **"UKCC Level 4/5 report for sports coach UK"**. UK: Apollinaire Consultancy Associates Ltd.
- Dave, A., Farin, E.N., & Farin, A.N. (2017). **"Emotional intelligence and coaching behavior of sport coaches in the state universities and colleges in region III, Philippines"**. International Journal of Sports Science, 7(3), 105-110.
- Docheff, D. M., & Gerdes, D. (2015). **"The HEART of coaching"**. Strategies, 28(2), 28-32.
- Graham, G., Williams, G. G., & MacNamara, A. (2021). **"Coaching on the Talent Pathway: Understanding the influence of developmental experiences on coaching philosophy"**. International Sport Coaching Journal, 8(2), 141-152.
- Hall, E. T. (2015). **"The coaching process in international rugby union: an ethnographic case study"**. PhD dissertation, University of Edinburgh. Edinburg, UK.
- Hall, E.T., Gray, S., Kelly, J., Martindale, A., & Sproule, J. (2016). **"A Holistic model of coaching process: Conceptualizing the challenge of effectiveness in practice"**. The Psychology of Effective Coaching and Management, Editor: Paul A. Davis. New York: Nova Science Publishers Inc.
- Hodgson, L., Butt, J., & Mayrand, I. (2017). **"Exploring the psychological attributes underpinning elite sports coaching"**. International Journal of Sports Science and Coaching, 12(4), 439-451.
- Hampson, R., & Jowett, S. (2014). **"Effects of coach leadership and coach-athlete relationship on collective efficacy"**. Scandinavian Journal of Science and Medicine in Sports, 24, 454-460.
- Kelly, S., Thelwell, R.C., Barker, J.B., & Harwood, C.G. (2018). **"Psychological support for sport coaches: An exploration of practitioner psychologist perspectives"**. Journal of Sports Sciences, 36(16), 1852-1859.
- Jowett, S., & Shanmugam, V. (2016). **"Relational coaching in sport: Its psychological underpinnings and practical effectiveness"**. In R. Schinke, K.R.McGannon, B. Smith, Routledge International Handbook of Sport Psychology. United Kingdom: Routledge.
- Majid, U. (2018). **"Research fundamentals: Study design, population, and sample size"**. Undergraduate research in natural and clinical science and technology journal, 2, 1-7.
- Martinez, R. (2012). **Successful Coaching**. (Fourth edn.), Wahingeon: Human Kinethics
- Moen, F., Giske, R., & Hoigaard, R (2015). **"Coaches" perceptions of how coaching behavior affects athletes: An analysis of their position on basic assumptions in the coaching role"**. International Journal of Learning, Teaching and Educational Research, 11 (1), 180-199.

- Norman, L. (2015). **“The coaching needs of high performance female athletes within the coach-athlete dyad”**. International Sport Coaching Journal, 2, 15-28.
- North, J., Piggott, D., Lara-Bercial, S., Abraham, A., & Muir, B. (2019). **“The professionalization of sport coaching”**. In R. Thelwell & M. Dicks (Eds.), *Professional advances in sports coaching: Research and practice*. London: Routledge
- Papailiou, D., Strigas, E., Travlos, A. K., & Kipreos, G. (2015). **“The influence of the social context and the coaching environment on the coaching process and performance evaluation”**. Scholars Journal of Arts, Humanities and Social Sciences, 3(6), 1115-1119.
- Pyke, F. (2013). **Coaching excellence**. USA, Wahingtown: Human Kinetics Inc.
- Rynne, S. B., Mallett, C. J., & Rabjohns, M. W. O. (2017). **“High performance coaching: demands and development”**. In Richard Thelwell, Chris Harwood, & I. Greenlees (Eds.), *The Psychology of Sports Coaching: Research and Practice*. Abingdon, Oxon, United Kingdom: Routledge.
- Santos, S., Jones, R. L., & Mesquita, I. (2013). **“Do coaches orchestrate? The working practices of elite Portuguese coaches”**. Research Quarterly for Exercise and Sport, 84, 1-10.
- Sucipto, A., Cholik Mutohir, T. C., & Sudijandoko, A. (2017). **“Development of coach competency evaluation instrument of football school”**. International Journal of Physical Education, Sports and Health, 4(2), 106-110.
- Szabo, A. S (2014). **“What is the meaning of sport coaching (Expectations, possibilities, realities)”**. Sport Spanish, 9(2), 39-44.
- William. R., Falcao, W., Bloom, G. A., & Sabiston, C. M. (2020). **“The impact of humanistic coach training on youth athletes’ development through sport”**. International Journal of Sports Science & Coaching, 60, 523-547.

طراحی الگوی عوامل مؤثر بر فساد اداری - مالی در سازمان‌های ورزشی

علی نقی انصاری^۱

سید احسان امیرحسینی^۲

مهرزاد حمیدی^۳



10.22034/SSYS.2022.746.1508

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۱/۳۱

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۱۱/۱۸

سازمان‌های ورزشی به سبب حیطه وسیع عملکرد و چارچوب فعالیت آن‌ها در سطح جامعه، همواره در معرض ریسک بالای وقوع فساد می‌باشند. از این‌رو در تحقیق حاضر الگوی عوامل مؤثر بر فساد اداری - مالی در سازمان‌های ورزشی طراحی می‌شود. جامعه آماری متشکل از کلیه کارکنان ادارات کل ورزش و جوانان استان‌های کشور بود که بر اساس فرمول کوکران ۳۰۰ نفر به عنوان نمونه به روش خوشه ای انتخاب شدند. داده‌های به‌دست آمده به وسیله پرسشنامه‌های توزیع شده از طریق معادلات ساختاری و روش حداقل مربعات جزئی به کمک نرم‌افزار اسمارت پی. ال. اس مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج حاصل از پردازش داده‌ها نشان داد، متغیر عوامل سازمانی تاثیر معنادار ۲۹/۹ درصدی بر فساد اداری- مالی دارد این درحالی است که عوامل فردی تاثیر معنادار ۳۱ درصدی دارد. همچنین نتایج نشان داد که در بین مؤلفه های عوامل سازمانی بیشترین میزان تاثیر پذیری عوامل سازمانی از مؤلفه کنترل و نظارت و کمترین میزان تاثیرپذیری از

۱- دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی، گروه علوم ورزشی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران

۲- دانشیار، گروه علوم ورزشی، واحد یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران (نویسنده مسئول)

E-mail: Amirhosseini474@gmail.com

۳- دانشیار، گروه مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

مؤلفه شفافیت سازمانی است. همچنین در بین مولفه‌های عوامل فردی بیشترین میزان تاثیرپذیری عوامل فردی از عامل مزایا و کمترین میزان تاثیرپذیری از عامل سرمایه اجتماعی است. علاوه بر این، نتایج تحلیل گروهی نشان داد که در مجموع اختلاف معناداری بین دیدگاه زنان و مردان در میزان تاثیر عوامل فردی و سازمانی بر فساد مالی- اداری وجود نداشته است.

واژگان کلیدی: سازمان‌های ورزشی، عملکرد، عوامل سازمانی، عوامل فردی، فساد اداری و فساد مالی.

مقدمه

فساد اداری- مالی^۱ با توجه به وسعت پیامدهای نامساعدی که برای نظام اجتماعی و اقتصادی دارد و نیز با توجه به این که ایجاد تزلزل در ثبات حاکمیتی و سیاسی می‌کند، یکی از شاخص‌های مهم در ارزیابی وضعیت کشورها از نظر توسعه‌یافتگی است. در جوامع دموکراتیک^۲ فساد از نظر قانونی جلوه‌ای از تقلب در برابر حاکمیت قانون^۳ و نمونه‌ای از خیانت به اراده مستقل مردم است (نیکولاس^۴، ۲۰۱۴: ۴۵۶). مک‌مولن^۵ معتقد است: «فساد زمانی رخ می‌دهد که یک مأمور دولت به ازاء انجام دادن کاری که از آن نهی شده، رشوه‌ای نقدی و یا جنسی قبول کند.» (به نقل از قرنی و همکاران، ۱۳۸۹: ۳۳۴). علاوه بر دیدگاه‌های نظری و رویکردهای تئوریک، مطالعات متعددی در جهت شناسایی عوامل مؤثر بر فساد در سطح سازمان‌ها انجام شده است. با این حال، هنوز هم علل بروز فساد اداری مالی و میزان تأثیرگذاری آن عوامل، نظام‌مند نشده است (تورگلر^۶، ۲۰۱۵: ۳). مطالعات نشان می‌دهند که اولاً فساد اداری به طور گسترده در اکثر نقاط جهان به ویژه در کشورهای در حال توسعه وجود دارد. ثانیاً این پدیده نه فقط از نظر نقض عدالت اداری و تضییع حقوق شهروندی، بلکه از نظر توسعه اقتصادی و سیاسی نیز برای جوامع بسیار زیان‌بار است و ثالثاً برخلاف تصور بسیاری از افراد که فساد اداری را مسئله‌ای اجتناب‌ناپذیر و حل‌ناشدنی تلقی می‌کنند، روش‌های مؤثری برای مهار آن وجود دارد.

نمونه‌هایی از فساد اداری را کم و بیش می‌توان در هر سازمانی مشاهده کرد. سازمان‌های ورزشی نیز جزو همین سازمان‌ها هستند که با توجه به نقش و مسئولیت مهمی که در امر توسعه ورزش و تأمین سلامت مردم دارند، ضرر و زیان ناشی از فساد اداری می‌تواند تأثیر عمیق‌تری بر آن‌ها داشته باشد (نجفی کلوری و همکاران، ۱۳۹۱). با توجه به تنوع زیاد فعالیت‌ها در زمینه مدیریت ورزشی، تنوع موارد زیادی از فساد را نیز می‌توان مشاهده کرد. ماینیگ^۷ (۲۰۰۵) طی تحقیقی انواع فسادهای انجام گرفته در ورزش (در سازمان، تیم‌ها، داوران و ...) را بررسی و ذکر کرده است. این در حالی است که با توسعه فعالیت‌های ورزشی و تبدیل اغلب ورزش‌ها در سطوح ملی و بین‌المللی به صنعت‌های تجاری عظیم، فساد در ورزش ابعاد گسترده‌تری یافته است و روند رو به رشدی را در زمینه فساد در سازمان‌های ورزشی در سال‌های اخیر چه در داخل و چه در خارج از کشور بالاخص در سطوح مدیریتی و کارکنان سازمان‌ها و فدراسیون‌های ملی و بین‌المللی تجربه کرده‌ایم. ماینیگ با مرور این سطح از فساد در سازمان‌های ورزشی آن‌ها را به دو

-
1. Corruption
 2. Democratic Societies
 3. Rule Of Law
 4. Nikolaos et al.
 5. Mc Mullan
 6. Torgler
 7. Maennig

دسته؛ ۱. تبانی و فساد در مورد نتیجه رقابت (فساد رقابتی) و ۲. تصمیمات و اعمال غیرقانونی افراد و مسئولان ورزشی (فساد مدیریتی) تقسیم کرده است.

بدیهی است در صورتی که از گسترش فساد در جامعه اداری و سازمان‌های ورزشی جلوگیری نشود، عواقبی در پی دارد که از آن جمله می‌توان به سلطه سرمایه‌داری در ورزش، نقض فلسفه ورزش یعنی رقابت سالم و جوانمردانه، لطمه به شهرت و آوازه سازمان‌های ورزشی، رشته‌های ورزشی و افراد درگیر در ورزش، نقض شایست سالاری و کاهش انگیزه کارکنان سازمان‌های ورزشی و ورزشکاران نوپا، از دست رفتن هواداران، تماشاگران و بینندگان تلویزیونی و در نتیجه از دست رفتن حمایت مالیان مالی و مقامات شهری، اشاره کرد (ماینیگ، ۲۰۰۵: ۷۱).

در این زمینه هم‌چنین دانیل ماسن و همکاران^۱ (۲۰۰۶) تحقیقی در کمیته بین‌المللی المپیک به عنوان سازمان بزرگ ورزشی انجام دادند. آن‌ها در پژوهش خود به این موضوع اشاره کرده‌اند که هنگامی که فساد مالی و اداری در میان اعضای این سازمان مشخص می‌شود و رسانه‌ها همگی توجه خود را بر این مطلب متمرکز می‌کنند، حامیان مالی از این مسئله نگران می‌شوند که بدنامی کمیته بین‌المللی المپیک می‌تواند دامن آن‌ها را نیز بگیرد که این امر در کاهش حمایت این حامیان از جنبش المپیک و در نتیجه ایجاد ضرر و زیان‌هایی برای کمیته بین‌المللی المپیک و جنبش المپیک، بسیار مؤثر است. نتایج این تحقیق بیان می‌دارد که کمیت و کیفیت قوانین و مقررات کمیته بین‌المللی المپیک، در پیشگیری از بروز فساد در بین اعضای این نهاد بین‌المللی در این کمیت اصلاح شود. وی تأکید می‌کند باید کمیته‌هایی مستقل، برای شناخت و از بین بردن عوامل فساد در کمیته بین‌المللی المپیک تشکیل شود. حال این امر در فدراسیون فوتبال نیز به عنوان یک سازمان ورزشی می‌تواند اتفاق بیفتد، چه بسا با بدنامی این سازمان در امر فساد، سرمایه‌گذاری‌ها را چه خود سازمان و چه در بخش‌های تابعه بسیار کاهش می‌دهد که بی‌شک این امر در روند پیشرفت فوتبال و ورزش کشور خلل ایجاد خواهد کرد (ماسن و همکاران، ۲۰۰۶: ۵۶).

در پژوهشی دیگر ماینیگ^۲ (۲۰۰۸) به بررسی این موضوع پرداخته است که چرا تعریف مفهوم فساد در ورزش دشوار است. پژوهش ماینیگ حول این محور طراحی و اجرا شده است که مفهوم فساد در ورزش را تحدید نظری کند. نتایج تحقیق او نشان داده است که تنوع و پیچیدگی و نیز درهم‌تنیدگی ابعاد اجتماعی و اقتصادی هزینه‌هایی که فساد در ورزش ایجاد می‌کند گستره مفهومی آن را بسیار وسیع ساخته است.

هم‌چنین نومراتو^۳ (۲۰۰۹) طی تحقیقی به بررسی نقش رسانه در فرآیند انتشار و کاهش فشار در ورزش با تأکید بر ورزش فوتبال آمریکایی پرداخت. این تحقیق روشن می‌سازد که چگونه رسانه هم می‌تواند به عنوان دشمن و هم به عنوان تسهیل کننده فساد در ورزش عمل کند.

1. Mason et al.

2. Maennig

3. Numerato

در زمینه فساد در ورزش، تحقیق صفری (۱۳۸۷) در سازمان تربیت بدنی بیانگر این امر بود که عامل مؤثر بر فساد اداری در سازمان تربیت بدنی عوامل اقتصادی و بهترین روش کنترل آن افزایش درآمدها، جلوگیری از فساد استخدامی و سیستم‌های مالی کارآمد ذکر شده است (صفری، ۱۳۸۷: ۲). همچنین پژوهش دیگری توسط نجفی کلوری و همکارانش (۱۳۹۱) با عنوان «عوامل مؤثر بر بروز فساد در سازمان‌های ورزشی با تاکید بر فدراسیون فوتبال جمهوری اسلامی ایران» انجام شده است که بیانگر این موضوع است که عوامل فرهنگی بیشترین نقش را در بروز و گسترش فساد اداری دارند و در بین روش‌های مختلف کنترل فساد اداری نیز خصوصی‌سازی به عنوان مهم‌ترین روش کنترل معرفی شده است (نجفی کلوری و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۰۹).

بررسی‌ها حاکی از آن است که مبارزه با فساد اداری یک ضرورت است تا از تشدید آسیب‌ها در آینده، پیشگیری نماید و ضرورت دارد با تمام توان و در تمامی زمینه‌ها با علل و عوامل بروز فساد مبارزه‌ای جدی و مستمر صورت پذیرد، با این وصف لازمه این امر آن است که از پیش عوامل مؤثر بر این پدیده از نظر علمی و در هر محیط سازمانی با توجه به تفاوت‌هایی که سازمان‌های مختلف از نقطه نظر ساختار و فرهنگ سازمانی و رویه‌های سازمانی با همدیگر دارند، مورد شناسایی علمی قرار گیرد.

از این‌رو هدف از پژوهش حاضر «طراحی الگوی عوامل مؤثر بر فساد اداری مالی در سازمان‌های ورزشی» است که این موضوع در جامعه آماری مورد بررسی که ادارات کل ورزش و جوانان استان‌های کشور هستند، مورد بررسی قرار گرفته است. در این زمینه عوامل مؤثر در قالب عوامل فردی (مبتنی بر تخطی عاملیت‌های اجتماعی موجد فساد) و نیز عوامل ساختاری (مبتنی بر شرایط، رویه‌ها، فضای سازمانی، قوانین و ... ایجاد کننده بستر فساد) مورد شناسایی و تأثیرگذاری آن‌ها مورد سنجش قرار گرفته است.

روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف از نوع تحقیقات کاربردی است و از نظر روش از نوع مطالعات علی-همبستگی می باشد. روش گردآوری داده‌ها تلفیقی از روش کتابخانه‌ای و میدانی است. جامعه آماری پژوهش حاضر، شامل کلیه کارکنان ادارات کل ورزش و جوانان استان‌های کشور است. بنا به اطلاعات اخذ شده از قسمت منابع انسانی، حدود ۲۵۰۰ نفر در ادارات کل ورزش و جوانان استان‌های کشور مشغول به کار هستند که با استفاده از فرمول کوکران، تعداد ۳۰۰ نفر به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای، به عنوان نمونه انتخاب شدند و از ۳۰۰ پرسشنامه توزیع شده ۲۷۰ پرسشنامه برگشت داده شد. برای گردآوری داده‌ها به شیوه میدانی پرسشنامه‌ای با ۹۳ سؤال طراحی شد که پس از انجام پیش‌آزمون و محاسبه پایایی پرسشنامه با استفاده از محاسبه آلفای کرونباخ برای هر شاخص و تعدیل گویه‌ها و نیز تأمین اعتبار پرسشنامه به شیوه اعتبار محتوا با مراجعه به اساتید و متخصصین این حوزه و نیز ارجاع به مطالعات پیشین، استفاده شد. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از تحلیل عاملی تأییدی بر اساس روش مدل‌سازی معادلات ساختاری با

استفاده از حداقل مربعات جزئی با کاربرد نرم افزار pls استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

با توجه به جدول ۱، مقدار ضریب آلفای کرونباخ متغیرها بالاتر از ۰/۷ می‌باشد که بیانگر هماهنگی درونی گویه‌ها و تأیید پایایی آن‌ها است. پایایی ترکیبی متغیرها نیز بالای ۰/۷ است که نشان از قابل قبول بودن پایایی سازه هر تحقیق دارد. هم‌چنین مقدار روایی همگرا از ۰/۵ که مقدار ملاک برای قبول است بیشتر می‌باشد در نتیجه تأیید می‌گردد.

جدول ۱: ضریب آلفای کرونباخ، پایایی ترکیبی و روایی همگرا

روایی همگرا (AVE)	پایایی ترکیبی	آلفای کرونباخ	روایی همگرا (AVE)	پایایی ترکیبی	آلفای کرونباخ		
۰/۶۵۲	۰/۹۰۳	۰/۸۶۶	۰/۷۵۱	۰/۹۶۹	۰/۹۲۳	سازمانی	تأمین اجرای قانون
۰/۷۱۶	۰/۹۱۰	۰/۸۶۸	۰/۷۵۰	۰/۹۱۶	۰/۹۰۰	شفافیت سازمانی	شناسایی و انعکاس خلاها
۰/۶۲۸	۰/۸۸۱	۰/۸۶۰	۰/۶۲۲	۰/۸۳۱	۰/۷۹۴	شفافیت قانون	فردی
۰/۶۳۶	۰/۸۲۷	۰/۹۱۴	۰/۵۲۹	۰/۸۴۹	۰/۷۷۷	شفاف سازی مراحل	عوامل مدیریتی فساد
۰/۷۸۳	۰/۸۶۱	۰/۹۱۵	۰/۵۰۸	۰/۸۶۱	۰/۸۰۶	شفاف سازی خدمات	ضعف برنامه ریزی
۰/۸۲۰	۰/۸۹۰	۰/۹۳۲	۰/۸۲۲	۰/۹۴۳	۰/۹۳۳	کنترل نظارت	ضعف بسیج منابع
۰/۸۱۹	۰/۷۷۹	۰/۹۰۰	۰/۵۳۵	۰/۸۷۳	۰/۸۲۸	کفایت قانون	ضعف نظارت و کنترل
۰/۶۹۳	۰/۸۶۹	۰/۸۹۹	۰/۶۸۸	۰/۹۳۰	۰/۹۰۹	اعمال نظارت	سرمایه اجتماعی
۰/۵۶۷	۰/۷۴۵	۰/۸۳۷	۰/۷۱۰	۰/۸۸۰	۰/۷۹۵	اثربخشی نظارت	شناختی
۰/۷۷۸	۰/۸۵۶	۰/۹۱۳	۰/۷۵۹	۰/۹۲۳	۰/۹۲۶	فرهنگ سازمانی	ارتباطی
۰/۷۷۸	۰/۸۵۷	۰/۹۱۳	۰/۵۳۶	۰/۸۸۹	۰/۸۵۳	مشارکت	ساختاری
۰/۶۱۲	۰/۸۶۳	۰/۹۰۰	۰/۶۳۰	۰/۸۷۲	۰/۸۰۴	یکپارچگی	مزایا
۰/۸۰۶	۰/۸۹۱	۰/۸۹۲	۰/۶۴۰	۰/۸۷۷	۰/۸۱۳	انعطاف پذیری	فساد
۰/۵۱۷	۰/۸۶۵	۰/۸۱۲	۰/۶۷۲	۰/۸۹۱	۰/۸۳۶	ماموریتی	اداری
۰/۵۴۷	۰/۸۷۸	۰/۸۳۲	۰/۹۰۰	۰/۹۳۴	۰/۹۴۷	قانونگرایی در سازمان	مالی

با توجه به جدول ۲، مقدار ضریب تعیین برای اکثر متغیرهای درون‌زای مدل (۲۲ عدد از متغیرها) بالای ۰/۶۷ بوده است که قوی بودن مدل را نشان می‌دهد و همان گونه که مشاهده

می‌شود مقادیر Q^2 در مدل حاضر برای تمامی متغیرها نزدیک یا بالای ۰/۳۵ بدست آمده است که نشان از قدرت پیش بینی قوی مدل است.

جدول ۲: مقادیر ضریب تعیین و Q^2 سازه های مدل

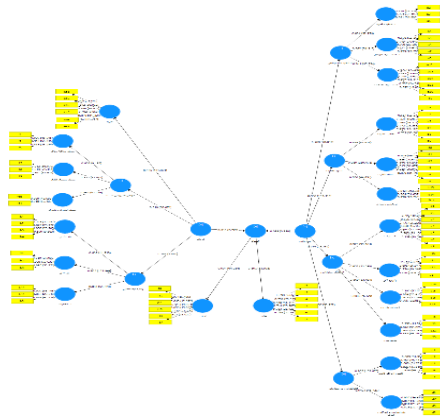
ضریب تعیین	Q^2	ضریب تعیین	Q^2	ضریب تعیین	Q^2
سازمانی	-	۰/۳۱۷	مشارکت	۰/۸۵۵	۰/۳۷۶
شفافیت سازمانی	۰/۵۹۰	۰/۳۱۶	یکپارچگی	۰/۷۲۵	۰/۳۷۶
شفافیت قانون	۰/۶۴۱	۰/۲۶۶	انعطاف پذیری	۰/۷۵۵	۰/۳۹۲
شفاف سازی مراحل	۰/۷۷۷	۰/۳۰۲	ماموریتی	۰/۷۰۳	۰/۴۳۴
شفاف سازی خدمات	۰/۸۲۹	۰/۳۱۶	قانونگرایی در سازمان	۰/۷۰۲	۰/۴۹۰
کنترل نظارت	۰/۸۷۶	۰/۴۴۱	تامین اجرای قانون	۰/۹۱۲	۰/۴۶۱
کفایت قانون	۰/۸۰۶	۰/۳۵۲	شناسایی و انعکاس خلاها	۰/۸۸۷	۰/۴۹۳
اعمال نظارت	۰/۹۱۹	۰/۵۳۷	فردی	-	۰/۳۱۲
اثر بخشی نظارت	۰/۷۴۰	۰/۴۰۱	عوامل مدیریتی فساد	۰/۸۳۹	۰/۳۵۹
فرهنگ سازمانی	۰/۸۳۵	۰/۳۴۳	ضعف برنامه ریزی	۰/۴۰۷	۰/۵۰۷
			مالي		۰/۷۹۴
			ساختاری		۰/۷۷۴
			ارتباطی		۰/۸۵۶
			شناختی		۰/۴۴۸
			اجتماعی		۰/۱۳۴
			سرمایه		۰/۳۴۱
			نظارت و کنترل		۰/۷۴۱
			بسیج منابع		۰/۷۶۰
			ضعف		۰/۵۶۵

۲۰۵

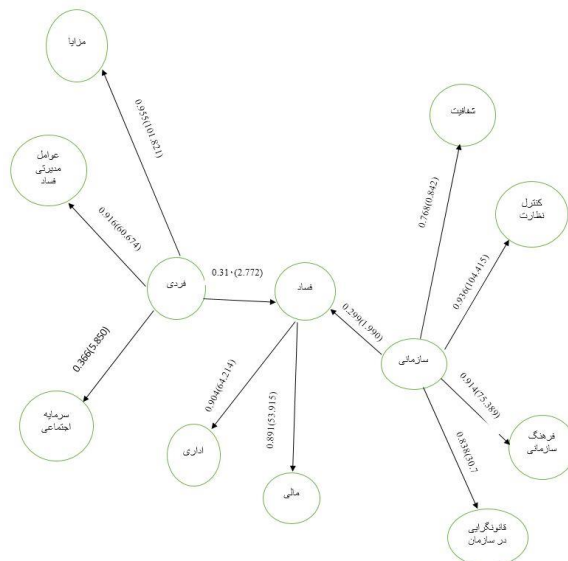
با توجه به نتایج حاصل شده در جدول ۳، مقدار شاخص SRMR برابر ۰/۰۹۷ محاسبه شده که چون در محدوده قابل قبول (کمتر از ۰/۱) قرار گرفته است، نشان از برازش مطلوب مدل است.

جدول ۳: شاخص برازش کلی مدل (SRMR)

شاخص	معادل فارسی	دامنه قابل قبول	مدل تدوین شده
SRMR	ریشه دوم میانگین مربعات باقیمانده های استاندارد	۰ - ۰/۱	۰/۰۹۷



شکل ۱: مدل روابط علی عوامل مؤثر بر فساد اداری و مالی در ادارات کل ورزش و جوانان استان‌های کشور در حالت تخمین ضرایب استاندارد (بارهای عاملی) و مقادیر آماره t



شکل ۲: مدل مختصر روابط علی عوامل مؤثر بر فساد اداری و مالی با آسیب شناسی منابع انسانی در وزارت ورزش و جوانان در حالت تخمین ضرایب استاندارد (بارهای عاملی) و مقادیر آماره t

نتایج جدول ۴، تأثیر عوامل فردی و سازمانی بر فساد مالی - اداری را نشان می‌دهد. مقدار آماره t در تأثیر عوامل سازمانی بر فساد اداری مالی بیش از $1/96$ می‌باشد ($P < 0/05$) بنابراین متغیر عوامل سازمانی بر فساد مالی - اداری تأثیرگذار است و چون میزان ضریب این مسیر مثبت است، بنابراین عوامل سازمانی تأثیر مستقیمی بر فساد مالی - اداری به میزان $29/9$ درصد دارد. به عبارت دیگر مجموع عوامل سازمانی تأثیر $29/9$ درصدی بر میزان فساد مالی اداری دارند. از طرفی

چون در مسیر تأثیر عوامل فردی بر فساد مالی اداری عدد معناداری t ، $۲/۷۷۲$ و بزرگتر از $۱/۹۶$ بدست آمده است، بنابراین عوامل فردی نیز بر فساد مال اداری تأثیرگذار است و چون ضریب این مسیر نیز مثبت است، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت، عوامل فردی تأثیر مستقیمی بر فساد مالی-اداری به میزان ۳۱ درصد دارد. به عبارت دیگر مجموع عوامل فردی تأثیر ۳۱ درصدی بر میزان فساد مالی-اداری دارند.

جدول ۴: ضرایب مسیر، آماره t ، و سطح معنی داری در تأثیر عوامل فردی و سازمانی بر فساد مالی-اداری

کران پایین	کران بالا	سطح معنی داری	آماره t	ضریب تأثیر	فساد	سازمانی
۰/۲۸۸	۰/۰۹۶	۰/۰۰۳	۱/۹۹۰	۰/۲۹۹	فساد	سازمانی
۰/۵۲۴	۰/۰۹۸	۰/۰۰۶	۲/۷۷۲	۰/۳۱۰	فساد	فردی

۲۰۷

یکی از مسائل مورد توجه در این پژوهش مقایسه‌ی عوامل موثر بر فساد مالی اداری در بین زنان و مردان کارمند است. به همین منظور از رویکرد تحلیل گروهی در نرم افزار pls استفاده شد و این بار مدل به صورت دو گروه مجزا زنان و مردان با استفاده از تحلیل گروهی اجرا شد. نتایج جدول ۵، در حالت کلی به بررسی و مقایسه تأثیر عوامل فردی و سازمانی بر روی فساد مالی اداری در بین زنان و مردان می‌پردازد. همان‌گونه که در جدول مشاهده می‌شود تأثیر عوامل سازمانی بر روی فساد در بین زنان معنادار است، در حالی که این تأثیر در بین مردان معنادار نبوده است. بنابراین از نظر زنان تأثیر عوامل سازمانی بر روی فساد بیشتر از آن چیزی است که مردان تصور می‌کنند. هم‌چنین نتایج نشان می‌دهد تأثیر عوامل فردی بر فساد هم در گروه زنان و هم در گروه مردان معنادار است، با توجه نتایج حاصل شده از سطح معناداری اختلاف دو گروه، این‌گونه استنباط می‌گردد تفاوت معناداری بین دیدگاه زنان و مردان در میزان تأثیر عوامل فردی بر فساد وجود نداشته است.

جدول ۵: ضرایب مسیر، آماره t ، و نتایج تحلیل گروهی و مقایسه عوامل موثر بر فساد مالی اداری در دو گروه زنان و مردان

مسیر	جنسیت	ضریب تأثیر	آماره t	سطح معناداری	فاصله اطمینان (۹۵٪)		اختلاف دو گروه	سطح معناداری اختلاف دو گروه
					کران پایین	کران بالا		
سازمانی -> فساد	زن	-۰/۴۲۹	۲/۴۰۲	۰/۰۱۷	-۰/۸۱۲	-۰/۳۲۶	۰/۳۴۳	۰/۹۴۴
	مرد	-۰/۰۸۶	۰/۶۷۲	۰/۵۰۲	-۰/۱۱۲	۰/۱۶۹		
فردی -> فساد	زن	۰/۷۰۰	۳/۲۵۱	۰/۰۰۱	۰/۲۷۹	۰/۱۶۲	۰/۱۷۰	۰/۲۴۴
	مرد	۰/۵۳۱	۳/۶۹۸	۰/۰۰۰۱	۱/۰۷۶	۰/۷۶۷		

بحث و نتیجه‌گیری

فساد مالی و اداری، جرم مهمی است که در صورت شیوع، ساختار اقتصادی جامعه را مختل

می‌کند؛ به همین دلیل مطالعه در راهکارهای پیشگیری از این جرم و به کارگیری تدابیر لازم در این زمینه، حتی اگر بیشترین هزینه‌ها را به دنبال داشته باشد، به نفع جامعه و برای بقای آن ضروری است. در واقع برنامه پیشگیری از فساد مالی را از مراحل ابتدایی رشد افراد باید شروع کرد و تا نظارت بر کار دستگاه‌های اداری و اجرایی توسعه داد.

بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر در مسیر تأثیر عوامل فردی بر فساد عدد معناداری $t=2/772$ و بزرگتر از $1/96$ می‌باشد بنابراین عوامل فردی نیز بر فساد مالی اداری تأثیرگذار است و چون ضریب این مسیر مثبت است بنابراین عوامل فردی تأثیر مستقیمی بر فساد مالی- اداری به میزان $0/31$ دارد. به عبارت دیگر مجموع عوامل فردی تأثیر 31 درصدی بر میزان فساد مالی- اداری دارند. در بین مؤلفه‌های عوامل فردی بیشترین میزان تأثیر مربوط به مزایا است و در رتبه‌ی اول قرار می‌گیرد و بعد از آن عوامل مدیریتی فساد در رتبه‌ی بعدی قرار می‌گیرد. هم‌چنین سرمایه‌ی اجتماعی با کمترین میزان تأثیر و اختلاف زیادی نسبت به دو عامل قبلی در رتبه‌ی آخر قرار دارد. به عبارت دیگر 95 درصد از تغییرات عوامل فردی مربوط به متغیر مزایا است. این در حالی است که متغیر سرمایه اجتماعی با میزان $36/6$ درصد، کمتر از دیگر مؤلفه‌ها، تغییرات عوامل فردی را اندازه‌گیری می‌کند. نتایج با تحقیقات انجام شده توسط عظیمی (۱۳۸۹)، رهنورد و همکاران (۱۳۸۹)، ابراهیمی رومنجان (۱۳۹۴) و یوسفی و حسامی عزیزی (۱۳۹۳) همسویی دارد.

در تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت؛ هنگامی که درآمد کارمند برای تأمین مایحتاج زندگی کافی باشد نیاز وی به درآمد اضافی کاهش می‌یابد. اصلاح نظام حقوق و دستمزد و نظام پاداش و تنبیه می‌تواند در ارتکاب به فساد مالی و اداری کارکنان مؤثر واقع شود. هم‌چنین ایجاد نظام شایسته‌سالاری و انتخاب مدیران بر اساس توانمندی به دور از سلاقی سیاسی، گزینش مدیران بر اساس توانمندی‌های مدیریتی آن‌ها و برگزاری کلاس‌های آموزشی ویژه مدیران می‌تواند بر کاهش ارتکاب به فساد مالی و اداری کارکنان مؤثر باشد.

نتایج بدست آمده از این تحقیق حاکی از آن است که متغیر عوامل سازمانی بر فساد مالی اداری تأثیر گذار می‌باشد. و چون میزان ضریب این مسیر مثبت است بنابراین عوامل سازمانی تأثیر مستقیمی بر فساد مالی اداری به میزان $0/299$ دارد. به عبارت دیگر مجموع عوامل سازمانی تأثیر $29/9$ درصدی بر میزان فساد مالی اداری دارند. در بین مؤلفه‌های عوامل سازمانی بیشترین میزان تأثیر مربوط به کنترل و نظارت و بعد از آن به ترتیب فرهنگ سازمانی و قانونگرایی سازمانی در رتبه‌های بعدی قرار دارند. کمترین میزان تأثیر مربوط به شفافیت سازمانی است. به عبارت دیگر $93/6$ درصد از تغییرات عوامل سازمانی مربوط به متغیر کنترل نظارت است این در حالی است که متغیر شفافیت سازمانی با میزان $76/8$ درصد، کمتر از دیگر مؤلفه‌ها، تغییرات عوامل سازمانی را اندازه‌گیری می‌کند. این نتایج با تحقیقات انجام شده توسط محمدی‌پور و همکاران (۱۳۹۳)، حسینی و نجیمی (۱۳۹۶)، حسین‌زاده و کیخسروی (۱۳۹۵)، رضایی و همکاران (۱۳۹۵) و شهیدی و همکاران (۱۳۹۵) همخوانی دارد.

در تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت؛ کنترل و نظارت فرایند تحت نظر قرار دادن فعالیت‌ها به منظور حصول اطمینان از این‌که آن‌ها همان‌گونه‌که برنامه‌ریزی شده‌اند انجام می‌پذیرد. لذا برنامه‌ریزی مناسب جهت ایجاد نظام کنترل و نظارت کارآمد و مستقل در ادارات کل و تصویب قوانین، بخشنامه‌ها و آیین‌نامه‌ها به‌طوری‌که کمترین حالت رانت را ایجاد نماید و هم‌چنین قوانینی که اثربخشی لازم در بازدارندگی از وقوع فساد اداری و مالی را داشته باشد می‌تواند در کاهش

فساد اداری و مالی مؤثر باشد.

انجام برخی تدابیر و وسایل کنترل از قبیل بودجه‌بندی مناسب، گزارش‌های آماری و کنترل آن‌ها به صورت هفتگی، ماهیانه و ... که مدیر می‌تواند خواستار تهیه آن شود و حتی مشاهد مستقیم توسط مدیر و بازرسی‌های سرزده، انجام حسابرسی به موقع و ... می‌تواند بر کاهش فساد مالی و اداری مفید باشد. از طرف دیگر ایجاد انگیزه خود کنترلی، که نوعی حالت درونی است که افراد را به انجام وظایف و حس مسئولیت‌پذیری متمایل می‌سازد، می‌تواند در کاهش فساد مالی و اداری مؤثر باشد. مشروط بر این‌که اولاً کارکنان ادارات کل از وجود عدالت و رفاه نسبی در سازمان اطمینان داشته باشند و ثانیاً مدیران کل خود الگویی برای ایجاد خود کنترلی در نزد کارکنان خود باشند.

دومین عامل که بیشترین تأثیر را در بین عوامل سازمانی دارد فرهنگ سازمانی است. فرهنگ سازمانی به عنوان مجموعه‌ای از باورها و ارزش‌های مشترک بر رفتار و اندیشه اعضای سازمان اثر می‌گذارد. فرهنگ سازمانی از دو لایه اصلی تشکیل شده است. نخستین لایه لایه‌ای است که نمایش نمادهای ملموس مانند؛ طرز پوشش، رفتار، مرام و ... است. لایه دیگر فرهنگ سازمانی، لایه پایه‌ای و یا شالوده اساسی فرهنگ سازمان است که به ارزش‌های زیربنایی مفروضات و باورها و فرایندهای فکری افراد و گروه‌های سازمانی اشاره دارد. ایجاد خلاقیت فردی، ریسک‌پذیری، بالا بردن توانایی‌های رهبری افراد، ایجاد یکپارچگی و وحدت، افزایش مشارکت افراد در تصمیمات و برنامه‌ریزی‌ها و ... می‌تواند بر کاهش فساد اداری مالی تأثیرگذار باشد.

منابع

- ابراهیمی، رومنجان؛ دلاوری، مجتبی؛ ساره درکی، سهیلا و امینی نرگس. (۱۳۹۴). «شناسایی عوامل مؤثر بر کاهش فساد مالی». چهارمین همایش ملی علوم مدیریت نوین.
- حسینی، سید عبدالرسول و نجیمی، نجم. (۱۳۹۶). «عوامل سازمانی و مدیریتی مؤثر بر فساد اداری مالی». پنجمین همایش علمی پژوهشی یافته‌های نوین علوم مدیریت، کارآفرینی و آموزش ایران. تهران، انجمن توسعه و ترویج علوم و فنون بنیادین.
- حسین زاده، فلور و کیخسروی، علی. (۱۳۹۵). «شناسایی و رتبه بندی عوامل مؤثر بر فساد مالی- اداری در سازمان‌های دولتی با استفاده از تکنیک AHP و TOPSIS (مطالعه موردی: اداره کل امور اقتصادی و دارایی استان آذربایجان غربی)». اولین کنفرانس بین‌المللی مدیریت، حسابداری، علوم تربیتی و اقتصاد مقاومتی؛ اقدام و عمل. ساری، شرکت علمی پژوهشی باران اندیشه.
- رضایی، محسن؛ رنجبر، حمیدرضا؛ حقیر، مرضیه و آبادی، ابراهیم. (۱۳۹۵). «عوامل مؤثر بر نظام سلامت اداری با استفاده از تکنیک AHP». سومین کنفرانس بین‌المللی مدیریت و اقتصاد. تربت حیدریه، دانشگاه تربیت حیدریه.
- رهنورد، فرج اله؛ طاهرپور کلانتری، حبیب اله و رشیدی، اعظم. (۱۳۸۹). «شناسایی عوامل مؤثر بر فساد مالی در بین کارکنان دستگاه‌های اجرایی». پژوهشنامه مدیریت اجرایی. شماره ۱، دوره ۳۵.
- شهیدی، لیلا؛ جدیری جبارزاده، بهنام و جعفرزاده، سحر. (۱۳۹۵). «تأثیر عوامل سازمانی و مدیریتی بر فساد اداری - مالی در سازمان‌های نیمه دولتی». ششمین کنفرانس ملی مدیریت، اقتصاد و حسابداری. تبریز، دانشگاه فنی و حرفه ای استان آذربایجان شرقی - سازمان مدیریت صنعتی تبریز.
- صفری، حمیدرضا. (۱۳۸۷). «مطالعه عوامل مؤثر بر فساد اداری مالی در سازمان تربیت بدنی جمهوری اسلامی ایران». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده تربیت بدنی، دانشگاه تهران.
- عظیمی، حسین. (۱۳۸۹). «طراحی الگوی عوامل سازمانی و مدیریتی مؤثر بر فساد اداری - مالی با آسیب‌شناسی در سازمان‌های دولتی (مطالعه موردی: سازمان‌های دولتی شهرهای اصفهان و زنجان)». پایان‌نامه دکتری دانشگاه اصفهان.
- قرنی، محمد و دیگران. (۱۳۸۹). «بررسی و تحلیل رابطه فساد با اصول حکمرانی خوب و اثرپذیری آن از فرهنگ سازمانی (مطالعه موردی: فساد اداری)». مجموعه مقالات همایش ارتقای سلامت اداری. تهران: انتشارات زمان نو.
- محمدی پور، رحمت الله؛ نوری، حمید و اکبری، محمدحسین. (۱۳۹۳). «عوامل سازمانی و مدیریتی مؤثر بر فساد اداری- مالی در سازمان‌های دولتی». اولین همایش ملی حسابداری و حسابرسی. بندر گز، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندر گز.

- نجفی کلوری، مقصود؛ گودرزی، محمود؛ فراهانی، ابوالفضل و اسماعیلی، حسن. (۱۳۹۱). «عوامل موثر بر بروز فساد در سازمان‌های ورزشی (مطالعه موردی: فساد اداری در فدراسیون فوتبال جمهوری اسلامی ایران)». مدیریت ورزشی. شماره ۱۴، صص ۱۰۹-۱۲۲.
- یوسفی، جعفر و حسامی عزیزی، باقر. (۱۳۹۳). «عوامل مؤثر بر فساد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه». اولین کنفرانس ملی اقتصاد، مدیریت و فرهنگ ایرانی اسلامی.
- Maennig, W. (2005). **“Corruption in International sports and sport management: Forms, tendencies, extent and countermeasures”**. European Sports Management Quarterly, Vol. 5, No.2, pp187-205.
- Maennig, W. (2008). **“Corruption in international sports and how it may be combated”**. IASE/NAASE Working Paper Series, Paper No. 08-13.
- Mason, D., Sthibault, B., Misener, L. (2006). **“An agency theory perspective on corruption in sport: The case of the international Olympic Committee”**. Journal of Sport Management, No. 20, pp 52-73.
- Numerato, D. (2009). **“The media and sports corruption: An outline of sociological understanding”**. International Journal of sport Communication, No.2, pp 261-273.
- Nikolaos, P., Antonakasa, N. K., Ioannis, S. (2014). **“Human source Management's role in the public sector and the level of corruption: The case of Greek Tax Administration.”** Procardia- Social and Behavioral Sciences, Vol.148, pp. 455 – 462.
- Torgler, B. (2015). **“Tax morale and tax evasion: evidence from the United States.”** WZD-discussion Paper 03/01, WWZ, Basel.

شناسایی و رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر مشارکت در فعالیت های خیریه از سوی خیرین ورزش یار

ابراهیم دلداری^۱

قدرت الله باقری راغب^۲

آزیتا شهپر توفیق^۳

 10.22034/SSYS.2022.769.1525

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۲/۱۴

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۴/۵

مشارکت در فعالیت های خیرخواهانه، از جمله امور پسندیده ای است که همه بزرگان دینی بر آن تأکید دارند. یکی از جنبه‌های مشارکت در فعالیت های خیرخواهانه، ورزش می‌باشد. لذا هدف از پژوهش حاضر شناسایی و رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر مشارکت در فعالیت های خیریه از سوی خیرین ورزش یار می‌باشد. روش تحقیق حاضر آمیخته بود. جامعه آماری تحقیق حاضر شامل خیرین ورزش یار بودند که به موضوع تحقیق حاضر اشراف کامل داشتند. بر اساس انتخاب هدفمند، تعداد ۱۸ نفر به عنوان نمونه تحقیق مشخص گردیدند. با مطالعه مبانی نظری و نظرات خبرگان، مؤلفه‌های اولیه استخراج گردید. تعداد ۷ عامل مؤثر بر مشارکت در فعالیت های خیریه از سوی خیرین ورزش یار شامل باورهای مذهبی، علاقه به ورزش، کسب پایگاه اجتماعی، بنای یادبود برای گذشتگان، عدالت خواهی، تعهد اجتماعی و درخواست های شخصی شناسایی و

۱- دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

E-mail: Deldar.ebrahim@ut.ac.ir

۲- دانشیار، مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

۳- دکترای مدیریت ورزشی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران

نهایی گردید. کلیه روند تجزیه و تحلیل داده های تحقیق با استفاده از نرم افزار Electre SoLver (روش الکتره) انجام گردید. نتایج نشان داده است که باورهای مذهبی با چیرگی ۶، مهمترین عامل و درخواست های شخصی با چیرگی صفر، کم اهمیت ترین عامل مؤثر بر مشارکت در فعالیت های خیریه از سوی خیرین ورزش یار می باشد. بنابراین پیشنهاد می شود مدیران ذیربط، با بهره گیری از عوامل استخراج شده، افراد مستعد در امر مشارکت در فعالیت های خیریه را شناسایی و انگیزه کافی را در آنها برای مشارکت ایجاد نمایند.

واژگان کلیدی: نظریه سه شاخگی، باورهای مذهبی، عدالت اجتماعی، پایگاه اجتماعی و وقف.

مقدمه

هر جامعه‌ای متناسب با نظام فرهنگی خود، نوع ویژه‌ای از مشارکت مردمی را داراست. بر این مبنا در جامعه‌ی ایران، غالب اشکال مشارکت‌های مردم در بافت ساختار ارزش‌های مذهبی صورت گرفته است و اصیل‌ترین احساسات، عواطف و خواست‌های ایرانیان ریشه در باورها و ارزش‌های مذهبی دارد (مسجد جامع، ۱۳۷۷: ۸). مشارکت و یاری‌گری در فرهنگ ایرانی و اسلامی با تأکید بر جنبه‌های روانی و معنوی و رشد شخصیت باعث پیدایش و آفرینش دانش و آگاهی شده است و در از بین بردن دشواری‌ها و گشودن مرزهای بسته به راه‌های تازه کمک می‌نماید (آغاز، ۱۳۸۱: ۲۲۸).

با نگاهی گذرا به منابع اسلامی درمی‌یابیم، اعمالی که از نظر اسلام نیک شمرده شده‌اند، اعمالی هستند که خیرخواهی و دیگرخواهی در آن بروز و ظهور دارد و به نوعی منفعت دیگران در آن نهفته است (گنجی و همکاران، ۱۳۹۴: ۹۰۸). قرآن کریم در باب گذرا بودن زندگی این جهانی، رفتار مسئولانه‌ی انسان مسلمان در آباد ساختن دنیا و به سامان آوردن بی‌نظمی‌ها و کاستی‌ها و زندگی جاودان در جهان آتی می‌فرماید: انسان‌های نیکوکار که دل‌ها (و یا به عبارتی همان عقل‌ها و اندیشه‌هایشان) را از بدی‌ها حفظ می‌کنند، (متقین یا) پرهیزگاران هستند و در معرفی پرهیزگاران این گونه می‌فرماید: «آن کسانی که به غیب ایمان دارند و نماز به پای می‌دارند و از هرچه روزی ایشان کردیم (به فقیران و درماندگان) انفاق می‌نمایند (سوره بقره، آیه ۳). بنابراین، کوشش برای رفع گرفتاری‌ها و مصائب دیگران نه تنها وظیفه‌ی هر فردی است، بلکه از بهترین و عالی‌ترین لذت‌های حیات به شمار می‌آید. می‌توان عنوان نمود، مشارکت در امور خیریه و وقف عبارت است از: شرکت آگاهانه، داوطلبانه و مؤثر مردم در امور خیریه‌ی روستا، شهر و یا کشور خود به منظور رفع نیازهای سایر افراد یا رفع کاستی‌های موجود جامعه (گنجی و همکاران، ۱۳۹۴: ۹۰۹).

شواهد نظری و تجربی نشان می‌دهند، کنش‌های خیرخواهانه‌ی انسان‌ها تا حدود زیادی ریشه در باورها و اعتقادات شهروندان دارد و باورهای فرهنگی و اجتماعی در گرایش‌های نوع‌دوستی و رفتارهای داوطلبانه و نیکوکارانه‌ی شهروندان مؤثر است. برگر^۱ (۲۰۰۶) معتقد است که شهروندان با اعتقادات مذهبی قوی در مقایسه با سایرین، مشارکت بیشتری در فعالیت‌های خیریه و کمک به قشرهای آسیب‌پذیر و نیازمند داشته‌اند. همچنین وانگ و گراد^۲ (۲۰۰۸) بر این باورند که باورهای مذهبی از عوامل تعیین‌کننده‌ی کنش‌های داوطلبانه و افزایش کمک‌های خیریه و بشردوستانه است. شهروندان معتقد به باورهای مذهبی تمایل بیشتری دارند تا کمک‌های خیریه‌شان را در اختیار قشرهای آسیب‌پذیر و معلولان قرار دهند (وانگ و گراد^۳، ۲۰۰۸).

کمک به سایرین در کشورهای مختلف به صورت‌های گوناگونی انجام می‌شود. برای مثال در آمریکا بیش از ۷ درصد از کمک‌های مردمی به واسطه اعمال قوانین و مقررات صورت گرفته است. این رقم در انگلستان بیش از ۲۰ درصد است (سندرز و اسمیت^۳، ۲۰۱۴: ۳). در صورتی که

1. Berger
2. Wang & Graddy
3. Sanders & Smith

در کشور ما قوانین اجباری برای اعطای خیریه وجود ندارد و تمامی کمک‌هایی که صورت می‌گیرد از سوی خیرین، همگی داوطلبانه، هر چند به نیت گوناگون می‌باشد.

به صورت کلی عوامل بسیاری بر چرایی خیرینی که به نهادهای خیریه کمک می‌کنند، تأثیرگذار است. جهانیان (۱۳۹۶) در پژوهشی، انگیزه واقفان را اینگونه بیان می‌کند: واقفان، چهار نوع انگیزه می‌توانند داشته باشند: قرب الهی خالص و متعالی، محبت گرم، نوع دوستی و شهرت و جاه‌طلبی (جهانیان، ۱۳۹۶). یادگاری و نائینی (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «بررسی عوامل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مؤثر بر مشارکت حامیان در طرح اکرام ایتمام کمیته امداد امام خمینی (ره) شهر اصفهان»، دریافتند که ۶۵ درصد از حامیان طرح اکرام ایتمام میزان مشارکت بالایی در طرح اکرام ایتمام داشته‌اند. یافته‌های تحقیق مشخص نمود که بین میزان مشارکت حامیان از یک سو و اعتماد اجتماعی، پایگاه اجتماعی، انگیزه، باورها و اعتقادات مذهبی، سن، و تحصیلات حامیان از سوی دیگر رابطه معناداری وجود داشته اما رابطه معنی داری بین متغیر درآمد و شغل حامیان با میزان مشارکت ایشان یافت نگردید. همچنین نتایج حاصل از رگرسیون چندگانه به شیوه گام به گام نشان داد که متغیرهای باورها و اعتقادات مذهبی، اعتماد اجتماعی، انگیزه حامیان و عملکرد کمیته امداد امام خمینی (ره) حدود ۶۵ درصد از میزان مشارکت حامیان در طرح اکرام ایتمام را تبیین می‌کند (یادگاری و نائینی، ۱۳۹۵). گنجی و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «مشارکت در امور خیریه و وقف، پیش درآمدی بر توسعه‌ی پایدار»، دریافتند که ارتباط معنی‌داری بین متغیرهای دین‌داری، عدالت‌خواهی، انسجام اجتماعی، اعتماد اجتماعی، تعلق و تعهد اجتماعی با مشارکت مردم در نیکوکاری و به طور خاص وقف نیز بیشتر می‌شود. متغیر عدالت‌خواهی بیشترین نقش را در تبیین نیکوکاری دارد (گنجی و همکاران، ۱۳۹۴). باغبانی و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی به بررسی عوامل مؤثر بر تمایل رفتاری مردم مشهد نسبت به سنت وقف پرداختند و دریافتند که سه عامل نگرش کلی، هنجار ذهنی و کنترل رفتاری ادراک شده‌ی شهروندان، به طور معنی‌داری با تمایل رفتاری‌شان نسبت به سنت حسنه وقف در ارتباط می‌باشد (باغبانی و همکاران، ۱۳۹۴).

به صورت کلی، عوامل اقتصادی و غیراقتصادی بسیاری بر نیت خیرین تأثیرگذار است (سندرز و اسمیت، ۲۰۱۴: ۶). در پژوهش‌هایی که انجام شده است، فرار از مالیات بر ارث (باکیجا^۱ و همکاران، ۲۰۰۳: ۳۶۶)، به عنوان یکی از عوامل اقتصادی کمک خیرین در نظر گرفته شده است. از سوی دیگر، بر خلاف عوامل اقتصادی (مادی)، عوامل دیگری نیز بر این امر تأثیرگذار بوده است. تحقیقات اخیر نشان داده‌اند که فشار اجتماعی (دلایوینگنا^۲ و همکاران، ۲۰۱۲: ۱۰)، هنجارهای اجتماعی (شانگ و کراسون^۳، ۲۰۰۹، اسمیت^۴ و همکاران، ۲۰۱۴)، درخواست‌های شخصی (میر و روزن^۵، ۲۰۱۱، اسپچارف و اسمیت^۶، ۲۰۱۴)، درجه تبلیغات (سوتونت^۷، ۲۰۰۵،

1. Bakija
2. DellaVigna
3. Shang & Croson
4. Smith
5. Meer & Rosen
6. Scharf & Smith
7. Soetevent

آلپزار^۱، (۲۰۰۸) و به رسمیت شناختن (کارلن و مک‌کنل^۲، ۲۰۱۴: ۴۰۳) از عوامل تأثیرگذار غیرمادی بر انگیزه خیرین در اعطای خیریه بوده است. اما به صورت کلی، عوامل غیرمادی تأثیر بیشتری داشته‌اند (سندرز و اسمیت، ۲۰۱۴: ۷). کیو و استنبرگ^۳ (۲۰۱۷) نیز در پژوهش خود، به بررسی دلایل و چرایی اعطای خیریه از سوی خیرین پرداختند. ایشان دریافتند که عواملی نظیر هویت اجتماعی، انگیزه شهرت و استنتاج کیفیت^۴، از عوامل اثرگذار بر دلایل و چرایی اعطای خیریه از سوی خیرین بوده است. همچنین ایشان در پژوهش خود دریافتند که تفاوت معنی‌داری بین انگیزه‌های زنان و مردان وجود نداشت (کیو و استنبرگ، ۲۰۱۷). ایبلینگ^۵ و همکاران (۲۰۱۷) در پژوهش خود دریافتند که تصویری که درخواست‌کنندگان خیریه (مروجین خیریه) از خود نشان می‌دهند، تأثیر مثبتی بر اقدام به خیریه از سوی دیگران دارد. برای مثال در صورتی که فردی که تبلیغ کمک به مؤسسه‌های خیریه را انجام می‌داد، از جایگاه اجتماعی خوبی برخوردار بود، دیگران بیشتر ترغیب می‌شدند که در امور خیر شرکت کنند. البته این امر در زنان بیشتر صدق می‌کرد (ایبلینگ و همکاران، ۲۰۱۷).

اما خیرین در بخش‌های گوناگونی مشغول فعالیت‌اند، همچون حوزه‌های سلامت، مذهب، کشاورزی، تحصیلی و ورزشی، چه در قالب وقف و چه در قالب کمک خیریه. در کشور فرانسه، بخشی از امور مربوط به خیریه و وقف، در حوزه ورزش که از زیر مجموعه‌های حوزه سلامت است، اختصاص داده می‌شود (دفتر نوسازی و تحول معاونت توسعه و پشتیبانی سازمان اوقاف و امور خیریه، ۱۳۹۶: ۵۲). در ایران نیز، خیرین در حوزه ورزش، مدت زمان کوتاهی است که اقدام به فعالیت نموده‌اند. حضور خیرین در حوزه ورزش و کمک به پیشبرد پروژه‌های ورزشی، می‌تواند اثرات بسیاری بر پیشرفت کشور در حوزه ورزش باشد. پژوهش‌های گوناگونی نیز در حوزه خیری در ورزش انجام شده است که از زوایای گوناگون به آن پرداخته‌اند. از جمله، افروزه و همکاران (۱۳۹۶) که در پژوهش خود به شناسایی عوامل مؤثر بر جذب خیران و واقفان در ورزش پرداختند و دریافتند که مؤلفه اخلاق‌گرایی با سه مقوله احترام، مسئولیت اجتماعی و سرمایه اجتماعی، مؤلفه فرهنگ‌سازی با دو مقوله تعریف‌سازی و شرعی‌نگری، مؤلفه حقوقی با سه مقوله اقلیت‌سازی، شفافیت و تسریع و مؤلفه آموزش با سه مقوله عمومی، تخصصی و سازمانی، می‌توانند بیشترین تأثیر را در جذب خیران و واقفان داشته باشند (افروزه و همکاران، ۱۳۹۶). همچنین حیدری‌فرد و شریفیان (۱۳۹۶) نیز در پژوهش خود با عنوان شناسایی و مقایسه موانع مشارکت خیرین در توسعه فضاهای ورزشی، دریافتند که مانع قانونی اجرایی، اعتقادی، فرهنگی اجتماعی و مانع مربوط به خود ورزش، به ترتیب از موانع مشارکت خیرین در توسعه فضاهای ورزشی می‌باشند (حیدری‌فرد و شریفیان، ۱۳۹۶).

همانگونه که بیان شد، حضور خیرین در پروژه‌های ورزشی، چند سالی است که رشد داشته است، طبق آمارها، در چند سال گذشته میزان کمک خیرین در پروژه‌های ناتمام ورزشی کشور، در

1. Alpizar
2. Karlan & Mc Connell
3. Qu & Steinberg
4. Quality inference
5. Ebeling

بیش از ۳۳۵ پروژه بوده است که بیش از یک میلیون متر مربع فضا را شامل می‌شود و همچنین به صورت کلی مبلغ ۴۰۰ میلیارد تومان به صورت نقدی و غیرنقدی، در این بخش هزینه شده است. با این وجود هنوز پروژه‌های ناتمام زیادی وجود دارد که دولت با تشکیل مجمع خیرین ورزش یار در بدنه وزارت ورزش و جوانان و در اکثر استان‌های کشور (۲۵ استان)، قصد در ورود خیرین به صورت نظام‌مند و ساختار یافته در حوزه ورزش دارد (ایرنا، ۱۳۹۵). از سوی دیگر در پژوهش‌های زیادی مشارکت نوجوانان و جوانان در فعالیت‌های ورزشی را به عنوان راه‌حلی برای کاهش بزهکاری‌های اجتماعی (علی‌وردی‌نیا و آرمان مهر، ۱۳۸۷) و همچنین بهبود سلامت روانی (سلمان، ۱۳۹۳) و جسمی (حبیبی و همکاران، ۱۳۹۷) بیان نموده‌اند، ولی با توجه به کمبود امکانات ورزشی، بسیاری از افراد امکان حضور در فعالیت‌های ورزشی را ندارند (ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۵). بنابراین حضور فعال خیرین در امر ورزش، می‌تواند شرایط مشارکت همه آحاد جامعه را در فعالیت‌های ورزشی مهیا نماید.

اما به راستی به چه علت، این افراد در پروژه‌های ورزشی (چه به صورت نقدی و غیرنقدی) حضور دارند؟ سؤالی که مطرح شد، خود عاملی گردید تا پژوهشی با عنوان «شناسایی و رتبه‌بندی عوامل مؤثر مشارکت در فعالیت‌های خیریه از سوی خیرین ورزش یار»، انجام شود تا بدین طریق از نیات و انگیزه‌های حضور خیرین در حوزه ورزش آگاهی یافته و بتوان با شناسایی دلایل و چرایی این امر، راه‌های ایجاد انگیزه برای حضور بیشتر خیرین در این حوزه را مشخص نمود که خود عاملی برای تقویت حضور بیشتر خیرین در این حوزه گردد.

روش شناسایی پژوهش

تحقیق حاضر از نوع، تحقیقات آمیخته (کیفی-کمی) می‌باشد که به صورت میدانی انجام گردید. جامعه آماری تحقیق حاضر شامل خیرین ورزش یار بودند که به موضوع تحقیق حاضر اشراف کامل داشتند که متاسفانه اطلاعات دقیقی از تعداد آنان در دسترس نبود. بر اساس روش انتخاب گلوله برفی، تعداد ۱۸ نفر به عنوان نمونه تحقیق مشخص گردیدند. بدین ترتیب ضمن شناسایی برخی خیرین ورزش یار که در خصوص موضوع تحقیق اشراف داشتند، دعوت به همکاری با تحقیق حاضر شد. سپس از آنان در خصوص سایر خیرین ورزش یار که به موضوع تحقیق اشراف داشته باشند، سوال گردید و سایر افراد آگاه به موضوع تحقیق از سوی نمونه‌های تحقیق معرفی و مشخص گردید. با توجه به همانگی‌های انجام شده با نمونه‌های تحقیق در بخش‌های کیفی و کمی تحقیق از این نمونه‌ها جهت گردآوری اطلاعات استفاده گردید. در پژوهش حاضر، به منظور طراحی چارچوب مفهومی تحقیق از نظریه سه شاخگی کمک گرفته شد. مدل سه شاخگی شامل ساختار، محتوا و زمینه که در طبقه‌بندی مدل‌ها از نوع مدل‌های منطقی است؛ همه مفاهیم و رویدادها و پدیده‌های سازمانی را می‌تواند در قالب سه شاخه ساختار، محتوا یا رفتار، و زمینه مورد بررسی، مطالعه و مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد. به عبارتی، با معیار سه شاخگی و بر مبنای ویژگی هر معیار، مولفه‌ها و متغیرهای کارساز در تجاری‌سازی یافته‌های پژوهشی قابل طبقه‌بندی است که به اختصار ابعاد آن مرور می‌گردد. منظور از شاخه ساختار، همه عناصر، عوامل و شرایط فیزیکی و غیر انسانی سازمان است که با نظم و قاعده قابل مطالعه، قالب، پوسته، بدنه و یا شمای فیزیکی و مادی سازمان را می‌سازند؛ نظیر تمام منابع مادی، مالی و اطلاعاتی که وقتی با ترکیب خاصی در بدنه کلی اعطای خیریه جاری می‌شوند. شاخه رفتاری (محتوا)، شامل مباحث انسان و روابط انسانی

مربوط به اعطای خیریه است که با هنجارهای رفتاری، ارتباطات و الگوهای خاصی به هم پیوسته اند و محتوای اصلی و زنده محیط درونی اعطای خیریه را تشکیل می‌دهند. منظور از شاخه زمینه، تمام شرایط و عوامل محیطی است که بر اعطای خیریه محاط بوده، بستر مهم رشد و توسعه اعطای خیریه را تشکیل می‌دهند. در این تحقیق سه شاخه شامل عوامل ساختاری شامل سیستم مدیریت، شبکه سازی، پیوندهای استراتژیک و منابع اطلاعاتی می باشد. همچنین عوامل رفتاری شامل انگیزه های فردی، توانمندی های انسانی و انعطاف پذیری می باشد. همچنین عوامل زمینه ای شامل زیرساخت های نرم افزاری، عوامل محیطی، عوامل قانونی و عوامل سیاسی می باشد. پرسشنامه تحقیق حاضر، شامل پرسشنامه محقق ساخته بود. این پرسشنامه خروجی بخش کیفی تحقیق بود که به صورت ماتریس عوامل موثر بر مشارکت در فعالیت های خیریه از سوی خیرین ورزش یار در ساختار، محتوا و زمینه و بر اساس روش الکترون طراحی گردیده بود. به منظور طراحی این پرسشنامه، از مصاحبه های نیمه ساختارمند استفاده گردید. بدین منظور تمامی نمونه های تحقیق (۱۸ نفر) در بخش کیفی مورد استفاده و مصاحبه ها از آنان انجام گردید و در نهایت عوامل شناسایی شده در این بخش، در قالب پرسشنامه طراحی گردید. در این تحقیق در نهایت تعداد ۷ عامل موثر بر مشارکت در فعالیت های خیریه از سوی خیرین ورزش یار شامل باورهای مذهبی، علاقه به ورزش، کسب پایگاه اجتماعی، بنای یادبود برای گذشتگان، عدالت خواهی، تعهد اجتماعی و درخواست های شخصی شناسایی و نهایی گردید. به منظور رتبه بندی عوامل از روش الکترون استفاده گردید. کلیه روند تجزیه و تحلیل داده های تحقیق با استفاده از نرم افزار Electre SoLver انجام گردید.

یافته های پژوهش

جدول ۱، نتایج توصیفی یافته های تحقیق را نشان می دهد:

جدول ۱: یافته های توصیفی تحقیق

متغیرها	فراوانی	درصد
سن	زیر ۳۰ سال	۱۱/۱
	۳۰-۴۰ سال	۲۷/۸
	۴۰-۵۰ سال	۳۳/۳
	بالتر از ۵۰ سال	۲۴/۸
جنسیت	مرد	۷۷/۸
	زن	۲۲/۲
سطح تحصیلات	کارشناسی و پایین تر	۵۰
	کارشناسی ارشد	۳۸/۹
	دکتری	۱۱/۱

مطابق با نتایج توصیفی تحقیق، مشخص گردید که در تحقیق حاضر رده سنی ۴۰-۵۰ سال با ۳۳/۳ درصد بیشترین فراوانی را دارا می باشد. همچنین نتایج توصیفی تحقیق مشخص نمود که مردان در تحقیق حاضر ۷۷/۸ درصد و زنان ۲۲/۲ درصد فراوانی بودند. همچنین نتایج تحقیق حاضر مشخص نمود که افراد با مدرک کارشناسی و پایین تر با ۵۰ درصد بیشترین فراوانی را دارا بودند. در این تحقیق پس از بررسی های انجام شده تعداد ۷ عامل موثر بر مشارکت در فعالیت های خیریه از سوی خیرین ورزش یار شامل باورهای مذهبی، علاقه به ورزش، کسب پایگاه اجتماعی، بنای یادبود برای گذشتگان، عدالت خواهی، تعهد اجتماعی و درخواست های شخصی شناسایی و

نهایی گردید. به منظور رتبه بندی این عوامل از روش الکترو استفاده گردید. این روش دارای ۹ گام می باشد که در ادامه گام به گام تحلیل های مربوط به این روش آورده شده است.

گام اول: ایجاد ماتریس تصمیم گیری

جدول ۲: ایجاد ماتریس تصمیم گیری

ماتریس	زمینه	محتوا	ساختار
تعهد اجتماعی	۴	۲	۴
باورهای مذهبی	۶	۹	۸
علاقه به ورزش	۵	۷	۷
عدالت خواهی	۲	۸	۳
کسب پایگاه اجتماعی	۳	۷	۴
درخواست های شخصی	۱	۷	۲
بنای یادبود برای گذشتگان	۳	۸	۳
نوع شاخص	مثبت	مثبت	مثبت
وزن شاخص	۰/۳۷۱۱۵۵	۰/۲۱۶۲۷۲	۰/۴۱۲۵۷۳

در این گام، نمونه های تحقیق نظرات خود را در خصوص هر یک از عوامل در دسته زمینه، محتوا و ساختار را بر حسب اهمیت بسیار زیاد (امتیاز ۹) تا کاملاً اهمیت بسیار کم (امتیاز ۱) را ارائه نمودند و سپس میانگین نظرات تمامی نمونه ها، مشخص و عدد میانگین که خروجی نظرات تمامی نمونه ها می باشد، مشخص گردید.

گام دوم: نرمال سازی یا بی مقیاس کردن ماتریس

جدول ۳: وزن دهی به ماتریس نرمال شده

ماتریس بی مقیاس	زمینه	محتوا	ساختار
تعهد اجتماعی	۰/۳۰۹۵۲۹۲۹	۰/۱۰۵۴۰۹۲۶	۰/۴
باورهای مذهبی	۰/۶۱۹۰۵۸۵۹	۰/۴۷۴۳۴۱۶۵	۰/۶
علاقه به ورزش	۰/۵۴۱۶۷۶۲۶	۰/۳۶۸۹۳۲۳۹	۰/۵
عدالت خواهی	۰/۲۳۲۱۴۶۹۷	۰/۴۲۱۶۳۷۰۲	۰/۲
کسب پایگاه اجتماعی	۰/۳۰۹۵۲۹۲۹	۰/۳۶۸۹۳۲۳۹	۰/۳
درخواست های شخصی	۰/۱۵۴۷۶۴۶۵	۰/۳۶۸۹۳۲۳۹	۰/۱
بنای یادبود برای گذشتگان	۰/۲۳۲۱۴۶۹۷	۰/۴۲۱۶۳۷۰۲	۰/۳

در این گام اعداد خام موجود در ماتریس اولیه جهت تجزیه و تحلیل می بایستی از اعداد خام به صورت اعداد نرمال شده تبدیل گردد. بدین منظور با استفاده از فرمول بی مقیاس سازی فازی اعداد ماتریس اولیه نرمال گردید.

گام سوم: وزن دهی به ماتریس نرمال شده

در این گام اعداد بدست آمده در گام دوم (جدول ۳) در وزن شاخص ها در جدول شماره ۲ ضرب گردید و به عبارتی با استفاده از این عمل، اعداد جدول وزن دهی شدند.

گام چهارم: تشکیل مجموعه هماهنگی

در این گام، بر حسب وزن ها بدست آمده، به مقایسه دو به دو وزن ها پرداخته شد و بر حسب برتری داشتن هر یک وزن ها به وزن دیگر، در دسته هماهنگی و یا ناهماهنگی مشخص می گردند. سپس قدر مطلق تفاوت بین تمامی شاخص ها محاسبه گردید و در نهایت مجموعه هماهنگی مشخص گردید.

جدول ۴: تشکیل مجموعه هماهنگی

بنای یادبود برای گذشتگان	درخواست های شخصی	کسب پایگاه اجتماعی	عدالت خواهی	علاقه به ورزش	باورهای مذهبی	تعهد اجتماعی	ماتریس هماهنگی
۰/۷۸	۰/۷۸	۰/۷۸	۰/۷۸	۰	۰	-	تعهد اجتماعی
۱	۱	۱	۱	۱	-	۰	باورهای مذهبی
۰/۷۸	۱	۱	۰/۷۸	-	۰	۱	علاقه به ورزش
۰/۵۸	۱	۰/۲۱	-	۰/۲۱	۰	۰/۲۱	عدالت خواهی
۰/۷۸	۱	-	۰/۷۸	۰/۲۱	۰	۰/۵۸	کسب پایگاه اجتماعی
۰	-	۰/۲۱	۰	۰/۲۱	۰	۰/۲۱	درخواست های شخصی
-	۱	۰/۶۲	۱	۰/۲۱	۰	۰/۲۱	بنای یادبود برای گذشتگان

در این گام، بر حسب وزن ها بدست آمده، به مقایسه دو به دو وزن ها پرداخته شد و بر حسب برتری داشتن هر یک وزن ها به وزن دیگر، در دسته هماهنگی و یا ناهماهنگی مشخص می گردند. سپس قدر مطلق تفاوت بین تمامی شاخص ها محاسبه گردید و در نهایت مجموعه هماهنگی مشخص گردید.

گام پنجم: تشکیل مجموعه ناهماهنگی

جدول ۵: تشکیل مجموعه ناهماهنگی

بنای یادبود برای گذشتگان	درخواست های شخصی	کسب پایگاه اجتماعی	عدالت خواهی	علاقه به ورزش	باورهای مذهبی	تعهد اجتماعی	ماتریس ناهماهنگی
۱	۰/۴۶	۱	۰/۸۲	۱	۱	-	تعهد اجتماعی
۰	۰	۰	۰	۰	-	۰	باورهای مذهبی
۰/۰۹	۰	۰	۰/۹	-	۱	۰	علاقه به ورزش
۱	۰	۱	-	۱	۱	۱	عدالت خواهی
۰/۳۹	۰	-	۰/۲۷	۱	۱	۰/۷۲	کسب پایگاه اجتماعی
۱	-	۱	۱	۱	۱	۱	درخواست های شخصی
-	۰	۱	۰	۱	۱	۰/۶۰	بنای یادبود برای گذشتگان

در این گام، بر حسب وزن ها بدست آمده، به مقایسه دو به دو وزن ها پرداخته شد و بر حسب برتری داشتن هر یک وزن ها به وزن دیگر، در دسته هماهنگی و یا ناهماهنگی مشخص می‌گردند. سپس قدر مطلق تفاوت بین تمامی شاخص ها محاسبه گردید و در نهایت مجموعه ناهماهنگی مشخص گردید.

گام ششم: تشکیل ماتریس بولینی هماهنگی

در این گام ماتریس بولینی هماهنگی را تشکیل گردید. بدین صورت مقادیر ماتریس های هماهنگی که از میانگین بیشتر بود، ارزش عددی ایجاد شده صفر را گرفت و مقادیر ماتریس های هماهنگی که از میانگین کمتر بود، ارزش عددی ایجاد شده یک را گرفت.

گام هفتم: تشکیل ماتریس بولینی ناهماهنگی

در این گام ماتریس بولینی ناهماهنگی را تشکیل گردید. بدین صورت مقادیر ماتریس های ناهماهنگی که از میانگین بیشتر بود، ارزش عددی ایجاد شده صفر را گرفت و مقادیر ماتریس های هماهنگی که از میانگین کمتر بود، ارزش عددی ایجاد شده یک را گرفت.

گام هشتم و نهم: تشکیل ماتریس چیرگی نهایی و محاسبه تعداد چیرگی

جدول ۶: تشکیل ماتریس چیرگی نهایی و محاسبه تعداد چیرگی

ماتریس چیرگی	تعهد اجتماعی	باورهای مذهبی	علاقه به ورزش	عدالت خواهی	کسب پایگاه اجتماعی	درخواست های شخصی	یادبود برای گذشتگان	تعداد چیرگی
تعهد اجتماعی	-	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۱
باورهای مذهبی	۱	-	۱	۱	۱	۱	۱	۶
علاقه به ورزش	۱	۰	-	۱	۱	۱	۱	۵
عدالت خواهی	۰	۰	۰	-	۰	۱	۰	۱
کسب پایگاه اجتماعی	۰	۰	۰	۱	-	۱	۱	۳
درخواست های شخصی	۰	۰	۰	۰	۰	-	۰	۰
بنای یادبود برای گذشتگان	۰	۰	۰	۱	۰	۱	-	۲

با توجه به نتایج روش الکترون مشخص گردیده که باورهای مذهبی با چیرگی ۶، مهمترین عامل مؤثر بر مشارکت در فعالیت های خیریه از سوی خیرین ورزش یار می باشد. نتایج این آزمون همچنین نشان داد که درخواست های شخصی با چیرگی صفر، کم اهمیت ترین عامل مؤثر بر مشارکت در فعالیت های خیریه از سوی خیرین ورزش یار می باشد.

بحث و نتیجه گیری

هدف از انجام پژوهش حاضر، شناسایی و رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر مشارکت در فعالیت های خیریه از سوی خیرین ورزش یار بود. مشارکت در امور خیریه و وقف، به معنای مشارکت در امور شهر و یا کشور خود برای رفع کاستی های موجود می باشد و از آنجا که مشارکت در امور خیریه و وقف، تابعی از عوامل متعدد فرهنگی-اجتماعی است، در واقع اعطای خیریه و وقف که از آن

در تمامی کتب اسلامی، به نیکی یاد می‌شود، اثرات اقتصادی - اجتماعی بسیاری برای جامعه مورد وقف دارد (داروس^۱ و همکاران، ۲۰۱۷: ۹۶۱). رملی و محمد^۲ (۲۰۱۳) نیز در پژوهش خود عنوان نمودند که اعطای خیریه و وقف، باعث کاهش سطح فقر در جامعه می‌شود. از این‌رو در این پژوهش به بررسی عوامل مؤثر بر خیریه از سوی خیرین ورزش یار پرداخته شد و نتایج نشان داد که هفت عامل تعهد اجتماعی، باورهای مذهبی، علاقه به ورزش، عدالت خواهی، کسب پایگاه اجتماعی، درخواست های شخصی و بنای یادبود برای گذشتگان، از عوامل مؤثر بر مشارکت در فعالیت های خیریه از سوی خیرین ورزش یار می‌باشد.

نتایج تحقیق نشان داده است که یکی از عوامل اثرگذار بر مشارکت در فعالیت های خیریه خیرین ورزش یار، تعهد اجتماعی می باشد. بنابراین در این بخش پیشنهاد می‌گردد که سازمان‌های متولی امر خیریه و وقف در کشور، با برنامه‌ریزی‌ها و آموزش‌های مناسب، سعی در افزایش تعهد اجتماعی در آحاد جامعه و به خصوص مستعدین در امر خیریه ورزشی گردند. تعاریف منسجمی در خصوص تعهد اجتماعی در ادبیات پژوهش مشاهده نگردید، با این وجود باقری و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهش خود به بیان تعریف جامعی از تعهد اجتماعی پرداخته است: در واقع تعهد عبارت است از موضعی که شخص را به انجام و یا ترک عمل، نسبت به امری، ملتزم کند. حال زمانی که این موضع نسبت به اموری از جنس عناصر فرهنگ و یا منافع اشخاص، گروه‌ها، سازمان‌ها، جامعه، ادیان و مانند آن‌ها باشد، تعهد اجتماعی است. گنجی و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهش خود به بررسی نقش تعهد اجتماعی بر اعطای خیریه و وقف پرداخته بودند. افزایش و بهبود همدلی بین افراد جامعه و نهایتاً افزایش اعتماد اجتماعی منجر به افزایش تعهد اجتماعی می‌گردد و تعهد اجتماعی که از زیرمجموعه‌های سرمایه اجتماعی می‌باشد، باعث مشارکت حداکثری در اعطای خیریه و وقف از سوی واقفان می‌گردد. بنابراین نتایج در این بخش با نتایج گنجی و همکاران (۱۳۹۴) همراستا می‌باشد.

از عوامل مؤثر دیگر، باورهای مذهبی واقفان و خیران ورزش یار در اعطای خیریه و وقف می‌باشد. بنابراین در این بخش پیشنهاد می‌گردد که با آموزش‌های لازم از سوی سازمان‌های متولی امر آموزش (آموزش و پرورش، نهادهای مذهبی)، از سنین کودکی داده شود تا در بزرگسالی، از یکی از ثمرات آموزش‌ها که همان وقف می‌باشد، بهره گرفته شود. جهانیان (۱۳۹۶) در پژوهش خود عنوان نمود که از عوامل مؤثر بر اعطای خیریه، اعتقادات مذهبی (قرب الهی) می‌باشد. الهی‌زاده و همکاران (۱۳۹۴)، در پژوهش خود، باورهای دینی و مذهبی را از عوامل اصلی اعطای خیریه و وقف عنوان نمودند. همچنین عبدالله نادوی^۳ و همکاران (۲۰۱۵) در پژوهشی به اهداف اعطای خیریه پرداخته‌اند و دریافتند که اعطای خیریه و وقف از سوی خیرین، دو هدف مهم را دارد، یکی اثرات اخروی آن و دیگری اثرات اقتصادی - اجتماعی آن (عبدالله نادوی و همکاران، ۲۰۱۵). گنجی و همکاران (۱۳۹۴) نیز، دین‌داری را از عوامل مؤثر بر وقف می‌داند. همچنین مطالعه‌ای توسط برگر^۴ (۲۰۰۶)، انجام شد و دریافت که باورها و تعلقات مذهبی در گسترش

1. Darus
2. Ramli & Muhamed
3. Abdullah Nadwi
4. Berger

خیریه و فعالیت‌های داوطلبانه تأثیرگذار است. وانگ و گرادی^۱ (۲۰۰۸) بر این باورند که باورهای مذهبی از عوامل تعیین‌کننده‌ی کنش‌های داوطلبانه و افزایش کمک‌های خیریه و بشردوستانه است. بنابراین نتایج پژوهش در این بخش، با نتایج پژوهش‌های جهانیان (۱۳۹۶)، گنجی و همکاران (۱۳۹۴)، الهی‌زاده و همکاران (۱۳۹۴)، عبدالله نادوی^۲ و همکاران (۲۰۱۵)، وانگ و گرادی^۳ (۲۰۰۸) و برگر^۴ (۲۰۰۶)، همخوان و همراستا می‌باشد و پژوهشی که نتایجش مغایر با نتایج پژوهش حاضر باشد، مشاهده نگردید.

نتایج تحقیق نشان داده است که یکی دیگر از عوامل اثرگذار بر مشارکت در فعالیت‌های خیریه خیرین ورزش یار، علاقه شخصی می‌باشد. بنابراین توصیه می‌شود که به افراد مستعد در امر خیریه، انگیزه‌های لازم برای مشارکت در فعالیت‌های خیرخواهانه ارائه گردد. این امر از طریق برگزاری گردهمایی‌هایی با حضور خیرین پیش‌تاز در امر ورزش می‌تواند صورت گیرد. ورزش با توجه به ساختار آن، علاقمندان بسیاری دارد. بسیاری از شرکت‌های بزرگ تجاری، اقدام به حمایت مالی از ورزش در قالب رشته‌های گوناگون نموده‌اند. هزینه‌کرد در ورزش، به خصوص در ایران، با توجه به آنکه بازگشت سرمایه چندانی ندارد، ولی از سوی مالکان شرکت‌های تجاری مورد حمایت قرار می‌گیرد. با مصاحبه‌ای که از این مالکان صورت می‌گیرد، مشخص می‌شود که یکی از علل حضور آن‌ها برای حمایت از ورزش، علاقه شخصی آن‌هاست. در حوزه اعطای خیریه و وقف نیز علاقه شخصی به ورزش، از عوامل دیگر است. در نهایت پژوهشی که به بررسی این متغیر پرداخته باشد، مشاهده نگردید.

از عوامل دیگر مؤثر بر مشارکت در فعالیت‌های خیریه، عدالت‌خواهی است. بنابراین پیشنهاد می‌گردد که مؤسسات آموزشی با ارائه آموزش‌های کافی، این روحیه را در افراد مستعد در امر خیریه، تقویت نمایند. وقف یکی از حسنات مؤکد و از باقیات و صالحات است که مورد تأکید آیین اسلام است. لذا ایجاد و بسط قسط و عدل، تعدیل ثروت‌های عمومی، کمک به در راه ماندگان و محرومین مادی و معنوی، یکی از شیوه‌های گسترش عدالت اجتماعی است (شکاری، ۱۳۹۱: ۵۷۲). امروزه برقراری عدالت اجتماعی و کاهش فواصل طبقاتی، رشد ثروت عمومی و تعدیل اقتصادی، رفاه همگانی و تعاون اجتماعی، جلوگیری از تکاثر ثروت در دست عده‌ای معدود، از طریق امور خیریه و وقف امکان‌پذیر است. افراد و واقفین تمایل دارند با شرکت در امور خیریه و وقف، درآمد را مجدداً در بین اعضای جامعه به نفع قشرهای کم‌درآمد توزیع کنند. این نیت از رهگذر تأثیر در دو زمینه، جامعه را به سمت توازن اجتماعی هدایت می‌کند. اثر درونی آن بر انسان خیر در کمک به تزکیه‌ی نفس و زدودن تعلقات مادی و روحیه‌ی مال‌اندوزی است و اثر بیرونی آن در کمک به کاهش فقر و محرومیت‌ها و جلوگیری از اختلافات شدید طبقاتی است که به طبع آن از طریق گسترش عدالت اجتماعی، اسباب تألیف قلوب انسان‌ها نسبت به یک دیگر را فراهم می‌کند (گنجی و همکاران، ۱۳۹۴: ۹۰۷). شکاری (۱۳۹۱) در پژوهش خود عنوان نمود که یکی از دستاوردهای وقف و اعطای خیریه، توسعه عدالت اجتماعی می‌باشد و گنجی و

-
- 1 Wang & Graddy
 2. Abdullah Nadwi
 3. Wang & Graddy
 4. Berger

همکاران (۱۳۹۴) در پژوهش خود دریافتند که هر چه عدالت اجتماعی در افراد بیشتر باشد، میزان مشارکت در فعالیت های خیرخواهانه در آنها بیشتر است. بنابراین نتایج پژوهش در این قسمت با نتایج پژوهش های شکاری (۱۳۹۱) و گنجی و همکاران (۱۳۹۴) همراستا می باشد.

کسب پایگاه اجتماعی از علل دیگر مشارکت در فعالیت های خیریه از سوی خیرین ورزش یار می باشد. بنابراین پیشنهاد می گردد که با بسط این موضوع که با مشارکت در فعالیت های خیریه، از پایگاه اجتماعی مناسبی برخوردار می شوند، می توان انگیزه های حضور خیرین مستعد در اعطای خیریه را افزایش داد. همچنین می توان با برگزاری نشست ها و گردهمایی های مناسب از خیرین در حوزه ورزش تقدیر نمود که همین امر منجر به ایجاد انگیزه در سایر افراد می گردد. نتایج پژوهش در این قسمت با نتایج پژوهش ایبلینگ و همکاران (۲۰۱۷) و یادگاری و نائینی (۱۳۹۵) همخوان و همراستا می باشد. با اعطای خیریه و وقف در ورزش، می توان پایگاه اجتماعی مناسبی کسب نمود. همچنین درخواست های شخصی نیز از عوامل مؤثر بر اعطای خیریه بود. بنابراین پیشنهاد می گردد که برای تشویق افراد مستعد در امر خیریه، از افراد برجسته و نامی خواسته شود تا دیگران را به مشارکت در فعالیت های خیریه تشویق نمایند. منظور از درخواست (یا دعوت) شخصی، دعوتی است که از سوی جمع آوری کننده خیریه و فردی که خیریه را اهدا می کند دارد. در این پژوهش مشخص شد که خیرین ورزش یار، به دلیل درخواست و دعوتی که از سوی افراد دیگر بوده، به سمت اعطای خیریه در ورزش هدایت شده اند. که نتایج این بخش با نتایج پژوهش های میر و روزن (۲۰۱۱) و اسچارف و اسمیت (۲۰۱۴) همخوان و همراستا می باشد. نهایتاً بنای یادبود برای گذشتگان نیز از عوامل مؤثر دیگر بوده است. پیشنهاد می شود که با ایجاد برنامه هایی (به خصوص برنامه های مذهبی)، به باقیات الصالحات بیشتر تأکید گردد تا همین امر منجر به مشارکت بیشتر خیرین در امر ورزش گردد. به خصوص زمانی که مکان ورزشی ساخته شده از سوی خیرین، با اسم خیر، نام گذاری گردد، این امر بیشتر نمود می یابد. پژوهشی که به بررسی این عامل بپردازد مشاهده نگردد.

در پژوهش انجام شده، مشخص گردید که عواملی همچون تعهد اجتماعی، باورهای مذهبی، علاقه به ورزش، عدالت خواهی، کسب پایگاه اجتماعی، درخواست های شخصی و بنای یادبود برای گذشتگان، از عوامل مؤثر بر مشارکت در فعالیت های خیریه از سوی خیرین ورزش یار می باشد. بنابراین به صورت کلی توصیه می گردد که متولیان امر آموزش، با ایجاد آموزش های مناسب (آموزش های مذهبی) از دوره کودکی، انگیزه های افراد برای مشارکت در خیریه را افزایش دهند. همچنین از خیرین ورزشی قدردانی و تجلیل گردد.

منابع

- سلمان، زهرا. (۱۳۹۳). «ارتباط بین ورزش و سلامت روان بانوان فرهنگی». روانشناسی تربیتی. ۳۳، صص ۸۷-۱۰۲.
- علی وردی نیا، اکبر و آرمان مهر، وجیهه. (۱۳۸۷). «فعالیت‌های ورزشی و بزهکاری: آزمون تجربی نظریه پیوند اجتماعی هیرشی». علوم حرکتی و ورزش. ۶(۱۲)، صص ۱۳۳-۱۴۱.
- حبیبی، عبدالحمید؛ ملکی، رزاد؛ رمی، محمد؛ قلاوند، اکبر؛ جهان بخش، حمیده؛ دهقان، مصطفی و عصاره، الهه. (۱۳۹۷). «ارتباط بین فعالیت بدنی با برخی شاخص‌های فیزیولوژیک و پیکرسنجی شهروندان استان خوزستان». فیزیولوژی ورزشی. ۳۸، صص ۲۱۵-۲۳۳.
- ابراهیمی، عبدالحسین؛ مهدی‌پور، عبدالرحمن و ازمشا، طاهره. (۱۳۹۵). «تأثیر زیرساخت‌های ورزشی و ویژگی‌های دموگرافی بر میزان مشارکت ورزشی شهروندان اهوازی با استفاده از مدل چندسطحی». پژوهش‌های کاربردی در مدیریت ورزشی. ۱۵(۱)، صص ۸۳-۹۸.
- Abdullah Nadwi, M. (2015). "A New Framework of Corporate Governance for Waqf: A Preliminary Proposal". *Islam and Civilizational Renewal*, 6(3): 353- 370.
- Afroozeh, M.S., Afroozeh, H., Kamli, F. (2017). "Identification of factors affecting the absorption of charity and wizards in sport". *Sports Management Studies*, 46: 174-157. (Persian)
- Aghaz, M. H. (2002). "Culture of Affiliation and Participation in Iran, Proceedings of the Government, People and Convergence, by Mohsen Ferdroo and Asghar Rezvani". Tehran, its publications. 254-225. (Persian)
- Alpizar, F., Carlsson, F., Johansson-Stenman, O. (2008). "Anonymity, reciprocity, and conformity: Evidence from voluntary contributions to a national park in Costa Rica". *Journal of Public Economics*, 92 (5-6): 1047-1060.
- Baghbani, S. M., Behboodi, O., Markazi omidvar, E. (2015). "Investigating the Factors Affecting the Behavioral Pleasure of Mashhad People toward the Endowment". *Great Khorasan*, 6 (19): 43-27. (Persian)
- Bagher, F., Sedigh oraee, Gh., Usefi, A. (2015). "Social commitment; a new concept in the field of social science or an ancient meaning in the history of human thought". *Islamic Quarterly and Social Studies*, 3 (2): 144-108[Persian].
- Bakija, J., Gale, W., Slemrod, H. (2003). "Charitable bequests and taxes on inheritances and estates: Aggregate evidence from across states and time". *American Economic Review, Papers and Proceedings*, 93(2): 366-370.
- Berger Ida, E. (2006). "The Influence of Religion on Philanthropy in Canada Volutes". *International journal of voluntary and nonprofit organizations*, 17(2): 110-127.
- Darus, F., Shukri, H. A., Yusoff, H., Ramli, A., Mohamed Zaina, M., Abu Bakar, A. B. (2017). "Empowering social responsibility of Islamic organizations through Waqf". *Research in International Business and Finance*, 42: 959-965.
- DellaVigna, S., List J, Malmendier, U. (2012). "Testing for altruism and social pressure in charitable giving". *The Quarterly Journal of Economics*, 127(1): 1- 56.

- Ebeling, F., Feldhaus, C. H., Fendrich, J. (2017). **“A field experiment on the impact of a prior donor’s social status on subsequent charitable giving”**. Journal of Economic Psychology, 61: 124-133
- Elaheezadeh, M. H., Arefnezhad, A., Edalati, R. (2015). **“Bishrovi's endowments, a ray of religious beliefs”**. Social studies of Khorasan, 9 (4): 28-7. (Persian)
- Gangi, M., Niazi, M., Ehsani Rad, F. (2015). **“Participation in charity and waqf, a prerequisite for sustainable development”**. Quarterly Journal of Socio-Cultural Development Studies, 3 (4): 45-25. (Persian)
- Ganji, M., Almasi Bigdeli, E. (2012). **“Explaining the status of the New Testament among the citizens of Kashan”**. The articles of the Waqf National Conference (with emphasis on higher education). University of Kashan. 934-907. (Persian)
- Heydarifard, S., Sharifian, E. (2017). **“Identifying and comparing obstacles to the participation of the benefactors in the development of sports spaces”**. Sports Management Studies, 41: 96-81. (Persian)
- Jahanian, N. (2017). **“Endowment Economics Design Framework”**. Iranian economic research, 14 (27): 130-107. (Persian)
- Karlan, D., Mc Connell, M. (2014). **“Hey look at me! The effects of giving circles”**. Journal of Economic Behavior and Organization (forthcoming). 106: 402-412.
- Masjedjamee, A. (1998). **“Cultural partnership and participation culture”**. Bond magazine, Fifth National Congress of Parents and Coaches. 8. (Persian)
- Meer, J., Rosen, H. S. (2011). **“The ABCs of charitable solicitation”**. Journal of Public Economics. 95(5): 363-371.
- Niazi, M., Ganji, M., Asgari, A. (2012). **“Impact of adherence to values on the participation of respondents in charity”**. The collection of articles of the National Conference of Waqf (with emphasis on higher education). University of Kashan. 952-935. (Persian)
- Office of Renovation and Development and Support Office of the Organization of Endowment and the Ministry of Foreign Affairs. (2017). **Familiarity with the Welfare and Charity Management System in France**. Tehran: Printing and Publishing Company; Organization of Endowments and Foreign Affairs. 167-1. (Persian)
- Qu, H., Steinberg, R. (2017). **“Charitable Giving in Nonprofit Service Associations: Identities, Incentives, and Gender Differences”**. Nonprofit and Voluntary Sector Quarterly, 46(5): 1-22.
- Ramli, N.M., Muhamed, N.A. (2013). **“Good Governance Framework for Corporate Waqf: Towards Accountability Enhancement”**. Paper presented at proceedings of th World Universities’ Islamic Philanthropy Conference, Kuala Lumpur. 124.
- Salimi, M. (2001). **“A look at waqf and its socio-economic effects”**. First edition, the Islamic Research Foundation of Astan Quds Razavi. 216. (Persian)
- Sanders, M., Smith, S. (2014). **“A warm glow in the afterlife? The determinants of charitable bequests”**. CMPO Working Paper Series, 14/326: 1-24.

- Scharf, K, Smith, S. (2014). **“Relational Warm Glow and Giving in Social Groups”**. CMPO Working Paper, 178.
- Shabani, Z, Roayee, F. (2015). **“Explaining the Beliefs, Values and Dimensions of Personality on Charity Alumni”**. Second National Conference and the First International Conference on Modern Research in the Humanities, Tehran, Institute of Managers of Idea Capital, Vieira. 1. [Persian].
- Shang, J., Croson, R. (2009). **“A field experiment in charitable contribution: The impact of social information on the voluntary provision of public goods”**. Economic Journal, 119 (540): 1422-1439.
- Shekari, A. (2012). **“The cultural and educational works of waqf in Islam and the development of its achievements”**. Proceedings of the Waqf National Conference (with emphasis on higher education), Kashan University. 557-570. (Persian)
- Smith, S, Windmeijer, F, Wright, E. (2014). Peer effects in charitable giving: Evidence from the (running) field. Economic Journal (forthcoming). 125(585): 1053-1071.
- Soetevent, A. (2005). Anonymity in Giving in a Natural Context - a Field Experiment in 30 Churches” Journal of Public Economics.89(11-12): 2301-232.
- Wang, L, Graddy, E. (2008). **Social Capital, Volunteering, and Charitable Giving**. 19(1): 23-42.
- Yadegari Naeeni, MR, Mahmoodi, A. (2016). **“The study of social, cultural and economic factors affecting the participation of supporters in the Orkam orthom committee of Imam Khomeini Relief Committee of Isfahan”**. International Congress of Humanities, Cultural Studies, Tehran, Center for the Empowerment of Social and Cultural Skills. (Persian)

اثرات توسعه سرمایه گذاری بر توانمندسازی اقتصادی صنعت ورزش ایران

ابوالفضل امامی^۱

فرشاد امامی^۲

مصطفی افشاری^۳



10.22034/SSYS.2022.1522.2113

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۷/۲۰

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۹/۱۷

امروزه صنعت ورزش یکی از صنایع متنوع در تجارت جهانی بوده است. همچنین به لحاظ اقتصادی، یکی از عوامل مهم برای احیای اقتصاد ملی در بسیاری از کشورها به شمار می‌رود. هدف از پژوهش حاضر تحلیل اثرات توسعه سرمایه گذاری بر توانمندسازی اقتصادی صنعت ورزش ایران بود. روش پژوهش آمیخته اکتشافی بود که در مرحله اول ۱۵ نفر از خبرگان ورزشی صاحب نظر به صورت هدفمند مورد مصاحبه عمیق قرار گرفتند با تحلیل تم داده های کیفی ۱۰۱ کد مختلف در ۶ تم اصلی و ۱۷ تم فرعی تولید شد و برای مرحله کمی پرسشنامه های توسعه سرمایه گذاری با ۷۶ سوال و توانمندسازی اقتصادی با ۲۰ سوال طراحی شد ($\alpha > 0/80$). جامعه آماری متشکل از کلیه افراد دارای سابقه مدیریت در ورزش، اساتید دانشگاهی و صاحب نظران حوزه اقتصاد، مدیریت و بازاریابی ورزشی که بر اساس روش کل شمار انجام و در بخش کمی ۱۹۷ پرسشنامه بازگشت داده شد. یافته های پژوهش در بخش کیفی شش متغیر توسعه

۱- دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، واحد آیت الله آملی، دانشگاه آزاد اسلامی، آمل، ایران

۲- استادیار، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، واحد آیت الله آملی، دانشگاه آزاد اسلامی، آمل، ایران

F_emami2007@yahoo.com E-mail:

۳- استادیار، گروه مدیریت ورزشی، پژوهشگاه تربیت بدنی و علوم ورزشی، تهران، ایران

سرمایه گذاری را آشکار و در بخش کمی نشان داد که مدل تحقیق دارای برازش لازم بوده و توسعه سرمایه گذاری بر توانمندسازی اقتصادی صنعت ورزش ایران اثر گذار می باشد. در همین راستا پیشنهاد می شود در صورتی که سیاست گذاری های اقتصادی در راستای ایجاد فضای باز و مبتنی بر آزادسازی اقتصادی به منظور دستیابی به بازارهای جدید، سرمایه های خارجی و فناوری نوین تعریف شود و اقداماتی در راستای افزایش ثبات اقتصادی صورت پذیرد، ریسک سرمایه گذاری کاهش خواهد یافت و به تبع آن، جریان سرمایه گذاری داخلی و خارجی در صنعت ورزش کشور افزایش خواهد یافت.

واژگان کلیدی: جذب سرمایه، صنعت ورزش، رشد اقتصادی، معادلات ساختاری.

مقدمه

جهانی شدن فرآیندی در حال حرکت و توسعه است و افزایش رقابت جهانی بسیاری از صنایع را تحت تأثیر قرار داده است (هسیو-ون و همکاران^۱، ۲۰۱۷: ۷۱). صنعت ورزش به دلیل تأثیرات مثبت اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، به یکی از بزرگترین صنایع جهانی تبدیل شده است و برای اغلب کشورها، این صنعت منبع مهمی برای فعالیت های اقتصادی، کسب درآمد، اشتغالزایی و تجارت بین الملل محسوب می شود (رضایی، ۱۳۹۵: ۶۷). این صنعت پدیده ای جهانی و یکی از صنایع بزرگ و مهم دنیاست به طوری که ۲/۵ درصد تجارت بین المللی را به خود اختصاص داده است (غفوری و همکاران ۱۳۸۶: ۵۲). امروزه ورزش صنعتی فوق العاده جذاب است. صنعتی میلیارد دلاری با رشد بالا در طول یک دهه که به عنوان یکی از صنایع برتر دنیا، به سرعت در حال رشد است (روس و همکاران^۲، ۲۰۰۶: ۳۰). در این راستا صنعت ورزش برای همه حکومت ها اهمیتی دوچندان یافته است، چرا که با استفاده از ورزش اهداف گوناگونی در مسیر بهبودی اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، رفاهی و سلامتی دنبال می شود و در صورت وجود مدیریت و ساختاری صحیح می توان به این اهداف دست پیدا کرد. به عبارتی دیگر، امروزه فراگیر شدن صنعت ورزش، به عنوان ابزاری برای توسعه در ابعاد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، و غیره مطرح است، لذا لزوم تبیین عوامل موثر در رشد و توسعه این ابزار می تواند در نیل به اهداف و سیاست های استراتژیک کشورها موثر واقع شود (سجادی و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۳).

صنعت ورزش یکی از صنایع متنوع در تجارت جهانی بوده است. همچنین به لحاظ اقتصادی، یکی از عوامل مهم برای احیای اقتصاد ملی در بسیاری از کشورها به شمار می رود (زو و ژائو^۳، ۲۰۱۵: ۲۱۸). اهمیت صنعت ورزش برای اقتصاد هر روز بیشتر می شود؛ به طوری که ورزش در برخی از کشورها به یکی از پردرآمدترین حوزه های اقتصادی تبدیل شده است. بخش های مختلف ورزش چون جهانگردی ورزشی، شرکت ها و مراکز ورزشی، برگزاری همایش های بزرگ ورزشی، اوقات فراغت، تبلیغات، باشگاه ها و سرانجام خود ورزش از مهم ترین حوزه های اقتصادی مرتبط با ورزش هستند (وایس^۴، ۲۰۱۱: ۳۳۶). خلاقیت و ایجاد نوآوری و ابتکار در صنعت ورزش و برنامه ریزی و سرمایه گذاری های بلند مدت می تواند موجب رشد اقتصادی ورزش حرفه ای گردد؛ به طوری که با بررسی و تجزیه و تحلیل وضعیت اقتصادی باشگاه های ورزشی در کشورهای توسعه یافته و با نگرشی عمیق تر به این پیشرفت اقتصادی در می یابیم که این کشورها در صنعت ورزش خود سرمایه گذاری های عظیمی را انجام داده اند و در نهایت از سود بی شمار و اشتغال زایی این صنعت پول ساز جهانی بهره می برند (هاروارد و کرامپتون^۵، ۲۰۱۲: ۲).

در این راستا یکی از مهم ترین شاخصه های توسعه و پیشرفت واقعی کشورها، ورزش می باشد. موفقیت در عرصه ورزش، توجه مدیران و دست اندرکاران ورزش را بیش از پیش به خود جلب

1. Hsueh-wen et al.
2. Ross
3. Zhu & Zhao
4. Weiss
5. Howard & crompton

کرده است (پرونا و همکاران^۱، ۲۰۱۸: ۴۳). چرا که ورزش به عنوان یکی از عوامل تأمین کننده سلامت جسمانی و روانی افراد جامعه محسوب می شود (هوگو و همکاران^۲، ۲۰۱۸: ۹۱۵). در واقع، یکی از علل سرمایه گذاری بالای کشورها در زمینه توسعه ورزش، تأثیر بر شرایط اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی یک جامعه بوده (هیوم و استوارت^۳، ۲۰۱۷: ۷) و حتی تقویت وجهه و اعتبار آن کشور در عرصه جهانی را در پی خواهد داشت (جانسون و همکاران^۴، ۲۰۱۸: ۱۰۶). از سوی دیگر میزان سرمایه گذاری دولت در بخش ورزش متناسب با رشد و جمعیت جامعه و متقاضیان ورزش نیست و چنانچه همین روند در آینده ادامه یابد، میزان کمبودها بیشتر آشکار می شود (احسانی و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۱۸). توسعه سرمایه گذاری از یک سو موجب جذب سرمایه های غیر کارا و هدایت آن ها به بخش های مولد اقتصادی گردیده و از سوی دیگر با توجه به جهت گیری سرمایه گذاران، سرمایه گذاری ها در صناعی هدایت خواهند شد که از سود بیشتر یا ریسک کمتری برخوردارند و این امر موجب تخصیص بهینه در منابع خواهد شد (جونز^۵، ۲۰۰۷: ۴۵).

یکی از بخش هایی که ورزش می تواند در توسعه آن سهم باشد، بخش اقتصادی هر جامعه ای است. امروزه رشد اقتصادی باعث توسعه همزمان بازارهای کار می گردد که این نیز از طریق افزایش قابلیت نیروی کار انگیزه کافی برای سرمایه گذاری بخش خصوصی در زمینه های مختلف را موجب می سازد و ورزش نیز می تواند در بعد اقتصادی، گزینه مناسبی جهت سرمایه گذاری باشد (خزایی، ۱۳۹۶: ۶۴)، چرا که سهم ورزش در اقتصاد ملی، رابطه ی مستقیم با میزان سرمایه گذاری انجام شده در بخش ورزش دارد که در شرایط حاضر با توجه به محدودیت ها و تنگناهایی که بخش خصوصی برای مشارکت در توسعه ی ورزش دارد، در مقایسه با کشورهای توسعه یافته بسیار پایین است. به طوری که در کشورهای ایتالیا، انگلستان و آلمان نسبت اقتصاد ورزش به تولید ناخالص داخلی به ترتیب ۲ درصد، ۱/۷ درصد و ۱/۴ درصد است و حال اینکه این نسبت در کشور ایران ۱/۱ درصد است (خسروی زاده و همکاران، ۲۰۹: ۱۳۹۳). همانطور که اذعان شد در ایران، ورزش همیشه به عنوان یکی از مباحث فرعی در اقتصاد مورد توجه قرار گرفته است. کمتر از ۱ درصد از تولید ناخالص داخلی از طریق اقتصاد ورزش تأمین می شود. در بازار کالاها و خدمات ورزشی ایران مشکلات فراوانی وجود دارد؛ در سال های اخیر حدود ۷۵ درصد از تولیدکنندگان کالاهای ورزشی نیمه تعطیل و بخش اعظمی از آنها تعطیل شده اند. گران شدن مواد اولیه، افزایش هزینه ها، بیمه کارگری و دستمزد از عواملی هستند که تولیدکنندگان را با مشکل مواجه کرده است. تولیدات داخلی در حوزه لوازم ورزشی بیشتر در لوازم ریز مثل طناب، جوراب ورزشی و مواردی از این قبیل است. بسیاری از لوازم ورزشی از طریق قاچاق به کشور وارد می شوند (بخشنده، ۱۳۹۸: ۸).

سرمایه گذاری نقش مهم و کلیدی در رشد و توسعه ی اقتصادی ایفا می کند. تجربه کشورهای توسعه یافته نشان می دهد که توسعه سرمایه گذاری یکی از عوامل اصلی رشد و توسعه اقتصادی

1. Pruna, Tribaldos & Bahdur
2. Hugo et al.
3. Hume & Stewart
4. Janston et al.
5. Jones

آن‌ها بوده است (رهبر و همکاران، ۱۳۸۶: ۲). که می‌تواند بر روی توانمندی اثر بگذارد. یکی از ابعاد مهم آن، توانمندسازی اقتصادی با هدف ایجاد اشتغال پایدار و افزایش سرمایه‌گذاری و بالطبع، کاهش فقر می‌باشد و توانمندسازی جامعه، یک فرآیند پویا و فراگیر است (وارنر^۱، ۲۰۱۰: ۲۱۰). توانمندسازی اقتصادی فرایندی است که طی آن دسترسی و کنترل بر منابع تولید و دیگر منابع مورد نیاز توسط افراد جهت افزایش درآمد و بالا بردن قدرت مذاکره فراهم گشته و باعث می‌گردد آن‌ها بر تمامی فرایند تولید کنترل داشته باشند (ده حقی، ۱۳۹۲: ۳). کابر^۲ (۲۰۱۲: ۷) توانمندسازی اقتصادی را شامل بازار کار برای افراد در سطح سیاست کلی و توانمندکردن آن‌ها برای رقابت در این بازارها می‌داند. همچنین افراد وقتی از لحاظ اقتصادی توانمند هستند که از توانایی موفقیت و پیشرفت اقتصادی برخوردار بوده و همچنین قدرت لازم برای اخذ تصمیمات اقتصادی و عملی ساختن تصمیماتشان را داشته باشند. (هانس و گوتیر، ۱۹۹۲: ۱۶) معتقدند که مهم‌ترین عامل در رونق و جذب سرمایه‌گذاری در ورزش حرفه‌ای و قهرمانی، افزایش تعداد تماشاگران است. لویز و فادال^۴ (۲۰۱۰: ۸۸۷) اشاره کردند که ورزش و تفریحات به طور بالقوه تأثیر قابل توجهی بر اقتصاد یک کشور دارند. (رامفورد^۵ ۲۰۱۰: ۲۳۶) در پژوهشی تغییر سازمان‌دهی و گرایش باشگاه‌ها به فعالیت‌های مجازی موجب جذب سرمایه‌گذاران خارجی و بین‌المللی، بخصوص سرمایه‌گذاران آمریکایی شده است. کارمین، سافرین و تیمریسورا^۶ (۲۰۱۴: ۲۸۰) در پژوهش خود مبنی بر مدیریت جذب سرمایه‌گذاری در حوزه پروژه‌های بزرگ ورزشی اظهار داشت که برگزاری یونورسید دانشجویی بین‌المللی ۲۰۱۳ در جمهوری تاتارستان باعث تقویت جذب سرمایه‌گذاری در این کشور شده است. هیوم و استوارت^۷ (۲۰۱۷: ۷) در پژوهش خود بیان کردند که یکی از علل سرمایه‌گذاری بالای کشورها در زمینه توسعه ورزش، تأثیر بر شرایط اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی یک جامعه بوده است. از دیدگاه جانسون و همکاران^۸ (۲۰۱۸: ۱۰۶) ورزش تقویت وجهه و اعتبار آن کشور در عرصه جهانی را در پی خواهد داشت. موانع‌های سیاسی، محیط‌های اقتصادی، اجتماعی، حقوقی، قانونی، فرهنگی و تکنولوژیکی را به عنوان موانعی بیان نمود که کسب و کار در ورزش را تحت تأثیر قرار می‌دهد الفندی و سگوئین^۹ (۲۰۰۸: ۳). افشاری و همکاران (۱۳۹۶: ۴۴) در تحقیقات خود به بررسی تحلیل عوامل موثر بر توسعه اقتصادی صنعت ورزش ایران پرداخته‌اند که ۹ عامل توسعه اقتصادی صنعت ورزش ایران از دید نمونه‌های تحقیق متناسب با اهداف تحقیق بوده و متعاقب آن نتایج تحلیل عاملی نشان داد که سرمایه‌گذاری و حمایت مالی و توسعه امکانات و زیرساخت‌های به ترتیب مهم‌ترین و کم‌اهمیت‌ترین عامل‌ها از دید نمونه تحقیق می‌باشند. معمولاً سرمایه‌گذاران وقتی متقاعد به سرمایه‌گذاری در یک صنعت می‌شوند که تاحدودی اطمینان یابند در صورت قرار دادن سرمایه

1. Warner
2. Kabeer
3. Hansen & Gautheir
4. Luiz, and Fadal
5. Nauright& Ramfjord
6. Kramin و Safiullin, & Timiryasova
7. Hume & Stewart
8. Janson, Mage & Shap
9. Alafandi and Séguin

خود در آن بخش بیش از سایر گزینه های قابل انتخاب سود خواهند برد و این وظیفه صاحبان صنعت ورزش است که شرایط و فضای مطمئن اقتصادی را فراهم کنند تا جذب سرمایه گذاری در ورزش به خوبی صورت پذیرد (قاسمی و همکاران، ۱۳۹۴: ۸۴۰). به طور کلی سیاست گذاران اقتصادی با استفاده از سیاست های کلان اقتصادی، سرمایه گذاری و تشکیل سرمایه بخش خصوصی را هدایت کرده و با ایجاد انگیزش هایی، سرمایه گذاران را به انجام پروژه های سرمایه گذاری ترغیب می نمایند. با عنایت به نقش موثر سرمایه گذاری در ایجاد فرصت های شغلی جدید، گسترش منابع درآمدی، افزایش درآمد ملی سرانه و بطور کلی رشد و توسعه اقتصادی، بررسی عوامل موثر بر سرمایه گذاری توسعه ورزش در ایران به لحاظ شناخت توانمندی های اقتصادی و جهت دهی فعالیت های مولد و اشتغال زا از اهمیت خاصی در طراحی و مدیریت سیاست های اقتصادی کلان برخوردار است. با توجه به اهمیت ورزش در بسیاری از زمینه های سلامتی، بهداشتی، اجتماعی و فرهنگی امروز، سرمایه گذاری در این مقوله و نگاه اقتصادی به ورزش ضروری به نظر میرسد. با توجه به آنچه ذکر شد، به نظر می رسد بایستی بستر پیشرفت روز افزون صنعت ورزش ایجاد گردد. برخلاف دنیا که از ورزش به عنوان صنعت یاد می کنند و آن را برای پیشبرد اهداف اقتصادی خود استفاده می کنند، در ایران همچنان به عنوان سرگرمی به آن نگریسته می شود. در راستای سند چشم انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴، دست یافتن به جایگاه نخست اقتصادی، علمی و فناوری؛ با تاکید بر جنبش نرم افزاری و تولید علم، به نظر می رسد صنعت ورزش ایران از طریق ایجاد توانمند سازی اقتصادی و قابلیت های علمی، صنعتی می تواند در دستیابی به چشم انداز کشور ایفای نقش نماید بنابراین برای حرکت هدفمند، نظام مند و اثر بخش در جهت توسعه اقتصادی صنعت ورزش باید پژوهش مرتبط با این پژوهش را سرلوحه تصمیمات این صنعت قرارداد. با وجود تحقیقات مختلف در ارتباط با موانع و چالش های ورزشی و بدست آوردن نتایج مختلف در حوزه اقتصاد ورزشی این موضوع یعنی عوامل موثر بر توسعه سرمایه گذاری و توانمندی اقتصادی در صنعت ورزش همچنان به عنوان مساله ای لاینحل و مبهم برای دست اندرکاران و مدیران و بازاریابان باقی مانده است. ازین رو با انجام این تحقیق می توان به توسعه شناخت و درک کامل تر پیرامون عوامل موثر بر سرمایه گذاری ورزش و نتایج حاصل از آن در ایران دست یافت. با توجه به در نظر گرفتن ابعاد نظری و دستاوردهای کاربردی این پژوهش که در مجموع نقاط قوت بسیاری دارد و همین طور با عنایت به سیاست های کلی نظام و برنامه های توسعه ی پیش بینی شده برای کشور و سند چشم انداز ۱۴۰۴ که در پیش رو داریم، می توان با بهره گرفتن از نتایج این تحقیق و مدنظر قرار دادن تمام همگرایی ها و واگرایی های موجود در نهایت گامی در راستای ایجاد چارچوب های قانون مند و منظم برای مدیران و حامیان مالی و افراد توانمند در راستای دسترسی به توسعه سرمایه گذاری، توانمندی اقتصادی و تعالی ورزش در کشورمان ایران برداریم. نتایج تحقیقات نشان می دهد که اکثریت تحقیقات به سرمایه گذاری و عوامل تاثیر بر جذب سرمایه گذار و حمایت مالی پرداخته شده است و خلای تحقیقاتی در بحث شناسایی عوامل موثر بر توسعه سرمایه گذاری در ورزش به صورت ویژه کاملاً مشهود است و دید جامع نسبت به مسئله، در تحقیقات به شکلی که به عوامل موثر در سرمایه گذاری کمتر مشاهده شده است. در نتیجه به عنوان اولین قدم در راه توسعه سرمایه گذاری، شناسایی ابعاد پنهان آن نیازمند یک مطالعه اکتشافی و بهره جستن از آن نیازمند تدوین الگوی راهبردی توسعه سرمایه گذاری ورزشی است. جذب سرمایه در کشور بدون تغییر نگرش در میان مسئولین، سیاستمداران و کارشناسان و ایجاد بستر مناسب برای ورود سرمایه امکان پذیر نیست. در نظر گرفتن تمامی عوامل و موانع تأثیرگذار در جذب سرمایه گذاری و ارائه

مدلی مناسب از رابطه و میزان تأثیر این عوامل می‌تواند سرمایه‌گذاران و سازمان‌های مربوطه را در مراحل آغازین سرمایه‌گذاری و در طی روند سرمایه‌گذاری راهنمایی نماید و به عنوان یک الگوریتم تصمیم‌گیری برای سرمایه‌گذاری در ورزش استفاده شود. از این رو پژوهش حاضر درصدد است در بعد اول مدل اثرات توسعه سرمایه‌گذاری در ورزش ارائه خواهد شد و سپس تأثیر این مدل بر توانمندسازی اقتصادی ورزش ایران که بعد دوم موضوع اصلی تحقیق می‌باشد سنجیده خواهد شد. از لحاظ نو بودن در داخل کشور، موضوع پژوهش تاکنون انجام نشده است. حال این پرسش مطرح می‌شود که مدل پیشنهادی توسعه سرمایه‌گذاری چه تأثیری بر روی توانمندسازی اقتصادی در صنعت ورزش دارد؟

روش‌شناسی پژوهش

روش این تحقیق آمیخته بود که به شکل میدانی انجام پذیرفت. با توجه به اینکه مبانی نظری و ادبیات پیشینه مرتبط با اثرات توسعه سرمایه‌گذاری بر توانمندسازی اقتصادی علی‌رغم مفیدن بودن نمی‌توانند به درک کامل از این پدیده منجر شود، در مرحله اول تحقیق با استفاده از استراتژی نظریه داده‌بنیاد^۱ (گرنند تئوری) ارائه شده توسط استراوس و کوربین^۲ استفاده گردید. ابتدا داده‌های کیفی با اطلاعات باز پاسخ برای ساخت ابزار اندازه‌گیری جمع‌آوری و پس از تدوین پرسشنامه‌ها، از طریق روش تحقیق توصیفی-پیمایشی داده‌های کمی گردآوری شد. جامعه آماری پژوهش را صاحب‌نظران و نخبگان صنعت ورزش کشور تشکیل دادند. این متخصصان در بخش‌های مختلف آموزشی، پژوهشی و اجرایی موضوع تحقیق آگاه و مشغول به فعالیت بودند و شامل افراد دارای سابقه مدیریت در سطوح مختلف ورزش کشور، اقتصاددانان حتی الامکان آشنا به مسائل ورزشی، اساتید مدیریت ورزشی دانشگاه‌های کشور و فعالان حوزه اقتصاد ورزشی می‌باشد که به تأیید اساتید و خبرگان ورزشی رسیده بودند و افرادی هستند که از نظر آگاهی و اطلاعات در این زمینه برجسته بوده و این‌که بتوانند با ارائه اطلاعات دقیق نمادی از جامعه باشند. از این رو در پژوهش حاضر نظرات ۱۵ نفر از افراد نخبه و صاحب‌نظر در طی مصاحبه نیمه ساختار یافته صورت پذیرفت. جامعه آماری مرحله کمی که متشکل از الف) کلیه افراد دارای سابقه مدیریت در سطوح مختلف ورزش کشور، ب) اقتصاددانان حتی الامکان آشنا به مسائل ورزشی، ج) اساتید مدیریت ورزشی دانشگاه‌های کشور، د) دانشجویان دکتری بازاریابی و مدیریت ورزشی، ه) فعالان و صاحب‌نظران اقتصاد و بازاریابی ورزشی می‌باشند که تعداد آنان حدوداً نزدیک به ۲۰۰ نفر می‌باشند. براساس روش کل شمار نمونه آماری برابر با جامعه بوده است. در نهایت تعداد ۱۹۷ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. از سویی دیگر می‌توان بیان کرد که در تحلیل عاملی تاییدی و مدل ساختاری، حداقل حجم نمونه براساس متغیرهای پنهان تعیین می‌شود که ۲۰ نمونه برای هر عامل (متغیر پنهان) لازم است. با توجه به اینکه در پژوهش حاضر ۶ متغیر پنهان وجود دارد حداقل تعداد ۱۲۰ نفر به عنوان نمونه کفایت میکند. هر چند بطور کلی حداقل ۲۰۰ نمونه توصیه شده است.

به‌منظور گردآوری داده‌های مورد نیاز پژوهش و تعیین صحت و سقم آن‌ها در بخش کمی، پرسشنامه‌ای محقق ساخته بر گرفته از کدهای حاصل از مصاحبه تنظیم شد. پس از انجام فاز کیفی

1. Grounded Theory
2. Strauss and corbin

پژوهش و استخراج مقوله ها و مفهوم از درون مصاحبه های صورت گرفته، مفهوم و مقوله ها در هر سوالات بررسی شده تبدیل به گویه های پرسشنامه شدند. پرسشنامه عوامل موثر بر توسعه سرمایه گذاری ورزشی در مرحله کیفی با مطالعه مبانی نظری، مصاحبه با اساتید و خبرگان دانشگاه و بر اساس تجزیه و تحلیل کیفی (داده نظریه بنیاد) شناسایی و تدوین گردید. پرسشنامه شامل ۶ بعد عامل فرهنگی- اجتماعی، عامل اقتصادی، عامل مدیریتی- اجرایی، مشوق وابسته به سرمایه گذاری، عامل سیاسی- قانونی و عامل وابسته به ورزش بوده است. جهت اندازه گیری توانمندسازی اقتصادی از پرسشنامه محقق ساخته برگرفته از ابزار پژوهش دادی (۱۳۹۵) استفاده شده است. این پرسشنامه با مطالعه مبانی نظری، مصاحبه با برخی از اساتید، الگو گرفتن از مقالات و پژوهش های مرتبط مرتبط با توانمندسازی اقتصادی طراحی شد. این بخش که دارای ۶ بعد دسترسی به اعتبارات و تسهیلات ورزشی، قدرت خرید و رفتار مصرف کننده ورزشی، میزان سرمایه گذاری ورزشی، مالکیت منابع و محصولات ورزشی، استفاده از تکنولوژی و فناوری و دسترسی به بازار فروش می باشد. روایی پرسشنامه ها بر اساس روایی صوری، محتوایی، سازه، همگرا و واگرا مورد بررسی قرار گرفت و نتایج نشان داد که تمامی گویه های مربوط به پرسشنامه توسعه سرمایه گذاری و توانمندسازی اقتصادی در ورزش دارای برازش لازم می باشد. همچنین پایایی پرسشنامه بر اساس ضریب آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی مورد بررسی قرار گرفت که مقدار پایایی برای هر سازه بالای ۰/۷ بوده است که نتایج نشان از پایداری درونی مناسب برای مدل اندازه گیری دارد ($\alpha > 0/80$). از مدل معادلات ساختاری به منظور بررسی فرضیات تحقیق و بررسی تأثیر متغیرهای تحقیق استفاده شد. در این پژوهش از نرم افزار SPSS نسخه ۲۳ در بخش آمار توصیفی و همچنین بررسی ارتباط بین متغیرهای تحقیق بهره گرفته شده و از نرم افزار Amos نسخه ۲۳ نیز به منظور بررسی روایی سازه ابزار تحقیق (تحلیل عاملی تأییدی) و بررسی فرضیات تحقیق (مدل معادلات ساختاری) استفاده گردید.

این تحقیق، که شامل دو قسمت تحلیل داده های کیفی و کمی می باشد، در ابتدا تجزیه و تحلیل داده های حاصل از مصاحبه های عمیق نیمه ساختار یافته با خبرگان به صورت یافته های موردی در سه مرحله ی کدگذاری بر اساس تحلیل اشتراوس و کوربین انجام شده است.

توصیف ویژگی های مصاحبه شوندگان در مرحله کیفی

جدول ۱: توصیف جنسیت، سابقه پژوهشی و اجرایی، تحصیلات و حوزه فعالیت در ورزش و محل اشتغال مصاحبه شوندگان

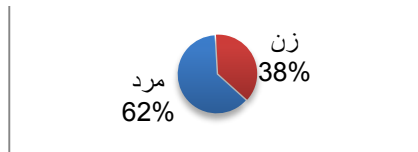
تعداد مصاحبه شوندگان	زن	مرد	سابقه پژوهشی یا اجرایی در اقتصاد ورزش				اشتغال محل	
			کمتر از ۵ سال	۵ تا ۱۰ سال	۱۱ تا ۱۵ سال	مراکز آموزش عالی	وزارت و ورزش جوانان	سایر مراکز مرتبط با ورزش
۱۵	۵	۱۰	۳	۸	۴	۷	۲	۶
تحصیلات			تحصیلی رشته		گرایش تحصیلی		فعالیت حوزه	
کارشناسی ارشد	دکتری	تخصصی	تربیت بدنی	تربیت غیر بدنی	مدیریت ورزشی	سایر گرایش ها	دانشگاهی	اجرایی
			۱۱	۴	۸	۷		
۲	۱۳						۱۱	۴

جدول ۲: تحلیل داده های کیفی مرتبط با متغیر توسعه سرمایه گذاری

موضوع	ابعاد	مؤلفه ها	مقوله های فرعی
رشد سرمایه گذاری	کیفیت انواع ورزش	دست اندرکاران ورزش	انتخاب انواع ورزش با توجه به شرایط موجود ورزش ها
			رشد ورزش خاص در یک منطقه از کشور و سرمایه گذاری در آن
			در دسترس بودن برخی رشته ها با توجه به شرایط خانواده ها
			کیفیت بالای بازیکنان و جذب بسیاری از تماشاچیان
	عوامل وابسته به ورزش	رویدادهای ورزشی	اجرای با کیفیت مسابقات، لیگ ها و با رویدادهای ورزشی حضور و حمایت ستاره ها از ورزش
			حمایت رسانه ها از ورزش با اجرای با کیفیت برنامه ها
			برگزاری مسابقات با تعداد کثیر بیننده و عوامل رویدادها
	محیط سیاسی قانونی بین المللی	تدوین و اجرای قانون	رویدادهای برگزار شده با کمترین حادثه و در امنیت کامل
			جضور حداکثری سازمان ها، شرکت ها و برندهای داخلی و خارجی مختلف در رویداد ورزشی
			ایجاد روابط سیاسی قانونی داخلی و برون سازمان ورزشی
توسعه سرمایه گذاری	سیاسی قانونی	مدیریت دولتی	انتخاب افراد شایسته بدور از ملاحظات سیاسی
			انسجام سازمانی مرتبط با ورزش
			تدوین قوانین حمایتی از سرمایه ی سرمایه گذاران ورزشی
			تدوین قوانین تسهیل کننده ی مشارکت در برگزاری رویدادهای ورزشی توسط سرمایه گذاران
	فراهم کردن سود سرمایه گذار	بازاریابی	برقراری شرایط خصوصی سازی باشگاه های ورزشی
			استفاده نکردن دولت از ورزش به عنوان یک ابزار سیاسی
			واگذاری مدیریت دولتی به مدیریت خصوصی
	اقتصادی	ایجاد ساز و کار اقتصادی	هماهنگی بین مجلس و دولت
			نرخ سود پایین تسهیلات طولانی مدت
			افزایش تعداد مشتریان برندهای سرمایه گذار از طریق
توسعه سرمایه گذاری	کیفیت انواع ورزش	دست اندرکاران ورزش	کانون های هواداران باشگاه ها
			فراهم کردن بیشترین خدمات برای برندهای سرمایه گذار در قالب طرح های مالی
			اجرای اصول مدیریت بازاریابی
			برند و بازارسازی ورزشی
	عوامل وابسته به ورزش	رویدادهای ورزشی	تبلیغات بهینه
			بازاریابی بین المللی
			احیای حقوق قانونی باشگاه ها و نهادهای ورزشی
	محیط سیاسی قانونی بین المللی	تدوین و اجرای قانون	طراحی بازار شهری برای برندهای سرمایه گذار ورزشی
			طراحی سامانه ی ارتباط برندهای سرمایه گذار با هواداران
			رشد بالای اقتصادی برندهای سرمایه گذار
توسعه سرمایه گذاری	کیفیت انواع ورزش	دست اندرکاران ورزش	کاهش قدرت دولت در مدیریت مالی باشگاه ها
	عوامل وابسته به ورزش	رویدادهای ورزشی	
	محیط سیاسی قانونی بین المللی	تدوین و اجرای قانون	

ایجاد فضای مطمئن اقتصادی برای ورود سرمایه گذاران		
ثبات در سیاست‌های پولی و مالی کشور		
تمایل حداکثری اقشار مختلف به اجرای ورزش	همه گیری و عمومیت	
موج رضایت همه جانبه از رویدادها مسابقات ورزشی	ورزش در جامعه	
تشکیل گروه های ورزشی مشترک محله، منطقه و ..		
اشاعه ی فرهنگ کرامت سرمایه گذاران ورزشی در جامعه		
اشاعه ی فرهنگ سرمایه گذاری در حیطه ی ورزش و اثرات	تعاملات فرهنگی و	
مثبت آن	اشاعه نگرش سرمایه	
تغییر نگرش سرمایه گذاران به خاطر آسیب های وارده برای	گذاری	فرهنگی
سرمایه ی آنها		-
تدوین برنامه های هماهنگ برند سازی برای سرمایه گذاران		اجتماعی
ایجاد انواع برنامه های اطلاع رسانی مزایای سرمایه گذاری		
ورزشی در رسانه	رسانه فعال	
ایجاد انواع مشارکت سرمایه گذاران در سرمایه گذاری		
برندهای معروف کشور به مشارکت در ورزش		
تصمیم گیری و برنامه ریزی صحیح در تمامی ارکان		
مدیریتی ورزشی		
سازماندهی مناسب	اصول مدیریتی	
هدایت صحیح تمامی عوامل موفقیت حضور سرمایه گذاران		
ورزشی		
کنترل و نظارت دقیق		
ایجاد مکانیسم های اطلاع رسانی ابزار و تجهیزات نرم		
افزایی و سخت افزاری دقیق		
فراهم کردن امکانات شرکت های سرمایه گذار در		مدیریتی
محیط‌های ورزشی	تامین زیرساخت‌های	-
ایجاد کمپ های مخصوص شرکت‌ها و سازمان‌های	اجرایی	اجرایی
سرمایه گذار		
تدوین آیین‌نامه‌های مالکیت سرمایه گذاران در صورت		
داوطلب بودن		
ارائه ی تسهیلات مالیاتی به سرمایه گذاران خارجی		
ارائه ی طرح های افزایش تولید یا خدمات برندهای	مشوق های مالی	
تاثیرگذار	(مالیاتی و ..)	
ارائه ی تسهیلات بانکی برای برندهای سرمایه گذار		مشوق
ارائه ی خدمات رفاهی باشگاه ها برای برندهای سرمایه گذار		وابسته
نمایش مسیرهای پرطرفدار ورزشی برای افزایش تعداد		به
مشتریان برندهای سرمایه گذار		سرمایه
بر طرف کردن موانع ارتباط برندها با تماشاچیان و هواداران	ایجاد ظرفیت‌ها و	گذاری
باشگاه ها	شاخص‌های اقتصادی	
ارائه ی چارچوب های جذب منابع مالی باشگاه ه‌های		
ورزشی توسط برندهای سرمایه گذار		

یافته‌های توصیفی (ویژگی‌های جمعیت شناختی)



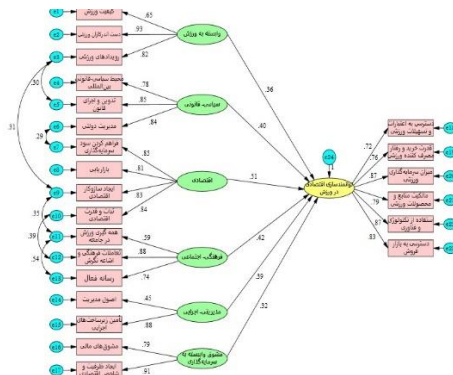
شکل ۱: توزیع نمونه‌های تحقیق بر اساس جنسیت

جدول ۳: توزیع فراوانی نمونه تحقیق بر اساس سن و سابقه شغلی

توزیع فراوانی نمونه تحقیق بر اساس سن			توزیع فراوانی نمونه تحقیق بر اساس سابقه شغلی		
سن	فراوانی	درصد فراوانی	سن	فراوانی	درصد فراوانی
کمتر از ۳۰ سال	۷۷	۳۹/۱	کمتر از سه سال	۶۲	۳۱/۵
۳۰ تا ۴۰ سال	۴۹	۲۴/۹	۳ تا ۵ سال	۴۹	۲۴/۹
۴۱ تا ۵۰ سال	۵۱	۲۵/۹	۶ تا ۱۰ سال	۵۴	۲۷/۴
بیشتر از ۵۰ سال	۲۰	۱۰/۲	بیشتر از ۱۰ سال	۳۲	۱۶/۲
مجموع	۱۹۷	۱۰۰	مجموع	۱۹۷	۱۰۰

۲۳۹

به منظور بررسی اثرات عوامل توسعه سرمایه‌گذاری بر توانمندسازی اقتصادی در ورزش از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری استفاده شد. در این مدل عوامل مؤثر بر توسعه سرمایه‌گذاری در ورزش شناسایی شده در این تحقیق به عنوان متغیرهای مستقل و توانمندسازی اقتصادی در صنعت ورزش به عنوان متغیر وابسته می‌باشد.



شکل ۲: مدل اثرات عوامل توسعه سرمایه‌گذاری بر توانمندسازی اقتصادی در ورزش (ضرایب استاندارد شده)

در مدل تحقیق (شکل ۲) همانطور که مشاهده می شود مقادیر بارهای عاملی (ضرایب استاندارد شده) بر تمامی متغیرها بیشتر از ۰/۳ بوده و همچنین در بررسی تحلیل عاملی و روایی سازه ابزار تحقیق نیز مشاهده شد مدل های اندازه گیری مورد تأیید می باشد. در ادامه اثرات عوامل مؤثر بر توسعه سرمایه گذاری در ورزش بر توانمندسازی اقتصادی در ورزش گزارش شده است.

جدول ۴: اثرات عوامل توسعه سرمایه گذاری در ورزش بر توانمندسازی اقتصادی در ورزش

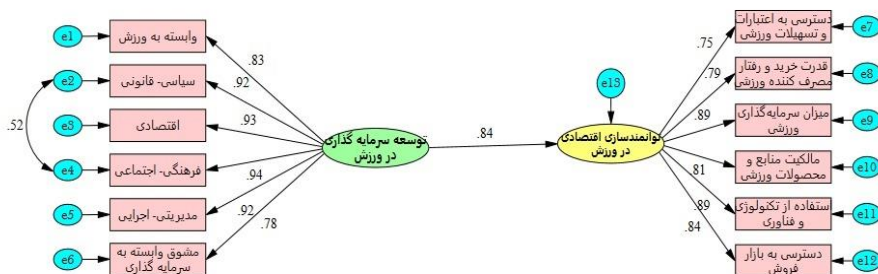
مسیر	بار عاملی	مقدار t	سطح معناداری
عامل ورزشی	توانمندساز اقتصادی ورزش	۰/۳۶۰	۵/۷۵۲
عامل سیاسی- قانونی	توانمندساز اقتصادی ورزش	۰/۴۰۰	۶/۵۲۷
عامل اقتصادی	توانمندساز اقتصادی ورزش	۰/۵۰۶	۷/۹۶۷
عامل فرهنگی- اجتماعی	توانمندساز اقتصادی ورزش	۰/۴۱۷	۶/۱۸۳
عامل مدیریتی- اجرایی	توانمندساز اقتصادی ورزش	۰/۳۹۱	۵/۵۴۶
مشوق وابسته به سرمایه گذاری	توانمندساز اقتصادی ورزش	۰/۳۲۰	۴/۳۳۵

بر اساس نتایج به دست آمده از مدل تحقیق می توان گفت که عامل ورزشی ($\text{Sig}=0/001$)، عامل سیاسی- قانونی ($t=5/752$, $\text{Sig}=0/001$)، عامل اقتصادی ($t=6/527$, $\text{Sig}=0/001$)، عامل فرهنگی- اجتماعی ($t=7/967$, $\text{Sig}=0/001$) و عامل مشوق وابسته به سرمایه گذاری ($t=4/335$, $\text{Sig}=0/001$) بر توانمندسازی اقتصادی در ورزش اثر مثبت معناداری دارند. همچنین بر اساس مقادیر ضرایب رگرسیون استاندارد شده (بارهای عاملی) می توان گفت که عامل اقتصادی ($\beta=0/506$) و عامل فرهنگی اجتماعی ($\beta=0/417$) بالاترین تأثیر و عامل مشوق وابسته به سرمایه گذاری ($\beta=0/320$) کمترین میزان اثرگذاری بر توانمندسازی اقتصادی در ورزش دارند.

جدول ۵: شاخص های برازش مدل عوامل توسعه سرمایه گذاری در ورزش بر توانمندسازی اقتصادی

شاخص های برازش	مقدار مطلوب	مقادیر شاخص ها	تفسیر
کای اسکوار (کای دو)	-	۹۵۲/۶۶	-
درجه آزادی	-	۲۱۸	-
نسبت کای اسکوار به درجه آزادی (χ^2/df)	کمتر از ۵	۴/۳۷۰	مطلوب
شاخص نیکویی برازش (GFI)	بیشتر از ۰/۹	۰/۹۰۹	مطلوب
شاخص نیکویی برازش تعدیل شده (AGFI)	بیشتر از ۰/۸	۰/۸۱۵	مطلوب
ریشه دوم میانگین خطای برآورد (RMSEA)	کمتر از ۰/۱	۰/۰۹۱	مطلوب
ریشه دوم میانگین مجذورات باقیمانده (RMR)	کمتر از ۰/۰۵	۰/۰۴۴	مطلوب
شاخص برازش تطبیقی (CFI)	بیشتر از ۰/۹	۰/۹۲۱	مطلوب
شاخص برازش هنجار شده (NFI)	بیشتر از ۰/۹	۰/۸۵۵	مطلوب
شاخص برازش افزایشی (IFI)	بیشتر از ۰/۹	۰/۹۲۳	مطلوب

با توجه به شاخص نیکویی برازش (GFI) و شاخص برازش تطبیقی (CFI) به عنوان شاخص‌های اصلی برازش مدل بیشتر از ۰/۹ بوده که نشان از تأیید مدل تحقیق دارد. نسبت کای اسکوار به درجه آزادی (۲/۳۰۲) کمتر از ۵ بوده که به منظور تأیید مدل تحقیق از مقدار قابل قبولی برخوردار است. همچنین مقدار RMSEA برابر با ۰/۰۶۲ می‌باشد و با توجه به اینکه کمتر از ۰/۱ است نشان می‌دهد که مدل قابل قبول می‌باشد. در نهایت مشاهده می‌شود که دیگر شاخص‌های برازش (IFI، NFI، CFI) همگی در سطح خوب و بالا ۰/۹ قرار دارند. در ادامه اثر کلی توسعه سرمایه گذاری در ورزش بر توانمندسازی اقتصادی در ورزش بررسی شده است.



شکل ۳: مدل اثر توسعه سرمایه گذاری بر توانمندسازی اقتصادی در ورزش (ضرایب استاندارد شده)

همان طور که مشاهده می‌شود مقادیر بارهای عاملی (ضرایب استاندارد شده) مربوط به متغیرها (عوامل) توسعه سرمایه گذاری در ورزشی بیشتر از ۰/۳ بوده است که نشان می‌دهد این متغیرهای شاخص‌های مناسبی برای اندازه گذاری سرمایه گذاری در ورزش به شمار می‌روند. همچنین در مورد توانمندسازی اقتصادی در ورزش نیز می‌توان گفت عوامل توانمندسازی اقتصادی شاخص‌های مناسبی برای اندازه گیری آن محسوب می‌شوند.

جدول ۶: اثر توسعه سرمایه گذاری در ورزش بر توانمندسازی اقتصادی در ورزش

مسیر	بار عاملی	مقدار t	سطح معناداری
توسعه سرمایه گذاری در ورزش <---	توانمندساز اقتصادی ورزش	۰/۸۳۷	۱۰/۵۶۶
			۰/۰۰۱

با توجه به نتایج مدل مشاهده می‌شود که توسعه سرمایه گذاری در ورزش بر توانمندسازی اقتصادی ورزش اثر مثبت معناداری ($t=10/566$, $Sig=0/001$) با ضریب تأثیر ($\beta=0/837$) دارد.

جدول ۷: شاخص های برازش مدل اثر توسعه سرمایه گذاری در ورزش بر توانمندسازی اقتصادی

تفسیر	مقادیر شاخص ها	مقدار مطلوب	شاخص های برازش
-	۲۲۹/۸۷۴	-	کای اسکوار (کای دو)
-	۵۲	-	درجه آزادی
مطلوب	۴/۴۲۱	کمتر از ۵	نسبت کای اسکوار به درجه آزادی (χ^2/df)
مطلوب	۰/۹۱۹	بیشتر از ۰/۹	شاخص نیکویی برازش (GFI)
مطلوب	۰/۸۵۸	بیشتر از ۰/۸	شاخص نیکویی برازش تعدیل شده (AGFI)
مطلوب	۰/۰۹۳	کمتر از ۰/۱	ریشه دوم میانگین خطای برآورد (RMSEA)
مطلوب	۰/۰۳۴	کمتر از ۰/۰۵	ریشه دوم میانگین مجذورات باقیمانده (RMR)
مطلوب	۰/۹۳۰	بیشتر از ۰/۹	شاخص برازش تطبیقی (CFI)
مطلوب	۰/۹۱۱	بیشتر از ۰/۹	شاخص برازش هنجار شده (NFI)
مطلوب	۰/۹۳۰	بیشتر از ۰/۹	شاخص برازش افزایشی (IFI)

نتایج مربوط به شاخص های برازش مدل اثر توسعه سرمایه گذاری در ورزش بر توانمندسازی اقتصادی گزارش شده است. همانطور که مشاهده می شود مقادیر GFI و CFI به عنوان شاخص های اصلی برازش بیشتر از ۰/۹ بوده که نشان دهنده قابل قبول بودن برازش مدل است. همچنین نسبت کای اسکوار به درجه آزادی ۴/۴۲۱ کمتر از ۵ به دست آمده است. در نهایی مقادیر RMR کمتر از ۰/۰۵ و مقدار RMSEA نیز کمتر از ۰/۱ به دست آمده است. در نتیجه با توجه به مقادیر می توان گفت که مدل اثر توسعه سرمایه گذاری در ورزش بر توانمندسازی اقتصادی ورزشی از برازش کافی برخوردار است.

بحث و نتیجه گیری

به منظور اثرات توسعه سرمایه گذاری در ورزش بر توانمندسازی اقتصادی در صنعت ورزش از روش مدل یابی معادلات ساختاری استفاده گردید. بر اساس نتایج به دست آمده از مدل تحقیق عامل وابسته به ورزش، عامل سیاسی- قانونی، عامل اقتصادی، عامل فرهنگی- اجتماعی، عامل مدیریتی- اجرایی و عامل مشوق وابسته به سرمایه گذاری بر توانمندسازی اقتصادی در ورزش اثر مثبت معناداری دارند. همچنین بر اساس مقادیر ضرایب رگرسیون استاندارد شده (بارهای عاملی) می توان گفت که عامل اقتصادی و عامل فرهنگی اجتماعی بالاترین تأثیر و عامل مشوق وابسته به سرمایه گذاری کمترین میزان اثرگذاری بر توانمندسازی اقتصادی در ورزش دارند. براساس یافته های تحقیق عوامل ورزشی به عنوان یکی از مؤلفه های تأثیرگذار توسعه سرمایه گذاری در ورزش، این بعد در مؤلفه های زیر مجموعه ی خود شامل مؤلفه هایی است که مستقیماً به ورزش مربوط می باشند و اگر توسعه ی سرمایه گذاری در ورزش اتفاق بیفتد می تواند یکی از این دلایل باشد. انواع ورزش ها و کیفیت ورزش ها و همچنین کیفیت داوران و مربیان و حتی تماشاچیان موجب توسعه ی سرمایه گذاری هستند. شدت و زمان ورزش ها موجب توسعه سرمایه گذاری است. رویدادهای ورزشی به علت جذب بسیاری از ببیننده های ورزشی، در صورت اجرای با کیفیت می تواند یکی از عوامل مهم توسعه ی سرمایه گذاری باشد. نتایج همسو با یافته های الهی (۱۳۸۷) و هانس و گوئیر (۱۹۹۲) کرامپتون (۲۰۱۴) و فرازایانی (۱۳۹۵) می باشد. هانس و گوئیر

(۱۹۸۶) نشان دادند که مهم ترین عامل در رونق و جذب سرمایه گذاری در ورزش حرفه ای و قهرمانی، افزایش تعداد تماشاگران است و یا کرامپتون (۲۰۱۴) جذب سرمایه هواداران و فروش سهام را از عوامل جذب سرمایه بخش خصوصی در تاسیسات مورد نیاز ورزش قهرمانی شناسایی کردند و یا کارمین و همکاران (۲۰۱۴) نشان دادند که برگزاری یونورسیاد دانشجویی بین المللی سبب جذب سرمایه گذاری شده است. که جذب بازیکنان معروف به طور همزمان موفقیت ورزشی باشگاه‌ها، ارتقای وجه باشگاه‌ها و در نتیجه جذب مانع مالی بیشتر از حامیان مالی، صحنه گذاری و در نهایت افزایش قیمت سهام باشگاه را به همراه خواهد داشت، که با نتایج تحقیق حاضر همسو می‌باشد. الهی (۱۳۸۷) نیز نشان دادند نهادهای حمایتی سازمان یافته هواداری به عنوان یکی از عوامل های جذب حامیان مالی معرفی نموده است که نتایج تحقیق حاضر همخوانی دارد. به هر حال یکی از عوامل بسیار مهم و تاثیرگذار در رشد اقتصادی صنعت ورزش و توسعه سرمایه گذاری جذب و حفظ تماشاگران و هواداران با هویت باشگاه و کیفیت داوران و مربیان است که دارای نقش انکار ناپذیری در ادامه حیات ورزش و توسعه هستند. هنگامی که این عوامل به صورت سازماندهی شده و در قالب تشکلهای مشخص به حمایت بپردازند باشگاه‌ها و سازمان های ورزشی از جنبه اقتصادی از آن سود خواهد برد. امروزه سرمایه گذاری بخش خصوصی بر روی استعدادهای ورزشی و موجب برقراری یک رابطه برد برد بین سرمایه گذار بخش خصوصی و ورزشکار و نیز باعث ارتقای ورزشی قهرمانی در کشور می شود، کمیته ملی المپیک آمریکا و فدراسیون های ورزشی با این رویکرد و اجرای آن در صدر ورزش قهرمانی جهان قرار گرفته اند. نوع ورزش ها، محبوبیت ورزشکاران، تماشاگران و هواداران و داشتن مربیان طراز اول جهانی باعث ترغیب و ایجاد امید در بخش خصوصی برای سرمایه گذاری در ورزش می شود. همچنین تقویت نوع ورزش مثلا بانوان و ایجاد زیرساخت های لازم برای حضور زنان به عنوان نیمی از جمعیت جامعه در ورزشگاه ها باعث رونق بلیت فروشی و تقویت حق پخش تلویزیونی خواهد شد و به دنبال آن سرمایه گذاری نیز افزایش می یابد.

یکی از ابعاد مهم خروجی، بعد سیاسی قانونی است که در مولفه‌ی اول می توان به توسعه ی محیط قانونی و سیاسی کشور در محیط بین المللی پرداخت که خاص حقیقی و حقوقی ایجاد می‌کند که برای تنظیم این روابط لازم است زمینه های حقوقی مناسب فراهم شود. به بیان دیگر توسعه اقتصادی و سرمایه گذاری صنعت ورزش بدون توسعه حقوقی و قانونی لازم میسر نخواهد. دنیا پاداش (۱۳۸۸) نیز در تحقیق خود مبنی بر بررسی عوامل مؤثر بر خصوصی سازی باشگاه های ورزشی عوامل حقوقی و قانونی را در رتبه دوم عنوان کرد. الهی و همکاران (۱۳۸۸) نیز نشان داد موانع موجود در توسعه ی درآمدزایی حاصل از حمایت مالی تنها به عوامل مدیریتی محدود نمی‌شود و موانع اقتصادی و قانونی نیز نقشی در عدم توسعه ی حمایت مالی ایفا می کنند. در نتیجه لازم است نسبت به ساماندهی بسترهای سیاسی حقوقی و قانونی مناسب برای سرمایه‌گذاران نیز اقدام شود که از جمله آنها می توان به برطرف کردن موانع قانونی واگذاری باشگاه های ورزشی، ایجاد قوانین و مقررات لازم به منظور خصوصی سازی ورزش، برطرف کردن ابهامات قوانین و مقررات در حوزه سرمایه گذاری، تصویب آیین نامه های اجرایی مناسب و بسیاری از موارد دیگر اشاره کرد.

یکی دیگر از ابعاد مهم بدون شک بعد اقتصادی است که مؤلفه های اصلی تامین کننده ی اهداف سرمایه گذار را می توان در این بعد در نظر گرفت. رسیدن به سود، شفاف بودن مدیریت

مالی باشگاه ها و سازمان های ورزشی و همچنین ایجاد ساختار و ساز و کار مالی قدرتمند و همچنین از همه این موارد مهم تر که بسیاری از متخصصین به آن اشاره کرده اند رسیدن به ثبات اقتصادی در کشور و سازمان های تابعه است که در توسعه ی سرمایه گذاری نقش بسزایی دارند، پاداش (۱۳۸۸)، علی دوست قهفرخی (۱۳۸۹) و جلالی فراهانی (۱۳۹۲) شفاف سازی اطلاعات مالی و اقتصادی، سلیمانی (۱۳۹۳) تأثیر مثبت عوامل مالی و سرمایه گذاری و دخالت های اقتصادی دولت در امور اقتصادی بر پیشبرد خصوصی سازی در ورزش و خسروی زاده (۱۳۹۳) موانع اطلاعاتی و بازار سرمایه را عنوان می کنند که با یافته های مطالعه حاضر همراستا است. الفندی و سگوئین (۲۰۱۶) محیط های اقتصادی را به عنوان یک مانع در کسب و کار در ورزش بیان کرد. الهی و همکاران (۱۳۸۸)، محیط نامطمئن اقتصادی و ریسک بالای سرمایه گذاری در ورزش کشور را یکی از موانع توسعه صنعت باشگاه داری حرفه ای فوتبال ایران می داند. منابع اقتصادی از عوامل ضروری برای توسعه ورزش می باشد. منابع مالی و اقتصادی برای برنامه های ورزشی به عنوان درونداد^۱ می باشند. مثال های زیادی از ملتها وجود دارد که با سرمایه گذاری باعث بهبود ورزش های خود شدند و این سرمایه گذاری ها اغلب بعد از شکست در رویدادهای بین المللی بوده است. تحقیقات نشان داده است که نقش دولت ها در فراهم کردن منابع اقتصادی و مالی برای ورزش بسیار حیاتی می باشد و دولت ها با فراهم کردن حمایت های مالی راه موفقیت ورزش و توسعه سرمایه گذاری را هموار می سازند. بی شک در صورتی که سیاست گذاری های اقتصادی در راستای ایجاد فضای باز و مبتنی بر آزادسازی اقتصادی به منظور دستیابی به بازارهای جدید، سرمایه های خارجی و فناوری نوین تعریف شود و اقداماتی در راستای افزایش ثبات اقتصادی صورت پذیرد، ریسک سرمایه گذاری کاهش خواهد یافت و به تبع آن، جریان سرمایه گذاری داخلی و خارجی در کشور افزایش خواهد یافت. از این رو تا زمانی که عوامل مذکور در ساختار اقتصادی کشور وجود داشته باشد، صنعت ورزش کشور نیز مانند دیگر صنایع متأثر از چنین فضایی خواهد بود و کل نظام اقتصادی کشور از تأثیرات فزاینده سرمایه گذاری های بخش خصوصی بی بهره خواهد ماند. در این راستا باید هرچه سریع تر اقتصاد کشور با مالکیت دولتی خداحافظی کند و انحصارها را بشکند و به دنبال ایجاد فضای رقابتی بر آن باشد. یکی از مؤلفه های مهم توسعه سرمایه گذاری در ورزش عامل فرهنگی اجتماعی می باشد. این بعد تمایل افراد بیشتر جامعه به ورزش می باشد که هر چه این آمار بیشتر باشد سرمایه گذاری توسعه ی بیشتری خواهد یافت. تمایل بین سازمانی موجب رشد بیشتر آمار ورود سرمایه گذاران در این حوزه می باشد. ایجاد فرهنگ سرمایه گذاری در کشور و مخصوصا در حوزه ی دانش افزایی می تواند در توسعه سرمایه گذاری نقش بسزایی داشته باشد. رسانه یکی از مهم ترین عوامل توسعه ی سرمایه گذاری است که با ایجاد برنامه های حمایتی و یا بهتر دیده شدن سرمایه گذاران و برندهای آنان می باشد. عسکرزاده (۱۳۸۸) نشان داد عوامل عوامل اجتماعی بیشترین تأثیر را در جذب سرمایه گذاری داشته است. هیوم و استوارت (۲۰۱۷) در پژوهش خود بیان کردند که یکی از علل سرمایه گذاری بالای کشورها در زمینه توسعه ورزش، تأثیر بر شرایط اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی یک جامعه بوده است که همسو با یافته پژوهش حاضر می باشد. الفندی و سگوئین (۲۰۱۶) نیز یکی از موانع مهم کسب و کار ورزشی را عامل فرهنگی اجتماعی بیان کرده است. نتایج تحقیقات ذکر شده با

یافته‌های تحقیق حاضر همخوانی دارد. بنابراین، تلاش برای ایجاد فرهنگ ورزش و فعالیت‌بدنی و از بین بردن برخی از نگرش‌های منفی نسبت به مشارکت در این گونه فعالیت‌ها، به ویژه در مورد بانوان، ضروری است. می‌توان با اتخاذ مکانیسم‌های فرهنگی - اجتماعی نظیر آموزش سبک زندگی ورزش محور، ترغیب بانوان جامعه جهت گرایش به سمت ورزش، بالا بردن امنیت شهرها، تقویت و ارتقای سلامت عمومی و افزایش گرایش جوانان به تفریحات سالم، کاهش محدودیت‌های فرهنگی زنان و نهادینه کردن ورزش در جامعه، زمینه‌های مختلف فرهنگی اجتماعی که باعث افزایش میزان مشارکت افراد به ورزش می‌شود را فراهم کرد. لذا پیشنهاد می‌شود که دولت‌ها و مدیران برای برون رفت از این مشکل، به اثربخشی و کارایی بخش خصوصی اعتماد داشته باشد و بخش خصوصی را به عنوان یک مولد بسیار خوب در کنار خود پذیرش نماید و این اعتماد و نگرش خوشبینانه را با فرهنگ‌سازی مناسب از طریق صدا و سیما و ...، در بین مردم و جامعه، ساری و جاری نماید. همچنین با ایجاد تعهد اجتماعی زمینه مشارکت تمام گروه‌های ذی‌نفع در فرآیند سرمایه‌گذاری ورزش را فراهم نماید.

یکی از ابعاد مهم بعد مدیریتی اجرایی است. اجرای اصول مدیریتی نظیر برنامه ریزی، سازماندهی، تصمیم‌گیری و نظارت دقیق از موارد مهم توسعه‌ی سرمایه‌گذاری است که باید مناسب برای ورود سرمایه‌گذار باشد. تامین زیرساخت‌های اجرایی نظیر امکانات و تسهیلات مادی و همچنین فراهم کردن فضای امن سرمایه‌گذاری را می‌توان از عوامل مهم توسعه‌ی سرمایه‌گذاری دانست. در نتیجه باید از طریق تدوین و تنظیم و برنامه ریزی و مدیریت برنامه‌های مطلوب و فراهم نمودن تسهیلات لازم و مناسب و منطبق بر اصول و موازین علمی راه را برای رسیدن به این اهداف هموار نمود. تعیین اهداف طولانی مدت دیدی جامع به فرد می‌دهد که به سایر جنبه‌های تصمیم‌گیری شکل می‌دهد و نقش موثری را در توسعه سرمایه‌گذاری ورزش در ابعاد مختلف ایفا کند. عسکرازاده (۱۳۹۰) حوزه‌ی زیرساخت‌های فیزیکی را مهمترین عامل در جهت خصوصی‌سازی ورزش دانسته، (علیدوست قهفرخی، ۱۳۸۹؛ جلالی فراهانی، ۱۳۹۴) عدم هماهنگی واحدهای اجرایی و تعدد مراجع تصمیم‌گیری و زمان‌بر بودن آن، (رضوی، ۱۳۸۳) اصلاح ساختار موجود ورزش کشور را ضروری می‌داند، و تأخیرها و پیچیدگی‌های بوروکراتیک را از موانع خصوصی‌سازی ورزش کشور شمرده‌اند که با نتایج تحقیق حاضر همخوانی دارد. موفقیت در هیچ زمینه‌ای و تحت هیچ شرایطی، جز با وجود نیروی متخصص و به کار بردن اصول صحیح مربوط به آن حیطه امکان پذیر نمی‌شود. موضوع سرمایه‌گذاری نیز از این قاعده مستثنی نیست. بررسی در مورد مشکلات مدیریت حمایت‌های مالی و سرمایه‌گذاری و اقدام در جهت رفع آنها می‌تواند تا حد قابل توجهی رضایت خاطر سازمان‌های ورزشی و حامیان مالی را حاصل کند. بر این اساس توصیه می‌شود تا با بهره‌گیری از الگوهای کشورهای موفق در زمینه سرمایه‌گذاری ورزش (البته نه با تقلید)، تدوین و اجرای برنامه جامع و استفاده از روش‌های مناسب در واگذاری‌ها نظیر روش تدریجی و مرحله‌ای و با نگاه بلند مدت و تخصصی در مدیریت فرآیند سرمایه‌گذاری ورزش کشور در جهت مهیا نمودن زیر ساخت‌ها و انجام الزامات ضروری قبل، حین و بعد از اجرای سرمایه‌گذاری برنامه ریزی نماید.

یکی از ابعاد مهم دیگر عامل مشوق وابسته به سرمایه‌گذاری است. با توجه به شرایط حضور سرمایه‌گذاران در حیطه‌های مختلف می‌توان با ایجاد مشوق‌های مالی نظیر حمایت‌های قانونی حذف مالیاتی و از این دست اقدامات مسیر ورود و رسیدن به اهداف را در شرکت‌های

سرمایه‌گذار ورزشی توسعه داد. ایجاد ظرفیت های ممکن برای ورود سرمایه گذاران یکی از مولفه‌های مهمی است که سبب ماندگاری بیشتر سرمایه گذاران می شود. آموزش سرمایه گذاران و مدیران ورزشی نیز یکی از ارکان مهم توسعه ی سرمایه گذاری باشد. هر چه بهتر دیده شدن سرمایه گذاران در بین دست اندرکاران ورزشی مانند تماشاچیان و همچنین ساختار حمایتی و روانی مسئولین شرکت ها و سازمان های تاثیرگذار بسیار دخیل است. نتایج همسو با یافته های افشاری و همکاران (۱۳۹۶) و فرازبانی (۱۳۹۵) می باشد. افشاری و همکاران (۱۳۹۶) نشان داد که سرمایه گذاری و حمایت مالی از عوامل مهم در توسعه اقتصاد ورزشی می باشد. تدوین یک الگوی واحد برای وضعیت حقوقی و تشویق ها و حمایت های دولتی از سرمایه گذاران به گونه‌ای که بتواند اهداف تجاری و ورزشی را همزمان برآورده سازد، سبب بهبود وضعیت عوامل موثر بر توسعه سرمایه گذاری می شود. مشوق‌های سرمایه گذاری همچون (تصویب و اجرای قانون معافیت مالیاتی اسپانسرهای تیم‌های ورزشی، افزایش تعرفه‌های تبلیغات برای شرکت‌ها در جراید و روزنامه‌ها، ایجاد تسهیلاتی از سوی صدا و سیما برای اسپانسرهای ورزشی، تدوین آیین‌نامه‌ها و فرم‌های قرارداد حمایت مالی، ایجاد آژانس‌های تخصصی بازاریابی ورزشی در کشور، افزایش تعرفه‌های تبلیغات برای شرکت‌ها در تلویزیون) عامل هایی است که می تواند در این راه موثر باشد. تدوین قوانین و مشوق‌هایی برای اسپانسرها بدون تردید علاقه‌مندی آن‌ها را برای سرمایه‌گذاری افزایش داده، به آن‌ها اطمینان بیش‌تری برای دستیابی به اهداف خود خواهد داد.

جهت بررسی برازش عوامل موثر بر توسعه سرمایه گذاری در ورزش از تحلیل عاملی استفاده گردید. بر اساس یافته‌های مدل تحلیل عاملی تأییدی مرتبه دوم عوامل اثرگذار بر توسعه سرمایه‌گذاری در ورزش نشان می‌دهد که مدل مرتبه دوم عوامل اثرگذار بر توسعه سرمایه‌گذاری که شامل عامل عوامل وابسته به ورزش، عامل سیاسی- قانونی، عامل اقتصادی، عامل فرهنگی- اجتماعی، عامل مدیریتی- اجرایی، مشوق وابسته به سرمایه‌گذاری در ورزش می باشد، مناسب بوده و تمامی شاخص‌ها و مؤلفه‌ها از مقادیر تی و بار عاملی قابل قبولی برخوردار بوده اند. همچنین مقادیر شاخص‌های برازندگی مدل اندازه‌گیری مرتبه دوم عوامل اثرگذار بر توسعه سرمایه‌گذاری ورزش نشان‌دهنده قابل قبول و مناسب بودن شاخص‌های برازندگی (تناسب) و در نتیجه، برازش و مطلوب بودن مدل اندازه‌گیری تحلیل عاملی مرتبه دوم است. نتایج همسو با یافته های فرازبانی (۱۳۹۵) و افشاری و همکاران (۱۳۹۶) می باشد. فرازبانی (۱۳۹۵) در تحقیق خود به طراحی الگوی سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در ورزش ایران پرداخت. یافته‌های پژوهش حاکی از این بود که داده‌های این پژوهش با ساختار عاملی و زیربنای نظری تحقیق در مدل‌های تدوین‌شده برازش (ورزش قهرمانی، ورزش حرفه‌ای، ورزش تربیتی و ورزش همگانی) مناسبی دارد و این بیانگر همسو بودن سؤالات با سازه‌های نظری تحقیق بود. به عبارتی مدل به کار گرفته شده، یک مدل نظری قوی برای طراحی مدل عوامل موثر بر توسعه سرمایه گذاری صنعت کشور است و بارهای عاملی یا توانایی تبیین متغیر جذب سرمایه گذاری صنعت ورزش در شش دسته شامل عامل وابسته به ورزش، عامل سیاسی-قانونی، عامل اقتصادی، عامل فرهنگی-اجتماعی، عامل مدیریتی-اجرایی، مشوق وابسته به سرمایه‌گذاری تقسیم شدند. با به کار بردن این عوامل و اجرایی کردن آن‌ها می توان سرمایه گذاری بخش های مختلف در ورزش کشور را بهبود بخشید و به جذب منابع سرمایه در ورزش کشور پرداخت.

توانمندسازی اقتصادی در هر کشوری و شرایط مطلوب آن، نشانگر وضعیت قابل قبول در زمینه سرمایه گذاری و فعالیت های اقتصادی است. در واقع یکی از محرک های اصلی پیشرفت و توسعه اقتصادی، افزایش و جذب سرمایه گذاری در ورزش هاست و در نتیجه افزایش سرمایه گذاری همراه با توانمندی اقتصادی این حوزه می باشد. جونز (۲۰۰۷) بیان کرد که توسعه سرمایه گذاری از یک سو موجب جذب سرمایه های غیر کارا و هدایت آن ها به بخش های مولد اقتصادی گردیده و از سوی دیگر با توجه به جهت گیری سرمایه گذاران سرمایه گذاری ها در صنایعی هدایت خواهند شد که از سود بیشتر یا ریسک کمتری برخوردارند و این امر موجب تخصیص بهینه در منابع خواهد شد. در این راستا می توان بیان کرد که صنعت ورزش یکی از صنایع نوین در اقتصاد بین المللی طی دهه های اخیر نقش مولدی ایفا نموده و برای سرمایه گذاری های کلان اقتصادی بیش از پیش برای هر کشوری تأثیرگذار است. تقویت سلامتی جسمی در جامعه، رشد اقتصادی ناشی از تأثیرات آن در روح و جسم نیروی کار و ایجاد امنیت در اثر جلوگیری از روی آوری جوانان به رفتارهای خلاف، از دیگر ابعاد مهمی است که موجب توجه بیشتر فعالان اقتصادی به مقوله ورزش شده است. نقش درآمد ملی در موفقیت ورزشی نشان دهنده آن است که ورزش یک بخش حاشیه ای در کشورها نیست، بلکه ورزش نیز مانند سایر بخش های اقتصادی، اجتماعی و آموزشی با آخرین سیستم های علمی و مدیریتی برنامه ریزی و هدایت می شود که بر روی توانمندسازی اقتصادی ورزش کشور تأثیر مستقیمی دارد. در صورتی که سیاست گذاری های اقتصادی در راستای ایجاد فضای باز و مبتنی بر آزادسازی اقتصادی به منظور دستیابی به بازارهای جدید و سرمایه گذاران جدید سرمایه های خارجی و فناوری نوین اقتصادی تعریف شود و اقداماتی در راستای افزایش ثبات اقتصادی صورت پذیرد، ریسک سرمایه گذاری کاهش خواهد یافت و به تبع آن، جریان سرمایه گذاری کشور افزایش خواهد یافت و می تواند در توسعه توانمندسازی اقتصادی موثر واقع شود. از این رو تا زمانی که شاخصه های موثر در عامل اقتصادی همچون فراهم کردن سود سرمایه گذار و ایجاد نظام بازاریابی ورزشی، ایجاد ساز و کار اقتصادی، ثبات و قدرت اقتصادی برای سرمایه گذاران وجود داشته باشد سبب بهبود توانمندی اقتصادی می گردد. از این رو لازم است که با ایجاد فضای مطمئن اقتصادی برای ورود سرمایه گذاران، ثبات در سیاست های پولی و مالی کشور، ایجاد ساختار رقابتی در اقتصاد ورزش، احیای حقوق قانونی باشگاه ها و نهادهای ورزشی جهت استفاده از اسپانسرینگ، اطلاع رسانی مناسب در مورد حضور برندهای سرمایه گذار ورزشی، نظام مند کردن تبلیغات، برند و بازاریابی ورزشی، نرخ سود پایین تسهیلات طولانی مدت و ... سبب افزایش توانمندی اقتصادی در صنعت ورزش گردید. دسترسی به بازار مصرف، سبب ایجاد اطمینان خاطر بیشتری برای سرمایه گذاران جهت حمایت مالی می شود، حس امنیت مالی را در آن ها به وجود می آورد و سبب می شود سرمایه گذاران امکان یکپارچه سازی منابع انسانی، تجمع سرمایه های کوچک و ایجاد اشتغال با شرایط آسان و در نتیجه توانمندسازی در ابعاد مختلف را فراهم می کنند. به طور کلی می توان بیان کرد که به طور عام، سرمایه گذاران بالقوه تمایل دارند تا در بخش هایی سرمایه گذاری نمایند که تا حدی از بازگشت سرمایه شان اطمینان یافته و نسبت به گزینه های موجود دیگر ریسک کمتری را تجربه نمایند. به بیان دیگر از نظر اقتصادی، در هر صنعتی که میزان ریسک برای سرمایه بالا باشد، حرکت سرمایه در آنجا کند و در هر صنعتی که میزان بازدهی انتظاری سرمایه بالاتر باشد حرکت

سرمایه در آن جا سریع تر خواهد بود. نتایج پژوهش هودا^۱ (۲۰۰۱) نیز با یافته های حاضر همخوانی دارد. وی اصل انتظار سود حاصل از سرمایه گذاری را مهمترین عامل در جذب سرمایه گذاری داخلی و خارجی حامیان مالی در ورزش می داند. در این راستا در صورتی که مدیران و مسئولان امر بتواند به طور اساسی در فرایند توسعه اقتصادی گام بردارد و به یک وضعیت تمام عیار مبدل گردد، محیط مطمئن اقتصادی برای سرمایه گذاری بوجود خواهد آمد و مانع مذکور نیز خود به خود حل خواهد شد. همچنین به لحاظ فرهنگی اجتماعی، پی نبردن جامعه به مفهوم سرمایه به عنوان عامل حرکت دهنده اقتصاد می تواند به نفی مفهوم سرمایه گذاری منجر شود و دفاع از سرمایه گذاری با مقاومت مواجه خواهد شد. اگر موضوعاتی همچون سرمایه گذاری های مولد در افکار جامعه از نظر مزایا و نتایج آن ها به عنوان ارزش بیان شود و رابطه پیوسته و نزدیک میان توسعه و نظام اقتصادی و همچنین سرمایه گذاری در نظام فکری افراد و جامعه وجود داشته باشد، فضای فرهنگی جامعه برای سرمایه گذاری مساعد شده، موجب اعتماد به نفس سرمایه گذاران و مدیران خواهد شد (رهبر، ۱۳۸۶). ازین رو، باوجود زمان بر بودن کارهای فرهنگی اجتماعی، به نظر می رسد بتوان با اتخاذ راه کارهایی مناسب و طی برنامه های کوتاه مدت و بلندمدت به ارتقای فرهنگ سرمایه گذاری و مشارکت سرمایه گذاران ورزشی کمک نمود. سرمایه گذاری در ورزش از جمله سرمایه گذاری هایی است که دارای دوران باروری هم کوتاه مدت و هم درازمدت می باشد. که با پرداختن به آن می توان نتایج اجتماعی فرهنگی و نتایج اقتصادی شایان توجهی را به دست آورد و در تأمین نیازهای جامعه و رفاه ملی و بهبود توانمندی های اقتصادی کوشید. بنابراین با توجه به نتایج تحقیقات انجام گرفته شده در این حوزه، استقرار و پیاده سازی مناسب توسعه سرمایه گذاری در ورزش مثمر ثمر می باشد، مسلم است برای استفاده از مزایای استقرار و پیاده سازی توسعه سرمایه گذاری نمی توان بدون طرح و برنامه پیش رفت. با توجه به ویژگی های خاص صنعت ورزش، موضوعی که اهمیت دارد ارائه یک مدل بومی و خاص به منظور توسعه سرمایه گذاری در صنعت ورزش و تاثیراتش بر روی توانمندسازی اقتصادی، استقرار و پیاده سازی آن می باشد که نتایج این پژوهش می تواند در این راستا موثر باشد. بر مبنای کلیه نظریه ها و پیشینه بیان شده در این پژوهش بر کسی پوشیده نیست که در کلیه صنایع از جمله ورزش، توسعه سرمایه گذاری منجر به رشد و پیشرفت در برخی ابعاد آن صنعت خاص می شود. همچنین این تحقیق به طور مشخص به دنبال این امر مهم مسلم بود که چگونه و بر چه متغیرهایی در توانمندسازی اقتصادی در ورزش کشور حایز اهمیت است، چرا که نتایج تحقیق بیان داشت توسعه سرمایه گذاری در ورزش می تواند منجر به توسعه رفتار مصرف کنندگان ورزشی و دسترسی بهتر به بازار فروش و مواردی از این دست گردد. با تاکید بر توانمندسازی ظرفیت های ورزشی داخلی، باید فرایندهای گرفتن مجوزها و روند تولید تسهیل شود و جوانان ایرانی با تکیه بر توان و دانش داخلی می توانند زمینه رشد اقتصادی را در صنعت ورزش ایران فراهم کنند.

پیشنهادهای

۱. برپایه مدل حاضر می توان فرایند توسعه سرمایه گذاری ورزش ایران را بر نقش توانمندسازی اقتصادی تجزیه و تحلیل کرد و به نوعی به دسته بندی جدید دست یافت که مبتنی بر نظرات خبرگان ایرانی است. این مدل، چارچوبی مناسب و بومی برای مطالعات در این حوزه است و به عنوان مقدمه ای به منظور توسعه سرمایه گذاری و توانمندسازی اقتصادی می تواند مبنای

عمل قرار گیرد و شناختی کلان و جامع برپایه شناسایی عوامل کلیدی نقش‌های اثر گذار بر توسعه سرمایه گذاری در ورزش و چگونگی تعامل آنها با یکدیگر پدید می‌آورد؛ این مدل می‌تواند مبنای عقلانی سرمایه گذاری ورزش ایران قرار گیرد که قابلیت ارزیابی مستمر را ایجاد می‌کند.

۲. نتایج حاصل از پژوهش لزوم اهتمام به جذب سرمایه گذاران را آشکار می‌سازد که با اثربخشی تبلیغات، افزایش میزان سرمایه گذاری بخش‌های مختلف و روی کارآمدن شرکت‌های مختلف تولیدی و خدماتی این امر محقق می‌شود. در این راستا دولت می‌تواند با حمایت از شرکت‌های خصوصی و ارائه تسهیلات و اعطای معافیت‌های مالیاتی سبب ورود شرکت‌ها به ورزش و سرمایه گذاری شوند.

۳. پیشنهاد می‌شود با ایجاد سیستم یکپارچه مدیریتی و ایجاد ثبات مدیریتی در فدراسیون‌های ورزشی بر بسیاری از عوامل مهم در سرمایه گذاری صنعت ورزش ازجمله عوامل مالی و اقتصادی، عوامل تبلیغاتی و بازاریابی و حقوقی و قانونی، اجتماعی و ... می‌تواند تأثیرگذار باشد.

۴. با توجه به برازش مطلوب به دست آمده از مدل مدل نظری قوی برای طراحی مدل عوامل جذب سرمایه گذاری در صنعت ورزش، می‌توان بیان داشت وجود امنیت برای سرمایه‌گذاران و انجام حمایت‌های لازم، مانند اعطای تسهیلات و معافیت‌ها و تخفیف‌های مالیاتی مناسب، انگیزه‌های حضور بخش خصوصی در زیر مجموعه‌های مختلف تربیت بدنی و ورزش را فراهم و با توجه به موانع دیگر و تمرکز بر ایجاد راهکارهایی جهت توسعه این امر احتمالاً می‌تواند موجب سرمایه گذاری و مشارکت بخش خصوصی در ورزش شود.

۵. با توجه به عامل اقتصادی، ضرورت ایجاد بخش بازاریابی ورزشی در درون حوزه‌ی طرح و برنامه تربیت بدنی وزارت علوم، وزارت ورزش و جوانان، فدراسیون‌ها، هیئت‌های ورزشی و ... اجتناب‌ناپذیر است. این بخش در بسیاری از فدراسیون‌های ورزشی دنیا وجود دارد لذا پیشنهاد می‌شود بخش بازاریابی ورزشی در فدراسیون‌ها، سازمان‌ها و ادارات تربیت بدنی ایجاد شود و با استفاده از متخصصان امر و با دانش، استفاده از خبرگان و سرمایه‌گذاران در زمینه توسعه بازاریابی و درآمدزایی قدم برداشت.

۶. با در نظر گرفتن نقش مهم برنامه ریزی و مدیریت پیشنهاد می‌شود برنامه ریزی‌های لازم برای جذب حامیان مالی بالاخص سازمان‌ها و صنایع بزرگ برای توسعه ورزش صورت پذیرد. ازین رو لازم است که مدیرانی که در این راستا تخصص و توانایی لازم را دارند استفاده نمود تا با استفاده از مهارت‌های ارتباطی، مدیریت و توانمندی‌های خود بتوانند زمینه‌ساز حضور سرمایه‌گذاران صنایع بزرگ در زمینه ورزش شوند.

۷. با توجه به عامل وابسته به ورزش در توسعه سرمایه گذاری، پیشنهاد می‌شود مسئولین ورزشی در جهت بالا بردن سطح کیفیت مسابقات و رویدادهای ورزشی تلاش نموده و با افزایش رسانه‌ها در میادین ورزشی، سطح مخاطبان، تماشاچیان و طرفداران تیم‌ها را افزایش دهند.

۸. با توجه به نقش حقوقی سیاسی پیشنهاد می‌شود مسئولین مربوطه در جهت اصلاح قوانین مربوط به رعایت حق پخش تلویزیونی که در تقویت تیم‌ها و باشگاه‌های ورزشی نقش مؤثری دارد و ایجاد قوانینی چون قانون حق مؤلف و قوانین مربوط به بلیت فروشی توسط

باشگاه‌ها و همچنین اجرایی نمودن قوانین مربوط به خصوصی نمودن واحدهای صنعتی و باشگاه‌های ورزشی که زمینه‌ساز ایجاد اقتصاد رقابتی و حضور سرمایه گذاران می‌باشند، اقدام‌های لازم را به عمل آورند.

۹. با توجه به تأثیر عوامل اقتصادی-بازاریابی پیشنهاد می‌شود مدیران و برنامه‌ریزان ورزش با ایجاد فرصتی از طریق برگزاری دوره‌ها و کارگاه‌های آموزشی بازاریابی ورزشی برای مسئولین هیئت‌ها و تیم‌های ورزشی و استفاده‌ی کاربردی تکنیک‌ها و فنون بازاریابی در مسابقات و میادین ورزشی و تشکیل کمیته‌ها، آژانس‌های تخصصی بازاریابی ورزشی در تیم‌ها و هیئت‌های ورزشی، نقش مفیدی ایفا نمایند.

۱۰. با توجه به عوامل و موانع های فرهنگی اجتماعی پیشنهاد می شود که دولت به اثربخشی و کارایی بخش خصوصی و همچنین سرمایه گذاران صنایع اعتماد داشته باشد و آن ها را به عنوان یک مولد بسیار خوب در کنار خود پذیرش نماید و این اعتماد و نگرش خوشبینانه را با فرهنگ سازی مناسب از طریق صدا و سیما و...، در بین مردم و جامعه، جاری نماید. همچنین با ایجاد تعهد اجتماعی زمینه مشارکت تمام گروه‌های ذی نفع در فرآیند ترغیب سرمایه‌گذاران ورزش را فراهم نماید.

منابع

- احسانی، محمد؛ ابودردا، زینب و اقبالی، مسعود. (۱۳۸۷). «بررسی علل عدم حمایت اسپانسرها از ورزش حرفه ای بانوان شهر اصفهان». نشریه علوم حرکتی و ورزش. سال ۶، شماره ۱۲، صص ۱۱۱-۱۲۰.
- الهی، علیرضا؛ سجادی، نصرالله؛ خبیری، محمد و ابریشمی، حمید. (۱۳۸۸). «موانع موجود در توسعه جذب درآمد حاصل از حمایت مالی در صنعت فوتبال جمهوری اسلامی ایران». نشریه مدیریت ورزشی. شماره ۱، صص ۱۸۹-۲۰۲.
- افشاری، مصطفی؛ هنری، حبیب و سیدعامری، میرحسن. (۱۳۹۶). «تحلیل عوامل موثر بر توسعه اقتصادی صنعت ورزش ایران». دهمین همایش بین المللی علوم ورزشی، تهران، ۴۴.
- بخشنده، حسین. (۱۳۹۸). «برآورد مدل رشد اقتصادی صنعت ورزش ایران و رتبه بندی عوامل موثر با رویکرد ترکیبی SWOT-AHP». رساله دکتری، پژوهشگاه تربیت بدنی و علوم ورزشی.
- سجادی، سید احمد؛ راسخ، نازنین؛ رضوی، سید محمدحسین و دوستی، مرتضی. (۱۳۹۶). «مطالعه تطبیقی ساختار ورزش ایران و کشورهای منتخب اروپا». مطالعات راهبردی ورزش و جوانان. ۱۶(۳۶)، صص ۲۳-۴۲.
- پاداش، دنیا و سلطان حسینی، محمد. (۱۳۹۱). «تعیین و اولویت بندی عوامل مدیریتی و اجرایی موثر بر خصوصی سازی باشگاه هایی ورزشی با روش AHP». مطالعات مدیریت ورزشی. ۱۵، صص ۴۷-۶۲.
- دادی، جمشید. (۱۳۹۵). «واکاوی موانع و محدودیت های توانمندسازی اقتصادی خانوارهای ساکن در روستاهای مرزی (مطالعه موردی: منطقه سیستان)». پایان نامه کارشناسی ارشد، جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشگاه زابل.
- جلالی فراهانی، مجید و علیدوست قهفرخی، ابراهیم. (۱۳۹۲). «تحلیل موانع اقتصادی مور بر اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی در ورزش حرفه ای ایران». مطالعات مدیریت ورزشی. ۵(۱۹)، ۱۲۸، صص ۱۰۹-۱۲۸.
- خزایی، علی؛ هنری، حبیب و شهلائی باقری، جواد. (۱۳۹۷). «شناسایی چالش های پیاده سازی اقتصاد مقاومتی در صنعت ورزش کشور». مطالعات مدیریت ورزشی. ۱۰(۴۹)، صص ۵۹-۷۸.
- خسروی زاده، اسفندیار؛ بهرامی، علیرضا و حقدادی، عابد. (۱۳۹۳). «موانع سرمایه گذاری و مشارکت بخش خصوصی در ورزش استان مرکزی». مطالعات مدیریت ورزشی. ۶(۲۴)، صص ۲۰۷-۲۲۲.
- ده حقی، سمیه؛ چیدری، محمد و صدیقی، حسن. (۱۳۹۳). «نقش تعاونی های کشاورزی در توانمندسازی اجتماعی زنان روستایی». فصلنامه تعاون و کشاورزی. سال ۳، شماره ۱۱، صص ۱-۲۴.
- رهبر، فرهاد؛ خامنه، فرشید مظفری محمدی، شاپور. (۱۳۸۶). «موانع سرمایه گذاری و تأثیر آن بر رشد اقتصادی در ایران». مجله تحقیقات اقتصادی. شماره ۸۱، صص ۱۱۱-۱۳۸.

- رضایی، شمس الدین. (۱۳۹۵). اقتصاد ورزش، اوقات فراغت و گردشگری. چاپ اول، ایلام: انتشارات دانشگاه ایلام.
- فرازبانی، فاتح. (۱۳۹۵). «طراحی الگوی سرمایه گذاری بخش خصوصی در ورزش ایران». دانشگاه پیام نور، رساله دکتری تخصصی.
- سلیمانی، طیبه؛ قره خانی، حسن؛ ساقی، جواد، و فولادی حیدرلو، سودابه. (۱۳۹۳). «بررسی نقش عوامل اقتصادی بر خصوصی سازی در ورزش از دیدگاه کارشناسان». تهران، هشتمین همایش بین المللی تربیت بدنی و علوم ورزشی.
- عسگرزاده، مریم و حیدری نژاد، صدیقه. (۱۳۹۰). «بررسی عوامل مور بر جذب سرمایه گذاری در ورزش استان خوزستان». مطالعات مدیریت ورزشی، ۳(۱۲)، صص ۷۴-۶۱.
- غفوری، فرزاد و هنرور، افشار. (۱۳۸۶). «نظر متخصصان درباره اثر جهانی سازی بر راهبردهای تربیت بدنی و ورزش». پژوهش در علوم ورزشی. ۱۷، صص ۵۱-۶۱.
- قاسمی، رضا؛ جوادی پور، محمد و ترکفر، احمد. (۱۳۹۴). «شناسایی موانع بازاریابی ورزشی ایران از دیدگاه مدیران ورزشی کشور». نشریه مدیریت ورزشی، ۷(۶)، صص ۸۴۶-۸۲۹.

- Ashburn, K., & Warner, A. (2010). "Can economic empowerment reduce vulnerability of girls and young women to HIV?" Emerging insights. International Center for Research on Women: Washington DC, USA, 210.
- Alafandi, Ahmed & Séguin., Benoit (2008). "Sport Marketing in Egypt". Prospective Challenges and franchise value report. 2008, 1-3.
- Chow Hsueh-wen; Ling Guo-Jie; Yen L-yin; Hwang Kuo-Ping. (2017). "Building brand equity through industrial tourism". Asia Pacific Management Review 2017, 2(2), 70-79.
- Crompton, J. L. (2014). "Proximate development: an alternate justification for public investment in major sport facilities?" Managing Leisure, 19(4): 263-282.
- Johnston, K., Wattie, N., Schorer, J., & Baker, J. (2018). "Talent identification in sport: a systematic review". Sports Medicine, 48(1), 97-109.
- Jones, C. P. (2007). Investments: analysis and management. John Wiley & Sons, 45.
- Hansen, H., & Gauthier, R. (1989). "Factors affecting attendance at professional sport events". Journal of sport management, 3(1), 15-32.
- Howard, D., & Crompton, J. (2004). Financing Sport. Morgantown, WV: Fitness Information Technology, Inc.2.
- Huda, H. (2001). Investors' opinions about sports marketing in Bahrain.40.
- Hume, P. A., & Stewart, A. D. (2018). "Physique assessment in youth sports for talent identification and development". In Best Practice Protocols for Physique Assessment in Sport (pp. 3-10): Springer.
- Kabeer, N. (2012). "Women's economic empowerment and inclusive growth: labour markets and enterprise development". International Development Research Centre, 44(10), 1-70.

- Kramin, T., Safiullin, L., & Timiryasova, A. (2014). **"Defining Priorities of Management of Investment Attractiveness of the Region and their Consideration in the Framework of Implementing Large Sports Events1"**. Mediterranean Journal of Social Sciences, 5(18), 275.
- Luiz, J. M., & Fadal, R. (2011). **"An economic analysis of sports performance in Africa"**. International Journal of Social Economics.
- Nauright, J., & Ramfjord, J. (2010). **"Who owns England's game? American professional sporting influences and foreign ownership in the Premier League"**. Soccer & Society, 11(4), 428-441.
- Pruna, R., Miñarro Tribaldos, L., & Bahdur, K. (2018). **"Player talent identification and development in football"**. Apunts Sports Medicine, 53(198), 43-46.
- Santo, C. (2005). **"The economic impact of sports stadiums: Recasting the analysis in context"**. Journal of Urban Affairs, 27(2), 177-192.
- Sarmiento, H., Anguera, M. T., Pereira, A., & Araújo, D. (2018). **"Talent identification and development in male football: A systematic review"**. Sports Medicine, 48(4), 907-931.
- Weiss, A. (2011). **Principles of Sociology of Sport**. Kramtallh translation firm. In: Reed Publishing Press.336
- Yongjae Kim Stephen D. Ross. (2006). **"An exploration of motives in sport video gaming"**. International Journal of Sports Marketing and Sponsorship, Vol. 8 Iss 1 pp. 28 – 40.

نقش دولت در توسعه بکارگیری انرژی تجدیدپذیر در اماکن ورزشی (یک مطالعه آمیخته اکتشافی با روش فراترکیب)

صمد گودرزی^۱

قدرت الله باقری راغب^۲

ابراهیم علیدوست قهفرخی^۳

حمیدرضا یزدانی^۴



10.22034/SSYS.2022.788.1544

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۲/۲۷

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۸/۴/۲۶

هدف از این پژوهش، بررسی نقش دولت در توسعه بکارگیری انرژی تجدیدپذیر در اماکن ورزشی بود. روش انجام آن آمیخته اکتشافی بود. در بخش کیفی به منظور شناسایی ابعاد نقش دولت بر توسعه بکارگیری انرژی تجدیدپذیر از روش فراترکیب استفاده گردید. در بخش کمی ابتدا با نظرسنجی خبرگان روایی مدل تائید و سپس با استفاده از تحلیل عاملی تائیدی به بررسی برازش مدل پرداخته شد. جامعه مورد بررسی در مرحله فراترکیب پایان نامه ها و مقالات پژوهشی مرتبط با موضوع (۳۵ مورد)، در مرحله نظرسنجی خبرگان ۷ نفر از خبرگان دانشگاهی صاحب نظر در حوزه انرژی تجدیدپذیر و در مرحله تحلیل عاملی تاییدی مدیران و کارشناسان سازمان انرژی های تجدیدپذیر، مدیران شرکت های فعال در حوزه انرژی تجدیدپذیر، مدیران و کارشناسان شرکت توسعه و تجهیز اماکن ورزشی و واحدهای تابعه و خبرگان دانشگاهی صاحب نظر در انرژی تجدیدپذیر (۶۷۶ نفر) بودند. روش نمونه گیری در مرحله اول و دوم تمام شمار و در مرحله

۱- دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)
E-mail: S.goodarzi@ut.ac.ir

۲- دانشیار، مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

۳- دانشیار، مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

۴- استادیار، مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

● نقش دولت در توسعه بکارگیری انرژی تجدیدپذیر در اماکن ورزشی (یک مطالعه آمیخته اکتشافی با روش فراترکیب)

تحلیل عاملی طبقه‌ای بود که بر اساس جدول مورگان ۲۴۰ نفر محاسبه شد. در مرحله فراترکیب ۲۶ کد شناسایی شده به ۵ مفهوم، سیستم سیاسی، سیاست‌ها و راهبردهای انرژی، وضعیت اقتصادی دولت، حمایت دولت و ساختار بخش انرژی تقسیم گردید. روایی مدل به روش سیگمای شمارشی ۰/۸۹۳ به دست آمد. نتایج تحلیل عاملی تأییدی نشان داد که مدل از برازش مناسبی برخوردار است و کدها و مفاهیم شناسایی شده در توسعه بکارگیری انرژی تجدیدپذیر در اماکن ورزشی نقش دارند. به طور کلی نتیجه گرفته می‌شود که نقش دولت یک نقش سیاست‌گذاری و حمایتی است تا زمینه لازم برای استفاده اماکن ورزشی از انرژی تجدیدپذیر فراهم شود.

واژگان کلیدی: دولت، انرژی تجدیدپذیر، اماکن ورزشی و فراترکیب.

مقدمه

امروزه با تبدیل ورزش به پدیده اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی خیلی مهم، بسیاری از مردم در جوامع مختلف به اهمیت ورزش در حفظ سلامتی، نشاط و شادابی، افزایش توانایی‌های جسمی و روانی پی برده‌اند و به ورزش‌های تفریحی یا اوقات فراغت و عده‌ای نیز به عنوان ورزشکار حرفه‌ای به ورزش‌های قهرمانی یا رقابتی می‌پردازند. به طور حتم ورزش‌های اوقات فراغت یا ورزش قهرمانی همه در اماکن و تأسیسات ورزشی انجام می‌گیرند (جلالی فراهانی، ۱۳۹۰: ۲۳). این اماکن دارای مصرف انرژی بسیار بالایی هستند (پاناراس و همکاران^۱، ۲۰۱۹: ۶۵۱)؛ به طوری که نیازهای انرژی مراکز ورزشی قابل مقایسه با دیگر استفاده‌کنندگان معمولی انرژی نظیر خانه‌ها و ادارات نمی‌باشد (نورد و همکاران^۲، ۲۰۱۵: ۵۷). مصرف انرژی بیش از ۳۰ درصد کل هزینه‌های مربوط به اماکن ورزشی را شامل می‌شود. این هزینه‌ها مربوط به مصرف انرژی جهت گرمایش (آب و فضا) و انرژی الکتریکی (گرمای اماکن، سرما و تهویه) و روشنایی و تجهیزات می‌باشد (گودرزی، ۱۳۹۷: ۳). در عصر حاضر بیشترین میزان انرژی مورد استفاده کشورها از طریق منابع انرژی تجدیدناپذیر و سوخت‌های فسیلی مانند زغال سنگ، نفت و گاز طبیعی تأمین می‌شود (نتونا و همکاران^۳، ۲۰۱۵: ۳). اما استفاده از این سوخت‌ها سبب انتشار گازهای آلاینده شده و به شدت منجر به آلودگی محیط زیست می‌گردد. از سوی دیگر در سال‌های اخیر میزان ذخیره این منابع انرژی رو به کاهش نهاده و حداکثر تا پایان قرن حاضر به اتمام خواهند رسید. از اینرو جهان در تکاپوی گذر از این تنگنای انرژی به منابع تجدیدپذیر چشم دوخته و در راستای تکوین و توسعه بهره‌وری از آن به سرعت گام برمی‌دارد (نادری و محمودیان، ۱۳۹۵: ۶۰). انرژی تجدیدپذیر به انواعی از انرژی گفته می‌شود که بر خلاف انرژی‌های تجدیدناپذیر قابلیت بازگشت مجدد را به طبیعت دارند (یو و همکاران^۴، ۲۰۱۹: ۷۶). انرژی‌های بادی، خورشیدی، زمین گرمایی، زیست توده، زیست سوخت، نیروی برق آبی از جمله این انرژی‌ها به شمار می‌روند (پافیفر و مولدر^۵، ۲۰۱۳: ۲۸۹). استفاده از منابع انرژی تجدیدپذیر دارای اثرات متعددی در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و زیست‌محیطی می‌باشد (بوهلن و همکاران^۶، ۲۰۱۹: ۸۳۴). انرژی تجدیدپذیر یک عامل مهم برای ایجاد توسعه پایدار است (گامیفی و همکاران^۷، ۲۰۱۸: ۸۱). پیش‌بینی می‌شود سهم انرژی تجدید شدنی برای نیازهای انرژی جهان در سال ۲۰۷۰ تا سطح ۶۰ درصد افزایش می‌یابد. از اینرو، درک انرژی تجدیدشدنی در همه بخش‌های جامعه برای دستیابی به هدف کاهش تقاضای ما برای سوخت‌های فسیلی مهم است. این مساله یک مساله جهانی است

1. Panaras et al.
2. Nord et al.
3. Ntona et al.
4. Yu et al.
5. Pfeiffer & Mulder
6. Bohlmann
7. Gyamfi

● نقش دولت در توسعه بکارگیری انرژی تجدیدپذیر در اماکن ورزشی (یک مطالعه آمیخته اکتشافی با روش فراترکیب)

و شامل هر بخش تجاری از جمله ورزش می باشد که باید به عنوان یک اولویت مدیریتی در نظر گرفته شود (چارد و مالن^۱، ۲۰۱۳: ۵۱۲۳). در سطح بین‌المللی توسعه پایدار و محیط زیست به شدت از سوی کمیته بین‌المللی المپیک به عنوان مهم‌ترین سازمان ورزشی دنیا مورد توجه قرار گرفته است (جلالی فراهانی، ۱۳۹۰: ۷۸)؛ به طوری که ملاحظات زیست محیطی و تعهدات حفاظت از آن، از ملاک‌های مهم اعطای امتیاز میزبانی به شهرهای داوطلب برگزاری بازی‌های المپیک قرار گرفته است (جلالی فراهانی، ۱۳۹۰: ۷۹). از این رو، کمیته بازی‌های المپیک ۲۰۲۰ توکیو متعهد شده است تا با همکاری مقامات شهری توکیو بازی‌ها را طوری مدیریت کنند که توسعه پایدار تضمین شود (فام^۲، ۲۰۱۵: ۹). به این منظور آنها استفاده از منابع انرژی تجدیدپذیر در اماکن ورزشی مربوط به بازی‌ها را توسعه داده‌اند تا مقدار کمتری دی اکسید کربن منتشر شود (فام، ۲۰۱۵: ۹). یکی دیگر از هزاران نتیجه مثبتی که با توسعه بکارگیری انرژی تجدیدپذیر در اماکن ورزشی می توانند رخ دهند برندسازی و افزایش شهرت آن مجموعه ورزشی است (چارد و مالن، ۲۰۱۳: ۵۱۲۹). انرژی خورشیدی، بادی، زیست توده و زمین‌گرایی از منابع انرژی تجدیدپذیر هستند که می‌توانند به منظور تامین انرژی در اماکن ورزشی مورد استفاده قرار گیرند (کالیز و همکاران^۳، ۲۰۱۸: ۲۱۸۲). امروزه بیشتر کشورهای اروپایی از انرژی سبز و تجدیدپذیر در اماکن ورزشی خود استفاده می‌کنند (اسمالدز^۴، ۲۰۰۶: ۱۷). اما در ایران با وجود اینکه پتانسیل منابع تجدیدپذیر بسیار زیاد است، تاکنون به نحو شایسته‌ای مورد بهره برداری قرار نگرفته است و اماکن ورزشی نیز هنوز به شکل سنتی مدیریت می‌شوند و علیرغم بخشنامه وزارت ورزش و جوانان مبنی بر استفاده از انرژی‌های سبز و تجدیدپذیر در اماکن ورزشی، این نوع انرژی هیچ جایگاهی در تامین انرژی مورد نیاز آنها ندارد. این در حالی است که تعداد ۲۲۶۱۷ مکان ورزشی فعال در کشور وجود دارد و هر روزه در اماکن ورزشی انرژی به صورت میلیون کالری مصرف می‌شود. به خصوص با اجرای طرح ملی هدفمندسازی یارانه‌ها، اجرای این اقدامات برای ادامه حیات اماکن ورزشی ضروری می‌باشد (میرزاحسینی، ۱۳۹۰: ۳۶). موانع مختلفی وجود دارد که مانع توسعه بکارگیری انرژی تجدیدپذیر در کشور و اماکن ورزشی می‌شود که در پژوهش‌های مختلف به بررسی آن‌ها پرداخته شده است. جعفری (۱۳۹۵) موانع شناختی، موانع مدیریتی، موانع سیاسی، موانع فرهنگی، موانع اجرایی، موانع محیطی و موانع اقتصادی را از مهم‌ترین موانع طراحی و ساخت اماکن ورزشی سبز برشمردند. دیتریش و ملویل^۵ (۲۰۱۱) در پژوهش خود دریافتند که موانع بازار و عدم آشنایی مدیران و مالکان اماکن ورزشی، سرمایه‌گذاری در انرژی تجدیدپذیر در اماکن ورزشی را محدود کرده‌اند. چارد و مالن (۲۰۱۳) نداشتن استراتژی و برنامه

1. Chard & Mallen
2. Pham
3. Calise
4. Smulders
5. Dietrich & Melville

خاص را از مهم‌ترین موانع بکارگیری انرژی سبز در اماکن ورزشی کانادا برشمردند. چارنی و همکاران^۱ (۲۰۱۵) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که هزینه نصب و راه‌اندازی پنل‌های خورشیدی و مدت زمان بازگشت سرمایه عامل تعیین‌کننده‌ای برای استفاده در اماکن ورزشی خواهد بود. برای توسعه بکارگیری انرژی سبز در اماکن ورزشی باید بر این موانع غلبه کرد. رسیدگی به تعدادی از این موانع، مستلزم مداخله دولت خواهد بود (وایت و همکاران^۲، ۲۰۱۳: ۱۰۱). به طور کلی توسعه انرژی تجدیدپذیر یک چالش سیاسی است و بدون مداخله دولت امکانپذیر نخواهد بود (برک و همکاران^۳، ۲۰۱۸: ۸۳). اما تا کنون پژوهشی تجربی به مطالعه تأثیرگذاری ابعاد مختلف نقش دولت در توسعه بکارگیری انرژی تجدیدپذیر در کشور به طور عام و در اماکن ورزشی به طور خاص نپرداخته، این در حالی است که اکثر اماکن ورزشی کشور دولتی هستند. لذا محقق به دنبال شناسایی و مدل‌سازی ابعاد، مولفه‌ها و شاخص‌های نقش دولت در توسعه بکارگیری انرژی تجدیدپذیر در اماکن ورزشی ایران است و می‌خواهد به این سوال پاسخ دهد که دولت چگونه و از چه طریقی بر توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر در اماکن ورزشی اثرگذار است؟

روش‌شناسی پژوهش

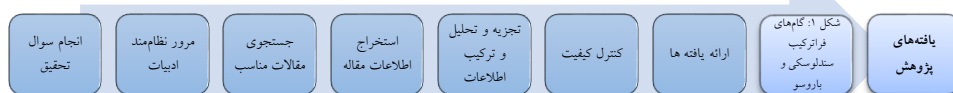
روش کار در این پژوهش آمیخته اکتشافی بود. بر این اساس تحقیق در دو بخش کیفی و کمی انجام گردید. در بخش کیفی با توجه به جدید بودن موضوع و کمبود آشنایی جامع هدف، از روش فراترکیب^۴ با رویکرد ساندلوسکی و باروسو^۵ که شامل هفت مرحله است و در شکل ۱ نشان داده شده است، به منظور شناسایی ابعاد نقش دولت بر توسعه بکارگیری انرژی تجدیدپذیر استفاده شده است. در بخش کمی ابتدا با طراحی پرسشنامه خبره و نظرسنجی از خبرگان روایی مدل تأیید و سپس با استفاده از ابعاد و شاخص‌های به دست آمده در مرحله فراترکیب پرسشنامه طراحی شد و از طریق تحلیل عاملی تأییدی به بررسی برازش مدل در جامعه مورد بررسی (اماکن ورزشی) پرداخت. در مرحله کیفی (فراترکیب) جامعه مورد بررسی در این پژوهش کتب، اسناد و مقالات پژوهشی با موضوع عوامل موثر بر توسعه بکارگیری انرژی تجدیدپذیر (با تأکید بر عوامل دولتی) است که پس از چند مرحله غربالگری ۳۵ مورد وارد فرآیند فراترکیب شد. جامعه آماری در گام اول مرحله کمی (نظرسنجی خبرگان) ۷ نفر از خبرگان دانشگاهی صاحب نظر در حوزه مدیریت انرژی و انرژی تجدیدپذیر بود و در گام دوم مرحله کمی (تحلیل عاملی تأییدی)، جامعه آماری شامل مدیران و کارشناسان سازمان انرژی‌های نو ایران (۲۹۶ نفر)، مدیران شرکت‌های فعال در این حوزه (۱۶۳ نفر)، مدیران و کارشناسان شرکت توسعه و تجهیز اماکن ورزشی و واحدهای تابعه (۱۹۴ نفر) و خبرگان دانشگاهی صاحب نظر در در حوزه مدیریت انرژی و انرژی تجدیدپذیر (۲۳)

1. Charney et al.
2. White et al.
3. Burke
4. Meta-synthesis
5. Sandelowski and Barroso

● نقش دولت در توسعه بکارگیری انرژی تجدیدپذیر در اماکن ورزشی (یک مطالعه آمیخته اکتشافی با روش فراترکیب)

نفر) بودند که در مجموع ۶۷۶ نفر شدند. روش نمونه‌گیری در مرحله اول و دوم تمام‌شمار و در مرحله تحلیل عاملی تأییدی طبقه‌ای بود که بر اساس جدول مورگان حجم نمونه‌ای برابر با ۲۴۰ نفر انتخاب شد با توجه احتمال عدم دریافت پرسشنامه‌های سالم و کامل تعداد ۳۰۰ پرسشنامه توزیع گردید که در نهایت ۲۱۱ پرسشنامه جمع آوری شده و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. برای حصول اطمینان از روایی محتوایی و ظاهری پرسشنامه، ویرایش اولیه آن مورد بررسی متخصصان و صاحب‌نظران در این زمینه قرار گرفت و با توجه به نظرات و پیشنهادهای آن‌ها اصلاحات لازم بر روی سنج‌ها انجام شد و پس از تأیید مورد استفاده قرار گرفت. پایایی آن نیز در یک مطالعه مقدماتی و از طریق آلفای کرونباخ ۰/۸۷ به دست آمد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها در فراترکیب ابتدا کدهای نهایی انتخاب شد و سپس به مفاهیم و مقوله‌ها دسته‌بندی شد. در نظرسنجی خبرگان برای تأیید روایی مدل از روش سیگمای شمارشی استفاده شد و در آخر جهت اعتبار سنجی مدل در جامعه مورد بررسی از تحلیل عاملی مرتبه دوم با استفاده از نرم‌افزار لیزرل^۱ نسخه ۸/۸۰ استفاده شد.

۲۶۰



شکل ۱: گام‌های فراترکیب سندلوسکی و باروسو

یافته‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش در دو بخش کیفی (فراترکیب) و کمی (نظرسنجی خبرگان و تحلیل عاملی تأییدی) قابل ارائه است. نخستین گام در فراترکیب تنظیم پرسش‌های پژوهش است. سوال پژوهش حاضر شناسایی ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های نقش دولت بر توسعه بکارگیری انرژی سبز در اماکن ورزشی است. گام دوم و سوم بررسی نظام‌مند متون و مقالات مرتبط است. در این پژوهش محقق با استفاده از جستجوی سیستماتیک واژگان کلیدی مرتبط فارسی (انرژی سبز، انرژی تجدیدپذیر، انرژی خورشیدی، انرژی بادی، انرژی بیوماس، فتوولتاییک) و لاتین (Green Energy, Renewable Energy, Solar Energy, Wind Energy, Biomass Energy, Photovoltaics) در پایگاه‌های علمی که دانشگاه تهران اشتراک آن را دارد، به بررسی متون پرداخت. علاوه بر این جهت تکمیل جستجو از google scholar نیز استفاده شد، که در مجموع ۲۳۷ مقاله یافت شد که در طول چند مرحله غربالگری مقالاتی که با اهداف پژوهش همخوانی نداشتند از فرآیند پژوهش خارج شدند و ۳۶ مقاله و پایان‌نامه انتخاب شد. در گام بعدی به منظور حذف مقالات بی کیفیت، محقق کیفیت روش‌شناختی مطالعات را با برنامه مهارت‌های ارزیابی حیاتی^۲ ارزیابی کرد. برنامه مهارت‌های ارزیابی حیاتی با ۱۰ سوالی که بر اهداف تحقیق، منطق روش، طرح تحقیق، روش نمونه برداری، جمع آوری داده‌ها، انعکاس‌پذیری که شامل رابطه بین محقق و شرکت‌کنندگان می باشد، ملاحظات اخلاقی، دقت تجزیه و تحلیل داده‌ها، بیان واضح و

1. Lisrel
2. Critical Appraisal Skills Programme (CASP)

روشن یافته‌ها و ارزش تحقیق تمرکز دارد به محقق کمک می‌کند تا دقت، اعتبار، و اهمیت مطالعات کیفی تحقیق را مشخص کند. در این مرحله محقق به هر کدام از این سوالات یک امتیاز کمی بین ۱ تا ۵ می‌دهد و سپس مقالاتی که مجموع امتیاز آن‌ها زیر ۳۰ می‌باشد را حذف می‌کند. که در طی این مرحله یک مقاله حذف و ۳۵ مقاله وارد فرآیند تجزیه و تحلیل شدند. گام چهارم محقق عوامل دولتی موثر بر توسعه بکارگیری انرژی تجدیدپذیر در ۳۵ مقاله باقیمانده را استخراج کرد که ۱۳۷ مورد بود، که با توجه به تکرار بعضی از عوامل در چندین مقاله و با واژه‌های متفاوت آن‌ها را در ۲۶ کد نهایی خلاصه کرد. در مرحله پنجم محقق عوامل (کدها) ارائه شده در مرحله قبل که به صورت کدهای نهایی بیان شده بود را دسته‌بندی می‌کند. به این صورت که تمامی عواملی که از نظر مفهوم در یک دسته قرار می‌گیرند را با هم دسته‌بندی می‌نماید تا مفاهیم شکل گیرد. در این پژوهش محقق ۲۶ کد نهایی را در ۵ مفهوم دسته‌بندی کرد. بعد از ایجاد مفاهیم، مفاهیم شبیه به هم مقوله‌ها را می‌سازند. در این پژوهش تمام ۵ مفهوم ایجاد شده در مرحله قبل در مقوله عوامل دولتی قرار گرفتند. گام ششم کنترل کیفیت پژوهش است که محقق به منظور سنجش پایایی چارچوب طراحی شده نهایی از شاخص کاپا^۱ استفاده کرد. بدین طریق که، شخص دیگری از خبرگان بدون اطلاع از نحوه ادغام کدها و مفاهیم ایجاد شده توسط پژوهشگر، اقدام به دسته‌بندی کدها به مفاهیم کرده است. سپس مفاهیم ارائه شده توسط پژوهشگر با مفاهیم ارائه شده توسط این فرد مقایسه شد. در نهایت با توجه به تعداد مفاهیم ایجاد شده مشابه و مفاهیم ایجاد شده متفاوت، شاخص کاپا محاسبه شد. نحوه محاسبه این شاخص به صورت رابطه ۱ می‌باشد:

$$k = \frac{\text{توافقات شانسی} - \text{توافقات مشاهده شده}}{1 - \text{توافقات شانسی}}$$

محقق کدها را در ۵ مفهوم دسته‌بندی کرده بود و خبره دیگر کدها را در ۶ مفهوم دسته‌بندی کرد که ۵ مفهوم آن شبیه مفاهیم پژوهشگر بود. نتایج در جدول ۱ آورده است.

جدول ۱: نتایج دسته‌بندی پژوهشگر و خبره دیگر

نظر محقق				
مجموع	خیر	بله		
۶	B=۱	A=۵	بله	۱
۰	D=۰	C=۰	خیر	۰
۶	۱	۵	مجموع	۶

$$\begin{aligned} \text{توافقات شانسی} &= \frac{A+B}{N} \times \frac{A+C}{N} \times \frac{C+D}{N} \times \frac{B+D}{N} \\ &= \frac{5+1}{6} \times \frac{5+0}{6} \times \frac{0+0}{6} \times \frac{1+0}{6} = 0 \\ \text{توافقات مشاهده شده} &= \frac{A+D}{N} = \frac{5+0}{6} = 0/833 \end{aligned}$$

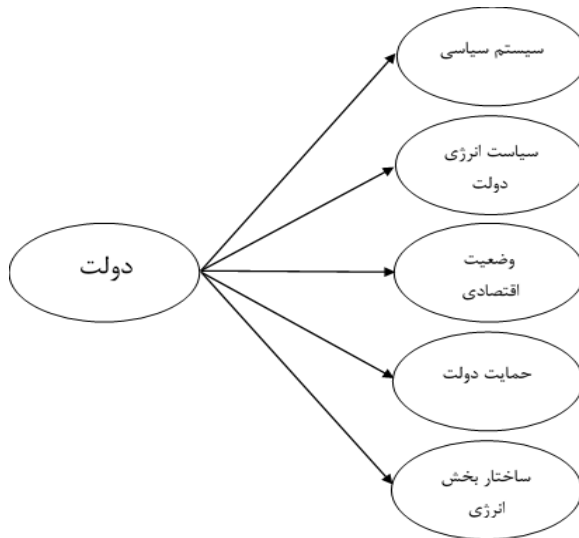
● نقش دولت در توسعه بکارگیری انرژی تجدیدپذیر در اماکن ورزشی (یک مطالعه آمیخته اکتشافی با روش فراترکیب)

$$k = \frac{\text{توافقات شانسی} - \text{توافقات مشاهده شده}}{1 - \text{توافقات شانسی}} = \frac{0/833 - 0}{1 - 0} = 0/833$$

مقدار K محاسبه شده برابر ۰/۸۳۳ است که دارای وضعیت توافقی معتبر می‌باشد. گام هفتم ارائه نتایج است که می‌توان مدلی طراحی کرد، چارچوبی ارائه نمود و یا نتایج را در جدولی به همون صورت ارائه کرد. که نتایج فراترکیب در جدول ۲ و مدل ارائه شده در شکل ۲ آورده شده است:

جدول ۲: نتایج فراترکیب

مفاهیم	کدهای نهایی
سیستم سیاسی	تعهد و حمایت دولت و تصمیم گیرندگان سیاسی از منافع انرژی تجدیدپذیر پاسخگویی دولت در زمینه محیط زیست نوع حکومت منافع دولت مستقر به حفظ وضعیت موجود دولت مرکزی قوی
سیاست‌ها و راهبردهای انرژی	آگاهی دولت و تصمیم گیرندگان سیاسی از منافع انرژی تجدیدپذیر فعالیت گروه‌های سیاسی و فعال در انرژی تجدیدپذیر تصویب و ابلاغ سند راهبردی ملی انرژی تجدیدپذیر سیاست‌های انرژی دولت ثبات سیاست‌های انرژی دولت پایداری راهبرد انرژی تجدیدپذیر
وضعیت اقتصادی کشور	درآمد ملی پایداری اقتصادی محیط اقتصاد کلان مناسب
حمایت دولت	تخصیص منابع مالی از طریق اخذ عوارض مشوق‌های مالی هدفمندسازی یارانه‌ها مشوق‌های سرمایه‌ای حق بیمه برای تجهیزات داخلی نرخ بهره بانکی افزایش قیمت خرید تضمینی برق تجدیدپذیر موافقت نامه خرید برق تضمینی برق
ساختار بخش انرژی	تخصیص منابع مالی صندوق توسعه ملی به این صنعت قدرت سازمان‌ها و موسسات مسئول همراستایی ساختار سیاست‌گذاری و اجرایی انرژی تجدیدپذیر سهولت مراحل اداری صدور مجوز



شکل ۲: مدل برخاسته از پژوهش

روایی مدل حاضر از طریق نظرسنجی خبرگان به دست آمد. برای محاسبه مقدار روایی از روش سیگمای شمارشی استفاده شده است که توسط رابطه (۲) محاسبه می‌شود.

$$IE[X] = \sum_{i=1}^n x_i P(X(x_i))$$

در این روش ابتدا به هر گزینه وزن (X) مناسب می‌دهیم. این وزن‌ها عبارتند از: کاملاً موافق=۱، موافق=۰/۷۵، بی‌نظر=۰/۵، مخالف=۰/۲۵ و کاملاً مخالف=۰. سپس فراوانی (F) هر گزینه را که برابر با مجموع پاسخ‌های داده شده برای هر یک از آن‌هاست محاسبه نموده و با ضرب این مقدار در وزن هر گزینه میزان فراوانی نسبی (P(X)) هر گزینه محاسبه می‌شود. در نهایت با محاسبه مجموع این مقدار عدد روایی به دست می‌آید. محاسبه میزان روایی مدل با استفاده از نظرسنجی خبرگان و به وسیله پرسشنامه با ۲۶ سوال و ارزیابی ۷ خبره در جدول ۳ نشان داده شده است:

جدول ۳: نتایج نظرسنجی خبرگان برای روایی مدل نهایی

متغیر زمانی	X (وزن)	F (فراوانی)	P(X) (فراوانی نسبی)	XP(X)
کاملاً نامناسب	۰	۲	۰/۰۱۰۹	۰
نامناسب	۰/۲۵	۳	۰/۰۱۶۴	۰/۰۰۴۱
تا حدی مناسب	۰/۵	۱۳	۰/۰۷۱۴	۰/۰۳۵۷
مناسب	۰/۷۵	۳۳	۰/۱۸۱	۰/۱۳۵
کاملاً مناسب	۱	۱۳۱	۰/۷۱۹	۰/۷۱۹
جمع		۱۸۲		۰/۸۹۳۸

● نقش دولت در توسعه بکارگیری انرژی تجدیدپذیر در اماکن ورزشی (یک مطالعه آمیخته اکتشافی با روش فراترکیب)

با توجه به نتایج جدول ۳ ملاحظه می‌شود که مقدار روایی برابر با ۰/۸۹۳۸ شده است و نشان دهنده این است که مدل ارائه شده میزان روایی مناسبی دارد. یکی از پیش‌آمدهای انجام تحلیل آماری برای انجام تحلیل عاملی، بررسی نرمال بودن توزیع‌های متغیر داده‌ها است، چرا که در این پژوهش از روش بیشینه درست نمایی برای برآورد پارامترها استفاده شده و این روش بر پیش‌فرض نرمال بودن چند متغیره داده‌ها استوار است؛ بنابراین قبل از ارائه مدل ابتدا وضعیت نرمال بودن داده‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد. نتایج بررسی نرمال بودن متغیرها در جدول ۴ آمده است.

جدول ۴: آمار توصیفی و استنباطی متغیرهای تحقیق

متغیر	چولگی	کشدگی	میانگین	انحراف معیار	مقدار t مشاهده شده
سیستم سیاسی	-۱/۱۰۹	۱/۱۶۵	۳/۷۹۰	۰/۷۱۶	۱۳/۷۴
سیاست‌ها و راهبردهای انرژی	-۱/۰۸۵	۱/۹۸۱	۳/۸۸۶	۰/۶۹۴	۹/۵۵
وضعیت اقتصادی کشور	-۰/۹۳۱	۱/۳۱۲	۴/۰۱۸	۰/۷۰۶	۱۳/۳۷
حمایت دولت	-۱/۴۸۵	-۲/۸۴۷	۴/۱۸۸	۰/۵۶۴	۱۲/۸۵
ساختار بخش انرژی	-۱/۴۵۷	۱/۴۳۹	۳/۸۴۵	۰/۶۸۹/	۲۷/۷۳

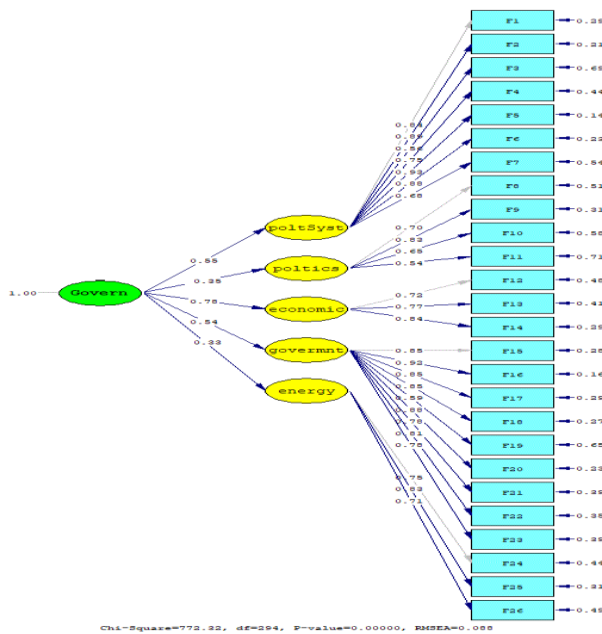
همان‌طور که از جدول ۴ استنباط می‌شود تمامی متغیرها از توزیع مناسبی برخوردارند و میانگین تمامی متغیرها حول عدد ۳ می‌باشد، از طرف دیگر برای داده‌های نرمال، کشیدگی کم‌تر از ۷ و چولگی بین ۳+ و ۳- باشد که با توجه به داده‌های فوق نشانگر نرمال بودن تمامی متغیرهاست.

پس از اطمینان از نرمال بودن توزیع متغیرها با نرم‌افزار لیزرل نسخه ۸/۸۰ و با بهره‌گیری از تحلیل عاملی تأییدی مرتبه دوم به بررسی برازش مدل در جامعه هدف پرداخته شد. شاخص‌های برازش مدل در جدول ۵ آمده است:

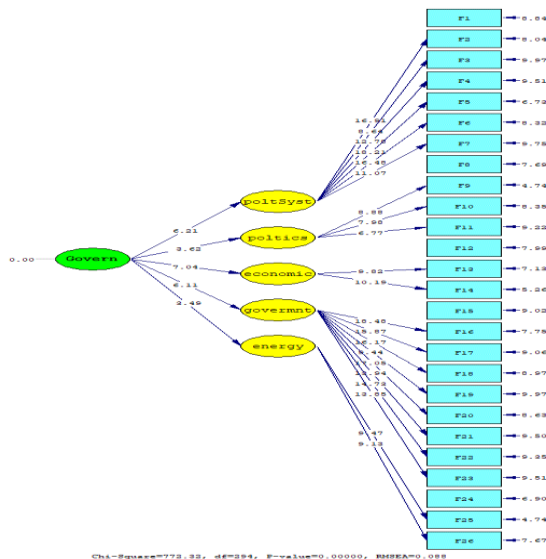
جدول ۵: نتایج برازش مدل

شاخص	GFI	NFI	IFI	CFI	X ² /df	RMSEA
آستانه پذیرش	>۰/۹	>۰/۹	>۰/۹	>۰/۹	<۳	<۰/۱۰
مقدار	۰/۹۰	۰/۹۲	۰/۹۶	۰/۹۶	۱/۵۶۸	۰/۰۶۱

همان‌طور که در جدول ۵ آورده شده است، نسبت کای دو بر درجه آزادی برابر ۱/۵۶۸ و کوچک‌تر از مقدار مجاز ۳ می‌باشد. همچنین RMSEA برابر با ۰/۰۶۱ و کوچک‌تر از ۰/۱۰ می‌باشد. به‌طور کلی مقدار شاخص‌های تناسب حاکی از برازش مناسب مدل است. شکل ۳ و ۴ خروجی لیزرل را در حالت ضرایب استاندارد و اعداد معناداری نشان می‌دهد.



شکل ۳: ضرایب استاندارد مدل



شکل ۴: اعداد معناداری مدل

خلاصه بارهای عاملی و مقدار t مفاهیم مختلف مقوله‌ها در جدول ۶ آورده شده است:

● نقش دولت در توسعه بکارگیری انرژی تجدیدپذیر در اماکن ورزشی (یک مطالعه آمیخته اکتشافی با روش فراترکیب)

جدول ۶: خلاصه بارهای عاملی و مقدار t مفاهیم مختلف مقوله‌ها

متغیرهای پنهان	متغیرهای مشاهده شده	بار عاملی	آماره t-value	سطح معناداری
سیستم سیاسی	حمایت دولت و تصمیم گیرندگان سیاسی از منافع انرژی تجدیدپذیر	۰/۸۴		۰/۰۰۱
	پاسخگویی دولت در زمینه محیط زیست	۰/۸۹	۱۶/۹۱	۰/۰۰۱
	نوع حکومت	۰/۵۶	۸/۶۴	۰/۰۰۱
	منافع دولت مستقر به حفظ وضعیت موجود	۰/۷۵	۱۲/۷۸	۰/۰۰۱
سیاست‌ها و راهبردهای انرژی	دولت مرکزی قوی	۰/۹۲	۱۸/۲۱	۰/۰۰۱
	آگاهی دولت و تصمیم گیرندگان سیاسی از منافع انرژی تجدیدپذیر	۰/۸۸	۱۶/۴۸	۰/۰۰۱
	فعالیت گروه‌های سیاسی و فعال در انرژی تجدیدپذیر	۰/۶۸	۱۱/۰۷	۰/۰۰۱
	تصویب و ابلاغ سند راهبردی ملی انرژی تجدیدپذیر	۰/۷۰		۰/۰۰۱
وضعیت اقتصادی کشور	سیاست‌های انرژی دولت	۰/۸۲	۸/۸۸	۰/۰۰۱
	ثبات سیاست‌های انرژی دولت	۰/۶۵	۷/۹۸	۰/۰۰۱
	پایداری راهبرد انرژی تجدیدپذیر	۰/۵۴	۶/۷۷	۰/۰۰۱
	درآمد ملی	۰/۷۲		۰/۰۰۱
حمایت دولت	پایداری اقتصادی	۰/۷۷	۹/۸۲	۰/۰۰۱
	محیط اقتصاد کلان مناسب	۰/۸۴	۱۰/۱۹	۰/۰۰۱
	تخصیص منابع مالی از طریق اخذ عوارض	۰/۸۵		۰/۰۰۱
	مشوق‌های مالی	۰/۹۲	۱۸/۴۸	۰/۰۰۱
ساختار بخش انرژی	هدفمندسازی یارانه‌ها	۰/۸۵	۱۵/۸۷	۰/۰۰۱
	مشوق‌های سرمایه‌ای	۰/۸۵	۱۶/۱۷	۰/۰۰۱
	حق بیمه برای تجهیزات داخلی	۰/۵۹	۹/۴۴	۰/۰۰۱
	نرخ بهره بانکی	۰/۸۸	۱۷/۰۵	۰/۰۰۱
ساختار بخش انرژی	افزایش قیمت خرید تضمینی برق تجدیدپذیر	۰/۷۸	۱۲/۹۴	۰/۰۰۱
	موافقت نامه خرید برق تضمینی برق	۰/۸۱	۱۴/۷۳	۰/۰۰۱
	تخصیص منابع مالی صندوق توسعه ملی به این صنعت	۰/۷۸	۱۳/۸۵	۰/۰۰۱
	قدرت سازمان‌ها و موسسات مسئول	۰/۷۵		۰/۰۰۱
سهولت مراحل اداری صدور مجوز	همراستایی ساختار سیاست‌گذاری و اجرایی انرژی تجدیدپذیر	۰/۸۳	۹/۴۷	۰/۰۰۱
	سهولت مراحل اداری صدور مجوز	۰/۷۱	۹/۱۲	۰/۰۰۱

همان گونه که در شکل ۳ و ۴ و جدول ۶ مشاهده می‌شود دولت مرکزی قوی، پاسخگویی دولت در زمینه محیط زیست، آگاهی دولت و تصمیم‌گیرندگان از منابع انرژی تجدیدپذیر، سیاست‌های انرژی دولت، محیط اقتصادی کلان مناسب، مشوق‌های مالی، نرخ بهره بانکی، هدفمندسازی یارانه‌ها، موافقت‌نامه‌های خرید تضمینی برق تجدیدپذیر و همراستایی ساختار سیاست‌گذاری و اجرایی انرژی تجدیدپذیر دارای بیشترین بار عاملی هستند و بالطبع بیشترین اهمیت و نقش را در توسعه بکارگیری انرژی سبز در اماکن ورزشی دارند و باید به آنها توجه ویژه

داشت. تمامی مقادیر t نیز خارج از بازه ی ۱/۹۶ و ۱/۹۶- می باشند که حاکی از معنی دار بودن در سطح اطمینان ۹۵٪ می باشد.

بحث و نتیجه گیری

هدف از این تحقیق، بررسی نقش دولت بر توسعه بکارگیری انرژی تجدیدپذیر در اماکن ورزشی ایران بود. که به روش آمیخته اکتشافی انجام شد. در بخش کیفی با استفاده از فراترکیب عوامل دولتی موثر بر توسعه بکارگیری انرژی تجدیدپذیر در اماکن ورزشی (سیستم سیاسی، سیاست‌ها و راهبردهای انرژی، وضعیت اقتصادی دولت، حمایت دولت و ساختار بخش انرژی) شناسایی گردید. در بخش کمی ابتدا با نظرسنجی خبرگان روایی مدل و سپس با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی برازش مدل مورد تأیید قرار گرفت. در ادامه به بررسی هر کدام از ابعاد نقش دولت در توسعه بکارگیری انرژی تجدیدپذیر در اماکن ورزشی پرداخته می‌شود. بی شک محیط سیاسی هر کشوری یکی از عوامل موثر بر توسعه بکارگیری هر فناوری است. در تحقیقات الهی و همکاران (۱۳۹۴)، معادی رودسری و همکاران (۱۳۹۶)، وستن‌هگن و بیلهرز^۱ (۲۰۰۶)، سیلوا^۲ (۲۰۰۸)، آداجی^۳ (۲۰۰۹)، مینارد^۴ (۲۰۱۰)، برنز و همکاران^۵ (۲۰۱۳)، انصاری و همکاران^۶ (۲۰۱۳)، دارمانی و همکاران^۷ (۲۰۱۴)، هویبرشت و مرتنس^۸ (۲۰۱۴)، لوترا و همکاران^۹ (۲۰۱۵)، یون و سیم^{۱۰} (۲۰۱۵)، انگلکن و همکاران^{۱۱} (۲۰۱۶) و کان ستر و همکاران (۲۰۱۸) به تأثیر سیستم سیاسی کشور بر توسعه فناوری انرژی تجدیدپذیر اشاره کرده است. با سیاست‌های داخلی و خارجی دولت و تعامل آن با کشورهای دیگر و تعهد به موافقت‌نامه‌های بین‌المللی که در حمایت و بکارگیری انرژی سبز و تجدیدپذیر و حفاظت از محیط زیست که در سازمان‌های ورزشی و غیر ورزشی بین‌المللی منعقد شده است می‌تواند از آژانس‌ها، سازمان‌های ورزشی و غیر ورزشی و بانک‌های بین‌المللی مروج انرژی تجدیدپذیر خدمات دریافت کند و اینگونه زمینه لازم را برای توسعه این فناوری در کشور و اماکن ورزشی فراهم آورند. همچنین برای انتقال تکنولوژی و خرید فناوری‌های روز انرژی تجدیدپذیر برای استفاده در اماکن ورزشی نیازمند تعامل با محیط بین‌المللی هستیم. انتقال فناوری روز که بی شک از پیشرفته‌ترین فناوری‌های موجود در این حوزه برای استفاده در اماکن ورزشی در جهان هستند نیز سبب بهبود کارایی و رضایت مدیران و استفاده‌کنندگان می‌شود و تمایل به استفاده از آن را در اماکن ورزشی افزایش می‌دهد. آشنایی سیاست‌گذاران و مدیران عالی ورزش و اماکن ورزشی کشور از انرژی سبز و تجدیدپذیر و مزایای آن یکی دیگر از عوامل موثر بر توسعه بکارگیری این فناوری در اماکن ورزشی است. آشنایی این افراد با انرژی تجدیدپذیر و ضرورت و اهمیت آن باعث می‌شود تا حمایت بیشتری از این فناوری

1. Wüstenhagen & Bilharz
2. Silva
3. Adachi
4. Maynard
5. Byrnes
6. Ansari
7. Darmani
8. Huybrechts & Mertens
9. Luthra
10. Yoon, J. H. & Sim
11. Engelken

● نقش دولت در توسعه بکارگیری انرژی تجدیدپذیر در اماکن ورزشی (یک مطالعه آمیخته اکتشافی با روش فراترکیب)

شود و قوانین و مقرراتی در حمایت از توسعه بکارگیری آن چه در سطح ملی و چه در سطح اماکن ورزشی تصویب شود. ثبات سیاسی و قدرت دولت مرکزی یکی دیگر از عوامل موثر برای توسعه بکارگیری فناوریهای انرژیهای تجدیدپذیر می باشد. زیرا قدرت و ثبات سیاسی دولت ها ضامن اجرایی شدن سیاست ها و قانون و مقررات آنان در زمینه بکارگیری هر فناوری نوین است. سیاست های انرژی کشور یکی دیگر از عوامل بسیار مهم در توسعه بکارگیری انرژی تجدیدپذیر در اماکن ورزشی است. تحقیقات دولال و همکاران^۱ (۲۰۱۳)، هیسکانن و ماتسوشس^۲ (۲۰۱۷)، برنز و همکاران (۲۰۱۳)، بونک^۳ (۲۰۱۴)، لی و همکاران^۴ (۲۰۱۵)، ایکههما و همکاران^۵ (۲۰۱۷)، لوسی^۶ (۲۰۱۱)، انصاری و همکاران (۲۰۱۳)، دارمانی و همکاران (۲۰۱۴)، حافظنیا و همکاران^۷ (۲۰۱۷) و یاقوت و همکاران^۸ (۲۰۱۶) به اهمیت سیاست های انرژی دولت در توسعه انرژی تجدیدپذیر اشاره شده است. سیاست انرژی شیوه ای است که دولت تصمیم گرفته است به مسائل مربوط به توسعه انرژی از جمله تولید، توزیع و مصرف انرژی بپردازد. وجود یک سیاست انرژی روشن و با ثبات که از انرژی تجدیدپذیر حمایت می کند یک شرط لازم برای توسعه آن است. این سیاست باید تمام تلاش های سازمان های مختلف مسئول را مدنظر قرار دهد. زیرا این نوع انرژی بر خلاف انرژی فسیلی نیاز به سرمایه گذاری اولیه زیادی دارد و دیر بازده است و باید تا زمانی که به بازدهی مطلوب برسد مورد حمایت قرار گیرد. بنابراین حمایتی بودن و ثبات سیاست های انرژی با فراهم کردن چشم انداز آینده انرژی کشور و هماهنگ کردن سازمان های متفاوت مسئول و تصویب سیاست ها و قوانین و مقررات نقش مهمی در توسعه بکارگیری این فناوری در کلیه ساختمان ها به خصوص اماکن ورزشی ایفا می کند. شرایط اقتصادی کشور یکی دیگر از عوامل موثر بر توسعه انرژی تجدیدپذیر در اماکن ورزشی است. در تحقیقات بونک (۲۰۱۴)، کان ستر و همکاران (۲۰۱۸)، کلودیا (۲۰۱۴)، دارمانی و همکاران (۲۰۱۴) و سیتارامان و همکاران^۹ (۲۰۱۶) به اهمیت وضعیت اقتصادی کشور در توسعه انرژی تجدیدپذیر اشاره شده است. راه اندازی و نصب تجهیزات مورد نیاز این نوع انرژی در اماکن ورزشی هزینه زیادی دارد، وجود شرایط کارآمد اقتصادی باعث می شود که بتوانیم تجهیزات مورد نیاز را با بهترین کیفیت، ارزانتر به دست مصرف کننده برسانیم و اینگونه بر جنبه های منفی اقتصادی که در راه توسعه بکارگیری آن در اماکن ورزشی وجود دارد غلبه کنیم. حمایت دولت یکی دیگر از عوامل اثرگذار بر توسعه بکارگیری انرژی تجدیدپذیر در اماکن ورزشی می باشد. در تحقیقات معادی رودسری و همکاران (۱۳۹۶)، لوسی (۲۰۱۱)، دولال و همکاران (۲۰۱۳)، سیلوا (۲۰۰۸)، دفاریا^{۱۰} (۲۰۱۷)، کیارا^{۱۱} (۲۰۱۳)، آداجی (۲۰۰۹)، ازکان^{۱۲} (۲۰۱۴)، پینولی^{۱۳} (۲۰۰۱)، کان ستر و همکاران (۲۰۱۸)،

1. Dulal
2. Heiskanen & Matschoss
3. BONNKE
4. Li et al.
5. Ikejemba
6. Lüthi
7. Hafeznia
8. Yaqoot
9. Seetharaman
10. de Faria
11. Kiara
12. Ozcan
13. Painuly

هوانگ و همکاران^۱ (۲۰۱۳)، مارتین و رایس^۲ (۲۰۱۲)، روسو و کافاروف^۳ (۲۰۱۵) و کلودیا (۲۰۱۴) به اهمیت حمایت‌های دولت در توسعه انرژی تجدیدپذیر اشاره شده است. به طور کلی، عدم حمایت دولت باعث می‌شود توسعه و انتشار این فناوری به علت هزینه‌های بالای سرمایه اولیه امکانپذیر نباشد. این حمایت می‌تواند هم به صورت پولی نظیر مشوق‌های مالی، مشوق‌های سرمایه‌ای، هدفمند کردن یارانه‌های انرژی در حمایت از انرژی تجدیدپذیر و دادن وام کم بهره باشد و هم می‌تواند غیر پولی نظیر بیمه کردن تجهیزات آنان باشد که می‌تواند در توسعه بکارگیری آن در اماکن ورزشی موثر باشد. یکی دیگر از عواملی که در سطح ملی بر توسعه بکارگیری انرژی تجدیدپذیر اثر می‌گذارد ساختار بخش انرژی کشور است. در تحقیقات معادی-رودسری و همکاران (۱۳۹۶)، امیرفدایی و همکاران (۱۳۸۹)، لوسی (۲۰۱۱)، برنز و همکاران (۲۰۱۳)، ازکان (۲۰۱۴)، ایکیمبا و همکاران (۲۰۱۷)، لوکاس و همکاران^۴ (۲۰۱۷)، کاراتایف و همکاران^۵ (۲۰۱۶) و کنفاک و همکاران^۶ (۲۰۱۷)، به اهمیت ساختار بخش انرژی در توسعه انرژی تجدیدپذیر اشاره شده است. به طور کلی سازمان‌های مسئول در توسعه بکارگیری انرژی تجدیدپذیر نقش اساسی ایفا می‌کنند. میزان قدرتی که این سازمان‌ها از لحاظ قانونی، مادی و تجربی دارند و نیز مشخص بودن وظایف هر کدام از آن‌ها از فاکتورهای مهم در توسعه و همچنین اجرای سیاست‌های انرژی است. از سوی دیگر رویه‌های اداری کسل کننده که در تصویب پروژه‌های انرژی تجدیدپذیر دخالت دارند نیز از توسعه این فناوری در اماکن ورزشی جلوگیری می‌کنند. به طور کلی می‌توان نتیجه گرفت که نقش دولت در توسعه بکارگیری انرژی تجدیدپذیر در اماکن ورزشی یک نقش سیاست‌گذاری و حمایتی است. دولت باید با ایجاد محیط سیاسی مناسب که زمینه استفاده از خدمات بانک‌ها و سازمان‌های بین‌المللی مروج انرژی تجدیدپذیر و انتقال فناوری‌های کارآمد به کشور را فراهم می‌سازد، در کنار ایجاد محیط اقتصادی مناسب، باعث تاسیس زیرساخت‌ها و دسترسی آسان به فناوری‌های انرژی تجدیدپذیر با کیفیت با قیمت مناسب می‌شود. سپس چشم‌انداز و سیاست انرژی کشور بر مبنای حمایت آشکار از افزایش مصرف انرژی تجدیدپذیر و کاهش سوخت فسیلی طراحی و قوانین و مقررات حمایتی متفاوتی در سازمان‌های مختلف تصویب کند. در نهایت جهت ایفای هر چه بهتر نقش سیاست‌گذاری و حمایتی دولت در توسعه بکارگیری انرژی تجدیدپذیر نیازمند آشنایی سیاست‌گذاران و مدیران ارشد کشور و اماکن ورزشی از انرژی تجدیدپذیر و مزایای آن و لزوم استفاده از این نوع انرژی در اماکن ورزشی است. بنابراین پیشنهاد می‌شود که با برگزاری جلسات با سیاستمداران و مدیران مسئول و کنگره‌ها و تهیه برنامه‌هایی درباره اهمیت و لزوم استفاده از انرژی تجدیدپذیر در اماکن ورزشی به توجیه و آگاه‌سازی مدیران همت گماشت تا مدیران با سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری از توسعه بکارگیری انرژی تجدیدپذیر در اماکن ورزشی به طرق مختلف حمایت کنند.

-
1. Huang
 2. Martin & Rice
 3. Rosso- & Kafarof
 4. Lucas
 5. Karatayev
 6. Kenfack

● نقش دولت در توسعه بکارگیری انرژی تجدیدپذیر در اماکن ورزشی (یک مطالعه آمیخته اکتشافی با روش فراترکیب)

منابع

- الهی، شعبان؛ غریبی، جلیل؛ مجیدپور، مهدی و انواری رستمی، علی اصغر. (۱۳۹۴). «مسیر فناوری‌های انرژی تجدیدپذیر: رویکرد نظریه‌سازی بنیادی». نشریه علمی پژوهشی مدیریت نوآوری. سال ۴، شماره ۲، صص ۲۳-۵۶.
- جعفری، سعید. (۱۳۹۵). «بررسی موانع طراحی و ساخت اماکن ورزشی سبز از دیدگاه کارشناسان». پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده تربیت‌بدنی و علوم ورزشی.
- جلالی فراهانی، مجید. (۱۳۹۰). مدیریت اماکن، تاسیسات و تجهیزات ورزشی. تهران. چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران
- شعبانی مقدم، کیوان؛ یوسفی، بهرام و احمدی، عبدالحمید. (۱۳۹۴). ورزش و محیط زیست. چاپ اول، تهران: سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی
- فدایی امیر، داود؛ شمس اسفندآبادی، زهرا و عباسی، آزاده. (۱۳۸۹). «بررسی علل عدم تحقق اهداف کشور در بخش انرژی‌های تجدیدپذیر در برنامه چهارم توسعه». نشریه انرژی ایران. دوره ۱۳، شماره ۲، صص ۲۳-۳۴.
- گودرزی، صمد. (۱۳۹۷). «طراحی و اعتبارسنجی مدل عوامل موثر بر توسعه بکارگیری انرژی تجدیدپذیر در اماکن ورزشی ایران». دکتری تخصصی، دانشکده مدیریت و حسابداری، پردیس فارابی دانشگاه تهران.
- معادی رودسری، محمدحسین و بوشهری، علیرضا. (۱۳۹۶). «تحلیل سیستمی وضعیت بکارگیری انرژی بادی در کشور با استفاده از رویکرد سیستم نوآوری فناورانه». مجلس و راهبرد. سال ۲۴، شماره ۸۹، صص ۱۸۵-۲۲۱.
- میرزاحسینی، ماشالله. (۱۳۹۰). «بررسی وضعیت مدیریت انرژی در اماکن سرپوشیده استان کرمان با توجه به مقررات ملی ساختمان». پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید باهنر کرمان.
- نادری مهدی، کریم و محمودیان، حمید. (۱۳۹۵). «تحلیل موانع و راهکارهای بکارگیری انرژی خورشیدی از دیدگاه کشاورزان دهستان هگمتانه». نشریه انرژی ایران. دوره ۱۹، شماره ۲، صص ۵۷-۶۸.

- Adachi, C. (2009). "The adoption of residential solar photovoltaic systems in the presence of a financial incentive: A case study of consumer experiences with the Renewable Energy Standard Offer Program in Ontario (Canada)". Master's thesis, University of Waterloo.
- Ansari, M. F., Kharb, R. K., Luthra, S., Shimmi, S. L., & Chatterji, S. (2013). "Analysis of barriers to implement solar power installations in India using interpretive structural modeling technique". Renewable and Sustainable Energy Reviews, 27, 163-174.
- Bohlmann, H. R., Horridge, J. M., Inglesi-Lotz, R., Roos, E. L., & Stander, L. (2019). "Regional employment and economic growth effects of South Africa's transition to low-carbon energy supply mix". Energy Policy, 128, 830-837.

- Bonnke, B. M. (2014). **"An assessment of factors influencing the choice and adoption of Biogas technology among the Peri-urban residents of Kisll country"**. Doctoral dissertation, Kenyatta University.
- Burke, M. J., & Stephens, J. C. (2018). **"Political power and renewable energy futures: A critical review"**. *Energy research & social science*, 35, 78-93.
- Byrnes, L., Brown, C., Foster, J., & Wagner, L. D. (2013). **"Australian renewable energy policy: Barriers and challenges"**. *Renewable Energy*, 60, 711-721.
- Calise, F., Figaj, R., & Vanoli, L. (2018). **"Energy and economic analysis of energy savings measures in a swimming pool center by means of dynamic simulations"**. *Energies*, 11(9), 2182.
- Chard, C., & Mallen, C. (2013). **"Renewable energy initiatives at Canadian sport stadiums: A content analysis of web-site communications"**. *Sustainability*, 5(12), 5119-5134.
- Charney, E. L. B. C. R., & Humenik, H. J. H. D. J. (2015). **"Solar Design for Los Angeles Memorial Coliseum"**. Design Project, EGEE, 1-7.
- Claudy, M. C., Peterson, M., & O'Driscoll, A. (2013). **"Understanding the attitude-behavior gap for renewable energy systems using behavioral reasoning theory"**. *Journal of Micromarketing*, 33(4), 273-287.
- Darmani, A., Arvidsson, N., Hidalgo, A., & Albors, J. (2014). **"What drives the development of renewable energy technologies? Toward a typology for the systemic drivers"**. *Renewable and Sustainable Energy Reviews*, 38, 834-847.
- de Faria Jr, H., Trigos, F. B., & Cavalcanti, J. A. (2017). **"Review of distributed generation with photovoltaic grid connected systems in Brazil: Challenges and prospects"**. *Renewable and Sustainable Energy Reviews*, 75, 469-475.
- Dietrich, A., & Melville, C. (2011). **"Energy demand characteristics and the potential for energy efficiency in sports stadium and arenas"**. Nicholas School of the Environment, Duke University.
- Dulal, H. B., Shah, K. U., Sapkota, C., Uma, G., & Kandel, B. R. (2013). **"Renewable energy diffusion in Asia: Can it happen without government support?"** *Energy Policy*, 59, 301-311.
- Engelken, M., Römer, B., Drescher, M., Welp, I. M., & Picot, A. (2016). **"Comparing drivers, barriers, and opportunities of business models for renewable energies: A review"**. *Renewable and Sustainable Energy Reviews*, 60, 795-809.
- Gyamfi, S., Derkyi, N. S., Asuamah, E. Y., & Aduako, I. J. (2018). **"Renewable Energy and Sustainable Development"**. In *Sustainable Hydropower in West Africa*, 75-94.
- Hafeznia, H., Aslani, A., Anwar, S., & Yousef jamali, M. (2017). **"Analysis of the effectiveness of national renewable energy policies: A case of photovoltaic policies"**. *Renewable and Sustainable Energy Reviews*, 79, 669-680.
- Heiskanen, E., & Matschoss, K. (2017). **"Understanding the uneven diffusion of building-scale renewable energy systems: A review of household, local and country level factors in diverse European countries"**. *Renewable and Sustainable Energy Reviews*, 75, 580-591.

- Huang, W. C., Jhong, C. H., & Ding, J. F. (2013). **"Key factors influencing sustainable development of a green energy industry in Taiwan"**. Mathematical Problems in Engineering.
- Huybrechts, B., & Mertens, S. (2014). **"The relevance of the cooperative model in the field of renewable energy"**. Annals of Public and Cooperative Economics, 85(2), 193-212.
- Ikejamba, E. C., Mpuan, P. B., Schuur, P. C., & Van Hillegersberg, J. (2017). **"The empirical reality & sustainable management failures of renewable energy projects in Sub-Saharan Africa (part 1 of 2)"**. Renewable energy, 102, 234-240.
- Karatayev, M., Hall, S., Kalyuzhnova, Y., & Clarke, M. L. (2016). **"Renewable energy technology uptake in Kazakhstan: Policy drivers and barriers in a transitional economy"**. Renewable and Sustainable Energy Reviews, 66, 120-136.
- Kenfack, J., Bossou, O. V., & Tchaptchet, E. (2017). **"How can we promote renewable energy and energy efficiency in Central Africa? A Cameroon case study"**. Renewable and Sustainable Energy Reviews, 75, 1217-1224.
- Kiara, C. K. (2013). **"Determinants That Influence the Implementation of Infrastructure Development Projects in Renewable Energy Sector in Kenya: A Case of Kenya Electricity Generating Company Limited"**. Unpublished thesis university of Nairobi.
- Li, H., Guo, S., Cui, L., Yan, J., Liu, J., & Wang, B. (2015). **"Review of renewable energy industry in Beijing: Development status, obstacles and proposals"**. Renewable and Sustainable Energy Reviews, 43, 711-725.
- Lucas, H., Fifita, S., Talab, I., Marschel, C., & Cabeza, L. F. (2017). **"Critical challenges and capacity building needs for renewable energy deployment in Pacific Small Island Developing States (Pacific SIDS)"**. Renewable energy, 107, 42-52.
- Lüthi, S. (2011). **"Effective renewable energy policy: empirical insights from choice experiments with project developers"**. na.
- Luthra, S., Kumar, S., Garg, D., & Haleem, A. (2015). **"Barriers to renewable/sustainable energy technologies adoption: Indian perspective"**. Renewable and Sustainable Energy Reviews, 41, 762-776.
- Martin, N. J., & Rice, J. L. (2012). **"Developing renewable energy supply in Queensland, Australia: A study of the barriers, targets, policies and actions"**. Renewable Energy, 44, 119-127.
- Maynard, J. E., Lovecraft, A., Rose, C., & Chapin III, T. (2010). **"Factors influencing the development of wind power in rural Alaska communities"**. Doctoral dissertation, University of Alaska Fairbanks.
- Nord, N., Mathisen, H. M., & Cao, G. (2015). **"Energy cost models for air supported sports hall in cold climates considering energy efficiency"**. Renewable Energy, 84, 56-64.
- Ntona, E., Arabatzis, G., & Kyriakopoulos, G. L. (2015). **"Energy saving: views and attitudes of students in secondary education"**. Renewable and Sustainable Energy Reviews, 46, 1-15.
- Ozcan, M. (2014). **"Assessment of renewable energy incentive system from investors' perspective"**. Renewable Energy, 71, 425-432.

- Painuly, J. P. (2001). **“Barriers to renewable energy penetration; a framework for analysis”**. Renewable energy, 24(1), 73-89.
- Panaras, G., Chatzitypi, V., Tolis, E. I., Atentoulidis, A., Souliotis, M., & Bartzis, J. G. (2019). **“Assessment of thermal comfort conditions and energy performance of an indoor athletic center”**. FEB-FRESENIUS ENVIRONMENTAL BULLETIN, 1-651.
- Pfeiffer, B., & Mulder, P. (2013). **“Explaining the diffusion of renewable energy technology in developing countries”**. Energy Economics, 40, 285-296.
- Pham, C. (2015). **“Tokyo Smart City Development in Perspective of 2020 Olympics: Opportunities for EU-Japan Cooperation and Business Development”**. EU-Japan Centre for Industrial Cooperation, 1-83.
- Rosso- & Kafarov, V. (2015). **“Barriers to social acceptance of renewable energy systems in Colombia”**. Current Opinion in Chemical Engineering, 10, 103-110.
- Seetharaman, A., Sandanaraj, L. L., Moorthy, M. K., & Saravanan, A. S. (2016). **“Enterprise framework for renewable energy”**. Renewable and Sustainable Energy Reviews, 54, 1368-1381.
- Silva, C. E. T. (2008). **“Factors Influencing the Development of Local Renewable Energy Strategies”**.
- Smulders, T. (2012). **“Green stadiums: as green as grass”**. Master's thesis, Faculty Geosciences, University Utrecht, 1-62.
- Vachon, S., & Menz, F. C. (2006). **“The role of social, political, and economic interests in promoting state green electricity policies”**. Environmental Science & Policy, 9(7-8), 652-662.
- White, W., Lunnan, A., Nybakk, E., & Kulisic, B. (2013). **“The role of governments in renewable energy: The importance of policy consistency”**. Biomass and bioenergy, 57, 97-105.
- Wüstenhagen, R., & Bilharz, M. (2006). **“Green energy market development in Germany: effective public policy and emerging customer demand”**. Energy policy, 34(13), 1681-1696.
- Yaqoot, M., Diwan, P., & Kandpal, T. C. (2016). **“Review of barriers to the dissemination of decentralized renewable energy systems”**. Renewable and Sustainable Energy Reviews, 58, 477-490.
- Yoon, J. H., & Sim, K. H. (2015). **“Why is South Korea's renewable energy policy failing? A qualitative evaluation”**. Energy Policy, 86, 369-379.
- Yu, S., Zheng, Y., & Li, L. (2019). **“A comprehensive evaluation of the development and utilization of China's regional renewable energy”**. Energy Policy, 127, 73-86.

طراحی مدل آسیب شناسی برنامه ریزی اوقات فراغت با رویکرد فعالیت بدنی در استان تهران

محسن اسمعیلی^۱

طهماسب شیروانی^۲

شمس الدین رضائی^۳

مصطفی افشاری^۴



10.22034/SSYS.2022.589.1389

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۲/۴

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۸/۴/۹

برنامه ریزی، پایه اساسی تمامی فعالیت ها در هر سازمان می باشد. هدف از تحقیق، بررسی و آسیب شناسی فرآیند موجود برنامه ریزی در اوقات فراغت مردم استان تهران و ارائه الگوی مطلوب می باشد. روش تحقیق از نوع اکتشافی و دارای ماهیت کیفی است که از تکنیک نظریه داده بنیاد استفاده شده است. جامعه آماری کلیه صاحب نظران مربوط به برنامه ریزی اوقات فراغت در سازمان های متولی ورزش استان تهران بودند که تعداد آنها به شکل دقیق مشخص نبود. نمونه آماری را مدیران و کارشناسان برنامه ریزی اداره کل ورزش و جوانان، هیئت های ورزشی و سازمان ورزش شهرداری و اعضای هیئت علمی صاحب نظر در حوزه اوقات فراغت و ورزش به تعداد ۲۱ نفر تشکیل می دادند که برای نمونه گیری ابتدا از روش هدفمند و در ادامه از تکنیک گلوله برفی تا اشباع نظری استفاده شد و برای جمع آوری داده ها از مطالعه مبانی نظری و مصاحبه

۱- استادیار، مدیریت ورزشی، پژوهشگاه تربیت بدنی و علوم ورزشی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

E-mail: M_smaeili2006@yahoo.com

۲- دکترای مدیریت ورزشی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

۳- دانشیار، مدیریت ورزشی، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران

۴- استادیار، مدیریت ورزشی، پژوهشگاه تربیت بدنی و علوم ورزشی، تهران، ایران

بهره گرفته شد. جهت تحلیل داده ها از روش کدگذاری و نظریه داده بنیاد با رویکرد سیستماتیک استفاده شد.

نتایج بیانگر آن بود که مقوله برنامه ریزی فراغت با محوریت ورزش به عنوان پدیده محوری می تواند نقش محوری در ارتباط سایر مقوله ها با هم داشته باشد. لزوم برنامه ریزی مبتنی بر نیازهای جدید مصرف کنندگان تاکید شد و راهبردهای برنامه ریزی مبتنی بر مشتری، مبتنی بر رویکرد، مبتنی بر مطالعات تطبیقی، مبتنی بر ساختار و مبتنی بر محیط به عنوان اصلی ترین راهبردها مورد توجه قرار گرفت. در نظر گرفتن این راهبردها می تواند پیامدهای مثبت فردی، اجتماعی، اقتصادی و ورزشی به همراه داشته باشد.

برنامه ریزی ویژه اقشار مختلف با توجه به امکانات موجود، طراحی فعالیت های متناسب با نیاز و در نظر گرفتن منابع مختلف موجود و برنامه ریزی جهت بهره وری بیشتر از پیشنهادات تحقیق می باشد.

واژگان کلیدی: مشتری، بازی، ورزش تفریحی، فعالیت آزاد، ورزش و جوانان.

مقدمه

از نیمه دوم قرن بیستم بشر از رفاه و آسایش بیشتری نسبت به قرون گذشته برخوردار شده است که نتیجه آن پیشرفت صنعت در جهان می باشد (تندنویس، ۱۳۸۱). با توجه به گذشت زمان و پیشرفت فناوری از ساعات کار فیزیکی کم شده و به ساعات بیکاری اضافه گردیده است، از اینرو افراد در ساعات بیکاری خواه ناخواه زمانی را برای تجدید قوای جسمانی و روحی خود اختصاص می دهند که می توان از آن تحت عنوان اوقات فراغت یاد کرد (تندنویس، ۱۳۸۱). به لحاظ تعریف، اوقات فراغت را زمان‌های آزاد و در اختیار افراد فارغ از وظایف مختلف اجبارگونه می نامند (ون دیک^۱، ۲۰۱۳: ۶۳). یکی از روش‌های مهم در گذران اوقات فراغت ورزش می‌باشد. در حقیقت گذران اوقات فراغت با فعالیت های ورزشی از روش های نوین گذران اوقات فراغت در جهان به شمار می آید. از اینرو ورزش بایستی بخشی از تفریحات سالم روزمره انسان در قرن بیست و یکم شود (کرین^۲، ۲۰۱۵). تحقیقات، حکایت از آثار مثبت جسمانی، اجتماعی و روانی حاصل از مشارکت در برنامه های ورزشی اوقات فراغت دارد (برنر^۳، ۲۰۱۶). هنی^۴ (۲۰۰۷) بیان می دارد که چطور بازی‌های مختلف بطور عمیقی بر زندگی تاثیر گذار است و می تواند روی مهارت‌ها و برخی شاخص های لازم برای بقا همچون استقامت، قدرت و چابکی تاثیرگذار باشد. نکته حائز اهمیت آن است که بتوان با هر شرایطی و در هر سنی به نحو احسن و مطلوب از اوقات فراغت در جهت رشد و پیشرفت و سازندگی استفاده نمود (رضائی اصل، ۱۳۹۵). برای جلوگیری از کسالت و باطل شدن این اوقات برنامه ریزی دقیق و پیش بینی شده در زمینه‌های فرهنگی، هنری و ورزشی ضروری می باشد (هاشمی مطلق، ۱۳۹۷). همچنین برای انتخاب نوع وسیله گذران اوقات فراغت باید مدیریت های جامعه و مسوولان مربوطه برای آنان برنامه ریزی حساب شده و جدی اجرا کنند (صفانیا، ۱۳۸۰: ۱۳۰-۱۲۷).

امروزه با عنایت به کاهش تحرک و فعالیت افراد که نتیجه پیشرفت فناوری و صنعتی شدن جوامع می باشد ورزش های تفریحی و ورزش های مربوط به اوقات فراغت از مناسب ترین و شاید ضروری ترین گونه های گذران اوقات فراغت در عصر حاضر است که باید در برنامه‌ریزی‌های اوقات فراغت مورد توجه قرار گیرد (کریمیان، ۱۳۹۰: ۵۲۴-۵۲۱). بی شک شرایط اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی حاکم بر جوامع و اولویت ها و ارزش های مورد توجه در شکل گیری نگرش‌ها و اتخاذ رویکردهای متفاوت و برنامه ریزی اوقات فراغت موثر است (جعفری، ۱۳۸۴: ۱۰۵). موقعیت جغرافیایی هر منطقه هم در برنامه ریزی اوقات فراغت باید مورد توجه باشد. انتخاب منطقه احداث پارک‌ها و فضاهای تفریحی و ورزشی در میزان جذب مخاطبان نقش دارد (اشرف کریمی، ۱۳۹۳؛ رضائی زاده مهابادی، ۱۳۹۶). در کشور ایران نیز تا کنون برنامه‌هایی برای ساماندهی اوقات فراغت به انجام رسیده است. «برنامه ساماندهی اوقات فراغت جوانان» در راستای تحقق آرمان های چشم انداز بیست ساله کشور و بند ۱۵ سیاست های کلی برنامه توسعه و در اجرای ماده ۱۱۲ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در

1. Van Dyck
2. Cerin
3. Burner
4. Heine

خصوص ضرورت توجه اساسی به نیازهای جوانان در حوزه های فرهنگی، اجتماعی و تفریحی و افزایش رفاه و سلامت جسمی و روانی و ایجاد شوق، انگیزه و امید به آینده آنها و همچنین در راستای اصول ۷۳، ۸۵، ۹۳ منشور تربیتی نسل جوان مبنی بر ضرورت تقویت پویایی و بلندگی، گریز از سستی و رخوت و ارضای حس کنجکاوی نسل جوان و جدیت در تامین سلامت جسم و نشاط روح و حفظ شادابی و طراوت جوانی سند ویژه فرابخشی ساماندهی امور جوانان تدوین گردیده است (رفعت جاه، ۱۳۸۹: ۳۴). برنامه وزارت ورزش و جوانان به دنبال استاندارد سازی برنامه های فراغتی، افزایش میزان تقاضا محوری، افزایش میزان بهره مندی از نظرات جوانان در برنامه ریزی های مربوط به گذران اوقات فراغت و ... بوده است. البته برنامه ریزی اوقات فراغت به عوامل مختلفی بستگی دارد به عنوان مثال شکل های مختلف رشته های ورزشی از جمله ورزش های سنتی و بومی هر منطقه از اشکال گذران اوقات فراغت ورزشی می باشد (هال^۱، ۲۰۱۳، هنی^۲، ۲۰۱۳). هارل^۳ (۲۰۱۶) روند برنامه ریزی اوقات فراغت ورزشی را از سال ۱۹۷۲ تا ۲۰۰۸ در کانادا مورد بررسی قرار داده و دریافت برنامه ریزان سعی کرده اند مردم را از شهروند اجتماعی به سمت شهروند بازاری سوق دهند. شایان ذکر است، برنامه ریزی اوقات فراغت حیطه گسترده ای است که گروه های مخاطب متنوعی نیز دارد. سوفر^۴ (۲۰۱۶)، در یک تحقیق که به روش کیفی انجام شد نتیجه گرفت که سیاست گذاری اوقات فراغت نوجوانان و جوانان معلول متفاوت از افراد سالم و بدون معلولیت می باشد و باید ملاحظات خاص در این موارد صورت گیرد. وی اشاره داشت شرکت در فعالیت های تفریحی ویژه افراد دارای معلولیت از حقوق اساسی و اصلی این افراد است که باید زمینه لازم برای تحقق آن صورت گیرد. کارمن^۵ (۲۰۱۱) در مطالعاتی با عنوان "مقایسه مشارکت در فعالیت های تفریحی فیزیکی در بین کودکانی که ناتوانند و کودکانی که رشد معمولی دارند" دریافت که تفاوت معناداری بین گروه ها در ۱۴ فعالیت وجود دارد. بچه های ناتوان کمتر تمایل دارند در فعالیت های ورزشی شرکت کنند و نتیجه اینکه تفاوت گروه ها مربوط به الویت آنها و بافتی است که در آن زندگی می کنند. از اینرو درک و توجه به الویت ها ممکن است مشارکت کودکان ناتوان را ارتقاء بخشد. این نتایج تنوع مورد نیاز برای برنامه ریزی اوقات فراغت را در گروه های مختلف هدف مشخص می نماید (کارمن، ۲۰۱۱). برخی از محققان به نکات محیطی برنامه ریزی هم توجه نموده اند. مک اسحاق^۶ (۲۰۱۸) به نکات ظریفی در امر برنامه ریزی اوقات فراغت اشاره دارد. وی بیان داشت اگر چه محیط های ورزشی که برای اوقات فراغت مورد استفاده قرار می گیرند به شکل کلی موجب سلامتی و نشاط مشارکت کنندگان می شود ولی معمولاً از غذاهایی که در بوفه این محیط ها سرو می شود غفلت می شود و همین موضوع بر نتایج این کلاسها تاثیر نامطلوب می گذارد. وی سه عامل فرهنگ غذایی کلی افراد، پافشاری بر مفهوم انتخاب شخصی و مسئولیت خود و پیامدهای مالی برنامه های غذایی سالم را از موانع مربوط به این موضوع می داند.

1. Hall
2. Heine
3. Hurl
4. Soffer
5. Carmen
6. McIsaac

امروزه، داشتن اطلاعات به روز از نحوه گذران اوقات فراغت از جمله مسائلی است که می‌تواند مورد استفاده برنامه ریزان قرار گیرد. سازمان های برنامه ریز همچون وزارت ورزش و جوانان، خود نیز در برهه های مختلف زمانی به بررسی و کسب اطلاعات توصیفی از گذران اوقات فراغت می پردازند. به عنوان مثال طبق گزارش وزارت ورزش و جوانان (۱۳۹۴) جوانان ۷۴ دقیقه از زمان خود را در روز به رایانه اختصاص می‌دهند. ۹۳/۱ درصد از جوانان برای گذراندن اوقات خود در تابستان اصلاً از کانون‌های فرهنگی استفاده نکرده‌اند. ۴۷ درصد از جوانان تهرانی بیشتر اوقات فراغت خود را با هر دو جنس می‌گذرانند. از نگاه جوانان برنامه ریزی مسوولین برای اوقات فراغت موفقیت کمی داشت. بیش از دو سوم جوانان توزیع امکانات تفریحی در سطح شهر تهران را در حد کم و بسیار کم توصیف کرده‌اند و حدود ۷۰/۶ درصد جوانان مسوولین را در برنامه‌ریزی و اجرای اوقات فراغت جوانان در حد خیلی کم موفق می‌دانند. طبق این پژوهش که در مرکز مطالعات و پژوهش‌های وزارت ورزش و جوانان انجام شده است، ۵۳ درصد جوانان تهرانی مشکلات مالی، ۴۷/۱ درصد نبود امکانات، ۲۱/۳ درصد نیز حساسیت‌های اجتماعی و فرهنگی را در عدم استفاده مطلوب جوانان از اوقات فراغت موثر می‌دانند و ۵۵ درصد جوانان نیز ایجاد امکانات ورزشی و تفریحی و ۲۵/۹ درصد مسائل مالی و کاهش هزینه‌ها را برای بهبود گذراندن اوقات فراغت پیشنهاد می‌کنند (وزارت ورزش و جوانان، ۱۳۹۴).

لیدرا^۱ (۲۰۱۷) ضمن گزارش عدم فعالیت های حرکتی در یک سوم بزرگسالان در اوقات فراغت کشور آمریکا به نقش دولت و سازمان های صاحب قدرت در برنامه ریزی فراغت مردم اشاره می‌دارد (لیدرا، ۲۰۱۷: ۱۲۱). گاندرسن^۲ (۲۰۱۵) به بررسی برنامه ریزی تفریحی در طیف فرصت‌ها در نمونه اسلو نروژ پرداخت. وی بیان داشت سیاست های مدیریت زمین که بر تولیدات چوبی، و ابقای محیط زیست تاکید دارد ممکن است فرصت های تفریحی موجود در فضاهای جنگلی را با خطر مواجه سازد. این در حالی است که کیفیت فرصتهای تفریحی در جنگل‌ها بسیار زیاد می باشد (گاندرسن، ۲۰۱۵: ۲۱۱). همچنین در برنامه ریزی های جدید باید به موانع و تهدیدات برنامه های قبلی توجه نمود. از جمله تهدیدات حوزه اوقات فراغت در کشور ما با توجه به تحقیقات گذشته می توان بر غلبه نمودن گذران اوقات فراغت جوانان از طریق فضاهای مجازی، افزایش گرایش جوانان به استفاده از برنامه های فردی گذران اوقات فراغت، نگرش خاص جنسیتی به استفاده از برنامه های فراغتی، بالا بودن نرخ بیکاری جوانان در مقایسه با بزرگسالان، پایین بودن نسبی سطح رفاه اجتماعی، پایین بودن سطح آگاهی خانواده و جامعه از تاثیر اوقات فراغت در بهره وری و افزایش سلامت روانی جوانان، نام برد که سوابق موفقیت‌های کسب شده در کشورهای مختلف در زمینه اوقات فراغت نشان می‌دهد، برنامه‌ریزی و تدوین سیاست‌های اثربخش، نقش مهمی در این زمینه ایفا می‌کند و تدوین یک برنامه منسجم در این باره سبب حمایت دولت، مسئولان محلی، سهام‌داران و بخش خصوصی می‌شود، افزون بر این، امکان جذب سرمایه و قانون‌گذاری را افزایش داده و احتمال ناکامی را کاهش می‌دهد (وزارت ورزش و جوانان، ۱۳۹۴). مادرن^۳ (۲۰۱۴) به موضوع برگزاری لیگ های محلی به منظور داشتن یک جریان تمرینی و ورزشی مستمر اشاره نمود. همچنین جهت داشتن تفریحات خلاق و سرگرم کننده نیاز

1. leidera
2. Gundersen
3. Madren

است برنامه ریزان به خواسته های بازیکنان توجه نمایند. وی بیان داشت برنامه های ورزشی بزرگسالان به سمت برنامه های کم حجم تر و فعالیت های جدید پیش می رود. در این بین رشته هایی مثل مینی فوتبال و فریبی^۱ تمایل مخاطبان را به بازیهای سریعتر و با تعداد افراد کمتر برای انجام بازی را می رساند که منعکس کننده فشار کاری موجود در بزرگسالان است. مگان و همکاران^۲ (۲۰۱۳) عنوان داشتند در برنامه ریزی ورزش و اوقات فراغت در مقطع سنی دختران دوره راهنمایی در مدارس باید طوری عمل نمود که با برنامه های ورزشی جامعه همخوانی داشته باشند و در این بین توجه ویژه ای باید به ویژگیهای فردی این دوره سنی و همچنین باید توجه ویژه ای به تجهیزات ورزشی نمود. همچنین لورن^۳ و همکاران (۲۰۱۸) به مسئله برنامه ریزی اوقات فراغت و ورزش در گروه جامعه ناشنویان توجه نمودند و یکی از معضلات برنامه ریزی در این خصوص را کمبود نیروی متخصص و ضرورت آموزش های مستمر برای مربیانی می دانند که در حوزه ورزش با این گروه افراد کار می کنند. نیاز به برنامه های فردی و شخصی، عدم رضایت از برنامه های جاری، توجه به علایق و تفکیک برنامه های کودکان با بزرگسالان از نکاتی بود که تحقیق لورن بیان داشت.

با توجه به مطالب عنوان شده بررسی و در صورت لزوم بازنگری سیاست ها و برنامه ها و الگوهای رایج گذران اوقات فراغت به ویژه با رویکرد فعالیت های بدنی امری ضروری می باشد و آسیب شناسی فرآیند موجود سیاست گذاری و برنامه ریزی در اوقات فراغت جوانان استان تهران و ارائه الگوی مطلوب در میان جوانان به خصوص در کلان شهر تهران و پایتخت ایران که به نوعی منعکس کننده الگوهای هویت ملی می باشد، از اهمیت ویژه ای برخوردار است. باید به این مساله مهم توجه نمود که عمر هر انسان مهمترین سرمایه است و برنامه ریزی مناسب جهت استفاده بهینه از اوقات فراغت ضرورت بسیاری دارد. در واقع نوع برنامه ریزی اوقات فراغت ورزشی نوع نگاه ما به این مساله را نشان می دهد. اگر چه به ظاهر تحقیقات زیادی در زمینه اوقات فراغت و ورزش انجام گرفته است ولی خلاء تحقیقات در موضوع برنامه ریزی به شدت ملاحظه می شود. تاکید بیشتر تحقیقات به نحوه گذران و در نظر داشتن برخی عوامل موثر بر آن زمینه گسترده بیشتر این تحقیقات بوده است. بدین منظور در این تحقیق سعی شد با انجام روش تحقیق کیفی به منظور نوآوری و پرداختن عمیق تر به مسئله تحقیق بدین سؤال پاسخ داده شود که آسیب شناسی سیاست گذاری و برنامه ریزی در اوقات فراغت استان تهران به چه شکلی است؟

روش شناسی پژوهش

این تحقیق با ماهیت اکتشافی و با هدف بسط دانش و شناخت موجود در رابطه با تحلیل وضعیت سیاست گذاری و برنامه ریزی اوقات فراغت با رویکرد ورزشی در سطح استان تهران انجام شد. روش پژوهش در این تحقیق، کیفی بود. از آنجایی که سیاست گذاری و برنامه ریزی توسط افراد سطح بالای مدیریتی در هر سازمانی انجام می شود رویکرد کمی چندان نمی توانست در کسب اطلاعاتی کاربردی و صحیح یاری رسان باشد، به منظور اجرای این پژوهش، از روش کیفی انجام شد. ابزار گردآوری داده ها مصاحبه های نیمه سازمان یافته بودند. در این راستا، ابتدا

1. Frisbee

2. Meghan et al.

3. Lauren

راهنمای مصاحبه برای افراد ارسال گردید که در بر گیرنده عنوان، اهداف و سوال های کلی مصاحبه بود تا با مصاحبه شونده ها با موضوع بحث آشنا شوند. مدت زمان هر مصاحبه معمولاً بین سی دقیقه تا دو ساعت طول می کشید که بستگی به وقت مصاحبه شونده و میزان مطلب ارائه شده داشت. برای ساخت الگوی پیشنهادی پژوهش از روش نظریه برخاسته از داده ها (گرنند تئوری) با رویکرد سیستماتیک استفاده شد. در این تحقیق از دو روش نمونه گیری هدفمند (در فاز اول ۵ نفر ابتدایی مصاحبه توسط تیم تحقیق شناسایی شدند) و گلوله برفی (۱۶ نفر در فاز دوم بوسیله معرفی توسط مصاحبه شوندگان) شناسایی شدند که تا حد اشباع نظری (تعداد کل ۲۱ نفر) ادامه یافت به طوری که در راستای انجام مصاحبه های پژوهش، کلیه نخبگان که به نحوی در پژوهش های مربوط به برنامه ریزی اوقات فراغت نقش و سابقه روشنی داشتند به عنوان جامعه این پژوهش محسوب گردیدند. نمونه آماری تحقیق را صاحب نظران از دو حیطه علمی و اجرایی تشکیل دادند. این متخصصان در بخش های مختلف آموزشی، پژوهشی و اجرایی موضوع تحقیق آگاه و مشغول به فعالیت بودند و شامل طبقات زیر بودند.

جدول ۱: ویژگی های نمونه های تحقیق

ردیف	نمونه	جنسیت
زن	مرد	
۱	مدیران و کارشناسان وزارت ورزش و جوانان	۲
۲	مدیران و کارشناسان فدراسیون ورزش همگانی	۲
۳	مدیران و کارشناسان ورزش شهرداری تهران	۱
۴	مدیران و کارشناسان اداره کل ورزش و جوانان تهران	۳
۵	مدیران هیئت ورزش همگانی تهران	۲
۶	اساتید و اعضای هیئت علمی	۶
	مجموع (۲۱ نفر)	۱۶
		۵

در این پژوهش کلیه مصاحبه ها بلافاصله پس از انجام مصاحبه، تدوین و تایپ شدند و به شیوه مقایسه مداوم تحلیل و کدگذاری اولیه انجام گرفت. به منظور تجزیه و تحلیل داده ها از روش کدگذاری سه مرحله ای باز، محوری و انتخابی استراس و کوربین با استفاده از نرم افزار مکس کیودا (MAXQDA) نسخه ۱۰ استفاده شد. با توجه به اینکه در تحقیقات کیفی بجای واژه اعتبار و روایی از واژه های مقبولیت، انتقال پذیری و تأیید پذیری استفاده می شود سعی شد تا با استفاده از منابع داده متعدد، وجود دو تحلیل گر و استفاده از روش های متعدد آنچنان که در مرحله اول گردآوری داده ها شرح داده شد مقبولیت افزایش یابد. با مرور متعدد مصاحبه ها و استخراج حداکثری و غیر تکراری مطالب سعی در افزایش انتقال پذیری و با حضور حداکثری همکاران گروه تحقیق با وجود محدودیت هایی مانند کمبود وقت و یا عدم دسترسی به نمونه ها به افزایش تأیید پذیری پرداخته شد. همچنین مدل به دست آمده توسط متخصصین و صاحب نظران در قالب گروه کانونی مورد بررسی قرار گرفت و در نهایت بوسیله ۶ تن از نمونه ها مورد تأیید قرار گرفت. به منظور بررسی ثبات و پایایی نتایج تحقیق نیز از یکی از اساتید حوزه اوقات فراغت ورزشی در فرایند کدگذاری در پژوهش کمک گرفته شد و به صورت تصادفی سه مصاحبه انتخاب شد و کدگذاری توسط ایشان انجام گرفت. در هر یک از مصاحبه ها کدهایی که از نظر دو نفر مشابه

● طراحی مدل آسیب شناسی برنامه ریزی اوقات فراغت با رویکرد فعالیت بدنی در استان تهران

بودند با عنوان توافق و کدهای غیرمشابه با عنوان عدم توافق مشخص شدند و درصد توافق بین دو کدگذار با استفاده از فرمول ذیل محاسبه شد و پایایی ۷۵٪ بدست آمد که با توجه به اینکه از ۶۰٪ معمول بزرگتر است مورد اعتماد قرار گرفت.

$$\text{درصد پایایی} = \frac{\text{تعداد توافقات} \times 2}{\text{تعداد کل کدها}} \times 100$$

$$\text{درصد پایایی} = \text{تعداد توافقات} \times 2$$

بررسی برنامه های فراغتی ورزشی در استان تهران در سال ۱۳۹۶ حکایت از برگزاری ۸۰۹ فعالیت ورزشی در ۳۳ رشته ورزشی و ۱۹ شهرستان استان تهران داشت. ۱۴ درصد مشارکت کنندگان سن بین ۲۵ تا ۳۵، ۳۸ درصد بین سن ۳۶ تا ۴۵ و ۴۸ درصد سن بالاتر از ۴۵ سال داشتند. ۳۸ درصد فوق لیسانس و ۶۲ درصد دکتری بودند. ۷۶ درصد مرد و ۲۸ درصد زن بودند.

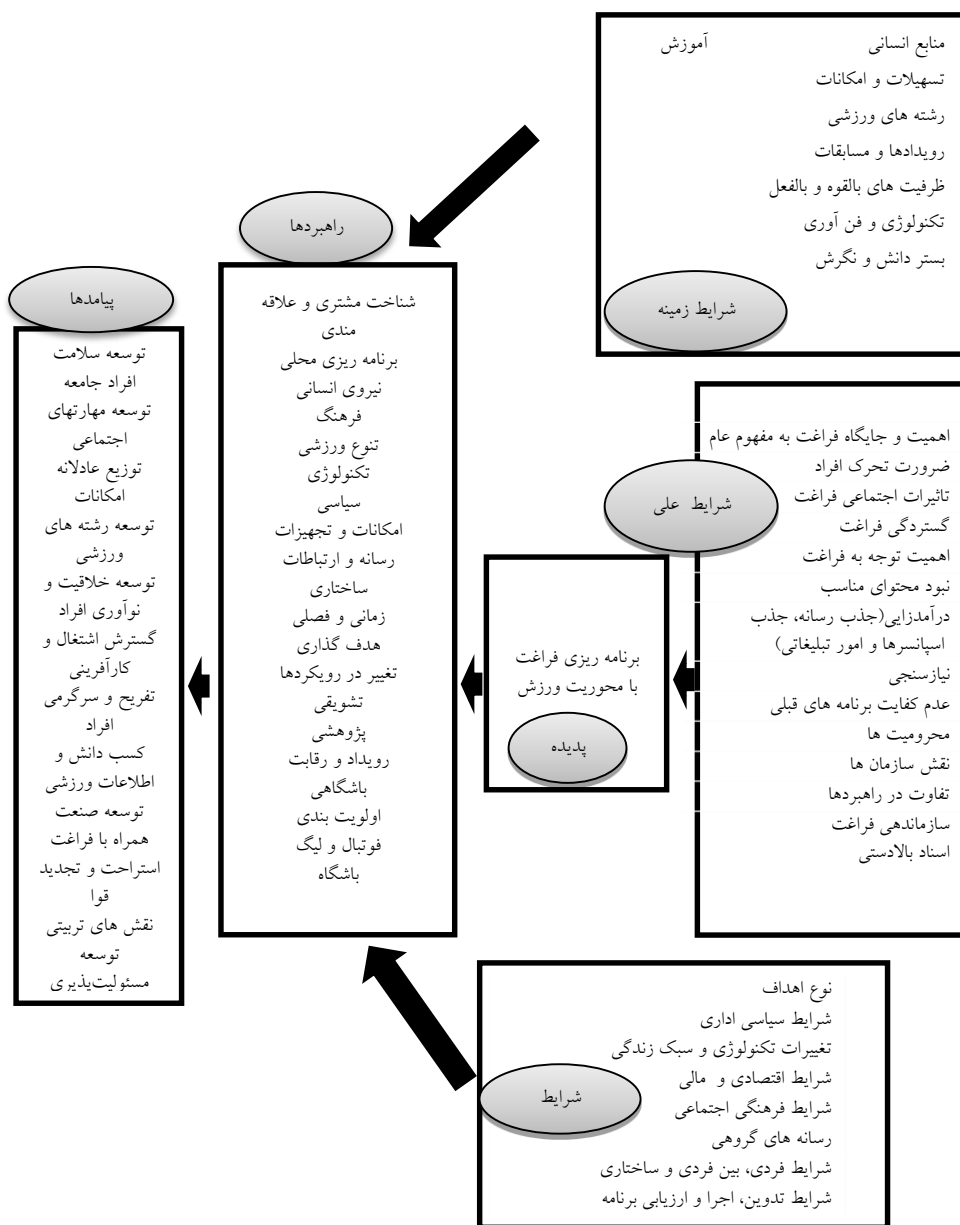
یافته های پژوهش با استفاده از تحلیل همزمان و همچنین فرایند کدگذاری، هنگام و پس از انجام مصاحبه ها صورت گرفت که در مرحله کدگذاری باز در مجموع تعداد ۲۵۵ کد اولیه غیرتکراری ایجاد شد. این تعداد از کدها بر اساس مشابهت موضوعی در قالب ۵۹ مفهوم قرار گرفتند. سپس این مفاهیم در قالب ۳۵ مقوله فرعی و ۱۶ مقوله اصلی قرار گرفت که در نهایت در قالب الگوی پارادایمی رویکرد سیستماتیک قرار گرفت. در جدول ۲ خلاصه ای از مرحله کدگذاری باز به نمایش گذاشته شده است.

جدول ۲: نتایج مراحل کدگذاری باز

مفاهیم	مقوله های فرعی	مفاهیم	مقوله های فرعی
استفاده از ظرفیت منابع انسانی	منابع انسانی	فناوری	فناوری و فن آوری
منابع انسانی در سطح صف		عدم نیازسنجی مناسب	نیازسنجی
منابع انسانی سطح ستادی		نیازسنجی	
استفاده از نیروی داوطلبی		توزیع نامناسب امکانات	توزیع
تسهیلات و امکانات	تجهیزات و امکانات	عوامل تشویقی	مشوق ها
کیفیت تجهیزات و وسایل		اولویت بندی مشتریان	اولویت بندی
سرايه ورزشی		نقش فدراسیونها و هیئتها	نقش سازمان ها
زمینه سازهای توجه به فراغت	اهمیت فراغت به مفهوم عام	متولی	
فعالیت بر مبنای حرکت	تقسیم بندی های فراغت	نقش گروه های مختلف	
فراغت بر اساس زمان		نقش دستگاه ها و نهادها	
نحوه گذران	نحوه گذران	وزارت بهداشت	
کارکردهای فراغت	کارکردهای فراغت	تفاوت در راهبردهای	

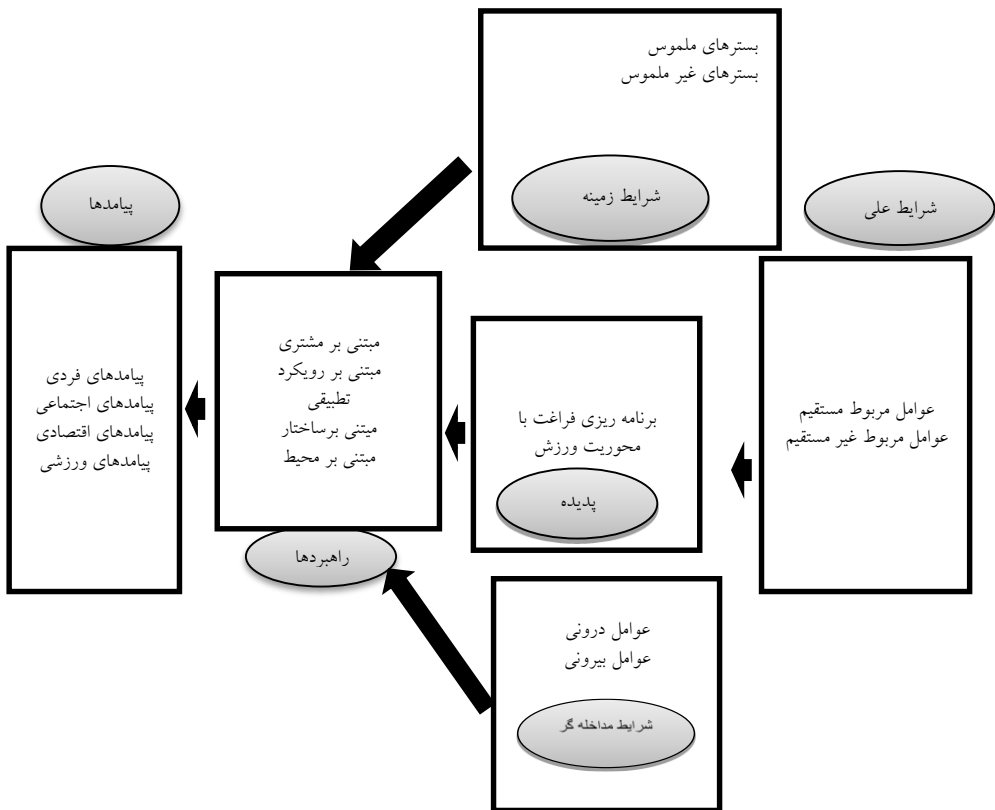
گسترده‌گی فراغت	گستره فراغت	سازمان ها	موازی کار
شناخت علاقه مندی		تامین منابع مالی	شرایط مالی و اقتصادی
مردم		موانع مالی	
گستره مشتریان برنامه	برنامه ریزی محلی	شرایط اقتصادی	رویکردهای برنامه ریزی
فعالیت های مشترک	فعالیت های مشترک	ظهور رشته های جدید	ورزشی در فراغت
شناسایی ظرفیت ها	شناسایی ظرفیت ها	تدوین و اجرای برنامه	تدوین و اجرای برنامه
موانع سطح فردی	موانع فردی، بین فردی و ساختاری	شیوه اجرایی برنامه	موانع تدوین برنامه
موانع سطح بین فردی		آموزش	آموزش
تدوین اهداف برنامه		ویژگی های فراغت	ویژگی های فراغت
ریزی اوقات فراغت	هدف گذاری	جذابیت	
اهداف نامناسب برای برنامه ها		سازماندهی	ساختار
جایگاه فراغت ورزشی	جایگاه	اطلاع رسانی برنامه	معرفی
تلفیق ورزش با سایر انواع فراغت	تنوع در فعالیت	اسناد بالادستی	اسناد بالادستی
نقش سیاسی اداری فراغت	شرایط سیاسی اداری	خلاقیت و نوآوری	خلاقیت و نوآوری
موانع فرهنگی مشارکت تأثیرات اجتماعی	شرایط فرهنگی اجتماعی	دانش	دانش و نگرش
ارزیابی برنامه ها	ارزیابی	نگرش	
نبود محتوای مناسب	وجود محتوا		

همان طور که در جدول ۲ مشاهده می شود کدهای باز مستخرج از تحقیق در قالب مفاهیم کلی دسته بندی شدند. در فرایند کد گذاری محوری، مقوله "برنامه ریزی فراغت با محوریت ورزش" به عنوان پدیده محوری در نظر گرفته شد و مقوله های به دست آمده در خانه های پارادایم تحقیق داده بنیان جاسازی شد. بدین ترتیب که بخش های شرایط علی، پدیده محوری، شرایط زمینه، شرایط مداخله گر، راهبردها و پیامدها تدوین گردید که در شکل ۱ قابل مشاهده می باشد. در مرحله کدگذاری انتخابی براساس الگوی پارادایمی الگوی نهایی با در نظر گرفتن مقولات کلی و اصلی تحقیق به صورت شکل ۲ مستخرج و مورد تایید ۶ تن از نمونه های تحقیق قرار گرفت.



شکل ۱: الگوی پارادایمی تحقیق حاصل از مرحله کدگذاری

شکل ۱ نشان دهنده الگوی سیستماتیک تحقیق است که در قالب خانه های جداگانه و تحت یک مدل مقوله های اصلی و مفاهیم بدست آمده را تقسیم بندی می نماید.



شکل ۲: الگوی مستخرج از مرحله کدگذاری انتخابی تحقیق

طبق شکل ۲ و در ادامه مرحله کدگذاری انتخابی مفاهیم بیان شده در الگوی پارادایمی به شکل کلی تر بیان شده است. در این شکل سعی شد مفاهیم مربوط به هم در یک مقوله کلی تر قرار گیرند.

بحث و نتیجه گیری

موضوع اوقات فراغت از دیرباز مورد توجه بشر بوده است و در حال حاضر نیز این توجه و حساسیت نه تنها کاهش نیافته است بلکه اهمیت آن بنا به دلایل متعددی افزایش یافته است. بخشی از این دلایل را میتوان به رشد و توسعه زندگی ماشینی، کاهش ساعات کار و فعالیت، ارتقای سطح آگاهی‌ها و دانش بشری و ... اشاره نمود (پارکر، ۲۰۰۲). از جمله موضوعاتی که ارتباط نزدیکی با حوزه اوقات فراغت و نحوه گذران آن دارد ورزش و فعالیت های حرکتی می‌باشد. همچنین، برنامه ریزی مناسب در حوزه اوقات فراغت از جمله فعالیت هایی است که می‌تواند در کسب نتایج مطلوب حاصل از فعالیت های اجرایی اوقات فراغت نقش بسیار تاثیرگذاری داشته باشد. با توجه به کمبود تحقیقات با محور برنامه ریزی، هدف از این تحقیق طراحی مدلی جهت آسیب شناسی برنامه ریزی اوقات فراغت با رویکرد فعالیت های بدنی در

استان تهران بود. بدین منظور طی یک روش کیفی از طریق مصاحبه به جمع آوری داده ها پرداخته شد و از طریق کدگذاری یافته حاصل گردید. یافته ها نشان داد در مرحله کدگذاری محوری تحقیق و براساس مدل پارادایمی، شش مقوله مشخص شد. در این پارادایم، برنامه ریزی فراغت با رویکرد ورزشی به عنوان پدیده محوری در نظر گرفته شد و سایر مقوله ها حول محور پدیده محوری طراحی گردیدند. اولین مقوله شرایط علی بود که در برگزیده شرایطی است که بر مقوله محوری (پدیده) تأثیر می گذارد. شرایط علی شامل موارد زیر بود:

نیازسنجی، اسناد بالادستی، درآمدزایی (جذب رسانه، جذب اسپانسرها و امور تبلیغاتی)، عدم کفایت برنامه های قبلی، کمبودها، فراغت به مفهوم عام، گستره فراغت، پذیرش نقش و ساختار بود که در دو مقوله اصلی عوامل مستقیم و غیر مستقیم دسته بندی شد. در واقع این نیاز مشتری است که تعیین کننده نوع برنامه ریزی مسئولان می باشد و برنامه ریزی بدون در نظر گرفتن نیازهای مشتری ضرورتی ندارد. یکی از مسئولین اداره کل گفت «نیاز سنجی در اداره کل به شکل علمی و با تشکیلات منظم انجام نمی گیرد و هیئتهای ورزشی که در صف اول ارتباط با مردم هستند معمولاً نیازها را درک می کنند و به ما منتقل می کنند و معمولاً نیاز سنجی از پایین به بالا است». یکی از اشتباهات برنامه ریزی آن است که برنامه ریزان نیازهای خود را برابر با نیازهای مردم می دانند و براساس نیازهای خود برنامه ریزی می کنند. این یافته با نتایج تحقیق مادران (۲۰۱۴) و لورن (۲۰۱۸) که بر توجه به نیازها و علائق تأکید داشته اند همخوانی دارد. از مفاهیم دیگر در شرایط علی برنامه ریزی اوقات فراغت اسناد بالادستی و اسناد موجود در وزارت ورزش و جوانان، شورای عالی انقلاب فرهنگی و فرمایشات مقام معظم رهبری و مسئولین است که همگی بر ضرورت برنامه ریزی مناسب در این حوزه تأکید داشته اند. در سندهای راهبردی در کشورهای مختلف نیز بر اهمیت اسناد بالادستی و سندهای اوقات فراغت اشاره شده است که از نمونه های آن سند راهبردی فراغت ویندهامز و سند سیاست های مربوط به افزایش مشارکت جوانان در اوقات فراغت است (ویندهامز، ۲۰۱۳). تقریباً در بیش از سی سند مربوط به اوقات فراغت که توسط تیم تحقیق مورد بررسی قرار گرفت بر اهمیت اسناد بالادستی و تبعیت از آنها در جهت انجام اقدامات عملی اشاره شده است. اوقات فراغت از جمله موضوعاتی است که می توان از منظر درآمدزایی (جذب رسانه، جذب اسپانسرها و امور تبلیغاتی) به آن توجه نمود. به همین دلیل برنامه ریزی مناسب می تواند باعث ایجاد درآمد برای واردشوندگان به این حوزه شود. نتیجه ای که هارل (۲۰۱۶) در بررسی روند گذر زمانی اوقات فراغت به آن اشاره نمود. حضور مردم از اقشار مختلف و گروه های مختلف می تواند موجب جلب توجه رسانه ها شود. امکان استفاده از فضاهای مربوط به برنامه های فراغت ورزشی زمینه انجام تبلیغات محیطی را نیز دارد. باشگاه ها نیز می توانند نقش مهمی در درآمدزایی در حوزه اوقات فراغت جامعه داشته باشند. تحقیقات بیانگر آن بودند که در استان تهران حدود ۳۵۰۰ باشگاه ورزشی در رشته های مختلف ورزشی وجود دارد ولی میانگین دقیقی از تعداد مشارکت کنندگان و میزان شهریه مشخص نمی باشد (اسمعیلی، ۱۳۹۵). همچنین باید مجدداً تکرار نمود که درآمدزایی اوقات فراغت صرفاً از طریق شهریه نبوده و روشهای مختلف درآمدزایی در اینگونه فعالیت ها قابل انجام است. جعفری (۱۳۸۴) در نتایجی همسو بر آثار مثبت اقتصادی اوقات فراغت اشاره نموده است. از طرفی کمبودها و محرومیت ها از شرایط علی و اصلی برای برنامه ریزی است. در هر حال منابع موجود محدودند و نیازها و خواسته های مردم بسیار گسترده و متنوع می باشد. از آنجا که این منابع پاسخگوی تمام نیازها نیستند برنامه ریزی برای استفاده بهینه لازم و ضروری است. هم اکنون

اوضاع اقتصادی سازمان های دولتی اجازه تاسیس و آغاز پروژه های جدید را نمی دهد. استفاده بهینه از آنچه که موجود است مساله اساسی است. یکی از نمونه ها گفت «در واقع در اداره کل ورزش و جوانان چیزی بنام برنامه ریزی مدون و دقیق در حوزه اوقات فراغت ورزشی موجود نیست و بیشتر یک سری اقدامات در این مورد انجام می شود که بنام برنامه از آنها یاد می شود». صفانیا (۱۳۸۰)، مگان (۲۰۱۳) و لورن (۲۰۱۸) کمبود تجهیزات ورزشی را از موانع برنامه ریزی مناسب اوقات فراغت برشمرده اند. یکی از کمبودهایی که موجب ضرورت برنامه ریزی اوقات فراغت ورزشی است کمبود محتوا در کلاس های اوقات فراغت می باشد. در واقع هیچ استاندارد و شاخصی برای کلاس های اوقات فراغت وجود ندارد. یکی از نمونه ها گفت «برای هر وضعیتی از مخاطب، یعنی مبتدی، متوسط و حرفه ای در کلاس های اوقات فراغت فرقی قائل نیستند و هیچ دستور کاری ندارند. درست است که هدف از کلاس ها قهرمانی نیست ولی باید طوری باشه که انگیزه لازم را برای افراد بتواند ایجاد کند». محتوا سازی و تدوین شاخص هایی برای سطوح و شرایط مختلف کلاس های فراغت باید با برنامه ریزی مناسب برطرف شود». لورن (۲۰۱۸) هم بر محتوای مناسب ویژه هر دامنه سنی شرکت کننده در کلاس ها اشاره نموده است. مادرن (۲۰۱۴) و وزارت ورزش (۱۳۹۴) هم به نوعی این نتایج را تکرار کرده اند. امروزه، صنعتی شدن جوامع موجب افزایش زمان های فراغت شده و در جوامع جوانی همچون کشور ما و احتمال زیاد پذیرش آسیب های اجتماعی در این دوران برنامه ریزی از نوع ورزشی بسیار ضروری است. افزایش ناهنجاری های بدنی حتی در دوره دانش آموزی باعث نواختن زنگ خطر برای توجه بیشتر به برنامه ریزی ورزشی در حوزه فراغت ورزشی است. یکی از نمونه ها گفت «الان دست هر بچه ای نگاه می کنید یا تبلت می بینید و یا گوشی که مشغول بازی هستند و مثل زمان ما نیست که خود به خود دنبال توپ بودیم و فعالیت های حرکتی خیلی زیاد بود. زندگی آپارتمانی و کمبود امکانات باعث شده ناهنجاری های بدنی افزایش یابد و این وظیفه ما برنامه ریزان است که بتوانیم موضوع افزایش فعالیت های حرکتی را گسترش بدهیم». از طرفی مشخص نبودن مرزهای بین فعالیت های سازمان های مختلف موجب موازی کاری و گاه اتلاف منابع مادی و مالی می شود. ستاد ساماندهی جوانان در هر استان دارای کمیته های مختلفی می باشد که کمیته ساماندهی اوقات فراغت بر عهده اداره کل ورزش و جوانان است. ۱۷ دستگاه در این کمیته عضو هستند ولی همانطور که قبلا نیز گفته شد جلسات این کمیته در حد اخذ برنامه از دستگاه ها می باشد. یکی از نمونه ها گفت «الان بیشتر دستگاه ها فعالیت هایی را انجام می دهند که البته در فصل تابستان بیشتر است. یعنی مثلا چندین نهاد مثل شهرداری، تربیت بدنی، بسیج، سپاه و برخی ادارات دیگر اقدام به برگزاری برنامه های ورزشی می کنند. اگر چه ماهیت توسعه ورزش خوب است و هر چه بیشتر باشد به نفع جامعه است ولی نداشتن یک برنامه هماهنگ موجب اتلاف فرصت ها و منابع می شود». بالاسکا در مقاله خود به نقش مهم گروه های مردمی و غیردولتی در توسعه فعالیت های فراغتی در ورزش اشاره نموده است (بالاسکا، ۲۰۱۳: ۶۶). لیدرا (۲۰۱۷) نتایجی همسو از نظر نقش مهم دولت و سازمان های صاحب قدرت بیان نمود. بخش دیگری که در مدل تحقیق مطرح شد عوامل زمینه ای و بستر ساز بودند. این عوامل بستری برای وقوع و حادث شدن پدیده می باشد. یعنی برنامه ریزی اوقات فراغت ورزشی بر بستر این عوامل شکل می گیرد. از جمله این عوامل آموزش می باشد. آموزش برنامه ریزی جزو مسائل ضروری برای مدیران است که ارتباط نزدیکی هم با دانش و نگرش دارد. رضوی هم در تحقیق خود به اهمیت متغیر آگاهی افراد و

دانش آنها اشاره نموده است (رضوی، ۱۳۹۳: ۳۶). لورن (۲۰۱۸) آموزش های مستمر در برنامه ریزی را الزامی می داند. یکی از بسترهای اصلی برنامه ریزی اوقات فراغت ورزشی بر مبنای رشته های ورزشی و رویدادها و مسابقات است. هم اکنون تمامی هیئت ها کمیته ای بنام ورزش همگانی را در خود ایجاد کرده اند اگر چه برخی فعالیت چندانی ندارند. البته سطح دسترسی و امکانات یک رشته در جلب توجه و گرایش افراد به یک رشته بسیار تاثیرگذار است. رشته های جدیدی نیز همواره وارد بازار مصرف می شود که می تواند علاقه مند خود را داشته باشد. هال (۲۰۱۳) و هنی (۲۰۱۳) در نتایجی همسو توجه به رشته های مختلف ورزشی را مورد توجه قرار داده اند. عوامل ذکر شده در مورد بسترها تا بدین جا در قالب عوامل غیر ملموس ارائه شدند. از عوامل ملموس هم می توان به منابع انسانی اشاره کرد. از منابع انسانی می توان به ورزشکاران، مربیان، مدیران، خانواده های ورزشکاران و داوطلبان اشاره نمود. لورن (۲۰۱۸) کمبود نیروهای تخصصی را از موانع برنامه ریزی دانسته است. دیگر بستر مطرح شده در این تحقیق تسهیلات و امکانات فیزیکی است. فضاهای سرپوشیده و روباز از جمله پارک ها و جنگل های طبیعی به عنوان یکی از اصلی ترین اماکن گذران فراغت ورزشی می باشند. این فضاها امکان برگزاری و انجام بسیاری از فعالیت های ورزشی را دارند که از جمله شاخص ترین آنها رشته دو چرخه سواری است. طوری که برخی کشورها در سند فراغت ورزشی خود به طور ویژه به موضوع دوچرخه سواری پرداخته اند (سند فراغت دورهام، ۲۰۱۴). کیفیت اماکن و تجهیزات در کنار کمیت باید در برنامه ریزی ها مورد توجه قرار گیرد. مگان (۲۰۱۳) نیز اهمیت کیفیت محیط ورزش را بیان کرده و گاندرسن (۲۰۱۵) به موضوع جنگل ها به عنوان یکی از بهترین مکان ها برای گذراندن اوقات فراغت اشاره نموده است. ظرفیت های مختلف استان تهران نیز از دیگر بسترها می باشد که باید مورد توجه مدیران قرار گیرد. در این مقاله به علت محدودیت صفحات امکان توضیحات بیشتر در ارتباط با هر موضوع نبود. دسته ای از عوامل که در الگوی پارادایمی به عنوان مداخله گر از آنها یاد می شود شامل مقوله های بیرونی و درونی بودند. یکی از عوامل بیرونی عامل سیاسی است. حضور سیاسیون می تواند بر برنامه های اوقات فراغت و ورزش تاثیرگذار باشد. داشتن دید حزبی و قراردادن اهداف برنامه های فراغت به سمت یک گروه یا اهداف خاص می تواند تاثیر منفی بر گسترش همه جانبه برنامه های فراغت ورزشی داشته باشد. ملکوتیان (۱۳۸۷) نیز در نتایجی همسو بیان داشت رابطه ورزش و سیاست دو سویه است. جعفری (۱۳۸۴) نیز شرایط سیاسی را در برنامه ریزی اوقات فراغت تاثیرگذار می داند. عامل فناوری و سبک زندگی نقش مداخله گری بر برنامه های اوقات فراغت دارد. جنبه دو پهلوی فناوری باید مورد توجه مدیران ورزشی باشد. این بدان معنی است که در مورد فن آوری باید راهبردهای مناسب در نظر گرفته شود. بسیاری از تحقیقات بیان داشتند که از بیشترین روش های گذران فراغت تماشای تلویزیون، گشت و گذار در سایت های اینترنتی و فضای مجازی است (کریمیان، ۱۳۹۰: ۵۳۴؛ نوایی نژاد، ۱۳۷۶). گزارش وزارت ورزش (۱۳۹۴) نیز بر پررنگ تر شدن نقش فضای مجازی در اوقات فراغت اشاره دارد. از طرفی مسائل اقتصادی و مالی همواره بر ورزش و به تبع آن برنامه ریزی های مربوط تاثیر داشته است. اوضاع مناسب یا نامناسب اقتصادی می تواند بر میزان اوقات فراغت و نحوه گذران آن تاثیر داشته باشد. برخی از محققان پرداخت هزینه های مالی را از عوامل اصلی بازدارنده مشارکت در فعالیت های ورزشی عنوان داشته اند (صفانیا، ۱۳۸۰: ۱۳۷؛ هاشمی، ۱۳۸۵). شناخت اوضاع اقتصادی هر منطقه و برنامه ریزی متناسب با توان مالی مردم از نکات مهم در برنامه ریزی است. یکی از نمونه ها گفت «ما در شهرداری تهران به ازای هر نفر از شهروندان تهرانی ۷۰۰ تومان

بودجه در سال ۱۳۹۶ اختصاص دادیم که با توجه به کاهش درآمدهای شهرداری در آینده کمتر هم خواهد شد و شهرداری مجبور است برای تامین منابع مالی اماکن ورزشی خود را به بخش خصوصی واگذار نماید که احتمالاً با افزایش شهریه ها همراه خواهد بود. دولت هم هیچگونه بودجه ای در ارتباط با ورزش به ما اختصاص نمی‌دهد». جعفری (۱۳۸۴)، گزارش وزارت ورزش (۱۳۹۴) شرایط اقتصادی را پر اهمیت دانسته اند. از طرفی، در برنامه ریزی اوقات فراغت باید شرایط فرهنگی جامعه، از جمله مسائل امنیتی به ویژه برای بانوان که می تواند از عوامل محدود کننده شرکت در فعالیت های ورزشی باشد را در نظر گرفت که رحمانی (۱۳۸۸) نیز بدان اشاره نموده است. مگان (۲۰۱۳) نیز بیان کرده باید به موضوع دختران توجه ویژه تری در برنامه ریزی ها شود. همچنین عوامل اجتماعی همچون همسالان، خانواده و علاقه مندی افراد برای گذران با یکسری افراد خاص باید مورد توجه قرار گیرد. مثلاً افراد سالمند علاقه دارند با فرزندان و نوه های خود فراغت را سپری کنند. در نظر گرفت برنامه های خانوادگی در اوقات فراغت می تواند این نیاز را برطرف نماید. همچنین گروه های ویژه همچون افراد ناتوان و کم توان باید مورد توجه برنامه ریزان باشند. تجهیزات مورد نیاز و شرایط این گروه ها با افراد سالم می تواند متفاوت باشد. کارمن (۲۰۱۶) و سوفر (۲۰۱۶) به اوقات فراغت معلولین پرداخته و گفتند بچه های ناتوان کمتر تمایل به شرکت در فعالیت های ورزشی دارند و برنامه ریزی آنان نیز ویژه است. در ادامه، رسانه های گروهی اعم از دیداری و نوشتاری و میزان توجه آنها به برنامه ها اهمیت زیادی دارد. از دیگر عوامل مداخله گر عوامل درونی نام گرفتند که از جمله آنها عوامل فردی، بین فردی و ساختاری بودند. عوامل کمبود زمان و نداشتن وقت، شرایط مکانی زندگی، وضعیت تاهل، اوضاع اقتصادی و دلبستگی های مکانی و بی انگیزگی جوانان از مسائل مورد توجه می باشد. عدم علاقه به حضور در محافل جمعی و ارتباط بین فردی نیز از عوامل تاثیر گذار و قابل توجه در برنامه ریزی فراغت است. ایناکی (۲۰۱۰) به نقش سلامت فردی در مشارکت اشاره نمود (ایناکی، ۲۰۱۰:۳۸۰). یافته های ون دیک (۲۰۱۳) در حوزه شرایط اجتماعی اقتصادی و تاثیر آن بر فراغت با یافته های تحقیق همخوانی دارد. رضائی (۱۳۹۵) و مگان (۲۰۱۳) نیز به مسائل فردی تاکید نموده اند. همچنین، نوع تدوین و اجرای برنامه ها از نظر انتخاب هدف، پیوستگی اهداف، وجود نقشه راه، استفاده مناسب از نتایج تحقیقات و برنامه های قبلی، نحوه اجرا و توجه به ارزیابی در تمام فصول سال همراه با اولویت بندی از اصول برنامه ریزی هستند. از راهبردهای این الگو می توان به ایجاد تنوع در ورزشها با توجه به وجود علاقه مندان، توجه به جشنواره ها و رویدادها و مسابقات تفریحی، برنامه ریزی محلی با توجه به شرایط و امکانات محلی، مشتری مداری و توجه به بازاریابی، توجه به نیازهای مشتری و تقسیم به گروه های خاص، توجه به معلولین، زنان، سالمندان، تقسیم بندی درآمدهای مبتنی بر ویژگی های جمعیت شناختی افراد اشاره نمود. چنین راهبردهایی می تواند پیامدهای فردی همچون کسب سلامت جسمانی و روانی، توسعه خلاقیت های فردی، تبعات اجتماعی همچون افزایش مسئولیت پذیری، تقویت بنیان خانواده در ورزش های خانوادگی، پیامدهای اقتصادی همچون تولید اشتغال و پیامدهای ورزشی همچون توسعه رشته های ورزشی داشته باشد. هاشمی (۱۳۹۷)، هال (۲۰۱۳)، مادرن (۲۰۱۴) و لورن (۲۰۱۸) نتایجی همسو با این تحقیق گزارش نموده اند. تدوین یک برنامه جدید بلند مدت با در نظر گرفتن ضعف های برنامه های قبلی با همکاری سازمان های متولی در حوزه اوقات فراغت و ورزش، جلسات هماهنگ با سازمان های دیگر بخصوص صدا و سیما

جهت تولید محتوای مشترک و ساخت برنامه های تلویزیونی و رادیویی، نیاز سنجی دوره ای و مستمر از طریق اینترنت و فضای مجازی و همچنین به شکل سنتی و مستقیم جهت بروزرسانی توجه به رسانه ها، راه اندازی پورتال ملی اوقات فراغت، توجه و حمایت از سمن ها و گروه های غیر دولتی، توجه ویژه به برنامه های جمعی و خانوادگی جهت توسعه کارکردهای اجتماعی فراغت ورزشی، سیاست گذاری یکپارچه و جلوگیری از موازی کاری، توزیع عادلانه امکانات بر اساس علاقه مندی و تواناییهای هر منطقه از شهر تهران بخشی از پیشنهادات این تحقیق برای برنامه ریزان و متولیان موضوع فراغت و ورزش است. همچنین مطالعه تطبیقی از کشورهای اسلامی و همسایه با موضوع فراغت ورزشی و انجام تحقیق کمی برگرفته از نتایج این طرح به سایر محققان پیشنهاد می شود. توجه به موضوع حساس برنامه ریزی اوقات فراغت و شیوه کیفی انجام کار از نوآوری های این تحقیق بود. البته عدم همکاری برخی از نمونه های مد نظر و عدم دسترسی به برخی اطلاعات آماری از جمله محدودیت ها به شمار می رفت.

منابع

- اسمعیلی، محسن. (۱۳۹۵). «تحلیل وضعیت باشگاه های بدنسازی ایران. طرح پژوهشی». پژوهشگاه تربیت بدنی و علوم ورزشی. صص ۷۵-۷۷.
- اشرف کریمی، علی و شوهانی، محمد. (۱۳۹۳). «مکان یابی پارک با رویکرد توسعه پایدار در پرکردن اوقات فراغت شهروندان؛ ایوان». فرهنگ ایلام، شماره ۴۴-۴۵، صص ۹۵-۱۰۷.
- تندنویس، فریدون. (۱۳۸۱). «جایگاه ورزش در اوقات فراغت مردم ایران». پژوهش در علوم رفتاری. شماره ۴، صص ۱۱۵-۱۳۳.
- جعفری، افسر؛ شب خیز، فاطمه و مشهوری، مرضیه. (۱۳۸۴). «بررسی میزان اوقات فراغت دانشجویان دختر دانشگاه تهران با تاکید بر تربیت بدنی». حرکت. شماره ۲۷، صص ۱۰۳-۱۱۶.
- رحمانی، احمد؛ پور رنجبر، محمد و بخشی نیا، طیبه. (۱۳۸۸). «بررسی و مقایسه نحوه گذران اوقات فراغت دانشجویان دختر دانشگاه های زنجان با تاکید بر نقش تربیت بدنی و ورزش». مجله دانشگاه علوم پزشکی. دوره ۵، شماره ۳، صص ۲۰۹-۲۱۶.
- رضائی زاده مهابادی، کامران و توحیدی، ابوالفضل. (۱۳۹۶). «بررسی مکان یابی و ایجاد پارک عمومی با رویکرد توسعه پایدار و برنامه ریزی اوقات فراغت (مطالعه: شهر سمنان)». پنجمین کنفرانس ملی پژوهش های کاربردی در مهندسی عمران، معماری و مدیریت شهری.
- رضایی اصل، سید مجتبی. (۱۳۹۵). «بررسی ابعاد مدیریت ورزشی همگانی و اوقات فراغت». سومین همایش علمی پژوهشی یافته های نوین علوم مدیریت، کارآفرینی و آموزش ایران. تهران، انجمن توسعه و ترویج علوم و فنون بنیادین.
- رضوی، سیدمحمدحسین؛ کتبی، فرشته و نقی زاده، حسین. (۱۳۹۳). «رابطه گذراندن اوقات فراغت دانشجویان با گرایش آنها به بزهکاری با تاکید بر فعالیت های ورزشی». نشریه مطالعات راهبردی ورزش و جوانان. شماره ۲۴ (۱۳)، صص ۹-۲۰.
- رفعت جاه، مریم؛ رشوند، مرجان و شهیدی زندی، مریم. (۱۳۸۹). «تبیین جامعه شناختی فعالیت های فراغتی دختران جوان». مطالعات راهبردی زنان. سال ۱۳، شماره ۵۰، صص ۸۲-۳۰.
- صفایا، علی محمد. (۱۳۸۰). «نحوه گذران اوقات فراغت دانشجویان دختر دانشگاه آزاد اسلامی کشور با تأکید بر فعالیت ورزشی». مجله حرکت. شماره ۹، صص ۱۲۷-۱۴۰.
- کریمیان، جهانگیر؛ شکرچی زاده اصفهانی، پریوش و افشار، مینا. (۱۳۹۰). «تعیین الگوی عوامل بازدارنده از مشارکت در فعالیت های ورزشی کارکنان بیمارستان های آموزشی شهر اصفهان بر اساس مدل سلسله مراتبی اوقات فراغت». مدیریت اطلاعات سلامت. سال ۱۰، شماره ۲، صص ۵۲۰-۵۳۸.
- ملکوتیان، مصطفی. (۱۳۸۸). «ورزش و سیاست». فصلنامه سیاست. دوره ۳۹، شماره ۲، صص ۳۰۱-۳۱۶.

- نوابی نژاد، شکوه و نیسیان، فریده. (۱۳۷۶). «بررسی نحوه گذران اوقات فراغت بانوان کشور با تأکید بر ورزش و فعالیت های بدنی». سازمان تربیت بدنی، معاونت ورزش بانوان. صص ۳۵-۳۶.
- وزارت ورزش و جوانان. دفتر پژوهش و مطالعات راهبردی. (۱۳۹۴). «گزارش گذران اوقات فراغت نوجوانان و جوانان در فصل تابستان». صص ۲۴-۳۸.
- هاشمی، هاجر. (۱۳۸۵). «بررسی عوامل بازدارنده مشارکت زنان کارمند و ارائه راهکارهای مؤثر در این زمینه». پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خوراسگان (اصفهان).
- هاشمی مطلق، شقایق؛ اصلانخانی، محمدعلی و صفانیا، علی محمد. (۱۳۹۷). «اثر محیط ادراک شده و حمایت اجتماعی بر مشارکت در فعالیت بدنی اوقات فراغت کارکنان منطقه سیزده دانشگاه آزاد اسلامی». رویکردهای نوین در مدیریت ورزشی. دوره ۶، شماره ۲۱، صص ۹۵-۱۰۴.

- Balaska, P., Kouthouris, Ch. (2013). **"Promoting Sport Participation in Greece: Issues and Challenges"**. International Journal of Sport Management, Recreation & Tourism, Vol. 13: 63-84.
- Bruner, M. W., Hillier, S., Baillie, C. P., Lavallée, L. F., Bruner, B. G., Hare, K., Lévesque, L. (2016). **"Positive youth development in Aboriginal physical activity and sport: A systematic review"**. Adolescent Research Review, 1, 257-269.
- Carmen, M. Meseguer & et al. (2011). **"Trends in Leisure Time and Occupational Physical Activity in the Madrid Region: 1995-2008"**. 64(1), 21-27.
- Cerin, E., Leslie, E. (2015). **"How socio-economic status contributes to participation in leisure-time physical activity"**. Soc Sci Med, 66(12), 2596-609.
- Durham country leisure. (2014). **"Sport and Leisure Service Strategy: 2011-2014"**.
- Gundersena, V., Tangelandb, T., Kaltenborna, B.P. (2015). **"Planning for recreation along the opportunity spectrum: The case of Oslo, Norway"**. Urban Forestry & Urban Greening, 14(2), 210-217.
- Hall, A. M. (2013). **"Toward a history of Aboriginal women in Canadian sport"**. In J. Forsyth & A. R. Giles (Eds.), *Aboriginal peoples & sport in Canada: Historical foundations and contemporary issues* (pp. 64-91). Vancouver: University of British Columbia Press.
- Heine, M. (2013). **"Performance indicators: Aboriginal games at the Arctic Winter Games"**. In J. Forsyth & A. R. Giles (Eds.), *Aboriginal peoples & sport in Canada: Historical foundations and contemporary issues* (pp. 160-181). Vancouver: University of British Columbia Press.
- Heine, M. (2007). **Inuit games: An instruction and resource manual**. (3rd Ed). Yellowknife, Northwest Territories, Canada: Sport North Foundation.
- HURL, CH. (2016). **"Governing Indigenous Sports and Recreation", 1972-2008: Citizenship Regimes, Nation-Building and the Politics of Ambivalence"**. Journal of Canadian Studies, Vol. 50 Issue 3, p727-755. 29p.

- Inaki, G., Mesenguer, R., Herruzo, f. (2010). **“Self-related according to amount, intensity and duration of leisure time physical activity”**. Preventive medicine, 12 (3): 378-383.
- Lauren, L., Nicole, K., Justin, H., (2018). **“Physical Education and Transition Planning Experiences Relating to Recreation among Adults Who Are Deafblind: A Recall Analysis”**. Journal of Visual Impairment & Blindness, Jan/Feb2018, Vol. 112 Issue 1, p73-86.
- Leidera, J., Jamie F., Chriquia, b., Emily, T., (2017). **“Associations between active living-oriented zoning and no adult leisure-time physical activity in the U.S”**. Preventive Medicine, Vol (95), 120–125.
- Madren, C., (2014). **“A Sporting Shift: New Trends in Adult Sports Require Dynamic Planning by Park and Recreation Agencies”**. Parks & Recreation, Vol. 49 Issue 2, 48-53.
- McIsaac, Jessie-Lee D. Jarvis, Sherry L. Spencer, Rebecca., Kirk, Sara F. L. (2018). **“A tough sell: findings from a qualitative analysis on the provision of healthy foods in recreation and sports settings”**. Maladies Chroniques ET Blessures au Canada, Vol. 38 Issue 1, p18-22. 5p.
- Meghan, C., Amanda, M., Rochelle, E., Jack, H., John, S., Amanda, T., Warren, P. (2013). **“Linking Physical Education with Community Sport and Recreation: A Program for Adolescent Girls”**. Health Promotion Practice, Vol. 14 Issue 5, p721-731.
- Soffer, M., Almog-Bar, M. (2016). **“Therapy or human right? The meaning of recreation for children and youth with disabilities in the “Krembo Wings” youth movement”**. Disability and Health Journal, 9 (3), P: 399-405.
- Wyndhams leisure strategy. (2013). www.wyndham.vic.gov.au
- Van Dyck, D. (2013). **“Perceived neighborhood environmental attributes associated with adults' leisure-time physical activity: findings from Belgium, Australia and the USA”**. Health Place, 19:59-68.

تبیین مدل کسب و کار لیگ برتر فوتبال ایران بر اساس هستی شناسی استروالد

خیام اکبری اصل هاسونی^۱

یعقوب بدری آذرین^۲

محمد رسول خدادادی^۳

 10.22034/SSYS.2022.1088.1744

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۹/۱۷

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۸/۱۱/۱۹

صنعت ورزش با داشتن قابلیت‌های فراوانی در برگزاری رویدادهای ورزشی بخصوص در زمینه لیگ‌های حرفه‌ای، توان درآمدزایی بسیار بالایی دارد. لیگ برتر فوتبال به عنوان یکی از مهم‌ترین کسب و کارهای صنعت ورزش ایران می باشد. لذا پرداختن به این امر از موضوعاتی است که برای صنعت ورزش کشور بسیار لازم و ضروری است. تحقیق حاضر با هدف تبیین مدل کسب و کار لیگ برتر فوتبال ایران در دو بخش و با دو رویکرد کیفی و کمی انجام گرفت. بخش کیفی به کمک نرم‌افزار مکس کیودا با روش پدیدارنگاری و با استفاده از مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته از طریق تفسیر دیدگاه‌ها و برداشت‌های ۳۰ نفر از خبرگان که به روش گلوله برفی انتخاب شدند، انجام شد. در این بخش، بوم کسب و کار لیگ برتر فوتبال ایران بر پایه هستی شناسی استروالد به دست آمد. بخش کمی تحقیق با استفاده از پرسشنامه استاندارد و مشارکت ۸۰ نفر از افراد مطلع به عنوان نمونه تحقیق که با روش غیر تصادفی هدفمند انتخاب شدند، انجام شد. تحلیل داده های این بخش با استفاده از نرم افزار اسمارت پی ال اس انجام شد. نتایج نشان داد بین شرکای کلیدی با ساختار هزینه ها و منابع کلیدی، منابع کلیدی با ارزش های پیشنهادی و کانال توزیع و بخش های مشتری با جریان درآمدی رابطه ی معنادار وجود ندارد. نتایج تحقیق حاضر، نقشه راهی برای آسیب شناسی ساختاری و تدوین استراتژی های جبرانی در راستای ایجاد ساختار یکپارچه و چارچوب ارتباطی جامع در تمام ابعاد بوم کسب و کار لیگ برتر فوتبال ایران می باشد.

واژگان کلیدی: لیگ برتر فوتبال، بوم کسب و کار، استروالد و هستی شناسی.

۱- دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی دانشگاه تبریز، تبریز، ایران (نویسنده مسئول)

E-mail: Khayyam_akbari@yahoo.com

۲- دانشیار، مدیریت ورزشی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

۳- استادیار، مدیریت ورزشی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

مقدمه

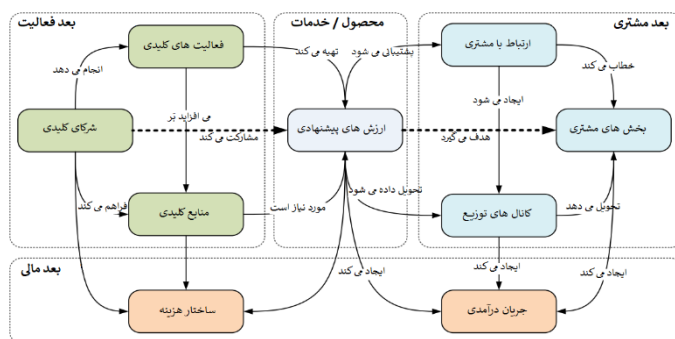
امروزه صنعت ورزش به عنوان عاملی مؤثر در رشد و توسعه ابعاد اجتماعی و اقتصادی با اثرات مستقیم و غیرمستقیم، نقش مهمی در اقتصاد کشورها ایفا می‌کند به طوری که از بزرگترین صنایع پردرآمد در قرن ۲۱ به شمار می‌آید (ویسی و همکاران، ۲۰۱۵). تحقیقات کالیگنان و نیکولاس^۱ (۲۰۱۴) نشان می‌دهد از سال ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۴ صنعت ورزش هر ساله به طور متوسط هفت درصد رشد داشته است که این مقدار رشد از متوسط نرخ رشد اقتصادی در بسیاری از کشورهای دنیا بالاتر است (محمدکاظمی و همکاران، ۱۳۹۵). صنعت ورزش با داشتن ظرفیت‌های زیادی به خصوص در زمینه لیگ‌های حرفه‌ای ورزشی توان درآمدزایی بسیار بالایی دارد. در بسیاری از کشورها، برگزاری لیگ‌های حرفه‌ای و صنعت باشگاه داری حرفه‌ای فوتبال باعث رشد و توسعه اقتصادی مطلوبی در صنعت فوتبال آن‌ها شده است (رضایی و همکاران، ۱۳۹۵). زیمانسکی^۲ (۲۰۰۳) باشگاه‌های ورزشی را نوعی واحدهای کسب و کار با اندازه‌های متفاوت بیان می‌کند. نقدی و همکاران (۱۳۹۲) باشگاه‌ها را مهم‌ترین بخش صنعت فوتبال عنوان کرده و ادامه حیات صنعت فوتبال را منوط به ادامه حیات باشگاه‌ها می‌دانند. در سال‌های اخیر شاهد رقابتی‌تر شدن عرصه کسب و کار در صنایع مختلف بوده‌ایم. بنا بر نظر محققان عرصه کسب و کار، دستیابی به جایگاه رقابتی مناسب برای یک شرکت، تنها با کمک یک الگوی مناسب کسب و کار امکان‌پذیر است. دو رویکرد اصلی در خصوص مدل کسب و کار وجود دارد: رویکرد اول، جنبه "مدل" بودن؛ برخی محققان بر این رویکرد تمرکز دارند و فرض را بر این می‌گذارند که مدل کسب و کار ابزاری برای کاهش پیچیدگی دنیای واقعی است و نشان می‌دهد یک شرکت چگونه کار می‌کند و رویکرد دوم، هستی‌شناسی^۳ (استروالد و پیگنر^۴، ۲۰۱۰). استروالد (۲۰۰۴) مدل کسب و کار را یک ابزار مفهومی تعریف می‌کند که شامل مجموعه‌ای از اهداف و مفاهیم و ارتباط آن‌ها است که با هدف بیان منطق اختصاصی یک بنگاه گردآوری شده است. این مجموعه نشان می‌دهد که چه چیز و چگونه به مشتریان پیشنهاد می‌شود و عواید مالی آن چیست. استروالد و همکاران^۵ (۲۰۰۵) مدل کسب و کار را با نگاهی جامع، در سطحی وسیع‌تر از صرف مدل یعنی هستی‌شناسی پذیرفته‌اند. تحقیق حاضر از رویکرد دوم بهره گرفته و هستی‌شناسی کسب و کار استروالد را برگزیده است. هستی‌شناسی استروالد، یک طرح کسب و کار را در قالب ساختاری منظم و جامع ارائه می‌کند و یک ابزار راهبردی برای سازمان‌ها به حساب می‌آید. هستی‌شناسی دارای ۹ عنصر است؛ بخش‌های مشتریان، ارزش پیشنهادی، کانال توزیع، ارتباط با مشتریان، جریان درآمدی، منابع کلیدی، فعالیت‌های کلیدی، شرکای کلیدی و ساختار هزینه که در کنار یکدیگر چشم‌اندازی منسجم از عوامل کلیدی محرک یک کسب و کار را تشکیل می‌دهند (شکل ۱). استروالد پس از شناسایی سنگ بناهای مدل‌های کسب و کارهای پیشنهاد شده توسط سایر نویسندگان این حوزه، بر مبنای آن‌ها مدل جدیدی را ایجاد نموده است که این مدل، یکپارچه شده تمامی موارد قبلی است (نقدی و همکاران، ۱۳۹۲).

1. Collignon and Nicolas
2. Szymanski
3. Ontology
4. Osterwalder & Pigneur
5. Osterwalder, Pigneur, & Tucci

هرچند تاکنون تحقیقی کسب و کار فوتبال ایران را بر اساس هستی شناسی استروالد بررسی نکرده است ولی تحقیقات زیادی وجود دارد که به صورت مجزا به هریک از عناصر ۹ گانه هستی شناسی پرداخته‌اند که به نمونه‌ای از آن‌ها اشاره می‌شود. ملکیان و همکاران (۱۳۹۶) ترکیب دو مدل پیوستار روانشناختی و مقیاس ارزیابی و سیاهه فراغت جدی را به عنوان ابزاری کاربردی جهت استفاده و راهنمایی بازاریابان و صاحبان باشگاه‌ها برای بخش‌بندی تماشاگران ورزشی و آگاهی از اهداف مشارکت آن‌ها و طراحی راهبردهای بازاریابی هدفمند با هدف حفظ و ارتقای وفاداری تماشاگران معرفی کردند (ملکیان و همکاران، ۱۳۹۷). ایزدی و همکاران (۱۳۹۳) به نیاز باشگاه‌های کشور به تلاش گسترده‌ای برای حفظ و نگهداری هواداران جاری و جذب هواداران جدید با فراهم نمودن امکانات مناسب، مدیریت و هدایت برنامه‌های مشتری محور و ایجاد دانش و اطلاعات مورد نیاز از طریق کانال‌های مختلف ارتباطی نیاز اشاره می‌کنند. نریمانی و خسروجردی (۱۳۹۵) نشان دادند کیفیت بازی و نتایج مسابقات بر تصمیم تماشاگران مسابقات لیگ برتر فوتبال برای حضور مجدد در ورزشگاه‌ها تأثیر مثبت دارد. احسانی و همکاران (۱۳۹۳) در تحقیق خود به وجود خلاء و فاصله دیدگاه دانشگاهی و دیدگاه اجرایی در مورد جذب حامیان مالی در صنعت فوتبال کشور اشاره نمودند و رفع موانع موجود در جذب حامیان مالی را منوط به استفاده از دیدگاه‌های تمامی گروه‌ها گزارش کردند. فلاح کاظمی و همکاران (۱۳۹۶) در تحقیق خود عدم جذابیت بازی‌ها و تیم و هزینه بلیط، رفت و آمد و تغذیه در استادیوم‌ها را مهم‌ترین عوامل عدم حضور تماشاگران و خالی بودن صندلی‌های استادیوم گزارش کردند. نتایج تحقیق سلطانی و همکاران (۱۳۹۶) نشان داد منابع سازمانی (منابع انسانی، دارایی معنوی، منابع ارتباطی و اطلاعاتی، منابع مالی، زیرساخت‌ها و اماکن ورزشی) و مزیت رقابتی (کارایی، کیفیت، نوآوری و پاسخ گویی به مشتری) بر میزان سودآوری باشگاه‌های فوتبال حرفه‌ای ایران تأثیر معناداری دارد. نتایج تحقیق نادریان و همکاران (۱۳۹۳) نشان داد اکثر باشگاه‌های فوتبال حرفه‌ای ایران مبتنی بر کمک‌های مستقیم دولت و سازمان‌های صنعتی می‌باشد (۶۵٪) و دولتی بودن باشگاه‌ها، عدم شفافیت صورت‌های مالی، امتناع صدا و سیما از پرداخت حق پخش آگهی مسابقات به باشگاه‌ها، عدم رعایت قانون حق مؤلف، برنامه‌ریزی نامناسب مسابقات، عدم موفقیت بازاریابی باشگاه‌ها، عدم آگاهی مدیران باشگاه‌ها از روش‌های تأمین مالی، استفاده محدود از مدیران خلاق و با تخصص‌های تجاری و مالی در سطوح مختلف، از جمله موانع مهم تأمین مالی در باشگاه‌های فوتبال حرفه‌ای لیگ برتر ایران می‌باشد. نتایج پژوهش شعبانی (۱۳۹۵) نشان داد؛ بین دو متغیر هزینه و رتبه در لیگ برتر فوتبال کشور رابطه معنادار معکوس وجود دارد. بدین معنا که هرچه هزینه تیم‌ها بالاتر رفته است رتبه تیم‌ها در لیگ کاهش پیدا کرده است و پیش‌بینی‌ها نشانگر این است که حدود ۲۴ درصد تغییرات رتبه در لیگ برتر فوتبال مرتبط با هزینه‌های لیگ می‌باشد.

با گسترش خصوصی‌سازی در همه سازمان‌ها و ابعاد کشور، سازمان‌ها باید اتکای خود را به بودجه دولتی کاهش دهند. سازمان‌های ورزشی نیز از این قاعده مستثنی نبوده و باید به دنبال راهکارهای درآمدزایی باشند از این رو برنامه‌ریزی دقیق برای درآمدزایی و ارتقای مزیت‌های رقابتی و افزایش توان تجاری لیگ‌های ورزشی اهمیت دوچندانی می‌یابد این بدان معناست که تمام قسمت‌های کسب و کار می‌بایست بهینه‌سازی و تقویت شده و این امر باعث تغییر در جزئیات الگوهای کسب و کار می‌شود. مدل کسب و کار به نوبه خود می‌تواند منشأ مزیت رقابتی باشد با بهره‌گیری از مزیت‌های رقابتی مختلف، یک مدل کسب و کار جدید می‌تواند باعث پرش و جهش قابل توجهی در رقابت‌های اقتصادی باشد. مطالعه ادبیات کسب و کار لیگ برتر فوتبال ایران نشان می‌دهد پژوهشگران قبلی به فهرست کردن ارکان پیشنهادی خود پرداخته‌اند؛ برخی، آن‌ها را توضیح داده‌اند و گروهی دیگر آن‌ها را مفهوم سازی کرده‌اند. این مطالعه، کارهای انجام

شده قبلی را یکپارچه کرده و با بهره‌مندی از مدل بوم به جای برنامه‌های سنتی چندین صفحه‌ای کسب و کار، در قالب ساختاری منظم و جامع، چشم‌اندازی منسجم از عوامل کلیدی محرک کسب و کار لیگ برتر فوتبال ایران عرضه می‌کند و با تحلیل کمی ارتباط و تأثیر هر جز بر اجزای دیگر، توصیفی شفاف از وضعیت مدل کسب و کار لیگ برتر فوتبال ایران ارائه می‌دهد.



شکل ۱: بوم کسب و کار استروالد

روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر، به روش ترکیبی و در دو بخش کیفی و کمی انجام گرفت به طوری که با توجه به هدف از نوع کاربردی می‌باشد و جمع‌آوری اطلاعات در دو بخش کمی و کیفی با استفاده از پرسشنامه و مصاحبه انجام گرفته است. جامعه آماری پژوهش حاضر را کلیه مدیران و مسئولان باشگاه‌ها و لیگ حرفه‌ای فوتبال ایران، مسئولان فدراسیون و سازمان لیگ فوتبال ایران، پژوهشگران و استادها (اعضای هیئت علمی دانشگاه های کشور که در حوزه های اقتصاد ورزشی، بازاریابی ورزشی و کسب و کار ورزش مطالعه کرده اند) حوزه‌های مدیریت ورزشی، اقتصاد، بازاریابی و کسب و کار و رسانه‌های ورزشی (تحلیل گران برنامه های ورزشی تلویزیونی و رادیویی و نویسندگان روزنامه ها و مجلات ورزشی) تشکیل داده‌اند. برای بخش کیفی ۳۰ نفر با روش نمونه‌گیری گلوله برفی و تا حصول اشباع نظری انتخاب شدند مصاحبه‌ها تا مرحله اشباع داده‌ها پیش رفت. مصاحبه بر مبنای سوالات اساسی و استاندارد طراحی بوم کسب و کار استروالد (استروالد و پیگنر، ۲۰۱۰) انجام گرفت. داده‌های کیفی از خلال مصاحبه‌های نیمه ساختار یافته با مشارکت کنندگان در پژوهش گردآوری و تحلیل کیفی به روش آنالیز محتوا با نرم افزار مکس کیودا^۱ انجام شد. در بخش کمی بر اساس روش نمونه‌گیری غیر تصادفی هدفمند، تعداد ۸۰ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. برای تعیین تعداد نمونه از روش ۱۰ برابر بیشترین روابط مربوط به یک متغیر موجود در بخش ساختاری مدل اصلی پژوهش که توسط بارسلی و همکاران (۱۹۹۵) ارائه شده است (بارسلی و همکاران، ۱۹۹۵) استفاده شد. ابزار تحقیق در این بخش پرسشنامه استاندارد بوم کسب و کار (استروالد و پیگنر، ۲۰۱۰) شامل دو بخش اطلاعات دموگرافیک پاسخ‌دهندگان و سوالات مربوط به هستی شناسی استروالد در قالب ۹ سازه منطبق بر بلوک‌های ۹ گانه هستی شناسی که بر اساس مقیاس پنج ارزشی لیکرت امتیازدهی شد، می‌باشد.

1. MAXQDA

2. Barclay, Higgins & Thompson

مدل معادلات ساختاری جهت بررسی وجود، میزان و جهت ارتباط بین متغیرها (بلوک‌های ۹ گانه بوم) مورد استفاده قرار گرفت. یک مدل معادلات ساختاری که از روش حداقل مربعات جزئی (PLS) در حل آن استفاده شده است، می‌بایست در دو مرحله مورد تحلیل و تفسیر قرار گیرد. منظور از بررسی مدل اندازه‌گیری، بررسی وزن‌ها و بارهای متغیرهای مکنون (شکل ۲) و منظور از بررسی مدل ساختاری بررسی ضرایب مسیر بین متغیرهای مکنون می‌باشد (شکل ۳). مدل معادلات ساختاری رویکرد آماری جامعی برای آزمون فرضیه‌هایی درباره روابط بین متغیرهای مشاهده شده و متغیرهای مکنون است. از طریق این رویکرد می‌توان قابل قبول بودن مدل‌های نظری را در جامعه‌های خاص با استفاده از داده‌های همبستگی، غیرآزمایشی و آزمایشی آزمون کرد. بنا به نظر هومن (۱۳۹۳)، مدل‌سازی معادلات ساختاری یک تکنیک تحلیل چند متغیری بسیار کلی و نیرومند از خانواده رگرسیون چند متغیری است و یک رویکرد جامع برای آزمون فرضیه‌هایی درباره روابط مستقیم و غیرمستقیم بین متغیرها است (هومن، ۱۳۹۳). با این روش می‌توان قابل قبول بودن مدل‌های نظری را در جامعه‌های مشخص آزمود.

یافته‌های پژوهش

بخش کیفی

جدول ۱: ویژگی‌های نمونه

بخش کیفی			
ویژگی	نوع و درصد فراوانی		
سن	زیر ۳۰ سال	۳۰ تا ۴۰ سال	۴۰ تا ۵۰ سال
	۱۰ درصد	۴۰ درصد	۳۰ درصد
تحصیلات	پایین‌تر از لیسانس	لیسانس	فوق لیسانس
	۰ درصد	۲۰ درصد	۲۳ درصد
نوع ارتباط با لیگ حرفه‌ای فوتبال ایران	مدیر یا مسئول	کارشناس یا پژوهشگر	اصحاب رسانه
	۳۳ درصد	۴۰ درصد	۱۷ درصد
سابقه ارتباط با لیگ حرفه‌ای فوتبال ایران	۱ تا ۵ سال	۵ تا ۱۰ سال	۱۰ تا ۱۵ سال
	۳۰ درصد	۲۰ درصد	۲۷ درصد
بخش کمی			
ویژگی	نوع و درصد فراوانی		
سن	زیر ۳۰ سال	۳۰ تا ۴۰ سال	۴۰ تا ۵۰ سال
	۲۵ درصد	۳۷,۵ درصد	۲۵ درصد
تحصیلات	پایین‌تر از لیسانس	لیسانس	فوق لیسانس
	۱۲,۵ درصد	۳۷,۵ درصد	۲۵ درصد
نوع ارتباط با لیگ حرفه‌ای فوتبال ایران	مدیر یا مربی	کارشناس یا پژوهشگر	اصحاب رسانه
	۲۵ درصد	۱۸,۷۵ درصد	۱۸,۷۵ درصد
سابقه ارتباط با لیگ حرفه‌ای فوتبال ایران	۱ تا ۵ سال	۵ تا ۱۰ سال	۱۰ تا ۱۵ سال
	۱۲,۵ درصد	۲۵ درصد	۳۷,۵ درصد

فرايند تحليل محتوا برای تعيين زیربخش های بلوک های ۹ گانه بوم كسب و كار انجام شد و در اين فرايند ۱۱۷۴ كد اوليه استخراج گرديد. با بازبینی و ادغام كدها بر اساس تشابه در چندین مرحله در نهايت ۳۳ زیربخش به عنوان كدهای محوری در قالب ۹ بلوک به عنوان بوم كسب و كار ليگ برتر فوتبال ايران استخراج گرديد. (جداول ۲، ۳، ۴ و ۵).

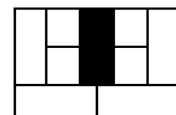
جدول ۲: بعد مشتری بوم كسب و كار ليگ برتر فوتبال ايران

مقوله	كد محوری	كدهای باز	مصاحبه شونده	فراوانی
بخش های مشتری	بازار انبوه	هواداران - تماشاگران	11-16,18 -121,124-126,130	۴۲
	بازار بخشی	وفاداران، سنين مختلف، جنسيت مختلف - فوتبالیست ها - داوران - مربیان	11,12,14-17,19,110,112-114,116,118,120,122,124,127,128,130	۲۴
	بازار خاص	باشگاه های فوتبال خارجي - شرکت های تجاری و تبلیغاتی - رسانه	12,15,18, 111-113, 115,117, 119-121,123,126,129,130	۲۱
	انجمن ها	كانال ها و گروه های مجازی - همایش ها و كانون هواداران	11,18-115,117-124,126,129,130	۲۷
ارتباط با مشتری	سرویس های مساعدت خودكار	فناوری های نوین ارتباطی - سایت اینترنتی	11,19,110,112,117,122, 123,126,130	۹
	سلف سرویس	رسانه های عمومی - رسانه های اختصاصی - حضور در استادیوم و اماکن	11,14-19, 111-116, 118-121, 125-127,129,130	۵۴
	مساعدت فردی	روابط عمومی	19	۱
	مساعدت فردی اختصاصی	ارتباط از طریق نمایندگان باشگاه ها	15,113,124	۳
كانال توزیع	كانال توزیع مستقیم	رویدادها و كنگره های فوتبال - كانون هواداران - استادیوم ها و اماکن - فروشگاه های اختصاصی -	11,12,14- 119,121-125,127,130	۴۶
	كانال توزیع غیر مستقیم	اماكن عمومی و نمایشگاه ها - رسانه - فضای مجازی	11-130	۸۱

جدول ۳: بعد محصول و خدمات بوم کسب و کار لیگ برتر فوتبال ایران

مقوله	کد محوری	کدهای باز	مصاحبه شونده	فراوانی
ارزش های پیشنهادی	انجام کامل کار	پرکردن اوقات فراغت تماشاگران - ارائه خدمات به هوادر و تماشاگر	I2-I4,I7-I11,I15-I22,I24,I26,I30	۲۸
	برند	برند	I11,I12,I15,I28	۴
	تازگی	گستره وسیع - تنوع - غیرقابل پیش بینی بودن رقابت ها - کیفیت خوب مسابقات - جذابیت - بازی های تماشاگرپسند	I2,I4-I8, I10-I16, I18,I20-I22,I24,I25,I27,I28	۴۴
	سفارشی سازی	توسعه تیم و باشگاه - جذب بازیکنان و مربیان مطرح	I2,I3,I5,I7,I8,I10,I17,I20	۸
عملکرد	طراحی منحصر به فرد	پرورش بازیکن	I5,I29	۲
	عملکرد	تعهد و مسئولیت پذیری - شفافیت مالی و مدیریتی - اثرات سیاسی - اثر اقتصادی - اثر فرهنگی و اجتماعی	I1-I11,I13,I14,I16-I23,I25-I27,I29,I30	۶۰
	قابلیت دسترسی	دسترسی آسان به استادیوم ها	I10,I11,I16,I18,I25,I27,I28	۷
	کاهش هزینه	کاهش هزینه	I2,I5,I24	۳

ارزش های پیشنهادی



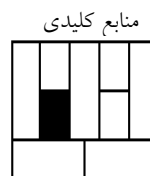
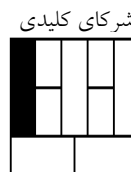
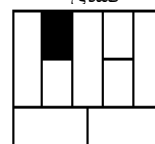
۳۰۱

جدول ۴: بعد مالی بوم کسب و کار لیگ برتر فوتبال ایران

مقوله	کد محوری	کدهای باز	مصاحبه شونده	فراوانی
جریان درآمدی	درآمدهای تراکنشی	پاداش قهرمانی - فروش بازیکن - بلیت فروشی - درآمد حاصل از برگزاری رویداد - فروش محصولات تبلیغی - آموزش - پروژه های اقتصادی غیر فوتبالی	I1-I28,I30	۷۱
	درآمدهای تکرارپذیر	حق عضویت و حمایت مالی هوادران - حامیان مالی - درآمد از قرارداد تبلیغ - اجاره اماکن - پخش تلویزیونی - کمک مالی دولت	I1-I20,I22,I24,I25,I27-I30	۶۷
ساختار هزینه	هزینه های ثابت	هزینه های زیرساختی فناوری - تجهیز اماکن و استادیوم - ساخت اماکن و استادیوم	I1-I16,I18-I23,I25-I30	۵۲
	هزینه های متغیر	مالیات - حقوق پرسنل - برنامه های فرهنگی و خدمات رفاهی - هزینه آموزش - قراردادهای ورزشی - هزینه ایاب و ذهاب، اسکان و تغذیه - هزینه برگزاری مسابقات	I1-I10,I12-I30	۵۹

جدول ۵: بعد فعالیت بوم کسب و کار لیگ برتر فوتبال ایران

مقوله	کد محوری	کدهای باز	مصاحبه شونده	فراوانی
فعالیت های کلیدی	فعالیت های کلیدی تولید	برنامه های فرهنگی آموزشی - کشف، جذب و پرورش استعداد های فوتبال - تامین رضایت تماشاگران و هواداران - مدیریت بهینه منابع - بهبود اماکن و استادیوم های فوتبال - برنامه ریزی موثر برگزاری و پخش رویدادها	I1-I8,I10,I12-I18,I20-I25,I27-I29,I30	۸۰
	فعالیت های کلیدی حل مسئله	توسعه برنامه های راهبردی - کاهش وابستگی به دولت و درآمدزایی - حرکت به سوی خصوصی سازی - مبارزه با فساد و تقلب	I1,I3-I7, I9-I12,I14-I23,I25,I26,I28-I30	۴۱
شرکای کلیدی	فعالیت کلیدی پلتفرم	ایجاد و حفظ شبکه های اجتماعی موثر - ارتباط با صاحب نظران فوتبال - توسعه ارتباطات بین الملل - توسعه فناوری و جریان دانش فوتبال	I1-I4,I6-I9,I11-I13,I15,I16,I18-I21,I24-I28,I30	۲۷
	تامین کنندگان	تولید کنندگان ورزشی - مدارس فوتبال	I2-I8,I10-I23,I27	۳۰
منابع انسانی	رقبای شریک	مالکان باشگاه های خصوصی - دولت	I1-I7,I9-I14,I16-I22,I24,I25,I27,I28,I30	۶۵
	سرمایه گذاران شریک	سهامداران باشگاه ها - شرکت های خصوصی و دولتی - حامیان مالی	I4,I6-I17,I19-I23,I26-I28,I30	۳۴
منابع فکری و داشته های نامشهود	همکاران استراتژیک	کمیته ملی المپیک - تشکلهای صنفی فوتبال - فدراسیون ملی و بین المللی فوتبال - رسانه داوطلبان - تیم ها و فوتبالیست های مطرح و محبوب - هواداران - مدیران موثر - مربیان برتر	I1-I13,I15-I26,I28,I30	۵۲
	منابع انسانی	جایگاه بین المللی لیگ و تیم ها - رسانه - برند - سازمان لیگ و باشگاه های فوتبال ساختارمند - قوانین و مقررات حمایتی	I1-I14,I16-I18,I21,I22,I24-I30	۴۰
منابع فیزیکی	منابع مالی	امکان اختصاصی و استاندارد - پشتیبانی لجستیک تیم های فوتبال	I2-I8,I10-I12,I14-I16,I18-I20,I22-I25,I27,I29,I30	۳۶
	منابع مالی	حمایت مالی دولت - حامیان مالی - حق پخش	I2-I8,I10-I14,I16,I18,I21,I25-I28,I30	۲۶
			I1,I6,I8,I10-I12,I14-I21,I25-I27,I30	۳۰



بخش کمی

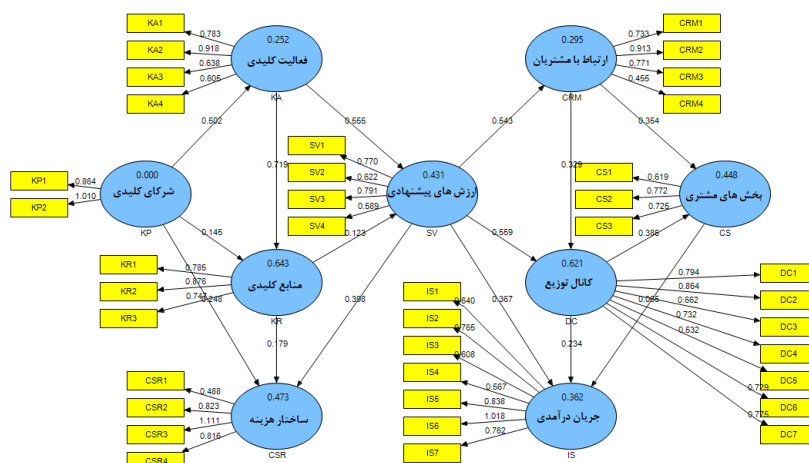
دغدغه‌های و پایایی در همه شیوه‌های پژوهش مورد توجه بسیاری از پژوهشگران قرار دارد. معیار سنتی محاسبه پایایی، آلفای کرونباخ است. آلفای کرونباخ براساس میزان پراکنش داده‌ها تعیین می‌شود و انحراف معیار عامل اصلی سنجش پایایی است. از سوی دیگر پایایی ترکیبی براساس هماهنگی درونی سوالات هر عامل محاسبه می‌شود بنابراین معیار دقیق‌تری است (حیبی و عدنور، ۱۳۹۶). برای بررسی همسانی درونی و پایایی، مقدار میانگین واریانس استخراج شده (AVE) و پایایی مرکب (CR) بررسی می‌شود (جدول ۶). میانگین واریانس استخراج شده یا AVE مخفف Average Variance Extracted می‌باشد. روایی همگرا زمانی وجود دارد که AVE از ۰/۵ بزرگ‌تر باشد. پایایی مرکب یا CR مخفف Composite Reliability می‌باشد. روایی همگرا زمانی وجود دارد که CR از ۰/۷ بزرگ‌تر باشد. همچنین CR باید از AVE بزرگ‌تر باشد. در اینصورت هر شرط روایی همگرا وجود خواهد داشت. با توجه به نتایج جدول ۶ کلیه شرایط روایی و پایایی محقق شده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از ضریب همبستگی و برای طراحی مدل از روش مدل‌سازی معادلات ساختاری (SEM)^۱، از نرم‌افزار Smart PLS استفاده شد.

جدول ۶: واریانس سازه‌ها، اعتبار ترکیبی، واریانس تبیین شده و ماتریس همبستگی متغیرهای تحقیق

متغیرها	AVE	Composite Reliability	R Square	ارتباط با مشتری	بخش‌های مشتری	ساختار هزینه	کانال توزیع	درآمدی	فعالیت کلیدی	شرکای کلیدی	منابع کلیدی	ارزش پیشنهادی
ارتباط با مشتری	۰/۶۹	۰/۸۷	۰/۲۲	۱/۰۰	۰/۶۱	۰/۶۹	۰/۶۲	۰/۴۳	۰/۶۹	۰/۴۲	۰/۶۲	۰/۴۷
بخش‌های مشتری	۰/۵۰	۰/۷۵	۰/۴۶	۱/۰۰	۰/۵۰	۰/۶۲	۰/۳۸	۰/۵۳	۰/۴۵	۰/۴۸	۰/۴۱	۰/۴۱
ساختار هزینه	۰/۸۹	۰/۹۶	۰/۴۳	۱/۰۰	۰/۶۴	۰/۶۰	۰/۶۴	۰/۶۴	۰/۴۸	۰/۵۴	۰/۵۶	۰/۵۶
کانال توزیع	۰/۵۹	۰/۸۹	۰/۵۳	۱/۰۰	۰/۵۵	۰/۷۶	۰/۶۸	۰/۷۲	۰/۶۳	۰/۷۲	۰/۶۳	۰/۶۳
جریان درآمدی	۰/۵۷	۰/۹۰	۰/۳۸	۱/۰۰	۰/۴۶	۰/۴۴	۰/۴۳	۰/۵۵	۰/۴۳	۰/۴۳	۰/۵۵	۰/۵۵
فعالیت کلیدی	۰/۵۶	۰/۸۳	۰/۲۵	۱/۰۰	۰/۵۰	۰/۷۰	۰/۵۶	۰/۵۶	۰/۷۰	۰/۵۶	۰/۵۶	۰/۵۶
شرکای کلیدی	۰/۸۸	۰/۹۴	۰/۹۴	۱/۰۰	۰/۵۰	۰/۴۳	۰/۴۳	۰/۴۳	۰/۵۰	۰/۴۳	۰/۴۳	۰/۴۳
منابع کلیدی	۰/۶۵	۰/۸۵	۰/۶۵	۱/۰۰	۰/۵۲	۰/۵۲	۰/۵۲	۰/۵۲	۰/۵۲	۰/۵۲	۰/۵۲	۰/۵۲
ارزش پیشنهادی	۰/۵۹۰	۰/۸۱	۰/۳۳	۱/۰۰	۰/۳۳	۰/۳۳	۰/۳۳	۰/۳۳	۰/۳۳	۰/۳۳	۰/۳۳	۰/۳۳

(P<0/001) *

اولین عاملی که در ارزیابی مدل‌های سنجش، باید مورد توجه قرار گیرد، تک‌بعدی بودن شاخص‌های مدل است. یعنی هر شاخصی در مجموعه شاخص‌ها، باید با یک مقدار بار عاملی بزرگ، تنها به یک بعد یا متغیر نهفته، بارگذاری گردد. بدین منظور باید مقدار بار عاملی بزرگ‌تر از ۰.۶ باشد و مقدار بار عاملی کوچک‌تر از ۰.۴۰ کوچک محسوب شده و باید از مجموعه شاخص‌ها حذف گردد. بنابراین گویه‌هایی که دارای بار عاملی کم بودند، حذف شدند (شکل ۲). مقدار ضریب قابلیت اطمینان ساختاری^۱ عامل دیگری است که در ارزیابی قابلیت اطمینان سازگاری درونی مدل‌های سنجش قابل استفاده است. مقدار این ضریب نیز، از ۰ تا ۱ متغیر است که مقادیر بالاتر از ۰.۷۰ پذیرفته شده و مقادیر کم‌تر از ۰.۶۰ نامطلوب ارزیابی می‌گردد.



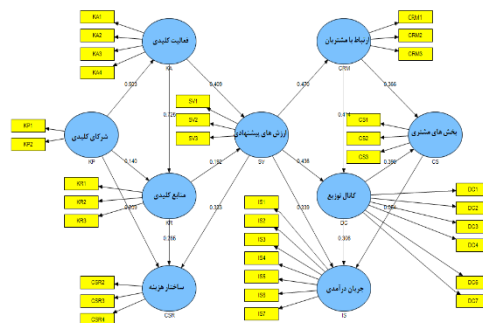
شکل ۲: بارهای عاملی مربوط به گویه‌های مدل پیشنهادی

اعتبار همگرایی، همبستگی زیاد شاخص‌های یک سازه را در مقایسه با همبستگی شاخص‌های سازه‌های دیگر نشان می‌دهد که در مدل‌های سنجش باید ارزیابی شود. به منظور ارزیابی اعتبار همگرایی در نرم‌افزار اسمارت PLS از AVE^۲ استفاده می‌شود. مقدار این ضریب نیز، از ۰ تا ۱ متغیر است که مقادیر بالاتر از ۰.۵۰ پذیرفته شده است. اعتبار تشخیصی، بیانگر وجود اعتبار تشخیصی، که در مدل‌های سنجش باید ارزیابی شود. معیار فروئل-لارکر اشاره به این مسئله دارد که ریشه دوم مقادیر واریانس شرح داده شده (AVE) هر سازه، بزرگ‌تر از مقادیر همبستگی آن سازه با سازه‌های دیگر باشد. اعتبار اشتراک^۳ کیفیت مدل اندازه‌گیری سازه‌ها را می‌سنجد. اگر شاخص واریانس اعتبار اشتراک مثبت باشد نشان دهنده کیفیت خوب مدل اندازه‌گیری است. لذا از میزان واریانس تبیین شده^۴ جهت آگاهی از درصد تغییرات پیش‌بینی شده توسط هر کدام از متغیرها

1. Composite Reliability (CR)
2. Average variance extracted
3. Communalilty
4. R Square

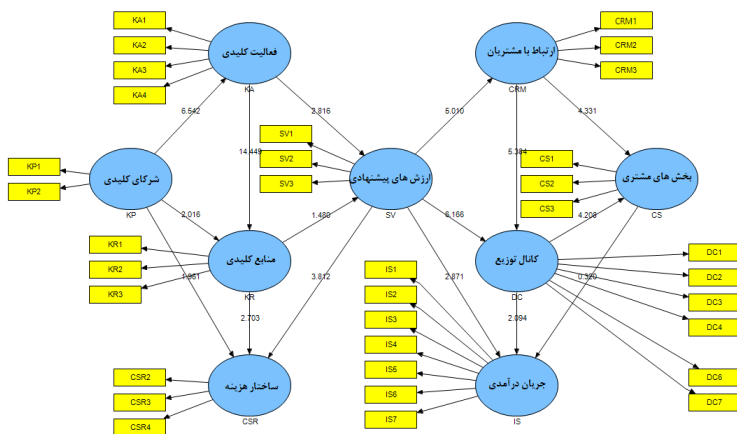
استفاده می‌شود. بنابراین نتایج جدول (۶) نشان می‌دهد همه سازه‌های مدل دارای اعتبار ترکیبی قابل قبول هستند و این نشان‌دهنده‌ی تحقق شرط پایایی مدل هست. پس از ارزیابی مدل‌های سنجش، نوبت به ارزیابی مدل ساختاری می‌رسد. در این مرحله، محقق، باید علامت جبری ضریب، اندازه و سطح معنی‌داری آن را بررسی نماید. اندازه ضریب مسیر، نشان دهنده قدرت و قوت رابطه بین دو متغیر نهفته است. برخی محققین بر این باور هستند که ضریب مسیر بزرگ تر از ۱۰۰٪ یک میزان مشخصی از تأثیر در مدل را نشان می‌دهد. نتایج به دست آمده برای ضرایب مسیر و سطح معنی‌داری (آماره تی) آن‌ها در شکل‌های ۳ و ۴ نمایش داده شده است.

در نرم افزار «پی.ال.اس»، ارزش «تی»، معنی‌دار بودن اثر متغیرها را برهم نشان می‌دهد. اگر مقدار «تی»، بیشتر از ۱/۹۶ باشد یعنی اثر مثبت وجود دارد و معنی‌دار است. اگر بین ۱/۹۶+ و ۱/۹۶- باشد، اثر معنی‌داری وجود ندارد و اگر کوچک‌تر از ۱/۹۶- باشد یعنی اثر منفی دارد ولی معنی‌دار است. مقدار آماره تی در واقع ملاک اصلی تأیید یا رد فرضیات است اگر این مقدار آمار به ترتیب از ۱/۶۴، ۱/۹۶ و ۲/۵۸ بیشتر باشد نتیجه می‌گیریم که آن فرضیه در سطوح ۹۵، ۹۰ و ۹۹ درصد تأیید می‌شود. همچنین ضرایب مسیر اگر بالای ۰/۶ باشد بدین معنی است که ارتباط قوی میان دو متغیر وجود دارد. اگر بین ۰/۳ و ۰/۶ باشد ارتباط متوسط و اگر زیر ۰/۳ باشد ارتباط ضعیفی وجود دارد. همچنین اعداد بالاتر از ۱/۹۶ در سطح ۰/۰۵ و بالاتر از ۲/۵۸ در سطح ۰/۰۱ معنی‌دار هستند (جدول ۶). همچنین باید گفت که اگر مقدار ضریب مسیر بین متغیر مکنون مستقل و متغیر مکنون وابسته مثبت باشد نتیجه می‌گیریم که با افزایش متغیر مستقل شاهد افزایش در متغیر وابسته خواهیم بود و بالعکس. اگر مقدار ضریب مسیر بین متغیر مکنون مستقل و متغیر مکنون وابسته منفی باشد نتیجه می‌گیریم که با افزایش متغیر مستقل شاهد کاهش در متغیر وابسته خواهیم بود. مقدار «آر.دو»^۲، نشان‌دهنده توانایی مدل در توصیف سازه است در حقیقت مقدار «آر.دو»، بیانگر میزان برازندگی مدل است و نشان می‌دهند که چند درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل تبیین می‌شود. این مقدار هرچه قدر به یک نزدیک‌تر باشد برازش بیشتری را نشان می‌دهد.



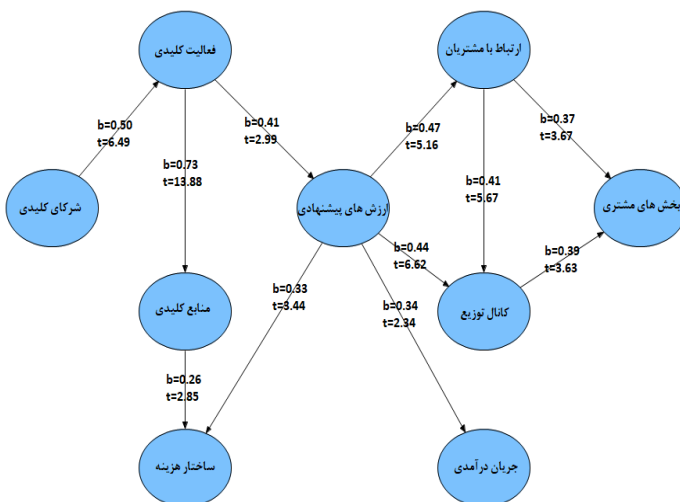
شکل ۳: ضرایب مسیر

1. T
2. R²



شکل ۴: معنی داری ضرایب مسیر

حال با توجه به معنادار بودن رابطه‌ی متغیرهای فرضیه‌های پژوهش، می‌توان به مدل نهایی پژوهش پرداخت. نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش بر مبنای مدل‌سازی معادلات ساختاری، مسیرهای علی به همراه ضرایب رگرسیونی و مقادیر شاخص‌های جزئی مربوط در شکل ۵ نشان داده شده است.



شکل ۵: مدل نهایی پژوهش

بحث و نتیجه‌گیری

تحقیق حاضر با هدف تبیین مدل کسب و کار لیگ برتر فوتبال ایران در دو بخش و با دو رویکرد کیفی و کمی انجام گرفت. در بخش کیفی، بوم کسب و کار لیگ برتر فوتبال ایران بر پایه

هستی شناسی استروالدر به دست آمد و در بخش کمی تحلیلی از ارتباط و تأثیر هر جزء بوم کسب و کار لیگ برتر فوتبال ایران بر اجزاء دیگر انجام شد. نتایج نشان داد بین شرکای کلیدی با ساختار هزینه ها و منابع کلیدی، منابع کلیدی با ارزش های پیشنهادی و کانال توزیع و بخش های مشتری با جریان درآمدی رابطه‌ی معنادار وجود ندارد.

روابط معنادار بین متغیرها که اکثراً مثبت و در حد متوسط بودند. توصیفی از وضعیت نرمال و متوسط مدل کسب و کار لیگ برتر فوتبال ایران می‌باشد. در حالی که عدم ارتباطها یا در اصطلاح ارتباطهای بی‌معنی، نشان از خلاء ها و کمبودهای مدل کسب و کار لیگ برتر فوتبال ایران می‌باشد و نیازمند بررسی و تحلیل می‌باشد.

عمده دلیل عدم ارتباط بین شرکای کلیدی و ساختار هزینه را می‌توان در نقش دولت در فوتبال ایران جستجو کرد؛ جبران سهم بسیار بالایی از هزینه‌های باشگاه‌های لیگ برتر فوتبال ایران از طریق دولت (کردنوری، ۱۳۹۲)، دولت را تبدیل به یکی از منابع مالی لیگ برتر فوتبال ایران کرده است در حالی که دولت به عنوان رقیب در ساختار لیگ برتر فوتبال ایران مطرح می‌باشد و تحقیقات بسیاری وجود دارد که این منبع را مورد نکوهش قرار داده و دخالت آن را عامل اثرات منفی در فوتبال ایران می‌دانند (رمضانی زاده و همکاران، ۱۳۹۶، سلطانی و همکاران، ۲۰۱۷؛ السان، ۱۳۹۲).

و از طرف دیگر عدم شفافیت مالی و افزایش بی‌رویه هزینه باشگاه‌های لیگ برتر فوتبال ایران (کردنوری، ۱۳۹۲)، مناسب نبودن قوانین مالیاتی و افزایش بی‌رویه قیمت بازیکنان و مربیان (دلدار و همکاران، ۱۳۹۶) و نظام ناقص ارزیابی و انتخاب بازیکنان (خدامرادی و همکاران، ۱۳۹۰)، چهره‌ای نابسامان از ساختار هزینه لیگ برتر فوتبال ایران نمایش می‌دهد و این یکی از دلایل عدم تمایل حضور بخش خصوصی به عنوان حامیان مالی در لیگ برتر فوتبال ایران و قبول سهمی از هزینه‌ها می‌باشد.

ضعف منابع فکری و داشته‌های نامشهود را میتوان از دلایل عدم ارتباط بین شرکای کلیدی و منابع کلیدی عنوان کرد؛ تحقیقات زیادی (احسانی و همکاران، ۱۳۹۳؛ رضائی و همکاران، ۱۳۹۵؛ سلطانی و همکاران، ۱۳۹۶؛ زارعی و همکاران، ۱۳۹۶) بر نقش مؤثر منابع فکری و داشته‌های نامشهود لیگ برتر فوتبال ایران بر جذب بنگاه‌های اقتصادی و تجاری و حامیان مالی و رسانه‌ها تأکید کرده‌اند. در حالی که ساختار نامناسب فدراسیون فوتبال و سازمان لیگ برتر (همتی نژاد و همکاران، ۱۳۹۴) ضعف قوانین (رمضانی زاده و همکاران، ۲۰۱۷؛ شفیعی و افروزه، ۱۳۹۷)، ناشناخته بودن و اعتبار کم برند باشگاه‌های فوتبال (دلدار و همکاران، ۱۳۹۶) و کیفیت کم و سوگیری سیاسی رسانه‌ها (امیری و همکاران، ۱۳۹۲)، انگیزه مشارکت حامیان مالی و رسانه‌ها را در لیگ برتر فوتبال ایران از بین می‌برد.

عدم معنی‌داری ارتباط منابع کلیدی با ارزش‌های پیشنهادی در تحقیق حاضر، هم سو با تحقیقات قبلی و توصیفی جامع از نتایج آن‌ها می‌باشد؛ دلدار و همکاران (۱۳۹۶) بر ضعف برند لیگ برتر فوتبال ایران در ارائه یک تصویر قوی و معتبر تأکید کردند. رضایی و همکاران (۱۳۹۵) بی‌ثباتی مدیران باشگاه‌های فوتبال لیگ برتر ایران را عامل عملکرد و نتایج ضعیف معرفی می‌کنند. رسولی و همکاران (۱۳۹۵) نبود مدیر متخصص، نداشتن امکانات فیزیکی مناسب و نبود نیروی انسانی متخصص را چالش‌های برند باشگاه‌های فوتبال می‌دانند. نادریان و همکاران (۱۳۹۴) وجود مدیران سیاسی را عامل دور شدن باشگاه‌های فوتبال از اهداف اصلی آن‌ها دانسته و تکیه باشگاه‌ها

بر منابع مالی دولتی را موجب عدم شفافیت مالی، هزینه بر و زیان ده شدن آنها معرفی می‌کنند. اکبری یزدی و همکاران (۱۳۹۳) علت عدم رضایت تماشاگران را استادیوم‌ها و خدمات ضعیف اعلام می‌کنند (اکبری یزدی و همکاران، ۱۳۹۳).

نابسامانی حق پخش تلویزیونی باشگاه‌های فوتبال ایران را می‌توان یکی از دلایل عدم ارتباط کانال توزیع با جریان درآمدی عنوان کرد. درآمد از حق پخش، در کنار درآمد روز مسابقه و حامیان مالی یکی از سه منبع مهم درآمدی باشگاه‌های فوتبال جهان می‌باشد (ساموئل، ۲۰۱۷) به طوری که اصلی‌ترین منبع درآمدی باشگاه‌های فوتبال انگلستان با سهم ۳۱ درصد از درآمد کل، می‌باشد در ایران نیز برخلاف سهم ناچیز ۰/۹۳ درصد از درآمد کل باشگاه‌های فوتبال (نادریان و همکاران، ۱۳۹۴)،

حق پخش به عنوان منبعی بالقوه برای درآمدزایی باشگاه‌های فوتبال عنوان می‌شود (خدامرادی، ۱۳۹۰؛ سلطانی و همکاران، ۱۳۹۸). السان طی مطالعه‌ای انحصار دولتی پخش مسابقات ورزشی را مورد نكوهش قرار داده و بر ضرورت تاسیس تلویزیون خصوصی ورزشی تاکید کرده و پذیرش حق پخش باشگاه‌های فوتبال را در مواجهه با حرفه‌ای شدن ورزش کشور، بدون منافات و ضروری بیان کرده است (السان، ۱۳۹۲). این در حالی است که شکری و عنایت (۱۳۹۲) و دلدار و همکاران (۱۳۹۶) تخصیص نامناسب و عدم پرداخت حق پخش تلویزیونی را اولین و اصلی‌ترین مانع خصوصی سازی باشگاه‌های حرفه‌ای فوتبال کشور می‌دانند.

از طرفی حاشیه سود کم لیگ برتر فوتبال ایران (سلطانی و همکاران، ۱۳۹۶) و جبران سهم بالایی (۶۵ درصد) از هزینه‌های بیش از ۹۰ درصد باشگاه‌های فوتبال کشور از طریق کمک مستقیم دولت یا سازمان‌های صنعتی (کردنوری، ۱۳۹۲؛ نادریان و همکاران، ۱۳۹۴) و از طرف دیگر عدم تمایل بخش خصوصی و حامیان مالی به حضور در لیگ برتر فوتبال ایران، تحت تاثیر وجود شبه دولتی‌ها در ورزش و عدم توانایی رقابت با باشگاه‌های دولتی، رویگردانی تماشاگران از استادیوم‌ها (فلاح کاظمی و همکاران، ۱۳۹۶) و نهایتاً نبود یک فرایند سیستماتیک و یکپارچه جهت نرخ‌گذاری و فروش بلیت مسابقات لیگ برتر فوتبال ایران (السان، ۱۳۹۲) عدم ارتباط معنا دار بین بخش‌های مشتریان و جریان درآمدی لیگ برتر فوتبال ایران را توجیه می‌کند.

نتایج این مطالعه می‌تواند مبنا و نقشه راهی جهت آسیب شناسی ساختاری در راستای ایجاد ساختار یکپارچه و چارچوب ارتباطی جامع در تمام ابعاد بوم کسب و کار لیگ برتر فوتبال ایران و نقطه‌ی آغازی برای مطالعات بعدی با هدف تدوین سیاست‌ها و استراتژی‌های جبرانی بوده و راهنمایی برای مدیران باشگاه‌ها و مسئولان ورزش کشور برای اتخاذ رویه‌ها و تصمیم‌های مناسب در جهت بهبود و توسعه مدل کسب و کار لیگ حرفه‌ای فوتبال کشور باشد.

منابع

- احسانی، محمد؛ رمضانی‌نژاد، رحیم؛ عسکریان، فریبا و آزادان، مهدی. (۱۳۹۳). «مقایسه دیدگاه خبرگان در خصوص موانع جذب حامیان مالی در فوتبال حرفه‌ای ایران». مدیریت و توسعه ورزش. ۳(۲)، صص ۱۹-۳۱.
- اکبری یزدی، حسین؛ حمیدی، مهرزاد؛ سجادی، سیدنصرالله و خبیری، محمد. (۱۳۹۳). «بررسی و تحلیل کیفیت خدمات در لیگ برتر فوتبال ایران بر مبنای مدل سروکوال». مطالعات مدیریت ورزشی. ۶(۲۵)، صص ۱۵-۳۸.
- امیری، مجتبی؛ نیری، شهرزاد؛ صفاری، مرجان و دلبری راغب، فاطمه. (۱۳۹۲). «تبیین و اولویت بندی موانع فراوری خصوصی سازی و مشارکت بخش خصوصی در توسعه ورزش». مدیریت ورزشی (حرکت). ۵(۴)، صص ۸۳-۱۰۶.
- حبیبی، آرش و عدن ور، مریم. (۱۳۹۶). «مدل‌یابی معادلات ساختاری و تحلیل عاملی آموزش کاربردی نرم‌افزار (LISREL)». تهران: سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی
- خدامرادی، سعید؛ نادریان، مسعود؛ باقری، میثم و قربانی، مهسا. (۱۳۹۰). «ارزیابی و انتخاب بازیکنان فوتبال در لیگ برتر بر اساس شاخص‌های مالی و ورزشی». حسابداری و مدیریت مالی. ۸(۲)، صص ۵۰-۶۵.
- دلدار، ابراهیم؛ کارگر، غلامعلی و غفوری، فرزاد. (۱۳۹۵). «بررسی موانع اقتصادی خصوصی‌سازی باشگاه‌های لیگ حرفه‌ای فوتبال کشور». مدیریت و توسعه ورزش. ۵(۲)، صص ۵۳-۶۸.
- رسولی، مهدی، خبیری، محمد؛ الهی، علیرضا و آقایی، نجف. (۱۳۹۵). «عوامل و چالش‌های درونی مدیریت برند باشگاه‌های لیگ برتر فوتبال ایران». مطالعات مدیریت ورزشی. ۳۵(۶۶-۵۱).
- رضائی، شمس‌الدین. (۱۳۹۵). اقتصاد ورزش، اوقات فراغت و گردشگری. ایلام: انتشارات دانشگاه ایلام
- رضائی، شمس‌الدین؛ امیری، مجتبی و کوزه چیان، هاشم. (۱۳۹۵). «بررسی موانع توسعه روابط متقابل باشگاه‌های فوتبال و سازمان صداوسیما در ایران». نشریه مدیریت ورزشی. ۸(۲)، صص ۱۸۹-۲۰۶.
- رضائی، شمس‌الدین. (۱۳۹۷). «طراحی مدل درآمدزایی باشگاه‌های فوتبال ایران: با رویکرد گراندد تئوری». پژوهش‌های کاربردی در مدیریت ورزشی. ۲۳(۲)، صص ۱۶-۱۰۱.
- السان، مصطفی. (۱۳۹۲). مطالعه تطبیقی قرارداد واگذاری حق پخش ورزشی. پژوهش‌های حقوق تطبیقی. ۳.
- سلطانی، مصطفی؛ کارگر، غلامعلی؛ کشکر، سارا و غفوری، فرزاد. (۱۳۹۷). «الگوی تبیینی اثر منابع سازمانی و مزیت رقابتی بر سودآوری باشگاه‌های حرفه‌ای فوتبال ایران». مطالعات مدیریت ورزشی. ۹(۴۵)، صص ۵۰-۲۳۱.
- شفیع، شهرام و افروزه، حکیمه. (۱۳۹۷). «شناسایی و تبیین مؤلفه‌های مؤثر در بروز فساد در فوتبال ایران». مطالعات مدیریت ورزشی. ۱۰(۴۷)، صص ۳۹-۶۶.

- شکری، آزاده و عنایت، سیدابراهیم. (۱۳۹۲). «بررسی واگذاری سهام باشگاه‌های فوتبال ایران». بازار و سرمایه. ۳۹، صص ۱۰۴-۱۰۷. طیبی، سید مهدی؛ باقری، قدرت الله؛ زارعی متین، حسن و جندقی، غلامرضا. (۱۳۹۶). «شناسایی مهم ترین ذی نفعان تیم های لیگ برتر فوتبال ایران». مطالعات مدیریت ورزشی. (۴۵)، صص ۱۷-۳۴.
- فلاح کاظمی، مریم؛ قلیپور، نگار و عیدی، حسین. (۱۳۹۶). «تحلیل عوامل مؤثر بر وجود صندلی های خالی در استادیوم های فوتبال با استفاده از روش TOPSIS». مطالعات مدیریت ورزشی. (۴۳)، صص ۲۳۷-۲۵۶.
- کرد نوری، مجتبی. (۱۳۹۲). «اقتصاد ورزش: کنکاشی در صنعت فوتبال». بانک و اقتصاد. ۱۲۷(۰)، صص ۲-۴.
- ملکیان، علی؛ تجاری، فرشاد و حاجی انزهایی، زهرا. (۱۳۹۶). «آزمون مدل مفهومی بخش بندی تماشاگران ورزشی با رویکرد مدل پیوستار روان شناختی و مقیاس ارزیابی و سیاهه فراغت جدی». مطالعات مدیریت ورزشی. (۴۶)۹، صص ۳۱-۵۰.
- محمدکاظمی، رضا؛ قربانی، محمدحسین و رجبی کیا، مجتبی. (۱۳۹۵). «تأثیر مهارت های ارتباطی کارآفرینانه مدیران کسب و کارهای ورزشی بر افزایش رضایت مشتریان دانشجوی (مطالعه موردی: باشگاه های ورزشی شهر کرج)». پژوهش در ورزش تربیتی. ۱۰(۴)، صص ۱۱۵-۱۳۴.
- Retrieved from: <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1137531>
- نادریان، مسعود؛ رهبری، سمیه و قربانی، مهسا. (۱۳۹۳). «مطالعه تطبیقی چگونگی تأمین مالی باشگاه های فوتبال حرفه ای لیگ برتر ایران و انگلیس». فصلنامه علمی- پژوهشی پژوهش های کاربردی در مدیریت ورزشی. ۳(۱۱)، صص ۳۱-۴۲.
- نریمانی، ابراهیم و خسروجردی، سمیه. (۱۳۹۵). «تأثیر کیفیت نتیجه و کیفیت فنی بازی های تیم مورد علاقه بر میزان حضور هواداران در مسابقات لیگ برتر فوتبال ایران». مطالعات تربیت بدنی و علوم ورزشی. (۱)۴، صص ۸۳-۱۷۷.
- نقدی، یزدان؛ کاغذیان، سهیلا و افشارپی، امیر. (۱۳۹۲). «تحلیل عوامل اقتصادی مؤثر بر درآمد باشگاه های فوتبال (باشگاه های منتخب جهان)». دو فصلنامه علمی - تخصصی پژوهش های اقتصاد توسعه و برنامه ریزی. (۱)۲، صص ۲۱-۴۳.
- همتی نژاد، مهرعلی؛ قلی زاده، محمدحسن؛ تیلور، تریسی و فرجی، رسول. (۱۳۹۵). «نقش مدیریت و برنامه ریزی مسابقات فوتبال در امنیت ورزشگاه ها». مدیریت و توسعه ورزش. (۲)۴، صص ۱-۱۴.
- هومن، حیدرعلی. (۱۳۹۳). مدلیابی معادلات ساختاری با کاربرد نرم افزار لیزرل (با اصلاحات). تهران: سمت
- ویسی، ابراهیم؛ یکتایار، مظفر و ادهمی، جمال. (۱۳۹۴). «نیازسنجی تأسیس تلویزیون خصوصی ورزش در ایران و ارائه الگوی مطلوب». نشریه مدیریت ورزشی. ۷(۵)، صص ۱۲-۷۰.

- Barclay , D., Higgins , C., & Thompson , R. (1995). "The partial least square (PLS) approach to casual modeling: Personal computer adoption and use as an illustration". Technology, 2(2), 25.

- Osterwalder, A., & Pigneur, Y. (2010). **Business model generation: a handbook for visionaries, game changers, and challengers**. John Wiley & Sons.
- Osterwalder, A. (2004). **The Business Model Ontology – A Proposition in a Design Science Approach**.
- Osterwalder, A, Pigneur, Y, Tucci, CL. (2005). **“Clarifying business models: Origins, present, and future of the concept”**. Communications of the association for Information Systems 16(1):1.
- Ramezaninezhad, R., Hemati nezhad, M. A., Ramezani, M. R., Gholizadeh, M. H., Hoseini keshtan, M. (2017). **“The Impact of Managerial Changes on Performance of Football Clubs in Iranian Premier League”**. Research in Sport Management & Motor Behavior, 6(12), 17-26. Retrieved from <http://jrsm.khu.ac.ir/article-1-2459-fa.html>. [Persian]
- Samuel, B., Matthew, G., Chris, H., & Christopher, W. (2017). **“Deloitte Football Money League 2017, sport business group”**. Retrieved from www.deloitte.co.uk/sports/business/group.
- Szymanski, S. (2003). **“The Economic Design of Sporting Contest Imperial College”**. Journal of Economic Literature, XLI:51.

شناسایی عوامل استحکام‌بخش ازدواج در فرهنگ ایران

اردشیر کیانی^۱

شکوه نوابی نژاد^۲

خدابخش احمدی^۳

داود تقوایی^۴

 10.22034/SSYS.2022.1794.2276

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۱/۲۵

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۳/۱

افزایش آمار طلاق و ناسازگاری در بین زوجین در ده سال اخیر و کاهش رفاه خانوادگی بیانگر ضعف جوانان در شناسایی معیارهای ازدواج پایدار می باشد. این موضوع علاوه بر اینکه تحکیم بنیان خانواده را به خطر می اندازد موجب افزایش انحرافات و آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی در کشور می گردد. پژوهش‌های سالیان اخیر نیز بیشتر معطوف بر شناسایی عوامل نارضایتی زوجین و بررسی علل طلاق بوده و کمتر به عوامل استحکام‌بخش ازدواج و روابط زوجین پرداخته شده است.

بر این اساس هدف پژوهش حاضر، شناسایی عوامل استحکام‌بخش ازدواج با در نظر گرفتن فرهنگ ایرانی می باشد. این مطالعه از نوع آمیخته بود. در بخش کیفی از رویکرد تحلیل محتوا و مرور منابع و ادبیات پژوهش‌های ده سال اخیر و در بخش کمی داده‌های جمع آوری شده در بخش کیفی با

۱- دکترای مشاوره، مدیر مرکز مشاوره یاس، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

E-mail: A_kiany_m@yahoo.Com

۲- استاد، گروه مشاوره، دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

۳- استاد، مرکز تحقیقات علوم رفتاری، دانشگاه علوم پزشکی بقیه الله (عج)، تهران، ایران

۴- دانشیار، گروه روان شناسی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران

استفاده از روش توصیفی و همبستگی پیرسون و تحلیل عاملی تاییدی با استفاده از نرم افزار AMOS24 تجزیه و تحلیل شدند. افراد گروه نمونه با در نظر گرفتن معیارهای ورودی و به صورت نمونه گیری در دسترس انتخاب شدند.

یافته‌های پژوهش نشان داد که عوامل زمینه‌ای همچون: خانواده مبداء و مؤلفه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی و عوامل فردی همچون ویژگی‌های شخصیتی و اخلاقی و عوامل همسرگزینی شامل همسانی و توافق نظر و کفایت عقلانی و عوامل زوجی شامل مسایل جنسی/زناشویی، مهارت‌های ارتباطی و مسایل فرزندآوری و تربیت فرزند به عنوان عوامل استحکام‌بخش خانواده شناسایی شدند. براساس نتایج تحقیق مشخص شد که هریک از عوامل استحکام‌بخش شناسایی شده در بخش کیفی از توان قابل قبولی برای سنجش پایداری ازدواج برخوردار بودند.

این نتایج به مشاوران و روان‌شناسان ازدواج و خانواده و سایر متخصصان حوزه خانواده و ازدواج کمک می‌کند تا بتوانند در عرصه کمک به جوانان در آستانه ازدواج و افزایش رفاه زوجین و کاهش آسیب‌های اجتماعی سودمندتر و حرفه‌ای‌تر عمل کنند.

واژگان کلیدی: پایداری ازدواج، عوامل استحکام‌بخش و فرهنگ ایران.

مقدمه

ازدواج مهمترین پایه در تشکیل خانواده و نقطه عطفی در چرخه زندگی است. همچنین جنبه اساسی از زندگی هر فردی است که دو نفر را به عنوان همسر به همدیگر متعهد می‌کند و به طور قابل ملاحظه ای بر عملکرد زندگی او، ازجمله رفاه اجتماعی، عاطفی، فرهنگی و اقتصادی تأثیر می‌گذارد. (گرگیس^۱ و همکاران، ۲۰۱۰) شواهد نشان داده است که ازدواج موفق به عنوان هسته مرکزی کیفیت زندگی با رضایت از زندگی رابطه مثبت و قوی دارد (یولکر^۲، ۲۰۰۸: ۱۹۹).

از طرفی ازدواج سالم و موفق، نقش بنیادین در تشکیل خانواده سالم ایفا می‌کند. خانواده سالم زیر بنای سلامت جامعه است (گریف و ملهرب^۳، ۲۰۰۱). خانواده مهم‌ترین نهاد جامعه و شکل‌دهنده شخصیت آدمی است. مطلوبیت، رضایت، خشنودی و کیفیت و کارکرد بهینه خانواده عامل بسیار موثری در شکوفایی، رشد و پیشرفت خانواده محسوب می‌شود. خانواده به عنوان یک سیستم شامل زیرمجموعه‌های همسران، والدین و فرزندان است و زیرمجموعه همسران می‌تواند با فراهم ساختن الگویی موثر در تعامل زناشویی عمل نماید و چنانچه این خرده نظام، کارآمد و باکفایت باشد، شرایطی فراهم می‌گردد که در آن همسران صمیمیت، حمایت و رشد متقابل را تجربه کنند. به عبارت دیگر کیفیت زناشویی همسران بر کارآمدی، استحکام و دوام زیرمجموعه همسران تأثیر می‌گذارد. (گلدنبرگ^۴، ۲۰۰۸: ۳۴)

از سویی دیگر ازدواج پایدار و رضایتبخش، در فراهم آوردن ویژگی‌های مثبت بسیار برای اعضای خانواده ازجمله سلامت روانی مثبت، سلامت جسمانی و رشد کودک، کارآمد می‌باشد. این روابط زن و شوهری، محیطی مساعد را برای کودکان فراهم می‌آورد و همچنین رشد و سلامتی اعضای خانواده را ارتقاء می‌دهد (میخالیتسیانوف^۵، ۲۰۱۴).

نتایج سایر تحقیقات نیز نشان می‌دهد که افراد با رضایتمندی زناشویی بالا و روابط صمیمانه در سنجش با کسانی که زندگی زناشویی ناسازگارانه دارند بیشتر عمر می‌کنند از سلامت بدنی بالاتری برخوردارند و برای فرزندان‌شان پدر و مادر بهتری هستند کپلر^۶ (۲۰۱۵). بدیهی است نحوه توافق همسران و نحوه تطابق آن‌ها با نیازهای یکدیگر و تکوین نقشهای مکمل می‌تواند به خوبی ثبات خانواده و انعطاف‌پذیری آنها را برای سازگاری با شرایط تغییر پیش بینی کند. از طرفی زیر منظومه همسران، الگویی را برای فرزندان فراهم می‌سازد که از آن تعامل زناشویی صمیمیت و تعهد زناشویی را فرا می‌گیرد. اگر این منظومه از کفایت کافی برخوردار باشد شرایطی را فراهم می‌سازد که در آن همسران، صمیمیت، رشد متقابل و رشد شخصی را تجربه می‌کنند (گلدنبرگ، ۲۰۰۸). دیکسون^۷ (۲۰۱۳) نیز براین باور است که زوجین پایدار و رضایتمند می‌توانند در مورد متغیرهای موثر در رشد و ارتقاء بهزیستی خود سرنخهایی را فراهم سازند و در طول زمان کشف کنند که چه کاری را انجام دهند.

1. Girgis et al.
2. Ulker
3. Greeff & Malherbe
4. Goldberg
5. Michalitsianos
6. Kepler
7. Dixon

امروزه ازدواج به عنوان یک دغدغه جدی برای جوانان نیز محسوب می شود و تصمیم گیری برای این موضوع حیاتی، مستلزم توجه همه جانبه به آن و افزایش توان آنان در انتخاب آگاهانه می باشد.

واقعیت این است که آمار بالا و نگران کننده طلاق یک بحران جهانی است اما نرخ طلاق در ایران به هیچ عنوان زینده نظام جمهوری اسلامی ایران نبوده و هشدار جدی برای دست اندرکاران و متولیان فرهنگی تلقی می شود و اهتمام بیشتر متخصصان و مشاوران را ایجاب می نماید. اگرچه مسئولان عالی کشور این دغدغه را مورد توجه قرار داده و قانون حمایت از خانواده را در سال ۱۳۹۱ تصویب کردند و سیاست های کلی خانواده نیز در سال ۱۳۹۵ ابلاغ گردید اما طبق آمارهای ارائه شده در طی سال های مورد بررسی می توان گفت که روند کاهشی ازدواج و افزایشی طلاق در اکثر سال ها نکته قابل توجه بوده و آمار های ارائه شده نشان می دهد که درصد آمار ازدواج در سال ۱۳۹۷ نسبت به سال ۱۳۸۷ حدود ۳۷/۶ درصد روند منفی داشته است؛ این در حالی است که جمعیت افراد در سن ازدواج در کشور بیشتر شده اند در حالی که در همین زمان آمار طلاق با ۵۸/۳۲ درصد روند مثبت داشته است که نشان از روند کاهشی ازدواج و افزایشی طلاق در کشور هست که بسیار نگران کننده است. همچنین یافته های آماری نشان می دهد که نسبت طلاق به ازدواج در سال ۱۳۸۷ از ۱۲/۵ به ۷۷/۳۱ در سال ۱۳۹۷ افزایش یافته است که نشانه بدتر شدن این شاخص در کشور است. علاوه بر این گروه زیادی از زوجین نیز هستند که در هنگام تصمیم گیری برای ازدواج مولفه ها و عوامل خطر ساز و استحکام بخش را نادیده می گیرند و به دلایل فرهنگی، اجتماعی قید طلاق را می زنند و ترجیح می دهند به زندگی ناشاد خود ادامه دهند. و اصطلاحاً طلاق عاطفی بر زندگی آنان حاکم است و اگر چه آمار رسمی برای این گروه از زوجین نداریم ولی آمار غیر رسمی گاهی تا بیش از دو برابر آمار رسمی طلاق در جامعه حکایت دارد.

به همین دلیل ضروری است تا با معرفی مولفه ها و عوامل استحکام بخش ازدواج پایدار با تأکید بر معیارهای بومی و فرهنگی به جوانان، شرایط را برای انتخاب مناسب تر آنان فراهم آوریم. و نگرانی های آنان را در هنگام تصمیم گیری کاهش دهیم پر واضح است که نادیده گرفتن این ضرورت منجر به ازدواج شتاب زده و پرچالش می شود و چرخه زندگی خانوادگی افراد را تحت تأثیر قرار داده و دگرگونی اقتصادی اجتماعی و جمعیتی مهمی را به همراه خواهد داشت که از آن جمله می توان به افزایش میزان طلاق، زنان سرپرست خانوار، افزایش فقر اشاره نمود. البته گسترش انواع انحرافات اجتماعی و اخلاقی و شکل گیری الگوهای جدید روابط جنسی در جامعه و همچنین افزایش پدیده هم خانگی نیز از تبعات نادیده گرفتن ارزش های ازدواج و خانواده می باشد.

پیشینه پژوهش

اگرچه در ارتباط با پایداری ازدواج مطالعات و پژوهش های بسیاری انجام شده، اما تعیین معیارها و شاخص های موفقیت در ازدواج کمتر مورد توجه بوده است و بیشتر این پژوهش ها روی رابطه رضایتمند و درازمدت تمرکز نکرده اند بلکه روی متغیرهایی تمرکز کرده اند که مایه از

هم پاشیدن ازدواج‌ها هستند (نیمتز^۱، ۲۰۱۱). به بیان دیگر بیشتر پژوهش‌ها صرفاً به بررسی دلایل شکست و ناکامی و زمینه‌های شکل‌گیری نارضایتی و طلاق محدود شده‌اند. ازجمله پژوهش‌هایی که در دهه اخیر به عوامل پایداری ازدواج و شاخص‌ها و مؤلفه‌های استحکام‌بخش ازدواج موفق پرداخته‌اند می‌توان به پژوهش‌های زیر اشاره نمود.

پیرساقی (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «شناسایی شاخص‌های ارتباط زناشویی کارآمد» به تبیین الگوی ارتباط زناشویی کارآمد همت گماشت در این الگو، سازگاری زناشویی به عنوان مقوله‌ی مرکزی انتخاب شدند. شرایط علی عبارت بودند از سبک دلبستگی ایمن، تمایز یافتگی، بلوغ عاطفی و بلوغ فکری و شناختی. آموزه‌های خانواده‌ی مبداء و دین‌داری به عنوان شرایط زمینه‌ای و حمایت اجتماعی به عنوان عامل مداخله‌گر انتخاب شدند. راهبردهای مورد استفاده‌ی زوج‌ها برای برقراری ارتباط کارآمد با همسرشان عبارت بودند از تشویق و تعامل مثبت. در نهایت، والدگری کارآمد و کیفیت زندگی زناشویی به عنوان پیامدهای این الگو معرفی شدند.

در پژوهشی دیگر (صفایی ۱۳۹۶) با عنوان «شناسایی شاخص‌های خانواده سالم و ناسالم از نظر زنان و مردان متأهل ایران»، ۲۸ زیر مقوله و ۵ شاخص اصلی (شخصیتی، ارتباطات کلامی و غیر کلامی، خانوادگی، فرهنگی و اجتماعی و مذهبی) مورد توجه قرار داد. کرای (۱۳۹۵) نیز در پژوهشی با عنوان «شناسایی عوامل ماندگاری ازدواج‌های پایدار رضایتمند و آماده کردن و ساخت سنجه‌ای بر پایه عوامل ماندگاری ازدواج‌های رضایتمند از دیدگاه زنان» متأهل نشان داد که ۶۴ ماده در ۹ عامل دربرگیرنده شیوه ارتباط و حل تعارض مناسب، حمایت، توجه، احترام و قدردانی به یکدیگر، ویژگی‌های شخصیتی و مسئولیت‌پذیری، صمیمیت و کیفیت رابطه جنسی، کیفیت زندگی مشترک و گذراندن وقت و تفریحات؛ همخوانی زوجین و انعطاف‌پذیر بودن، تعهد و وفاداری، داشتن ارزش‌ها، فرهنگ و تجارب معنوی مشترک، و مسائل مالی و شغلی در ازدواج‌های پایدار رضایتمند زنان مؤثر بوده‌اند که روی هم رفته ۶۰ درصد از واریانس موفقیت در ازدواج را تبیین کردند.

صاحب‌دل (۱۳۹۴) نیز در پژوهشی با عنوان «شناسایی و اندازه‌گیری شاخص‌های ازدواج موفق» شاخص‌های ازدواج موفق را در چهار مقوله اصلی و ۱۸ زیرمقوله شناسایی و مورد تایید قرارداد. مقوله‌های اصلی عبارت بود از: ویژگی‌های ارتباطی، خصوصیات شخصیتی، بسترهای فرهنگی و وابستگی عاطفی که هر یک از این چهار مقوله مؤلفه‌هایی را به خود اختصاص داده‌اند.

حاتمی و رزانه (۱۳۹۵) نیز در پژوهشی دیگر با عنوان «ارائه الگوی ازدواج موفق» نشان داد. پایداری ازدواج متأثر از عوامل زمینه‌ای (همسو بودن فرهنگ و سطح خانواده‌ها، نبودن و قبیح بودن طلاق در خانواده‌های اصلی و ...) عوامل علی (کشش و علاقه اولیه، آمادگی نسبی برای ازدواج، آشنایی پیش از ازدواج، انتخاب آگاهانه، استقلال نسبی) عوامل مداخله‌ای (نگرش‌ها) (قبول داشتن همسر، در اولویت بودن همسر نسبت به فرزند و خانواده‌ها) عنوان نمود. همچنین خدادادی سنگده (۱۳۹۴) در پژوهشی دیگر هفت عامل حمایتگری متقابل، صمیمیت، قدردانی، تعهد، تلاش برای خشنودی یکدیگر، رضایت جنسی و توافق برسر موضوعات اساسی را بعنوان متغیر پیش‌بین

ازدواج موفق تعیین کرد.

احمدی (۱۳۹۵) نیز در پژوهشی با عنوان «شاخص های سلامت خانواده در الگوی اسلامی و ایرانی» عوامل استحکام بخش ازدواج را براساس مبانی قرآنی برشمرد که این عوامل عبارت بودند از: دینداری (بقره ۲۲۱) مهرورزی به همسر (واقعیه ۳۶) مسؤولیت پذیری (قیامت ۳۲) تعهد و وفاداری (مائده ۲۴) اهمیت دادن به رابطه جنسی (آل عمران ۱۴) پرهیز از تجمل گرایی و تفاخر به داشته های مادی (احزاب ۲۸ و حدید ۲۰) اجتناب از تحقیر و بی احترامی (حجرات ۱۱) صبر و بردباری (انفال ۴۶) بخشش و گذشت (نور ۲۲).

همچنین لشری (۲۰۱۶) پژوهشی را با عنوان «نقش عوامل محیطی و فردی در پیش بینی سازگاری زناشویی با جستجو در فرهنگ پاکستانی» انجام داد. فاطیما و اجمل^۲ (۲۰۱۲) در یک پژوهش کیفی به ۱۶ طبقه برای عوامل ازدواج پایدار و خوشبخت دست یافتند که عبارت بودند از: تشابه در فرقه مذهبی، رضایت، سازش و مصالحه، عشق و توجه، اعتماد و درک، ارتباط، تفاوت سنی، صداقت و احترام، مشارکت و در میان گذاشتن، گذشت، خلق و خوی همسر، ماندن به خاطر فرزندان، ساختار خانواده، تحصیلات و طبقه و روابط مثبت با خانواده همسر. اینگرام^۳ (۲۰۱۰) نیز در بررسی روی زوج های موفق آمریکایی، انعطاف پذیری، توجه به شباهت و تفاوت های یکدیگر روابط جنسی رضایت بخش، حل تعارض و مدیریت مالی را عوامل مؤثر در تداوم زندگی موفق آنان می شمرد و صداقت، وفاداری، مسؤولیت پذیری، تفاهم، پاک بودن، گذشت و توجه به مسایل معنوی را پیش بینی کننده ازدواج موفق می داند.

در بررسی پژوهش ها و تحقیقات داخلی و خارجی این نکته نیز حائز اهمیت است که عوامل اثرگذار بر ازدواج موفق در فرهنگ های مختلف متفاوت است. واقعیت این است که شکل گیری یک ازدواج موفق نمی تواند از اثرات فرهنگی و قومی به دور باشد و فرهنگ از مهمترین عواملی است که بر فرآیندها و پیامدهای روابط زناشویی تأثیر می گذارد. نکته قابل توجه اینکه مطالعات بین فرهنگی گاهی نتایج متفاوتی را گزارش داده اند (براملت و موشر^۴، ۲۰۰۱). بنابراین نمی توان نتایج حاصل از تحقیقات انجام شده روی فرهنگ های گوناگون را به یکدیگر تعمیم داد (خدادادی سنگده، ۱۳۹۳).

مبانی و چارچوب نظری پژوهش

در مورد اینکه انتخاب همسر براساس توجه به چه ویژگی هایی صورت می پذیرد، نظریات، فرضیات و مدل های متعددی ارائه شده است. در اینجا به چند نظریه و مدل اشاره می شود. یکی از اصلی ترین دیدگاهها در خصوص انتخاب همسر، نظریه همسان همسری است. همسان همسری معمولاً به ازدواج بین همسران از یک گروه اجتماعی یکسان اشاره دارد (بیرکلاند و همکاران^۵، ۲۰۰۳). براساس این اصل، افرادی که درصدد ازدواج برمی آیند، معمولاً کسی را برای همسری

1. Lashari
2. Fatima& Ajmal
3. Ingram
4. Bramlet & Mosher
5. Birkelund et al.

برمی‌گزینند که از بیشترین سطح همسانی و مشابهت با آنان برخوردار باشد افراد مشابه از لحاظ سن، نژاد، مذهب، ملیت، تحصیلات، هوش، سلامت، منزلت، نگرش، ویژگیهای بی‌شمار دیگر، به مقداری بیش از آنکه به صورت تصادفی یافت شود، تمایل به ازدواج بایکدیگر دارند. (هاگس و همکاران^۱، ۲۰۰۲) فرضیه همانندی عبارت از این اندیشه است که ما نوعاً زمانی بیشترین نتیجه و کمترین هزینه را تجربه میکنیم که در جستجوی همسرانی دارای میزانی از جذابیت بدنی در حد خودمان باشیم. هاگس و همکاران (۲۰۰۲). اما افراد گاهی اوقات در روابطی وارد می‌شوند که در آن بسیاری از ویژگی‌های مطلوب را پیشکش می‌کنند. یک فرد می‌تواند فقدان جذابیت را با یک شخصیت فریبنده، مهربانی، موقعیت، پول و مانند آن جبران کند. این تصور، که افراد گاهی می‌توانند فقدان جذابیت را با ارائه سایر خصلت‌های مطلوب جبران کنند "همانندی پیچیده" نامیده شده است. آنچنان که روان‌شناسان اجتماعی خاطرنشان می‌کنند، نوع سنتی جور شدن آن است که یک مرد ثروتمند موفق مسن‌تر، با یک زن جذاب جوان ازدواج کند (اسپرچر و هتفیلد^۲، ۲۰۰۹).

نظریه نیازهای مکمل بیان می‌دارد که ما به انتخاب همسرانی تمایل داریم که نیازهای آنان مخالف و تکمیل‌کننده نیازهای ماست. نظریه مبادله تأکید می‌کند که انتخاب همسر مبتنی بر ارزیابی فردی است که بیشترین پاداش را در قبال کم‌ترین هزینه ارائه می‌کند (هاگس^۳ و همکاران، ۲۰۰۲). دیدگاه‌های روان‌پویایی در ازدواج و طلاق به عنوان یکی از با ارزشترین و مؤثرترین سنت‌ها در تاریخ روان‌شناسی قلمداد می‌شود. یکی از مهم‌ترین اصول مدل روان‌پویایی و سازگاری زناشویی، اصل مربوط به انتخاب همسر است. مطابق این اصل، افراد آگاهانه یا به طور ناخودآگاه زوج‌هایی را انتخاب می‌کنند که نیازهای خود شیف‌تگی خود را ارج نهند (الری و اسمیت، ۱۹۹۱). سرکوبی پویایی این نیازهای خود شیف‌تگی و درون فکنی و فرافکنی آنها به همسران آینده افراد را به این وا می‌دارد که همسرانی را ترجیح دهند که نیازهای آنها را تکمیل کنند.

گلاسز نیز در نظریه انتخاب توضیح می‌دهد که همه رفتارهای انسان محصول انتخاب خودش است و نیروی محرک تمام رفتارهای انسان پنج نیاز اساسی و ژنتیکی است. این نیازها شامل بقا، عشق و تعلق خاطر، آزادی، تفریح و قدرت است. مشکلات اساسی انسانها از دیدگاه گلاسز به طور خلاصه شامل شکست در ارضای نیازهای برنامه ریزی شده ژنتیکی، فقدان رابطه نزدیک و صمیمی، و روانشناسی کنترل بیرونی است. روانشناسی کنترل بیرونی منشأ اصلی روابط ناخرسند مردم سراسر جهان است (گلاسز، ۱۹۹۸).

با توجه به مطالب گفته شده این پرسش مطرح است که آیا می‌توان با معرفی شاخص‌هایی دوام و ثبات روابط زوجین را بهبود بخشید؟ و آیا می‌توان با شناسایی عوامل ومولفه‌های پایداری ازدواج ضمن کاهش آسیب‌های اجتماعی به ویژه طلاق به تحکیم بیشتر نهاد خانواده کمک کرد؟ هدف مقاله حاضر این است که ضمن پاسخگویی به این پرسش‌ها علاوه بر شناسایی عوامل

1. Hughes et al.
2. Sprecher & Hatfield
3. Hughes et al.

پایداری ازدواج در چارچوب هنجارها و فرهنگ ایرانی و مبتنی بر تحقیقات دهه اخیر، مؤلفه‌های پیش‌بینی‌کننده ازدواج موفق را به جوانان و خانواده‌ها شناساند. بدیهی است انجام پژوهش‌های پیشگیرانه‌ای از این دست علاوه بر اینکه طراز مناسبی از یک مدل زندگی بادوام و رضایت‌بخش ارائه می‌دهد، زمینه را برای شناسایی ریشه‌های مشکلات فراهم می‌آورد و همچنین ابزار سودمندی را در اختیار مشاوران و روان‌شناسان و سایر متخصصان حوزه خانواده و ازدواج فراهم می‌نماید تا بتوانند در عرصه کمک به افزایش رفاه زوجین و کاهش آسیب‌های اجتماعی و حرفه‌ای‌تر عمل کنند.

روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف توسعه‌ای و روش پژوهش آمیخته (کیفی - کمی) می‌باشد. در این راستا پژوهشگر ابتدا با استفاده از روش کیفی به بررسی و مرور منابع و ادبیات تحقیق پرداخته و عوامل استحکام‌بخش ازدواج را استخراج نمود و سپس برای سنجش نقش هر یک از عوامل و میزان سهم آنان در پایداری ازدواج از روش کمی و روش همبستگی و تحلیل عاملی تاییدی استفاده گردید. در بخش کیفی پژوهش تحقیقات و پژوهش‌های ده سال اخیر که به نحوی به عوامل استحکام‌بخش ازدواج پایدار و روابط زوجین پرداخته بودند مورد بررسی قرار گرفته و مولفه‌های استحکام‌بخش ازدواج، استخراج گردید.

در بخش دوم (بخش کمی) از آمار توصیفی و ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد و در ادامه با استفاده از معادلات ساختاری و تحلیل عاملی تاییدی و نرم افزار AMOS24 داده‌های آماری تجزیه و تحلیل شد. جامعه آماری گروه هدف در بخش کمی عبارت بودند از زنان و مردان متاهل تهرانی که بیش از ۵ سال سابقه زندگی مشترک داشتند تعداد افراد نمونه نیز ۳۱۸ نفر بودند. این افراد از بین زنان و مردان متاهل شهر تهران و با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب گردید.

همچنین ابزار گردآوری اطلاعات در این پژوهش از سه ابزار تشکیل شده بود. اولین ابزار چک‌لیست محقق ساخته بود که مشخصات آن در جدول ۱ آمده است. همچنین از پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ^۱ و پرسشنامه تعارضات زناشویی بعنوان ابزارهای موازی و هم‌تا استفاده شد. پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ بود در این پژوهش از فرم ۴۷ گویه‌ای این پرسشنامه استفاده شده است که در زمینه بررسی ابعاد مختلف رضایتمندی زناشویی کاربرد دارد که دارای ۹ خرده‌مقیاس است. روایی این مقیاس به شیوه همسانی درونی ۰/۹۵ و همچنین ضریب پایایی آن با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۹۵ گزارش شده است (سلیمانیان، ۱۳۷۳) نیز اعتبار فرم ۴۷ سوالی پرسشنامه فوق را با استفاده از روش ضریب آلفا ۰/۹۲ گزارش کرده‌اند. در ایران (مهدویان، ۱۳۷۶) در کار روی اعتبار آزمون با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و با روش بازآزمایی، به فاصله یک هفته (برای مردان ۰/۹۳۷ و برای زنان ۰/۹۴۴ و برای مردان و زنان ۰/۹۴) به دست آورد. پرسشنامه سوم پرسشنامه تعارضات زن و شوهری (MCQ) بود که این پرسشنامه یک ابزار

۴۲ سؤالی است که برای سنجش تعارض‌های زن و شوهری و بر مبنای تجربیات بالینی توسط ثنایی و براتی (۱۳۷۹) ساخته شده است. این پرسشنامه هفت بعد از تعارضات زن و شوهری را می‌سنجد که عبارت اند از: کاهش همکاری، کاهش رابطه جنسی، افزایش واکنش‌های هیجانی، افزایش جلب حمایت فرزندان، افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود، کاهش رابطه خانوادگی با خویشاوندان همسر و دوستان، جدا کردن امور مالی از یکدیگر. نمره گذاری سؤالات این پرسشنامه نیز براساس مقیاس ۵ درجه ای لیکرت است. حداکثر نمره کل پرسشنامه ۲۱۰ و حداقل آن ۴۲ است. در این ابزار نمره بیشتر به معنی تعارض بیشتر و نمره کمتر به معنی رابطه بهتر است. کسب نمره بیش از ۱۱۵ این پرسشنامه به منزله داشتن تعارض نابهنجار است. پایایی این ابزار توسط براتی (۱۳۷۵) برابر با ۰/۵۲ و توسط فرحبخش (۱۳۸۴) ۰/۶۹ به دست آمد.

یافته های پژوهش

۳۲۱

با توجه به اینکه در این پژوهش از دو روش کیفی و کمی استفاده گردید نتایج نیز در دو بخش ارائه می گردد:

بخش کیفی

در بخش کیفی پژوهش تحقیقات و پژوهش‌های ده سال اخیر (۱۳۸۸-۱۳۹۸) که به نحوی به عوامل استحکام‌بخش ازدواج پایدار و روابط زوجین پرداخته بودند مورد جستجو قرار گرفتند. براین اساس بیش از ۲۱۰ مقاله و پژوهش و منبع مرتبط با تحقیق بررسی شد و مؤلفه‌های استحکام‌بخش ازدواج استخراج گردید. در ادامه با تشکیل استخر گویه‌ها، مؤلفه‌های مرتبط با موضوع پژوهش جمع آوری شد و داده‌های استخراج شده با نظر متخصصان مورد ارزیابی قرار گرفت. سپس کلیه مؤلفه‌ها در قالب عوامل استحکام‌بخش آماده گردید.

در مرحله بعد با هدف بدست آوردن روایی محتوایی، چک‌لیست گویه‌ها استخراج شده محصول مطالعه کیفی در قالب چک‌لیستی از گویه‌ها به همراه پرسشنامه‌ای حاوی چهار سؤال دموگرافیک (سن، جنس، رشته تحصیلی، سابقه فعالیت حرفه‌ای) آماده و برای ۱۵ نفر از متخصصان و روان‌شناسان حائز شرایط ارسال گردید. در بخش نظرسنجی از متخصصان خانواده و ازدواج، جامعه آماری شامل متخصصان و افراد صاحب نظری است که در زمینه روان‌شناسی و مشاوره خانواده فعالیت داشتند. انتخاب افراد نمونه بر مبنای دو ملاک: ۱- دارا بودن حداقل ۱۰ سال تجربه زوج درمانی و خانواده درمانی و مشاوره ازدواج ۲- داشتن مدرک دکتری مشاوره یا روانشناسی به صورت هدفمند بود. در ادامه به منظور شاخص روایی محتوایی گویه‌ها بررسی و تعدادی از گویه‌هایی که CVI آنها کم‌تر از ۰/۷۰ بود حذف شدند و مابقی عوامل که از روایی قابل قبولی برخوردار بودند که در فهرست عوامل باقی ماندند همچنین همسانی درونی هر یک از مؤلفه‌ها با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شد که برابر ۰/۹۲ بود. در مرحله سوم با هدف تدوین چک‌لیست عوامل استحکام‌بخش، تعدادی از گویه‌ها، به دلیل تکراری بودن، شباهت معنایی، همپوشانی گویه‌ها از چک‌لیست طبقه بندی شده حذف و چک‌لیست نهایی در قالب ۴ مقوله محوری، ۹ عامل اصلی و با ۷۵ مؤلفه دسته بندی و آماده شد. جدول ۱ عوامل استحکام‌بخش را نشان می‌دهد:

جدول ۱: عوامل استحکام‌بخش ازدواج

مقوله	عامل	گویه‌های استحکام‌بخش
زمینه‌ای	خانواده مبدا	رضایت و موافقت خانواده در ازدواج، نبود اعتیاد در خانواده پدری، نبود سابقه خیانت در خانواده، احترام به جایگاه والدین
	عوامل فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی	احترام به ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی و اجتماعی، نداشتن باورهای خرافی
فردی	شخصیتی و اخلاقی	صداقت و راستگویی، منصف بودن، صبوری، گذشت، تواضع، قناعت داشتن، پاکدامنی، مهربانی و صمیمیت، نظم داشتن، اهل معاشرت بودن، اعتماد کردن به اندازه به دیگران، نودوستی، احساس کفایت و شایستگی، انعطاف‌پذیری، توانایی در کنترل خشم، توانایی مدیریت استرس، کینه توز نبودن، مسئولیت‌پذیری، تاب‌آوری در برابر مشکلات، امیدواری، مثبت‌اندیشی، شوخ‌طبعی، سازگاری، خسیس نبودن
	اعتقادی و معنوی	دینداری و اعتقادات مذهبی، داشتن باورهای معنوی، داشتن معنا در زندگی، مقدس دانستن ازدواج، رعایت حجاب و عفاف، شناخت صحیح نیازها، داشتن توقعات منطقی از دیگری، شناخت ویژگی‌های زن و مرد، داشتن علایق و سلاقی مشترک، داشتن اهداف مشترک، تشابه سطح تحصیلی، تشابه در معیارهای ارزشی و اعتقادی خانواده، تشابه سلیقه در روابط با دوستان، تشابه در باورها و ارزش‌های دینی، تشابه در طبقه اقتصادی خانواده، تشابه در طبقه اجتماعی خانواده، توافق نظر در برگزاری مراسمات و جشن‌ها، توافق نظر در مسایل مالی
همسرگزینی	کفایت عقلانی در انتخاب	داشتن مهارت تصمیم‌گیری، پرهیز از کمال‌زدگی در انتخاب
	مسایل جنسی و زناشویی	دانش و مهارت در برقراری رابطه جنسی، رضایت جنسی، توانایی عشق‌ورزی و ابرازگری توجه به بهداشت فردی، ابراز علاقه کلامی، توجه به آراستگی ظاهری و پوشش، نداشتن بیماری مزمن روانی، نداشتن بیماری مزمن جسمانی، داشتن رابطه جنسی با همسر قبل از ازدواج وفاداری، وقت گذاشتن برای گفتگو با یکدیگر، پرهیز از تحقیر یکدیگر، پرهیز از تفاخر به داشته‌های مادی در مقابل همسر، داشتن روحیه همکاری و مشارکت، احترام به حریم خصوصی یکدیگر، اهمیت دادن به تصمیم‌گیری‌های مشترک، قدردانی و سپاس‌گزاری از یکدیگر، حفظ اسرار زوجی از دیگران، عدم تأثیرپذیری از دخالت‌های دیگران، داشتن برنامه برای گذران اوقات فراغت، داشتن مهارت همدلی توانایی حل تعارض و مشکل، برخورداری از مهارت‌های خانه‌داری (زن)
زوجی	مهارت‌های ارتباطی	رعایت احترام همسر در برابر فرزندان و دیگران، توافق و مشارکت در شیوه تربیت فرزند، توافق در فرزندآوری (زمان - تعداد)
	فرزندآوری و تربیت فرزند	

بخش کمی

در ادامه این پژوهش به منظور تعیین میزان سهم و اثر هر یک عوامل استحکام بخش در پایداری ازدواج چک لیست تهیه شده در بخش کیفی در اختیار گروه نمونه قرار گرفت در این بخش ۳۱۸ شرکت کننده (۲۲۷ زن و ۹۱ مرد) با میانگین و انحراف استاندارد سنی به ترتیب ۴۰/۱۴ و ۱۱/۱۳ حضور داشتند. میانگین و انحراف استاندارد سن همسر شرکت کنندگان به ترتیب برابر با ۴۲/۱۰ و ۱۰/۹۸ بود. میزان تحصیلات ۱۶ نفر (۵ درصد) از شرکت کنندگان زیر دیپلم، ۴۰ نفر (۱۲/۶ درصد) دیپلم، ۱۸ نفر (۵/۷ درصد) فوق دیپلم، ۱۴۶ نفر (۴۵/۹ درصد) لیسانس، ۷۱ نفر (۲۲/۳ درصد) فوق لیسانس و ۲۷ نفر (۸/۵ درصد) دکتری بود. همچنین میزان تحصیلات ۳۲ نفر (۱۰/۱ درصد) از همسر شرکت کنندگان زیر دیپلم، ۶۶ نفر (۲۰/۸ درصد) دیپلم، ۲۵ نفر (۷/۹ درصد) فوق دیپلم، ۱۰۵ نفر (۳۳ درصد) لیسانس، ۶۴ نفر (۲۰/۱ درصد) فوق لیسانس و ۲۶ نفر (۸/۲ درصد) دکتری بود. گفتنی است که میانگین و انحراف استاندارد مدت زندگی مشترک در بین شرکت کنندگان به ترتیب برابر با ۱۶/۰۳ و ۱۰/۷۷ بود. در نهایت ۷۱ نفر (۲۲/۳ درصد) از شرکت کنندگان فاقد فرزند، ۸۲ نفر (۲۵/۸ درصد) ۱ فرزند، ۱۱۹ نفر (۳۷/۴ درصد) ۲ فرزند و ۴۶ نفر (۱۴/۵ درصد) بیشتر از ۳ فرزند داشتند.

همچنان که پیشتر اشاره شد مقیاس عوامل استحکام بخش روابط زوجین شامل ۷۵ گویه بود که فرض شده بود چهار عامل زمینه‌ای، فردی، همسرگزینی و زوجی را می‌سازند. عامل زمینه‌ای خود از مؤلفه های خانواده مبداء (۴ گویه) و مؤلفه فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی (۲ گویه)، عامل فردی از مؤلفه های شخصیتی (۲۴ گویه) و اعتقادی (۶ گویه)، عامل همسرگزینی از مؤلفه های همسانی توافق (۱۳ گویه) و کفایت اخلاقی (۲ گویه)، عامل زوجی از مؤلفه های مسائل جنسی (۸ گویه)، مهارت های ارتباطی (۱۴ گویه) و فرزندآوری/تربیت (۳ گویه) تشکیل شده بود. همچنین در ادامه بررسی های آماری، میانگین، انحراف استاندارد، چولگی و کشیدگی هر یک از گویه ها محاسبه و نتایج نشان داد که شاخص های چولگی و کشیدگی همه گویه ها در محدوده ± 2 بوده و بنابراین توزیع داده های مربوط به آن گویه ها نرمال بود.

در این پژوهش ابتدا ساختار عاملی هر یک از عوامل چهارگانه استحکام بخش روابط زوجین به صورت مجزا با استفاده از روش تحلیل عاملی تاییدی و نرم افزار AMOS24 و برآورد بیشینه احتمال^۱ (ML) مورد بررسی قرار گرفت. جدول ۲ شاخص های برازش مدل هر یک از عوامل چهارگانه استحکام بخش روابط زوجین را نشان می دهد.

جدول ۲: شاخص های برازش مدل اندازه گیری مربوط به عوامل چهارگانه

شاخص های برازندگی	مدل عامل زمینه ای		مدل عامل فردی		مدل عامل همسرگزینی		مدل عامل زوجی	
	اولیه	اصلاح شده	اولیه	اصلاح شده	اولیه	اصلاح شده	اولیه	اصلاح شده
مجذور کای ^۱	۳۷/۳۴	۵۱/۸۱	۱۳۷/۴	۱۲۷/۰۳	۶۴/۳۷۰	۲۵۷/۴۹	۳۲/۶۹۶	۵۵۰/۱۳
درجه آزادی مدل	۸	۶	۳۷۶	۳۹	۸۹	۸۷	۲۷۲	۲۷۱
χ^2/df^2	۴/۶۷	۲/۶۴	۳/۶۶	۳/۲۶	۴/۱۷	۲/۹۶	۲/۵۶	۲/۰۳
GFI ^۳	۰/۹۶۸	۰/۹۸۳	۰/۷۳۶	۰/۹۳۳	۰/۸۶۴	۰/۹۰۵	۰/۸۷۳	۰/۹۱۲
AGFI ^۴	۰/۹۰۳	۰/۹۴۲	۰/۶۹۵	۰/۸۸۶	۰/۸۱۶	۰/۸۶۹	۰/۸۱۰	۰/۸۵۴
CFI ^۵	۰/۹۶۰	۰/۹۸۵	۰/۷۴۶	۰/۹۶۳	۰/۸۴۷	۰/۹۰۷	۰/۸۸۴	۰/۹۲۳
RMSEA ^۶	۰/۱۰۸	۰/۰۷۲	۰/۰۹۲	۰/۰۸۴	۰/۱۰۱	۰/۰۷۹	۰/۰۷۰	۰/۰۵۶

همچنان که جدول فوق نشان می دهد، مدل های اولیه هیچ یک از عامل های چهارگانه با داده های گردآوری شده برازش قابل قبول نشان ندادند. بنابراین مدل عامل زمینه ای با ایجاد کوواریانس بین خطاهای گویه های ۱ و ۴ از یک سو و ۴ و ۵ از سوی دیگر، مدل عامل همسرگزینی با ایجاد کوواریانس بین گویه های ۴۲ و ۴۴ از یک سو و ۴۵ و ۴۶ از سوی دیگر و مدل عامل زوجی با ایجاد کوواریانس بین گویه های ۵۱ و ۵۲ اصلاح و شاخص های برازندگی قابل قبول حاصل شد. گفتنی است که شاخص های برازندگی مدل عامل فردی با ایجاد کوواریانس بین خطاها بهبود نیافت و به همین دلیل برای به دست آوردن شاخص های برازندگی بهتر به توصیه مید و کروستالیس (۲۰۰۵) اقدام به استفاده از تکنیک تلفیق گویه ها^۷ شد. پس از عمل تلفیق گویه ها، بار دیگر ساختار عامل فردی مقیاس با استفاده از روش تحلیل عاملی تاییدی ارزیابی و عامل فردی به صورت قابل قبول با داده ها برازش یافت. برای نشانگرهای عامل زمینه ای بارهای عاملی گویه ها در محدوده ۰/۵۶ و ۰/۸۸، برای عامل فردی در محدوده ۰/۴۵ تا ۰/۹۰، برای عامل همسرگزینی در محدوده ۰/۴۷ تا ۰/۷۷ و برای عامل زوجی در محدوده ۰/۳۶ تا ۰/۷۳ قرار داشت. براساس یدگاه تاباچینک و فیدل (۲۰۰۷) با توجه به این که بار عاملی همه گویه بزرگتر از ۰/۳۲ بود، بنابراین می توان گفت که هر یک از گویه ها از توان قابل قبول برای سنجش عامل های مکنون خود برخوردار بودند.

مطالب فوق بیانگر آن است هر یک از گویه ها از توان قابل قبول برای سنجش عامل های

1. Chi-Square
2. Normed chi-square
3. Goodness Fit Index
4. Adjusted Goodness Fit Index
5. Comparative Fit Index
6. Root Mean Square Error of Approximation
7. Item parceling

چهارگانه استحکام بخش روابط زوجین برخوردارند. در ادامه چگونگی برازش مدل یکپارچه مقیاس عوامل استحکام بخش روابط زوجین با داده های گردآوری شده به کمک تحلیل عاملی تاییدی مورد ارزیابی قرار گرفت. نتایج نشان داد که به استثنای شاخص های برازندگی RMSEA و شاخص کای اسکوئر نرم شده دیگر شاخص های برازندگی از برازش قابل قبول مدل اندازه گیری با داده های گردآوری شده حمایت می کنند ($\chi^2(df=23)=93/14$)، $\chi^2/df=4/05$ ، $CFI=0/956$ ، $GFI=0/879$ ، $AGFI=0/938$ و $RMSEA=0/098$. به همین دلیل شاخص های اصلاح ارزیابی و با ایجاد کوواریانس بین خطاهای نشانگرهای خانواده مبدا و نشانگر معنوی/اعتقادی از یک سو و خطاهای نشانگرهای معنوی/اعتقادی و همسانی نظر از سوی دیگر مدل اصلاح و در نهایت شاخص های برازندگی حاصل شد که نشان می دهد مدل یکپارچه عوامل استحکام بخش روابط زوجین با داده های گردآوری شده برازش قابل قبول دارد ($\chi^2(df=21)=62/95$)، $\chi^2/df=2/99$ ، $CFI=0/974$ ، $GFI=0/958$ ، $AGFI=0/910$ و $RMSEA=0/079$. جدول ۳ برآورد بارهای عاملی هر یک از نشانگرهای عوامل استحکام بخش روابط زوجین را نشان می دهد:

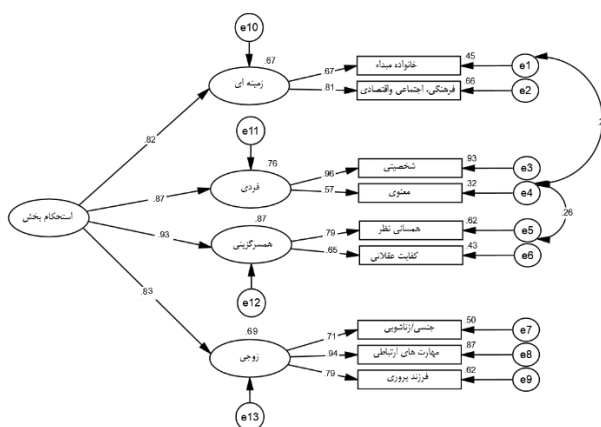
جدول ۳: پارامترهای مدل اندازه گیری مدل یکپارچه عوامل استحکام بخش روابط زوجین

سطح	متغیرهای مکنون- نشانگر	B	SE	β	p
	زمینه ای - خانواده مبدا	۱		۰/۶۶۹	
	زمینه ای - فرهنگ، اجتماع و اقتصادی	۰/۶۰۱	۰/۰۵۷	۰/۸۱۵	۱۰/۹۴**
	فردی - شخصیتی	۱		۰/۹۶۲	
	فردی - معنوی	۰/۲۵۷	۰/۰۲۷	۰/۵۶۵	۹/۶۰**
	همسرگزینی - همسانی نظر	۱		۰/۷۸۵	
	همسرگزینی - کفایت عقلانی	۰/۱۵۹	۰/۰۱۳	۰/۶۵۴	۱۲/۳۱**
	زوجی - جنسی/زناشویی	۱		۰/۷۱۰	
	زوجی - مهارت های ارتباطی	۱/۵۸۶	۰/۱۰۲	۰/۹۳۵	۱۵/۵۲**
	زوجی - فرزند پروری	۰/۳۷۷	۰/۰۲۸	۰/۷۸۶	۱۳/۴۱**
	استحکام بخش - زمینه ای	۱		۰/۸۱۸	
	استحکام بخش - فردی	۱/۱۹۵	۰/۱۱۸	۰/۸۷۱	۱۰/۱۳**
	استحکام بخش - همسرگزینی	۰/۸۱۸	۰/۰۸۳	۰/۹۳۴	۹/۹۲**
	استحکام بخش - زوجی	۱/۷۸۳	۰/۱۹۹	۰/۸۳۲	۸/۹۴**

نکته: نشانگرهای خانواده مبدا، شخصیتی، همسانی نظر و جنسی/زناشویی در تحلیل مرتبه اول و نشانگر زمینه ای در تحلیل مرتبه دوم با عدد ۱ تثبیت شده و بنابراین خطای استاندارد و سطح معناداری برای آنها محاسبه نشده است.

جدول ۳ نشان می دهد که بزرگ ترین بارعاملی در تحلیل مرتبه اول متعلق به نشانگر شخصیتی ($\beta=0/962$) و کوچک ترین بارعاملی متعلق به نشانگر معنوی ($\beta=0/565$) است. در مرتبه دوم تحلیل بارعاملی همه عامل ها بزرگ تر از ۰/۸ بودند که نشان می دهد هم نشانگرها و عامل های مکنون از توان قابل قبول برای سنجش عوامل استحکام بخش روابط زوجین برخوردارند. شکل ۱

مدل اندازه‌گیری مقیاس استحکام‌بخش روابط زوجین با استفاده از داده‌های استاندارد را نشان می‌دهد.



شکل ۱: مدل اندازه‌گیری عوامل استحکام‌بخش روابط زوجین با استفاده از داده‌های استاندارد

به منظور ارزیابی روایی همگرایی مقیاس عوامل استحکام‌بخش روابط زوجین، ضریب همبستگی هر یک از مؤلفه‌های آن با نمرات پرسشنامه رضایت زناشویی و تعارضات زناشویی مورد بررسی قرار گرفت که جدول ۴ نتایج آن را نشان می‌دهد:

جدول ۴: ضرایب همبستگی بین متغیرهای پژوهش

متغیرهای تحقیق	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱
۱. زمینه‌ای - خانواده مبدا	-										
۲. زمینه‌ای - فرهنگی، اجتماعی	۰/۵۷**	-									
۳. فردی - شخصیتی	۰/۵۰**	۰/۶۲**	-								
۴. فردی - معنوی	۰/۴۷**	۰/۴۸**	۰/۵۵**	-							
۵. همسرگزینی - توافق نظر	۰/۴۷**	۰/۵۳**	۰/۶۹**	۰/۵۴**	-						
۶. همسرگزینی - کفایت عقلانی	۰/۳۳**	۰/۴۰**	۰/۵۴**	۰/۳۲**	۰/۵۱**	-					
۷. زوجی - جنسی/ارتباطی	۰/۳۲**	۰/۳۸**	۰/۴۷**	۰/۲۶**	۰/۵۳**	۰/۴۴**	-				
۸. زوجی - مهارت‌های ارتباطی	۰/۴۲**	۰/۵۶**	۰/۶۳**	۰/۳۸**	۰/۷۰**	۰/۶۲**	۰/۶۷**	-			

۹. زوجی- فرزندآوری	۰/۴۴**	۰/۴۹**	۰/۵۷**	۰/۳۳**	۰/۶۲**	۰/۵۶**	۰/۵۷**	۰/۷۳**	-
۱۰. رضایت زناشوی	۰/۱۸**	۰/۲۳**	۰/۲۷**	۰/۲۴**	۰/۲۷**	۰/۲۳**	۰/۱۶**	۰/۲۸**	۰/۳۱**
۱۱. تعارضات زناشویی	۰/۱۶**	۰/۱۷**	۰/۲۴**	۰/۲۱**	۰/۲۲**	۰/۱۵**	۰/۲۲**	۰/۲۶**	۰/۲۵**
میانگین	۱۵/۵۷	۷/۶۶	۹۹/۴۷	۱۸/۸۵	۵۰/۱۱	۷/۹۶	۳۴/۱۴	۵۶/۴۱	۱۳/۰۲
انحراف استاندارد	۳/۴۹	۱/۷۰	۱۰/۸۱	۴/۷۵	۷/۶۳	۱/۴۶	۵/۱۰	۶/۱۳	۱/۷۳
ضریب آلفای کرونباخ	۰/۸۱	۰/۶۲	۰/۹۱	۰/۸۹	۰/۸۷	۰/۶۸	۰/۸۳	۰/۸۹	۰/۷۱
$P^{**} < ۰/۰۱$									

نتایج جدول ۴ نشان می دهد که عوامل استحکامبخش روابط زوجین با متغیر رضایت زناشویی به صورت مثبت و با متغیر تعارضات زناشویی به صورت منفی و در سطح معناداری ۰/۰۱ همبسته است. براین اساس می توان گفت هر یک از عامل های استحکامبخش روابط زوجین از روایی همگرا برخوردارند. همچنین نتایج جدول فوق نشان می دهد که ضرایب آلفای کرونباخ هر یک از عامل ها نزدیک به یا بزرگتر از ۰/۷ است. بدین ترتیب می توان گفت هر یک از عوامل استحکامبخش روابط زوجین از همسانی درونی مطلوبی برخوردارند.

بحث و نتیجه گیری

ازدواج از مهمترین و اساسی ترین روابط انسانی بوده و اولین واحد برای روابط خانوادگی و پرورش نسل بعدی می باشد. نحوه توافق همسران و نحوه تطابق آن ها با نیازهای یکدیگر و تکوین نقشهای مکمل می تواند به خوبی ثبات خانواده و انعطاف پذیری آنها را برای سازگاری با شرایط تغییر پیش بینی کند. از طرفی زیر منظومه همسران الگویی را برای فرزندان فراهم می سازد که از آن تعامل زناشویی صمیمیت و تعهد زناشویی را فرا می گیرد. اگر این منظومه از کفایت کافی برخوردار باشد شرایطی را فراهم می سازد که در آن همسران، صمیمیت، رشد متقابل و رشد شخصی را تجربه می کنند (گلدنبرگ ۲۰۰۸). در این پژوهش عوامل استحکامبخش رابطه زوجین در چهار مقوله مقوله زمینه ای، فردی، زوجی و همسرگزینی دسته بندی شدند و نتایج نشان داد همه گویه ها از توان قابل قبول برای سنجش عوامل برخوردار بودند و شاخص های برازندگی نیز از برازش قابل قبول همه عوامل و داده ها حمایت کردند که در ادامه عوامل استحکامبخش ازدواج بحث و بررسی می شوند.

اولین مقوله موثر در استحکام ازدواج مقوله زمینه ای است. این مقوله خود از دو عامل خانواده مبدا و عوامل فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی تشکیل شده بود مسایل خانواده مبدا همواره یکی از عوامل پیش بینی کننده موفقیت ازدواج محسوب می شود که توجه به آن در مشاوره های پیش از ازدواج تعیین کننده می باشد. عواملی همچون تمایز یافتگی، سبک دلبستگی، جو عاطفی خانواده و رضایت والدین از خرده مؤلفه های ذیل خانواده مبدا می باشد. بر اساس رویکرد فرامو، منبع مشکلات زوجین در این است که هر دو عضو نیازهای ارضاء نشده ای در خانواده اصلی دارند که

آن را به دیگری فرافکنی می‌کنند. بوئن (۱۹۷۸) نیز که پیشگام نظریه های سیستم ها و خانواده است موضوع تمایز یافتگی افراد را در موفقیت ازدواج تعیین کننده، می‌داند. او معتقد است افراد به کسانی که سطح تمایز یافتگی شان شبیه آنهاست، جذب می‌شوند (کار، ۲۰۰۶). مؤلفه دیگری که ناظر بر اهمیت خانواده مبدا در موفقیت ازدواج می‌باشد، سبک دلبستگی افراد است. کارنی و برادبوری (۱۹۹۵) نیز معتقد است طبق نظریه دلبستگی، موفقیت و یا عدم موفقیت زندگی زناشویی تحت تأثیر جنبه های پایدار سابقه رابطه ای هر کدام از طرفین و خانواده مبدا قرار دارد. در فرهنگ اسلامی نیز خانواده محبوب ترین نهاد بشری در نزد خداوند است که پایه و اساس آن محبت و مودّت است (روم، آیه ۲۱). اهمیت این موضوع با پژوهش بسیاری از محققان همسو می‌باشد از جمله تحقیق افتخاری و احمدی (۲۰۱۸) که نشان داد که همبستگی مثبت و معناداری بین استحکام خانواده اصلی و تمایز یافتگی با رضایت و سازگاری زناشویی وجود دارد

توجه به مؤلفه های فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی حاکم بر خانواده نیز یکی دیگر از عوامل زمینه ای مؤثر در پایداری ازدواج است. واقعیت این است که بدون حساسیت فرهنگی نمی‌توان به پایداری ازدواج رسید. اثر عامل فرهنگی و اجتماعی بر پایداری روابط زوجین در بسیاری از پژوهش ها مشاهده شد. که تحقیقات اخوی ثمرین (۱۳۹۶) صفایی (۱۳۹۶) سالاما (۲۰۱۶) از آن جمله می‌باشند.

از طرفی جامعه ایران جامعه ای است با بنیان های قومی فرهنگی و سنتی است و سبک زندگی مردم بازتابی است از ارزش های اجتماعی الگوهای رفتاری، عادات و نگرش هاست که در پی فرآیند جامعه پذیری افراد بوجود می‌آید. البته توجه به این نکته بسیار ضروری است که عوامل زمینه ای و اجتماعی مقوله ای بین فرهنگی است و نکته قابل توجه اینکه مطالعات بین فرهنگی گاهی نتایج متفاوتی را گزارش کرده اند. (براملت، ۲۰۰۱) بنابراین در تعمیم نتایج پژوهش های بین المللی باید با احتیاط عمل کرد و حتماً با توجه به شواهد و قرائن تحقیقات داخلی انجام شود. خلاصه اینکه که شکل گیری یک ازدواج موفق نمی‌تواند از اثرات فرهنگی و قومی به دور باشد و فرهنگ از بهترین عواملی است که بر فرآیندها و پیامدهای روابط زناشویی تأثیر می‌گذارد. به همین دلیل در مشاوری های پیش از ازدواج به عوامل زمینه ای توجه جدی می‌شود.

دومین مقوله ای که توجه به آنها به استحکام و موفقیت ازدواج می‌انجامد و نادیده گرفتن آن ازدواج و رابطه زوجین را با مخاطره مواجه می‌کند مقوله فردی است. عواملی مثل ویژگی های شخصیتی و اخلاقی و عوامل اعتقادی و معنوی ذیل این مقوله دسته بندی شده اند. سلامت اخلاقی و شخصیتی یکی از عوامل مؤثر در پیش بینی موفقیت ازدواج است. آراسته بودن افراد به زیور صداقت، انصاف، صبوری، گذشت، صمیمیت، نعدوستی، نظم، احساس کفایت و شایستگی، انعطاف پذیری، مسئولیت پذیری، تاب آوری، امیدواری، شوخ طبعی، سازگاری، خسیس نبودن می‌تواند رابطه زوجین را مملوء از عطر آرامش و خوشبختی نماید. البته فقدان این ویژگی ها در افراد می‌تواند رابطه زوجین را مختل نموده و تا مرز فروپاشی بکشانند.

تأثیر عوامل شخصیتی و اخلاقی بر پایداری روابط زوجین با یافته های تحقیقات بسیاری همسو می‌باشد که از آن جمله می‌توان به تحقیقات زارعان (۱۳۹۵) صاحب دل (۱۳۹۴) خدادادی سنگده (۱۳۹۳) ام بیوایر^۱ (۲۰۱۷) لشری (۲۰۱۶)، اشاره نمود.

عامل اعتقادات و معنویت یکی دیگر از عوامل فردی استحکام بخش ازدواج است جامعه ایرانی جامعه ای است با بنیان های قوی که در آن مذهب و معنویت نقش مهمی در سبک زندگی مردم ایفا می کن. بنابراین داشتن باورهای معنوی و مذهبی عاملی استحکام بخش در روابط همسران به شمار می رود. باورهای معنوی به زوجین کمک می کند تا تعارضاتشان را از منظر ایمان و اعتقادات مشترکشان بهتر مدیریت کنند. تاثیر عوامل معنوی و مذهبی در روابط زوجین با تحقیقات بسیاری همسو می باشد که از جمله آن می توان به پژوهش خجسته مهر و همکاران (۱۳۹۷) صاحب دل (۱۳۹۴) محمدی و همکاران (۱۳۹۶) مصلحی (۱۳۹۶) اشاره نمود. البته اهمیت مسایل اعتقادی و معنوی صرفاً در کشورهای اسلامی خلاصه نمی شود، بلکه بسیاری از ملل نقش معنویت و خدامحوری را سبک زندگی خود پررنگ می دانند. به طور مثال در تحقیقی که مؤسسه پیو (۲۰۰۸) در مورد مذهب و زندگی عمومی بیان کرده است ۸۳ درصد آمریکایی ها به خدا به عنوان یک قدرت و اعتقاد دارند. و ۶۰ درصد آنها گفته اند که مذهب برای آنها مهم یا خیلی مهم است که باید وارد زندگی روزانه شان شود. در این میان برخی از کشورها و فرهنگ ها، باورهای دینی و همسانی آن دیگر اولویت ندارد به طور مثال فریمل^۱ و همکاران (۲۰۰۸) نشان دادند که همسانی در دین و نژاد در استرالیا کاهش یافته است.

سومین مقوله موثر در موفقیت ازدواج، همسرگزینی است که از دو عامل همسانی و توافق و کفایت عقلانی تشکیل شده بود. مقوله همسرگزینی در هیچ پژوهشی در کنار مقوله های زمینه ای، فردی و زوجی مورد بررسی قرار نگرفته است و این مقوله با این استدلال در دسته بندی مؤلفه ها جای گرفت که جایگاه معیارهای انتخاب همسر را در پایداری ازدواج پررنگ تر دیده شود. یکی از مهم ترین عواملی که توجه به آن می تواند در موفقیت ازدواج نقش انکار ناپذیری داشته باشد. داشتن علائق و سلاطین مشترک، اهداف مشترک و همچنین تشابه در طبقه اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی، باورهای دینی و تحصیلی و همچنین توافق نظر در مراسمات و جشن ها و امور مالی می تواند پازل انتخاب هوشمندانه را تکمیل کند و پایداری ازدواج را به دنبال داشته باشد. پرواضح است نیازها، اهداف، سلاطین و باورهای افراد در بستر خانواده و فرهنگ شکل می گیرد. بنابراین چنانچه افراد از تجانس فرهنگی و خانوادگی برخوردار نباشند قادر نخواهند بود تا به درجه ای از همسانی و توافق که لازمه شکل گیری ازدواج مؤثر باشد، دست یابند. این موضوع بوسیله نظریه انتخاب حمایت می شود آنجا که گلاسبر به پنج نیاز اساسی و فطری انسان ها (بقا، عشق و محبت، قدرت، آزادی و تفریح) اشاره دارد (گلاسبر، ۱۹۹۹). همچنین این عامل بعنوان یکی از تجارب مردان و زنان طلاق گرفته در تحقیق قلی زاده آذر و همکاران (۱۳۹۴) نیز تأکید شده است همچنین در تحقیق صادقی و همکاران (۱۳۹۴) محسن زاده و همکاران (۱۳۹۰) که همسانی را یکی از دلایل رضایت از زندگی از دیدگاه زنان راضی از ازدواج بررسی کرده اند. از طرفی این عامل به وسیله مدل همسان همسری حمایت می شود

در مواردی نیز برخی محققان موارد متفاوتی را گزارش داده اند از جمله بیرکلاند و همکارانش (۲۰۰۳) به تمایل مردان برای ازدواج با زنانی که از سطح پایین تر تحصیلی برخوردارند اشاره داشت و یا فریمل و همکارانش (۲۰۰۸) نشان دادند که همسانی در مسایل دینی و نژادی در جامعه استرالیا روبه کاهش است. و یا فینکس^۲ (۱۹۹۷) در تحقیق خود در فنلاند تأییدی بر همسانی سن و تحصیلات مشاهده نکرد.

1. Frimmel

2. Finnks

یکی دیگر از مفاهیمی که در مقوله همسرگزینی به آن پرداخته شده عامل کفایت عقلانی است. مؤلفه‌هایی که در این تحقیق به عنوان نشانه‌های بلوغ عقلانی و کفایت منطقی انتخاب شده‌اند شامل داشتن مهارت تصمیم‌گیری، پرهیز از کمال‌زدگی و داشتن هدف و انگیزه مناسب بود. اهمیت این این موضوع با نتایج بسیاری از تحقیقات از جمله پژوهش صاحب‌دل (۱۳۹۴) خدادادی سنگده (۱۳۹۳) مقدم زاده (۱۳۹۷) همسو می‌باشد. در آموزه‌های دینی نیز توجه به خردمندی طرف مقابل موضوعی ارزشی در نظر گرفته شده و ازدواج افراد عاقل را نوید بخش شکل‌گیری خانواده سالم و به تبع آن انتقال ویژگی‌های طرفین از راه وراثت و تربیت به فرزند می‌داند و از سوی دیگر زندگی کردن با همسر کم‌خرد و نابخرد را آزار دهنده، کسالت‌آور و خسارت‌بار ارزیابی می‌کند (پسندیده، ۱۳۹۱).

مقوله زوجی نیز یکی از مباحث مهم در حوزه ازدواج و خانواده است در این پژوهش شناخت و توجه به نیازهای جنسی، داشتن مهارت‌های ارتباط و موضوع فرزندآوری و تربیت فرزند به عنوان عوامل پیش‌بینی‌کننده در موفقیت ازدواج معرفی شده‌اند. در این میان نیاز جنسی همواره یکی از نیازهای اساسی و فیزیولوژیک هر فردی است که می‌تواند در چارچوب ازدواج به طور مشروع و معناداری ارضا شود.

براین مبنا در این پژوهش مؤلفه‌هایی از قبیل توانایی عشق‌ورزی و ابرازگری، توجه به بهداشت فردی، ابراز علاقه کلامی، توجه به آراستگی ظاهری و پوشش، پایین بودن کشتش جنسی و برقراری رابطه جنسی با همسر و غیر همسر قبل از ازدواج درکنار داشتن رضایت جنسی و داشتن دانش و مهارت کافی در برقراری رابطه جنسی قرارداد شده و پایداری ازدواج را تحت تاثیر قرار می‌دهند.

همچنین ارتباط زناشویی کارآمد یکی از قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌های کیفیت زناشویی و موفقیت ازدواج است. ارتباط، هدف اصلی ازدواج است. ارتباط به زن و شوهر این امکان را می‌دهد که با یکدیگر بحث و تبادل نظر کنند و از نیازهای یکدیگر آگاهی یابند. دلیل اینکه مهارت‌های ارتباط در ذیل مقوله زوجی قرار گرفته این است که هنر ارتباط می‌تواند استحکام‌بخش رابطه زوجین و ضامن بقای ازدواج باشد. این موضوع با نتایج تحقیقات کریمی‌ثانی (۱۳۹۰) کریمی (۱۳۹۶) فتحی و همکاران (۱۳۹۵) فرگوسن و کاین (۲۰۱۵) همسو می‌باشد.

آخرین عامل زوجی استحکام‌بخش موضوع فرزندآوری و تربیت فرزند است. در سیستم خانواده پس از مسئولیت زوجی، مسئولیت والدینی مهمترین رکن خانواده است. آماتو و کیت (۲۰۱۱) در مطالعه طولی خود به بررسی تاثیر کیفیت زندگی در خانواده اصلی و کیفیت زندگی فرزندان در دو دهه بعد که به تشکیل خانواده اقدام کرده‌اند، پرداختند. آنها در این مطالعه بیست ساله دریافتند که کیفیت زندگی در خانواده اصلی به طور قابل توجهی کیفیت زندگی نسل بعد فرزندان را پیش‌بینی می‌کند. نتایج پژوهش مهربانی (۱۳۹۵) نشان داد که وجود فرزند، زوجین را به هم وابسته‌تر می‌کند و برحسب اثار آنها می‌افزاید. همچنین وجود تعداد بیشتری از فرزندان، خانواده را در موقعیت بهتری از لحاظ بهینگی قرار می‌دهد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که موفقیت ازدواج موضوعی چند بعدی است که مستلزم همه جانبه‌نگری در انتخاب همسر و رعایت عوامل و مؤلفه‌های پیش‌بین در این پژوهش است. و رسیدن به طراز یک جامعه سالم و ازدواج‌های موفق مستلزم توسعه آگاهی‌ها و آموزش‌های پیش از ازدواج جوانان توسط مراکز مشاوره مجاز و با صلاحیت می‌باشد.

منابع

- احمدی، خدابخش. (۱۳۹۵). شاخص های سلامت خانواده در الگوی اسلامی و ایرانی پیشرفت. چاپ اول، تهران: انتشارات الگوی پیشرفت
- اخوی ثمرین، زهرا؛ زهراکار، کیانوش؛ محسن زاده، فرشاد و احمدی، خدابخش. (۱۳۹۶). «بررسی عوامل زمینه ساز طلاق در بافت اجتماعی فرهنگی شهر تهران». پژوهشی کیفی فصلنامه فرهنگی و تربیتی زنان و خانواده. سال ۱۲، شماره ۴۰، صص ۱۰۵-۱۲۶.
- پسندیده، عباس. (۱۳۹۱). رضایت زناشویی. قم. سازمان چاپ و نشر دارالحديث
- پیرساقی، فهیمه. (۱۳۹۶). «شناسایی شاخص های ارتباط زناشویی کارآمد». رساله دکتری دانشگاه خوارزمی. دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی.
- ثنایی ذاکر، باقر. (۱۳۸۷). مقیاس های سنجش خانواده و ازدواج. تهران: انتشارات بعثت
- حاتمی ورزنه، ابوالفضل، اسماعیلی معصومه، فرحبخش کیومرث، برجعلی احمد. (۱۳۹۵). «ارائه الگوی ازدواج پایدار و رضایتمند». مجله مشاوره و روان درمانی خانواده. ۶، ۱، پیاپی ۲۱، صص ۱۴۹-۱۲۰.
- خدادادی سنگده، جواد. (۱۳۹۳). «شاخص های سلامت خانواده و ارائه مدل خانواده سالم مبتنی بر بافت فرهنگی- اجتماعی». رساله دکتری. دانشگاه تربیت معلم. دانشکده روانشناسی.
- خدادادی سنگده، جواد؛ نظری، علی محمد و احمدی، خدابخش. (۱۳۹۴). «پیش بینی ازدواج موفق: نقش عوامل زناشویی موثر بر بافت فرهنگی و اجتماعی». فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات راهبردی ورزش و جوانان. شماره ۲۹.
- خجسته مهر، رضا؛ محمدی، رزگار؛ سودانی، منصور و عباس پور، ذبیح اله. (۱۳۹۷). «تجربه زیسته فداکاری در ازدواج های پایدار». پژوهش های مشاوره. جلد ۱۷، شماره ۶.
- کریمی، مهسا؛ دنیوی، وحید؛ راه نجات، امیرمحسن. کیانی مقدم، امیرسام. (۱۳۹۶). «رابطه معنویت گرایی با عشق ورزی و الگوی ارتباطی زوجین». فصلنامه پرستار و پزشک در رزم شماره ۱۵، سال ۵.
- زارعان، منصوره. (۱۳۹۵). «فرا تحلیل عوامل مؤثر بر طلاق. مروری بر مطالعات ثبت شده در دهه اخیر». فصلنامه پژوهشکده زنان. دوره ۱۶، شماره ۶۱، صص ۱۳۵-۱۴۹.
- سلیمانیان، علی اکبر. (۱۳۷۳). «بررسی تاثیر تفکرات غیر منطقی ب اساس رویکرد شناختی بر ناراضیاتی زناشویی». پایان نامه کارشناسی ارشد مشاوره. تهران دانشگاه خوارزمی.
- صاحبدل، حسین. (۱۳۹۴). «ناسایی و اندازه گیری شاخص های ازدواج موفق». رساله دکتری، دانشگاه خوارزمی دانشکده روانشناسی.
- صادقی، منصور السادات؛ موسوی، جمال؛ موتابی، فرشته و دهقانی، محسن. (۱۳۹۴). «رابطه ویژگی شخصیتی زوجین و رضایت زناشویی». مجله روانشناسی معاصر. ۱۰(۲).
- صفایی، مریم. (۱۳۹۶). «شناسایی شاخص های خانواده سالم و ناسالم از نظر زنان و مردان متاهل ایران». پایان نامه ارشد دانشگاه علامه طباطبائی، پردیس تحصیلات تکمیلی خودگردان.
- فتحی، الهام. (۱۳۹۵). «تدوین و اعتبار یابی الگوی آماده سازی ازدواج مبتنی بر مقایسه‌ی

- عوامل موثر در ازدواج‌های رضایتمند و نارضایتمند». رساله دکتری. دانشگاه علامه طباطبائی دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی.
- قلی زاده، آذر؛ بانکی پور فرد، امیر حسین و مسعودی نیا، زهرا. (۱۳۹۴). «مطالعه کیفی تجارب مردان و زنان طلاق گرفته از عوامل فرهنگی زمینه ساز طلاق». فصلنامه جامعه شناسی کاربردی. دوره ۲۶، شماره ۱، صص ۳۹-۶۴.
 - کرای، امین؛ خجسته مهر، رضا؛ سودانی، منصور و اصلانی، خالد. (۱۳۹۵). «شناسایی عوامل مؤثر در ازدواج های پایدار رضایتمند در زنان». مجله مشاوره و روان‌درمانی خانواده. دوره ۶، شماره ۲، صص ۱۶۴-۱۲۹.
 - کریمی ثانی، پرویز و احیایی، کبری. (۱۳۹۰). «ارائه مدل پیشنهادی برای کیفیت زندگی زناشویی براساس عوامل پیش‌بینی کننده قبل از ازدواج در بین زوجین تبریزی». فصلنامه زن و مطالعات خانواده. سال ۴، شماره ۱۳.
 - محسن زاده، فرشاد؛ نظری، علی محمد و عارفی، مختار. (۱۳۹۰). «مطالعه کیفی عوامل نارضایتی زن و شوهری و اقدام به طلاق (مطالعه موردی شهر کرمانشاه)». مطالعات راهبردی زنان. سال ۱۴، شماره ۵۳.
 - محمدی، علی؛ سحافی، حکیم؛ نیسی، مریم و رضایی نیا، زهرا. (۱۳۹۶). «ارائه یک مدل مقدماتی ازدواج خوشبخت: یک مطالعه کیفی». مجله رویش روان شناسی. سال ۶، شماره ۳، شماره پیاپی ۲۰.
 - مصلحی، جواد و احمدی، محمدرضا. (۱۳۹۲). «نقش زندگی مذهبی در رضامندی زناشویی زوجین». روان شناسی دین. سال ۶، شماره ۲.
 - مقدم زاده، علی؛ سادات علوی، طاهره؛ مظاهری، محمدعلی؛ حجازی مقاری، الهه؛ صالحی، کیوان و افروز، غلامعلی. (۱۳۹۷). «بازنمایی عوامل فردی مؤثر در احتمال آسیب طلاق: یک بررسی پدیدارشناسی». دوره ۸، شماره ۲، صص ۱۱۵-۱۴۶.
 - مهربانی، وحید. (۱۳۹۵). «نظریه اقتصادی ازدواج بهینه». فصلنامه مدل‌سازی اقتصادی. سال ۱۰، شماره ۱، صص ۴۹-۶۶.

- Amato, P. R., & Keith, B. (2011). "Parental divorce and Adult well-being: A Meta- Analysis". Journal of Marriage and Family, 53(1):43-58
- Bowen, M. (1978). Family therapy in clinical practice. New York: Aronson
- Bramlett, M. D. & Mosher, W. D. (2001). First marriage dissolution, divorce and remarriage: United States. Hyattsville, M. D: National center for health statistics
- Birkelund, & et al. (2003). "Who Marries Whom? Educational Homogamy in Norway". DEMOGRAPHIC RESEARCH. VOLUME 8. ARTICLE 1. P. 1-30. Retrieved from [http:// www.oekonomi. uio. no/memo/ memopdf/ memo2800. P](http://www.oekonomi.uio.no/memo/memopdf/memo2800.P)
- Carr, Alan. (2006). Family therapy: concept, process and practice. London: Wiley

- Dixon, D. C. (2013). **“Christian Spirituality and Marital Health: A Phenomenological Study of Long-Term Marriages”**. A Doctoral Dissertation in Counseling. Liberty University.
- Eftekhari, N. & Ahmadi, K. (2018). **Determining the role of factors of main family strength, differentiation, commitment and responsibility in marital satisfaction and marital.**
- Fatima, M., & Ajmal, M. A. (2012). **“Happy Marriage: A qualitative study”**. Pakistan Journal of Social and Clinical Psychology, 9, 37-49
- Finns, Fjalar,(1997), **“Social Integration, Heterogeneity, and Divorce: The Case of the Swedish”** , speaking Population in Finland, Finland Acta Sociologica, v 40, N 3, p. 277 263
- Ferguson-Cain, D. (2015). **A qualitative study of marriage and marital satisfaction of African American couples: past and present.** PhD dissertation, Texas A&M University-Commerce.
- Frimmel, & et al, (2008), **Assortative Mating and Divorce in Austria**, Johannes Kepler Universit at Linz, www. oeaw. ac. at/vid/download/col091020rw. pdf.
- Girgis, S. , George, R. , & Anderson, R. T. (2010). **“What is Marriage?”**. Harvard Journal of Law and Public Policy, 34(1), 245-287.
- Greeff, A. P. , & Malherbe, L. (2001) **“Intimacy and marital satisfaction in spouses”**. Journal of Sex & Marital Therapy. 27(3), 247-257
- Goldberg, P. , Peterson, B. , Rosen, K. , & Sara, M. (2008). **“Cybersex: The impact of a contemporary problem on the practices of marriage and family therapists”**. Journal of Marital and Family Therapy, 34
- Glasser, W. (1999). **Choice theory: A new psychology of personal freedom.** New York: HarperCollins.
- Goldberg, P. , Peterson, B. , Rosen, K. , & Sara, M. (2008). **“Cybersex: The impact of a contemporary problem on the practices of marriage and family therapists”**. Journal of Marital and Family Therapy, 34.
- Ingram, J. R(2010) **Money stories of successful long-term married couples.** ProQuest Dissertations and Theses. Texas woman’s university
- Karney, B. R. & Bradbury, T. N. (1995). **“The longitudinal course of marital quality and stability”**. Psychological Bulletin, 118(1), 3-34.
- Kepler, A.(2015). **Marital Satisfaction: The Impact of Premarital and Couples Counseling.** A Master of Arts thesis in social work, St. Catherine University and the University of St. Thomas, Minnesota.
- Lashari ,S,(2016). **“Environmental and Personal Factors as Predictors of Material Adjustment – an Investigation in Pakistani Context”**. International Seminar on Generating Knowledge Through Research, UUM-UMSIDA, 25-27 October 2016, University Utara Malaysia, Malaysia. Article DOI: [http://dx. doi. org/10.21070/piccrs.v1i1.642](http://dx.doi.org/10.21070/piccrs.v1i1.642)

- Mbwirere, J. (2017). **“CAUSES OF MARITAL CONFLICTS IN CHRISTIAN MARRIAGES IN DOMBOSHAVA AREA, MASHONALAND EAST PROVINCE, ZIMBABWE**, Faculty of Applied Social Science, Zimbabwe Open University, Harare, Harare, Zimbabwe, **International”**, Journal of Humonities, Art and social studies (UHAS), Vol. 1, No. 2. 59-
- Michalitsianos, N. (2014). **Resiliency: a resorce for promoting marriage satisfaction**. M. A. Dissertation in Marriage & Family Therapy. Kean University.
- Meade, A. W, & Kroustalis, C. M. (2005). **“Problems of item parceling with CFA tests of measurement invariance”**, Paper presented at the 20th Annual Conference of the Society for Industrial and Organizational Psychology, Los Angeles, CA. 1-14.
- Nimtze, Mark A. (2011). **satisfaction and contributing factors in satisfying long-term marriage: a phenomenological study**. Unpublished doctoral dissertation, ProQuest Dissertations and Theses, Liberty University.
- O’leary, K. D., & Smith, D. A. (1991). **“Marital interactions”**. Annu. Rev. Psychol, 42: 191-212.
- Salama, Ch. (2016). **Family-of-Origin predictors of marital outcomes among Coptic orthodox Christian Egyptian couples**, PhD dissertation. California School of Professional Psychology, Alliant International University, Irvine.
- Sprecher, S. & Hatfield, E. (in press/2009), **Matching hypothesis**. In H. Reis & S. Sprecher (Eds.) **Encyclopedia of human relationships**, New York: SAGE.
- Tabachnick, B. G., & Fidell, L. S. (2007). **Using multivariate statistics (5 th ed.)**. Boston: Allyn and Bacon
- Ulker, A. (2008). **“Mental health and life satisfaction of young Australians: The role of family background”**, Australian Economic Papers, 2, 199-218.

طراحی الگوی مؤلفه‌های رهبری عاطفه بنیاد در جهت جذب جوانان با استعداد به مشارکت در برنامه‌های آموزشی

داریوش حیدری^۱

الهام کاویانی^۲

فرانک موسوی^۳

سوسن لایی^۴



10.22034/SSYS.2022.1786.2270

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۱/۱۲

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۳/۲۵

هدف از این پژوهش، طراحی الگوی مؤلفه‌های رهبری عاطفه بنیاد در جهت جذب جوانان به مشارکت در برنامه‌های آموزشی است. این پژوهش دارای عوامل کیفی بوده و از روش گراند تئوری به عنوان روش پژوهش استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش را صاحب نظران و اساتید دانشگاهی در رشته‌های مدیریت آموزشی و خبرگانی که در این زمینه کار پژوهشی انجام داده‌اند شامل می‌شوند که این افراد، به صورت گلوله برفی برای مصاحبه‌های کیفی در موضوع پژوهش انتخاب گردید (۱۲ مصاحبه با ۱۲ نفر و تا حد اشباع نظری ادامه یافت). روایی ابزار پژوهش توسط مصاحبه‌شوندگان و سپس اساتید متخصص مورد بررسی قرار گرفت و تأیید شد. پایایی نیز با استفاده از روش مطالعه‌ی حسابرسی فرآیند نتایج ۷۲/۸٪ به دست آمد. برای تحلیل داده‌ها از روش مقایسه‌ی مداوم در طی دو مرحله کدگذاری باز و محوری استفاده شده است و نهایتاً ۲۶ کد مفهومی و ۵ مقوله اصلی (کد محوری) استخراج شد. این مقولات شامل مبتنی بر رفتار، مبتنی

۱- دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران

۲- استادیار، گروه علوم تربیتی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران (نویسنده مسئول)

E-mail: Eli.kaveani@gmail.com

۳- دانشیار، گروه مدیریت آموزشی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران

۴- استادیار، گروه مدیریت آموزشی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران

● طراحی الگوی مؤلفه‌های رهبری عاطفه بنیاد در جهت جذب جوانان با استعداد به مشارکت در برنامه‌های آموزشی

بر محیط، مبتنی بر پاداش، مبتنی بر شناخت و مبتنی بر فیزیولوژیک می‌باشد. نتایج پژوهش حاضر می‌تواند به منظور جذب جوانان با استعداد به مشارکت در برنامه‌های سازمانی و آموزشی مورد استفاده قرار گیرد.

واژگان کلیدی: پژوهش کیفی، پاداش، محیط، رفتار و شناخت.

مقدمه

تغییر در ظرفیت رهبری عموماً نتیجه و محصول تغییرات فزاینده در زندگی سازمانی، افزایش همکاری‌های مبتنی بر اعتماد و تعاملات خلاقانه فردی در محیط کاری است. در مدل‌های نوین رهبری مهارت‌هایی همچون کمک به افراد، توانمندسازی و شنود که به ایجاد اعتماد، تعهد و اخلاق کار منجر می‌شوند از اهمیت فزاینده‌ای برخوردار گشته‌اند و این امر بیانگر آن است که مهارت‌های متعدد رهبری نوین، نیازمند مدیریت راهبردی هیجانات است. توانایی رهبران در درک و مدیریت هیجانات و احساسات خود و دیگران، به افزایش مشارکت و تعهد کارکنان نسبت به سازمان، ارتقای انگیزه و بهره‌وری آنان و در آخر سودآوری بالاتر سازمان منجر خواهد شد (حبی و همکاران، ۱۳۹۵). در همین راستا، رهبرانی که از سطح بالاتری از هوش عاطفی برخوردارند، قادر به تدوین ارزش‌هایی خواهند بود که مورد قبول کارکنان و سازمان بوده و این امر فرایند بهبود پتانسیل نیروی کار را تسهیل می‌کند. از اینرو هوش عاطفی می‌تواند به عنوان شاخصی برای شناسایی و گزینش رهبران سازمانی به حساب آید (گلמן^۱، ۲۰۱۱).

باید توجه داشت که دانش، مهارت و تجربه افراد سازمان عوامل مؤثری در موفقیت سازمان هستند و در نتیجه، انتظار می‌رود که مدیران آینده توجه بیشتری را به بهسازی افراد به منظور بهبود عملکردشان در سازمان‌ها مبذول دارند (متیو و همکاران، ۲۰۱۵). محققان دریافته‌اند که مهارت‌های متعدد رهبری نوین، نیازمند مدیریت راهبردی هیجانات و توانایی تجزیه و تحلیل عواطف خود و دیگران است. توانایی رهبران در درک و مدیریت هیجانات و احساسات خود و دیگران، افزایش مشارکت و تعهد کارکنان، ارتقای انگیزه و بهره‌وری افراد و در نهایت سودآوری بالاتر سازمان می‌شود. همچنین، سطح بالای هوش عاطفی در رهبر، منتهی به نتایجی فراتر از انتظار از جانب کارکنان خواهد شد. در همین راستا، رهبرانی که از سطح بالاتری از هوش عاطفی برخوردار هستند، قادر به تدوین ارزش‌هایی خواهند بود که مورد قبول کارکنان و سازمان بوده و این امر فرایند بهبود پتانسیل نیروی کار و مشارکت بیشتر کارکنان در فرایند‌های سازمانی را تسهیل می‌کند (گلמן، ۲۰۱۱).

در این راستا در سازمانی که هم مدیران و هم کارکنان از نظر عاطفی و احساسی غنی هستند، اصول اخلاقی و روابط سالم کاری چه بین مدیران و کارکنان و چه در میان خود کارکنان به طور خودکار رعایت می‌شوند و همین مسأله از بروز بسیاری از چالش‌ها و مسائل منفی در محیط کاری جلوگیری می‌کند. هوشیاری و آگاهی عاطفی مدیران و رهبران عامل مؤثری است که پیوندهای کاری بین مدیران و کارکنان را تقویت کرده و تحولات و پیشرفت‌های کاری و تحقق اهداف سازمانی را تسهیل و تسریع می‌کند و مهم‌تر از همه اینکه رهبران را برای مقابله با چالش‌ها و پیچیدگی‌های روز افزون در آینده تجهیز می‌کند و به آنها ابزاری را هدیه می‌کند که راه‌گشا و حل‌کننده بسیاری از مسائل است. در رویکردهای جدید مدیریتی، کار تیمی و نحوه همکاری مدیر با دیگران اهمیت خاصی دارد. در واقع تمرکز اصلی بر رشد و پرورش افراد است تا از این طریق بهره‌وری سازمانی نیز افزایش یابد (گلמן، ۲۰۰۸) و افزایش توانایی عاطفی مدیران

می‌تواند به توسعه و گسترش فرهنگ کار تیمی و مشارکتی در سازمان کمک کند (هابر و همکاران، ۲۰۱۸). بار-آن (۲۰۰۵) در تحقیقات خود در رابطه با رهبری اثربخش نیز به این نتیجه رسید که همبستگی متوسط تا بالایی بین هوش عاطفی و رهبری اثربخش وجود دارد. همچنین وی در تحقیقی نشان داد که رهبری موفق تا حد زیادی (حدود ۶۷ درصد) بستگی به هوش عاطفی دارد. همچنین پژوهش‌هایی همچون آپور^۱ و همکاران (۲۰۱۹)، بورستون^۲ (۲۰۱۸)، راتور^۳ و همکاران (۲۰۱۸)، هند^۴ و همکاران (۲۰۱۸)، پریزیراکوس^۵ (۲۰۱۸)، برگتون^۶ و همکاران (۲۰۱۸)، ویاس^۷ و همکاران (۲۰۱۷) و سلیم^۸ و همکاران (۲۰۱۷) نشان دادند که توانایی کنترل هیجانات و عواطف نقش مهم و معنی داری بر رهبری مؤثر و اثر بخش دارد. در این راستا رهبری عاطفه بنیاد و مبتنی بر گسترش عواطف مثبت در سازمان و بین کارکنان می‌تواند سبک رهبری نوینی باشد تا به کاهش تضادها و چالش‌های شغلی و بین فردی کمک کند و باعث بهبود عملکرد کارکنان و بهره‌وری شغلی شود (سلیم و همکاران ۲۰۱۷). بنابراین شناخت مولفه‌های رهبری عاطفه بنیاد و راهکارهای توسعه آن در مدیران می‌تواند گامی مثبت در بهبود عملکرد مدیران و رهبران در سازمان‌ها باشد. در این راستا بورس و همکاران (۲۰۱۷) بیان کردند که اتخاذ راهبرهای عاطفی-اجتماعی در مدیریت و رهبری باعث بهبود مهارت‌های رفتاری و بهبود عملکرد و اثربخشی رهبری و مدیریت می‌شود. برگتون^{۱۰} و همکاران (۲۰۱۸) اظهار می‌کنند که هوش عاطفی نقش مهمی در کنترل عواطف و احساسات درون سازمانی ایفا می‌کند با این حال این ویژگی کمتر توسط مدیران و رهبرای سازمان مورد توجه قرار می‌گیرد، با این حال و به طور خاص برای بهره‌گیری از سبک رهبری تحول‌گرا و کارزماتیک می‌بایست توجه بیشتری به رهبری عاطفی در سازمان داشت. منز و همکاران (۲۰۱۶) ضمن تأکید بر توجه بیشتر به مهارت‌های عاطفی رهبران چهار بعد احساسات رهبر^{۱۱}، خود رهبری^{۱۲}، خود رهبری عاطفی^{۱۳}، منش عاطفی^{۱۴} را از ابعاد مهم مهارت‌های عاطفی رهبران قلمداد می‌کنند. کیم^{۱۵} و همکاران (۲۰۱۷) نیز اظهار کردند که رهبری عاطفی مدیران باعث افزایش هوش هیجانی و کیفیت زندگی کاری کارکنان می‌شود. شک^{۱۶} و همکاران (۲۰۱۶) نیز دریافتند که شایستگی عاطفی ملاک اصلی و مهم در رهبری و مدیریت دانشجویان دانشگاه‌ها

1. Apore
2. Burston
3. Rathore
4. Hand
5. Prezerakos
6. Bergethon
7. Vyas
8. Saleem
9. Bowers
10. Bergethon
11. leader emotion
12. self-leadership
13. emotional self-leadership
14. emotional authenticity
15. Kim
16. Shek

است. هابر و همکاران (۲۰۱۸) پژوهشی با عنوان «رهبری هوشمندانه احساسی: الگویی کاربردی برای توسعه افراد و سازمان‌های پیشرو» به انجام رساندند و اظهار کردند که به کارگیری رهبری هوشمندانه احساسی در سازمان‌های امروزی می‌تواند به افزایش بهره‌وری نیروی انسانی و افزایش رفتارهای مثبت سازمانی منجر شود. با این حال در زمینه رهبری عاطفه بنیاد (رهبری مشارکت عاطفی) و مؤلفه‌های آن پژوهش‌های محدودی صورت گرفته و در داخل کشور و به ویژه جامعه دانشگاهی خلأ تحقیقاتی احساس می‌شود. از سویی آموزش عالی در تمامی جوامع اصلی‌ترین عامل تحول و موتور محرکه پیشرفت جامعه محسوب می‌شود و دانشگاه‌ها به عنوان عوامل اجرایی آموزش عالی نقش مؤثر و غیر قابل انکاری در توسعه منابع انسانی، تکنولوژیکی، فنی و ... دارند، با توجه به این نقش دانشگاه‌ها، بایستی مدیران گروه‌های آموزشی آن از شایستگی و توانایی بالایی برخوردار باشند. آنها در اجرای نقش رهبری گروهی و فردی علاوه بر هوش شناختی و مهارت‌های رهبری بعنوان شرط لازم، بایستی از هوش عاطفی بالایی نیز به عنوان شرط کافی برخوردار باشند، زیرا که در تعامل با اعضای هیئت علمی، مسئولین دانشگاه و دانشجویان با استعداد و نخبه، با اعمال روش مدیریتی مناسب و اتخاذ سبک رهبری تحول‌گرا، بتوانند نقش مؤثر و مبتنی بر عقلانیت در زمینه‌های پژوهشی، مدیریتی و آموزشی، به عنوان رهبران تحول آفرین نقشی مؤثر و موفق ایفا نمایند. دانشکده‌های علوم پزشکی از جمله مراکز اصلی تولید علم در کشور است که رهبری مناسب و افزایش فرهنگ مشارکت می‌تواند زمینه توسعه علمی و پژوهشی در این مراکز را فراهم کند، لذا هدف از پژوهش حاضر ارائه مدلی (الگویی) مناسب برای شناسایی طراحی الگوی مؤلفه‌های رهبری عاطفه بنیاد در جهت جذب جوانان با استعداد به مشارکت در برنامه‌های سازمانی می‌باشد.

مراکز آموزشی به منظور کسب جایگاه رقابتی نیازمند انطباق سریع با تغییرات محیطی بوده و اعمال تغییرات سریع، مستلزم استفاده از رهبرانی هستند که انطباق پذیر بوده و به صورت مؤثر کارکنند؛ بطور مداوم سیستم‌ها و فرایندها را بهبود ببخشند. آنها می‌بایست رهبری بخردانه‌ای ایفا کرده و بذر اعتماد را در سازمان بکارند و در راستای دستیابی به اهداف که همانا تضمین موفقیت سازمانی و عملکرد بهینه باشد، قدم بردارند. افزایش در ظرفیت رهبری عموماً نتیجه و محصول تغییرات فزاینده در زندگی سازمانی و همکاری‌های مبتنی بر اعتماد و تعاملات خلاقانه فردی و شایسته پروری و مدیریت استعداد در محیط کاری است. در مدل‌های نوین توانمندسازی رهبری، مهارت‌هایی همچون کمک به افراد، تعهد، اعتماد و اخلاق کار از اهمیت فزاینده‌ای برخوردار گشته و این امر بیانگر آن است که رهبران نیازمند مدیریت راهبردی هیجانات، افزایش مشارکت سازمانی، درک و مدیریت هیجانات و احساسات خود و دیگران و تعهد کارکنان، ارتقای انگیزه و بهره‌وری آنان و در آخر بهره‌وری بالاتر سازمان است. در این راستا رهبرانی که از سطح بالاتری از مهارت‌های عاطفی برخوردارند، دارای ارزش‌هایی خواهند بود که مورد قبول کارکنان، جوانان با استعداد و افراد شایسته سازمان بوده و این امر فرایند بهبود پتانسیل نیروی کار را تسهیل می‌کند. از این رو مهارت‌های عاطفی می‌تواند به عنوان شاخصی برای شناسایی و گزینش رهبران سازمانی به حساب آید. با توجه به بدیع بودن موضوع مهارت‌های عاطفی و لزوم توجه بیشتر به آن، سبک‌های رهبری که از سطوح بالاتری از آگاهی درخصوص مهارت‌های عاطفی برخوردارند، می‌توانند به بهبود فرایندهای سازمانی کمک بیشتری کرده و زمینه دستیابی به اهداف سازمانی را تسهیل کنند. نقش

عواطف در فرایند رهبری موضوعی است که در تحقیقات به آن توجهی نمی‌شد، چراکه محققان بر این اعتقاد بودند که عواطف، احتمال بروز رفتارهای مؤثر را کاهش می‌دهند. تئوری‌های رهبری منبعث از نظریه پردازان کلاسیک ریشه در این امر داشت که رهبران باید به صورت منطقی و بدور از هرگونه تأثیرپذیری از احساسات خود تفکر کرده و سپس برنامه ریزی کنند. حال آنکه امروزه، دیگر توجه صرف به برنامه ریزی و فرایندها کافی نیست؛ زیرا این افراد اند که برنامه‌ها را تدوین و فرایندها را کنترل و اجرا می‌کنند. باید توجه داشت که دانش، مهارت و تجربه افراد سازمان عوامل مؤثری در موفقیت سازمان هستند و در نتیجه، انتظار می‌رود که مدیران آینده توجه بیشتری را به بهسازی افراد به منظور بهبود عملکردشان در سازمانها مبذول دارند. در عین حال جوانان و نخبگان جوان بیش از هر موضوعی در پی محیطی مناسب با رهبری شایسته و عاطفی هستند که با اعتماد به نفس کامل به انجام کامل مسئولیت خویش و در ادامه آن افزایش رفتاری‌های شهروندی مطلوب همت گمارند. از این رو شناخت عوامل مؤثر بر رهبری عاطفه بنیاد می‌تواند در بهبود عملکرد سازمانی و گسترش فرهنگ مشارکتی در بین کارکنان، جوانان نخبه و افراد شایسته مؤثر و حایز اهمیت باشد.

رحمت الهی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی به بررسی «تأثیر سبک‌های رهبری تحول‌گرا و تبادل‌گرا بر تعهد سازمانی کارکنان با نقش میانجی هوش عاطفی» در دانشگاه علوم پزشکی ایران پرداختند. پژوهش به لحاظ هدف کاربردی و همبستگی بوده و روش به کار گرفته شده، تحلیلی-پیمایشی است. جامعه آماری تحقیق حاضر متشکل از کلیه کارکنان دانشگاه علوم پزشکی در تهران به تعداد ۴۰۰۰ نفر بود؛ که بر اساس فرمول جامعه محدود کوکران، تعداد ۳۵۱ نفر از این کارکنان به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌های این تحقیق، پرسشنامه محقق ساخته است که از نظر روایی و پایایی مورد تأیید قرار گرفت یافته‌های این تحقیق نشان دادند که رهبری تحول‌گرا و تبادل‌گرا از طریق هوش عاطفی بر تعهد سازمانی کارکنان دانشگاه علوم پزشکی تهران تأثیر دارد. عقیقی و همکاران (۱۳۹۷) پژوهشی با عنوان «تبیین نقش تعدیل‌گر جهت‌گیری‌ها نسبت به رهبری در رابطه بین رهبری مشارکتی و تعهد عاطفی به تغییر» به انجام رساندند. این پژوهش از لحاظ هدف کاربردی و از نوع تحقیقات توصیفی-پیمایشی از نوع همبستگی هست. روش پژوهش روش‌های گردآوری اطلاعات در این تحقیق کتابخانه‌ای و میدانی هست. نتایج حاصل از روش مدل‌سازی معادلات ساختاری نشان داد تأثیر رهبری مشارکتی بر تعهد عاطفی به تغییر بستگی به جهت‌گیری کارکنان نسبت به رهبری دارد. در این تحقیق به بررسی تبیین نقش تعدیل‌گر جهت‌گیری‌ها نسبت به رهبری در رابطه بین رهبری مشارکتی و تعهد عاطفی به تغییر پرداخته شد. یافته‌ها نشان داد که تأثیر رهبری مشارکتی بر تعهد عاطفی به تغییر بستگی به جهت‌گیری کارکنان نسبت به رهبری دارد. جوینده و همکاران (۱۳۹۶) پژوهشی با عنوان «بررسی رابطه بین هوش عاطفی، عدالت سازمانی ادراک شده و تمایل به خروج از سازمان در بین مدرسان مؤسسات آموزش عالی» به انجام رساندند. جامعه آماری ۲۲۰ نفر که با استفاده از فرمول کوکران ۱۴۵ نفر به عنوان حجم نمونه انتخاب شده و اطلاعات مورد نظر با استفاده از پرسشنامه بسته و نمونه‌گیری طبقه‌ای جمع‌آوری شد. بر اساس نتایج حاصل از انجام تجزیه و تحلیل داده‌های پرسشنامه، مشخص شد که وجود هوش هیجانی در بین مدرسان و مربیان منجر به عدالت سازمانی بیشتر و تمایل به ترک خدمت کم‌تر می‌شود. همچنین عدالت سازمانی به عنوان یک متغیر واسطه، تمایل به ترک خدمت مدرسان و مربیان را تحت تأثیر قرار

می‌دهد. شجاع‌فر و همکاران (۱۳۹۶) پژوهشی با «عنوان بررسی رابطه عواطف و رهبری تحول آفرین با نقش واسطه تعهد سازمانی» به انجام رساندند. این پژوهش به لحاظ هدف، کاربردی و از نظر روش اجرا از نوع پژوهش‌های همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش را کلیه مدیران مدارس هر سه مقطع آموزشی شهر یاسوج در سال تحصیلی ۹۴ - ۹۵ تشکیل می‌دادند که از این تعداد ۱۹۱ مدیر به صورت تصادفی ساده انتخاب شدند. نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد، مدیرانی که در محل کار لذت بیشتری را تجربه می‌کردند و در معرض احساسات مثبت مانند شادی، افتخار، علاقه مندی قراردارند بیشتر از سبک رهبری تحول آفرین استفاده می‌کنند و مدیرانی که احساسات منفی مانند ترس و پریشانی را تجربه می‌کنند، کمتر از سبک رهبری تحول آفرین استفاده می‌کنند. همچنین یافته‌ها، نقش میانجی تعهد سازمانی در رابطه بین عواطف و رهبری تحول آفرین تایید کردند. محبی و همکاران (۱۳۹۵) پژوهشی با عنوان «بررسی و تحلیل رابطه بین هوش عاطفی و سبک رهبری مشارکتی فرماندهان و مدیران در یک واحد نظامی» به انجام رساندند. از نظر ماهیت و روش این تحقیق یک تحقیق توصیفی (همبستگی) به شمار می‌آید. جامعه آماری این تحقیق را مدیران و فرماندهان یک دانشگاه افسری با تعداد ۲۵۸ نفر تشکیل داده‌اند که حجم نمونه آن با استفاده از فرمول کوکران و با روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای برابر ۱۵۵ نفر انتخاب شدند. یافته‌ها نشان داد بین هوش عاطفی و سبک مشارکتی (با ضریب همبستگی ۰/۷۸۴) ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد و همچنین با توجه به ضریب همبستگی ۸۲/۰ و ضریب تبیین ۶۸/۰؛ متغیرهای مدیریت روابط، خودآگاهی، آگاهی اجتماعی و خودمدیریتی بر روی هم قادر به تبیین ۶۸ درصد از تغییرات سبک رهبری مشارکتی در فرماندهان هستند.

آپورا^۱ و همکاران (۲۰۱۹) پژوهشی با عنوان «هوش عاطفی، جنسیت و رهبری تحول‌گرا در بین پرستاران کشور های در حال توسعه» به انجام رساندند. این پژوهشگران دریافتند که هوش عاطفی باعث بهبود ارتباطات در محیط کار می‌شود و زمینه بهره‌برداری از رهبری تحول‌گرا در محیط کاری را فراهم می‌کند. بورستون^۲ (۲۰۱۸) در پژوهشی با عنوان «هوش عاطفی و رهبری در سازمان» دریافتند که هوش عاطفی از جمله عوامل مهم و اثرگذار در پذیرش رهبری در سازمان است و به نظر کارکنان، رهبرانی که از هوش عاطفی بالایی برخوردارند، صلاحیت بیشتری برای رهبری سازمان دارند. بریگتون^۳ و همکاران (۲۰۱۸) اظهار می‌کنند که هوش عاطفی در نقش مهمی در کنترل عواطف و احساسات درون سازمانی ایفا می‌کند با این حال این ویژگی کمتر توسط مدیران و رهبرای سازمان مورد توجه قرار می‌گیرد، و به طور خاص برای بهره‌گیری از سبک رهبری تحول‌گرا و کاریزماتیک می‌بایست توجه بیشتری رهبری عاطفی در سازمان داشت. هابر و همکاران (۲۰۱۸) پژوهشی با عنوان «رهبری هوشمندانه احساسی: الگویی کاربردی برای توسعه افراد و سازمان‌های پیشرو» به انجام رساندند و اظهار کردند که به کارگیری رهبری هوشمندانه احساسی در سازمان های امروزی می‌تواند به افزایش بهره‌وری نیروی انسانی و

1. Apore
2. Burston
3. Bergethon

● طراحی الگوی مؤلفه‌های رهبری عاطفه بنیاد در جهت جذب جوانان با استعداد به مشارکت در برنامه‌های آموزشی

افزایش رفتارهای مثبت سازمانی منجر شود. راجرز^۱ و همکاران (۲۰۱۷) در پژوهشی با عنوان «بررسی میزان تأثیر هوش عاطفی بر تعهد سازمانی کارکنان»، دریافتند که هوش عاطفی بر تعهد سازمانی کارکنان تأثیر معنی‌داری دارد. سلیم^۲ و همکاران (۲۰۱۷) نشان دادند که توانایی کنترل هیجانات و عواطف نقش مهم و معنی‌داری بر رهبری مؤثر و اثر بخش دارد. بورس^۳ و همکاران (۲۰۱۷) در پژوهشی بیان کردند که اتخاذ راهبرهای عاطفی - اجتماعی در مدیریت و رهبری باعث بهبود مهارت‌های رفتاری و بهبود عملکرد و اثربخشی رهبری و مدیریت می‌شود.

کیم^۴ و همکاران (۲۰۱۷) اظهار کردند که رهبری عاطفی مدیران باعث افزایش هوش هیجانی و کیفیت زندگی کاری کارکنان می‌شود. منز و همکاران (۲۰۱۶) ضمن تأکید بر توجه بیشتر به مهارت‌های عاطفی رهبران چهار بعد احساسات رهبر^۵، خود رهبری^۶، خود رهبری عاطفی^۷، منش عاطفی^۸ را از ابعاد مهم مهارت‌های عاطفی رهبران قلمداد می‌کنند.

روش‌شناسی پژوهش

این مطالعه از نوع پژوهش‌های کیفی است. هدف این پژوهش طراحی الگوی رهبری عاطفه بنیاد در مراکز آموزشی کشور است. این کار با انجام پژوهش کیفی که شیوه آن اکتشافی است، انجام شد. در این پژوهش از طریق بررسی ادبیات و مصاحبه اکتشافی و ساختاریافته نسبت به شناسایی عوامل الگوی رهبری عاطفه بنیاد در مراکز آموزشی کشور به شیوه تحلیل محتوا (کدگذاری واحد تحلیل، مقوله‌ها و واحد ثبت) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. برای انجام مصاحبه میدانی، جامعه آماری پژوهش را صاحب نظران و اساتید دانشگاهی در رشته‌های مدیریت آموزشی و خبرگانی که در این زمینه کار پژوهشی انجام داده‌اند شامل می‌شوند که این افراد، به صورت گلوله برفی برای مصاحبه‌های کیفی در موضوع پژوهش انتخاب گردید (۱۲ مصاحبه با ۱۲ نفر و تا حد اشباع نظری ادامه یافت). در ابتدا یکی از اساتید که تعداد پژوهش‌های بیشتری در خصوص رفتار سازمانی منتشر نموده‌اند شناسایی گردید و سپس از ایشان برای انتخاب نمونه‌های بیشتر سؤال پرسیده شد در ادامه نفر بعدی نیز نفر بعدی را معرفی نمود.

قبل از انجام دادن مصاحبه و به همراه سؤالات مصاحبه، نامه‌ای با امضای پژوهشگر مبنی بر تعهد اخلاقی در نگهداری مفاد مصاحبه و مشخصات مشارکت کنندگان و انتشار نکردن آن ارسال شد. همچنین، با اطلاع مشارکت کنندگان تمام مصاحبه‌ها ضبط و برای استخراج نکات کلیدی بررسی شد. پس از اعلام موافقت، مصاحبه‌ها با محوریت تلقی، برداشت و شاخص‌های مورد نظر برای شناسایی مؤلفه‌های رهبری عاطفه بنیاد در مراکز آموزشی کشور برگزار شد. در مصاحبه‌های انجام شده پاسخگویان به سوال مورد نظر در مورد ارائه مؤلفه یا شاخص جدید و یا تایید مؤلفه‌ها و شاخص‌های گردآوری شده ابراز نظر کردند.

1. Rojer
2. Saleem
3. Bowers
4. Kim
5. leader emotion
6. Self-leadership
7. Emotional self-leadership
8. Emotional authenticity

مراحل کدگذاری در پژوهش

۱. گام اول: کدگذاری باز^۱۲. گام دوم: کدگذاری محوری^۲

روایی و پایایی ابزار پژوهش (قابلیت اعماد تحقیق)

روایی پاسخ به این سؤال است که آیا چیزی که پژوهشگر در حال مشاهده و بررسی آن است، همان چیزی است که او در حال سنجیدن و اندازه‌گیری آن است؟ در این پژوهش برای بررسی روایی، یافته‌های پژوهش را برای مشارکت‌کنندگان ارائه و متن نظریه توسط آن‌ها مطالعه و دیدگاه‌های آن‌ها اعمال شده است. در پایان، این پژوهش توسط اساتید مورد مطالعه و بازبینی قرار گرفته و مواردی جهت اصلاح یا تغییر نظریه‌ی نهایی بیان شده است. پایایی به گستره‌ی تکرارپذیری یافته‌های پژوهش اشاره دارد. یکی از راه‌های نشان دادن پایایی، مطالعه‌ی حسابرسی فرایند آن است. یافته‌های آن زمانی قابل حسابرسی هستند که محقق دیگر بتواند مسیر تصمیم به کار رفته توسط محقق در طول مصاحبه را نشان دهد. بنابراین محقق پایایی داده‌ها را از طریق نشان دادن مسیر تصمیمات خود و همچنین قرار دادن تمامی داده‌های خام، تحلیل شده، کدها، مقوله‌ها، فرایند مطالعه، اهداف اولیه و سؤال‌ها در اختیار اساتید راهنما قرار داد و با حسابرسی دقیق صاحب‌نظران درستی تمام گام‌های تحقیق مورد تأیید قرار گرفت. علاوه بر این در تحقیق کنونی از روش توافق درون موضوعی برای محاسبه پایایی مصاحبه‌های انجام گرفته استفاده شده است. برای محاسبه پایایی مصاحبه با روش توافق درون موضوعی دو کدگذار (ارزیاب)، از یک دانشجوی مقطع دکتری مدیریت آموزشی درخواست شد تا به عنوان همکار پژوهش (کدگذار) در پژوهش مشارکت کند؛ آموزش‌ها و تکنیک‌های لازم جهت کدگذاری مصاحبه‌ها به ایشان انتقال داده شد. در هر کدام از مصاحبه‌ها، کدهایی که در نظر دو نفر هم مشابه هستند با عنوان «توافق» و کدهای غیر مشابه با عنوان «عدم توافق» مشخص می‌شوند. سپس محقق به همراه این همکار پژوهش، تعداد سه مصاحبه را کدگذاری کرده و درصد توافق درون موضوعی که به عنوان شاخص پایایی تحلیل به کار می‌رود با استفاده از فرمول زیر محاسبه شد:

$$\text{درصد توافق} = \frac{\text{تعداد توافقات}^2}{\text{تعداد کل کدها} \times \text{تعداد درون موضوعی}} \times 100\%$$

نتایج حاصل این کدگذاری در جدول ۱ گزارش شده است:

جدول ۱: نتایج بررسی پایایی دو کدگذار

ردیف	عنوان مصاحبه	تعداد کل داده‌ها	تعداد توافقات	تعداد عدم توافقات	پایایی بازآزمون (درصد)
۱	اول	۱۳۳	۴۸	۱۶	۷۲/۲٪
۲	چهارم	۹۲	۳۱	۱۰	۶۷/۴٪
۳	دهم	۶۸	۲۴	۸	۷۰/۶٪
کل		۲۸۳	۱۰۳	۳۴	۷۲/۸٪

● طراحی الگوی مؤلفه‌های رهبری عاطفه بنیاد در جهت جذب جوانان با استعداد به مشارکت در برنامه‌های آموزشی

همانطور که جدول ۱ نشان می‌دهد، تعداد کل کدهای ثبت شده توسط هر دو نفر (محقق و فرد همکاری کننده) برابر ۲۸۳، تعداد کل توافقات بین این کدها ۱۰۳، و تعداد کل عدم توافقات بین این کدها ۳۴ می‌باشد. پایایی بین دو کدگذار با استفاده از فرمول ذکر شده ۷۲/۸٪ است که از ۶۰٪ بالاتر بوده بنابراین قابلیت اعتماد کدگذاری‌ها مورد تأیید است.

یافته‌های پژوهش

در ابتدا ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان در مصاحبه‌ها ارائه می‌گردد و در ادامه به تحلیل مصاحبه‌ها و استخراج کدهای مدل و نهایتاً طراحی مدل پژوهش پرداخته می‌شود.

تحلیل وضعیت جمعیت‌شناختی

جدول ۲: ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نمونه‌های پژوهش

درصد فراوانی	فراوانی	
۰	۰	کمتر از ۲۰ سال
۱۶/۷	۲	۲۱ - ۴۰ سال
۵۸/۳	۷	۴۱ تا ۶۰ سال
۲۵	۳	بالای ۶۱ سال
۲۵	۳	کمتر از ۱۰ سال
۴۱/۷	۵	۱۱ تا ۲۰ سال
۳۳/۳	۴	بیش از ۲۱ سال
۱۶/۷	۲	زن
۸۳/۳	۱۰	مرد

نتایج بخش توصیفی مربوط به ویژگی‌های جمعیت‌شناختی پژوهش نشان داد که ۱۶/۷ درصد ۲۱ تا ۴۰ سال، ۵۸/۳ درصد، ۴۱ تا ۶۰ سال و ۲۵/۰ درصد بیشتر از ۶۱ سال سن داشتند. همچنین مشخص گردید که ۲۵ درصد، دارای سابقه شغلی کمتر از ۱۰ سال، ۴۱/۷ درصد ۱۱ تا ۲۰ سال و ۳۳/۳ درصد بیش از ۲۰ سال داشتند. ۱۶/۷ درصد زن و ۸۳/۳ درصد مرد بودند.

گام اول: کدگذاری باز

الف) کدگذاری اولیه یک نمونه از مصاحبه‌ها

در ادامه به دلیل محدودیت انتشار و تعداد صفحه، فقط متن یک مصاحبه (هر چند لازم به ذکر است که متن مصاحبه‌ای که در اینجا آورده شده است، فقط قسمتی از

مصاحبه بوده است)، نحوه کدگذاری باز آن‌ها، طبقات محوری و مدل را به ترتیب و تفصیل به معرض نمایش گذاشته شده است.

جدول ۳: نمونه‌ای از کدگذاری اولیه مصاحبه‌ها (مصاحبه دوم)

ردیف	شواهد گفتاری	کدهای اولیه
۱.	به نظر می‌رسد جامعه دانشگاهی بیشتر از هر نهاد دیگری به رهبری مبتنی بر عاطفه نیاز دارد. جامعه دانشگاه و دانشجویان و کلا تمامی افرادی که به نوعی مستقیم و یا غیرمستقیم با آن در ارتباط هستند، در تمامی فعالیت‌های خود، نیاز به آرامش و القای انگیزه در کار دارند.	نیاز به عاطفه نیاز به آرامش القای انگیزه
۲.	قشر دانشجو که عموماً جوانان هستند، بسیار پرحرارت و با انگیزه‌اند بنابراین نیاز به مدیران و رهبرانی دارند که بتوانند آن‌ها را در مسیر دانش همراهی کنند. از این‌رو رفتار رهبران (مدیران دانشگاه، اساتید آن و سایر عوامل انسانی دانشگاه) باید مبتنی بر احترام باشد.	رفتار رهبران رفتار مبتنی بر احترام
۳.	رهبران و مدیران دانشگاهی که همانطور که عرض کردم، اساتید دانشگاهی هم می‌باشند، باید محیط آرامی را برای دانشجویان مهیا نمایند.	محیط آرام
۴.	این محیط آرام باید از یکسری ویژگی‌های فیزیکی مناسبی نیز برخوردار باشد. منظور همان تنظیم نور و تهویه در محیط است.	محیط آرام نور
۵.	منظور همان تهیه شرایط لازم برای دانشجویان است که احساس آرامش و امنیت را در محیط آموزشی دانشگاه تجربه کنند.	تهویه احساس آرامش
۶.	اما در کنار تأمین شرایط لازم برای ایجاد محیط آرام باید شرایط انگیزاننده را برای دیگران (نیروی انسانی برای مدیران و دانشجویان برای اساتید) ایجاد نمود.	امنیت شرایط انگیزاننده
۷.	شرایطی نظیر ایجاد تشویق‌های مناسب برای دیگران که متناسب با عملکرد آن‌ها باشد. اعطای امتیازات انگیزاننده می‌تواند عامل مثبتی جهت تزریق روحیه به دیگران باشد.	تشویق مناسب تشویق متناسب با عملکرد اعطای امتیازات انگیزاننده
۸.	اما مدیران دانشگاهی و همچنین اساتید باید از یکسری تکنیک‌ها برای تقویت رهبری عاطفه بنیاد استفاده نمایند.	تزریق روحیه تکنیک‌های تقویتی
۹.	تکنیک‌هایی نظیر تصویرسازی ذهنی و بررسی باورها و عقاید می‌تواند کمک‌کننده باشد.	تصویرسازی ذهنی باورها و عقاید
۱۰.	از سوی دیگر، توجه به وضعیت جسمی و نشاط و شادابی و حفظ روحیه مدیران دانشگاهی و اساتید دانشگاه، می‌تواند نقش مؤثری در استفاده از تکنیک‌های رهبری عاطفه بنیاد داشته باشد.	توجه به وضعیت جسمی نشاط و شادابی حفظ روحیه

● طراحی الگوی مؤلفه‌های رهبری عاطفه بنیاد در جهت جذب جوانان با استعداد به مشارکت در برنامه‌های آموزشی

ب) کدگذاری ثانویه و شکل‌دهی مقولات: در مرحله بعد، چند کد مفهومی تبدیل به یک مقوله می‌شود. در جدول زیر قسمت کوچکی از نتایج کدگذاری باز بر اساس کدهای مفهومی و مقولات ارائه شده است.

جدول ۴: کدگذاری ثانویه و شکل‌دهی مقولات

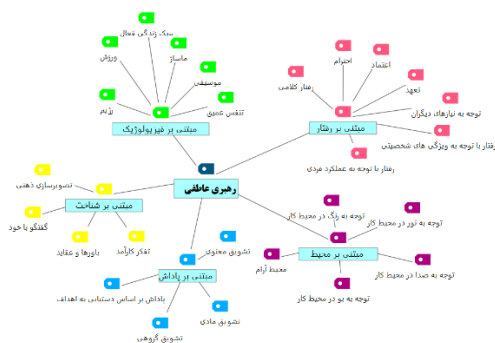
مقوله‌ها	کدهای مفهومی	کد مصاحبه‌شوندگان
مبتنی بر رفتار	رفتار کلامی	*P1, P2, P9, P10, P12
	احترام	P2, P4, P7, P11
	اعتماد	P1, P8, P9
	تعهد	P2, P3, P12
	توجه به نیازهای دیگران	P1, P5, P6, P10
مبتنی بر محیط	رفتار با توجه به ویژگی‌های شخصیتی	P1, P3, 56, P8
	رفتار با توجه به عملکرد فردی	P2, P4, P7, P11
	توجه به رنگ در محیط کار	P5, P6, P9
	توجه به نور در محیط کار	P3, P5, P7, P12
	توجه به صدا در محیط کار	P1, P2, P3
مبتنی بر پاداش	توجه به بو در محیط کار	P4, P6, P7, P8
	محیط آرام	P8, P9, P10
	پاداش بر اساس دستیابی به اهداف	P3, P5, P7, P10
	تشویق گروهی	P2, P4, P6
	تشویق مادی	P4, P7, P9, P11
مبتنی بر شناخت	تشویق معنوی	P3, P5, P6, P10, P11, P12
	تصورسازی ذهنی	P2, P4, P5
	گفتگو با خود	P1, P7, P9, P14
	باورها و عقاید	P3, P7, P8, P10
	تفکر کارآمد	P2, P9, P13
مبتنی بر فیزیولوژیک	رژیم غذایی	P4, P7, P8, P10
	ورزش	P1, P3, P7, P9, P10, P14
	سبک زندگی سالم و فعال	P3, P5, P6, P8
	ماساژ	P3, P4, P9
	موسیقی	P2, P4, P6, P11
	تنفس عمیق	P3, P7, P9, P10

※: حرف P نشان دهنده هر یک از مصاحبه‌شوندگان می‌باشد (مخفف کلمه Person) نتایج حاصل از کدگذاری باز نشان داد که ۵ مقوله و ۲۶ کد مفهومی استخراج شد. این مقولات شامل مبتنی بر رفتار، مبتنی بر محیط، مبتنی بر پاداش، مبتنی بر شناخت و مبتنی بر فیزیولوژیک می‌باشد. در ادامه، کدگذاری محوری انجام می‌گردد.

گام دوم: کدگذاری محوری

مدل مفهومی (نمودار درختی) الگوی رهبری عاطفه بنیاد در مراکز آموزشی کشور که شامل مقولات مبتنی بر رفتار، مبتنی بر محیط، مبتنی بر پاداش، مبتنی بر شناخت و مبتنی بر فیزیولوژیک می‌باشد

۳۴۷



بحث و نتیجه گیری

در راستای نتایج بدست آمده می‌توان گفت که رفتار کلامی نقش مهمی در کاهش تعارضات بین فردی و شغلی می‌شود و نقش مهمی در روند ارائه بازخورد شغلی و پذیرش آن توسط دیگران دارد لذا بهبود رفتار کلامی می‌تواند زمینه بهبود ارتباطات عاطفی را در بین مدیران و کارکنان فراهم کند. همچنین احترام و اعتماد متقابل می‌تواند به بهبود فضای کار و تشریک مساعی کمک نماید و زمینه توسعه همکاری های شغلی و بهبود عملکرد را فراهم نماید. از سویی تعهد مدیر می‌تواند یک ویژگی مهم برای اثر گذاری بر عملکرد کارکنان باشد هر گاه کارکنان درک نمایند که مدیر به کار خود متعهد است، تلاش می‌کنند تا بهبود عملکرد و تلاش بیشتر نظر او را به خود جلب نمایند. از سویی در راستای توجه به نیازهای دیگران می‌توان گفت که توجه به

1. Bergethon
2. Saleem

نیازهای کارکنان و تلاش جهت تأمین آن از سوی مدیران و مسئولین مراکز آموزشی نقش مؤثری در ایجاد انگیزه شغلی و بهبود عملکرد آنها ایفا می‌کند. از این رو تلاش در جهت شناخت نیازها و برآورده ساختن آنها می‌تواند کارکنان را ترغیب به تلاش و ماندگاری در محیط کار نموده و رفتارهای منتهی به عملکرد بالا را در آنها برانگیزاند. رفتار با توجه به ویژگی‌های شخصیتی نیز از ابعاد مبتنی بر رفتار است و با توجه به اینکه افراد و کارکنان در محیط کاری از خصوصیات و شخصیت‌های متفاوتی برخوردار هستند، در نظر گرفتن آنها می‌تواند به بهبود فضای کاری منجر شود. به طور مثال، برخی افراد از خصوصیت شخصیتی درون گرا، برون گرا و ... برخوردارند و چگونگی برخورد و ارتباط با آنها نیازمند توجه به نکات خاصی است که توجه به این نکات به بهبود رابطه شغلی می‌انجامد. همچنین مدیران باید به عملکرد فردی کارکنان توجه نمایند و تلاش کنند تا برخورد بهتر و صمیمانه تری با کارکنانی که به وظایف شغلی پایبندند و از عملکرد مناسبی برخوردارند، داشته باشند. در این راستا اقبالی و همکاران (۱۳۹۶) و لیمان و همکاران (۲۰۰۵) ابزار و محیط فیزیکی می‌تواند موجب کاهش و یا بهبود عملکرد کارکنان شود. توجه به رنگ در محیط کار، توجه به نور در محیط کار، توجه به صدا در محیط کار، توجه به بو در محیط کار و محیط آرام می‌تواند هم بر نشاط روانشناختی مدیران اثر گذار باشد و بر روحیات، طرز برخورد و ... را تحت قرار دهد. از سویی ایجاد محیط مناسب برای کارکنان این احساس را به او منتقل می‌کند که مورد توجه و احترام قرار گرفته و او نیز تلاش می‌کند تا رفتار شایسته و مناسب به نمایش گذارد و همچنین آسایش روانی، احساس تعلق، مالکیت و کنترل بر محیط در فرد که را در کارکنان افزایش می‌دهد و احساس تعلق فرد به محیط به وفاداری و تعهد او به سازمان و مدیریت می‌شود.

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که ابعاد مبتنی بر پاداش از مؤلفه های رهبری عاطفه بنیاد در مراکز آموزشی کشور می باشد.

در این راستا محبی فر و همکاران (۱۳۹۵) دریافتند پاداش سازمانی (پاداش درونی و بیرونی) بر عامل انگیزش کارکنان بخش های اداری، مدیریتی و پشتیبانی اثرگذار می باشد. از سویی پاداش سازمانی هم به صورت مستقل و هم با نقش میانجی عامل انگیزش بر عملکرد کارکنان اثر مستقیم و مانادار داشت. گرینسالاد و همکاران (۲۰۱۱) بیان داشتند در واحدهایی که مدیریت به کارکنان باهدف ارائه مراقبت و با کیفیت پاداش می دهد و از آنها حمایت می کند، نیروهای کاری تلاش بیشتری جهت انجام نقش های شغلی شان صرف خواهند کرد و در نتیجه عملکرد مؤثرتری خواهند داشت.

راهبرد پاداش علاوه بر عنصر مالی که تأمین کننده نیازهای سطوح پایین کارکنان می باشد (پاداش بیرونی)، در برگرنده مؤلفه غیر مالی شامل حس قدردانی و استقلال شغلی است که توان قابل ملاحظه ای در تغییر رفتار کارکنان دارا می باشد (پاداش درونی). ایجاد پیوند میان ساختار انگیزشی سازمان و عملکرد پرسنل، مسیر ارتقای کیفیت خدمات ارائه شده و در نتیجه بهبود عملکرد را هموار می سازد. به اعتقاد لیپر و همکاران (۱۹۹۲) تشویق و ترغیب از مهمترین ارکان روانشناسی تربیتی و عامل مؤثر در تحریک انگیزش های پیشرفت و تقویت رفتارهای مطلوب افراد است. هرلیگل و همکاران (۱۹۹۵) پاداش را ارائه پیامدی خوشایند برای انجام رفتاری مطلوب از فرد به منظور افزایش احتمال تکرار آن می داند. روبینز و همکاران (۱۹۹۶) نیز در بیان اهمیت پاداش در مباحث مدیریتی بر این موضوع اشاره دارد که یکی از منابع قدرت در دست مدیران، قدرت پاداش است. که منظور از آن استفاده از پاداش های مختلف درونی و بیرونی به منظور

کنترل عملکرد افراد می باشد. به عبارتی مدیر می تواند از قدرت پاداش به منظور تأثیرگذاری و کنترلش رفتار زیردستان استفاده کند. با این وجود استفاده شایسته و مطلوب از راهبردهای مختلف تشویقی همچون تشویق گروهی، تشویق مادی و تشویق معنوی می تواند زمینه بهبود عواطف و احساسات بین مدیران و کارکنان را به همراه داشته باشد.

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که ابعاد مبتنی بر شناخت از مولفه های رهبری عاطفه بنیاد در مراکز آموزشی کشور می باشد. ابعاد مبتنی بر شناخت، فراگردی است که طی آن افراد می کوشند تا واکنش دیگران نسبت به افکارشان یا تصویر خود در ذهن دیگران را پیگیری کنند و مثبت جلوه دهند و با تمرین و تکرار هدفمند برخی رفتارها، منش قابل قبول و کاریزماتیک از خود ایجاد و جلوه دهند. ابعاد مبتنی بر شناخت شامل رفتارهایی است که به شکل عملی و شناختی هر فردی در هر زمانی به کار می برد و شامل مدیریت ظاهر و سبک بیرونی خود اوست. عموماً بیشتر کارکنان تصاویر ویژه ای را برای مدیران خود ترجیح می دهند که شامل: وفاداربودن، جذاب بودن، صداقت، آراستگی و غیره است. با ظاهری تعمدی برای نشان دادن این تصاویر ذهنی ترجیح داده شده، مدیر می تواند تصویر پردازی مثبتی بر اعضای سازمان ایجاد کند. در این راستا منز و همکاران (۲۰۱۶) ضمن تأکید بر توجه بیشتر به مهارت های عاطفی رهبران چهار بعد احساسات رهبر، خود رهبری^۲، خود رهبری عاطفی^۳، منش عاطفی^۴ را از ابعاد مهم مهارت های عاطفی رهبران قلمداد می کنند.

در ادامه نتایج پژوهش حاضر نشان داد که ابعاد مبتنی بر فیزیولوژیک از مولفه های رهبری عاطفه بنیاد در مراکز آموزشی کشور می باشد. در راستای تبیین اثر بخشی ابعاد مبتنی بر فیزیولوژیک، همچون رژیم غذایی، ورزش، سبک زندگی سالم و فعال، ماساژ، موسیقی و تنفس عمیق می توان گفت که راهکارهایی همچون ورزش، سبک زندگی سالم و فعال، ماساژ، موسیقی و تنفس عمیق با مکانیسم تأثیر بر آندروفین های مغزی باعث بهبود علائم خلقی از جمله اضطراب و افسردگی می شود، همچنین فعالیت بدنی موجب افزایش کارایی ذهن، احساس شادابی و سلامت می شود و با ایجاد نگرش خوب به زندگی و محیط کار، سلامت روانی فرد را تأمین می کند و افراد به احساس بهتری در مورد مسائل جسمی خود دست یافته و رنج جسمی روانی ناشی از خستگی های روزانه و شغلی، برای آن ها کمتر خواهد شد و با احساس بهتری نسبت محیط کار، باعث طرز برخورد و ارتباط بهتری با کارکنان و همکاران شده و زمینه پیوندهای عاطفی را محیا می کند.

به طور کلی شناخت مولفه های رهبری عاطفه بنیاد و راهکارهای توسعه آن در مدیران می تواند گامی مثبت در بهبود عملکرد و رهبری مناسب در سازمان ها باشد و زمینه را برای مشارکت عاطفی کارکنان، جوانان و افراد با استعداد را در برنامه های مختلف سازمانی محیا کند، لذا پیشنهاد می گردد که مدیران و اساتید دانشگاهی در مراکز آموزشی کشور، از نتایج پژوهش حاضر به منظور پیاده سازی رهبری عاطفه بنیاد استفاده نمایند.

1. leader emotion
2. Self-leadership
3. Emotional self-leadership
4. Emotional authenticity

● طراحی الگوی مؤلفه‌های رهبری عاطفه بنیاد در جهت جذب جوانان با استعداد به مشارکت در برنامه‌های آموزشی

منابع

- افضلی، سید حسن. (۱۳۹۲). «بررسی رابطه بین هوش معنوی و سبک‌های رهبری مدیران و معاونین مدارس ابتدایی آموزش و پرورش پاکدشت». پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشکده علوم تربیتی.
- اقبالی، سید رحمان؛ حامدی، محسن و هاشمی، فاطمه. (۱۳۹۶). «تأثیر مشخصه‌های فیزیکی محیط کار بر عملکرد کارکنان». پژوهش‌های مدیریت منابع انسانی. ۴، ۹۲-۶۲.
- جوینده، مریم و ورخشوری، علی. (۱۳۹۶). «بررسی رابطه بین هوش عاطفی، عدالت سازمانی ادراک شده و تمایل به خروج از سازمان در بین مدرسان موسسات آموزش عالی». دومین کنگره بین‌المللی توانمندسازی جامعه در حوزه مدیریت، اقتصاد، کارآفرینی و مهندسی فرهنگی. تهران، مرکز توانمندسازی مهارت‌های فرهنگی و اجتماعی جامعه.
- رحمت‌الهی، اعظم و امیرکبیری، علیرضا. (۱۳۹۷). «بررسی تأثیر سبک‌های رهبری تحول‌گرا و تبادل‌گرا بر تعهد سازمانی کارکنان با نقش میانجی هوش عاطفی در دانشگاه علوم پزشکی ایران». کنفرانس ملی اندیشه‌های نوین و خلاق در مدیریت، حسابداری مطالعات حقوقی و اجتماعی، خوی، دانشگاه آزاد اسلامی زرقان - آموزش عالی علامه خویی وابسته به وزارت علوم تحقیقات و فناوری.
- شجاع‌فر، صادق و فیروزی، محمدرضا. (۱۳۹۷). «بررسی رابطه عواطف و رهبری تحول‌آفرین با نقش واسطه تعهد سازمانی». اولین کنفرانس ملی پژوهش‌های نوین ایران و جهان در روانشناسی و علوم تربیتی، حقوق و علوم اجتماعی، شیراز، دانشگاه علمی کاربردی شوشتر.
- عقیقی، علیرضا و سرمدی، سیداحمد. (۱۳۹۷). «تبیین نقش تعدیلگر جهت‌گیری‌ها نسبت به رهبری در رابطه بین رهبری مشارکتی و تعهد عاطفی به تغییر». پنجمین کنفرانس ملی پژوهش‌های کاربردی در مدیریت و حسابداری. تهران: انجمن مدیریت ایران.
- محبی‌فر، رفعت. خدابخشیان محمود، رفیعی‌سیما. (۱۳۹۵). «تأثیر پاداش سازمانی بر عملکرد کارکنان با نقش میانجی انگیزش در بیمارستان‌های آموزشی شهر قزوین». پژوهش‌های سلامت محور. ۲ (۳)، صص ۲۳۲-۲۲۳.
- محبی، باقر و داداشی، فتاح. (۱۳۹۵). «رابطه هوش عاطفی و سبک رهبری مشارکتی در فرماندهان و مدیران یک واحد نظامی». فصلنامه روانشناسی نظام. دوره ۷، شماره ۲۶، صص ۷۹-۸۹.
- مسن‌آبادی، اشرف؛ فقیهی، علی‌رضا؛ مسن‌آبادی، آتنا و صابونچی، ویدا. (۱۳۹۴). «رابطه بین مدیریت مشارکتی و تعهدسازمانی در مدارس راهنمایی دخترانه آموزش و پرورش ناحیه دو اراک». دومین کنفرانس بین‌المللی روانشناسی، علوم تربیتی و سبک زندگی. مشهد: دانشگاه تربت حیدریه.

- Apore, G. N., & Asamoah, E. S. (2019). "Emotional intelligence, gender and transformational leadership among nurses in emerging economies". Leadership in Health Services.
- Bergethon, K. P., & Davis, D. C. (2018). "Emotional Leadership: Leadership Styles and Emotional Intelligence". In Social Issues in

- the Workplace: Breakthroughs in Research and Practice* (pp. 229-244). IGI Global.
- Bowers, H., Lemberger-Truelove, M. E., & Brigman, G. (2017). "A **social-emotional leadership framework for school counselors**". Professional School Counseling, 21(1b), 2156759X18773004.
 - Burston, A. (2018). **Leadership and emotional intelligence**. AusIMM Bulletin, (Oct 2018), 28.
 - Caruso, D. R., & Salovey, P. (2004). **The emotionally intelligent manager: How to develop and use the four key emotional skills of leadership**. John Wiley & Sons.
 - Goleman, D. (2011). **Emotional Intelligence**, New York: Bentam,
 - Goleman, D., Boyatzis, R., & McKee, A., (2007). **Clustering Competence in Emotional Insights from the Emotional Competence Inventory (ECI)**, [66, 12].
 - Goleman, Daniel. Boyatzis, Richard. McKee, Annie, (2002). "Primal Leadership: The Hidden Driver of Great Performance", Harvard Business Review, December, 43-53
 - Greenslade JH, Jimmieson NL. **Organizational factors impacting on patient satisfaction: a cross sectional examination of service climate and linkages to nurses' effort and performance**. Int J Nurs Stud. 2011; 48(10):1188-98.
 - Haber-Curran, P., & Shankman, M. L. (2018). **Emotionally Intelligent Leadership: An Applied Model for Developing Individuals and Advancing Organizations**. In Emotionale Intelligenz in Organisationen (pp. 213-225). Springer VS, Wiesbaden.
 - Haber-Curran, P., Miguel, R., Shankman, M. L., & Allen, S. (2018). **"College Women's Leadership Self-Efficacy: An Examination through the Framework of Emotionally Intelligent Leadership."** NASPA Journal about Women in Higher Education, 11(3), 297-312.
 - Hand, L. M. (2018). **Relationship between Leadership Styles, Job Satisfaction, and Emotional Intelligence for Hospital-Based Employees** (Doctoral dissertation, Capella University).
 - Hellriegel D, Slocum JW, Woodman RW. **Organizational behavior**. New York: West Publishing Company; 1995.
 - Jin, Y. (2010). **"Emotional leadership as a key dimension of public relations leadership: A national survey of public relations leaders."** Journal of Public Relations Research, 22(2), 159-181
 - Kim, D. R., & Ma, M. J. (2017). **"The Effect of Childcare Center Director's Emotional Leadership on Childcare Teachers' Emotional Intelligence and Quality of Life."** The Journal of the Korea Contents Association, 17(10), 41-53.
 - Kim, M. H., & Jung, M. S. (2010). **"The effect of head nurse's emotional leadership on nurse's job satisfaction & organizational commitment."** Journal of Korean Academy of Nursing Administration, 16(3), 336-347.
 - Kraus, M. (2017). **"Comparing Generation X and Generation Y on their preferred emotional leadership style."** Journal of Applied Leadership and Management, 5, 62-75.
 - Leaman, A. Bordass, W. (2005), **Productivity in Buildings: The Killer Variables**. Publication: The Usable Buildings Trust.
 - Lepper MR, Cordova D. **A desire to be taught: Instructional consequences of intrinsic motivation**. Motivation and Emotion. 1992; 16(3): 187-208.

- Manz, C. C., Houghton, J. D., Neck, C. P., Fugate, M., & Pearce, C. (2016). **"Whistle while you work: Toward a model of emotional self-leadership."** Journal of Leadership & Organizational Studies, 23(4), 374-386.
- Mathew, Molly; Gupta, K. S. ; (2015): **"Transformational Leadership: Emotional Intelligence."** Journal of Indian Management; Kochi
- Miao, C., Humphrey, R. H., & Qian, S. (2018). **"Emotional intelligence and authentic leadership: a meta-analysis. Leadership & Organization Development."** Journal, 39(5), 679-690.
- Prezerakos, P. E. (2018). **"Nurse Managers' emotional intelligence and effective leadership: A review of the current evidence."** The open nursing journal, 12, 86.
- Rathore, S., & Pandey, R. (2018). **Reviewing emotional intelligence with leadership theory: a study of the role of emotional intelligence on transformational leadership.** In Management Strategies and Technology Fluidity in the Asian Business Sector (pp. 1-13). IGI Global.
- Robins SP. **Organizational Behavior Concepts Controversies Applications.** 7th ed. USA: Prentice Hall; 1996.
- Saleem, Z., Batool, S., & Khattak, S. R. (2017). **"Relationship between Leadership Styles and Organizational Commitment: Moderating Role of Emotional Intelligence and Organizational Support."** Journal of Managerial Sciences, 11(1).
- Shek, D. T., & Ma, C. M. (2016). **"Emotional competence: a key leadership competence for university students."** International Journal on Disability and Human Development, 15(2), 127-134.
- Vyas, M. (2017). **"Role of Emotional Intelligence in Leadership Effectiveness. International."** Journal of Engineering and Management Research, (IJEMR), 7(2), 115-119.

تعیین‌کننده‌های اجتماعی و فرهنگی جرم در بین جوانان استان البرز: مرور سیستماتیک^۱

علی اصغر اسماعیل زاده^۲

 10.22034/SSYS.2022.1770.2258

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۱۲/۱۸

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۳/۱

شهر کرج دارای ویژگی‌های خاصی است که آن را از سایر کلان‌شهرها متمایز می‌کند؛ از جمله وجود محلات حاشیه‌نشین و زندان در داخل شهر. هدف مطالعه حاضر، بررسی تعیین‌کننده‌های اجتماعی و فرهنگی جرم می‌باشد که در سال ۱۳۹۹ انجام شده است. روش تحقیق حاضر، فراتحلیل محتوای متون است. جامعه آماری، پژوهش‌های انجام شده در زمینه جرائم و کج‌روی‌های اجتماعی می‌باشد. مجموع حجم نمونه‌های بررسی‌شده بالغ بر ۳۰۰۱ نفر بوده که این تعداد نمونه مناسب علاوه بر نشان دادن اهمیت مطالعه حاضر می‌تواند دقت نتایج تحقیق حاضر را افزایش دهد. یافته‌های تحقیق نشان داد که نظریه آنومی دورکهایم نظریه‌ای بوده که بیشترین استفاده را در مطالعات مرور شده داشته است. متغیرهای مهاجرت و همسالان، شایع‌ترین متغیرهای مورد استفاده بودند. «مصرف و قاچاق مواد مخدر» با چهار مورد حضور در مطالعات، بیشتر از سایر جرائم و کج‌روی‌های اجتماعی به‌عنوان متغیر وابسته مورد بررسی قرار گرفته است. جنسیت، سن و تحصیلات از متغیرهای ثابت در تبیین جرم بوده‌اند. مردان نسبت به زنان و مهاجرین نسبت به بومیان مجرم‌تر بوده‌اند. نتایج تحقیق نشان داد یافته‌های مطالعه با نتایج برخی مطالعات دیگر همخوانی دارد ولی مرور رویکردهای نظری جرم نشان از تغییر خوانش جرم دارد. همچنین، نتایج آزمون کای اسکور نشان داد که در تحلیل فضایی جرم، متغیرهای تاریکی و روشن بودن، خلوتی و دنج بودن محل جرم، زمان وقوع و بومی بودن و تراکم جمعیت ارتباط معنی‌داری با وقوع نوع و میزان جرم داشتند.

واژگان کلیدی: جرم، تعیین‌کننده‌های اجتماعی، جوانان و استان البرز.

۱- مقاله حاضر حاصل مطالعه‌ای با همین عنوان با حمایت مالی اداره کل ورزش و جوانان استان البرز در سال ۱۳۹۹ است.

۲- استادیار، گروه آسیب‌شناسی اجتماعی، جهاد دانشگاهی البرز، البرز، ایران

E_mail: Esmaelzadeh@acccr.ac.ir

مقدمه

نوجوانی و جوانی یکی از مراحل مهم زندگی هر فردی محسوب شده که در قرآن کریم و آموزه‌های دینی ما از جوانی به‌عنوان نعمت الهی یاد می‌شود. از این رو "اگر بتوانیم درک خود را از رفاه جوانان بهبود بخشیم می‌توانیم اقدامات مناسبی را برای ارزیابی و هدایت تصمیمات سرمایه‌گذاری سیاستی برای ارتقاء مؤثر رفاه آن‌ها انتخاب کنیم" (Darshini, 2020). امروزه اما پدیده نابسامان رشد شهرنشینی، به‌ویژه در کشورهای جهان سوم که با افزایش جرائم و ناهنجاری‌های شهری همراه است، زندگی شهروندان، سیاست‌ها، برنامه‌های حکومت مرکزی، دولت‌های محلی و شهرداری‌ها را دچار مشکلات فراوانی نموده است. چنین وضعیتی که مستقیماً تحت تأثیر رشد جمعیت، افزایش مهاجرت به شهرها، ضعف مدیریت شهری است «پیامدهای منفی گسترده‌ای را به بار آورده که ظهور محلات حاشیه‌نشین» (هزارجریبی و همکاران، ۱۳۸۸: ۷۴) به‌عنوان نماد جرائم اجتماعی و تجلی نابرابری فضایی در توزیع امکانات توسط مدیران و برنامه‌ریزان «از بارزترین پیامدهای آن است (میره، ۱۳۸۴: ۳۹).

در مطالعات مربوط به جرم اما مسائل متعددی مورد بررسی قرار می‌گیرند؛ مسئله محوری در این‌گونه مطالعات این است که علت جرم چیست و چرا افراد دست به ارتکاب جرم می‌زنند؟ برای پاسخ به این سؤال، اندیشمندان و پژوهشگران مختلف از رویکردهای مختلف علوم انسانی اعم از روانشناسی، جامعه‌شناسی و اقتصاد به بحث پرداخته و هر یک بنا بر رویکرد تخصصی خاص خودشان، مسائل و متغیرهای مختلفی را در ارتباط با مسئله جرم و مجرم شدن مورد بررسی قرار داده‌اند. در این میان، مهم‌ترین مسائل در مطالعات جرم‌شناسی، مسائل مربوط به ارتباط جرم با ویژگی‌های فردی، شخصیتی، روانی، اجتماعی و اعتقادی مجرمان و زندانیان است (برت و دونلان^۱، ۲۰۰۸: ۵۳؛ کاسپی^۲ و دیگران، ۱۹۹۴: ۸۵۱).

جرم‌شناسان بر مبنای رویکردهای جامعه‌شناختی، تغییر در میزان جرم را در ارتباط با تغییر در ساختار اجتماعی در نظر گرفته و برخی از شرایط اجتماعی همچون نابرابری اجتماعی و اقتصادی، ایدئولوژی‌های سیاسی و اقتصادی و تضادهای فرهنگی و هنجاری، شرایط خانوادگی، پابندی‌های اخلاقی و مذهبی را در ارتباط با تغییرات در میزان جرم در جوامع مختلف و واحدهای آن‌ها مورد بررسی قرار داده و نظریات مختلفی را برای تبیین آن صورت‌بندی کرده‌اند. مطالعات جامعه‌شناختی جرم با کتاب «تقسیم کار اجتماعی» امیل دورکیم^۳ (۱۳۸۴) بنیاد نهاده شد که در آن دورکیم سعی کرده بود تا ماهیت اجتماعی جرم را تحلیل و آن را در ارتباط با میزان همبستگی اجتماعی و وضعیت بی‌هنجاری مورد بررسی قرار دهد. بر مبنای نظریات دورکیم شمار دیگری از نظریه‌های جرم‌شناختی همچون نظریه بی‌سازمانی اجتماعی کلیفورد شاو^۴ (۱۹۵۷) و نظریه فشار ساختاری رابرت مرتون^۵ (۱۹۳۸) شکل گرفتند که اولی بی‌سازمانی اجتماعی و دومی میزان دستیابی اشخاص به فرصت‌های اجتماعی مشروع را بر وقوع جرم مؤثر دانستند. برخی چون

1. Burt & Donnellan
2. Caspi
3. Emile Durkheim
4. Clifford Shaw
5. Robert K. Merton

«ادوین ساترلند»^۱ (۱۹۴۷) نیز بر نقش خرده فرهنگ‌های بزهکار بر وقوع جرم تأکید کردند. یکی دیگر از این نظریه‌ها، نظریه کنترل است که توسط هیرشی^۲ (۱۹۶۹) صورت‌بندی شده است. نظریه کنترل هم بر ابعاد درونی و هم ابعاد بیرونی کنترل نظر دارد. فرض اصلی این نظریه این است که افراد به طور طبیعی تمایل به کج رفتاری دارند و اگر کنترل نشوند، کج رفتاری می‌کنند و این رفتار بیش از آنکه ناشی از نیروهای محرک به سوی نابهنجاری باشد، محصول عدم کنترل است. کنترل درونی به هنجارها و ارزش‌های اجتماعی اشاره دارد که مردم آن‌ها را درونی می‌کنند. کنترل درونی به این دلیل تأثیرگذار است که مردم وقتی مطابق با هنجارهای درونی شده رفتار می‌کنند احساس رضایت خاطر و تعادل را تجربه می‌کنند. از این دیدگاه جرم (انحراف) نتیجه شکست یا فقدان جامعه‌پذیری اخلاقی^۳ است. کنترل بیرونی اشاره به وجود یا عدم وجود پاداش‌ها و مجازات‌های اجتماعی در واکنش به هم‌نواپی یا نافرمانی است (دیویس و استاز،^۴ ۱۹۹۰: ۴۲). در نظریات جدیدتر کنترل که به خویش‌نهادی^۵ مشهورند، نقش نیروهای اخلاقی و باورهای دینی درونی فرد -که عموماً در کودکی شکل می‌گیرند- در کاهش جرم مورد بررسی قرار گرفته است (ولد و همکاران ۲۹۰: ۱۳۸۰).

مطالعات و تحقیقات بسیاری در ارتباط با موضوع انجام شده‌اند. سراج زاده (۱۳۸۷) نشان داد که متغیرهای احساس انومی و کج روی با دین‌داری، رابطه معکوس معناداری دارند. بدین صورت که هر چه افراد دین‌دارتر باشند میل آن‌ها به کج روی و جرم کمتر است. همچنین دین‌داری از طریق کاهش احساس انومی در افراد در کاهش بروز کج روی تأثیر دارد. همچنین، نتایج نشان داده است که تفاوت معناداری بین «میزان دین‌داری»، «کنترل و نظارت والدین» و «بزهکاری» وجود دارد (کاظمی، ۱۳۸۸).

از سوی دیگر، مطالعات تجربی جرم‌شناختی نشان می‌دهد که رفتارهای بزهکارانه با برخی ویژگی‌های جمعیت شناختی، مثل سن، جنس و وضعیت تأهل افراد هم رابطه دارد (ارگان^۶، ۲۰۱۶: ۲). به عنوان مثال، علی‌وردی نیا، ریاحی و آرمان مهر (۱۳۸۷) نشان دادند که به‌طور کلی میانگین انجام رفتارهای بزهکارانه در پسران بیشتر از دختران است. همچنین، پسران مجرد به‌طور خاص متخاصم‌ترند به‌ویژه اگر احساس ترد از سوی جامعه و خانواده را تجربه کنند (داگلاس، ۱۳۸۳). در مورد تأثیر تحصیلات بر جرم نیز یافته‌ها نشان دادند که بین سابقه کیفری، میزان تحصیلات و سن با نوع جرم رابطه معنی‌داری وجود دارد (بیانلو، ۱۳۸۵). باقری و همکاران (۱۳۸۸) نیز در پژوهشی نشان دادند که متغیرهای جنس، تحصیلات، یادگیری اجتماعی، قومیت، پایگاه اقتصادی - اجتماعی، منطقه محل سکونت، با جرم رابطه معنی‌داری دارد.

درنهایت، یافته‌های مربوط به تأثیر عوامل خانوادگی و اجتماعی هم نشان داد که ازهم‌گسیختگی خانواده، سن ازدواج، محیط زندگی، پایگاه اجتماعی اقتصادی و دین‌داری در بین زنان مجرم و زنان غیر مجرم دارای اختلاف معنادار است. به عبارت دیگر، عوامل نام‌برده در به

1. Edwin Hardin Sutherland
2. Hirshi
3. Moral socialization
4. Davis & Stars
5. Self- control
6. Orjan

زندان افتادن زنان مؤثر بوده است (ملکمیان، ۱۳۸۸: ۱۴۳). پتروزیانو و همکارانش (۲۰۰۹) ضمن مطالعه کیفی فراتحلیل‌های انجام‌شده درباره جرم بر نقش مؤثر عوامل خانوادگی در شروع بزهکاری در افراد و تداوم خلافکاری آن‌ها در بزرگسالی تأکید کردند. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که برنامه‌های درمانی خانواده محور در کاهش رفتارهای مجرمانه بعدی مؤثر است. با این حال، باقری (۱۳۸۹) در پژوهشی نشان داد که بین ازم‌پاشیدگی خانوادگی، سن و اشتغال با جرم رابطه معناداری وجود ندارد. مطالعات دیگری که به موضوع خانواده و بزهکاری پرداخته‌اند تضادهای زناشویی، گسیختگی و سرپرستی‌های ضعیف والدین بر فرزندان را بر بزهکاری نوجوانان مؤثر دانسته‌اند (وست، ۱۹۷۳؛ فارن ورت، ۱۹۸۴ به نقل از احمدی).

بدین ترتیب، پژوهشگران و نظریه‌پردازان جرم‌شناسی تلاش کرده‌اند تا هرکدام دریچه‌ای به روی فهم ماهیت جرم و علل آن، بکشایند. باین حال، زندگی اجتماعی آن‌قدر پیچیده است که فهم آن در پرتو یک یا چند نظریه و پژوهش میسر نیست و نیاز به پژوهش‌های تجربی مداوم دارد. این مسئله به‌خصوص با دگرگونی‌های فزاینده در دنیای کنونی و سیالیت هویت‌های اجتماعی در پرتو مدرنیزاسیون شبان شبانه جهانی بیشتر ضرورت خود را نشان می‌دهد. همراه با امواج دگرگونی‌ها، جرائم جدیدی خلق می‌شوند و شیوه‌های عمل مجرمانه نیز پیچیده‌تر می‌شود.

اما آیا نظریه‌های جرم‌شناسی فوق در مورد جوانان مناطق حاشیه‌نشین البرز هم صادق است؟ استانی که به‌ویژه مناطق حاشیه‌نشین آن از فرهنگ‌ها و قومیت‌های متنوع تشکیل شده است. از طرفی تهران و کرج یکی از مقاصد اصلی مهاجرین نقاط مختلف کشور است. شهر کرج محل عبور ۱۳ استان کشور است که مهاجران و جمعیت به سوی آن سرازیر شده و برخی از این افراد به دلیل ناتوانی در تأمین هزینه‌های مسکن در مکان‌های نامناسب، در حواشی کرج ساکن شده و بعضاً به مشاغل کاذب روی می‌آورند. علاوه بر این در داخل کرج نیز وجود چهار زندان موجب می‌شود تا بسیاری از خانواده‌های این زندانیان که حبس‌های بلندمدت دارند در اطراف شهر ساکن شوند. از آنجاکه سرپرست این خانواده‌ها در زندان به سر می‌برند، این افراد برای تأمین معیشت خود مشکلات زیادی را متحمل شده و بعضاً ممکن است برخی از این افراد از راه خلاف نیز ارتزاق نمایند. اما این مسئله شاید یک بخش از زمینه‌های وقوع بزه، جرم و مسائل حاشیه‌ای در کرج باشد که مسائل دیگری از جمله تکدی‌گری، طلاق، مشروبات الکلی، بزه‌ها و دیگر آسیب‌های اجتماعی نیاز به ریشه‌یابی و آگاه‌سازی شهروندان دارد. از این رو لقب «آنومیک‌ترین شهرهای ایران» در رسانه‌ها و افکار عمومی به این دو شهر تهران و کرج دور از واقعیت هم نباشد. به نظر می‌رسد وقوع جرائم در استان البرز با توجه به تنوع قومیت‌ها و فرهنگ‌ها از عوامل متعددی تبعیت کند. حال سؤال اساسی پژوهش حاضر این است:

چه نوع جرائمی در بین جوانان حاشیه‌نشین استان البرز شایع است و متغیرهای تأثیرگذار بر آن‌ها کدام‌اند؟

روش‌شناسی پژوهش

روشی اصلی تحقیق، فراتحلیل محتوای متون است. در این مطالعه تحقیقات انجام‌شده در حوزه جرم در استان البرز بررسی و اطلاعات مورد نیاز در دسته‌بندی موضوعی، روش‌شناسی یافته‌ها، پیشنهادها و راهکارها ارائه شده و مورد فراتحلیل قرار گرفته است. قبل از مطالعه و بررسی متون، ابتدا کاربرگی بر اساس اهداف تحقیق طراحی شد. روش اسنادی یعنی تحلیل آن دسته از اسنادی که شامل اطلاعات درباره پدیده‌هایی است که قصد مطالعه آن‌ها را داریم (بیلی^۱،

۱۹۹۴؛) اما در مطالعات فراتحلیل از آنجا که چارچوب و نحوه استخراج مطالب از قبل طراحی می‌شود، بنابراین فیش‌برداری با استفاده از فیش‌ها یا فرم‌های از قبل طراحی شده انجام می‌شود. جامعه آماری، پژوهش‌های انجام شده در زمینه جرائم و کج‌روی‌های اجتماعی می‌باشد که با توجه به نظریه‌های مورد بررسی در بخش نظری تحقیق و فرضیه‌های مستخرج از آن مورد نقد و ارزیابی قرار گرفته‌اند. از این رو آثاری به عنوان نمونه تحقیق انتخاب شدند که دارای معیارهای زیر بودند:

- ۱- متغیر مورد بررسی در مطالعه، جرم و کج‌روی در محدوده سنی نوجوان و جوان باشد.
- ۲- تحقیقات در طول سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۹ انجام شده باشند (یک دهه اخیر)
- ۳- مطالعه انتخاب شده می‌بایست حداقلی از قواعد روش شناسانه (همچون روایی و پایایی مناسب، روش نمونه‌گیری و روش آماری صحیح، فرضیه‌ها و سؤال‌های مناسب با موضوع پژوهش) برخوردار باشند تا صلاحیت لازم برای ورود به فراتحلیل را کسب نمایند.
- ۴- کلیه تحقیقات مرتبط با موضوع جرم در مجلات معتبر وزارت علوم، تحقیقات و فن‌آوری چاپ شده‌اند.

ملاک‌های شکلی و صوری انتخاب نمونه‌ها شامل شیوه نگارش، نحوه فصل‌بندی، منابع مورد استفاده، کیفیت تایپ، داشتن چکیده و رعایت سلسله‌مراتب علمی و ملاک‌های محتوایی شامل نحوه بیان مسئله و ضرورت تحقیق، پیشینه تحقیق، توضیح کافی در زمینه تئوری‌ها، چارچوب نظری، فرضیه‌های تحقیق، روش نمونه‌گیری و حجم آن، مناسب بودن ابزار جمع‌آوری داده‌ها، بحث و نتیجه‌گیری، مناسب بودن سؤال‌های پرسشنامه، گسترش موضوع، ذکر تئوری‌های تحقیق، مناسب بودن تئوری‌های مطرح شده، مدل نظری، جامعه آماری، تعریف نظری و عملی متغیرها، روش‌های آماری و مناسب بودن آن‌ها و پیشنهادات بودند.

در بررسی مقدماتی، بیش از ۲۷ عنوان اثر در زمینه جرائم اجتماعی در رده‌های سنی نوجوانان و جوانان در قالب پروژه‌های تحقیقاتی، مقاله و کتاب شناسایی شدند از این بین بر اساس شاخص‌هایی که در بالا ذکر شد، تعداد ۷ اثر که چارچوب لازم برای مرور سیستماتیک را دارا بودند، برای تحلیل نهایی مناسب تشخیص داده شدند. مشخصات ۷ مقاله انتخاب شده در جدول ۱ ارائه شده است. با در نظر گرفتن شرایط فوق و همچنین، محدودیت‌های بودجه‌ای طرح به نظر می‌رسد تعداد نمونه انتخاب شده از کفایت کمی و کیفی برخوردار باشند که بتوان مجموعه فراهم آمده را بازنمای کاملی از تحقیقات انجام شده داخلی و به‌طور خاص در استان البرز در زمینه جرائم در بین گروه سنی جوان باشد.

جدول ۱: آثار انتخاب شده جهت مرور سیستماتیک مطالعات مربوط به جرم در بین جوانان

ردیف	عنوان	سال	نویسنده
۱	تبیین جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر نگرش جوانان به جرم	۱۳۹۵	صدفی و همکاران
۲	پیامدهای توسعه نامتوازن: مطالعه موردی حاشیه‌نشینی در خط چهارم حصار شهر کرج	۱۳۹۲	زکی خانی
۳	مطالعه انسان شناسانه پدیده کودکان کار خیابانی در شهر کرج	۱۳۹۱	ایمانی، نفیسه
۴	بررسی رابطه استفاده از شبکه‌های ماهواره‌ای و گرایش بهره برداران به آسیب‌های اجتماعی در بین جوانان شهر کرج	۱۳۹۰	امیری و همکاران
۵	عوامل مؤثر بر گرایش نوجوانان پسر شهرستان کرج در خرده‌فرهنگ جرم	۱۳۹۰	ترکمان و همکاران
۶	عوامل مؤثر بر گرایش نوجوانان و جوانان پسر شهرستان کرج به مصرف مواد مخدر	۱۳۸۹	هزارجریبی و همکاران
۷	تحلیل فضایی جرم در شهر کرج	۱۳۸۹	زنگی‌آبادی

یافته‌های پژوهش

نتایج شکلی

- معرفی آثار علمی برحسب جامعه آماری، حجم نمونه و شیوه نمونه‌گیری

نتایج علاوه بر این‌که از تولید بسیار کم آثار علمی در حوزه جرائم در بین جوانان مناطق حاشیه‌نشین البرز حکایت می‌کند، همچنین نشان از افت همین تعداد تولیدات علمی در پنج سال اخیر است. به عبارتی از سال ۱۳۹۴ مطالعات علمی ارزشمندی در حوزه مذکور انجام نشده است. جامعه آماری در آثار فراتحلیل شده در مطالعه حاضر را نوجوانان و جوانان و جوانان مناطق حاشیه‌نشین البرز از جمله خط چهار حصار، نوجوانان و جوانان زیر ۲۵ سال در مرکز ترک اعتیاد کرج، جوانان پسر مرتکب جرم در شهر کرج، جوانان و نوجوانان زیر ۲۵ سال معتاد در شهر کرج و کودکان کار و مجرمان ساکن در شهر کرج تشکیل داده‌اند. حجم نمونه‌های تحقیق از ۱۲ نفر - که یک مطالعه کیفی بود - تا ۱۹۴۴ نفر - که مطالعه‌ای ترکیبی بود - در نوسان بودند. روش رایج تعیین حجم نمونه‌ها از همان فرمول کوکران بوده که به طور طبیعی تعداد ۳۸۴ به دست آمده است. بالاترین حجم نمونه مربوط به مطالعه‌ای بود که هم از روش تحلیل ثانویه و هم از روش پیمایش استفاده نموده که تعداد ۱۹۹۴ نفر را شامل شده است. در یک مطالعه که از روش کیفی استفاده نموده با تعداد حدود ۱۲ نفر از کودکان کار، کارشناسان و مسئولین انتظامی مصاحبه به عمل آمده است. گرچه به تعداد مصاحبه از طرف محقق در مطالعه اشاره نشده ولی با توجه به یافته‌های آن مطالعه، تعداد ۱۲ مصاحبه تخمین زده شد. مجموع حجم نمونه‌های بررسی شده بالغ بر ۳۰۰۱ نفر بوده که این تعداد نمونه مناسب می‌تواند دقت نتایج تحقیق حاضر را افزایش دهد.

از آنجاکه بیشتر مطالعات به سراغ مجرمان رفته‌اند لذا بجای نمونه‌گیری از روش «تمام شماری» استفاده نموده که از مجموع نمونه‌ها سه تحقیق را شامل می‌شود. همچنین، هر تحقیق از نظر هدفمندی مطالعه به یکی از انواع بنیادی (محض)، کاربردی و توسعه‌ای قابل تقسیم است. از این حیث، تمام مطالعات به‌جز یک مورد از نظر هدف «کاربردی» بودند. به عبارتی مطالعه‌ای از نوع «بنیادی» در حوزه مطالعه حاضر انجام نشده است. ضمن اینکه از نوع «توسعه‌ای» فقط یک اثر علمی تولید شده است.

جدول ۲: معرفی آثار علمی برحسب جامعه آماری، حجم نمونه و شیوه نمونه‌گیری

شماره سند	سال	جامعه آماری	حجم نمونه	شیوه نمونه‌گیری	نوع از نظر هدف
۱	۱۳۹۰	نوجوانان و جوانان زیر ۲۵ سال در مرکز ترک اعتیاد کرج	۱۰۰	تمام شماری	کاربردی
۲	۱۳۹۴	جوانان پسر مرتکب جرم	۷۳	تمام شماری	کاربردی
۳	۱۳۸۹	جوانان و نوجوانان زیر ۲۵ سال	۱۰۰	تمام شماری	کاربردی
۴	۱۳۹۲	ساکنین خط ۴ حصار	۱۹۴۴	نامعلوم	توسعه‌ای
۵	۱۳۹۱	جوانان شهر کرج	۳۸۴	خوشه‌ای	کاربردی
۶	۱۳۹۱	کودکان کار	۱۲	هدفمند	کاربردی
۷	۱۳۸۹	مجرمان	۳۸۸	طبقه‌ای تصادفی	کاربردی

روش تحقیق در آثار فراتحلیل شده

یافته‌های به دست آمده از مطالعات نشان می‌دهد که روش‌های به کاررفته در مطالعات مربوط به عوامل مؤثر بر جرم بیشتر به روش پیمایش انجام شده است، زیرا ۷۰ درصد مجموع آثار را به خود اختصاص داده است. تنها یک مطالعه از روش تحلیل ثانویه و یک مطالعه نیز به روش ترکیبی (کیفی، اسنادی و مشاهده مشارکتی) استفاده نموده‌اند؛ به عبارتی، تنوعی در استفاده از روش‌های تحقیق در مطالعات مربوط به علل جرم در بین جوانان استان البرز دیده نمی‌شود. با توجه به رویکرد مطالعات از قیاسی به سمت استقرایی و در نتیجه اهمیت روش‌های کیفی به‌ویژه مطالعه بر روی گروه‌های آسیب‌دیده اجتماعی در مقایسه با روش کمی، ضروری است که پژوهش‌های آینده در حوزه جرم و آسیب‌های اجتماعی از روش‌های ترکیبی استفاده نمایند.

نظریه‌های مورد استفاده برای تبیین جرم جوانان

نظریه آنومی دورکهایم بیشترین فراوانی را در نمونه‌های تحقیق داشته است زیرا در ۴ مورد از ۷ مورد مطالعات به‌طور صریح مورد استفاده قرار گرفته است. آنومی یا بی‌هنجاری به وضعیتی گفته می‌شود که در آن هنجارهای اجتماعی مشروعیت خود را بر رفتار فرد از دست می‌دهند و در این شرایط ارتباط میان وجدان جمعی که از طریق هنجارها تنظیم شده و آرزوهای افراد قطع شده در نتیجه جرم اتفاق می‌افتد. نظریه فشار ساختاری مرتون که در پاسخ به انتقادات نظریه کارکردگرایی دورکهایم از طرف مرتون مطرح شد در رتبه دوم نظریه‌های تبیین‌کننده جرم قرار دارد. جرم، پدیده‌ای اجتماعی است که از ساختارهای فرهنگی هر جامعه تأثیر می‌پذیرد. ساختارهای اجتماعی و فرهنگی جوامع به میزان شفافیت یا عدم شفافیت و به میزان ساده یا پیچیده بودن ساختارها مشوق یا مانع جرم می‌شوند. هر چه ساختارهای کلان اجتماعی و فرهنگی نابرابرتر باشد بیشتر فساد و انحراف بیشتر در آن نفوذ می‌کند. ساختار اجتماعی نابرابر، فرصت‌ها و منابع را به طور انحصاری در اختیار اقلیت‌ها قرار می‌دهد. رابرت مرتن، تضاد میان اهداف فرهنگی مانند پول، ثروت، قدرت و راه‌های مشروع نهادینه‌شده جهت رسیدن به این اهداف را منبع اولیه جرم می‌داند. در نظریه فشار ساختاری، مرتن بر این باور است که انحراف برای این پیش می‌آید که جامعه دستیابی به برخی از هدف‌های را تشویق می‌کند ولی وسایل ضروری برای رسیدن به این اهداف را در اختیار همه افراد قرار نمی‌دهد؛ بنابراین برخی افراد یا باید هدف‌های خاصی را برگزینند یا برای رسیدن به هدف‌های مشروعی که فرهنگشان تجویز کرده است و سایل و راه‌های نامشروعی را برگزینند.

بر اساس یافته‌ها، نظریه کارکردگرایی (آنومی دورکهایم و فشار ساختاری مرتون) نظریه محوری و اصلی تبیین جرم می‌باشد. همچنین، نظریه یادگیری اجتماعی و انتقال فرهنگی ساترلند (دو مورد)، نظریه‌های ارتباطاتی به‌عنوان مثال نظریه کاشت، رویکرد استفاده و خشنودی (یک مورد)، بی‌سازمانی اجتماعی توماس و زنانسکی (یک مورد)، سبک زندگی مناطق شهری کلیفورد شاو و هنری مک کی، خرده‌فرهنگ شهری فیشر، خرده‌فرهنگ بزهکاری کوهن (یک مورد) و نظریه ناکامی منزلتی کوهن (یک مورد) از دیگر نظریه‌های تبیین‌کننده جرم بودند. یافته‌ها نشان می‌دهند متغیر جرم مفهومی پیچیده، متنوع و نسبی است لذا تلاش محققان این بوده که از چند نظریه به‌طور هم‌زمان استفاده نمایند؛ زیرا یک نظریه به‌تنهایی توان تبیین کامل جرم را نخواهد داشت. نقدی که می‌توان در زمینه نوع نظریات مورد استفاده در تحقیقات مروری اشاره نمود این

● تعیین‌کننده‌های اجتماعی و فرهنگی جرم در بین جوانان استان البرز: مرور سیستماتیک

هست که ۵۳٫۴ درصد مطالعات از نظریه‌های سطح کلان همچون آنومی دورکهایم، فشار ساختاری مارتون و بی‌سازمانی اجتماعی استفاده نموده و نظریه‌های سطوح میانه و خرد دارای وزن پایین‌تری هستند.

جدول ۳: توزیع فراوانی و درصدی برحسب نظریه‌های مورد استفاده

ردیف	نظریه	فراوانی	درصد
۱	آنومی دورکهایم	۴	۲۷
۲	فشار ساختاری مارتون	۳	۱۹/۸
۳	یادگیری اجتماعی ساترلند	۲	۱۳/۵
۴	نظریه‌های ارتباطات (کاشت، رویکرد خشنودی)	۱	۶/۶
۵	بی‌سازمانی اجتماعی توماس و زنانسکی	۱	۶/۶
۶	سبک زندگی مناطق شهری کلیفورد شاو و هنری مک کی، خرده‌فرهنگ شهری فیشر، خرده‌فرهنگ بزهکاری کوهن	۱	۶/۶
۷	ناکامی منزلتی کوهن	۱	۶/۶
۸	فاقد نظریه	۲	۱۳/۳
	جمع	۱۵	۱۰۰

۳۶۰

متغیرهای تأثیرگذار در تبیین جرم

با توجه به نسبی بودن مفاهیم در حوزه اجتماعی، آسیب‌های اجتماعی نیز پدیده‌هایی متنوع و متغیر هستند. بر اساس نظریه‌ها و تحقیقات مورد بررسی در مطالعه حاضر؛ متغیرهای مهاجرت، گروه همسالان، وضعیت خانوادگی، رسانه‌های ارتباطی، موقعیت اقتصادی، فضای کالبدی شهری و پذیرش اجتماعی از جمله متغیرهای تبیین‌کننده اجتماعی و فرهنگی هستند. با در نظر گرفتن نظریه‌های مورد استفاده، چارچوب نظری و مدل‌های مفهومی در تحقیقات مورد مطالعه، سؤال تحقیق این است که از چه متغیرهایی برای تبیین جرم در سطح استان البرز استفاده شده است. نتایج تحقیق از تنوع نسبتاً کم متغیرها در تبیین جرم حکایت دارد زیرا فراوانی متغیرها در مطالعات مرور شده تنها ۱۳ متغیر بود. متغیرهای مهاجرت (جاذبه شهری و دافعه غیر شهری) و همسالان در سه مورد حضور در تحقیقات، شایع‌ترین متغیرهای مورد استفاده بودند. همچنین، خانواده از هم‌گسیخته (دو مورد)، رسانه‌های ارتباطی (دو مورد)، اقتصادی (فقر، نیاز مالی، اجاره‌نشینی) دو مورد و فضای کالبدی (تاریکی، خلوتی، تراکم جمعیت) از دیگر متغیرهای تأثیرگذار بر ارتکاب جرائم بودند.

جدول ۴: توزیع فراوانی و درصدی برحسب متغیرهای تأثیرگذار در تبیین جرم

ردیف	متغیر	فراوانی	درصد
۱	مهاجرت (جاذبه شهری و دافعه غیر شهری)	۳	۲۲
۲	همسالان (معاشرت‌های ترجیحی)	۳	۲۲
۳	خانواده	۲	۱۴
۴	رسانه‌های ارتباطی	۲	۱۴
۶	اقتصادی (درآمد ماهانه)	۲	۱۴
۷	فضای کالبدی (تاریکی، خلوتی، تراکم جمعیت)	۱	۷
۸	پذیرش اجتماعی تکدی‌گری	۱	۷
	جمع	۱۴	۱۰۰

اولویت‌بندی جرائم

نتایج جدول ۵ نشان می‌دهد که «مصرف و قاچاق مواد مخدر» با چهار مورد حضور در مطالعات، بیشتر از سایر جرائم و آسیب‌های اجتماعی به‌عنوان متغیر وابسته مورد بررسی قرار گرفته است. بعد از مواد مخدر، روابط جنسی نامشروع (دو مورد)، جرائم علیه اموال و مالکیت (دو مورد)، سرقت، قتل، ضرب و جرح، حاشیه‌نشینی و تکلدی‌گری هرکدام با یک مورد کمترین میزان را در قرار گرفتن به‌عنوان متغیر وابسته به خود اختصاص دادند.

جدول ۵: توزیع فراوانی و درصدی برحسب اولویت‌بندی جرائم در بین جوانان

ردیف	نوع جرائم	فراوانی	درصد
۱	مصرف مواد مخدر	۴	۳۰/۳
۲	روابط جنسی نامشروع	۲	۱۵/۴
۳	جرائم علیه اموال و مالکیت	۲	۱۵/۴
۴	سرقت	۱	۷/۷
۵	قتل	۱	۷/۷
۶	ضرب و جرح	۱	۷/۷
۷	حاشیه‌نشینی	۱	۷/۷
۸	تکلدی‌گری	۱	۷/۷

۳۶۱

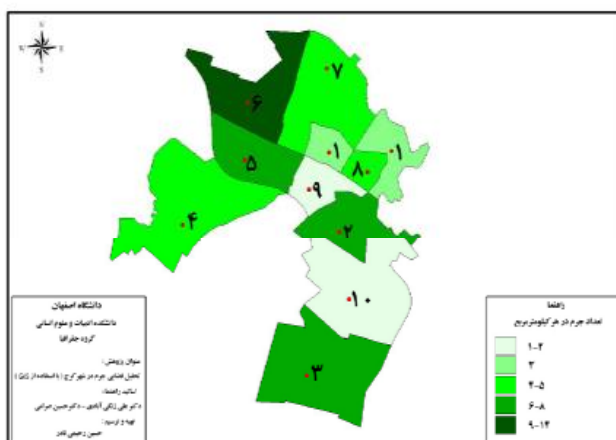
نتایج تحلیلی (محتوایی)

در این بخش به عوامل مؤثر بر جرم و انحراف اجتماعی و نقش هر یک از متغیرها در تبیین جرم پرداخته می‌شود.

برحسب یافته‌های پژوهش‌های برگزیده مورد بررسی، جرم و بزهکاری جوانان تحت تأثیر یا در رابطه با عواملی همچون متغیرهای جنسیت جوانان، سن، میزان تحصیلات، محل تولد، زمینه فعالیت، نوع شغل، شغل قبلی، شغل قبل از دستگیری، شغل بعد از مهاجرت می‌باشد.

توزیع فضایی محل وقوع جرایم

در نقشه ۱ توزیع فضایی جرایم در محدوده مناطق ده‌گانه آن نشان داده شده است. نحوه پراکندگی محل ارتکاب جرایم در سطح شهر بیانگر این نکته مهم است که تعداد جرایم با روندی افزایشی در مناطق حاشیه‌نشین شهر بیشتر شده است و بالاترین حد ناهنجاری در بخش شمال غربی، جنوب، غرب و مناطق مجاور آن رخ داده است. چنانچه تقسیم‌بندی مناطق ده‌گانه شهرداری کرج و نواحی داخلی آن ضابطه تفکیک بخش‌های مختلف شهر کرج پذیرفته شود می‌توان نتیجه گرفت که بیشتر جرائم در مناطق ۳، ۵، ۶ و ۷ دیده می‌شود و این در حالی است که مناطق حاشیه‌ای شمال، مرکز و شمال شرق و از جمله مناطق ۹، ۸ و ۱ از کمترین جرم برخوردار است.



نقشه ۱: توزیع فضایی جرایم در مناطق ده‌گانه شهر کرج

بنابراین با توجه به نتایج نقشه جرایم شهر کرج می‌توان نتیجه گرفت که به موازات فاصله گرفتن از مناطق مرکزی و نزدیک شدن به مناطق حاشیه‌نشین کرج به دلیل افزایش تعداد جمعیت و تراکم مسکونی، افزایش بافت مسکونی نابسامان، اسکان غیر رسمی و بدون برنامه و تعداد زیاد مهاجرین، میزان جرایم نیز افزایش می‌یابد.

تحلیل فضایی جرم

به منظور درک بهتر، عمیق‌تر و علمی‌تر رفتارهای مجرمانه و رابطه آن با محل وقوع جرم و برای آگاهی از شرایط فیزیکی این مکان‌ها در گروه‌های مختلف جرم، رابطه آن‌ها با برخی مشخصه‌های مکانی چون تاریکی، روشنایی، شلوغی و خلوتی مورد آزمون قرار گرفت.

رابطه متغیر تاریکی و روشنایی فضا در ارتکاب جرم

تاریکی از جمله عواملی است که می‌تواند به شدت از کنترل اجتماعی بکاهد. همین امر باعث می‌شود تا احتمال وقوع برخی جرایم بیشتر شود. از طرفی شرایط وقوع برخی رفتارهای ناهنجار، روشنایی محیط است. در خصوص برخی جرایم نیز تاریکی و روشنایی تأثیری یکسان دارد. نتایج بررسی رابطه روشنایی یا تاریکی در هر یک از گروه‌های پنج‌گانه جرم در جدول زیر نشان داده شده است:

جدول ۶: رابطه بین متغیر تاریکی و روشنایی محل با وقوع گروه‌های پنج‌گانه جرم

محل وقوع نوع جرم	تاریک	روشن	جمع
قاچاق مواد مخدر	۴۵	۵۵	۱۰۰
علیه اموال	۱۲/۴	۸۷/۶	۱۰۰
علیه اشخاص	۵۱/۴	۴۸/۶	۱۰۰
سرقت	۵۵	۴۵	۱۰۰
جرائم منکراتی	۵۵	۴۵	۱۰۰

Chi-squer=52/128 df=4 sig=0/000
Contingency Coefficient: 0/344

مقادیر آزمون همبستگی کای اسکوتر و سطح معنی دار آن نشان می دهد بین ارتکاب جرایم گروه های پنج گانه و تاریکی محل وقوع جرم رابطه معنی داری وجود دارد. به عبارتی برخی از جرایم تا حدود زیاد نیازمند شرایط محیطی تاریک هستند تا وقوع یابند. نتایج جدول حاکی از آن است که جرم سرقت بیش از دیگر جرایم در تاریکی اتفاق افتاده است. از دیگر جرایمی که در محیط های تاریک بیشتر رخ می دهد جرایم علیه اشخاص چون قتل، شرارت، ضرب و جرح عمدی است (۵۱/۴ درصد). خرید و فروش، حمل و نگهداری و مصرف مواد مخدر، کمتر در محیط و یا شرایط مکانی اتفاق می افتند. به نظر می رسد مبادله مواد مخدر یا جابجا کردن آن به طور مخفیانه (درون خودرو و یا توسط اشخاص) نیازی به تاریکی محل ارتکاب جرم ندارد. همچنین، در اعمال منافی عفت و صدور چک بلامحل، جعل سند، اختلاس و دیگر جرایم مالی که عموماً در محل فعالیت و شرایط کاری انجام می شود، تاریکی تأثیر چندانی نداشته است.

رابطه شلوغی و خلوتی محل با وقوع جرایم

۳۶۳

شلوغی و ازدحام جمعیت در برخی مواقع و در مورد تعدادی کج روی ها می تواند به عنوان عامل بازدارنده ارتکاب جرایم تلقی شود ولی در برخی اوقات هم می تواند زمینه ساز برخی دیگر از جرایم باشد. در جدول ۷ ملاحظه می شود که با توجه به مقادیر کای اسکوتر و سطح معنی داری آن رابطه بین گروه های پنج گانه جرایم و خلوتی محل، انکارناپذیر است. در مقایسه با ویژگی تاریکی، خلوتی محل وقوع جرایم از اهمیت نسبتاً بیشتر برخوردار است. جرم سرقت بیش از آنکه متکی به تاریکی باشد به عامل خلوتی و دنج بودن محل نیازمند است. حدود ۹۰ درصد سارقین مکان سرقت خود را دارای ویژگی خلوت اعلام داشته اند. جرایم منافی عفت نیز از آن دسته ناهنجاری هایی است که بیش از دیگر جرائم به این ویژگی رابطه دارد (۸۷/۵ درصد) در حالی که مقایسه این رقم با جدول متقاطع تأثیر تاریکی، چنین نیازی به تاریکی محل در اعمال منافی عفت کمتر احساس می شود. جرایم علیه اشخاص (قتل، ضرب و جرح و ...) که تا حدودی به ویژگی تاریکی محل رابطه داشت (۵۱/۴ درصد) کمتر به شلوغی وابسته است (۳۴/۲ درصد) در گروه مجرمین قاچاق مواد مخدر اهمیت ناچیز به خلوتی محیط در ارتکاب عمل مجرمانه خود داده اند (۱۴ درصد) اما برای ویژگی تاریک بودن اهمیت بیشتر قائل شده اند (۴۵ درصد).

جدول ۷: چگونگی رابطه بین شلوغی و خلوتی محل با وقوع گروه های پنج گانه جرم

محل وقوع	محل شلوغ	محل خلوت	جمع
قاچاق مواد مخدر	۸۷/۱	۱۲/۹	۱۰۰
علیه اموال	۵۳/۶	۴۶/۴	۱۰۰
علیه اشخاص	۳۴/۲	۶۵/۸	۱۰۰
سرقت	۱۰	۹۰	۱۰۰
جرائم منکراتی	۱۲/۵	۸۷/۵	۱۰۰

Chi-squer=136/002 df=4 sig=0/000

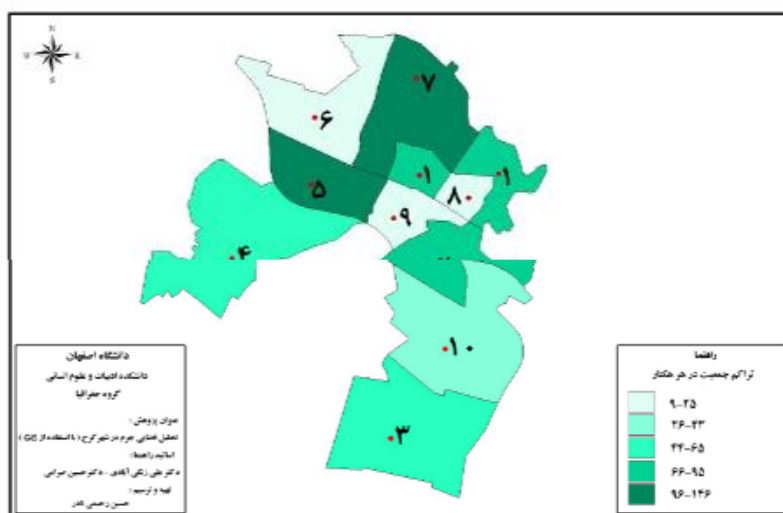
Contingency Coefficient: 0/509

رابطه میزان جرم و تراکم جمعیت

تراکم جمعیت به تفکیک مناطق ده‌گانه کرج (بر اساس نتایج آمارگیری سال ۱۳۸۱) نشان می‌دهد، جمعیت در این سطوح به‌طور یکنواخت پراکنده نیست. برخی قسمت‌ها مملو از جمعیت، بسیار متراکم و بخش‌هایی جمعیت کمتر دارند. درمجموع بیشترین تراکم جمعیت در نواحی داخلی مناطق ۵، ۷، ۲، ۱، ۳ و ۴ مشاهده می‌شود. ضمناً جمعیت در نواحی و بخش‌های داخلی هر منطقه نیز تفاوت زیادی را نشان می‌دهد.

بیشترین تراکم جرم در هر صد هزار نفر جمعیت در منطقه ۳ (فردیس، شهرک پاسدار، حافظیه، شهرک دهکده و شهرک ناز) منطقه ۲ (قلمستان، کلاک نو، آسیاب برجی، پارک شهید چمران، ترک آباد، شکرآباد، دهقان ویلا و شهرک ولیعصر) و منطقه ۴ (فازهای ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، مهرشهر، کوی مهر، شهرک دریا، حسین‌آباد افشار، کوی فرهنگ، احمدآباد و اکبرآباد) به چشم می‌خورد. کمترین نسبت جرم در واحد سطح در بخش‌هایی از منطقه ۸، ۱ و ۹ کرج دیده می‌شود. تحلیل نقشه‌های تراکم نسبی جرم - به ازای جمعیت و واحد سطح - به‌خوبی ارتباط مستقیم و مثبت تراکم جمعیت (در مناطق مختلف شهر) و تعداد جرم ارتكابی در هر منطقه را نشان می‌دهند؛ بنابراین هرقدر تراکم جمعیت در ناحیه یا منطقه‌ای از شهر کرج بیشتر باشد احتمال وقوع جرم در آن افزایش می‌یابد لذا می‌توان نتیجه گرفت که ارتكاب جرائم در نواحی پرجمعیت شهر بیشتر رخ می‌دهد. به نظر می‌رسد تعداد جمعیت بیشتر با افزایش تعاملات اجتماعی و منافع ساکنین آن‌ها، رفتارهای ناهنجار در مناطق و نواحی پرتراکم را افزایش می‌دهد. علاوه بر این، ازدحام جمعیت که یکی از موانع کنترل اجتماعی محسوب می‌شود، موجب اזהم‌گیسختگی و ناهمگونی روابط افراد شده لذا به‌عنوان عاملی و مؤثر در بروز جرم عمل می‌کند.

۳۶۴



نقشه ۲: تراکم نسبی جمعیت در مناطق ده‌گانه شهر کرج

بحث و نتیجه‌گیری

مطالعه حاضر با هدف تبیین علل جرم در بین جوانان ساکن در استان البرز انجام شده است. شهر کرج به «ایران کوچک» معروف است، زیرا اگر ایران تنوعی از فرهنگ‌ها و زبان‌های مختلف

را دارا می‌باشد، کرج همه این تنوع‌های فرهنگی را یکجا دارد؛ وجود زندان در داخل شهر کرج و چند زندان دیگر در اطراف شهر، خانواده‌های زندانیان را از همه جای ایران به کرج می‌کشاند و خیلی از این خانواده‌ها به دلیل سختی‌های رفت‌وآمد، معمولاً در مناطق حاشیه‌ای شهر ساکن می‌شوند؛ همچنین، مسائلی مانند وجود منطقه حاشیه‌نشین در داخل شهر، همسایگی با پایتخت و تردد روزانه حدود پانصد هزار نفر بین تهران و کرج، رشد بی‌سابقه قیمت مسکن در تهران و در نتیجه کوچ اجباری اقشار متوسط و کم‌درآمد به کرج، مهاجرت‌پذیری بالا به دلیل یافتن شغل برای قشری که اکثر آن‌ها در گروه سنی جوان می‌باشند و در نهایت، این که البرز تنها استانی است که بالای ۹۰ درصد جمعیت آن شهرنشین هستند، همه این‌ها ویژگی‌های منحصربه‌فردی هستند که کلان‌شهر کرج را از سایر کلان‌شهرها متمایز می‌کند. این ویژگی‌ها گرچه می‌تواند در صورت مدیریت مناسب، به سرمایه‌های اجتماعی و اقتصادی تبدیل شود ولی از طرف دیگر، به لحاظ نظری می‌تواند زمینه‌های کج‌روی و جرم را مساعدتر نماید. یافته‌های مطالعه از تنوع و میزان بالای جرایم و گوناگونی متغیرهای اثرگذار بر وقوع جرم حکایت دارد.

با توجه به یافته‌ها، متغیرهای مهاجرت (جاذبه شهری و دافعه غیر شهری)، همسالان، خانواده ازهم‌گسیخته، رسانه‌های ارتباطی، فقر اقتصادی و فضای کالبدی (تاریکی، خلوتی، تراکم جمعیت) از متغیرهای تأثیرگذار بر ارتکاب جرائم بودند که این یافته با پیش‌فرض‌های مطالعه مهاجرت‌پذیری استان و تأثیر آن بر وقوع جرم-همخوانی دارد. مصرف مواد مخدر، روابط جنسی نامشروع و جرایم علیه اموال، بیشتر از سایر جرایم گزارش شدند. جنسیت، سن و تحصیلات، یکی از متغیرهای ثابت در تبیین جرم بوده‌اند. مردان مجرم‌تر از زنان (بالای ۹۰ درصد) بوده‌اند. گروه سنی ۲۰ تا ۳۰ سال بیشتر از گروه‌های سنی دیگر مرتکب جرم می‌شوند، به‌نحوی که میزان جرائم در سنین بالای ۲۰ سال و به‌خصوص در گروه سنی ۲۵ تا ۳۰ ساله به بیشترین حد خود رسیده، به‌طوری که تقریباً ۳۷٫۶ درصد مجرمین در این گروه سنی قرار دارند. مدت اقامت مجرمین در کرج قبل از ارتکاب جرم و دستگیری آن‌ها نشان داد که بین ۱۰ تا ۳۵ درصد آن‌ها کمتر از یک سال است که به کرج آمده‌اند. تنها حدود ۳۰ درصد از مجرمین، مالک محل سکونت خود بودند. حدود ۶۱ درصد مجرمین، شب را برای ارتکاب جرم خود انتخاب می‌کنند و ۳۹ درصد روز را.

مجرمان اکثراً فاقد شغل و شاغلین هم کارگر ساده (نیمه ماهر)، شغل آزاد (خیاط، تراشکار، آهنگر)، راننده (سبک شهری و راننده سنگین بین‌شهری)، کاسب و فروشنده بوده‌اند. این افراد در زمان ارتکاب جرم با شرایط نامناسب مالی مواجه بوده‌اند. در این میان، گروه‌های جرم علیه اشخاص (قتل، ضرب و جرح، سرقت و قاچاق مواد مخدر) وضعیت نامساعدتری نسبت به گروه‌های جرم علیه اموال (چک بلامحل و کلاهبرداری) و منافی عفت دارند. بین ۲۵ تا ۴۵ درصد از افراد گروه نخست، در میزان ارتکاب جرم و قبل از آن که دستگیر و راهی زندان شوند، درآمدی نداشته یا درآمد ماهیانه آن‌ها رقمی کمتر از ۵۰۰ هزار تومان بوده که بر اساس معیار خط فقر، جایگاه اقتصادی نامطلوب این افراد بهتر مشخص می‌شود. این نتایج، یعنی تأثیر شرایط اقتصادی با ارتکاب جرم، با نتایج مطالعه شاطریان و همکاران (۱۳۹۹) نیز همخوانی دارد.

نحوه پراکندگی محل ارتکاب جرایم در سطح شهر بیانگر این نکته مهم است که تعداد جرایم با روندی افزایشی در مناطق حاشیه‌نشین شهر بیشتر شده است و بالاترین حد ناهنجاری در بخش شمال غربی، جنوب، غرب و مناطق مجاور آن رخ داده است. چنانچه تقسیم‌بندی مناطق ده‌گانه شهرداری کرج و نواحی داخلی آن ضابطه تفکیک بخش‌های مختلف شهر کرج پذیرفته شود،

می‌توان نتیجه گرفت که بیشتر جرایم در مناطق ۶، ۳، ۵، ۲ و ۴ دیده می‌شود و این در حالی است که مناطق حاشیه‌ای شمال، مرکز و شمال شرق و از جمله مناطق ۹، ۸، ۱ و ۷ از کمترین میزان جرم برخوردار است. این تأثیر فضای کالبدی بر جرم با یافته‌های شاطریان و همکاران (۱۳۹۹) همخوانی دارد. همچنین، با توجه به تأثیر عوامل اجتماعی، اقتصادی و کالبدی بر وقوع جرم، یافته‌های مطالعه حاضر با سایر مطالعات، از جمله حاتمی‌نژاد و همکاران (۱۳۹۳)، اسفجیر (۱۳۹۵)، گلچین و مفاخری (۱۳۹۶)، کروگر (۲۰۱۲)، اندرسون (۲۰۱۳)، بونانو (۲۰۱۴)، کجالو و لیند بلوم (۲۰۱۵) همسو می‌باشد.

یافته‌های مطالعه نشان داد که وقوع جرم می‌تواند تحت تأثیر فضای کالبدی، فقر، مهاجرت، وضعیت اشتغال و خانواده باشد. به عبارتی، مجموعه‌ای از عوامل در سطوح مختلف کلان، میانه و خرد باعث جرم می‌شوند. مطالعه رویکردهای نظری در تبیین جرم هم نشان داد که خوانش از مفهوم جرم، نحوه ارتکاب و علل آن در گذر زمان تغییر می‌کند؛ لذا می‌طلبد که مطالعه علمی در خصوص جرم نیز همپای این تغییرات «به‌روز» باشند. رصد مداوم جرایم و استفاده از روش‌های ترکیبی، به‌ویژه مطالعات کیفی از جمله این پیشنهادات است.

منابع

- امیری، عبدالرضا؛ نوری، یونس و بساطیان، سید محمد. (۱۳۹۱). «بررسی رابطه استفاده از شبکه‌های ماهواره‌ای و گرایش بهره‌برداران به آسیب‌های اجتماعی در بین جوانان شهر کرج». نشریه نظم و امنیت انتظامی. دوره ۴، شماره ۴.
- ایمانی، نفیسه، ترسیسیانس، امیلیا. (۱۳۹۱). «مطالعه انسان شناسانه پدیده کودکان کار خیابانی در شهر کرج»، مسائل اجتماعی ایران. دوره ۳، شماره ۱.
- باقری، رضا و ابراهیم‌زاد، میرهاشم. (۱۳۹۴). «تأثیر حاشیه‌نشینی در وقوع جرم با تأکید بر جرم سرقت (مطالعه موردی شهر کرج)». فصلنامه علمی تخصصی دانش انتظامی البرز. شماره ۹، دوره ۳.
- ترکمان، مهدی؛ پورغلامی، محمدرضا و مرادی، غلامرضا. (۱۳۹۰). «عوامل مؤثر بر گرایش نوجوانان پسر شهرستان کرج در خرده‌فرهنگ جرم». مطالعات امنیت اجتماعی. شماره ۲۷.
- حاتمی‌نژاد، حسین؛ مهدی، علی و مهدیان، معصومه. (۱۳۹۳). «نگرشی بر جرم خیزی و زمینه‌های ارتکاب به جرم در محلات حاشیه‌نشین». تحقیقات جغرافیایی. دوره ۲۹، شماره ۱.
- زکیخانی، محمدصادق. (۱۳۹۲). «پیامدهای توسعه نامتوازن: مطالعه موردی حاشیه‌نشینی در خط چهارم حصار شهر کرج. فصلنامه تخصصی علوم سیاسی». سال ۹، شماره ۲۵.
- زنگی آبادی، علی و رحیمی، نادر حسین. (۱۳۸۹). «مطالعه‌ای با عنوان تحلیل فضایی جرم در شهر کرج (با استفاده از GIS)». فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی (حقوق-مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی). دوره ۴۰، شماره ۲.
- سراج زاده، حسین و پویافر، محمدرضا. (۱۳۸۷). «دین و نظم اجتماعی: بررسی رابطه دین‌داری با احساس آنومی و کج‌روی در میان نمونه‌ای از دانشجویان». مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه خوارزمی. دوره ۱۶، شماره ۶۳.
- شاطریان، محسن؛ حیدری، رسول؛ شاطریان، محمود و دولتی‌اران، کامران. (۱۳۹۹). «مدل‌سازی و تحلیل عوامل مؤثر بر وقوع جرم در مناطق حاشیه‌نشین شهر کاشان». نشریه برنامه‌ریزی منطقه‌ای. دوره ۱۰، شماره ۳۷.
- صدفی، ذبیح اله و کولیوند، محمد. (۱۳۹۵). «تبیین جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر نگرش جوانان به جرم». مطالعات راهبردی ورزش و جوانان. دوره ۱۵، شماره ۳۱، از صفحه ۱ تا ۲۹.
- گلچین، مسعود. (۱۳۸۵). «انحراف اجتماعی جوانان در آیین پژهش‌ها». نامه علوم اجتماعی. دوره جدید، شماره پیاپی ۲۸، صص ۱۲۴ تا ۱۵۸.
- ولد، جرج؛ برنارد، توماس و اسنپس، جفری. (۱۳۸۰). جرم‌شناسی نظری (گذری بر نظریه‌های جرم‌شناسی). علی شجاعی. تهران: انتشارات سمت
- هزارجریبی، جعفر؛ ترکمان، مهدی و مرادی، غلامرضا. (۱۳۸۹). «عوامل مؤثر بر گرایش نوجوانان و جوانان پسر شهرستان کرج به مصرف مواد مخدر. پژوهش‌های مدیریت انتظامی. دوره ۵، شماره ۲.

- Andersen, P. A. (1993). **"Cognitive schemata in personal relationships"**. In S. Duck (Ed.), *Individuals in relationships* (pp. 1–29). Newbury Park, CA: Sage.
- Anderson, J. and J.M. MacDonald, and R. Bluthenthal, and S. Ashwood. (2013). **"Reducing crime by shaping the built environment with zoning: An empirical study of Los Angeles"**. University of Pennsylvania Law Review, 161, 699–756.
- Bailey, K. D. (1994). **Methods of Social Research**. New York: The Free Press.
- Beuick, M. D. (1984). **The vaudeville philosopher**. In C.W. Stein (Ed.), *American vaudeville as seen by its contemporaries*. New York: Alfred A. Knopf.
- Buonanno, P., Fergusson, L. and Vargas, F. J. (2014): **The Crime Kuznets Curve, Serie Documentos De Trabajo**, No. 155.
- Burt, S.A., &Donnellan, M.B (2008), **"Personality correlates of aggressive and non- aggressive antisocial behavior."** *Personality and Individual Differences*, 44, 53-63
- Caspi, A., McClay, J., Moffitt, T. E., mill, J., Martin, J., & Craig. I. W (2002). **Role of genotype in the cycle of violence in maltreated children**. *Science*, 297, 851-854.
- Darshini, Govindasamy, et all (2020). **"A qualitative enquiry into the meaning and experiences of wellbeing among young people living with and without HIV in KwaZulu-Natal"**, South Africa, *Social Science & Medicine*, volume 258.
- Esfajir Abbasi, Ali Asghar, Victim of the Principle of Valiyallah (2016): **"<< The Role of Social Components in Prevention of Urban Crime (Robbery and Drugs) >>, Case Study of Sari District Three Cities"**, *Journal of Urban Sociological Studies*, Volume 6, Number 20 Pp. 186-157.(In Persian)
- Golchin, Masoud, Sabaheddin, Mafakheri (1396): **"Studying the crime rate in the neighborhoods of Tehran and its effect on the trust of the interpersonal relationships of citizens"**, *Urban Sociological Studies Quarterly*, Eighth Year, No. 25, pp. 140- 117. (In persian)
- Hatami Nejad, Hossein, Hatami Nejad, Hojjat, Farabi Asl, Nir, Sabet Koushaki Nian, Mojtaba, Fawadi, Fatemeh (2012): **"Geographical Analysis on the Physical Impact of Urban Areas on Crime", Case Study: Informal Settlements Mashhad,** *Journal of Regional Planning*, Second Year, No. 7, pp. 65-75. (In persian)
- Kajalo, S. and A. Lindblom, (2015): **"Creating a safe and pleasant shopping environment: A retailer's view."** *Property Management*, 33(3), 275–286.
- Kruger, T. (2012): **"Safer by design- towards effective crime prevention through environmental design in South Africa"**, CSIR, Pretoria, Vol, 12, PP 211-294

تبیین جامعه‌شناختی عوامل موثر بر نگرش به عملکرد توسعه‌ای دولتمردان در ایران (از دیدگاه دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه‌های دولتی و غیر دولتی شهر زنجان)

پرویز ملکی^۱

چنور ظهراپی^۲

ذبیح‌اله صدفی^۳

علیرضا جهانگیری^۴

 10.22034/SSYS.2022.1898.2349

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۳/۳۱

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۴/۲۷

هدف پژوهش حاضر، تبیین جامعه‌شناختی عوامل موثر بر نگرش به عملکرد توسعه‌ای دولتمردان در ایران می‌باشد. این روش براساس هدف کاربردی و از نوع پیمایشی بود. ۳۹۰ نفر از دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی و دانشگاه دولتی- شهر زنجان با روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای انتخاب شدند. شیوه گردآوری داده‌ها میدانی و با استفاده از ابزار پرسشنامه بود. اعتبار ابزار تحقیق به روش صوری و پایایی آن به روش ضریب آلفای کرونباخ ($0/8$) تأیید گردید. تجزیه و تحلیل اطلاعات از طریق نرم افزار spss با به کارگیری آمارهای توصیفی شامل جداول فراوانی، میانگین، واریانس و برای آزمون فرضیه‌ها، ۲ پی‌رسون و رگرسیون انجام شده است. الف) براساس تحلیل رگرسیون: نگرش دانشجویان، به عملکرد توسعه‌ای دولتمردان، در بین دانشجویان میانسال ($+0/13$)، (به ترتیب بیشترین اثر) به: (نگرش به توسعه سیاسی $+0/49$)، نگرش به توسعه

۱- کارشناس ارشد جامعه‌شناسی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران (نویسنده مسئول)

E-mail: Malkip08@gmail.com

۲- کارشناس ارشد پژوهش اجتماعی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران

۳- استادیار، گروه علوم اجتماعی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران

۴- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی ورزش، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

● تبیین جامعه‌شناختی عوامل موثر بر نگرش به عملکرد توسعه‌ای دولتمردان در ایران (از دیدگاه دانشجویان

تحصیلات تکمیلی دانشگاه‌های دولتی و غیر دولتی شهر زنجان)

اقتصادی (+۰/۴۴) و شرکت در انتخابات (+۰/۱۴) بستگی دارد. ب) از بین متغیرهای مستقل وارد شده در مدل رگرسیون و متغیرهای مستقل خارج از معادله، بیشترین سهم تغییر نگرش به عملکرد توسعه‌ای دولتمردان (از مجموع ۷۴ درصد واریانس) مربوط به نگرش دانشجویان به مدیریت توسعه سیاسی دولت و مدیریت اقتصادی دولت است که در ارتباط مستقیم و افزایش‌دهنده نگرش دانشجویان (مسن و با مشارکت بالا در انتخابات اعم از دانشگاه دولتی و دانشگاه آزاد اسلامی - شهر زنجان) نسبت به عملکرد توسعه‌ای دولتمردان قرار دارد.

واژگان کلیدی: نگرش، عملکرد توسعه‌ای، دولتمردان، توسعه سیاسی، توسعه اقتصادی، توسعه اجتماعی و توسعه فرهنگی.

مقدمه

مفهوم توسعه از مفاهیم مهم زمان ما است، به طوری که کشورهای دنیا و اجتماعات بشری را براساس آن طبقه بندی می کنند. مثلاً کشورها را به توسعه یافته، در حال توسعه و توسعه نیافته طبقه بندی می کنند (پناهی، ۱۳۹۳: ۳). توسعه امری پویا، فراگیر و چند بعدی است که ذهن بسیاری از برنامه ریزان، دولتمردان، سیاستگذاران و سایر محققان و متخصصان را به خود مشغول ساخته است و هدف آن بهبود شرایط زندگی، توانمندی های انسانی، گسترش امکانات، بهره‌مندسازی انسان و ... است (رضائی پندری، ۱۳۹۷: ۲۲۴). به طوریکه دولت توسعه خواه، اهداف بلند مدت رشد و تغییرات ساختاری را مورد توجه قرار می دهد و در عین حال، از نیروی لازم برای ایجاد و تنظیم روابط سیاسی و اقتصادی لازم برای صنعتی سازی برخوردار است (عباسی، ۱۳۸۲: ۲۱۷). دولت توسعه خواه یعنی دولتی که سیاست های داخلی و روابط خارجی آن در جهت کسب قدرت، اقتدار، استقلال، توانمندی و ظرفیتی است که از طریق ایجاد و ارتقای شرایط رشد اقتصادی یا سازماندهی مستقیم رشد اقتصادی یا ترکیبی از این دو، تعیین، و تشویق دستیابی به اهداف آشکار توسعه ای را امکان پذیر می سازد. به طوری که دولتمردان می توانند و می خواهند که خط مشی ای را ایجاد کند و تداوم بخشند که توسعه را از راه گسترش سرمایه‌گذاری تولیدی، صادرات، رشد و رفاه انسانی پیش برد (همان: ۲۱۹). از بُعد تاریخی، مفهوم توسعه در سال های اولیه بعد از جنگ جهانی دوم، به خصوص با به ثمر نشستن جنبش های استقلال طلبانه که منجر به ظهور کشورهای جدیدی در عرصه بین المللی شد، و در نتیجه، هر کدام نیز خواهان دستیابی به درجات بیشتر رشد و توسعه بودند، عمدتاً مترادف با (صنعتی شدن) تلقی می شود. بعدها تفسیرها و نظریه های دیگری در مورد توسعه پایدار شد. برای مثال (آمارتیا سن) تعریف انسان گرایانه تری از توسعه مطرح کرد و آن را با مفهوم آزادی پیوند داد. آمارتیا سن در کتاب خود در سال ۱۹۸۸ توسعه را به معنای رهایی از عوامل محدود کننده آزادی (همچون گرسنگی یا حکومت استبدادی) دانست که فرصت ها و انتخاب افراد را محدود می کند. وی استدلال می کند که توسعه را باید بر حسب توسعه توانایی های مردم برای رهنمون کردن آنها به سمت زندگی شایسته ارزیابی کرد (سن، ۱۳۸۱). توسعه یک پدیده ی مقطعی و زودگذر نیست بلکه یک روند منظم، چند بعدی، مستمر و طولانی است که نقطه ی آغاز و پایانی دارد، امروزه رسیدن به توسعه همه جانبه و پایدار، دغدغه اصلی کشورها و دولت هایشان است (امام جمعه زاده و همکاران، ۱۳۹۵: ۹). از زمان ورود دولت مدرن به ایران در عصر مشروطه همواره یکی از دغدغه های اصلی سیاست گذاران، مباحث مربوط به توسعه بوده است. در دوران پهلوی اول و دوم نیز مسئله توسعه و گذار از توسعه نیافتگی به توسعه یافتگی با تدوین و اجرای برنامه های توسعه در کانون توجه دولت ها بوده است (فلاحی پیشه و شورچی، ۱۳۹۵: ۱۲۱). روند توسعه در ایران با بروز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران با یک روند توقف رو به رو شد. زیرا جنگ بخش مهمی از منابع انسانی و مادی ایران را تحلیل برد. در این جنگ ایران بخش چشم گیری از نیروهای انسانی جوان و متخصص خود را از دست داد و بخش قابل توجهی از تجهیزات صنعتی ایران از بین رفت. پس از جنگ نیز دولت ها سیاست های توسعه را در قالب برنامه مختلف، از جمله برنامه های پنج ساله توسعه دنبال کرده اند. با آن که نمی توان این واقعیت را انکار کرد که آن ها نقش چشم گیری در تحقق توسعه داشته اند، اما علی رغم تلاش های صورت گرفته جامعه ما نتوانسته است به اهداف توسعه همه جانبه دست یابد. اگر در این زمینه ما کشور خود را از نظر

● تبیین جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر نگرش به عملکرد توسعه‌ای دولتمردان در ایران (از دیدگاه دانشجویان

تحصیلات تکمیلی دانشگاه های دولتی و غیر دولتی شهر زنجان)

توسعه یافتگی با کشورهای در حال توسعه‌ای همچنین کره جنوبی، ترکیه و مالزی، مقایسه کنیم که روند توسعه را در دهه های اخیر شروع کرده اند و موفقیت های بسیار مهمی در این زمینه داشته‌اند. فاصله ما با توسعه یافتگی بیش تر و بهتر نمایان می شود. چنین کشورهایی با وجود آن که دارای منابع طبیعی و زیرزمینی مهم، هم چون نفت و گاز نیستند، چنان موفقیت هایی کسب کرده اند که واقعاً حیرت انگیز است (همان: ۱۲۲). بنابر آمارهای منتشره بانک مرکزی ایران و مؤسسات بین المللی، ایران در حال حاضر از جمله معدود کشورهایی است که سال های متمادی نرخ تورم و بیکاری بالا و دورقمی داشته است و علی رغم برخورداری از منابع غنی طبیعی و انسانی، نتوانسته نرخ رشد اقتصادی قابل توجه و حتی ثابتی را طی سی سال گذشته داشته باشد. علاوه بر این، اقتصاد ایران با مشکلاتی مانند رشد اقتصادی پایین، اقتصاد وابسته به نفت، عدم رقابت پذیری محصولات تولیدی، تسلط بخش نفت در اقتصاد و نداشتن تنوع و تکثر اقتصادی، عدم شکل‌گیری ارتباط با جهان خارج به جز در بخش نفت، کسری بودجه و منفی بودن تراز تجاری بدون احتساب صادرات نفتی روبروست (موثقی و کاهه، ۱۳۹۴: ۹۶۸). در هر حال ضمن آن که این واقعیت انکار نمی شود که ما در روند توسعه گام هایی برداشته ایم، اما عواملی همچنین جنگ تحمیلی، موانع فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی سرعت روند توسعه در ایران را کاهش داده اند. دستیابی به توسعه برای دوره ای طولانی، نه تنها ضرورت رفع مشکلات مهمی مانند کسری بودجه و معضل بیکار در کشور است، بلکه برای رسیدن ایران به اهداف سند چشم‌انداز و تبدیل شدن به کشور اول منطقه در افق ۱۴۰۴ نیز امر ضروری است. به لحاظ تاریخی گذار موفقیت آمیز به توسعه در دوره ای مشخص و تقریباً کوتاه مدت، تنها در شرق آسیا و از مجرای دخالت مؤثر دولت در اقتصاد کشور تبدیل به ضرورت شده است. (منابع غنی طبیعی کشور) همراه با (نیروی کار) فراوان و آموزش دیده، مقدرات اصلی کشور، منابع و ابزار لازم برای تحقق‌گذار به توسعه سریع را در اختیار دولت قرار می دهد (همان: ۹۶۸). دولت و سرآمدان حاکم مهم ترین کارگزاران برنامه ی توسعه در کشور هستند و می بایست مدیریت نوسازی و اصلاحات در عرصه های اساسی را به عهده گیرند. دولت با اصلاحاتی مبنایی در زمینه زیر ساخت‌های فیزیکی، نهادها و سیاست ها (سیاست گذاری و رویکردهای حکمرانی) برای تولید قدرت و توانمندسازی کشور به منظور تطبیق با اقتضانات فضای جدید اعمال کنند (موثقی و کاهه، ۱۳۹۴: ۹۶۸). وظیفه تصمیم‌گیران در دولت نه حکومت بر سرنوشت انسان ها بلکه مدیریت ترتیبات عمومی و برنامه های نوسازی به منظور نیل به توسعه و ایجاد فضای عقلانی و پیش‌بینی‌پذیر برای یک زندگی مرفه انسانی است (امام جمعه زاده و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۱). دولت در این راه نیازمند اعمال اصلاحات اساسی در زمینه های فیزیکی، نهادی و سیاست‌گذاری است تا با ایجاد توازن و انسجام میان بخش های مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی برنامه موفق را پیش ببرد. دولت باید گام های ابتدایی را هدفمند و برنامه ریزی شده بردارد تا پیش زمینه های ساختاری توسعه ایجاد شود. دولت با محوریت نخبگان توسعه گرا و به شدت ملی گرا وظیفه انباشت سریع سرمایه و سرمایه گذاری هدفمند آن در راستای ایجاد زیرساخت های توسعه‌ای و بازارهای جدید بر عهده می گیرد (همان: ۱۲). دولت به عنوان اصلی ترین بازیگر در عرصه ملی و فراملی است که سیاست گذاری ها و ساختار خود را با شرایط عصر جدید تطبیق می دهد. بر این اساس توسعه فرایندی است همه جانبه و معطوف به تمام ابعاد زندگی مردم و موجب تغییر در تمام ساختارهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و... به گونه ای که نه تنها از لحاظ

کمی بلکه باعث تغییرات کیفی در تمام ابعاد جامعه از جمله شیوه زندگی، رفاه اجتماعی و... می‌شود. همان گونه از تعریف مشخص شد توسعه به عنوان نوعی استراتژی در جهت حرکت به سوی شرایط مطلوب در تمام ابعاد و ساختارهای زندگی اجتماعی است (امام جمعه زاده و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۰). اهمیت نقش دولت در توسعه و سامان دادن به اقتصاد تا بدان اندازه است که حتی نهادهایی مانند بانک جهانی در دهه ۱۹۸۰ متأثر از سیاست های نئولیبرال، طرح تقویت دولت کارآمد به منظور تقویت بخش خصوصی را پیشنهاد داد تا از این طریق بتوان فرایند توسعه را به پیش برد و با نیل به رونق و رشد اقتصادی فضای کسب و کار را بهبود بخشید و به تبع آن، به کاهش سطح فقر دست یازید (بانک جهانی، ۱۹۹۲: ۱۱۲). اصولاً توسعه در تمام سطوح نیازمند به برنامه ریزی، سیاست گذاری و مدیریت بهینه و مؤثر می باشد ایران طی یک قرن اخیر، با وجود چالش ها، گام های مهمی را در راستای تکوین دولت توسعه گرا برداشته است: جامعه ای شهری با طبقه متوسط رشد یافته دارد؛ بوروکراسی فراگیر و قدرتمندی در آن مستقر است؛ دولتی متکی به نیروهای نظامی، انتظامی و امنیتی متمرکز دارد که با تکیه بر آن می تواند در دورترین نقاط کشور اعمال حاکمیت کند؛ دارای دولتی متکی به نخبگان سیاسی و بوروکراتیک است که از نیروهای سیاسی - اجتماعی استقلال نسبی دارد؛ دولت در ایران آرمان پیشرفت و توسعه دارد و دارای نوعی ایدئولوژی ناسیونالیستی است و صفت " ایرانی " را در مقدمه مدل (توسعه ایرانی - اسلامی) مطلوب خود قرار داده است. جایگاه و اهمیت کلیت موضوع توسعه هنگامی بیش تر نمایان می شود که نیم نگاهی به تغییرات جوامع در مقیاس جهانی به عمل آید تا روشن گردد که دست کم در شش دهه اخیر (از دهه پنجاه میلادی تاکنون) توسعه همواره در ردیف موضوع های اصلی محافل برنامه ریز و تصمیم ساز ملی و بین المللی بوده و نهادها و سازمان های زیادی در سطح جهان برای کمک به تحقق توسعه و توسعه یافتگی به ویژه در کشورهای در حال توسعه بسیج شده اند (عالی زاد، ۱۳۹۴: ۱۲۶). لذا مسئله اصلی در این پژوهش تبیین جامعه شناختی عوامل مؤثر بر نگرش به عملکرد توسعه ای دولتمردان در ایران است؛ از جمله دغدغه های اصلی محقق این است که عوامل مؤثر (توسعه سیاسی، توسعه اقتصادی، توسعه اجتماعی، توسعه فرهنگی و متغیرهای زمینه ای) بر نگرش دانشجویان به عملکرد توسعه ای دولتمردان در ایران تا چه حد تأثیر می گذارد؟ و هر کدام به چه میزان بر نگرش دانشجویان به عملکرد توسعه ای دولتمردان در ایران تأثیر می گذارند؟

تاکنون پژوهشی درباره عنوان تبیین جامعه شناختی عوامل مؤثر بر نگرش به عملکرد توسعه ای دولتمردان در ایران انجام نشده است و در اینجا تنها چکیده ای از چند عنوان مشابه را بررسی می کنیم.

جواد ارجمند و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان «حکمرانی و توسعه اقتصادی در ایران» به این نتیجه رسیدند که بهبود شاخص های حکمرانی مستقل از موقعیت جغرافیایی می تواند اثرات معناداری بر ارتقای شاخص های توسعه و بنابراین افزایش رفاه اجتماعی داشته باشد، اما با بررسی مطالعات انجام گرفته می توان گفت که با توجه به نوع حکمرانی حاکم بر ایران، فرایند توسعه اقتصادی ایران در دوره های مختلف زمانی بعد از انقلاب، شرایط متفاوتی را سپری نموده است و در هر دوره ای هر یک از شاخص های حکمرانی وضعیت متفاوتی را سپری نموده اند.

بایزیدی و حسین پناهی (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان «فرهنگ و توسعه: مقایسه شاخص های

● تبیین جامعه‌شناختی عوامل موثر بر نگرش به عملکرد توسعه‌ای دولتمردان در ایران (از دیدگاه دانشجویان

تحصیلات تکمیلی دانشگاه های دولتی و غیر دولتی شهر زنجان)

فرهنگی توسعه پذیر و ضد توسعه در ژاپن، بریتانیا و ایران» به این نتیجه رسیدند که فرهنگ ایرانی با وجود شاخص های توسعه پذیر همچون عدالت خواهی، جمع گرایی، پلورالیسم فرهنگی و احترام، دارای شاخص های فرهنگی ضد توسعه بیشتری در مقایسه با فرهنگ های اپنی و بریتانیایی است.

امام جمعه زاده و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «الگوی حکمرانی خوب؛ جامعه همکار و دولت کارآمد در مدیریت توسعه» به این نتیجه رسیدند که با استقرار شاخص های الگوی حکمرانی خوب و هم افزایی و شراکت بین بازیگران اصلی توسعه یعنی دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی جامعه همکار و دولت کارآمد سازماندهی خواهد شد. از طرفی دیگر بین شاخص های الگوی حکمرانی خوب و توسعه همه جانبه ارتباط وجود دارد.

عرب مازار و نورمحمدی (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «تحلیل انتقادی هدف های اقتصادی برنامه های توسعه در ایران (قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی)» به این نتیجه رسیدند که باید توسعه و برنامه های توسعه کشور با دقت علمی، تعریف و در مورد آن ها اجماع علمی حاصل شود. نتیجه بعدی این است که هیچ گونه نظریه مکتب علمی خاصی در اقتصاد کشور حاکم نبوده است تا اهداف اقتصادی برنامه های توسعه با آن تعریف شوند. در چنین فضایی، تنها منابع دولت و مردم برای رفع نارسایی ها و مشکلات کشور و آرمان و آرزوهای ساختار سیاسی و البته بدون توجه به یک نظریه علمی و راهبردی مورد نظر آن صرف شده اند و در عمل موفقیت چندانی حاصل نشده است.

موتقی، سید احمد و کاهه، علیرضا (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «دولت توسعه خواه و زمینه های توسعه در ایران» این ادعا را مطرح کردند که زمینه های گذار به توسعه از مسیر دخالت مؤثر دولت در اقتصاد ایران فراهم است که دسترسی دولت به منابع غنی مادی و انسانی، شامل منابع نفت و گاز و نیروی انسانی کشور، از جمله پشتوانه ها و زمینه هایی است که به دولت در رسیدن به اهداف توسعه ای خود یاری می رساند. هم زمان امکان عملیاتی شدن گذار به توسعه کشور از مسیر دخالت دولت در اقتصاد، در جمهوری اسلامی ایران نیز با چالش ها و موانع جدی روبه روست که برخاسته از ویژگی های خاص اقتصاد ایران یعنی گستردگی اقتصاد ناکارآمد دولتی و شیوه هزینه کرد درآمدهای نفتی توسط دولت است.

سپردوست (۱۳۸۸) در پژوهشی با عنوان «بررسی عملکرد دولت در توسعه اقتصادی- اجتماعی روستاهای استان همدان» به این نتیجه رسید که طی سال های ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۳، اگرچه سیاست های برنامه ای دولت در رشد و توسعه بخش های روستایی استان نابرابری توزیع امکانات و تسهیلات را در پی داشت، اما مقایسه ضریب تغییرات نشان می دهد که برنامه سوم توسعه با اثراتی مثبت بر توزیع متعادل تر امکانات توسعه ای در بخش زیر ساخت ها، آموزش و بهداشت روستایی شهرستان های استان همراه بوده است.

پاپایوانو^۱ (۲۰۱۳) در بررسی نقش اعتماد در توسعه اقتصادی اروپا در فاصله سال های ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۰ به این نتیجه رسید که در کشورهای با سرمایه اجتماعی بالاتر، دسترسی افراد به منابع مالی بانکی بالاتر بوده و این مناطق از بازارهای سرمایه توسعه یافته تری برخوردارند.

حسن و همکاران^۱ (۲۰۱۱) به بررسی اثر توسعه نهادی و تعمیق مالی بر رشد اقتصادی استان‌های چین طی دوره زمانی ۲۰۰۲-۱۹۸۶ پرداختند. نتایج نشان می‌دهد که توسعه بازارهای مالی، محیط قانونی، آگاهی از حقوق مالکیت و کثرت گرایی سیاسی با رشد اقتصادی قوی تر همراه است.

از نظر کلارک و همکارانش (۲۰۱۴) یکی از عواملی که در جهت دست یابی به هدف رشد پرشتاب و مستمر اقتصادی می‌تواند نقش اساسی ایفا کند، توسعه بخش مالی است. بخش مالی از بازارهای گوناگونی شامل بازار پول و سرمایه تشکیل شده است. اهمیت توسعه بخش مالی از آنجا نشأت می‌گیرد که بخش مالی کارآمد، نقشی اساسی در تجهیز منابع مالی برای سرمایه‌گذاری، تشویق ورود و تجهیز سرمایه خارجی و بهینه سازی ساز و کار تخصیص منابع ایفا می‌کند. مایکان و ایزدی (۲۰۱۵) در مطالعه خود، اثر ساختار مالی و توسعه مالی را بر رشد اقتصادی کشورهای منتخب اسلامی طی دوره ۱۹۸۹ تا ۲۰۱۱ با استفاده از روش حداقل مربعات کاملاً اصلاح شده (FMOLS) مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج بر مثبت و معنی دار شدن اثر هر دو متغیر ساختار ساختار مالی و توسعه مالی به عنوان شاخص‌های توسعه نظام مالی بر رشد اقتصادی دلالت می‌کند. یافته‌ها نیز مؤید این است که نظام مالی مبتنی بر بازار اثر قوی تری بر رشد اقتصادی دارد. همچنین، نتایج نشان می‌دهد در کوتاه مدت رابطه علی یک طرفه از متغیرهای توسعه نظام مالی به رشد اقتصادی و در بلند مدت رابطه دو طرفه وجود دارد که فرضیه مرحله توسعه یافتگی پاتریک (۱۹۶۶) را تأیید می‌نماید.

مبانی نظری پژوهش

بر مبنای هدف پژوهش یعنی تبیین جامعه‌شناختی عوامل موثر بر نگرش به عملکرد توسعه‌ای دولتمردان در ایران، به مبانی نظری پژوهش اشاره می‌گردد:

تئوری متغیر نگرش به عملکرد توسعه‌ای دولتمردان در ایران

تئوری ریچارد استیرز^۲: یکی از وظایف اولیه مدیران ایجاد انگیزه در کارکنان است به گونه‌ای که عملکرد آنها به بالاترین سطح ممکن برسد. بدین معنی که سخت‌تر تلاش کنند، به طور منظم در محل کار حاضر شوند و برای عملی شدن هدف‌ها و تصمیم‌های سازمان کوشش کنند. البته عملکرد علاوه بر انگیزش به توانایی فرد و آمادگی محیط نیز بستگی دارد. روابط متغیرها به شکل زیر می‌باشد.

$$P=f(A,M,E)$$

P=عملکرد مدیریت

A=توانمندی اجرای برنامه‌ها

M=انگیزش پذیرش نوآوری

E=امکان تغییر محیط

برای اینکه فردی به سطح بالایی از انگیزش برسد، باید تصمیم بگیرد که کار را انجام دهد. (انگیزش) بتواند کار را انجام دهد (توانایی) و مواد و وسایل مناسب انجام کار را در اختیار داشته

1. Hassan et al.

2. Richard Steers

● تبیین جامعه‌شناختی عوامل موثر بر نگرش به عملکرد توسعه‌ای دولتمردان در ایران (از دیدگاه دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه های دولتی و غیر دولتی شهر زنجان)

باشد (محیط). نبود هر یک از زمینه ها به عملکرد لطمه می زند. بنابراین مدیر باید اطمینان حاصل کند که شرایط سه گانه فوق فراهم می باشد (الوانی و معمارزاده، ۱۳۸۶: ۱۱۶).

تئوری مارتین فیش باین و آیسک آیزن^۱

مشهور ترین و مهم ترین تئوری را در زمینه نگرش فیش باین و آیزن ارائه کرده اند، بنظر فیش باین و آیزن در اثرشان فهمیدن گرایش ها و پیشگوئی رفتار اجتماعی، گرایش یا گرایش به سوی آن رفتار، یک متغیر فردی و شخصی است و طی آن کنشگران انجام یک رفتار یا یک پدیده را از نظر نگرش یا طرز تلقی موجود، مورد ارزیابی و یا تقلید قرار می دهند که آیا رفتار یا پدیده مذکور خوب است یا بد؟ لذا گرایش بر این اساس به نوبه خود تابع دو بعد می باشد (رفیع پور، ۱۳۷۸: ۱۰۱). گرایش به معنی یک نظام از تمایلات، عقاید و اعتقادات یک فرد نسبت به پدیده‌های محیط خود می باشد. این نظام از تمایلات و ... در طول زمان در پی تاثیرات محیطی (مثلاً تربیت) و تجربیات (به معنی وسیع آن) شکل گیری می شود و کم و بیش دارای قوام و دوام می باشد (رفیع پور، ۱۳۷۲: ۵). ۱- انتظار فایده: یعنی کنشگران تا چه حد از یک رفتار یا پدیده خاص در آینده دور یا نزدیک، در ارضاء نیازهای شخصی یا جمعی از لحاظ شاخص های ذهنی گرایش انتظار فایده خواهند داشت؟ ۲- ارزیابی فایده: یعنی آیا آن رفتار یا پدیده خاص در حال حاضر نسبت به گذشته، در ارضاء نیازهای شخصی یا جمعی، از لحاظ شاخص های عینی برای کنشگران احساس فایده به وجود می آورد یا نه؟. هنجار ذهنی در تئوری فیش باین - آیزن منعکس کننده نفوذ و فشار اجتماعی روی یک شخص برای انجام یک رفتار است. بدین معنی که شخص به آن توجه دارد که تا چه حد رفتارش مورد تایید یا توبیخ افراد یا گروههای خاص قرار خواهد گرفت. این افراد یا گروه‌ها در واقع نقش یک مرجع هدایت کننده رفتار را دارند که ممکن است پدر، مادر، دوستان نزدیک و همکاران و یا اهالی یک محل باشند این متغیر خود به دو عامل تجزیه می شود: ۱ - انتظار آنکه یک رفتار خاص از سوی دیگر افراد مهم گروه چگونه ارزیابی می شود که ما از این پس این دیگر افراد مهم را دیگران می نامیم. ۲ - انگیزه فرد برای پیروی از انتظارات دیگران (رفیع پور، ۱۳۷۲: ۱۱).

تئوری متغیر نگرش به توسعه اقتصادی^۲

نظریه روستو^۳ (۱۹۱۶): نظریه روستو را می توان پرآوازه ترین و جنجال برانگیزترین صاحب نظر در بین صاحب نظران توسعه اقتصادی خواند. آرای توسعه ای این صاحب نظر بیش از همه آرای توسعه ای دیگر مورد بحث و جدل های موافق و مخالف قرار گرفته است که این، صرف نظر از واکنش نسبت به نقش سیاسی روستو و مشاغل دولتی او، می تواند بازگوی اهمیت و قابلیت تأثیرگذاری آرا او باشد. مهم ترین بخش آرای توسعه ای روستو، نظر او درباره گذار از جامعه سنتی به جامعه صنعتی است که نخستین بار در کتاب مراحل رشد اقتصادی؛ بیانیه ای غیر کمونیستی مطرح شد و به مدل پنج مرحله ای روستو و یا مدل توصیف مرحله ای رشد مرسوم است. این پنج مرحله از این قرارند: ۱- جامعه سنتی که مشخصه آن تولید محصولات کشاورزی

1. Martin Fishbine and Ice Eisen
2. Economic Development
3. Rostou

است و بر محور خانواده یا طایفه سازمان یافته است و تقدیرگرایی مزمن بر آن حاکم است، ۲- شرایط قبل از خیز اقتصادی که لازمه ورود به مرحله دگرگونی و پیشرفت است، ۳- محله خیز اقتصادی که مشخصه آن فاصله گرفتن از جامعه سنتی از طریق افزایش سرمایه گذاری، گسترش شهرنشینی و ارتقاء بهروری است، ۴- مرحله بلوغ که طی آن تولیدات صنعتی تنوع شده و تکنیک‌های نوین ابداع می شود، ۵- بالاخره مرحله انبوه که با بالا رفتن سطح زندگی و افزایش شمار کارمندان و کارگران متخصص و ماهر و افزایش سرمایه گذاری ها در زمینه های تأمین اجتماعی، بهداشت و رفاه عمومی همراه است (حقیقی، ۱۳۹۵: ۸۸).

تئوری تودارو^۱: در کتاب توسعه اقتصادی در جهان سوم می نویسد توسعه را باید جریانی چند بعدی دانست که مستلزم تغییرات اساسی در ساخت اجتماعی، طرز تلقی عامه مردم و نهادهای ملی و نیز تسریع رشد اقتصادی، کاهش نابرابری و ریشه کن کردن فقر مطلق است (تودارو، ۱۳۷۰: ۱۳۵).

تئوری متغیر نگرش به توسعه سیاسی

نظریه ادوارد شیلز^۲: توسعه سیاسی را به گونه ای مستقل و پویا در نظر می گیرد که از اصول ویژه خود پیروی می کند. او به نقش و جایگاه همه دولت های در حال پیشرفت اشاره می کند و مهم ترین مانع توسعه سیاسی در جوامع جهان سوم را شکاف میان سنت و مدرنیته می داند. از این رو، به نظر شیلز ما با تعداد روندهای نوسازی مواجه خواهیم بود که خود ناشی از میزان آشتی پذیری سنت و مدرنیته است (بدیع، ۱۳۸۴: ۴۹).

نظریه آدریان لفت ویچ^۳: بیان می دارد که دولت های اقتدارگرا مانع بزرگی بر سر راه توسعه سیاسی هستند، چرا که نخبگان بوروکراتیک و سیاسی آن ها، به استقلال نسبی از نیروهای اجتماعی دست یافته اند و به همین دلیل، نهادهای جامعه مدنی مورد بی توجهی قرار گرفته و در صورت شکل گیری، ضعیف بوده و زیر نفوذ و کنترل شدید دولت قرار دارند (لفت ویچ، ۱۳۸۴: ۲۲۳).

تئوری متغیر نگرش به توسعه اجتماعی

دونگ کیم^۴: توسعه اجتماعی را درجه ای از ساختار اجتماعی می داند که به اکثریت مردم محروم جامعه نه تنها اجازه تقاضا برای برخورداری از منابع ملی را می دهد بلکه در جهت رسیدن به آن هدف، آنها را یاری می کند. از نظر او اگر تغییر ساختاری جامعه در مسیری باشد که فرصت‌های لازم را برای دستیابی توده محروم به سهم خود از منابع ملی در اختیار آنها قرار دهد، این مسیر، در اصل همان فرایند توسعه است. در واقع فرایند توسعه اجتماعی از دیدگاه این ره یافت، فرایندی است عاری از استعمار و استثمار خارجی در جامعه (نظری، ۱۳۷۷: ۱۳۲).

بانک جهانی^۵: توسعه اجتماعی را فرایند ایجاد دگرگونی های بنیادی در ساختارها و روابط

1. Todaro
2. Edward Shils
3. Adrian Leftwich
4. Dong Kim
5. World Bank

● تبیین جامعه‌شناختی عوامل موثر بر نگرش به عملکرد توسعه‌ای دولتمردان در ایران (از دیدگاه دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه های دولتی و غیر دولتی شهر زنجان)

اجتماعی با انگیزه تحقق اهدافی همچون ادغام اجتماعی، انسجام اجتماعی و پاسخگو کردن کارگزاران، امکانات و سازمان های صاحب قدرت می داند (کلانتری و دیگران، ۱۳۹۳: ۵).

تئوری متغیر نگرش به توسعه فرهنگی

تئوری آنتونی گیدنز^۱: عوامل فرهنگی نظیر: هنجارها، ارزش ها، اعتقادات و اعمال مذهبی، شیوه های تفکر و آگاهی، نظام های ارتباطی و رهبری ممکن است نیروی محافظه کار یا نوآور در زندگی اجتماعی ایجاد نمایند. معهذا در بسیاری از اوقات، عوامل فرهنگی بویژه اعتقادات مذهبی مبتنی بر خصلت انتقادی و نوگرایانه، در اعمال فشار برای ایجاد تغییر اجتماعی نقشی برانگیزنده ایفا می کنند. بنابراین عوامل فرهنگی به‌ویژه رهبران سیاسی و نظامی، شخصیت های بزرگ دینی، نوآوران در عرصه علم و فلسفه قادر به دنبال کردن سیاست های پویا هستند و می توانند توده ای را به دنبال خود بکشانند. و یا اینکه در برخورد با مسائل فرهنگی تغییر، شیوه های تفکر قدیمی را در راستای: ترویج آرمان های بهبود زندگی فردی، آزادی و برابری، مشارکت دموکراتیک براساس اقتدار عقلانی، به منظور بهبود و توسعه شیوه های زندگی و ترقی بشر در بیشتر نواحی دنیا، بر این اساس تغییر دهند (صدفی، ۱۳۹۷: ۱۲).

سازمان بین المللی و فرهنگی یونسکو^۲، توسعه فرهنگی را پیش نیاز توسعه یافتگی در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و ... می داند. بنابراین توسعه فرهنگی فرایندی است که طی آن تغییراتی در حوزه های ادراکی، شناختی، ارزشی و گرایش انسان های جوامع به وجود می آید. حاصل توسعه فرهنگی کنار گذاشتن خرده فرهنگ های غلط پیشین و جایگزینی آن با تفکری است که در اجتماع، محور تفکر انسان قرار گرفته و هدف آن دست یابی به نگرشی نو و دانایی محور نسبت به تمام مسائل جهان است. مفهوم توسعه فرهنگی برای نخستین بار در کنفرانس بین‌المللی سیاست های فرهنگی که در سال ۱۹۷۰ از سوی یونسکو در ونیز برگزار شد، مطرح گردید (کواکس، ۱۳۸۰: ۱۰). مقصود از توسعه ی فرهنگی، ایجاد شرایط و امکانات مادی و معنوی مناسب برای افراد جامعه به منظور شناخت جایگاه آنان و رشد و افزایش علم و دانش و معرفت انسان ها و هم چنین آمادگی برای تحول و پیشرفت و پذیرش اصول کلی توسعه، نظیر قانون‌پذیری، نظم و انضباط، بهبود روابط اجتماعی و انسانی و افزایش توانایی های علمی و اخلاقی و معنوی برای همه ی افراد جامعه است (نظرپور، ۱۳۷۸: ۴۴).

فرضیه های پژوهش

۱. بین نگرش به توسعه اقتصادی و نگرش به عملکرد توسعه‌ای دولتمردان در ایران، رابطه معناداری وجود دارد.
۲. بین نگرش به توسعه سیاسی و نگرش به عملکرد توسعه‌ای دولتمردان در ایران، رابطه معناداری وجود دارد.
۳. بین نگرش به توسعه اجتماعی و نگرش به عملکرد توسعه‌ای دولتمردان در ایران، رابطه معناداری وجود دارد.

۴. بین نگرش به توسعه فرهنگی و نگرش به عملکرد توسعه‌ای دولتمردان در ایران، رابطه معناداری وجود دارد.

۵. بین متغیرهای زمینه‌ای و نگرش به عملکرد توسعه‌ای دولتمردان در ایران، رابطه معناداری وجود دارد.

اهداف پژوهش

- تبیین رابطه نگرش به عملکرد توسعه‌ای دولتمردان در ایران (متغیر وابسته) و متغیرهای مستقل اصلی (نگرش به توسعه اقتصادی، نگرش به توسعه سیاسی، نگرش به توسعه اجتماعی، نگرش به توسعه فرهنگی).
- تبیین رابطه بین نگرش به عملکرد توسعه‌ای دولتمردان در ایران (متغیر وابسته) و متغیرهای مستقل زمینه‌ای (جنسیت، وضعیت مهاجرت، مقطع تحصیلی، نوع دانشگاه، وضعیت تأهل، وضعیت مسکن، وضعیت اشتغال، وضعیت ایاب و ذهاب، وضعیت شرکت در انتخابات، بُعد خانوار، سن).

۳۷۹

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از لحاظ هدف، از نوع کاربردی و از لحاظ شیوه تجزیه و تحلیل داده‌ها، توصیفی و همبستگی می‌باشد. جامعه آماری در تحقیق حاضر دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی و دانشگاه دولتی - شهر زنجان می‌باشد. که براساس آمار روابط عمومی دانشگاه‌ها در سال ۹۷-۹۶ تعداد آنها ۱۹۱۷۶ نفر می‌باشد. و با استفاده از جدول مورگان ۳۷۳ نفر به عنوان حجم نمونه محاسبه و به دست آمده است. همچنین برای پایای بیشتر حجم نمونه به ۳۹۰ نفر افزایش یافت. برای انتخاب نمونه از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای استفاده شد؛ در مرحله اول: دانشگاه آزاد اسلامی و دانشگاه دولتی - شهر زنجان به چهار دانشکده: (۱- دانشکده کشاورزی، ۲- دانشکده علوم، ۳- دانشکده علوم انسانی، ۴- دانشکده مهندسی)، تفکیک گردید. در مرحله دوم: (انتخاب چند رشته تحصیلی از بین رشته‌های تحصیلی در هر دانشکده)، مرحله سوم: نمونه‌گیری طبقه‌ای یا سهمیه‌ای (سهم دادن به هریک از مقاطع تحصیلی) و در مرحله آخر، پاسخگویان به روش تصادفی به نحوی که هر یک از افراد جامعه آماری دارای شانس مساوی برای انتخاب شدن به عنوان جمعیت نمونه را داشتند مطالعه شدند. شیوه گردآوری داده‌ها میدانی و با استفاده از ابزار پرسشنامه بود. روایی و پایایی پژوهش و سنجش توزیع نرمالیت داده‌ها از طریق آزمون آلفای کرونباخ (۰/۸) و آزمون اسمیرنوف کلموگروف ($\text{sig} > 0/05$) مورد تأیید قرار گرفت. تجزیه و تحلیل داده‌ها در چند مرحله و با استفاده از نرم افزار آماری SPSS انجام شد و به تناسب فرضیات پژوهش از آمارها و آزمون‌های آماری استفاده شد.

تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرهای پژوهش

بر مبنای هدف پژوهش یعنی تبیین جامعه‌شناختی عوامل مؤثر (شامل: توسعه سیاسی، توسعه اقتصادی، توسعه اجتماعی، توسعه فرهنگی و متغیرهای زمینه‌ای) بر متغیر وابسته (یعنی نگرش به عملکرد توسعه‌ای دولتمردان در ایران)؛ به تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرهای تحقیق، اشاره می‌گردد:

- تعریف مفهومی نگرش به عملکرد توسعه‌ای دولتمردان در ایران (تئوری ریچارد

● تبیین جامعه‌شناختی عوامل موثر بر نگرش به عملکرد توسعه‌ای دولتمردان در ایران (از دیدگاه دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه های دولتی و غیر دولتی شهر زنجان)

استیرز): از وظایف اولیه مدیران ایجاد انگیزه در کارکنان است به گونه ای که عملکرد آنها به بالاترین سطح ممکن برسد؛ بدین معنی که سخت‌تر تلاش کنند، به طور منظم در محل کار حاضر شوند و برای عملی شدن هدف‌ها و تصمیم‌های سازمان کوشش کنند. البته عملکرد علاوه بر انگیزش به توانایی فرد و آمادگی محیط نیز بستگی دارد. روابط متغیرها به شکل زیر می باشد:

$$P=f(A,M,E)$$

P=عملکرد مدیریت

A=توانمندی اجرای برنامه ها

M=انگیزش پذیرش نوآوری

E=امکان تغییر محیط

برای اینکه فردی به سطح بالایی از انگیزش برسد، باید تصمیم بگیرد که کار را انجام دهد. (انگیزش) بتواند کار را انجام دهد (توانایی) و مواد و وسایل مناسب انجام کار را در اختیار داشته باشد (محیط). نبود هر یک از زمینه ها به عملکرد لطمه می زند. بنابراین مدیر باید اطمینان حاصل کند که شرایط سه گانه فوق فراهم می باشد (الوانی و معمارزاده، ۱۳۸۶: ۱۱۶). تعریف عملیاتی نگرش به عملکرد توسعه ای دولتمردان در ایران (تئوری ریچارد استیرز): بر مبنای ابعاد سه گانه متغیر نگرش به عملکرد توسعه ای دولتمردان در ایران می توان به ابعاد ذیل اشاره نمود: ۱- بُعد توانمندی اجرای برنامه ها، ۲- بُعد انگیزش پذیرش نوآوری، ۳- بُعد امکان تغییر محیط.

● تعریف مفهومی نگرش به توسعه اقتصادی (تئوری پیتر بائر): آثار بائر عمدتاً به نقش فعالیت تجاری و اهمیت بخش غیر رسمی در کشورهای در حال توسعه، نقش محصولات پولی در توسعه، رابطه بین پیشرفت اقتصادی و توزیع شغلی، مسائل نظری و علمی مربوط به قیمت و ایجاد ثبات در درآمد مربوط می شود. آثار بائر همچنین در برگیرنده انتقادات تندی درباره برخی موضوعات بین المللی مربوط به توسعه از قبیل مدار بسته یا دور باطل فقر، شکاف فزاینده اختلاف درآمد در میان کشورها، طرز عمل کمک های خارجی و جنبه های نظری و عملی برنامه ریزی توسعه اقتصادی است. بائر مخالف سرسخت دخالت دولت در امور اقتصادی در کشورهای در حال توسعه است و این دخالت را تجربه اندوهناک توصیف می کند که فقط منجر به تحکیم هزینه های گزاف به تولیدکنندگان می شود و معتقد است که مدل های متداول رشد، بر ثابت ماندن عوامل مهمی مانند وضعیت سیاسی، نگرش مردم و وضع دانش عمومی تأکید دارند، در حالی که تجارت واقعی بازگویی تغییر مستمر این عوامل در فرایند توسعه است. بائر براساس مطالعات خود در دهه ۱۹۵۰ به این نتیجه رسید که برنامه ریزی جامع متمرکز برای پیشرفت اقتصادی ضرورت ندارد و چه بسا احتمال دارد که آن را با تأخیر نیز مواجه سازد و نه تنها چیزی بر منابع نمی افزاید که موجب انحراف منابع از سایر مصارف دولتی و خصوصی نیز می شود. و حکومت های فردگرایانه را که در بسیاری از کشورهای کمتر توسعه یافته حاکم است تقویت می کند. همچنین در تولید محصولات، تقاضای مصرف کنندگان را نادیده می گیرد و حیطه انتخاب و اختیار مردم را محدود می سازد. او در جمع بندی از آرمان نوسازی و توسعه استدلال می کند که عقب ماندگی تنها

یک نمونه آشکار از این واقعیت است که ترقی مادی بیش از آنکه به منابع فیزیکی مربوط باشد به ویژگی های شخصی، نهادها، رسوم اجتماعی و ترتیبات سیاسی بستگی دارد که موجد انگیزه برای تلاش و موفقیت هستند. باثر ابعاد فرایند توسعه اقتصادی را به این ترتیب خلاصه کرد: ۱- تحدید نقش دولت، ۲- اتکای تقریباً تام به بازار، ۳- اتکا به بازار جهانی سرمایه، ۴- احتراز از دریافت کمک های خارجی در تأمین نیازهای سرمایه ای، ۵- آزادسازی تجارت (حقیقی، ۱۳۸۹: ۴۵). تعریف عملیاتی نگرش به توسعه اقتصادی (تئوری پیتز بائر): بر مبنای ابعاد پنج گانه متغیر نگرش به توسعه اقتصادی می توان به ابعاد ذیل اشاره نمود: ۱- بُعد تحدید نقش دولت، ۲- بُعد اتکای تقریباً تام به بازار، ۳- بُعد اتکای به بازار جهانی سرمایه، ۴- بُعد احتراز از دریافت کمک های خارجی در تأمین نیازهای سرمایه ای، ۵- بُعد آزادسازی تجارت.

• تعریف مفهومی نگرش به توسعه سیاسی (تئوری والتر بنیامین)^۱: بنیامین نیز عقیده دارد تشریح اصول سیاسی باید حاوی شیوه هایی از اندازه گیری، ویژگی ها و عملکرد سیستم باشد. وی ابعاد کلیدی زیر را به عنوان نمونه برای توسعه سیاسی معرفی می نماید: ۱- بُعد مشارکت سیاسی، ۲- بُعد نهادینه کردن سیاسی، ۳- بُعد یکپارچگی ملی، به نظر وی فرایند توسعه سیاسی مجموعه ای از تغییرات سیاسی و تاریخی است که همراه با تهاجم صنعتی در جامعه رخ می دهد (هدی، ۱۹۷۸: ۹۴). تعریف عملیاتی نگرش به توسعه سیاسی (تئوری والتر بنیامین): بر مبنای ابعاد سه گانه متغیر نگرش به توسعه سیاسی می توان به ابعاد ذیل اشاره نمود: ۱. بُعد مشارکت سیاسی، ۲- بُعد نهادینه کردن سیاسی، ۳- بعد یکپارچگی ملی.

• تعریف مفهومی نگرش به توسعه اجتماعی (تئوری آرت شولت)^۲: توسعه اجتماعی فرایندی از تغییرات است که منجر به بهبود در بهزیستی و روابط اجتماعی می شود که منصفانه تر و سازگارتر با اصول حکومت دموکراتیک و عادلانه است. تعریف عملیاتی نگرش به توسعه اجتماعی (تئوری آرت شولت): بر مبنای ابعاد چهار گانه متغیر نگرش به توسعه اجتماعی می توان به ابعاد ذیل اشاره نمود: ۱. بعد امنیت اجتماعی، ۲- بُعد کیفیت زندگی، ۳- بُعد عدالت اجتماعی، ۴- بُعد همبستگی (وفاق) اجتماعی.

• تعریف مفهومی نگرش به توسعه فرهنگی (تئوری آنتونی گیدنز)^۳: عوامل فرهنگی نظیر هنجارها، ارزش ها، اعتقادات و اعمال مذهبی، شیوه های تفکر و آگاهی، نظام های ارتباطی و رهبری ممکن است نیروی محافظه کار یا نوآور در زندگی اجتماعی ایجاد نمایند. با این همه در بسیاری از اوقات، عوامل فرهنگی به ویژه اعتقادات مذهبی مبتنی بر خصلت انتقادی و نوگرایانه، در اعمال فشار برای ایجاد تغییر اجتماعی نقشی برانگیزنده ایفا می کنند. بنابراین عوامل فرهنگی به ویژه رهبران سیاسی و نظامی، شخصیت های بزرگ دینی، نوآوران در عرصه علم و فلسفه قادر به دنبال کردن سیاست های پویا هستند و می توانند توده ای را به دنبال خود بکشانند و یا اینکه در برخورد با مسائل فرهنگی تغییر، شیوه های تفکر قدیمی را (در راستای ترویج آرمان های بهبود زندگی فردی، آزادی و برابری، مشارکت دموکراتیک

1. Walter Benjamin
2. Art Shult
3. Anthony Giddens

● تبیین جامعه‌شناختی عوامل موثر بر نگرش به عملکرد توسعه‌ای دولتمردان در ایران (از دیدگاه دانشجویان

تحصیلات تکمیلی دانشگاه‌های دولتی و غیر دولتی شهر زنجان)

براساس اقتدار عقلانی)، به منظور بهبود و توسعه شیوه‌های زندگی و ترقی بشر در بیشتر نواحی دنیا، اساساً تغییر دهند (صدفی، ۱۳۹۷: ۱۲). تعریف عملیاتی نگرش به توسعه فرهنگی (آنتونی گیدنز): بر مبنای ابعاد چهارگانه متغیر نگرش به توسعه فرهنگی می‌توان به ابعاد ذیل اشاره نمود: ۱- بُعد ترویج آرمان‌های بهبود زندگی فردی، ۲- بُعد آزادی و برابری، ۳- بُعد مشارکت دموکراتیک براساس اقتدار عقلانی.

● تعریف مفهومی متغیرهای مستقل زمینه‌ای (پیتر رسی و رابرت چین^۱): به عقیده پیتر رسی و رابرت چین، منظور از متغیرهای زمینه‌ای، تمام مشخصه‌های بیولوژیکی و اجتماعی شهروندان است اهمیت متغیرهای زمینه‌ای از آنجا ناشی می‌شود که بسیاری از این ویژگی‌ها ممکن است نقش فزاینده یا کاهنده‌ای در میزان متغیر وابسته تحقیق داشته باشند. بدین ترتیب سؤال این است که چگونه می‌توان به طور نسبتاً مطمئن متغیرهای زمینه‌ای را به طور سیستماتیک جستجو و آنها را در تحقیقاتمان بررسی نمائیم. رسی و همکارانشان در کتاب اخیرشان با عنوان «ارزیابی برنامه‌ها» ضمن اشاره به محدودیت‌های تئوری‌های علوم اجتماعی در جهت یافتن متغیرها و مشکلات و موانعی که در نتیجه، در راه بررسی و ارزیابی تأثیرات نهادها و سازمان‌ها وجود دارد چند دسته از متغیرهایی را که هنگام ارزیابی لازم هستند ذکر می‌کنند. بمنظور یافتن متغیرها به صورت سیستماتیک‌تر تئوری از آقای رابرت چین مناسب بنظر می‌رسد (رفیع پور، ۱۳۷۲: ۲۳-۲۲). تعریف عملیاتی متغیرهای مستقل زمینه‌ای (پیتر رسی و رابرت چین): ۱- صفات فردی (سن، جنس، سواد، وضعیت اقتصادی، تأهل، قومیت، آگاهی، نوع شغل) ۲- صفات خانوار (برنامه زندگی، تعداد اعضا و تعداد بچه‌ها، درآمد خانوار، اموال، مشاغل، وضعیت مسکن، قومیت) ۳- صفات واحد سازمانی (اندازه، سطوح دستوردهی و تصمیم‌گیری، تعداد واحدها، تعداد نقش‌ها و فعالیت‌ها، نوع صفت، نرخ رشد و میزان بودجه) ۴- صفات مجتمع‌ها براساس تقسیمات کشوری (مانند روستاها و شهرها، ساخت اقتصادی، ساخت سیاسی، وضعیت جغرافیایی، جمعیت، نرخ رشد و تراکم جمعیت).

یافته‌های پژوهش

الف) توصیف ویژگی‌های جامعه مورد مطالعه

طبق جدول ۱، بر مبنای نیاز به تنظیم فراوانی متغیرهای زمینه‌ای (جنسیت، وضعیت مهاجرت، مقطع تحصیلی، نوع دانشگاه، وضعیت تأهل، وضعیت مسکن، وضعیت اشتغال، وضعیت ایاب و ذهاب، وضعیت شرکت در انتخابات، دیدگاه نسبت به نوع نظام حکومتی، بُعد خانوار و سن)؛ با توجه به خروجی ناشی از آمار توصیفی، داده‌های تحقیق (به درصد)، می‌توان گفت:

بیشترین توزیع متغیرهای زمینه‌ای مربوط است به: دانشجویان مرد یا پسر (۶۷/۲)، ساکن شهر زنجان (۶۶/۴)، مقطع لیسانس / ارشد (۹۵/۱)، متأهل (۵۸/۵)، دارای مسکن غیر شخصی (۵۷/۵۲)، شاغل (۵۳/۶)، دارای وسیله نقلیه شخصی (۵۶/۷)، مشارکت کننده در انتخابات (۸۱/۰)، دارای خانواده بیشتر از ۳ نفر (۶۲/۶)، بیشتر از ۳۰ سال سن (۵۰/۳) که در دانشگاه آزاد اسلامی زنجان، مشغول به تحصیل هستند.

کمترین توزیع متغیرهای زمینه‌ای مربوط است به: دانشجویان زن یا دختر (۳۲/۸)، غیر بومی

(۳۳/۶)، مقطع دکترا (۴/۹)، مجرد (۴۱/۵)، دارای مسکن شخصی (۴۲/۸)، غیرشاغل (۴۶/۴)، وسیله ترددشان عمومی (۴۳/۳)، عدم مشارکت در انتخابات (۱۹/۰)، دارای خانواده کمتر از ۳ نفر (۳۷/۴)، کمتر از سی سال سن (۴۹/۷) که در دانشگاه دولتی زنجان، مشغول به تحصیل هستند.

جدول ۲: موقعیت اقتصادی و اجتماعی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی و دانشگاه دولتی - شهر زنجان

سؤالات فردی یا شخصی (متغیرهای زمینه‌ای)	(0)	(1)
جنسیت پاسخگو (لطفاً پاسخگوی گرمی علامت بزنید)	۳۲/۸	زن / دختر ۶۷/۲
شما اهل همین شهرید یا از شهر دیگری آمدید؟	۳۳/۶	شهردیگر / غیربومی ۶۶/۴
الآن در چه مقطعی مشغول به تحصیل هستید؟	۹۵/۱	لیسانس / ارشد ۴/۹
ممکنه دانشگاه محل تحصیلتان را بفرمایید؟	۶۵/۶	غیردولتی / آزاد ۳۴/۴
در حال حاضر شما مجردید یا ازدواج کرده‌اید؟	۴۱/۵	مجرد ۵۸/۵
خانه‌ای که در آن هستید متعلق به خودتان است یا خیر؟	۵۷/۲	غیرشخصی ۴۲/۸
در حال حاضر مشغول به کاری هستید یا نه؟	۴۶/۴	غیرشاغل ۵۳/۶
بیشتر از چه نوع وسیله‌ای برای ایاب و ذهاب استفاده می‌کنید؟	۴۳/۳	عمومی ۵۶/۷
تا بحال اصلاً در انتخابات ریاست جمهوری شرکت داشتید؟	۱۹/۰	خیر شرکت نکردم ۸۱/۰
چند نفر باهم زیر یک سقف در خانه زندگی می‌کنید؟	۳۷/۴	خانواده تا ۳ نفر ۶۲/۶
ممکنه بفرمائید چند سال (سن) دارید؟	۴۹/۷	تا ۳۰ سال ۵۰/۳
		بیش از ۳۰ سال

ب) آزمون فرضیه‌های پژوهش

طبق جدول ۲ و ۳، بر مبنای آزمون فرضیه‌های دو متغیره (ضریب همبستگی پیرسون) می‌توان گفت:

- بین نگرش به عملکرد توسعه‌ای دولتمردان (متغیر وابسته) و متغیرهای مستقل اصلی (نگرش به توسعه اقتصادی، نگرش به توسعه سیاسی، نگرش به توسعه اجتماعی، نگرش به توسعه فرهنگی)، رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد.
- بین نگرش به عملکرد توسعه‌ای دولتمردان (متغیر وابسته) و متغیرهای مستقل زمینه‌ای (جنسیت، وضعیت مهاجرت، مقطع تحصیلی، نوع دانشگاه، وضعیت تأهل، وضعیت مسکن، وضعیت اشتغال، وضعیت ایاب و ذهاب، وضعیت شرکت در انتخابات، بُعد خانوار، سن)، رابطه معناداری مشاهده نشد.

جدول ۲: ضریب همبستگی پیرسون^۱ بین متغیرهای مستقل اصلی و متغیر وابسته

تبيين جامعه‌شناختی عوامل موثر بر نگرش به عملکرد توسعه‌ای دولتمردان در ايران (از ديده‌گاه دانشجويان تحصيلات تکمیلی دانشگاه های دولتی و غير دولتی شهر زنجان)

(V4)	(V3)	(V2)	(V1)	(Y)	ضريب همبستگی پيرسون	
۰/۶۳۱	۰/۷۰۰	۰/۷۹۵	۰/۷۶۳		نگرش به عملکرد توسعه‌ای دولتمردان	متغير وابسته (Y)
۰/۷۶۲	۰/۸۶۷	۰/۶۹۵		۰/۷۶۳	نگرش به توسعه اقتصادی	(V1)
۰/۶۳۱	۰/۶۵۷		۰/۶۹۵	۰/۷۹۵	نگرش به توسعه سياسی	(V2)
۰/۸۸۰		۰/۶۵۷	۰/۸۶۷	۰/۷۰۰	نگرش به توسعه اجتماعی	(V3)
	۰/۸۸۰	۰/۶۳۱	۰/۷۶۲	۰/۶۳۱	نگرش به توسعه فرهنگی	(V4)

بر اساس نتايج جدول ۲ می‌توان بيان نمود که از نظر دانشجويان، عملکرد توسعه‌ای دولتمردان (به طور مستقيم و نسبتاً شديد) بستگی به مدیریت توسعه اقتصادی، توسعه سياسی، توسعه اجتماعی، توسعه فرهنگی دولتمردان دارد.

جدول ۳: ضريب همبستگی پيرسون بين متغيرهای مستقل زمينه‌ای و متغير وابسته

ضريب همبستگی پيرسون	نگرش به عملکرد توسعه‌ای دولتمردان (متغير وابسته)
جنسيت	۰/۰۹۳
وضعيت مهاجرت	۰/۱۳۷**
مقطع تحصیلی	۰/۱۴۹**
نوع دانشگاه	۰/۱۰۵*
وضعيت تأهل	۰/۰۱۴
وضعيت مسکن	۰/۰۴۷
وضعيت شغلی	۰/۱۸۸**
وسيله تردد	۰/۰۸۲-
وضعيت شرکت در انتخابات	۰/۰۲۳-
بعد خانوار	۰/۰۳۲
سن	۰/۱۵۱**

براساس جدول سوم: می‌توان استدلال نمود که نگرش به عملکرد توسعه‌ای دولتمردان بر حسب متغيرهای زمينه‌ای تفاوت معناداری با عملکرد توسعه‌ای دولتمردان نداشته است و مشابه هم بوده اند. بر اين مبنا فرضيه پژوهش رد و فرضيه صفر مبني عدم رابطه نگرش به عملکرد توسعه‌ای دولتمردان و متغيرهای زمينه‌ای تاييد می‌گردد.

دوم) فرضيه چندمتغيره پژوهش

به نظر می‌رسد نگرش به عملکرد توسعه‌ای دولتمردان (Y (متغير وابسته) از لحاظ متغيرهای مستقل زمينه‌ای (Xi) (اعم از: جنسيت، وضعيت مهاجرت، مقطع تحصیلی، نوع دانشگاه، وضعيت تأهل، وضعيت مسکن، وضعيت اشتغال، وضعيت اياب و ذهاب، وضعيت شرکت در انتخابات، بعد

خانوار، سن)، بستگی به نگرش به توسعه اقتصادی (V1)، نگرش به توسعه سیاسی (V2)، نگرش به توسعه اجتماعی (V3)، نگرش به توسعه فرهنگی (V4) (عوامل مؤثر)، داشته باشد.

آزمون فرضیه چندمتغیره پژوهش

(۱) تأمین اعتبار تحلیل رگرسیون

طبق جدول ۴، در این تحقیق با برآورد ضریب تحمل یا مقدار تولرانس در نگرش به توسعه سیاسی (۰/۴۹۶)، نگرش به توسعه اقتصادی (۰/۴۷۱)، میزان شرکت در انتخابات (۰/۹۲۰)، سن (۰/۹۷۷)، می توان گفت: این میزان (بین صفر و یک) حائز اندازه ای مطلوب برای نمایش همبستگی میان متغیرهای مستقل می باشد. درواقع متغیرهای مستقل علاوه بر اینکه در یک آستانه قابل تحمل (با توجه به مقادیر اغماض) بر یکدیگر تأثیر و تأثر دارند. با برآورد مقدار عامل تورم واریانس که در آن سهم نگرش به توسعه سیاسی (۰/۴۹۶)، نگرش به توسعه اقتصادی (۰/۴۷۱)، میزان شرکت در انتخابات (۰/۹۲۰)، سن (۰/۹۷۷)، تقریباً مساوی یک تلقی می گردد؛ حاکی از آن است که می توان پذیرفت بین این متغیرهای مستقل واردشده در مدل رگرسیونی (نگرش به توسعه سیاسی، نگرش به توسعه اقتصادی، شرکت درانتخابات، سن) در تأثیرگذاری بر متغیر وابسته (نگرش به عملکرد توسعه ای دولتمردان) مشکل هم خطی وجود ندارد.

۳۸۵

جدول ۳: ضرایب مدل رگرسیونی عوامل مؤثر بر متغیر وابسته

آماره	آماره های تشخیص های هم خطی		مدل رگرسیونی
	دوربین واتسون ^۱	عامل تورم واریانس ^۳	مقدار اغماض ^۲
۱/۷۰۷		۲/۰۱۵	نگرش به توسعه سیاسی
		۰/۱۲۵	نگرش به توسعه اقتصادی
		۱/۰۸۷	میزان شرکت در انتخابات
		۱/۰۲۴	سن

(۲) وزن عوامل مؤثر بر متغیر وابسته (خلاصه مدل رگرسیونی)
طبق جدول ۵، بیش از نیمی^۴ (۷۴ درصد) از تغییرات متغیر وابسته، در سطح معناداری قابل قبول، مربوط به این مدل می باشد و الباقی تغییرات متغیر وابسته، به تأثیرات ناشی از روابط بین این متغیرها و یا روابط با سایر متغیرهای مستقل که در این معادله وارد نشده اند، بستگی دارد؛ بنابراین در ارتباط با تأثیرگذاری متغیرهای مستقل واردشده در مدل رگرسیونی بر متغیر وابسته، در این تحقیق می توان گفت:

1. Durbin-Watson
2. Tolerance Value
3. Variance Inflation Factor =VIF
4. $R^2_{yx_i} = 0/648$

۱. تفسير مُدل ۱: با توجه به تأثیر نگرش به توسعه سياسی، بر نگرش به عملکرد توسعه‌ای دولتمردان Y در سطح معناداری قابل قبول^۱، ملاحظه می‌گردد که نگرش به توسعه سياسی، مقدار ۶۳ درصد از واريانس نگرش به عملکرد توسعه‌ای دولتمردان Y را (برمبنای مجذور رگرسيون اصلاح شده) تبیین می‌نماید.

۲. تفسير مُدل ۲: با توجه به تأثیرگذاری اشتراکی نگرش به توسعه سياسی و نگرش به توسعه اقتصادی، بر نگرش به عملکرد توسعه‌ای دولتمردان Y در سطح معناداری قابل قبول، ملاحظه می‌گردد که با اضافه شدن نگرش به توسعه اقتصادی، مقدار ۷۱ درصد از واريانس نگرش به عملکرد توسعه‌ای دولتمردان (برمبنای مجذور رگرسيون اصلاح شده) تبیین می‌گردد؛ که درعين حال اين تأثیرگذاری مشترک ناشی از نگرش به توسعه سياسی و نگرش به توسعه اقتصادی (برمبنای تغيير مجذور رگرسيون) باعث اضافه شدن حدود ۸ درصد از واريانس مورد تبیین در راستای نیل به تغيير نگرش به عملکرد توسعه‌ای دولتمردان شده است.

۳. تفسير مُدل ۳: با توجه به تأثیرگذاری اشتراکی نگرش به توسعه سياسی، نگرش به توسعه اقتصادی و میزان شرکت درانتخابات، بر نگرش به عملکرد توسعه‌ای دولتمردان Y در سطح معناداری قابل قبول، ملاحظه می‌گردد که با اضافه شدن میزان شرکت درانتخابات، مقدار ۷۳ درصد از واريانس نگرش به عملکرد توسعه‌ای دولتمردان Y (برمبنای مجذور رگرسيون اصلاح شده) تبیین می‌گردد؛ که درعين حال اين تأثیرگذاری مشترک ناشی از نگرش به توسعه سياسی، نگرش به توسعه اقتصادی و میزان شرکت درانتخابات، (برمبنای تغيير مجذور رگرسيون) باعث اضافه شدن حدود ۲ درصد از واريانس مورد تبیین جهت نیل به تغيير نگرش به عملکرد توسعه‌ای دولتمردان Y می‌شود.

۴. تفسير مُدل ۴: با توجه به تأثیرگذاری اشتراکی نگرش به توسعه سياسی، نگرش به توسعه اقتصادی، میزان شرکت درانتخابات و میزان سن دانشجويان، بر نگرش به عملکرد توسعه‌ای دولتمردان Y در سطح معناداری قابل قبول، ملاحظه می‌گردد که با اضافه شدن میزان سن دانشجويان، مقدار ۶۵ درصد از واريانس نگرش به عملکرد توسعه‌ای دولتمردان Y (برمبنای مجذور رگرسيون اصلاح شده) تبیین می‌گردد؛ که درعين حال اين تأثیرگذاری مشترک ناشی از نگرش به توسعه سياسی، نگرش به توسعه اقتصادی، میزان شرکت درانتخابات و میزان سن دانشجويان (برمبنای تغيير مجذور رگرسيون) باعث اضافه شدن حدود کمتر از ۱ درصد از واريانس مورد تبیین جهت نیل به تغيير نگرش به عملکرد توسعه‌ای دولتمردان Y می‌شود.

جدول ۴: خلاصه مدل رگرسیونی عوامل مؤثر بر متغیر وابسته

مدل ^۱	آر رگرسیون ^۲	مجدور آر ^۳	مجدور آر تعدیل یافته ^۴	اشتباه استاندارد ^۵	تغییر مجذور آر ^۸	تغییر نسبت فیشر ^۹	تغییر سطح معناداری ^{۱۰}	آماره دو-رین-واتسون ^۷
۱	۰/۷۹۵	۰/۶۳۲	۰/۶۳۱	۰/۳۸۰۶۹	۰/۶۳۲	۶۶۷/۵۷۱	۰/۰۰۰	
۲	۰/۸۴۷	۰/۷۱۸	۰/۷۱۷	۰/۳۳۳۸۰	۰/۰۸۶	۱۱۷/۶۶۰	۰/۰۰۰	۱/۷۰۷
۳	۰/۸۵۸	۰/۷۳۵	۰/۷۳۳	۰/۳۲۳۸۵	۰/۰۱۷	۲۵/۱۵۸	۰/۰۰۰	
۴	۰/۸۶۷	۰/۷۵۱	۰/۷۴۹	۰/۳۱۴۳۰	۰/۰۱۶	۲۴/۸۰۸	۰/۰۰۰	

۳) اثر عوامل مؤثر بر متغیر وابسته (آزمون فرضیه چندمتغیره)
 طبق جدول ۶ با توجه به ضرایب مدل رگرسیونی^{۱۵} (شیب رگرسیون^{۱۶}) و مدل تجربی تحقیق (در چهارچوب فرضیه چندمتغیره پژوهش)؛ در این تحقیق می توان گفت نگرش دانشجویان (دانشگاه دولتی و دانشگاه آزاد اسلامی شهر زنجان) به عملکرد توسعه ای دولتمردان بستگی دارد به:

- افزایش ۴۹ درصدی نگرش به توسعه سیاسی؛
- افزایش ۴۴ درصدی نگرش به توسعه اقتصادی؛
- کاهش ۱۴ درصدی میزان شرکت درانتخابات؛
- افزایش ۱۳ درصدی سن دانشجویان؛

1. Model
2. Multiple R
3. Multiple R2
4. Adj. R2
5. SE
6. Change Statistics
7. Durbin-Watson
8. R2Change
9. F Change
10. Sig. F Change

۱۱- نگرش به توسعه سیاسی^{۲۷}

۱۲- نگرش به توسعه سیاسی^{۲۷} + نگرش به توسعه اقتصادی^{۲۸}

۱۳- نگرش به توسعه سیاسی +^{۲۹} نگرش به توسعه اقتصادی +^{۳۰} شرکت در انتخابات^{۳۱}

۱۴- نگرش به توسعه سیاسی +^{۳۲} نگرش به توسعه اقتصادی +^{۳۳} شرکت در انتخابات^{۳۴} + سن^{۳۵}

15. Coefficientsa: Regression Method: Stepwise

16. Beta= β

تبیین جامعه‌شناختی عوامل موثر بر نگرش به عملکرد توسعه‌ای دولتمردان در ایران (از دیدگاه دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه های دولتی و غیر دولتی شهر زنجان)

جدول ۶: ضرائب مدل رگرسیونی^۱ (شیب رگرسیون^۲)

مدل ^۳	ضرائب غیراستاندارد ^۴		ضرائب استاندارد ^۵		آزمون تی استیودنت ^۶	سطح معناداری ^۷	همبستگی‌ها ^۸			آماره‌های تشخیص هم خطی ^۹	
	مقدار شیب	اشتباه استاندارد	شیب رگرسیون	شیب رگرسیون			مرتبه به صف	تفکیکی	نیمه تفکیکی	مقدار اغماض ^{۱۰}	عامل تورم واریانس ^{۱۱}
۱	constan	۱/۱۸۲	۰/۰۶۰	۱۹/۵۸۹	۰/۰۰۰						
	نگرش به توسعه سیاسی	۰/۵۵۳	۰/۰۲۱	۰/۷۹۵	۲۵/۸۳۷	۰/۰۰۰				۰/۷۹۵	۱/۰۰۰
	constant	۰/۸۵۹	۰/۰۶۱		۱۴/۱۴۷	۰/۰۰۰					
۲	نگرش به توسعه سیاسی	۰/۳۵۶	۰/۰۲۶	۰/۵۱۲	۱۳/۶۴۵	۰/۰۰۰				۰/۷۹۵	۱/۹۳۵
	نگرش به توسعه اقتصادی	۰/۳۱۴	۰/۰۲۹	۰/۴۰۷	۱۰/۸۴۷	۰/۰۰۰				۰/۷۶۳	۱/۹۳۵
	constant	۰/۹۸۲	۰/۰۶۴		۱۵/۳۹۱	۰/۰۰۰					
۳	نگرش به توسعه سیاسی	۰/۳۳۳	۰/۰۲۶	۰/۴۸۰	۱۲/۹۶۱	۰/۰۰۰				۰/۷۹۵	۱/۹۹۷
	نگرش به توسعه اقتصادی	۰/۳۵۴	۰/۰۲۹	۰/۴۶۰	۱۲/۱۳۱	۰/۰۰۰				۰/۷۶۳	۲/۰۹۴
	شرکت در انتخابات	-۰/۲۱۴	۰/۰۴۳	-۰/۱۳۷	-۵/۰۱۶	۰/۰۰۰				-۰/۲۴۷	۱/۰۸۳
۴	constant	۰/۵۶۴	۰/۱۰۴		۵/۴۱۲	۰/۰۰۰					
	نگرش به توسعه سیاسی	۰/۳۴۵	۰/۰۲۵	۰/۴۹۶	۱۳/۷۶۴	۰/۰۰۰				۰/۷۹۵	۲/۰۱۵
	نگرش به توسعه اقتصادی	۰/۳۳۷	۰/۰۲۹	۰/۴۳۷	۱۱/۸۰۸	۰/۰۰۰				۰/۷۶۳	۲/۱۲۵
	میزان شرکت در انتخابات	-۰/۲۲۶	۰/۰۴۱	-۰/۱۴۴	-۵/۴۴۶	۰/۰۰۰				-۰/۲۶۷	۱/۰۸۷
	سن	۰/۰۱۴	۰/۰۰۳	۰/۱۲۸	۴/۹۸۱	۰/۰۰۰				۰/۱۵۱	۱/۰۲۴
										۰/۲۴۶	۰/۹۷۷

1. Coefficientsa: Regression Method: Stepwise

2. Beta= β

3. Model

4. Unstandardized Coefficients

5. Standardized Coefficients

6.t

7.Sig.

8.Correlations

9. Collinearity Diagnostics Statistics

10.Tolerance Value

11.Variance Inflation Factor =VIF

۴) سهم عوامل مؤثر بر متغیر وابسته (معادله مجذور رگرسیونی):

طبق کادر (۱)، باتوجه به معادله مجذور رگرسیونی^۱ یا محاسبه تعامل عوامل از طریق برآورد ضریب تعیین^۲، بر مبنای تبیین سهم (کل و جزء) یا تأثیرگذاری متغیرهای مستقل وارد شده در مدل رگرسیونی (در تمایز بین R^2 و β_i)، در این تحقیق می‌توان گفت: متغیرهای مستقل وارد شده ذیل در مدل رگرسیونی با هم به اندازه ۷۴ درصد در تغییر (افزایش) نگرش دانشجویان (دانشگاه دولتی و دانشگاه آزاد اسلامی شهر زنجان)، به عملکرد توسعه‌ای دولتمردان، مشارکت دارند. به عبارت دیگر جمعاً مقدار ۷۴ درصد تغییر در نگرش دانشجویان (دانشگاه دولتی و دانشگاه آزاد اسلامی شهر زنجان)، با تأثیر به هم پیوسته متغیرهای مستقل وارد شده ذیل در مدل رگرسیونی قابل تبیین است:

۱. سهم نگرش به توسعه سیاسی،
۲. سهم نگرش به توسعه اقتصادی،
۳. سهم میزان شرکت در انتخابات،
۴. سهم سن دانشجویان.

اما نکته حایز اهمیت این است که از این مقدار ۷۴ درصد با تأثیر به هم پیوسته متغیرهای مستقل وارد شده در مدل رگرسیونی سهم تأثیر جداگانه هر یک از عوامل مؤثر بر نگرش دانشجویان به عملکرد توسعه‌ای دولتمردان (دانشگاه دولتی و دانشگاه آزاد اسلامی - شهر زنجان) چقدر است؟ درواقع از این مقدار (جمعاً ۷۴ درصد) سهم تأثیر جداگانه هر یک از این متغیرهای مستقل وارد شده در مدل رگرسیونی بر نگرش دانشجویان به عملکرد توسعه‌ای دولتمردان (دانشگاه دولتی و دانشگاه آزاد اسلامی - شهر زنجان) مربوط است به:

۱. سهم ۳۹ درصدی^۴ افزایش نگرش به توسعه سیاسی؛
۲. سهم ۳۳ درصدی^۵ افزایش نگرش به توسعه اقتصادی؛
۳. سهم ۱ درصدی^۶ افزایش میزان شرکت در انتخابات؛
۴. سهم ۱ درصدی^۷ افزایش میزان سن دانشجویان.

بدین ترتیب از بین متغیرهای مستقل وارد شده در مدل رگرسیون و متغیرهای مستقل خارج از معادله، بیشترین سهم تغییر نگرش به عملکرد توسعه‌ای دولتمردان (از مجموع ۷۴ درصد واریانس) مربوط به، نگرش دانشجویان به مدیریت توسعه سیاسی دولت و مدیریت اقتصادی دولت است؛ که در ارتباط مستقیم و افزایش دهنده نگرش دانشجویان (مسن و با مشارکت بالا در انتخابات اعم از دانشگاه دولتی و دانشگاه آزاد اسلامی - شهر زنجان) نسبت به عملکرد توسعه‌ای دولتمردان قرار دارد.

$$1. R^2_{yx_i} = \beta_i r_{yx_i}$$

$$2. \text{Coefficient of Determination}$$

$$3. R^2_{yx_i} = 0/748$$

$$4. \beta_1 r_{yx1} = + 0/394$$

$$5. \beta_2 r_{yx2} = + 0/333$$

$$6. \beta_3 r_{yx3} = + 0/003$$

$$7. \beta_4 r_{yx4} = 0/018$$

● تبیین جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر نگرش به عملکرد توسعه‌ای دولتمردان در ایران (از دیدگاه دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه های دولتی و غیر دولتی شهر زنجان)
معادله مجذور رگرسیون عوامل مؤثر بر متغیر وابسته

$$\begin{aligned} R^2_{yx_i} &= \beta_1 r_{yx_1} = \beta_1 r_{yx_1} + \beta_2 r_{yx_2} + \beta_3 r_{yx_3} + \beta_4 r_{yx_4} \\ &= (0.496)(0.795) + (0.437)(0.763) + (-0.124)(-0.023) + (0.128)(0.151) \\ &= 0.394 + 0.333 + 0.003 + 0.018 \\ &= 0.748 \end{aligned}$$

بحث و نتیجه‌گیری

توسعه امری پویا، فراگیر و چند بعدی است که ذهن بسیاری از برنامه ریزان، دولتمردان، سیاستگذاران و سایر محققان و متخصصان را به خود مشغول ساخته است و هدف آن بهبود شرایط زندگی، توانمندی های انسانی، گسترش امکانات، بهره مندسازی انسان و ... است. امروزه رسیدن به توسعه همه جانبه و پایدار، دغدغه اصلی کشورها و دولت هایشان است. دستیابی به توسعه برای دوره ای طولانی، نه تنها ضرورت رفع مشکلات مهمی مانند کسری بودجه و معضل بیکاری در کشور است، بلکه برای رسیدن ایران به اهداف سند چشم انداز و تبدیل شدن به کشور اول منطقه در افق ۱۴۰۴ نیز امر ضروری است. به لحاظ تاریخی گذار موفقیت آمیز به توسعه در دوره ای مشخص و تقریباً کوتاه مدت، تنها در شرق آسیا و از مجرای دخالت مؤثر دولت در اقتصاد کشور تبدیل به ضرورت شده است. (منابع غنی طبیعی کشور) همراه با (نیروی کار) فراوان و آموزش دیده، مقدمات اصلی کشور، منابع و ابزار لازم برای تحقق گذار به توسعه سریع را در اختیار دولت قرار می دهد. دولتمردان مهم ترین کارگزاران برنامه توسعه در کشور هستند و می بایست مدیریت نوسازی و اصلاحات در عرصه های اساسی را به عهده گیرند. هدف پژوهش حاضر، تبیین جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر نگرش به عملکرد توسعه‌ای دولتمردان در ایران می‌باشد. این روش بر اساس هدف کاربردی و از نوع پیمایشی بود. ۳۹۰ نفر از دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی و دانشگاه دولتی- شهر زنجان انتخاب شدند. شیوه گردآوری داده‌ها میدانی و با استفاده از ابزار پرسشنامه بود. اعتبار ابزار تحقیق به روش صوری و پایایی آن به روش ضریب آلفای کرونباخ (۰/۸) تأیید گردید. تجزیه و تحلیل اطلاعات از طریق نرم افزار SPSS با به کارگیری آمارهای توصیفی شامل جداول فراوانی، میانگین، واریانس و برای آزمون فرضیه‌ها، R پیرسون و رگرسیون انجام شده است نتایج تحقیق نشان می‌دهد که نگرش دانشجویان، به عملکرد توسعه‌ای دولتمردان، در بین دانشجویان میانسال (+۰/۱۳)، بستگی به مدیریت توسعه سیاسی دولت (+۰/۴۹)، مدیریت توسعه اقتصادی دولت (+۰/۴۴) و میزان شرکت در انتخابات (+۰/۱۴) دارد. بنابراین می‌توان گفت دولت به عنوان اساسی ترین رکن مدار توسعه، نقش مهمی در ایجاد بسترهای نهادی لازم جهت فعالیت بهینه سایر ارکان و برقراری تعامل ارگانیک، مستمر و سازنده میان آنها بوده، همان گونه از تعریف مشخص شد توسعه به عنوان نوعی استراتژی در جهت حرکت به سوی شرایط مطلوب در تمام ابعاد و ساختارهای زندگی اجتماعی است. بنابراین دولت باید گام های ابتدایی را هدفمند و برنامه ریزی شده بردارد تا پیش زمینه های ساختاری توسعه ایجاد شود. این مطلب در راستای تحقیقات انجام شده (جوادی ارجمند و همکاران (۱۳۹۷)، مورد تایید قرار می‌گیرد. امروزه رابطه بین سطح توسعه یافتگی و رفاه، رضایت از زندگی، سلامت روانی و احساس خوشبختی در میان شهروندان براساس پژوهش های تجربی گوناگون تأیید شده

است. پژوهش های تجربی، از جمله در ایران، نشان می دهند که به موازات تحقق توسعه، بزهکاری ها و آسیب های اجتماعی کاهش می یابد (ناطق پور، ۱۳۸۶). وظیفه تصمیم گیرندگان در دولت نه حکومت بر سرنوشت انسان ها بلکه مدیریت ترتیبات عمومی و برنامه های نوسازی به منظور نیل به توسعه و ایجاد فضای عقلانی و پیش بینی پذیر برای یک زندگی مرفه انسانی است. دولتمردان در این راه نیازمند اعمال اصلاحاتی اساسی در زمینه های فیزیکی، نهادی و سیاست گذاری است تا با ایجاد توازن و انسجام میان بخش های مختلف اقتصادی، اجتماعی و سیاسی برنامه ی موفق ی را پیش ببرد. در این راستا پیشنهاد می گردد: جهت ارتقای عملکرد توسعه ای دولتمردان در خصوص کاهش تاثیر تحریم ها و فشار آن بر اقشار مردم، بهتر است نسبت به توزیع بسته های معیشتی مختلف در جامعه به صورت دوره ای اقدام نمایند، بسیار ضروری و مبرم است تا نسبت به منابع ایجاد آلودگی در محیط اقدامات لازم را به عمل آورند، با فساد مالی مقابله کنند، جامعه ی مدنی را تا حد مقدور همراه خود ساخته و در راه اصلاحات و مبارزه با فساد و انحراف از برنامه ی توسعه و نوسازی از آن بهره گیرند و سرانجام دولت باید به دنبال راه های افزایش اشتغال در جامعه برای جوانان و تحصیل کرده ها، گسترش پارک های علم و فناوری، مراکز رشد، تهیه بسترها و زمینه های ورود توریسم و ... باشد.

تبیین جامعه‌شناختی عوامل موثر بر نگرش به عملکرد توسعه‌ای دولتمردان در ایران (از دیدگاه دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه های دولتی و غیر دولتی شهر زنجان)

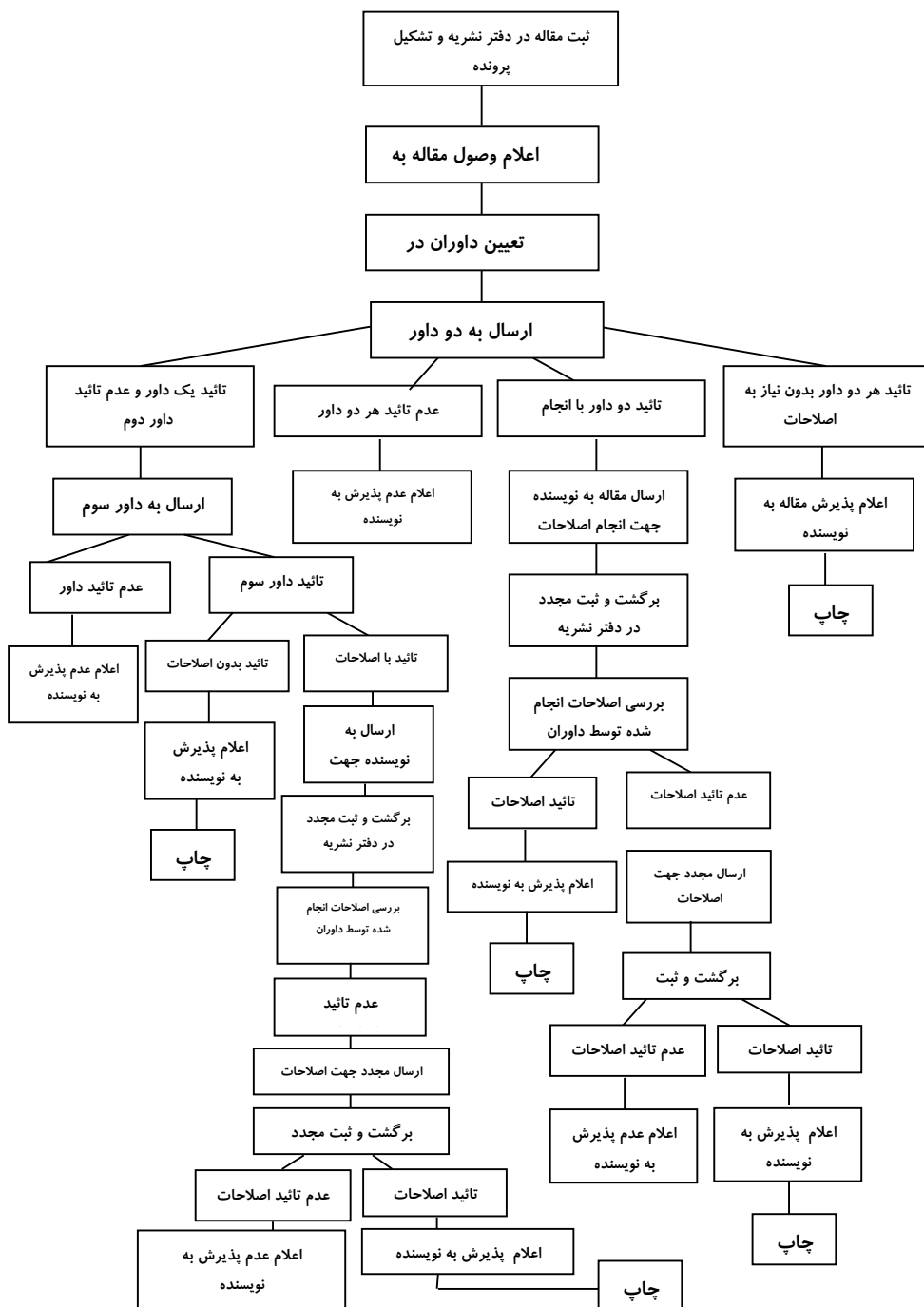
منابع

- امام جمعه زاده، سید جواد؛ شهرام نیا، امیرمسعود و صفریان گرمه خانی، روح الله. (۱۳۹۵). «الگوی حکمرانی خوب؛ جامعه همکار و دولت کارآمد در مدیریت توسعه». فصلنامه تخصصی علوم سیاسی. سال ۱۲، شماره ۳۶، صص ۷-۴۰.
- بایزیدی، رحیم و حسین پناهی، حلیمه. (۱۳۹۷). «فرهنگ و توسعه: مقایسه شاخص‌های فرهنگی توسعه پذیر و ضد توسعه در ژاپن، بریتانیا و ایران». دو فصلنامه جامعه شناسی اقتصادی و توسعه. سال ۸، شماره ۱، صص ۱-۳۰.
- پناهی، محمد حسین. (۱۳۹۳). «توسعه فرهنگی ضرورت توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی». فصلنامه برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی. شماره ۲۲، صص ۱-۲۲.
- تودارو، مایکل. (۱۳۶۷). توسعه اقتصادی در جهان سوم. غلام علی فرجادی. تهران: سازمان برنامه و بودجه.
- جوادى ارجمند، محمد جعفر؛ مکرملی پور، محمد باقر و نقدی نژاد، مطهره. (۱۳۹۷). «حکمرانی و توسعه اقتصادی در ایران، پژوهش های راهبردی انقلاب اسلامی». سال ۲، شماره ۶، صص ۱۴۳-۱۱۵.
- حقیقی، ایمان. (۱۳۸۹). «فراز و نشیب ها در نظریات اقتصاد توسعه». راهبرد یاس. سال ۲، شماره ۵.
- رضائی پندری، عباس. (۱۳۹۸). «طراحی چارچوب سیاست‌گذاری توسعه پایدار با رویکرد ترکیبی ISM-ipa». فصلنامه مجلس و راهبرد. سال ۲۷، شماره ۱۰۱، صص ۲۴۲-۲۲۳.
- رفیع‌پور، فرامرز. (۱۳۷۲). سنجش گرایش روستاییان به جهاد سازندگی. تهران: جهاد سازندگی.
- سن، آمارتیا. (۱۳۸۱). توسعه بمثابه آزادی، سید احمد موثق. تهران: دانشگاه تهران. دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
- صدفی، ذبیح‌اله. (۱۳۹۷). روش تحقیق کاربردی. تهران: جامعه شناسان
- عالی زاد، اسماعیل (۱۳۹۴)، «بازتاب توسعه اجتماعی در برنامه های توسعه جمهوری اسلامی ایران (برنامه های اول تا پنجم)». فصلنامه علوم اجتماعی. سال ۲۵، شماره ۷۰.
- عرب مازار، عباس و نورمحمدی، خسرو. (۱۳۹۵). «تحلیل انتقادی هدف های اقتصادی برنامه های توسعه در ایران (قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی)». مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران. دوره ۵، شماره ۱، صص ۴۲-۱۹.
- فلاحت پیشه، حشمت و شورچی، حافظ. (۱۳۹۵). «بررسی مقایسه ای رویکرد توسعه‌ای دولت های هفتم و هشتم (اصلاحات) و نهم و دهم (عدالت)». نشریه رهیافت انقلاب اسلامی. سال ۱۰، شماره ۳۴، صص ۱۳۶-۱۱۷.
- کلانتری، عبدالحسین؛ راغفر، حسین؛ بربری، محمد جواد و غفاری، غلامرضا. (۱۳۹۶). «بررسی تطبیقی تأثیر توسعه آموزشی بر توسعه ایران و کشورهای منتخب». پژوهش در نظام های آموزشی. شماره ۳۸، صص ۱۳۵-۱۰۴.
- لغت ویج، آدریان. (۱۳۷۸). دموکراسی و توسعه. احد علیقیان و افشین خاکباز. تهران: طرح

نو

- مصلی نژاد، عباس و شیخ زاده، حسین. (۱۳۹۱). «نقش نفت در توسعه اقتصادی ایران، فصلنامه سیاست». مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی. دوره ۲۳، صص ۴۳-۶۰.
- مهدوی، پگاه؛ راسخی، سعید و کریمی مله، علی. (۱۳۹۸). «اثر مشارکت بر توسعه اقتصادی با تأکید بر انسجام اجتماعی». چهارمین کنفرانس بین المللی پژوهش های نوین در مدیریت، اقتصاد و توسعه.
- موثقی، سید احمد و کاهه، علیرضا. (۱۳۹۳). «دولت توسعه خواه و زمینه های توسعه در ایران، فصلنامه سیاست». مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی. دوره ۴۵، شماره ۴، صص ۹۶۷-۹۸۹.
- مورهد، گرگوری، گرینین، ریکی. (۱۳۸۵). رفتار سازمانی. غلامرضا معمارزاده و سید مهدی الوانی. چاپ نوزدهم. تهران: انتشارات مروارید
- هدی، فرل. (۱۹۷۸). مدیریت در کشورهای در حال توسعه، مدیریت عمومی (چشم انداز تطبیقی). حسن دانایی فرد، بروکراسی و توسعه در ایران، ابوالحسن فقیهی و حسن دانایی فرد. مؤسسه خدمات فرهنگی رسا. چاپ اول. ۱۳۸۵.
- واعظ زاده، ساجد؛ نقدی، اسدالله و ایاسه، علی. (۱۳۹۴). «مؤلفه های پایداری اجتماعی در برنامه های توسعه ایران». مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران. سال ۷، شماره ۲، صص ۴۵-۵۸.
- یحیی زاده فر، محمود و طهرانچیان، امیرمنصور. (۱۳۹۲). «سرمایه اجتماعی و توسعه مالی در ایران». پژوهش های رشد و توسعه اقتصادی، سال ۴، ۱۶، صص ۷۳-۸۹.
- Calderon, C, Chong, A. 7 Galindo, A. (2001). **“Structure and Development of Financial Institutions and Links with Trust: cross- country Evidence”**. Inter-American Development bank, working paper no 444, 1-25.
- Frits, Verna and Alina Rocha Menocal. (2007). **“Development State in the New Millennium: concept and challenges for a New Aid Agenda”**. Development policy Review, VOL. 25, No. 5, pp. 531-552.
- Hassan, M., Sanchez, B., Yu, J. (2011). **“Financial development and economic growth: New evidence from panel data”**. The Quarterly Review of Economics and Finance. 51(1): 88-104.
- Makiyan, N., Izadi, M.R. (2015). **“Financial Development and Economic Growth”**. Iranian Journal of Economic Research, 20(62): 139-162. (in persian)
- Papaionnou, E. (2013). **“Trust(ing) in Europe? How increased social capital can contribute to Economic Development”**. Ces Research paper, 1-130.

فرآیند چاپ مقاله در فصلنامه مطالعات راهبردی ورزش و جوانان



A Model for Sport Celebrity Endorsement (Wang and Scheinbaum Model Test in Mihan Company Dairy Products)

Narges Bakhshali Dehkordi

Ph.D. Student in Sport Management, Department of Sport Management, Faculty of Physical Education and Sport Sciences, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Reza Nikbakhsh

Ph.D., Associate Professor, Department of Sport Management, Faculty of Physical Education and Sport Sciences, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Abolfazl Farahani

Ph.D., Professor in Sport Management, Payame Noor University, Iran

Ali Mohammad Safania

Ph.D., Professor, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

*Received: 22 Feb. 2022
Accepted: 3 Jul. 2022*

The study is to design a model for sport celebrity endorsement (Wang and Scheinbaum model test in Mihan company dairy products). It was a descriptive correlational study based on structural equation modeling. The statistical population consisted of consumers who had bought Mihan Company's dairy products (products that were certified by athletes such as Seyed Mehdi Rahmati and Mehdi Mahdaviakia). The sample size was estimated based on SPSS Sample Power 360 software estimation software, which was selected by convenience sampling. The questionnaire of Wang et al. (2018) used to measure the variables. To ensure the validity of the instruments used, face validity and structural validity were used, respectively, and to ensure their reliability, Cronbach's alpha was used, and structural equation modeling was used to test the hypotheses. Based on the research findings, by removing non-significant paths, the theoretical model was identified as compatible with the experimental model. It was also found that source credibility directly affects brand credibility ($\beta=0/739$, $t=34/547$), purchase intention ($\beta=0/283$, $t=5/102$), brand attitude ($\beta=0/694$, $t=24/633$) and attitude towards the brand directly affects the purchase intention ($\beta=0/572$, $t=11/386$). In addition, the mediating role of brand attitude in the relationship between source credibility and purchase intention was significant ($\beta=0/397$, $t=20/526$). In contrast, the effect of brand credit on purchase intention ($\beta=0/095$, $t=1/463$) and the moderating role of the conflict in the relationship between brand credit and purchase intention ($\beta=0/047$, $t=0/762$) was not statistically significant. Therefore, it is necessary for Mihan Company to consider source credibility, which includes three factors of attractiveness, reliability and expertise, as the basis for selection in selecting sports celebrities to validate its dairy products.

Key Words: Celebrities, Source-Credibility, Consumer's Involvement, Endorsement, Purchase Intention and Brand Attitude.

Criteria of Civil Liability in Sports Law

Hadi Kazemi

Ph.D. Student in Physical Education and Sport Sciences, Faculty of Physical Education and Sport Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

Javad Shahlāei Bagheri

Ph.D., Associate Professor in Sport Management, Faculty of Physical Education and Sport Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

Saeid Sadeghi Boroujerdi

Ph.D Professor in Sport Management, Department of Physical Education and Sport Sciences, University of Kurdistan, Kurdistan, Iran

Habib Honari

Ph.D., Associate Professor in Sport Management, Faculty of Physical Education and Sport Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

Received: 10 Feb. 2021

Accepted: 6 Mar. 2021

8

The study is to identify and rank the criteria of civil liability in sports law. The method of the study was a survey that was conducted in the field. The research method was applied from the purpose perspective. The statistical population of included all experts and knowledgeable people in the field of sports law (sports experts and legal experts). 150 sports experts and 99 legal experts were identified as the research sample. The data collection tool was a researcher-made questionnaire whose questions addressed the criteria of civil liability in sports law. The face validity of the questionnaire was confirmed by examining the opinions of experts, the construct validity was confirmed using factor analysis and its reliability was confirmed by using Cronbach's alpha calculation. AHP method was used to rank the criteria of civil liability in sports law. The whole process of data analysis was performed using Super Decisions software. After conducting studies, 18 criteria were identified as criteria of civil liability in sports law. According to the results of the AHP method, it was found that the formation of special branches for sports litigation in courts with a normal score of 0/167, attention to the theory of fault as the basis of sports responsibility with a normal score of 0/145 and training in injury prevention skills in the time of performing sports techniques with a normal score of 0/138 is the most important criteria of civil liability in sports law. In general, the establishment of special branches for sports litigation in the courts can lead to a response to the area of civil liability in sports law.

Key Words: Civil Liability, Sports Law, Fault and Sports Litigation.

Mega Analysis of Key Trends Affecting the Future of Women's Professional Sports through Structural Analysis Approach

Parastou Rezaei

Ph. D. Student in Sports Management, Science and Research branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Mohammad Pourkiani

Ph. D., Assistance Professor in Sport Management, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

Sayyed Salahodin Naghshbandi

Ph. D., Assistance Professor in Sport Management, Science and Research branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Mohsen Bagherian

Ph. D., Assistance Professor in Sport Management, Science and Research branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Received: 3 Nov. 2020

Accepted: 9 Feb. 2021

Women's professional sports is one of the challenges in the field of sports in the country. In order to overcome this situation and develop it in the future, it is necessary to provide an early warning system in this regard and to review the current trends to formulate strategic plans. Given the importance of this issue, the study has identified and clustered trends affecting the future of Iranian women's professional sports. This research is descriptive-analytical in terms of applied goal setting strategy and its method. Theoretical data were prepared by documentary method and experimental data by survey method based on Delphi method. The participants were 20 experts and specialists in the field of women's sports who were selected by purposive sampling. Structural analysis approach and Micmac software have been used to analyze the data.

The results showed that the distribution of key variables affecting the future of women's professional sports in Iran is of an unstable system and 12 factors (among the 40 factors) played a key role in the future of women's professional sports: capital adequacy, private sector participation, income generation and commercialization of women's sports Government investment, attracting financial capital, increasing income level, increasing power and presence of women in sports, increasing the number of sports clubs in the field of women's sports, community support for the development of women's sports, increasing women covered by championship sports, support The media and gaining a quota in the Olympics. The use of these variables as a platform and guide for developing a roadmap and scenarios for the development of professional sports for Iranian women is very important.

Key Words: Trend Analysis, Sport, Women's Professional Sport and Structural Analysis.

Exploring the Organizational and Environmental Factors of Glass Ceiling Formation in Women Sports Management in Iran

Atefeh Habibi Rad

Ph.D. in Sport Management, Faculty of Physical Education and Sport Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

Habib Honari

Ph.D., Associate Professor, Faculty of Physical Education and Sport Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

Gholam Reza Shabani Bahar

Ph.D., Professor, Faculty of Physical Education and Sport Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

Sara Keshkar

Ph.D., Associate Professor, Faculty of Physical Education and Sport Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

10

Received: 11 Nov. 2020

Accepted: 9 Jan. 2021

Taking a qualitative approach and data-based methodology, the research is to investigate the contextual and intervening elements leading to the formation of glass ceiling Iranian women face in sports management. The data were collected through studying the documents and semi-structured interviews. In order to obtain the information, 16 experienced experts were chosen by Purposeful Sampling method. The data were analyzed through 3 steps of open, axial, and selective coding of the organizational (contextual) and environmental (intervening) elements. According to the obtained results, the central issue includes outdated social contexts and inter-individual interactions, dysfunctional economic and organizational systems, and lack of necessary legal frameworks. In case of contextual elements, 62 codes or primary concepts were extracted from the interviews. The codes were classified under 11 subcategories and 4 major categories including lack of sufficient regulation, organizational processes, individual, inter-individual behavior and media. In case of intervening elements, 15 open codes, 4 subcategories, and 2 major categories were grouped covering religion and economic states. Iranian women have certainly the potential for holding high managerial positions. Therefore, it is of great importance to analyze the factors playing a part in the formation of glass ceiling. If the necessity of the presence of women in management positions is not fully appreciated, all the efforts made to improve the women sports will be in vain.

Key Words: Public and Organizational Regulation, Media and Glass Ceiling.

A Developmental Model of the Structural Factors of the Championship Sport of the Karate Federation

Mohammad Batavani

Ph.D. Student in Strategic Management in Sport, Department of Physical Education, Borujerd Branch, Islamic Azad University, Borujerd, Iran

Hamid Foroughi Pour

Ph.D., Assistant Professor, Department of Physical Education, Borujerd Branch, Islamic Azad University, Borujerd, Iran

Mohammad Nikravan

Ph.D., Assistant Professor, Department of Physical Education, Borujerd Branch, Islamic Azad University, Borujerd, Iran

Najaf Aghaei

Ph.D., Associate Professor, Department of Physical Education, Kharazmi University, Tehran, Iran

Received: 1 Feb. 2020

Accepted: 19 Oct. 2020

The recent structures of sport in any countries should be cohesive and comprehensive and the current goals and activities and their consistency should be of logical scientific stability. The importance of the activities, goals, programming and the organizational structures must be explicit in the structures and plans of a sport organization. The study is to formulate a developmental model of the structural factors of the championship sport of the Karate Federation and it is a combined exploratory mixed study which was done in two steps. The first phase (qualitative phase) was a qualitative study using grounded theory method. The participants of the study were selected from the experts in the Karate field of the country. The data were collected through the snow ball method, deep and semi-structured interviews. Then, the data resulted from twenty interviews were encoded and analyzed through grounded theory method. The data were analyzed through open, axial and selective coding. The second phase of the study (quantitative phase) was done quantitatively using structural equation modeling method. For this purpose, 29 questions of the questionnaire were used based on the model of sport for all in Iran (derived from the qualitative phase of the study). The samples were selected among the Iranian athletes, coaches, sport staff involved in Karate Premier League using stratified random sampling method and 278 participants were selected based on Morgan table. The data were analyzed through exploratory and confirmatory factor analysis and structural equation modeling through using LISREL software.

The results showed that the media, financial resources, rules and regulations play important roles in top organizational decisions. They also showed special roles in preparing a suitable structure in sport developments of Iranian Karate Premier Sport.

Key Words: Patterns, Structural Factors, Championship Sport and Premier Karate.

State of Iranian Youth Football Development Based on Grassroots Football Program

Reza Khojasteh Eghbal

Master Degree in Sport Management, University of Tehran, Tehran, Iran

Majid Jalali Farahani

Ph.D., Associate Professor in Sport Management, University of Tehran, Tehran, Iran

Ebrahim Alidoost Ghahfarrokhi

Ph.D., Associate Professor in Sport Management, University of Tehran, Tehran, Iran

Received: 5 Mar. 2019

Accepted: 8 Jul. 2019

12

The study is to investigate the state of Iranian youth football development based on the Grassroots football program. The method of this research is descriptive-survey and it is a type of applied study that has been accomplished in field. The statistic population of study included officials of the Football Federation and National Football Center, top football schools managers and top youth football coaches of Iran (170 persons). According to the Morgan sampling table, 118 persons were selected as the statistical sample. In order to collect data, a researcher-made questionnaire and a standard check-list were used. The validity of the questionnaire were confirmed by the experts and its reliability was determined 0.91 based on Cronbach's alpha coefficient. In order to analyze data, descriptive statistic methods, Kolmogorov-Smirnov Test, One-sample t-test and Friedman distribution were used by SPSS-22. The results indicate that in all components, including the structure of Grassroots in the Football Federation, the knowledge of coaches, the training and experience of the learning of coaches and managers, the facilities and infrastructure of football schools, the organization of events, financial and Marketing, and achievement of objectives, Iranian youth football does not have a desirable status. Also, the prioritization of the components showed that the highest rank was related to the knowledge of coaches and the lowest rank was related to the financial and marketing. Therefore, the most important practical actions are preparation of the Grassroots' Charter, launching of e-learning opportunities, approval of the monopoly budget, investments in the Grassroots' facilities and equipment development plans, using of sponsors' assistance and the promotion of philosophy and activities of Grassroots football.

Key Words: Football, Youth Football, Football Development and Grassroots Program.

Role of Mediating the Attitude of Sport in a Realistic Relationship with the Orientation of the Iranian Volleyball League

Mozhgan Ahmadian

Ph.D. Student in Sport Management, Sport Management Department, Faculty of Physical Education and Sport Sciences, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Akbar Afarinesh Khaki

Ph.D., Assistant Professor, Sport Management Department, Faculty of Physical Education and Sport Sciences, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Reza Nikbakhsh

Ph.D., Associate Professor, Sport Management Department, Faculty of Physical Education and Sport Sciences, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

13

Received: 15 Oct. 2018

Accepted: 20 Apr. 2019

The study is to explain the role of mediating sports attitude in the relationship between the theory of documents on the fitness of sports players in Iran's volleyball league based on the players' point of view and the model of the model. Descriptive and applied research method, the statistical society of Iran's volleyball players was 24 teams and 288 people. The instruments used in this study were three questionnaires: attribution styles, athletic athletic attitude and sport orientation. Descriptive statistics, regression test, t-test, Pearson, Friedman, variance, and Watson and structural equations for modeling were used. The results showed that there is a significant relationship between athletic attitude with victorious component and sport orientation with optimistic component. Prioritizing the attitudes of sports includes the success, power and failure of the defeat, but at the post of Libero, the failure and the power post. Sport orientation components at the post of Libero, behind and behind the line of women Objectivism, victoriousness, competition, the power of Spokker and defense, victoriousness, competition, goal-oriented and fast-paced post, goal-oriented, competitive, victory in rankings The first is Tassom. In the documentary style, the post is an optimistic and pessimistic component. And the fit of the structural model is moderately upward.

Key Words: Athletic Players' Point of View, Sports Orientation, Volleyball League, Documentary Theory and Sports Attitude.

Mental Patterns of Iranian Football Players in League 1 about Team Performance through Q Methodology

Ramazan karimi

Ph.D. Student in Sport Management, Kermanshah Branch, Islamic Azad
University, Kermanshah, Iran

Saeed Sadeghi Boroujerdi

Ph.D., Professor in Sport Management, University of Kurdistan, Kurdistan,
Iran

Bahram Yoosefy

Ph.D., Associate Proffesor in Sport Management, Razi University,
Kermanshah, Iran

*Received: 18 Apr. 2019
Accepted: 6 Jul. 2019*

14

The study is to identify the mental patterns of the team performance process in Football players with a mixed approach (quantitative - qualitative) and using Q methodology. The course in this study included 18 people (6 sports management professors, 6 experienced coaches and 6 successful players with B.A. and M.A. degree of education who were selected purposefully). The statistical population of the study consisted of the players of the first league football teams of the country, 21 of them were selected purposefully. Based on interviews and reviewing the research literature, 36 Q's statements were extracted and presented in a 36-card questionnaire and one Q-type questionnaire for the players to determine their degree of agreement or opposition. Based on the results of Q-type exploratory factor analysis, participants' mentality was categorized into five factors: team motivation, team quality, team learning, team skills, and team decision. These patterns explain 62.28% of total variance. Based on the results of this study, it is recommended to the managers of the country's sports system that in order to evaluate the performance of the coaches and the sports teams, in addition to the current ranking in the end of the season, other goals of the performance process, such as the identified patterns of the research.

Key Words: Mental Attitude, Team Performance Process, Iranian Football League and Q Method.

The athletes' Right to Privacy within International Regulations on Fighting against Doping from the perspective of European Court of Human Rights

Bitā Hamzavi Azad

Postgraduate Student in International Law, Qom University, Qom, Iran

Mohammad Setayeshpour

Ph.D, Assistant Professor in International Law, Qom University, Qom, Iran

Received: 8 Jun. 2020

Accepted: 22 Aug. 2020

15

As a basic rule, the right to privacy in addition to its ethics significance weighs a particular legal position at national and international domains in today's world. The international law has attempted to protect people's right to privacy (Positive commitments) as the human rights issue finds its validity throughout the world. In international law sources particularly in legally binding instruments under international law including European Convention on Human Rights, this privacy has been recognized as a right. The European Convention on Human Rights explicitly expresses the athletes' right to privacy, calling for separate regulations to be passed over it. Findings and results obtained in order to taking an exact stock on the performance of the European Court of Human Rights against the claims related to the violation of Article 8, by analytical-documentary study method and comparative study of cases, European Court of Human Rights reflecting the right to privacy issue, the present essay has shown that the court afore cited is considered as the most advanced and internationally recognized legal court. While protecting and exercising the provisions of the mentioned article in the light of its procedure with an aim to give supports to athletes' health, the court in addition to fostering the athletes' right to privacy has also managed to develop this trend. The conclusion is that the European Court of Human Rights has acted in accordance with the principles and objectives of the European Convention and has taken a consistent and fair approach to compliance with human rights principles and standards in the face of allegations of invasion of privacy.

Key Words: Right to Privacy, European Convention of Human Rights, Athletes and Fighting against Doping Convention.

Presentation of Iran Sports Coaching Components

Alireza zamani

Ph.D. Student in Sport Management, Departement of Sport Sciences, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran

Shahram Arouf Zad

Ph.D., Assistant Professor in Sport Management, Faculty of Sport Sciences, Isfahan Farhangian University, Isfahan, Iran

Rasool Nazari

Ph.D., Associate Professor in Sport Management, Faculty of Sport Sciences, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran

Ahmadreza Movahedi

Ph.D., Professor in motor bahavior, Faculty of Physical Education and Sport Sciences, Isfahan University, Isfahan, Iran

Received: 11 May 2020

Accepted: 28 Jul. 2020

16

The study is to identify of Iran' sport coaching themes that was done in a mixed method with an exploratory research design. The statistical population of the study was in the qualitative part of coaches and athletes who had at least ten years of continuous experience at high levels of sports and had physical education and sports science education. In this section, in-depth interviews were conducted with 20 coaches and athletes. Theoretical saturation was obtained in interview 17, but three more interviews were conducted. The interviews were identified using the theme analysis method and three global themes, 12 organizing themes and 41 basic themes. Three global themes were identified, including interpersonal, intrapersonal, and environmenta (contextual) themes. Interpersonal themes included management, coaching skills, coaching behavior, and social relationships. Intrapersonal themes included personal characteristics, philosophy, coaching knowledge, and desire to grow and excel. Environmental themes included role-playing, competition position, training position, and environmental conditions. The population of the quantitative section included coaches and athletes of the country and the sample included coaches and athletes who had at least 10 years of experience in various disciplines and areas and worked at the provincial and national levels. To collect data in the quantitative section, a questionnaire consisting of 50 questions including 9 demographic questions and 41 questions corresponding to the themes identified in the qualitative section was prepared and after confirmation of face validity by experts and obtaining appropriate reliability ($\alpha=0/97$) was completed by 380 respondents.

The results of the structural equation model confirmed all themes. The global interpersonal theme had the highest factor loading, and the environmental global theme had the lowest factor loading. The findings showed that sports coaches need to pay more attention to the interpersonal components of coaching and with it the growth and development of intrapersonal and environmental components of coaching.

Key Words: Mixed Method, Coaching, Interpersonal Theme, Intrapersonal Theme, Contextual Theme and Sport.

A Pattern of Factors Affecting on Administrative-Financial Corruption in the Sport Organizations

Ali Naghi Ansari

Ph.D. Student in Sport Management, Department of Sport Sciences, Yasouj University, Yasouj, Iran

Sayyed Ehsan Amir Hosseini

Ph.D., Associate Professor, Department of Sport Sciences, Yasouj Branch, Islamic Azad University, Yasouj, Iran

Mehrzaad Hamidi

Ph.D., Associate Professor, Department of Sports Management, Faculty of Physical Education and Sport Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran

Received: 20 Apr. 2019

Accepted: 6 Feb. 2021

17

Due to wide range of their operations and frameworks at the community, the sport organizations usually exposed to risks of corruption. The research is to design a pattern for factors affecting on administrative-financial corruption in the sport organizations. The statistical population is consisted of all sport and youth departments employees in Iran which selected by cluster sampling method based on the Cochran formula. The data was obtained by distributed questionnaires that was analyzed with the structural equations and partial last squares method by using the Smart. P.L.S software.

The results showed that organizational factors have a significant (29/9%) effect on administrative-financial corruption and the individual factors are of a significant effect (about 31%). Also, among the organizational factors, the control and monitoring have greatest impact and the organizational transparency is of least impact. Among the individual factors, the benefits has greatest impact and the social capital is of least impact.

Key Words: Sport Organizations, Organizational Factors, Individual Factors, Administrative Corruption and Financial Corruption.

Identification and Ranking of the Factors Affecting Participation in Charitable Activities by the Charity Sports Helper

Ebrahim Deldar

Ph.D. Student in Sport Management, Faculty of Physical Education and Sport Management, University of Tehran, Tehran, Iran

Ghodratoallah Bagheri Ragheb

Ph.D., Associate Professor in Sport Management, Faculty of Physical Education and Sport Management, University of Tehran, Tehran, Iran

Azita Shahpar Tawfigh

Ph.D. in Sport Management, Urmia University, Urmia, Iran

Received: 4 May 2019

Accepted: 26 Jun. 2019

18

The study is to identify and rank the factors affecting the charity by the sports helper. The statistical population of the study consisted of the charities of the yard who had full knowledge of the subject matter of the research. Based on the Purposive sampling, 18 individuals were identified as the sample of the study. In order to identify the factors affecting the charity by the charity sports helper, the theoretical foundations of the research as well as expert opinion were used. To this end, the researcher first identified a number of factors by identifying the primary factors extracted from the articles and then, using the views of the team of experts, to finalize these factors. In the final study, seven factors affecting charity were identified by the benefactors of the sport, including religious beliefs, interest in sports, the acquisition of a social basis, memorials for the past, justice, social commitment, and personal requests. Electricity method was used to rank the factors. All data analysis process was performed using Electre SoLver software. According to the results of the method of the electrotherea, it has been determined that religious beliefs with overcome 6, the most important factor and personal requests with zero overlays, are the least important factor in the charity giving by the charity.

Key Words: Three-Branch Theory, Religious Beliefs, Social Justice, Social Basis and Waqf (Charity).

Effects of Investment Development on Economic Empowerment of Iran's Sports Industry: An Exploratory Study

Abolfazl Emami

Ph.D. Student in Sport Management, Ayatollah Amoli Branch, Islamic Azad University, Amol, Iran

Farshad Emami

Ph.D., Assistant Professor, Sport Management Department, Ayatollah Amoli Branch, Islamic Azad University, Amol, Iran

Mostafa Afshari

Ph.D., Assistant Professor in Sport Management, Sport Science Research Institute of Iran, Tehran, Iran

19

Received: 11 Oct. 2020

Accepted: 1 Dec. 2020

Today, the sport is considered one of the diverse industries in world trade. It is also economically an important factor in reviving the national economy in many countries. The study is to analyze the effects of investment development on economic empowerment of Iran's sports industry. The research method was mixed and exploratory such that, at first, fifteen sports experts were chosen through purposive sampling and were interviewed in depth. Following qualitative data themes analysis, 101 different codes were extracted in six main themes and Seventeen sub-themes. Also, investment development questionnaire encompassed 79 questions and economic empowerment was designed with twenty questions ($\alpha > 0.80$). The study population consisted of all individuals with a management background in sports, university professors and experts in the field of economics, management and marketing of sports whom were administered the questionnaires of which 197 were returned. The research findings in the qualitative part revealed six variables of investment development, and in the quantitative part showed that the research model would have the goodness of fit and investment development affects the economic empowerment of Iran's sports industry. In this regard, it is suggested that in case, economic policies are defined to create an open space based on economic liberalization in order to access new markets, foreign capital and new technology, and measures are taken to increase economic stability, capital risk; investment will decrease and, consequently, the flow of domestic and foreign investment in the country's sports industry will increase.

Key Words: Capital Attraction, Sports Industry, Economic Growth and Structural Equations Modeling.

Role of Government in Developing the Use of Renewable Energy in Sport Facilities (An Exploratory Mixed Research through Meta-Synthesis Method)

Samad Goodarzi

Ph.D. Student in Sport Management, Faculty of Physical Education and Sport Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran

Ghodratoallah Bagheri Ragheb

Ph.D., Associate Professor in Sport Management, Faculty of Physical Education and Sport Management, University of Tehran, Tehran, Iran

Ebrahim Alidoust

Ph.D., Associate Professor in Sport Management, Faculty of Physical Education and Sport Management, University of Tehran, Tehran, Iran

Hamid Reza Yazdani

Ph.D., Assistant Professor in Sport Management, Faculty of Physical Education and Sport Management, University of Tehran, Tehran, Iran

20

Received: 17 May 2019

Accepted: 17 Jul. 2019

The study is to investigate the role of the government in developing the use of renewable energy in sport facilities. The research is of exploratory mixed type. In qualitative part, meta-synthesis method was used for recognizing the dimensions of the government's role on development of the use of renewable energy. In quantitative part, first the validity of the model was approved based on the experts' survey and then, fitness of the model was checked by confirmatory factor analysis. In meta-synthesis phase, the studied population included the relevant theses and research papers (35 cases); in experts' survey, the population included 7 Academic experts of renewable energy area, and in factor analysis phase, the population included the managers and experts of Renewable Energy Organization, managers of the companies working in the area of renewable energies, managers and experts of the Organization of Developing and Equipping Sport Facilities and subsidiary departments, and the Academic experts of renewable energy area (676 people). In the first and second phases, sampling method was total population, and in factor analysis phase, the sampling was done by stratified method and 240 people were selected based on Morgan table. Using meta-synthesis, 26 codes identified were divided into 5 concepts of political system, energy policies and strategies, its economic situation, governmental support, and the structure of the energy sector. Validity of the model was obtained as 0.893 by sigma counting method. The results of factor analysis showed that the model has a proper fitness and the codes and concepts identified in the development of the use of renewable energy in sporting facilities are involved. In general, it is concluded that the role of government is a supportive and policy making role with the goal of providing the conditions required for the use of renewable energy in sport facilities.

Key Words: Government, Renewable Energy, Sport Facilities and Meta-Synthesis.

Developing Sociopathological Model for Leisure Time Planning with Physical Activity Approach in Tehran Province

Mohsen Esmaeili

Ph.D., Assistant Professor in Sport Management, Sport Science Research Institute of Iran, Tehran, Iran

Tahmasb Shirvani

Ph.D. in Sport Management, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

Shamsoddin Rezaei

Ph.D., Assistant Professor in Sport Management, Ilam University, Ilam, Iran

Mostafa Afshari

Ph.D., Assistant Professor in Sport Management, Sport Science Research Institute of Iran, Tehran, Iran

21

Received: 24 Apr. 2019

Accepted: 30 Jun. 2019

Planning is the fundamental basic of all the activities of organization. The purpose of present research was to review sociopathological issues of current planning process in leisure time of the people of Tehran province and present a desirable pattern. The research method was exploratory and qualitative using grounded theory technique. The statistical population included all the experts of leisure time planning in sports organizations of Tehran province. samples consisted of managers, planning staff of Tehran sport and youth administration, Sport Boards and Municipal Sports Organization and faculty members who are stakeholder in the area of leisure and sports ($n=21$). Purposive and snowball technique were used for sampling. Data were collected using theoretical study and interviews. To analyze data, coding and grounded theory with systematic approach were used. The results indicated that the concept of leisure planning with focusing on sport as a pivotal phenomenon could play a pivotal role in relation to other categories.

The necessity for planning based on the new needs of consumers was emphasized and strategies of customer-oriented planning, approach oriented planning, adaptive studies, structural oriented and environmental oriented were considered as the main strategies. Considering these strategies could have positive personal, social, economic and sporting consequences.

Key Words: Customer, Game, Recreational Sports, Free Activity, Sport and Youth.

An Iranian Premier League Business Model Based on Osterwalder Ontology

Khayyam Akbari Asl Hasoni

Ph.D. Student in Sport Management, University of Tabriz, Tabriz, Iran

Yaghub Badri Azarin

Ph.D., Associate Professor, University of Tabriz, Tabriz, Iran

Mohammad Rasoul Khodadadi

Ph.D., Assistant Professor, University of Tabriz, Tabriz, Iran

Received: 8 Dec. 2019

Accepted: 8 Feb. 2020

Sport industry by having many capabilities in holding sports events, especially in the field of professional leagues has a great ability to generate income. The Premier Football League is one of the most important businesses in the Iranian sports industry. Therefore, addressing this issue is one of the issues that is very necessary for the country's sports industry. The present study was conducted with the aim of explaining the business model of the Iranian Football Premier League in two parts with two qualitative and quantitative approaches. The qualitative part was done with the help of MAXQDA software by phenomenological method and by using semi-structured interviews by interpreting the views and impressions of 30 experts who were selected by snowball method. In this section, the business canvas of the Iranian Football Premier League was obtained based on Osterwalder ontology. The quantitative part was conducted using a standard questionnaire and the participation of 80 informed people as a research sample who were selected by purposive non-random sampling method. Data analysis in this section was performed using Smart PLS software. The results showed that there is no significant relationship between key partners with the structure of costs and key resources, customer segments with revenue stream and key resources with the proposed values and distribution channel. The results of the present study are a roadmap for structural pathology and developing compensatory strategies to create an integrated structure and a comprehensive communication framework in all aspects of the Iranian Football Premier League business canvas.

Key Words: Football Premier League, Business Canvas, Osterawlder and Ontology.

Strengthening Factors of Marriage in Iranian Culture

Ardeshir Kiani

Ph.D. in Counseling, Manager of Yas Counseling Center, Tehran, Iran

Shokouh Navabinejad

Ph.D., Professor, Counseling Department Faculty of Psychology and Educational Sciences, Kharazmi University, Tehran, Iran

Khodabakhsh Ahmadi

Ph.D., Professor, Behavioral Sciences Research Centre, Baqiyatallah University of Medical Sciences, Tehran, Iran

Davood Taghvaei

Ph.D., Associate Professor, Department of Psychology, Arak Branch, Islamic Azad University, Arak, Iran

Received: 14 Apr. 2021

Accepted: 22 May 2021

23

Marriage as the most important and highest social tradition to achieve the emotional needs of individuals has always been emphasized and plays a fundamental role in forming a healthy family. The study is to identify the strengthening factors of marriage taking into account Iranian culture.

This study was a mixed type and in the qualitative part of the content analysis approach and reviewing sources and literature of the last ten years and in the quantitative part of the data collected using descriptive method and Pearson correlation and confirmatory factor analysis using 24 AMOS software analysis were. The members of the sample group were selected based on the input criteria and by available sampling.

The results showed that the checklist items that strengthen marriage were identified in the qualitative section of the acceptable ability to assess underlying factors such as family of origin and cultural, social and economic components and individual factors such as personality, moral and belief characteristics and factors of marriage including homology. And had consensus and intellectual sufficiency and marital factors including sexual / marital issues, communication skills and issues of childbearing and child rearing.

A better understanding of the factors that strengthen marriage can provide a good way to model a successful marriage. It also helps marriage and family counselors and psychologists to help young people on the verge of marriage and increase the welfare of couples and reduce social harms, more beneficial and professional.

Key Words: Marriage Stability, Strengthening Factors and Iranian culture.

A Model for Leadership Components of Emotion Foundation in order to Attract Talented Young People to Participate in Educational Programs

Dariush Heidari

Ph.D. Student in Educational Management, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran

Elham Kaviani

Ph.D., Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran

Frank Mousavi

Ph.D., Associate Professor, Department of Educational Management, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran

Susan Lai

Ph.D., Assistant Professor, Department of Educational Management, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran

24

Received: 1 Apr. 2021

Accepted: 15 Jun. 2021

The study is to design a model for leadership components of Emotion Foundation in order to attract talented young people to participate in educational programs. This research has qualitative factors and grounded theory method has been used as the research method. The statistical population of the study includes experts and university professors in the fields of educational management and experts who have done research in this field. These individuals were selected as snowballs for qualitative interviews on the subject of research (12 interviews with 12 Continued until theoretical saturation). The validity of the research tool was reviewed and confirmed by the interviewees and then by expert professors. Reliability was obtained by using the process study audit method of 72.8% results. For data analysis, continuous comparison method was used during the two stages of open and axial coding, and finally 26 concept codes and 5 main categories (axial code) were extracted. These categories include behavior-based, environment-based, reward-based, cognitive-based, and physiological-based. The results of the present study can be used to attract talented young people to participate in organizational and educational programs.

Key Words: Qualitative Research, Reward, Environment, Behavior and Cognition.

Social and Cultural Determinants of Crime among the Youth of Alborz Province: A Systematic Review

Aliasghar Esmaelzadeh

Ph.D., Associate Professor, Department of Social Pathology, Alborz Jahad Daneshgahi, Alborz, Iran

Received: 8 Mar. 2021

Accepted: 22 May 2021

25

The city of Karaj has special features that distinguish it from other metropolises, including the existence of suburbs and prisons within the city. The study is to investigate the social and cultural determinants of crime which was conducted in 2020. The method of the present research is meta-analysis of the content of texts. The statistical population is the research conducted in the field of crimes and social deviations. The total volume of the samples was 3001, which in addition to showing the importance of the present study can increase the accuracy of the results of the present study.

The findings showed that Durkheim's theory of anomie was the most used theory in the reviewed studies. Immigration and peer variables were the most commonly used variables. "Drug use and trafficking" has been studied as a dependent variable more than other crimes and social deviations with four cases in the study. Gender, age and education have been the main variables in explaining crime. Men were guiltier than women and immigrants were guiltier than the natives.

The results showed that the findings of the study are consistent with the results of some other studies, but a review of theoretical approaches to crime shows a change in the reading of crime. Also, the results of Chi-square test showed that in spatial analysis of crime, the variables of darkness and light, solitude and coziness of crime scene, time of occurrence and locality and population density were significantly associated with the type and extent of crime.

Key Words: Crime, Social Determinants, Youth and Alborz Province.

Sociological Factors Affecting the Attitude towards the Development Performance of Government Officials in Iran (From the Perspective of the Students in Islamic Azad University and State University- Zanjan)

Parviz Maleki

Master Degree in Sociology, Zanjan Branch, Islamic Azad University, Zanjan, Iran

Chenour Zohrabi

Master Degree in Social Research, Zanjan Branch, Islamic Azad University, Zanjan, Iran

Zabihollah Sadafi

Ph.D., Assistant Professor, Department of Social Sciences, Zanjan Branch, Islamic Azad University, Zanjan, Iran

Alireza Jahangiri

Ph.D. Student in Sports Sociology, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

26

Received: 21 Jun. 2021

Accepted: 18 Jul. 2021

The study is to explaining the sociological factors affecting the attitude towards the development performance of government officials in Iran. . This method was based on a practical purpose and a survey type.390 students of Islamic Azad University and State University - Zanjan were selected by cluster random sampling. The method of data collection was field and using a questionnaire. The validity of the research instrument was confirmed by face-to-face method and its reliability by Cronbach's alpha coefficient (0/8). The data analysis was performed using SPSS software using descriptive statistics including frequency tables, means, variance and to test the hypotheses, Pearson R and regression. Based on regression analysis, Attitudes of students (State University and Islamic Azad University of Zanjan), to the development performance of government, among middle-aged students (+ 0/13), (respectively the most effect) to: (Attitude to political development V2 (0/49), the attitude depends on economic development V1 (0/44) and participation in X9 elections (+0/14). b) Among the independent variables included in the regression model and independent variables outside the equation, the largest share of change Attitudes toward government development performance (74% of the total variance) are related to students' attitudes toward government political development management and government economic management; Which is directly related to and enhances the attitude of students (elderly and with high participation in elections, including the State University and the Islamic Azad University - Zanjan) towards the development performance of government officials.

Key Words: Attitude, Development Performance, Statesmen, Political Development, Economic Development, Social Development and Cultural Development.

CONTENTS

A Model for Sport Celebrity Endorsement (Wang and Scheinbaum Model Test in Mihan Company Dairy Products)

Narges Bakhshali Dehkordi/ Reza Nikbakhsh/ Abolfazl Farahani/ Ali Mohammad Safania **7**

Criteria of Civil Liability in Sports Law

Hadi Kazemi/ Javad Shahlaei Bagheri/ Saeid Sadeghi Boroujerdi/ Habib Honari **8**

Mega Analysis of Key Trends Affecting the Future of Women's Professional Sports through Structural Analysis Approach

Parastou Rezaei/ Mohammad Pourkiani/ Sayyed Salahodin Naghshbandi/ Mohsen Bagherian **9**

Exploring the Organizational and Environmental Factors of Glass Ceiling Formation in Women Sports Management in Iran

Atefeh Habibi Rad/ Habib Honari/ Gholam Reza Shabani Bahar/ Sara Keshkar **10**

A Developmental Model of the Structural Factors of the Championship Sport of the Karate Federation

Mohammad Batavani/ Hamid Foroughi Pour/ Mohammad Nikravan/ Najaf Aghaei **11**

State of Iranian Youth Football Development Based on Grassroots Football Program

Reza Khojasteh Eghbal/ Majid Jalali Farahani/ Ebrahim Alidoost Ghahfarrokhi **12**

Role of Mediating the Attitude of Sport in a Realistic Relationship with the Orientation of the Iranian Volleyball League

Mozhgan Ahmadian/ Akbar Afarinesh Khaki/ Reza Nikbakhsh **13**

Team Performance through Q Methodology

Ramazan karimi/ Saeed Sadeghi Boroujerdi/ Bahram Yoosefy **14**

The athletes' Right to Privacy within International Regulations on Fighting against Doping from the perspective of European Court of Human Rights

Mohammad Setayeshpour/ Bita Hamzavi Azad **15**

Presentation of Iran Sports Coaching Components

Alireza zamani/ Shahram Arouf Zad/ Rasool Nazari/ Ahmadreza Movahedi **16**

A Pattern of Factors Affecting on Administrative-Financial Corruption in the Sport Organizations

Ali Naghi Ansari/ Sayyed Ehsan Amir Hosseini/ Mehrzad Hamidi **17**

Identification and Ranking of the Factors Affecting Participation in Charitable Activities by the Charity Sports Helper

Ebrahim Deldar/ Ghodratoallah Bagheri Ragheb/ Azita Shahpar Tawfigh **18**

Effects of Investment Development on Economic Empowerment of Iran's Sports Industry: An Exploratory Study

Abolfazl Emami/ Farshad Emami/ Mostafa Afshari **19**

Role of Government in Developing the Use of Renewable Energy in Sport Facilities (An Exploratory Mixed Research through Meta-Synthesis Method)

Samad Goodarzi/ Ghodratoallah Bagheri Ragheb/ Ebrahim Alidoust/ Hamid Reza Yazdani **20**

Developing Sociopathological Model for Leisure Time Planning with Physical Activity Approach in Tehran Province

J Mohsen Esmaeili/ Tahmasb Shirvani/ Shamsoddin Rezaei/ Mostafa Afshari **21**

An Iranian Premier League Business Model Based on Osterwalder Ontology

Khayyam Akbari Asl Hasoni/ Yaghub Badri Azarin/ Mohammad Rasoul Khodadadi **22**

Strengthening Factors of Marriage in Iranian Culture

Ardeshtir Kiani/ Shokouh Navabinejad/ Khodabakhsh Ahmadi/ Davood Taghvaei **23**

A Model for Leadership Components of Emotion Foundation in order to Attract Talented Young People to Participate in Educational Programs

Dariush Heidari / Elham Kaviani/ Frank Mousavi/ Susan Lai **24**

Social and Cultural Determinants of Crime among the Youth of Alborz Province: A Systematic Review

Aliasghar Esmaelzadeh **25**

Sociological Factors Affecting the Attitude towards the Development Performance of Government Officials in Iran (From the Perspective of the Students in Islamic Azad University and State University- Zanjan)

Parviz Maleki/ Chenour Zohrabi/ Zabihollah Sadafi/ Alireza Jahangiri **26**

Editorial Board

Seyyed Abdol Hamid Ahmadi

Associate Professor in Physical Education (Sport Physiology)
Academic Center for Education, Culture and
Research (ACECR)

Mohammad Javadipour

Associate Professor in Educational Planning Curriculum
Development & Instruction Methods Department Faculty of
Psychology and Educational Sciences University of Tehran

Seyyed Nasrollah Sajjadi

Full Professor in Physical Education (Management and
Planning) Sport Management Department Faculty of Physical
Education and Sport Sciences University of Tehran

Gholam Reza Shabani Bahar

Full Professor in Physical Education (Management and
Planning) Management and Planning in Physical Education
Department Physical Education and Sport Sciences
Department Allameh Tabatabai University

Rasoul Sadeghi

Associate Professor in Sociology Demography Department
Faculty of Social Sciences University of Tehran

Farzad Ghafouri

Associate Professor in Physical Education (Management and
Planning) Management and Planning in Physical Education
Department Faculty of Physical Education and Sport Sciences
Allameh Tabatabai University

Kourosh Fathi Vajargah

Full Professor in Educational Planning Higher Education
Department Faculty of Education and Psychology Shahid
Beheshti University

Reza Gharakhanlou

Full Professor in Physical Education (Sport Physiology)
Physical Education Department Faculty of Humanities Tarbiat
Modares University

Shahla Kazemipour

Associate Professor in Sociology Demography Department
Faculty of Social Sciences University of Tehran

Abbass Ali Gaeini

Full Professor in Physical Education (Sport Physiology) Sport
Physiology Department Faculty of Physical Education and
Sport Sciences University of Tehran

QUARTERLY OF STRATEGIC STUDIES ON YOUTH AND SPORTS

● No.56. ● Summer 2022 ●

● E-ISSN: 2821-1286 ●

● P-ISSN: 2821-1278 ●

● Concessionaire: Ministry Of Sports and Youth ●

● Director: Reza Nikbakhsh ●

● Editor-in-Chief: Seyyed Nasrollah Sadjadi ●

● Office Manager: Zahra Kamalian ●

● Typist: Mahdie Mansori ●

**MINISTRY OF SPORTS AND YOUTH
STRATEGIC STUDIES AND RESEARCHES CENTER**

● Add: No.4. Sayeh St. Afriqa Blvd. Tehran, Iran ●

● Tel: +98(21)22662369 ●

● Fax: +98(21)22662260 ●

● <http://faslname.msy.gov.ir> ●

*In the name of
Allah, the
Beneficent, the
Merciful.,*